

خانه، فرهنگ، طبیعت

در معماری ایران

بررسی معماری خانه های تاریخی و معاصر
به منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه

تحقیق و تألیف: محمدرضا حائری مازندرانی

سرشناسنامه	: حائری، محمدرضا، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: خانه، فرهنگ، طبیعت در معماری ایران / تحقیق و تألیف محمدرضا مازندرانی حائری؛ [برای] وزارت راه و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۰ ص : مصور (بخشی رنگی)، نقشه (رنگی).
شابک	: 978-600-90182-9-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
یادداشت	: عنوان دیگر: خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور ...
عنوان دیگر	: خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور ...
موضوع	: معماری خانگی -- ایران.
موضوع	: معماری خانگی -- ایران -- طرح و نقشه.
موضوع	: معماری -- ایران -- عوامل انسانی.
موضوع	: معماری -- ایران -- عوامل اقلیمی.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۷ خ۲۴ح/NAV۴۲۱
رده بندی دیویی	: ۷۲۸/۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۳۳۰۳۰۲



وزارت راه و شهرسازی
معاونت شهرسازی و معماری
دفتر معماری و طراحی شهری

خانه، فرهنگ، طبیعت در معماری ایران بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه

تحقیق و تألیف: محمدرضا حائری مازندرانی

گروه محتوایی و بازخوانی: سپیده السادات عابدی، شبنم السادات اسماعیلی

ویراستار: شبنم السادات اسماعیلی

طراح گرافیک: آوا زاکری فردی

آیین نگارش: جمیله نصرالله زاده

ناشر: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری

چاپ دوم: ۱۳۹۵

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

ISBN: 978-600-90182-9-1

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۱۸۲-۹-۱

* کلیه حقوق کتاب برای ناشر محفوظ است.

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه بر نگذرد

قدردانی

پروردگار را شکر می‌گوییم که توفیق انتشار این کتاب فراهم گشته است. این کتاب دستاورد سه دهه پژوهش را در درون خود، نهفته دارد. شروع پژوهش باز می‌گردد به اواخر دهه ۱۳۵۰ که با ارائه پایان‌نامه فوق لیسانس با نام «برخوردی همه‌جانبه با شکل‌گیری فضا در شهر»، پایه‌ریزی شد و هم‌چنین آشنایی با شهر کاشان که در نیمه اول دهه ۵۰ صورت گرفت و کاشان شهری شد که مطالعات موردی پایان‌نامه بدان تعلق گرفت.

محتوای کتاب از طریق خانه ایرانی در مسیر شناخت معماری ایران گام برمی‌دارد و در این مسیر از راهنمایی‌ها و حمایت‌های بسیاری بهره برده‌ام و به خاطر آنچه که از دانشگاه رسمی که از آن فارغ‌التحصیل شدم و آنچه که از دانشگاه‌های غیر رسمی - شهرها و بناهای ایران - آموخته‌ام خود را مدیون می‌دانم. در همین زمینه از اساتید دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی که در دوران دانشجویی (سال‌های ۵۷ - ۱۳۵۰) یک حرف، دو حرف بر زبانم نهادند و مرا معماری و شهرسازی آموختند، قدردان و شاکرم.

همچنین از مسئولین وزارت مسکن و شهرسازی، معاون ارجمند معماری و شهرسازی جناب مهندس فرجامی، مدیر گرامی دفتر طراحی شهری این وزارتخانه، جناب مهندس میثاقیان، مدیر محترم مرکز مطالعاتی تحقیقاتی، جناب مهندس طبرسا و همکاران مهربان و پیگیرشان که چاپ این کتاب را در دستور کار قرار دادند، قدردانی بسیار دارم و به علاوه جا دارد که از جناب مهندس دانشیان و اعضای شورای نشر وزارتخانه که چاپ کتاب را پس از یازده سال، مجدداً به صحنه آوردند سپاسگزاری نمایم.

در سال ۱۳۷۲، معاونت معماری و شهرسازی وقت وزارت مسکن و شهرسازی، با توجه به مجموعه پژوهش‌هایی که درباره کاشان و معماری ایران انجام داده بودم، به قصد فراهم‌ساختن بستری برای تدوین ضوابط و مقررات طراحی مسکن معاصر، پروژه‌ای را به اینجانب پیشنهاد کردند که ثمره آن در سال ۱۳۷۴ با بیش از هزار صفحه در چهار مجلد ارائه شد. پس از آن قرار شد که چهار مجلد به صورت فشرده‌تر در قالب یک کتاب تحویل شود که این کار در سال ۱۳۷۵ انجام شد و با تغییر مسئولان وزارتخانه، مجدداً در سال ۱۳۷۶ کتاب به صورت جلدشده تحویل دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری شد؛ و تا سال ۱۳۸۶ به همان صورت باقی ماند. لیکن قدردانی اینجانب برای مهندس سیدرضا هاشمی که در سال ۱۳۷۲ معاونت وزارت مسکن و شهرسازی را بر عهده داشتند و همکارانشان که به انجام رسیدن این تحقیق کمک کردند - سرکار خانم مهندس شهلا مالک، سرکار خانم مهندس لادن وجدانی و جناب آقای مهندس ناصر بنیادی هم‌چنان مستدام و باقی است.

این پژوهش سال‌ها پیش از سال ۱۳۷۲ در مقیاس شهر آغاز شده بود و بعد در مقیاس خانه‌ها، بناهای شهری و معماری ایران عمیق‌تر شد و هم‌چنان ادامه دارد. در انجام این پژوهش، خانواده‌های بسیاری صمیمانه همچون فرزندان‌شان مرا پذیرفتند و تجربه‌های خود را در اختیار گذاشتند. در اینجا به نمایندگی همه خانواده‌هایی که در خانه‌هایشان مرا و گروه پژوهشی همراه را پذیرا و راهنما بودند می‌بایست از خانواده عطارها در کاشان و فرزند برومندشان جناب مسعود عطارها، از خانواده هنرمندان شیرازی افسانه و شهریار زارع و خانواده خلیلی ماهانی و فرزند دلبنده‌شان جناب ناصر خلیلی ماهانی در کرمان تشکر کنم. از سال ۱۳۷۰ به بعد به اتفاق نیلوفر حائری، لاله دارایی، مسعود عطارها، و سعید شریعتمداری انجمن نجات خانه‌های تاریخی کاشان را تأسیس کردیم و همکاری این گروه و تداوم این همکاری تا امروز در گردآوری اسناد و دانش مورد نیاز بسیار حیات‌بخش

و شغف آفرین است.

همکارانی که در فاصله سال‌های ۷۴-۱۳۷۲، با دقت و پشتکار به پژوهش انجام شده درباره بررسی اصول معماری خانه‌های تاریخی، عمق و انسجام بخشیدند و هم‌چنان یاد و احترام من برای آنها باقیست عبارتند از: فردین پارسایی، مهدی غفاری، سارا حائری، لاله دارایی، شهلا درچه‌زاده، محسن غفوری در تمامی سال‌های رفت‌وآمد به کاشان مسئولین اداره میراث فرهنگی این شهر مرا به عنوان عضوی از اعضای خود پذیرفته و امکانات خود را در اختیار گذارده و از مجموعه الطاف مسئولان در اداره میراث کاشان هم‌چنان سپاسگزارم. نزدیک‌ترین قدردانی از نقطه‌نظر زمان در شرایطی که قرار شد در فرصت کوتاهی کتاب مجدداً بازبینی و بازنویسی شود، اعضای دفتر اندیشه‌ایران شهر را شامل می‌شود. بلافاصله یک گروه محتوایی و بازخوانی از یک انسان‌شناس و یک معمار تشکیل شد که پیش از این با پژوهش‌های کاشان آشنا بودند و رساله فوق لیسانس آنها درباره خانه‌های کاشان و طراحی در شهر کاشان بود. شب‌نم‌السادات اسماعیلی - انسان‌شناس - تمام دست‌نوشته‌ها و متن کتاب را مرور کرد و نکته‌ها و پرسش‌ها بدان‌ها افزود و در گفت‌وگویی سازنده در ارتقای کیفیت کتاب و کاستن از نارسایی‌ها، همکاری اساسی نمود. سپیده‌السادات عابدی - معمار - در مسیر بازخوانی متن، همراه با افزودن نکته‌های تکمیلی، با ارتقاء بصری دی‌گرام‌ها و تصاویر و نظارت بر صفحه‌آرایی در بهبود کتاب کمک‌های شایانی ارائه کرد. آوا ذاکری - گرافیک - در همکاری سازنده با گروه محتوایی کتاب، صرف وقت برای ادغام تغییرات رخ داده و برآورده کردن خواسته‌های مورد نظر، حوصله و صبوری بسیار به خرج داد. جمیله نصرالله زاده در تایپ و تصحیح غلط‌های املائی و انشایی و ده‌ها بار بازنویسی و بازخوانی و تایپ مجدد و ارائه به موقع کارها به گروه محتوایی کتاب، نقش بسیار مؤثری را ایفا کرد. از همکاران دفتر اندیشه‌ایران شهر صمیمانه سپاسگزارم که نمونه موفق از کار گروهی را به اتفاق به انجام رساندیم. همکاری ادیبانه خانم دکتر هنگامه آشوری - استاد ادبیات فارسی - در فرآیند تدوین کتاب جای قدردانی فراوان دارد. یاد پدر و مادرم را گرامی می‌دارم که شوق جست‌وجوگری، عشق و پیگیری را به من آموختند و حمایت‌های بی‌دریغ خواهرانم شیرین، شهلا، شکوفه و نیلوفر که یاریگری را به من آموختند. محتوای کتاب از سال‌ها پیش، پیش از نوشتن کتاب، موضوع گفتگو با همسرم لاله دارایی و خواهرم نیلوفر حائری بود و امیدوارم که ادامه گفتگوها در کتاب‌های بعدی منعکس شوند. درباره متن و صفحه‌آرایی، بارها از مشورت فرزندم کیومرث بهره برده‌ام و اکنون می‌دانم این کتاب متعلق به همه فرزندان است که در مسیر شناخت معماری، فرهنگ و طبیعت ایران گام برمی‌دارند.

قدردانی برای چاپ دوم

این کتاب در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسید. در سال ۱۳۹۰ هنگامیکه هنوز ۲ سال از چاپ آن نگذشته بود نایاب شد و بسیاری از مدیران گروه‌های آموزشی در دانشکده‌های معماری از طریق ایمیل و تلفن خواهان داشتن یک نسخه از این کتاب بودند و تنها نسخه نویسنده در سال‌های گذشته به عاریت نزد همکاران بود. در سال‌های ۱۳۹۱ و ۹۲ خبر رسید که در برخی از شهرهای کشور که حضور تعداد زیادی از دانشجویان معماری، تکثیر کتاب به شیوه فتوکپی را مقرون به صرفه می‌کند، نسخه‌های فتوکپی شده کتاب خانه، فرهنگ و طبیعت با چاپ سیاه و سفید به فروش می‌رود.

با این شرایط از سال ۱۳۹۲ قرار شد که در دولت تدبیر و امید کتاب خانه، فرهنگ و طبیعت در معماری ایران به چاپ دوم برسد. با قدردانی از مسئولین عالی رتبه وزارت راه و شهرسازی جناب دکتر آخوندی و جناب دکتر حناچی که نسبت به گذشته زمینه‌های گسترده‌تری را برای تحقیق و نشر در قلمروهای معماری و شهرسازی ایران فراهم کرده‌اند؛ در این جا، ضروری می‌دانم از حمایت مدیریت‌های دفتر معماری و طراحی شهری در طی دوره‌های مختلف که زمینه‌های پژوهش و انتشار کتاب خانه، فرهنگ و طبیعت فراهم کرده‌اند سپاسگزاری به عمل بیاورم.

چاپ اول در سال ۱۳۸۸ با حمایت بی دریغ مهندس میثاقیان مدیر کل وقت دفتر معماری و طراحی شهری به انجام رسید. خداوند را همواره و همچنان شاکرم که مجدداً توفیق نصیب شد و در این دوره نیز مدیر کل دفتر طراحی شهری سرکار خانم مهندس صادق مالواجرد با علاقمندی بسیار و پیگیری‌های مجدانه کوشیدند چاپ دوم کتاب را در دستور کار بگذارند و به انجام برسانند. بعلاوه شرایط تداوم این پژوهش را که به معاصر شدن معماری ایران منوط است مهیا نمودند. از ایشان و همکارانشان بویژه آقای مهندس ابراهیمی، خانم مهندس حبیبی و آقای مهندس گراوندپور کمال قدردانی را به عمل می‌آورم.

آرزو می‌کنم که با چاپ مجدد کتاب شرایطی فراهم شود که حداقل یک نسخه در دسترس تمامی همکارانی که از سراسر کشور تماس گرفتند قرار گیرد.

پیشگفتار مؤلف

این کتاب مقوله خانه را پیش از سال ۱۳۰۰ و پس از سال ۱۳۴۰ در ایران بررسی می‌کند. پدر و مادرهای ساکن در خانه‌های ساخته‌شده پس از سال ۱۳۴۰، خود کودکان خانه‌های تاریخی بوده‌اند و اکنون پدربزرگ و مادربزرگ شده‌اند. فرزندان آنها امروز پدر و مادرهای نسل‌های متولد شده در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ هستند. برخی از این پدرها و مادرها نیز خانه پدربزرگان و مادربزرگان خود را تجربه کرده و در خاطرات کودکی‌شان می‌توان نشانه‌ای از تجربه فضاهای خانه‌های تاریخی را دنبال نمود. اما شیوه شهرنشینی در نیم قرن اخیر کشور مجال این تجربه را برای فرزندان آنها فراهم نکرده است. هر چه به نسل جوان‌تر نزدیک می‌شویم فراموشی بیشتری نسبت به شیوه سکونت و معماری خانه‌های تاریخی (خانه‌های ایرانی) نصیب ساکنان این سرزمین شده است.

در این فاصله یعنی از ۱۳۴۰ تا تاریخ انتشار این کتاب، دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عمیق روی داده و این دگرگونی‌های عمیق، همراه با رشد گسترده شهرها بوده است. بخش اعظم منابع و سرمایه‌های طبیعی و مصنوع (معماری و شهرسازی ایران) متعلق به پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی، برای رشد شهر معاصر مصرف شده و به همین‌گونه تعداد کثیری از ابنیه به ویژه خانه‌های ساخته شده تا پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی به علت برخورداری از زمین مناسب (عرصه) که در شهر معاصر واجد ارزش‌های بالای تجاری - خدماتی می‌باشند برای «رشد و ترقی و آبادانی» از بین برده شده‌اند. لذا فاصله نسل‌های متولد شده در دهه‌های ۷۰ و بعد از آن از کم و کیف زندگی در خانه‌ها و شهر ایرانی بیشتر و بیشتر شده و به نوعی فراموشی رسیده است. فراموش شدن گذشته از یک طرف، شرایط بسیار سخت یافتن خانه مناسب برای سکونت، در وضعیتی که بهای گزافی برای خانه و واحد مسکونی پرداخته می‌شود از طرف دیگر، نارضایتی عمیقی از کمیت و کیفیت خانه و واحد مسکونی را در میان ساکنان «خانه‌های معاصر» پدید آورده است. شناخت علل این نارضایتی از سکونت امکان مواجهه آگاهانه با نارضایتی را فراهم می‌کند. این کتاب از منظر معماری و معماری ایران به شناخت فراموشی و بررسی نارضایتی خفته در وجود ساکنان خانه‌های معاصر می‌پردازد تا چنانچه خواست نسل‌های معاصر بر تغییر وضع موجود خانه و واحد مسکونی باشد، بتوان تحقق خواست نسل معاصر را در توانستن با دانستن توأم نمود.

در مسیر شناخت معماری ایران گام‌هایی برداشته شده و گام‌های بسیاری باقیمانده، گام‌هایی که می‌بایست مسیرهای تازه‌تری را نیز کشف کنند. این کتاب گامی است در مسیر شناخت تازه‌ای از معماری ایران به منظور فراهم کردن زمینه‌های دستیابی به معماری معاصر ایران با تکیه بر معماری خانه در گذشته و امروز.

آنچه از معماری معاصر ایران مدنظر نگارنده است، تحقق سازمانیابی آگاهانه فضا مبتنی بر فرهنگ و شیوه زندگی امروز مردم ایران، بهره‌مندی از توان‌های محیطی این سرزمین با استفاده از دانش بومی معماری ایران و جهان است. بخش مهمی از سرمایه و تدارکات مورد نیاز برای تحقق این هدف را شناخت گذشته فراهم می‌کند. اگر فرهنگ را مقوله‌ای تعریف کنیم که در گذشته ریشه دارد، ایرانی بودن نیز ریشه در فعالیت‌های هزاران سال گذشته دارد.

این کتاب تلاشی برای نزدیک شدن به پاسخ چند پرسش است:

۱. چگونه می‌توانیم معماری ایران را بشناسیم؟ (فصل دو)
۲. سازمان‌یابی فضا در خانه‌های ایرانی چگونه و بر اساس چه معیارهایی صورت گرفته است؟ (فصل ۴ و ۵)
۳. سازمانیابی فضا در خانه‌های معاصر چگونه است و چه عواملی آن را هدایت می‌کند؟ (فصل ۶)
۴. آیا معماری ایران قابلیت معاصر شدن را دارد؟ بدین معنا که آیا می‌توان به راهبردهایی در مسیر فرایند طراحی خانه دست یافت که برخاسته از معماری ایران باشد؟ (فصل ۷)

پیشگفتار چاپ دوم

هر چه بیشتر پیش می‌رویم، بیش از پیش به اهمیت شناخت عمیق و نیاز به فهم دقیق معماری ایران (معماری قبل از ۱۳۰۰ ه.ش در گستره تمدنی ایران) پی می‌بریم. هنوز، آنقدر که باید در سطحی گسترده به فهم مشترکی از معماری ایران نائل نیامده‌ایم. فهمی که باعث شود تا مردم، مسئولان متخصصان ما از این شیوه ساخت و سازی که شهرها و بناهای ما را شکل داده‌اند دست بردارند و در صدد سازماندهی آگاهانه فضای زیست و فعالیت برآیند. این کتاب تلاشی برای فهم معماری ایران است.

معماری ایران یکی از انواع آگاهانه سازماندهی فضا است که در طول تاریخ طی هزاره‌ها بر اساس تجربه زیستی اقوام ایرانی در سرزمین ایران شکل گرفته و تا سال ۱۳۰۰ شمسی تداوم داشته و در حدفاصل سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ در حال تجربه‌ای از معاصر شدن بوده که با جریان سهمگین شهرنشینی، اصلاحات ارضی، مهاجرت‌های حجیم و افزایش ناگهانی درآمد نفت مواجه شده و از دهه ۱۳۴۰ به بعد به صورت رشدی خزانده، ساختن بدون معماری سراسر شهرها و روستاهای کشور را فراگرفته و هنوز و همچنان رو به گسترش است. در میان دریای ساخت و سازهای معاصر قطراتی از معماری ایران به چشم می‌آیند. ردپایی از مفاهیم و معانی معماری ایران در مقیاس جهانی نیز در حال شکل‌گیری است.

فهم این پژوهش از معماری "سازماندهی آگاهانه فضا" است. در این تعریف و فهم از معماری سه نکته مورد تاکید است. اول: ضرورت آگاهی برای تحقق معماری و آگاهی یافتن از عرصه‌های متنوع این آگاهی. دوم: اهمیت فضا و نور به عنوان مصالح دائمی و پایه‌ای معماری. سوم: برخورداری از دانش ترکیب آگاهی با نور و فضا (سازماندهی).

در نظام آموزشی و اجرایی امروز، نوعی از "سازماندهی" به معمار آموخته می‌شود بدون توجه به فضا و آگاهی‌های مورد لزوم. در حوزه آگاهی، نگارنده بر اساس پژوهش صورت گرفته به این نتیجه رسیده که معمار نیازمند آگاهی در سه حوزه است. آگاهی از سرزمین و جغرافیائی که در آن می‌سازد، آگاهی از زندگی و تحولات اجتماعی مردمی که برای آن‌ها می‌سازد و آگاهی از معانی و نشانه‌هایی که طی قرن‌ها بر اثر هم‌زیستی جامعه با سرزمین رقم خورده است و حضور آن‌ها به سازماندهی فضا معنا می‌بخشد. گسترش و عمق آگاهی از سرزمین، جامعه و معنا در ایران به توسط معمار، ایرانی بودن معماری و شهرسازی را تضمین می‌کند. خواه معمار ایرانی و یا غیر ایرانی باشد.

نکته مهمی که در شناخت معماری ایران این کتاب بر آن تاکید دارد پرداختن به فضا و نور و الگوهای فضایی-نوری است. این الگوها در معاصر کردن معماری ایران نقش مهمی را بر عهده دارند. اینکه فضا و نور و الگوهای فضایی-نوری در معماری ایران چگونه تعریف می‌شده‌اند، تناسب‌شان چگونه بوده و با لحاظ کردن چه تمهیداتی متمایز و متنوع می‌شده‌اند، اینکه هر فضا در معماری ایران چگونه با فضاهای هم‌جوار خود در محورهای عمودی و افقی بسط می‌یافته و یا توسط کدام راهکارهایی هر یک از جزء فضاها تشخیص می‌یافته‌اند؛ و اینکه چگونه آسمان و زمین و نمایندگان آن‌ها یعنی نور و هوا و آب و گیاه، بخش جدائی‌ناپذیر سازمان فضایی بناها و شهرهای ایرانی محسوب می‌شدند، در این کتاب مورد شناسایی و معرفی قرار گرفته‌اند.

در چهار دهه گذشته برنامه‌های دانشگاهی معماری در ایران، بدون در نظر گرفتن نقش آگاهی بر سرزمین، زندگی، معنا و نقش الگوهای فضایی-نوری تدوین شده‌اند. دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشکده‌های معماری نیز بدون برخورداری از چنین فهمی از فضا به بازار ساخت و ساز وارد می‌شوند و بازار پر قدرت و پر ثروت زمین و ساختمان نیز در سراسر کشور، ساختن بدون معماری را خریدار است.

نویسنده علیرغم علاقه عمیق که به فلسفه و عرفان دارد، آگاهانه از به کار بردن زبان‌های آغشته به عرفانه و فلسفه پرهیز کرده، زبان مورد استفاده در این کتاب مبتنی بر پژوهش‌ها و یافته‌های مستند از خلال مطالعات میدانی و انتخاب روشی ترکیب یافته از دانش‌های مورد نیاز شناخت معماری است.

زبان بکاررفته در این کتاب برگرفته از روشی است برساخته از دانش‌های گونه‌شناسی، انسان‌شناسی و نشانه‌شناسی. این روش امکان شناخت سرزمین، جغرافیا، جامعه و فرهنگ و هنر ایران را در ترکیب با هم و با کمترین میزان از قضاوت‌های ارزش تعیین شده میسر ساخته است. همچنین نویسنده در مسیر پژوهش‌هایی که به نگارش این کتاب منجر شد آموخت که برای فهم عمیق و دقیق معماری ایران علاوه بر سه دانش فوق‌الذکر، استفاده از دانش‌های باستان‌شناسی، جامعه‌شناسی، شهرشناسی، اقتصاد (صرفه‌جویی در انرژی) و زبان‌شناسی نیز لازم و ضروری است.

هدف پژوهش انجام‌گرفته در این کتاب، ماندن در گذشته یا شناخت صرف گذشته نبوده است. هدف پژوهش عصریت آزمائی دستاوردهای معماری ایران است. مهمترین چالش عملی کتاب آن است که آیا می‌توان با توجه به سرعت و حجم بالای افزایش جمعیت و شهرنشینی، از دستاوردهای معماری ایران سود چيست و اگر می‌شود کدام یک از دستاوردهای معماری ایران در عصر حاضر قابل معاصر شدن می‌باشند؟

اگر در نیم قرن گذشته شناخت عمیق و فهم دقیق از معماری ایران میان مردم، مسئولان و متخصصان بدست آمده بود، پاسخ به پرسش فوق به صورت عینی قابل ارائه بود. اما اکنون می‌توان طبق این پژوهش در سطح نظر بدان پاسخ مثبت داد و در مسیر تحقق معماری معاصر ایران در سطح جامعه گام برداشت.

فهم حاصل شده از معماری ایران در این کتاب، نویسنده را به تمایز قائل شدن بین مفاهیم متشابه و گاه مترادف، مجبور کرده است. در مسیر روشنگری به عنوان مثال سه مفهوم معماری، معماری ایران و معماری معاصر ایران کاملاً متمایز از یکدیگر قابل تعریف و تبیین هستند.

از خوانندگان این کتاب پرسیدم که در این چند سالی که خانه، فرهنگ و طبیعت در معماری ایران منتشر شده ویژگی‌های کتاب از نظر شما چه بوده است؟ این پرسش را از دوستان جوان، همکاران و هم حرفه‌ای‌ها و متخصصان حوزه‌های انسان‌شناسی پرسیدم. انسان‌شناسان دو نقد مکتوب و آموزنده نیز بر این کتاب نوشته‌اند (سایت انسان‌شناسی و فرهنگ anthropology.ir) که جای قدردانی بسیار دارد. اما سایر همکاران و هم‌دفتری‌ها وقت خواستند و در موقعیت‌های مختلف پرسش‌ها را پاسخ دادند. پاسخ ایشان را یادداشت کردم و گفتار آنان را با متن کتاب مرور کردم و عصاره پاسخ‌های آن‌ها را برای خوانندگانی که دومین بار است کتاب را می‌خوانند، می‌نویسم. این پاسخ‌ها نشان می‌دهند که کتاب خانه، فرهنگ، طبیعت را چگونه می‌توان مورد استفاده قرار داد:

- در این کتاب می‌توان به یک شبکه معنایی- مفهومی درباره معماری ایران دست یافت؛
- این شبکه معانی و معنایی، طرح نوعی فرهنگنامه و بانک اطلاعات مرتبط با معماری ایران را با خود همراه دارد؛
- فرآیند مطرح شده در این کتاب برای برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا در عصر حاضر کاربرد دارد؛
- رویکرد کل‌گرایانه در توصیف مسئله و توجه توأمان به معماری و شهر و نیز جهت‌گیری کاربردی و نه صرفاً زیبایی‌شناسانه به مسئله معماری در این کتاب مورد نظر بوده؛
- بخش مربوط به خانه‌های تاریخی کتاب، بسیاری عکسها و نقشه‌ها، زمینه را برای تحلیل‌های بعدی پژوهش‌گران علاقه‌مند در آینده مهیا کرده است؛

- بیان تصویری مفاهیم و تقویت آن‌ها از طریق حافظه دیداری مخاطب باعث شده که بخش‌های مختلف کتاب حاوی نمودارها، اشکال و جداول دسته‌بندی شده از خلاصه مطالب باشد؛
- بخش "پژوهش‌های پیشنهادی" پنجره‌ای است گشوده شده بر برخی از مسائل مهم و جذاب حوزه‌های انسان‌شناسی معماری و گنجاندن آن در انتهای کار می‌تواند به پژوهشگران جوان در شناخت موضوعات و انتخاب مسیر برای پژوهش‌های بعدی یاری رساند؛
- گذشته از منظر معمارانه، کتاب از جهت انسان‌شناسی نیز حائز اهمیت است چرا که با بررسی رابطه متقابل سازمان فضائی و شیوه زندگی و استناد به نظر بهره‌برداران این خانه‌ها، به شناسایی مسائل در حوزه بین‌رشته‌ای "انسان‌شناسی معماری" کمک کرده است.
- جان کلام آنکه این کتاب در مسیر دغدغه‌ای قدیمی با عنوان عصریت بخشیدن به معماری ایران - که برای نویسنده به آرمانی دائمی تبدیل شده - از میان صدها صفحه پژوهش طی سالیان متمادی بیرون آمده و از نقص‌ها و کمبودهای فراوانی نیز برخوردار است. درباره محتوای کتاب به غیر از دو نقد مفید که اشاره شد، بسیار و بسیار کم‌گفتگوی انتقادی صورت گرفته است. برای جبران نقص‌ها و کمبودها هم‌گفتگوی انتقادی و هم‌انجام پژوهش‌های پیشنهادی ضرورت دارد. این مسیر را نمی‌توان به تنهایی طی کرد و راه‌های بسیاری همچنان طی نشده باقی مانده‌اند.

محمد رضا حائری مازندرانی
تهران - شهریور ۱۳۹۴

۱	مقدمه کتاب	
۶	بخش اول : معرفی طرح	فصل اول : محدوده و محدودیت‌های کتاب
۸	بخش دوم : معرفی خانه‌های تاریخی و معاصر	
۱۰	بخش سوم : معرفی شهرهای انتخابی : ویژگی‌های جمعیتی ، اداری ، جغرافیایی و اقلیمی	
۱۱	مشاهدات	
۱۷	مقدمه	
۲۰	بخش اول : درک از معماری در دوران دانشجویی (۵۷ - ۱۳۵۰)	فصل دوم : مسیرهای اکتشاف . روش شناسی شناخت خانه های تاریخی و معاصر
۲۱	- چرخه پژوهش : مشاهده ، ثبت ، مطالعه ، یادگیری ، پرسش	
۲۲	حضور در کاشان	
۲۴	تفاوت در حد فاصل زمین و آسمان	
۲۶	تغییرات صورت گرفته در بیرون خانه	
۲۹	- تغییر سازمان فضایی شهر	
۳۰	- ساحت‌های سکونت معاصر	
۳۲	تغییر در درون خانه	
۳۵	بخش دوم : از کتابخانه تا خانه	
۳۸	قلمرو روش شناسی خانه‌ها	
۴۸	مقدمه	
۵۰	بخش اول : تحول خانه در زمان و مکان	فصل سوم : ادبیات خانه
۵۳	- صنعتی شدن و روند تغییر سازمان فضایی خانه‌ها در اروپا	
۵۳	- تحول سازمان فضایی خانه در دوران معاصر ایران	
۵۵	بخش دوم : خانه در ادبیات ایرانی	
۵۹	- خانه در لغت نامه	
۶۰	- توزیع فضاهای خانه و آداب سکونت	
۶۱	- نقش اشیا در خانه	
۶۱	- ویژگی‌های خانه ایرانی بر اساس ادبیات خانه در ایران	
۶۲	- معمار ایرانی	
۶۵	مقدمه	
۶۶	بخش اول : پرسش از ساکنان خانه‌های تاریخی	فصل چهارم : شیوه زندگی و سازمان فضایی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر
۷۱	بخش دوم : پرسش از ساکنان خانه‌های معاصر	
۷۳	- پرسش‌ها (۴۰ پرسش) و نتیجه‌گیری از پاسخ‌ها	
۸۱	بخش سوم : تجربه پرسش‌گری از نوجوانان	
۸۲	- پنج موضوع پیشنهادی	
۸۳	- پرسش‌ها	
۸۶	بخش چهارم : خانه و شیوه زندگی	
۸۸	- شیوه زندگی و خانه‌های معاصر	

۹۰	مقدمه
۹۴	بخش اول : ادراک فضایی
۹۸	شیوه‌های توانمندسازی جزءفضاها
۹۸	- شیوه‌های تعریف فضا
۱۰۲	- شیوه‌های ترکیب فضا
۱۰۶	- شیوه‌های نمایش فضا
۱۰۹	- عناصر معماری و شیوه‌های توانمندسازی فضا
۱۱۴	- شیوه‌های سازه و سازگاری فضا
۱۱۶	بخش دوم : الگوهای فضایی
۱۲۰	- الگوهای فضاهاى باز
۱۲۷	- الگوهای فضاهاى پوشیده
۱۳۲	- الگوهای فضاهاى بسته
۱۳۶	بخش سوم : معیارهای سازمان‌یابی فضا در خانه‌های تاریخی

فصل پنجم : گونه‌شناسی معماری خانه‌های تاریخی

۱۴۲	مقدمه
۱۴۴	بخش اول : سازمان فضایی خانه‌های معاصر
۱۴۵	الگوهای فضایی و دگرگونی آنها در خانه‌های معاصر
۱۵۰	- الگوهای فضاهاى باز
۱۵۱	- الگوهای فضاهاى پوشیده
۱۵۲	- الگوهای فضاهاى بسته
۱۶۰	بخش دوم : ویژگی‌های سازمان فضایی خانه‌های معاصر (بررسی تطبیقی)
۱۶۱	- ادراک فضایی در خانه‌های معاصر
۱۶۲	- حضور فضاهاى باز ، بسته و پوشیده
۱۶۵	- مفهوم درون در خانه‌های معاصر
۱۶۷	- خانه‌های معاصر و شیوه زندگی

فصل ششم : گونه‌شناسی سازمان فضایی خانه‌های معاصر

۱۷۱	مقدمه
۱۷۲	بخش اول : مفاهیم و مصادیق فضایی در خانه‌های تاریخی و معاصر
۱۸۸	بخش دوم : معیارهای طراحی خانه
۱۹۰	- معیارهای کلان در مقیاس شهر
۱۹۲	- معیارهای کلان در مقیاس بنا
۱۹۲	- معیارهای طراحی خانه ، برخاسته از شیوه زندگی
۱۹۴	- توانمندسازی فضا
۱۹۷	- معیارهای طراحی عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده فضا
۱۹۹	- اتود

فصل هفتم : فرایند و معیارهای طراحی

۲۰۶	ضمائم :
۲۰۷	فهرست پژوهش‌های پیشنهادی
۲۱۱	فهرست تصاویر
۲۱۲	فهرست جداول
	فهرست منابع

مقدمه کتاب

هر پژوهشی که انجام می‌شود، گوشه‌های تاریکی از نادانستنی‌ها را روشن می‌کند و همزمان وجود ده‌ها نقطه تاریک دیگر را بر ما روشن می‌سازد. پژوهش درباره بازماندگان گمنام معماری ایران - یعنی خانه‌های تاریخی و بررسی تطبیقی آنها با انواع خانه‌هایی که در نیم‌قرن اخیر ساخته شده‌اند، هم بیان و تعاریف تازه‌ای از معماری ایران و گرایش‌های موجود در ساخت‌وساز معاصر را معلوم نمود و هم مشخص کرد که پژوهش‌های دیگری لازمست که در این کتاب، برخی عناوین این پژوهش‌های انجام‌نشده مشخص شده است.

در مسیر شناخت معماری خانه‌های تاریخی ایران، با صرف زمانی در حدود سی سال، کوشش شد تا به معنا و مفهوم **معماری**، **خانه**، **تاریخ** و **ایران** نزدیک شویم. این شناخت از یک طرف متکی به روش‌هایی است که یافتن و به کار بستن آنها بخشی از فرایند پژوهش را تشکیل داده است و بخش‌های دیگر این شناخت، در فرایند بررسی خانه‌های معاصر به دست آمده است، خانه‌های معاصر که با عناوین واحد مسکونی و آپارتمان از آنها نام برده می‌شود. این پژوهش در مسیری حرکت کرده که بتوان بر اساس دستاوردهای آن، معیارهای طراحی خانه و واحد مسکونی را تدوین کرد و از نتایج آن در عمل بهره گرفت.

واژه **معماری** در این پژوهش، نه معادل یک بنا، بلکه اجتماع ابنیه و فضاها در نظر گرفته شده است. معماری در این کتاب، معادل مجموعه بناها و فضاهای تشکیل‌دهنده شهر و روستا است و فرایند مجتمع‌شدن بناها را نیز در بر می‌گیرد. مصالح در این تعریف به آجر، خشت، آهن و بتن محدود نیست. فضا نیز یکی از مصالح تشکیل‌دهنده معماری است، اما از آنجا که مصالح در هر دوره تغییر کرده، اما فضا باقی مانده است، معماری در این کتاب، **سازمان‌یابی فضا در مقیاس‌های خرد و کلان** تعریف شده است.

معماری ایران همانند معماری سایر ملت‌ها و فرهنگ‌ها، **سازمان‌یابی آگاهانه فضا**ست؛ از آنجا که سازمان‌یابی، اقدامی فرایندی و پردازشی است؛ اقوام ایرانی در طی سالیان متمادی با حضور پیوسته در سرزمین ایران، فضا را برای زیستن مطلوب فرد و جامعه سازمان دادند، به نحوی که خواسته‌های فرد و گروه در قلمروهای حریم خصوصی و عمومی محترم و محفوظ نگاه داشته شود. به علاوه همزمان و هم‌مکان در درون سازمان فضایی، طبیعت و اقلیم را مشارکت داده به طوری که در ساعات متفاوت از روز در فصل‌های مختلف، از آسایش حضور نیز برخوردار باشند - بی‌آنکه به طبیعت و محیط پیرامون آسیبی وارد شود.

بر اساس شناختی که از معماری خانه‌های تاریخی به دست آمد، **خانه** فضایی است ایمن و معلوم شد که معماری خانه، خود پاسخگوی آسایش بوده است. بدین ترتیب خانه، فضایی برای گرامیداشت حضور آدمی در خلوت و جمع است.

چنین ویژگی‌هایی در پژوهش‌ها در خانه‌های معاصر دنبال شدند و مبنای بررسی تطبیقی قرار گرفتند. در حد فاصل سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۰۰، شهرنشینی بسیار حجیم و شتابان آغاز شد و از دهه ۴۰ به بعد به تغییر کمیت و کیفیت سکونت معاصر منجر گردید. لذا معنای خانه معاصر با تحولات شهر و شهرنشینی و مدیریت شهری گره خورده است. در این کتاب، با قبول این فرض، کوشش شده است تا سهم معماری در تضمین کیفیت حیات شهر، جهت سازمان‌یافتن منطقی فضا در خانه‌های معاصر ادا شود. اگر پرداختن به مسائل بیرون خانه در این کتاب میسر نیست، اما این بحث در تدوین ساحت کتاب حضور داشته است. عبارت خانه تاریخی در این کتاب، عبارتی قراردادیست. در متن قرارداد مورد توافق با وزارت مسکن و شهرسازی با عنوان «پژوهش درباره امکان تدوین معیارهای طراحی خانه‌های معاصر بر اساس دستاوردهای معماری خانه‌های سنتی ایران» در سال ۱۳۷۲ پذیرفته شد که چون در معنای واژه «سنتی»، توافق عمومی وجود ندارد، خانه‌های پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی را خانه‌های تاریخی بنامیم. در این کتاب، «**خانه تاریخی**» و «**خانه ایرانی**» مترادف یکدیگر به کار گرفته شده‌اند و آگاهانه از کاربرد واژه «سنتی» پرهیز شده است.

تاریخ، در تعبیر مورد توافق جامعه، واژه‌ای است که اطلاعات گذشته دور و نزدیک را در اختیار معاصران قرار می‌دهد. بررسی‌های این پژوهش مشخص کردند که سازمان فضایی خانه ایرانی که حداکثر عمر آنها نسبت به نیمه دوم قرن ۱۴ شمسی، ۲۰۰ سال می‌باشد، مقادیر متنابهی از دانش معماری پیش از اسلام و دانش سازمان‌یابی فضا پس از اسلام را در درون خود حفظ کرده، آنها را تکمیل کرده و تکامل بخشیده است. طبق تعاریف معاصر، وجود این میزان از قدمت در هر پدیده را می‌توان به کهنه‌بودن، باستانی بودن یا عتیقه‌بودن آن پدیده، تعبیر نمود. در دهه‌های گذشته در شرایطی که هنوز آخرین بازماندگان خانه‌های تاریخی در این خانه‌ها زندگی می‌کردند و حتی بعد از ترک آنها، در هر موردی که به این خانه‌ها مراجعه شد؛ (حداقل ۲۲۰ بار در فاصله سال‌های ۷۴-۱۳۵۲) - نه کهنه بودند، نه باستانی و نه عتیقه. این وضعیت محصول نگاه دیگری به زمان است. بحث درباره زمان در معماری ایران، که تاریخ یکی از جلوه‌های آن است، نیازمند پژوهش دیگری است. اما یک نکته درباره گذشته می‌بایست روشن شود. برای شناخت خانه‌های تاریخی در این کتاب، بارها و بسیار به گذشته مراجعه شده است؛ و بر اساس روش‌های شناخت، ارزش‌ها و نیروهای شکل‌دهنده معماری خانه‌های تاریخی نمایان شده‌اند. خواننده متوجه خواهد شد که در فرایند گذار از خانه‌های تاریخی به خانه‌های معاصر، چه ارزش‌هایی را از دست داده و چه نیروهای دیگری به غیر از دانش بومی، طبیعت‌گرایی و صرفه‌جویی در انرژی، بر شکل‌گیری خانه‌های معاصر تأثیر داشته‌اند. ممکن است چنین تصویری پیش آید که این کتاب می‌خواهد نتیجه بگیرد که به خاطر آن ارزش‌ها و آن نیروها به گذشته بازگردیم. در این شرایط توجه خوانندگان نکته‌سنج را بر این نکته جلب می‌کنیم که مراد از **شناخت گذشته**، **بازگشت به گذشته نیست**. این کتاب معتقد است که بازگشت به گذشته ممکن نیست و اگر به هر طریقی به گذشته بازگردیم، جز تقلیدی صوری چیزی عاید نخواهد گشت. زمانه دگر گشته و بناها و خانه‌ها نیز دگر گشته‌اند. پس در ادامه گفت‌وگو می‌توانیم بررسی کنیم که **چرا گذشته را بشناسیم؟** چرا بدانیم مردمان این سرزمین چه رفتاری با فضا، محیط و طبیعت داشته‌اند؟ چرا بدانیم روش‌های معمارانه پدران و مادران ما در گذشته چه بوده است؟ در پاسخ می‌توان پرسید که:

- کدام - کجا و کی به دنبال فرهنگ ایران بگردیم؟ آیا در مکان و زمان دیگری غیر از این سرزمین و گذشته، به جست‌وجوی فرهنگ ایرانی باشیم؟
- دیگر آنکه آیا واقعاً گذشته، گذشته؟ و اکنون مردمانی هستیم که همه وجودمان دچار تغییر و دگرگونی گشته؟ برای گفت‌وگوی دقیق‌تر می‌توانیم به اتفاق مرور کنیم که چه چیزهایی عوض شده‌اند؟
- آیا در مقابل افزایش جمعیت، منابع طبیعی سرزمینی که در آن زندگی می‌کنیم، افزون شده‌اند؟
- آیا طبیعت صدسال پیش کشور، با امروز کاملاً متفاوت گشته؟
- آیا رفتار ما با سلسله جبال البرز و کرکس، با مردمانی که صدسال پیش در پای این دو رشته‌کوه زندگی می‌کردند، باید متفاوت باشد؟
- می‌توان این پرسش‌ها را بسط داد و درباره کاشان یا تهران پرسید که:
- آیا این‌گونه ساختمان‌سازی بر روی دشت‌ها و تپه‌های کاشان و تهران طرفداری از ارزش‌های منفعت عمومی و محافظت از منابع طبیعی و انرژی‌های تجدیدناپذیر است؟
- آیا رفتار ما به هنگام خانه‌سازی با نیازهای مردم و ساکنان منطبق بوده؟
- آیا ساخت‌وساز برای سکونت کوشیده بین خواست‌ها، نیازهای ساکنان و طبیعت همگرایی ایجاد کند؟
- آیا اشغال اراضی باغات، زمین‌های کشاورزی و سبزترین گوشه و کنار کشور توسط ساخت‌وسازهای مسکونی با پشتوانه منفعت عمومی و منافع نسل‌های آینده و متکی بر دانش صورت می‌گیرد؟
- آیا رفتار پدران و مادران ما که با تکیه بر دانش گذشته اجداد خویش خانه‌های تاریخی را ساختند، با رفتار ما نسبت به محیط، همجواری‌ها، آسودگی و آرامش و احترام به طبیعت مشابه است؟

می‌بایست روشن کنیم در طراحی شهر، بنا و خانه به دنبال تقویم و تنظیم کدام ارزش‌ها و نیروها هستیم؟ کدام الگوها و کدام معانی را خواهانیم؟

در این کتاب کوشش شده تا آنجا که بحر پژوهش و کوزه کتاب مجاز می‌دارد، ارزش‌ها، نیروها، الگوها و معانی مندرج در خانه معرفی شوند و خواننده اعم از اینکه دانشجوی باشد یا متخصص، علاقمند باشد یا مسئول، می‌تواند تصمیم بگیرد که رفتار و خواست آینده خود را برای احداث و بهره‌برداری از یک واحد مسکونی، بر اساس چه ارزش‌هایی استوار کند.

تنها با تکیه بر هرم افزایش جمعیت، نمی‌توانیم هر اقدام تولید مسکن و رشد شهرسازی را توجیه کنیم. اگرچه حرکت سیل‌گونه جمعیت از روستا به شهر، خود ناشی از ناتوانی مدیریت سرزمین است، معهداً در شرایط فعلی، نمی‌توانیم آسیب عظیم ناشی از این‌گونه ساخت‌وساز مسکونی را به گردن بگیریم.

تا این‌جا تعاریف مورد نظر این کتاب، درباره واژه‌های معماری، خانه، خانه تاریخی معرفی شدند. اکنون در مسیر شناخت معماری خانه‌های تاریخی ایران، چارچوب فضایی واژه ایران در این کتاب معرفی می‌شود. پژوهش خانه‌های تاریخی شهرهای ایران به ویژه بوشهر، رشت، شیراز، کاشان، کرمان و همدان روشن کردند که ایران برای معماری خانه‌های تاریخی، نماینده سرزمینی است که علی‌رغم تنوع اقلیم و جغرافیا، اقوام ساکن در این سرزمین گسترده، برای سکونت به نتایج مشابهی رسیده‌اند، که در بیرون از مرزهای فعلی کشور نیز، می‌توان گونه‌های مشابه خانه‌های تاریخی را پیدا نمود. ایران به «سرزمین فرهنگی» اطلاق می‌شود که در طی قرون متمادی، اقوام مختلف در آن ساکن شدند و دوام خود را با دوام سرزمین ساکن شده پیوند زدند و نسل در نسل به کوچ و دامداری، اسکان و کشاورزی پرداختند، دین و آیین آوردند و راه و رسم عمران و آبادانی را از درون سرزمین و زندگی آموختند و علی‌رغم تنوع قومی، نسبت به سرزمین، به دانش مناسبی دست یافتند. شناختی که این اقوام در طی گذشت هزاران بهار و زمستان از سرزمین ایران به دست آوردند، به ادراکی مشترک از محورها، خطوط نیروها و جریان‌های مرئی و نامرئی بر رو و زیر بستر سرزمینی منجر شد، که در آن سکونت کرده‌اند. اقوام مختلف با بد و خوب سرزمین ساختند و فرهنگی ساختند که بهره‌وری از طبیعت را با محافظت از آن یکی می‌دانست.

به هنگام خواندن متن کتاب که حالت مقایسه دارد و در بسیاری از قسمت‌های کتاب تا آنجا که پژوهش مجاز داشته دو گروه خانه‌های تاریخی و معاصر در برابر هم مقایسه شده‌اند. ممکن است خواننده احساس کند که کتاب نسبت به خانه‌ها و واحد مسکونی امروزی ارزیابی بدبینانه‌ای ارائه داده و همه نمونه‌های مسکونی معاصر تا این اندازه فاقد ارزش یا واجد ضد ارزش نیستند. این احساس تا اندازه‌ای طبیعی است. در شرایطی که بهره‌بردن از امنیت، سقف و جان پناه، مهم‌ترین ارزش مهم در زندگی معاصر به حساب می‌آید و فقر و ازدیاد جمعیت، توجیه‌کننده هرگونه سکونتی است، مشکل می‌شود باور کنیم که اوضاع فضاها مسکونی ما به طور جمعی و در مجموع تا این اندازه فاقد کیفیت‌ها و کمیت‌های مهندسی، معماری، شهرسازی و انسان زیست‌گرایانه است و اوضاع فاقد کمیت و کیفیت سکونت ما، با یکی - دو اثر معمارانه شفا نمی‌یابد. بررسی‌ها در شهرهای مورد پژوهش این کتاب، به همراه برخی از کلان‌شهرهای منطقه‌ای دیگر، نشان می‌دهد که در انبوه ساخت‌وسازهای معاصر، تک‌وتوک آثار معاصر ارزشمند پدید آمده‌اند که چون قطره‌ای در میان دریا ناپدید هستند.

نمونه‌های مورد بررسی این کتاب در مورد خانه‌های معاصر، عموماً خانه‌های گروه‌های اجتماعی طبقه «متوسط - متوسط» را شامل می‌شود. حضور آنها هر چقدر اندک، امکان طراحی خانه‌های معاصر بر اساس الگوهای معماری ایرانی را تأیید کرده و این موضوع در این کتاب مد نظر بوده است.

بدین ترتیب نویسنده نیز، همراه با خواننده کتاب از حاصل ارزیابی خانه‌های معاصر نگران است و کوشش نموده تا آنجا که ممکن است با اتکا بر روش‌های شناخت که روشنگری آنها بر قضاوتشان ارجح است، وضعیت ارزیابی را به سمت واقع‌بینی هدایت کند.

با توجه به اوضاع فعلی، پرسش اصلی این است که:

در طراحی معماری خانه به دنبال چه و کدام ارزش‌ها هستیم؟

آیا خانه‌های معاصر محصول دانش زمان خود هستند؟
حتی اگر قرار باشد خانه فقط به عنوان یک سقف، پناه‌دهنده باشد، آیا نباید سقف مقاوم باشد؟ آیا خانه‌های معاصر مقاوم هستند؟ چگونه ممکن است که آدمی در جایی ساکن شود که ایمن نباشد؟ اگر بپذیریم که مقاوم‌بودن عبارتست از مقاومت در برابر زلزله، در برابر آتش، در برابر خطراتی که تهدیدکننده سلامت ساکنان خانه می‌باشد. اولین نتیجه‌گیری عبارتست از:

- سکونت سلامت در خانه مقاوم؛

از آنجا که خطر زلزله و آتش‌سوزی و مخاطراتی از این قبیل حضور دائمی ندارند و سایر لحظه‌های حضور در خانه، صرف زندگی می‌شود و نه مبارزه با مرگ، پرسش بعدی این است که آیا خانه‌های معاصر برای زندگی معاصر، مناسب هستند؟ آیا ساکنان آسایش دارند؟ ابعاد فضاهایی که ساکنان در آن به سر می‌برند، اندازه است؟ حجم فضاها کفایت؟ حرکت درون فضاها، معقول انجام می‌شود؟ فضاها از نور، هوا و اکسیژن کافی برخوردارند؟ اعمال روزانه و بهداشتی بدون مشکل صورت می‌گیرند؟ اگر جواب‌ها مثبت باشند، آیا می‌توانیم نتیجه بگیریم که:

- سکونت سلامت در خانه مقاوم، به همراه بر خورداری از آسایش و آرامش؛

در این گفت‌وگو سخن به یک خانه در بیابان محدود نمی‌شود. سخن، به حضور همزمان و هم‌مکان هزاران خانه در یک شهر یا آبادی مربوط است. آیا خانه‌ها مراعات همجواری‌ها را می‌کنند؟ همجواری بدین معنا که هر خانه برای بنای مجاورش، خطری محسوب نشود. به سایه، آفتاب، باد و چشم‌انداز، مقاوم بودن و آسایش خانه مجاور لطمه نزنند. سروصدا و سایر آثار زندگی به ایجاد مزاحمت منجر نشود. در این صورت آیا می‌توان اعلام نمود که:

- سکونت سلامت در خانه مقاوم، به همراه آسایش و آرامش درونی و بیرونی و رعایت همجواری‌ها.

در خانه‌های تاریخی، معماری پاسخگوی تعریف فوق از سکونت بود.
آیا در حال حاضر:

الف) این انتظارات از سکونت عوض شده؟

ب) آیا از معماری چنین توقعی نمی‌رود؟

محدوده و محدودیت های کتاب

بخش اول:

معرفی طرح

بخش دوم:

معرفی خانه های تاریخی و معاصر

بخش سوم:

معرفی شهرهای انتخابی: ویژگی های جمعیتی، اداری، جغرافیایی و اقلیمی

مشاهدات

بخش اول

معرفی طرح

در سه دهه گذشته، عرصه تحقیق و تفحص درباره خانه‌های ایرانی کم‌رونق بوده است. تعداد این آثار تا آنجا که در کتابخانه و جزوه‌خانه‌های مختلف یافته شدند، به تعداد انگشتان دو دست نمی‌رسد.

معدود معماران صاحب نام ایرانی همچون محمدکریم پیرنیا و نادر اردلان و تنی چند از پژوهشگران علاقمند خارجی همچون کریستیان برومبِرژه در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی پدیده خانه و سکونت را در ایران از نقطه‌نظر ویژگی‌های معماری و شیوه زندگی ایرانی مورد بررسی قرار دادند و هر یک، بنا بر روش و منش خود، تصویری از این پدیده را در برابر چشمان ما گشوده‌اند.

در این کتاب، در مبحث ادبیات خانه در ایران مشخصه‌ها و نقطه‌نظرهای هر یک از آثار موجود معرفی شده است. در دهه شصت، معماران جوان ایرانی به این پدیده توجه بیشتر مبذول داشتند و مطالب ارزشمندی درباره خانه‌های تاریخی چند شهر از جمله دزفول، شوشتر و یزد منتشر کردند. در دهه هفتاد وزارت مسکن و شهرسازی نیز در سه مجلد، تصاویر زیبایی از خانه‌های تاریخی باقیمانده در شهرهای کشور و دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی نیز، اولین مجلد از کتاب خانه‌های ایرانی مربوط به کاشان و پس از آن مجلد خانه‌های اصفهان را منتشر کرد.

بر اساس طرح تحقیقاتی معاونت وزارت مسکن و شهرسازی، تحت عنوان «بررسی اصول معماری خانه‌های سنتی و کاربرد آن در طراحی مسکن امروزی» همه آنچه را از طریق مشاهده، مطالعه، تجربه و گمانه‌زنی اندوخته بودم، مورد بازنگری و تدوین قرار دادم. در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ بر اساس شرح خدماتی موجز در چند خط، قرار بر این شد که در یک مقایسه تطبیقی حداقل تعداد سی خانه تاریخی و سی خانه معاصر را در شش شهر قدیمی ایران انتخاب و مورد ارزیابی و نقد قرار دهم و ویژگی‌های آنها را بسنجم و آنچه را برای سکونت امروز و آینده صلاح است به گواه این تحقیق معرفی نمایم. حاصل این کار به صورت فشرده در این کتاب آورده شده است.

سابقه این کتاب به سابقه آشنایی نگارنده با شهر کاشان مربوط است. در سال ۱۳۵۲ که دانشجوی سال دوم دانشکده معماری بودم برای اولین مرتبه در یک سفر تحقیقاتی به سرپرستی مرحوم محمدتقی مصطفوی باستان‌شناس برجسته ایرانی، به شهر کاشان سفر کردم، در همان سفر، اگر چه قصد اصلی دیدار و آشنایی با تپه سیلک بود، اما به همت یکی از همسفران که نه معماری می‌خواند و نه معمار بود، اما اهل کاشان بود، با معماری و شهر کاشان آشنا شدم. این دوستی در سال ۱۳۵۴ مرا به کاشان و به **خانه تاریخی عطارها** واقع در محله پنجه‌شاه کاشان فرا خواند و برای انجام درس مرمت، از همان خانه نقشه‌برداری کردم و فرصت آشنایی با ساکنان این خانه و بهره‌وری از دانش صاحبان خانه میسر شد. در سال ۱۳۵۹ پایان‌نامه فوق لیسانس خود را تحت عنوان «**بر خوردی همه‌جانبه با فضا**» درباره شهر کاشان به

پایان رساندم و کوشیدم که چگونگی تأثیرپذیری «سازمان فضایی شهر»^۱ کاشان را از عوامل اقتصادی، سیاسی، اداری و اجتماعی و متقابلاً تأثیرگذاری ساختار فضایی این شهر را بر عوامل مذکور نشان دهم. در سال ۱۳۶۴ با انتشار یک کتاب^۲ به همراه ارائه ویژگی‌های شهرنشینی در ایران، **ویژگی‌های شهرنشینی در کاشان** را به اتفاق تنی چند از پژوهشگران همکار معرفی کردم. در تمامی این ایام پس از فراغت از دانشگاه، شهر کاشان چنان می‌نمود که هنوز آموزه‌های فراوان به عنوان یک دانشگاه، در دل دارد. چندان که تا سال‌ها و تا همین امروز، فراغت از آن ممکن نیست. به عنوان یک دانشجو از طریق مشاهده و حضور در «دانشکده شهر کاشان» توانستم تحولات فضایی شهر را به خاطر سپرده و آن را مستند کنم. اما به موازات همین حضور، متوجه زوال همه‌جانبه بافت تاریخی و تخریب شتابان خانه‌های موجود در این بافت شدم. این مجموعه‌های شهری که نماینده معماری و شهرسازی فرهنگ ایرانی بودند، از این به بعد «بافت تاریخی» نامیده شد. تمامی نیروهای موجود به شیوه‌ای ناآگاهانه شرایط این تخریب را فراهم آورده بودند. از یک طرف، مردم و ساکنان این بافت‌ها در نبود تأسیسات و تجهیزات شهری متأخر و مورد لزوم، نبود الگوهای اصولی مرمت، نبود حمایت‌های تشویقی و تسهیلات سکونت، از سکونت در این خانه‌ها گریزان شده بودند، به ویژه نسل جوان که به خاطر تغییرات شیوه زندگی، فرصت و تجربه زیستن در خانه‌های تاریخی در شرایطی متعادل را به دست نیاورده بود، با شتاب این خانه‌ها را ترک کرد و از طرف دیگر، نسل قدیمی و صاحبان اصلی آنها را نیز، مرگ از این خانه‌ها دور نمود. افزایش تعداد مالکان خصوصی این خانه‌ها در نتیجه پی‌آمدهای ناشی از ارث و کاهش شدید تعلق خاطر به این بناها، بی‌اعتبار شدن ارزش‌های فرهنگی آنها در جامعه از یک طرف و رشد سریع شهرها، خیابان‌کشی‌های فاقد اندیشه و بی‌برنامه، بدون در نظر گرفتن تأثیرات جانبی آنها و افزایش سریع قیمت زمین، در نتیجه احداث خیابان‌ها، رواج بورس بازی و سودآوردن بی‌رقیب ساخت‌وساز از طرف دیگر، در نبود نهادهای مسئول و سازمان‌های ناظر بر چگونگی نگاهداری و استفاده از این بناها، در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ باعث شد تعداد بی‌شماری از ارزشمندترین نمونه‌های معماری و شهرسازی ایرانی متعلق به مالکیت خصوصی در گمنامی محض کوبیده و نابود شوند^۳.

برای تخفیف و ترمیم جریان فوق، بر حسب توان‌های قابل تصور در قلمرو بخش‌های غیر دولتی، دو مسیر متصور بود. اول تشکیل یک مؤسسه غیر دولتی و غیر انتفاعی (N.G.O) که بتواند با گرد آوردن سرمایه و جلب نظر آحاد جامعه، این خانه‌ها را

خریداری و سپس مرمت و احیا کند.

دوم ثبت حالات، ویژگی‌ها، کمیت‌ها و کیفیت‌های معماری که بتواند به عنوان راهنما برای نسل‌های بعدی باقی بماند و در مسیر تحولات دانش بومی مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد.

اقدام به تشکیل مؤسسه مردمی برای نجات خانه‌های تاریخی از طریق کسب اجازه از سازمان میراث فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از دهه ۶۰ شروع و با شکل‌گیری مؤسسه «نجات خانه‌های تاریخی کاشان» در سال ۱۳۷۱، این فعالیت تا امروز ادامه دارد.

مسیر دوم، یعنی مستند کردن شیوه‌ها و راهکارهای سازمان‌یابی فضا و کشف چندی‌ها و چون‌های معماری به کار رفته در این خانه‌ها، با پشتوانه تحقیقات مرتبط با کاشان از سال ۱۳۶۹ آغاز شد و در طرح پژوهشی «بررسی اصول معماری خانه‌های سنتی و کاربرد آن در طراحی مسکن امروزی» این فعالیت تداوم یافت.

این کتاب، چکیده‌ای است از مطالعات و بررسی‌هایی که در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ بر اساس طرح فوق، صورت گرفته است. و از سال ۱۳۸۶ که چاپ کتاب مجدداً در دستور کار قرار گرفت. همه آنچه تا سال ۱۳۷۶ برای چاپ تحویل شده بود، در سال ۱۳۸۶ مورد بازنگری قرار گرفت. در این هنگام (۷۴-۱۳۷۲) نسخه دیجیتالی برای نقشه‌ها تهیه نشده بود و ایضاً نرم‌افزارهای مرتبط با متن نیز، از رده خارج شده بودند؛ در نتیجه:

۱- تمام متن در نرم‌افزار Word مجدداً تایپ شد؛

۲- تمام نقشه‌ها Scan شدند؛

۳- تمام متن مورد بازنگری، بازنویسی و ویراستاری فنی و ادبی قرار گرفت و کوشش شد که ساختار کتاب (۷ فصل و محتوای آن) حفظ شود؛

۴- تمام نقشه‌ها بازسازی شدند؛

۵- روابط متن و نقشه‌ها، دوباره تعیین و در صفحه‌آرایی منعکس شدند؛

بدین ترتیب، از نقطه‌نظر زمان، متن و نقشه‌ها، کتابی به روز ارائه شد که پایه پژوهش و نقدهای بسیار می‌تواند واقع شود.

۱. این عبارت در آن دهه نسبتاً تازه بود و برای ما معماران جذاب می‌نمود، چرا که چند معنای مستقر در معماری، در این عبارت گنجانده شده بود و شهر و بنا را در ترکیبی از فضا، فعالیت و مدیریت معرفی می‌کرد.

۲. اعتماد، گیتی، حسامیان، فرخ و حائری، محمدرضا، «پویش شهرنشینی در ایران» از مجموعه تألیفات گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، انتشارات آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.

۳. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ نیز، به ویژه پس از زلزله‌های منجیل، بم و قشم، بر شدت تخریب بناها و مجموعه‌های بازمانده از معماری و شهرسازی ایران به دلیل ناامن بودن و «فقدان پایداری»، توسط ساکنان و صاحبان افزوده شد.

بخش دوم

معرفی خانه‌های تاریخی و معاصر

بررسی روند تغییرات الگوهای شکل‌گیری خانه در یک قرن گذشته، حضور سه‌گونه مسکونی در شهرهای ایران را نشان می‌دهد. این سه‌گونه الگو در بازه‌های زمانی قبل از ۱۳۰۰ و اوایل قرن حاضر تا اواسط دهه ۳۰ و از ۱۳۴۰ تا دوران معاصر شکل گرفته‌اند. این تقسیم‌بندی به صورت کلان و پیشنهادی مطرح می‌شود تا بتوان محدوده‌های بررسی را مشخص‌تر دنبال کرد.

در این بررسی، به آن دسته از خانه‌هایی که تا سال ۱۳۰۰ شمسی ساخته شده‌اند و هم‌اکنون تعدادی از آنها در «بافت‌های تاریخی» شهرهای انتخابی باقی مانده‌اند، «خانه‌های تاریخی» اطلاق می‌شود.

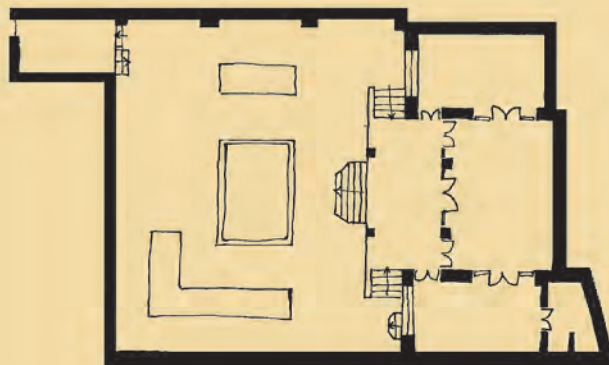
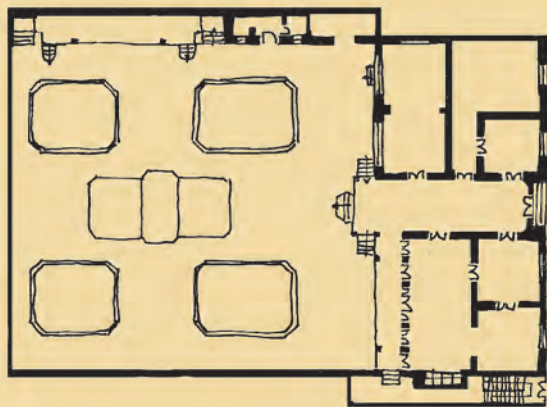
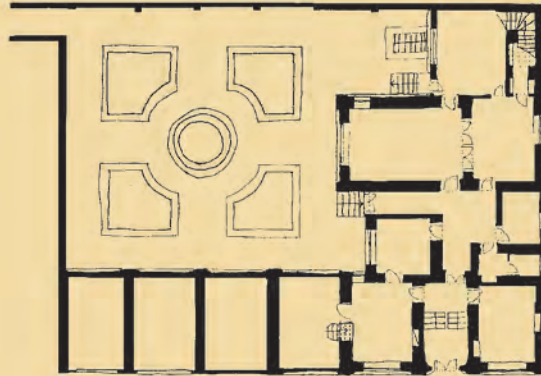
این مجموعه خانه‌ها، بناهایی هستند که خانواده‌های شهری از آنها برای سکونت استفاده می‌کرده‌اند و در حال حاضر همراه با آنچه از بناها، معبرها و فضاها گذشته باقی مانده است، «بافت تاریخی» را شکل می‌دهند. این قسمت از شهرهای معاصر، در عین حال که حاوی آثار معماری و شهرسازی ایران هستند، گران‌ترین زمین‌های شهری را نیز در خود جای داده‌اند و همچنین، متمرکزترین ناحیه هر شهر را از لحاظ فعالیت‌های اداری، تجاری و خدماتی تشکیل می‌دهند.

حضور خانه‌ای تاریخی با عمر بیش از دویست سال در شش شهر انتخابی به ندرت قابل تشخیص است. علت آن است که آفت‌های طبیعی، به ویژه زلزله، تمامی بناهای تاریخی ایران - بناهای عمومی و خصوصی - را تهدید می‌کنند، لیکن بناهای عمومی به خاطر ارائه خدمات عمومی، به تدریج توسط عموم، مرمت و بازسازی می‌شده‌اند، ولی خانه‌ها یا از نو ساخته می‌شده یا رها می‌شده‌اند. در درجات بعد می‌توان به عدم ثبات سیاسی و اقتصادی شهرها اشاره کرد که افت و خیزهای آن، رونق و رکود فراوان در برداشته و موجب درهم شکستن و جابه‌جایی مکرر خانواده‌های ساکن در این خانه‌ها می‌شده است.

خانه‌هایی که پس از وقوع زلزله دوباره ساخته می‌شدند از نظر اصول و الگوهای معماری تفاوت عمده‌ای با خانه‌های قبلی نداشتند. اول آنکه مانند امروز، الگوی دیگری وجود نداشت و دیگر آنکه الگوها و حالت‌های فضایی این بناها و جزئیات ساختمانی، نسل به نسل به معماران بعدی منتقل می‌شده است. در بررسی گونه‌شناسی فضایی ابنیه عصر قاجار معلوم می‌شود که میان انواع فضاها که در نواحی مختلف کشور قرار دارند، مشابهت‌های ساختی و مفهومی وجود دارد و این بدان معناست که علی‌رغم نبود قوانین مدون سراسری، ادراک فضایی یکسانی در کشور به هنگام ساخت‌وساز وجود داشته و اگرچه این بناها عمدتاً به دوره قاجار تعلق دارند، لیکن توانسته‌اند بخش اعظم دستاوردهای فضایی قرن‌های پیش از قاجار را در خود گرد آورند.

خانه‌هایی را که پس از سال ۱۳۴۰ در شهرهای انتخابی به صورت‌های تک‌واحدی یا آپارتمانی ساخته شده و تعداد آنها به سرعت رو به افزایش است و در ادبیات رایج

(تصویر ۱-۱) پلان خانه‌های قدیمی کاشان (۱۳۰۵-۱۳۳۵)



به آنها «واحد مسکونی» نیز می‌گویند، «خانه‌های معاصر» می‌نامیم. در این کتاب، خانه‌های معاصر در کنار خانه‌های تاریخی مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته‌اند. آن گروه از خانه‌هایی که در حد فاصل میان این دو دوران ساخته شده‌اند، یعنی در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۵، خانه‌هایی هستند که سازمان فضایی آنها برای اولین بار، حضور خیابان و ماشین را به رسمیت شناختند و کوشیدند تا با مراعات معیارهای گذشته، این پدیده جدید را نیز رعایت کنند. این قبیل خانه‌ها که از نظر تعداد کم و از نظر وسعت، سطح بسیار اندکی از شهرهای مورد بررسی را به خود اختصاص داده‌اند و از ارزش‌های معمارانه بسیار برخوردارند، شایسته پژوهشی مجزا و اختصاصی هستند.

شش شهر انتخابی جهت بررسی تطبیقی خانه‌های تاریخی و معاصر در این کتاب (به ترتیب حروف الفبا) عبارتند از:

بوشهر، رشت، شیراز، کاشان، کرمان و همدان.

در تمامی مقوله‌های گونه‌شناسی که تا کنون ذکر شد، دو نقشه اصلی وجود دارد. در نقشه اول، سازمان فضایی خانه‌های انتخابی و در نقشه دوم، بخشی از سازمان فضایی هر خانه که نمایانگر الگوهایی فضایی هستند، انتخاب و در مقیاس بزرگتر نمایش داده شده است. به منظور افزایش تمرکز بر مقوله‌های مورد نظر و توانایی‌های موجود روش گونه‌شناسی، از ثبت مقوله‌های مرتبط با هر نقشه شامل مقیاس، جهت شمال و از این قبیل، پرهیز شده است.

معرفی شهرهای انتخابی : ویژگی های جمعیتی ، اداری ، جغرافیایی و اقلیمی

در این کتاب ، خانه های تاریخی و خانه های معاصر شهرهای بوشهر ، رشت ، شیراز ، کاشان ، کرمان و همدان ، مورد شناسایی روشمند قرار گرفته اند . تمامی این شهرها به استثنای کاشان ، مرکز استان های خویش می باشند . کاشان مرکز اداری - سیاسی شهرستان است که هم اکنون در زمره یکی از شهرستان های استان اصفهان محسوب می شود . لیکن علی رغم این موقعیت ، جمعیت کاشان از بوشهر ، مرکز استان بوشهر نزدیک به یک برابر نیم بیشتر می باشد . پرجمعیت ترین شهر این بررسی ، شهر شیراز است و بعد به ترتیب شهرهای همدان ، رشت ، کرمان ، کاشان و بوشهر در مقام های بعدی قرار دارند .

برآورد دقیقی از سطح بافت های تاریخی این شهرها و بالطبع نسبت آنها به کل شهر وجود ندارد . براساس بررسی های میدانی می توان اظهار نمود که بیشترین میزان تخریب و نابودی «بافت تاریخی» به شهرهای همدان و رشت تعلق دارد و میزان باقی مانده از این بافت به ترتیب در شهرهای کرمان ، شیراز و کاشان بیشتر از سایر شهرهاست . در زمان آغاز این پروژه ، براساس گزارشات مهندسی مشاور شهرهای بوشهر و کاشان ، «بافت تاریخی» بوشهر که در دماغه ای در اتصال با خلیج فارس واقع شده در حدود ۵۰ هکتار و بافت تاریخی کاشان در حدود ۳۰۰ هکتار بوده است ، البته این ارقام به منزله حضور بافتی یکدست و سالم در سطح شهر نمی باشد . شش شهر مورد بررسی در شمال ، غرب ، مرکز و جنوب کشور مستقر هستند و انواع اقلیم و پهنه های جغرافیایی را دارا می باشند . شهر رشت در ۳۲۵ کیلومتری شمال و بوشهر در ۱۲۳۰ کیلومتری جنوب تهران واقع شده اند .

عرض جغرافیایی شهرهای بوشهر و رشت بیش از ۱۰ درجه و طول جغرافیایی شهرهای کرمان و همدان بیش از ۸ درجه اختلاف دارند . بوشهر و رشت درکنار و نزدیک به دریا واقع شده اند و رشت از مزیت همجواری با سبزی و جنگل نیز ، برخوردار است . کاشان از چشم انداز ، نسیم کرکس و بادهای کویری نصیب می برد و همجواری همدان با الوند ، ویژگی عمده جغرافیایی این شهر به حساب می آید . در حالی که شهرهای کرمان و همدان هر یک بیش از ۱۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند ، شهر رشت ۷ متر پایین تر و شهر بوشهر تنها ۴ متر بالاتر از سطح دریا واقع شده اند . کاشان نیز علی رغم همجواری با کرکس ، به طور متوسط نزدیک به ۱۰۰۰ متر از سطح دریا بالاتر است .

تمایز و اختلاف میزان بارندگی در شهرهای مورد بررسی بیشتر از یک متر در سال است . به نحوی که میانگین بارندگی سالانه شهر رشت از ۱۳۰۰ میلیمتر تجاوز کرده و در کاشان و کرمان به ۲۰۰ میلیمتر نمی رسد . در سایر شهرها نیز این رقم کمتر از ۴۰۰ میلیمتر است .

مشاهدات

تمامی خانه‌های ساخته‌شده تا سال ۱۳۰۰، چه کوچک و چه بزرگ، حیاط یا حیاط مرکزی دارند و چیدمان جزءفضاها پیرامون حیاطها از نظام فضایی مشخص پیروی می‌کنند.

حیاط در همه این خانه‌ها مرکزیت دارد، و همانند قلب خانه عمل می‌کند. فضاهای مختلف خانه‌ها اعم از اطاق، ایوان و راهرو، مهتابی و شناسیل، صفه و سکو با آرایشی تعریف‌شده در اطراف حیاط مستقر شده‌اند، تمامی فضاها به شیوه‌ای غیر مستقیم یا تدریجی با حیاط مرتبط هستند، در نمونه‌های بزرگتر از نقطه‌نظر مساحت، مشاهده شد که فضاها به صورت لایه افقی بر گرد حیاط قرار گرفته‌اند.

در حیاط حضور آب، سبزی، آسمان، آفتاب، باد، شب و مهتاب و رابطه معمارانه با آنها کاملاً محسوس است. حیاطها از نظر احساس فضایی همانند یک اطاق عمل می‌کنند. چهار جبهه حیاط حتی آن قسمت‌ها که فقط دیوار است مشخص و تعریف‌شده است.

دیوارها مسطح نیستند، از طریق قامت بلند، طاق، طاقچه‌ها و برجستگی‌های سازه‌ای از حالت سطح خارج شده‌اند، شخصیت فضایی پیدا کرده‌اند و برای حیاط نیز تعریف مشخص تری فراهم کرده‌اند.

ورودی خانه‌ها دارای شخصیت و جلوه فضایی مستقل هستند و به طور مستقیم با فضاها و حیاط مرتبط نمی‌باشند، بلکه به وسیله یک یا چند فضای دیگر با حیاط ارتباط برقرار می‌کنند. اینکه پس از ورود به خانه، یکباره امکان مشاهده تمامی فضای خانه مقدور نیست، در تمامی نمونه‌های مورد بررسی همانند یک ضابطه و مقررات ساختمان رعایت شده بود.

همه فضاهای بسته به طور غیر مستقیم و عمدتاً از طریق فضاهای سرپوشیده با حیاط مرتبط هستند. همین شیوه از حضور، همزمان و هم‌مکان انواع فضاهای باز، بسته و پوشیده باعث شده تا تعداد فضاهای خانه، از نظر اندازه و وسعت از تنوع قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشند.

نتیجه همجواری و ترکیب دو فضا و بیشتر، آن است که فضاهای مستقل امکان بزرگتر شدن، جادارتر شدن و پذیراتر شدن را دارا هستند. در این میان، فضاهای پوشیده به عنوان فضاهای گذار در ادامه فضاهای باز و بسته نقش ایفا می‌کنند.

در هر سمت حیاط، ترکیب لایه‌های افقی و عمودی فضا، همچون شبکه‌ای در هم تنیده، انواع فضاهای مختلف‌الارتفاع را برای انواع فعالیت‌های خصوصی و عمومی مرتبط با شیوه زندگی فراهم می‌آورند.

بسیاری اختلاف سطح، شامل سطوح زیرزمین، حیاط، پایین‌خانه، بالاخانه و بام به همراه بسیاری اختلاف ارتفاع، شامل سقف‌های حوضخانه، شاه‌نشین، سه‌دری، پستو و ایوان بسیار تأثیرگذار هستند. سایر گونه‌گونی فضاها، بر حسب عوامل مختلف که در ایجاد تمایز و تشخیص فضایی نقش بسزایی دارند، به قرار زیر می‌باشند:

در شهرهای همدان، کرمان و شیراز به ترتیب و به طور متوسط در سال، چهار، سه و دو ماه یخبندان مشاهده شده است. این پدیده در شهر بوشهر مشاهده و ثبت نشده است. از طرف دیگر حداقل درجه حرارت در همدان ۹- و در بوشهر ۹+ درجه سانتیگراد گزارش شده است. در تمامی شهرهای مورد بررسی، حداکثر درجه حرارت بالاتر از ۳۰ درجه سانتیگراد ثبت شده و کاشان در این میان، با ۴۱ درجه از همه شهرها گرمتر می‌باشد. تفاوت حداکثر و حداقل درجه حرارت در هر دو شهر کاشان و همدان مساوی یکدیگر و معادل ۴۲ درجه اختلاف بین تابستان و زمستان ثبت شده است.

مرطوب‌ترین شهر از میان شش شهر، رشت با ۸۵٪ رطوبت متوسط در روز و خشک‌ترین شهر، کرمان با ۵۵٪ گزارش شده‌اند.

همه این مختصات جغرافیایی و اقلیمی آورده شد، اما دو نکته دیگر نیز حائز اهمیت و توجه هستند. اول آنکه باگذشت زمان، جمعیت این شهرها افزون شده و از آنچه معماری و شهرسازی ایران است و فعلاً در این کتاب طبق قرار «بافت تاریخی» نامیده شده، کاسته شده است. دوم آنکه، با وجود تمامی تمایزات جغرافیایی و اقلیمی میان شهرهای معرفی شده در بالا، تجربه حضور در خانه‌های تاریخی این شهرها و بررسی انجام‌شده بر روی آنها معلوم ساختند که شکل‌گیری و احداث بنا از اسلوب‌ها و الگوهای مشابه و واحدی پیروی می‌کنند و در این فصل، تنها به ذکر مشاهدات اکتفا می‌شود تا در فصل‌های بعدی بر اساس روش‌های بررسی، موضوع روشن شود.

تعریف‌کننده فضاهای پوشیده. تنوع نور شامل فضاهای کاملاً تاریک، فضاهایی که به تدریج روشن می‌شوند، فضاهای روشن، فضاهای کاملاً نورانی
 - تنوع حرارت شامل اطاق‌هایی که فی‌نفسه خنک هستند، اطاق‌هایی که گرم هستند، اطاق‌هایی که کوران دارند.

(جدول ۱) طول و عرض جغرافیایی

طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	
۵۰°-۵۰°	۲۸°-۵۹°	بوشهر
۴۹°-۳۶°	۳۷°-۱۹°	رشت
۵۲°-۳۵°	۲۹°-۳۲°	شیراز
۵۱°-۲۲°	۳۳°-۵۹°	کاشان
۵۶°-۵۸°	۳۰°-۱۵°	کرمان
۴۸°-۴۳°	۳۵°-۱۲°	همدان

(جدول ۲) ویژگی‌های جغرافیایی - اقلیمی

	ارتفاع از سطح دریا به متر	میانگین بارندگی سالانه به میلی‌متر	میانگین بارندگی در یک روز	میانگین روزه‌های یخبندان	حداکثر درجه حرارت	حداقل درجه حرارت	حداکثر متوسط روزانه رطوبی نسبی
بوشهر	۴	۲۸۱	۱۵۰	-	۳۸	۹	٪۷۳
رشت	-۷	۱۳۴۸	۱۳۳	۳۵	۳۰	۱	٪۸۵
شیراز	۱۴۹۱	۳۴۳	۱۲۸	۵۶	۳۷	-۱	٪۶۳
کاشان	۹۵۵	۱۴۲	۳۱	۴۸	۴۱	-۱	٪۶۱
کرمان	۱۷۴۹	۱۶۶	۶۰	۹۰	۳۵	-۳	٪۵۵
همدان	۱۶۴۴	۳۴۴	۴۳	۱۲۹	۳۳	-۹	٪۷۶

(جدول ۳) ویژگی‌های جمعیتی - اداری

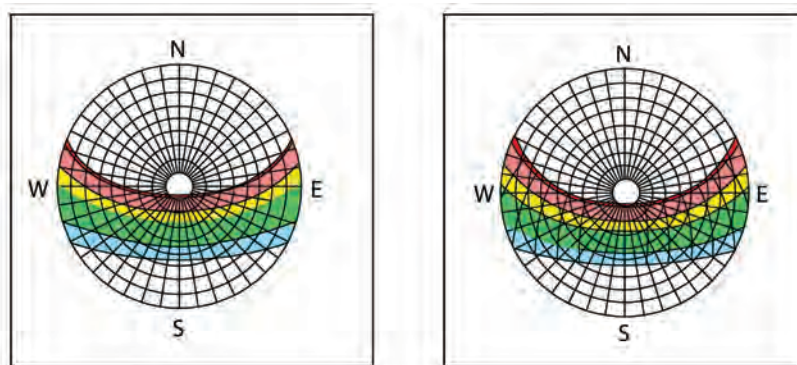
	جمعیت ۷۰ سال	موقعیت اداری - سیاسی	فاصله تا تهران به کیلومتر
بوشهر	۱۸۱۵۸۳	مرکز استان بوشهر	۱۲۳۰
رشت	۶۷۴۷۶۳	مرکز استان گیلان	۳۲۵
شیراز	۱۲۸۸۵۲۴	مرکز استان فارس	۹۱۹
کاشان	۳۱۵۹۱۹	مرکز شهرستان کاشان	۲۶۹
کرمان	۴۷۹۹۱۷	مرکز استان کرمان	۱۰۲۲
همدان	۷۷۳۹۹۸	مرکز استان همدان	۳۲۳

- تنوع جلوه‌های معمارانه تأمین نور از روزن، در، ارسی، چراغگاه و از سقف. از طرف دیگر، نور مستقیم از حیاط و انواع نورهای غیر مستقیم از انواع سرپوشیده‌ها و بام.

- تنوع مقیاس فضاها شامل فضاهای بسیار کوچک، فضاهای بسیار بزرگ و فضاهای میانی و متوسط در گروه فضاهای باز، بسته و پوشیده.

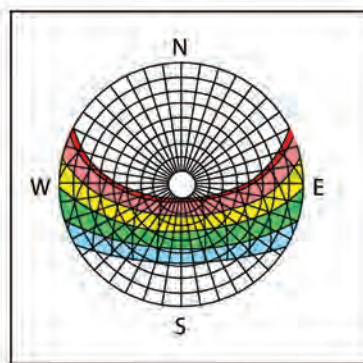
- تنوع بدنه‌ها به عنوان تعریف‌کننده فضاهای باز، تعریف‌کننده فضاهای بسته از فضاهای بسته دیگر، تعریف‌کننده فضاهای بسته از فضاهای پوشیده و

(تصویر ۲-۱) موقعیت و زوایای تابش خورشید در عرض‌های جغرافیایی شهرهای مورد بررسی

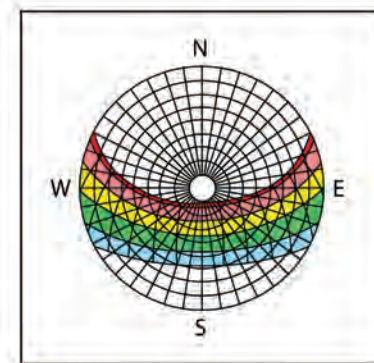


شیراز، بوشهر - عرض جغرافیایی ۲۹°

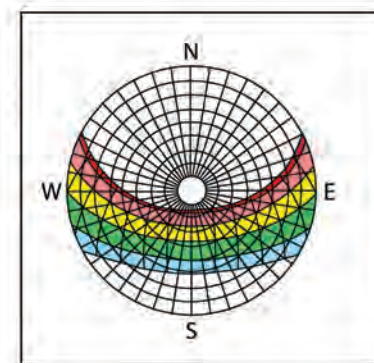
کرمان - عرض جغرافیایی ۳۱°



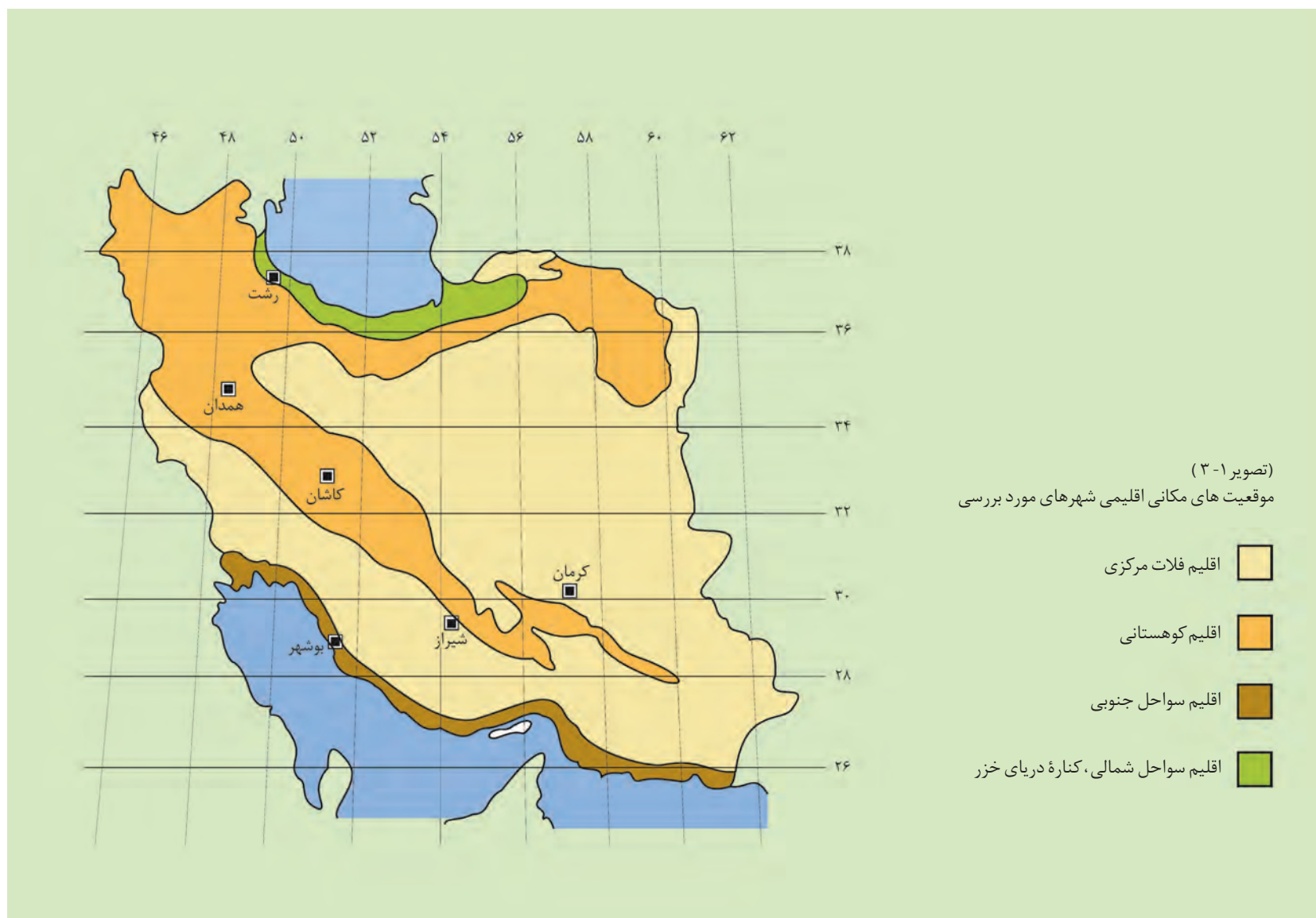
کاشان - عرض جغرافیایی ۳۳°



همدان - عرض جغرافیایی ۳۵°



رشت - عرض جغرافیایی ۳۷°



مأخذ: (کسمایی، مرتضی، ۱۳۶۳: ۱۵۸) ۴

۴. این پهنه بندی به صورت مشترک توسط آقایان بهروز پاکدامن و مرتضی کسمایی تهیه شده است. پس از این تاریخ، بر اساس روش اولگی، آقای مرتضی کسمایی پهنه بندی اقلیمی ایران را افزایش داده اند.

مسیرهای اکتشاف روش‌شناسی شناخت خانه‌های تاریخی و معاصر

مقدمه

بخش اول:

درک از معماری در دوران دانشجویی (۵۷ - ۱۳۵۰)
چرخه پژوهش: مشاهده، ثبت، مطالعه، یادگیری، پرسش
حضور در کاشان

ثبت سه تجربه فضایی در معماری کاشان
تفاوت در حد فاصل زمین و آسمان
تغییرات صورت گرفته در بیرون خانه
تغییر سازمان فضایی شهر
ساحت‌های سکونت معاصر
تغییر در درون خانه

بخش دوم:

از کتابخانه تا خانه
قلمرو روش‌شناسی خانه‌ها

مقدمه

شناسایی خانه‌های تاریخی در شرایطی که با درگذشت ساکنان اصلی یا تخلیه آنها، افرادی ناآشنا با فضاها و آداب زندگی، در این خانه‌ها سکونت کرده‌اند، بدون برخورداری از روش یا روش‌های شناخت میسر نبود. افزون بر این وضعیت، معمارانی که این خانه‌ها را ساخته بودند نیز، در گذشته بودند و امکان بهره‌وری از دانش و تجربه مستقیم آنان نیز وجود نداشت.

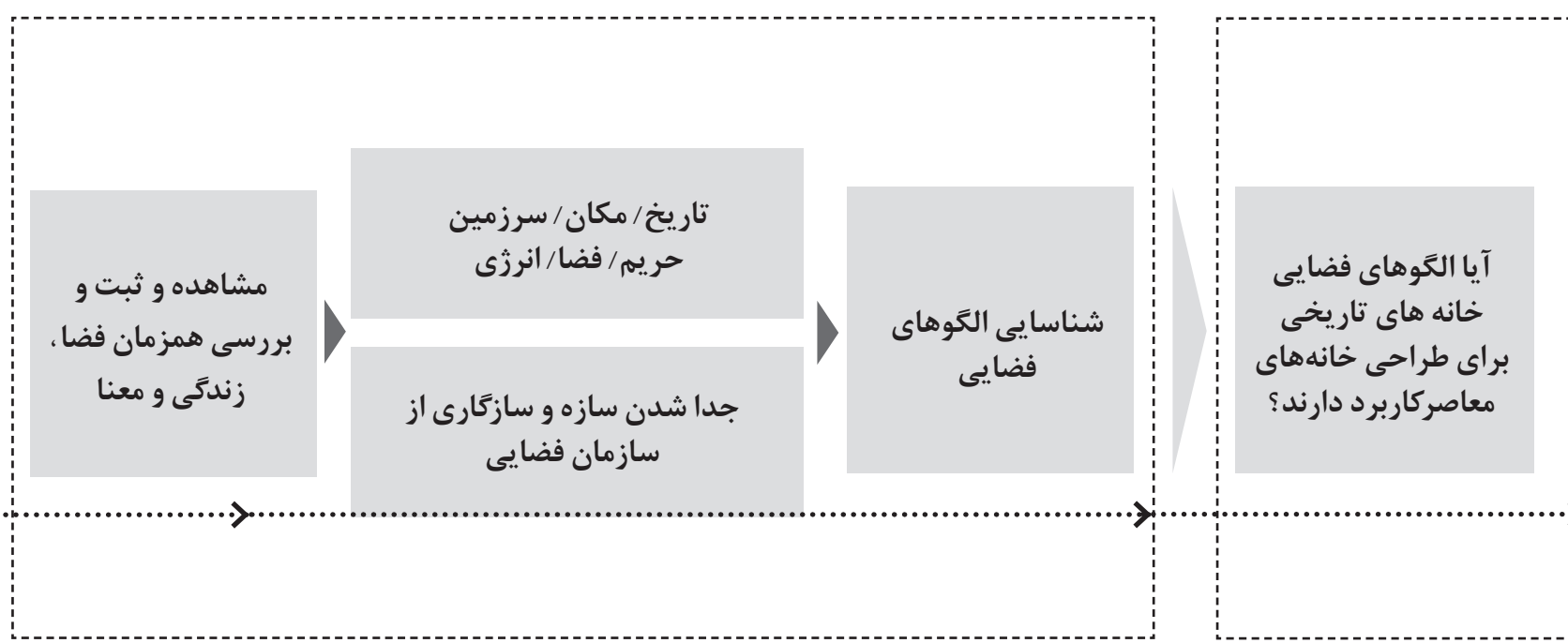
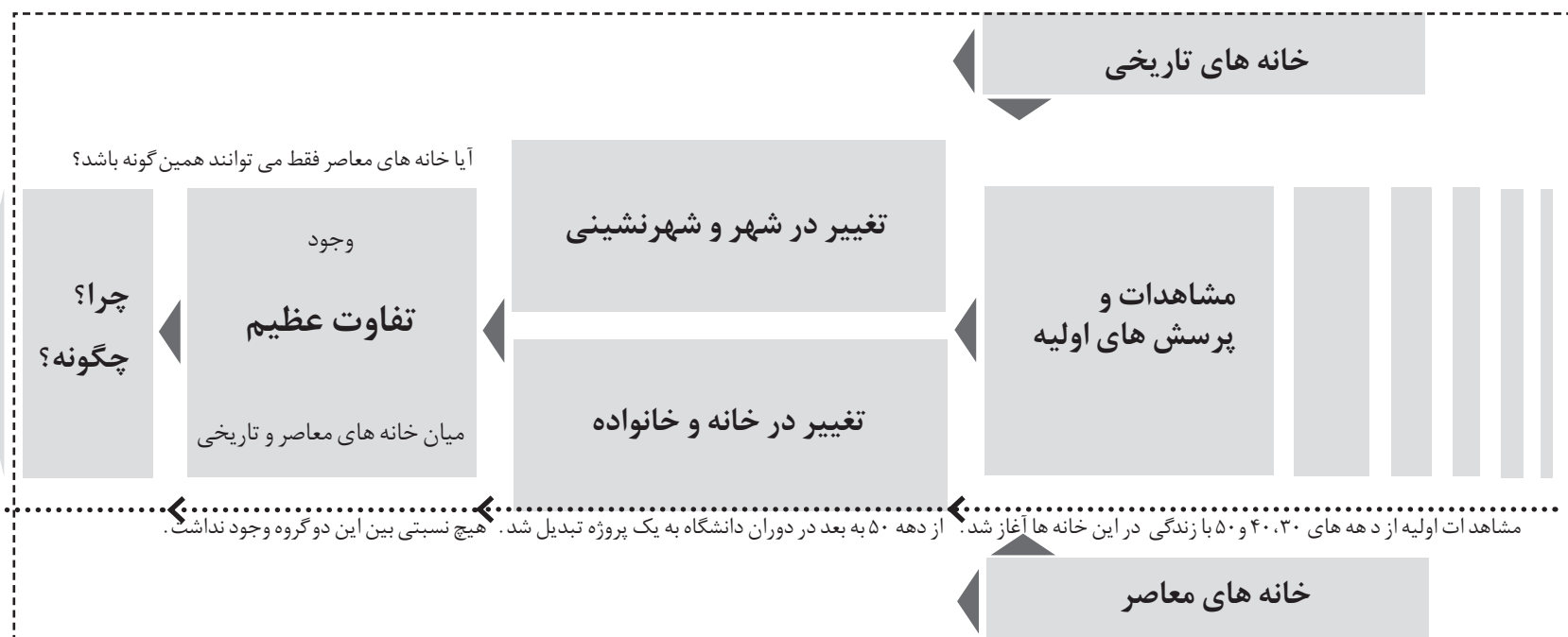
بسیاری از مالکان ساکن در خانه‌های تاریخی در دهه ۵۰ و ۶۰ درگذشتند و فرزندان و نوادگان آنها نیز از زیستن در این خانه‌ها سرباز زدند. در نتیجه، در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ این خانه‌ها خالی از سکنه شدند و تبدیل شدن آنها به «خرابه» یا فضاهای اجاره‌ای ارزان قیمت سرعت گرفت.

شناسایی معماری خانه‌های معاصر نیز با وجود حضور ساکنان اصلی و دسترسی به معماران آنها، باز محتاج روش و دانش است. برای شناخت خانه‌های معاصر و بررسی کمی و کیفی معماری این خانه‌ها، امکان بازدید و گفت‌وگو با ساکنان میسر بود. آنها با حوصله و صبوری به پرسش‌ها، پاسخ گفتند و پرسشنامه‌های طراحی شده را پر کرده و در مواردی با پست ارسال کردند. بعلاوه امکان گفتگو با معماران طراح این خانه‌ها نیز فراهم بود که از این رهگذر شرایط مناسبی برای درک چگونگی طراحی و سازمان‌دهی فضاهای خانه‌های معاصر فراهم شد.

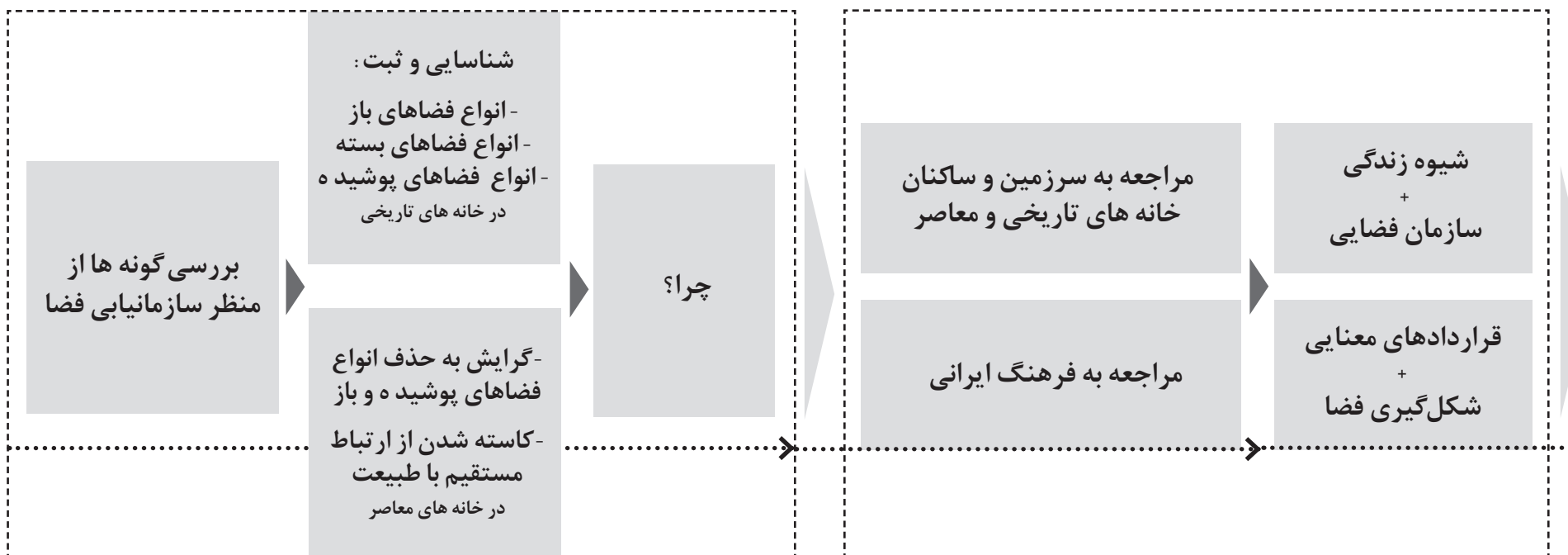
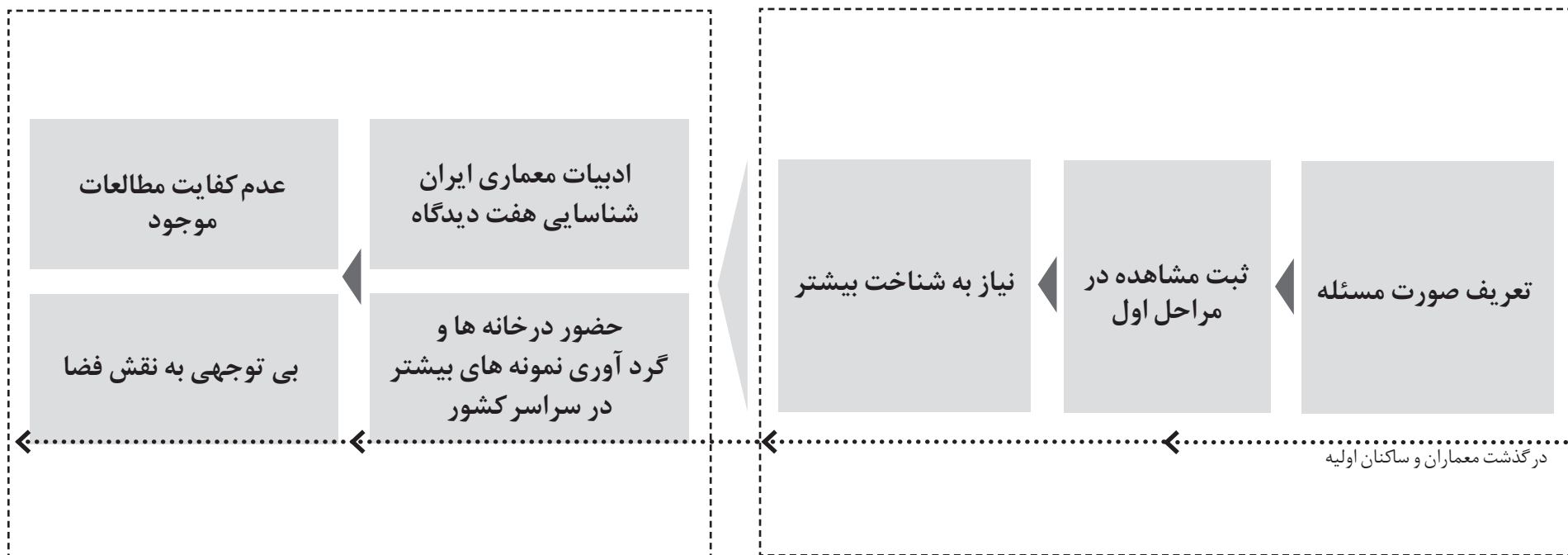
مراد از روش و روش‌شناسی شناخت در اینجا، دستگاهی مجهز و از پیش آماده نیست که به یکباره خریداری شود و یا از کسی و یا جایی به عاریت گرفته شود و بتوان با قراردادن پدیده‌های مورد بررسی در «دستگاه روش‌دان»، به شناخت کم و کیف آن پدیده‌ها نائل آمد. ساختن تکه‌تکه گوشه‌ها و اجزاء دستگاه روش‌شناسی، بدون حضور ممتد در این خانه‌ها و گفتگو با ساکنان و آشنایان این خانه‌ها و ثبت لحظه به لحظه مشاهدات و غور و تفکر درباره آنها، میسر نبود.

سخت‌ترین کار در هنگام پژوهش، جدا کردن قضاوت از شناخت است. شناخت بدون قضاوت و توصیف بدون صفت مشاهدات و نمونه‌ها، مشکل‌ترین چالش پژوهش است. آگاهی بر تمام لحظه‌های مشاهده، ثبت، مطالعه، یادگیری و یافتن نکته‌های تازه از نادانسته‌ها، ویژگی اصلی فرآیند پژوهش است تا مبادا پیش از آنکه به شناخت نائل شویم، به حکمی زودرس قناعت کنیم و پدیده‌هایی از گستره پژوهش حذف شوند. اکنون، نقشه مسیر پژوهش را با تکیه بر نقاط عطف آن ترسیم می‌کنیم.

فرایند بررسی معماری خانه‌های تاریخی و خانه‌های معاصر بر اساس چرخه پژوهشی:



مشاهده ← ثبت ← بررسی ← یادگیری و پرسش



بخش اول

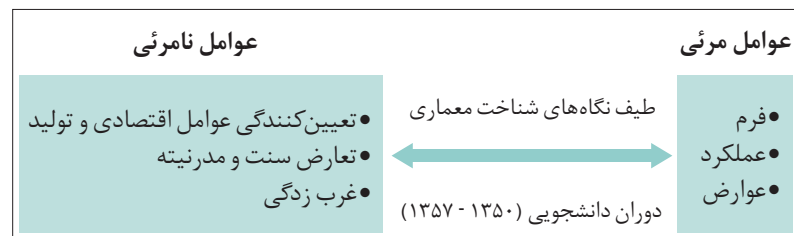
درک از معماری در دوران دانشجویی (۱۳۵۰-۵۷)

«معماری ایران» در دوران دانشجویی در دهه ۱۳۵۰، تعداد اندکی «ستایشگر» و تعداد قابل توجهی «نافی» داشت. کمتر گفت‌وگویی بدین منوال که گروه ستایشگران مطالب مدون، منظم و مستدلی در شناخت معماری ایران ارائه کنند و گروه نفی‌کنندگان نیز پاسخی شایسته فراهم کرده و پاسخ گویند وجود داشت. هر دو جناح به طور شفاهی مطالب خود را بیان می‌کردند. به این ترتیب، بازار جبهه‌گیری و نزاع بین ستایشگران و نفی‌کنندگان معماری ایران رونق داشت. با این وجود، فرصت‌های ارزشمندی، جهت بازدید از شهرهای ایران و حضور در بناها و فضاهای معماری ایران فراهم بود. چشم‌های دوران دانشجویی با مشاهده بی‌واسطه شهرها و بناهای ایران، فرصتی استثنایی به دست آوردند که بتوانند تا اندازه‌ای خود را از قید دعاوی ستایشگر و بی‌توجه رها کنند و به جست‌وجو و کنکاش مستقیم بپردازند. در دهه پنجاه هنوز، مقدار قابل توجهی از نمونه‌های معماری و شهرسازی ایران باقی بود.

در دوران دانشجویی به طور مشخص هرگز درسی به نام «معماری ایران» ارائه نشد، جزوه یا نوشته‌ای نیز بدین منظور عرضه نگردید. در آن ایام، دسترسی به دانش معماری جهان، بیشتر از طریق کتاب و مجله میسر بود. کتاب‌های متعددی درباره معماری یونان، روم و مصر در کتابخانه‌های معدود آن زمان وجود داشت و تک‌وتوک مجله معماری که از خارج به کشور می‌رسید، تأثیر بسیاری بر طرح‌های دانشجویان داشت. کتاب و مجله درباره معماری ایران کمیاب بود.

برای بررسی کمی و کیفی معماری و آگاهی یافتن از چگونگی سازمان‌یابی فضا در شهر و بنا، در دوران دانشجویی در دهه ۵۰ (۱۳۵۷-۱۳۵۰)، چندین برداشت وجود داشت. هر یک از برداشتها بخشی از شناخت معماری را تشکیل می‌داد. اکنون بعد از گذشت سه دهه می‌توان آنها را در یک طیف دسته‌بندی نمود. یک سوی طیف، مربوط به وابستگی معماری به وجوه ملموس و مرئی معماری بود و بر معرفی فرم، عملکرد و عوارض (کمیت‌های بنایی و تزیینات) تأکید داشت و در آن سوی طیف نگاه به معماری، بر وجوه غیر ملموس و نامرئی تأکید می‌شد. در طیف وجوه غیر ملموس شناخت معماری دو بینش از همه عیان‌تر بودند. در یک گروه، بینش

(تصویر ۲-۱) نمودار طیف نگاه‌های شناخت معماری



اصلی تأثیرگذار بر شکل‌گیری معماری، عوامل اقتصادی و تولیدی معرفی شدند، و در بینش دوم، معماری بازتاب جدال سنت و مدرنیته بود. افرادی در جهت ستایش گذشته معماری ایران، معماری مدرن را در تضاد با معماری ایران می‌دیدند و آن را معماری وارداتی و غربی می‌دانستند و پیروی از آن را نوعی غربزدگی به حساب می‌آوردند.

در دوران دانشجویی، بینشی همگرا برای گنج‌نیدن این نگاه‌ها در چارچوبی منطقی مطرح نشد. آنچه عیان بود، پافشاری هرکدام از این بینش‌ها بر حقانیت خود و دوری‌گزیدن از شناخت دیگری بود. در نتیجه پس از خروج از دانشکده، معماری و معماری ایران هر دو ناشناخته باقی ماندند.

عدم کارایی و انسجام آنچه که در دوران دانشجویی آموخته بودیم از یک طرف، مشاهده از نزدیک و حضور متمادی در فضاهای متعلق به معماری ایران - خانه‌های تاریخی - نیاز به بیان و بازگو کردن نکات پنهان را برای درک معماری به وجود آورد. نیازهایی که برای یافتن پاسخ آنها می‌بایست پیگیرانه با بذل دقت و صبوری جست‌وجو را دنبال می‌کردیم.

چرخه پژوهش: مشاهده، ثبت، مطالعه، یادگیری، پرسش

بر اثر حضور در دانشکده معماری و قرارگیری ناخواسته در یکی از سویه‌های طیف طرفداران و مخالفان معماری ایران، ارزیابی و گفت‌وگوهای ما دانشجویان با قضاوت‌های تند و زودرس همراه بود. پیش از شناخت، از طریق بدو خوب کردن، مخالفت کردن و موافقت کردن، تعیین تکلیف می‌کردیم. در سفرهای دانشجویی به شهرهای ایران و فراهم شدن فرصت حضور در بناها و فضاهای متعلق به معماری ایران، حالات عجیبی پدید می‌آمدند. بی‌آنکه متوجه باشیم به هنگام حضور در بناهای باقی مانده از معماری ایران، به ویژه مساجد جامع شهرها، فضا بر ما عارض می‌شد و با فرصتی که در اختیارمان قرار گرفته بود، بدون فشارها و مسئولیت‌های زندگانی در معرض فضاهای معماری ایران قرار می‌گرفتیم. به موازات حضور در بناهای روستاها و شهرهای مختلف کشور و بعدها حضور در بناها و فضاهای شهرهای کشورهای دیگر، این پرسش جدی در حد فاصل برداشت‌های دانشجویی از میان مشاهدات ما شکل گرفت:

آیا معماری با تکیه بر عوامل مرئی و آشکار قابل درک می‌شود؟ و به غیر از فرم، عملکرد و عوارض بنا، آیا عوامل دیگری هستند که در پیدایی و شکل‌دهی به معماری دخیل باشند؟

با شکل‌گیری این پرسش‌ها، همزمان دعاوی شفاهی جناح‌های مخالف و موافق معماری ایران در ما بیدار می‌شد؛ یا بر آنها متمرکز می‌شدیم و تحت تأثیر قضاوت‌های زودرس، مشاهده و مکاشفه را در درون فضاها، نیمه‌کاره رها می‌کردیم، یا به تأثیرات فضایی معماری ایران، فرصت بروز می‌دادیم و با صبوری فرایند مشاهده را حفظ می‌کردیم. آنچه بر ما می‌گذشت فرایندی بود که از حضور و مشاهده آغاز و به

مکاشفه، یادگیری و طرح سؤال می‌انجامید. ضروری بود که این حالات دوام یابند تا مکاشفه بتواند به ادراک و فهم فضا، نایل آید.

آنچه ورود به ساحت مکاشفه را غیر ممکن ساخته بود، قضاوت‌های زودرس بودند. کوشش شد تا پیش از قضاوت - حتی همراه با قضاوت - مشاهده‌ها و احساس‌های حاصل از حضور در فضاها ثبت شوند. ثبت کردن به ما کمک کرد که دوباره نگاه کنیم و مشاهده را ادامه دهیم. ورود به ساحت بعد از مشاهده و حضور، یعنی یادگیری توأم با معلوم شدن پرسش‌ها، مسیر حرکت را هموار می‌کرد. می‌بایست می‌آموختیم که با صبوری، مشاهده را بدون قضاوت ثبت کنیم و با طرح پرسش‌های جهت‌دهنده به مسیرهای تازه اکتشاف قدم بگذاریم.

(تصویر ۲-۲) نمودار بسط دائمی چرخه پژوهش به مثابه روش



حضور در کاشان

در انتهای دوره تحصیلی معماری در دانشگاه، پایان‌نامه‌ام را به موضوع «بررسی همه‌جانبه سازمان‌یابی فضا» اختصاص دادم با این هدف که تأثیر عوامل مرئی و نامرئی را بر شکل‌گیری یک شهر شناسایی کنم. برای این منظور، پس از گردآوری‌های نظری، شهر کاشان را مورد مطالعه قرار دادم. مراد از عوامل مرئی، کلیه عواملی بوده و هستند که به چشم مشاهده‌گر می‌آیند و در اینجا ساختمان‌های شهر کاشان، تمامی ابنیه، فضاها، محیط طبیعی و سرزمینی، که به عنوان بستر تحقق معماری منظور نظر هستند، عوامل مرئی را تشکیل می‌دادند. مراد از عوامل نامرئی، کلیه عواملی است که ساختار و سازمان فضایی شهر و بناها را پدید آورده و شکل داده‌اند و ذیل عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی (اداری - مدیریتی) و فرهنگی از آنها نام برده می‌شود.

هدف اصلی پایان‌نامه دوران دانشجویی، شناخت همه‌جانبه معماری بود. شناخت، از منظری غیر از آنچه در دانشکده مطرح بود. به همین علت در عنوان پایان‌نامه و در آغاز پژوهش به جای واژه معماری، عبارت «سازمان‌یابی فضا» را انتخاب کردم. برای این منظور، حدود دوسال وقت تخصیص داده شد و کوشش شد تا از نگاه‌های رایج برای شناخت معماری فاصله گرفته شود. معهداً در این دوران (۵۹-۱۳۵۷) نیز، نتوانستم به درک نظام‌یافته‌ای از معماری دست یابم. لیکن به همراه گسترش مطالعات و جست‌وجوی چگونگی شکل‌گیری فضا و دست یافتن به آمار و ارقام و کمیت‌های مختلف دریافتم که رشد شهر کاشان در مسیری دیگر، به همراه تغییر معانی و توانایی‌های ذاتی خویش در حال رشد کردن و گسترش یافتن است. پرسش این بود که چرا کاشان در مسیری دیگر گسترش می‌یابد؟ آیا این تنها مسیری است که کاشان می‌توانست انتخاب کند؟ آیا این انتخاب آگاهانه صورت گرفته است؟ چرا رشد معاصر کاشان با گذشته شهر بی‌ارتباط است؟ اگر گذشته نیروی اصلی حال و آینده شهر نیست، پس کدام نیروها و عوامل کاشان را به این مسیر منتقل کرده‌اند؟ یافتن پاسخ برای این پرسش‌ها در آن ایام مقدور نشد، اما کوشیدم تا یافته‌های این پژوهش را مرتبط با تفاوت‌ها و تمایزهای رخ داده بین پدیده‌ها، در یک نظام دوقطبی ثبت کنم. ثبت تفاوت‌هایی که قادر به تبیین مناسب آنها نبودم و نمی‌توانستم دلیل این همه جدایی، این همه تفاوت را بفهمم. آنها را در درون چندین طیف طبقه‌بندی کردم و در اینجا نمونه‌هایی از مشاهدات دوقطبی را با توجه به اهمیت و نقش آنها در شکل‌دهی به معماری خانه مثال می‌آورم:

- از شهرنشینی آرام تا شهرنشینی سریع؛
- از قدمت سکونت در شهر تا اسکان مهاجران تازه‌وارد؛
- از شهرسازی تا تفکیک زمین و خیابان‌کشی؛
- از نظام همجواری خانه‌ها تا تفکیک زمین به قطعه‌هایی در کنار معابر سواره؛
- از نظام بنایی تا ساخت‌وساز بر اساس محصولات بازار؛

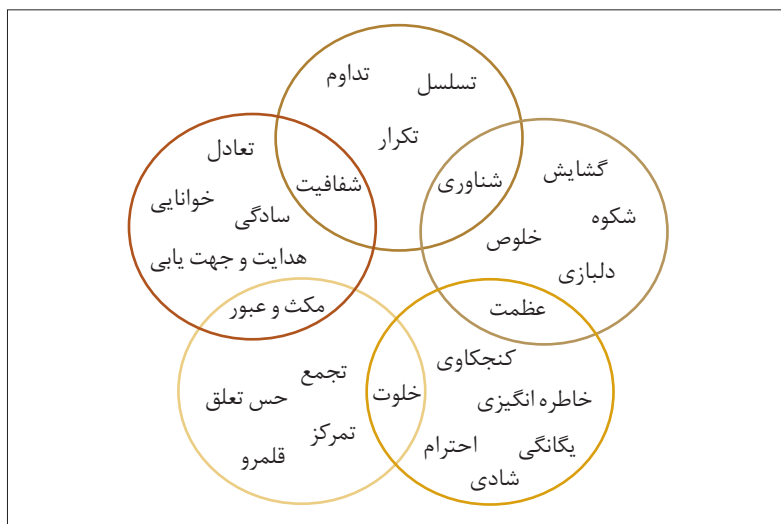
- از سکونت تا اسکان؛

- از خانه تا واحد مسکونی و کمیت‌های رو به نزول سکونت؛

دستاورد این دوره، مطلع‌شدن از ارتباط عمیق و متقابل معماری با بخش اعظم پدیده‌های پیرامون خود بود. این پدیده‌های مرتبط با معماری را در پژوهش‌های بعدی (۷۴-۱۳۷۲) که پایه‌های کتاب حاضر را پی‌ریزی کردند، دنبال کردم.

آشنایی با شهر کاشان و ادامه شناخت معماری ایران پس از انجام پایان‌نامه در سال ۱۳۵۹، پایان نیافت. در ادامه آموختن از شهر کاشان معلوم شد که از دهه ۴۰ به بعد بر اساس شهرنشینی سریع، شکل متفاوتی از سازمان‌یابی فضا در کاشان و بسیاری از شهرهای ایران بروز نموده است. یکی میرا که بعداً با «میراثی شدن» بیشتر به سمت میرایی رفت و اول «بافت تاریخی» و بعد «بافت فرسوده» نام گرفت و دیگری ساخت‌وسازهایی نوظهور و جهنده، ساخت‌وسازها و رشد شهری که کاملاً متفاوت از گذشته خود بودند و بسیار سریع در درون و بیرون شهر رشد کردند. پس از سال ۱۳۴۰ به موازات سرعت گرفتن شهرنشینی در کاشان، نمونه‌های بسیاری از خانه‌های ایرانی در این شهر از میان رفتند. در هر سفر به کاشان، فرصت تجربه حضور در تعدادی از این خانه‌ها که در حال فروپاشی بودند، فراهم می‌شد. هم تجربه‌های احساسی خود و هم تجربه‌های احساسی همراهان را می‌پرسیدم و ثبت می‌کردم. خانه‌ها از نقطه‌نظر سلامتی و سرپا بودن در وضعیت مشابهی نبودند و اکثراً خالی از سکنه بوده یا کسانی در این خانه‌ها به صورت مستأجر، بدون آشنایی و تعلق خاطر حضور داشتند که به علت بلا تکلیف بودن این خانه‌ها، از نقطه‌نظر مسائل ناشی از ارث و معلوم نبودن آینده این خانه‌ها و اینکه آیا باقی می‌مانند یا تخریب می‌شوند، بیشتر حالت سرپناه برای این ساکنان جدید داشتند.

(تصویر ۲-۳) دیگرام تأثیرات معنایی، احساسی و عاطفی فضاها و جزء فضاها در خانه‌های تاریخی کاشان



هنگامی که این فضاها را ترک می‌کردیم و به شهر و کاشانه خود باز می‌گشتیم، حضور این فضاها در وجودمان تا مدت‌ها باقی می‌ماند. به تجربه‌های احساسی ثبت‌شده مراجعه می‌کردیم و از هر بار مراجعه، تجربه‌های تازه را با تجربه‌های قبلی و با تجربه‌های حضور در فضای خانه‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم، مقایسه و ثبت می‌کردیم.

ثبت سه تجربه فضایی در معماری کاشان

این سه تجربه، تأثیر حضور در بناهای تاریخی و معاصر شهر کاشان را به طور بسیار، خلاصه بیان می‌کند و بعدها ملاک تشخیص قرار گرفت برای تمیز معماری بلندمدت از معماری کوتاه مدت:

تجربه اول به حضور در چند بنای معاصر مربوط است. این بناها، اداره، خانه و مساجد تازه‌ساز را شامل می‌شدند. پس از حضور در این بناها و انجام فعالیت‌های مربوطه، از این بناها خارج شدیم و در همان زمان و کمی بعدتر فراموشمان شد که **کجا** بودیم.

تجربه دوم با توجه به حضور در چند بنای معاصر و قدیمی ثبت شده است. این بناها خانه، دبستان و بانک را شامل می‌شدند پس از حضور در بناها و گذشت زمان و عارض شدن فضا، از این بناها خارج شدیم و پس از چندی احساس کردیم که میل بازگشت به «آن جا» به بعضی از آن فضاها هنوز وجود دارد.

تجربه سوم به بناهای تاریخی کاشان منحصر است. این تجربه پس از حضور در و خروج از بناهای تاریخی کاشان، این‌گونه بود که چون از بناها بیرون آمدیم از همان لحظه خروج و پس از آن، احساس عارض شده از حضور در فضاها، با ما همراه بود. «آن جا» جزئی از درونمان شده بود. مشابه این تجربه فضایی در تعدادی از بناهای معاصر واقع در شهرهای دیگر نیز بعدها اتفاق افتاد.

به موازات ثبت تجربه‌ها، چرخه پژوهشی **مشاهده، ثبت، مطالعه، یادگیری** و **طرح پرسش** همچنان فعال بود. بر اساس فعالیت این چرخه معلوم شد که سازمان فضایی شهر کاشان تا دهه اول قرن ۱۴ شمسی بر اساس شبکه‌ای فضایی متشکل از محورهای کرکس، شیب و بستر دامنه آن، خطوط مشخص‌کننده کویر، مسیر آب‌های زیرزمین و ظهور آنها در پیرامون و داخل شهر، محورهای بازار تثبیت شده در تقاطع راه‌های کاروان‌رو، زوایای تابش خورشید و جهات وزش بادهای، رعایت حریم اراضی کشاورزی، باغات و قنوات شکل گرفته و علی‌رغم اینکه قانون و مقررات مدونی جهت رشد شهر و احداث ابنیه در آن تاریخ به دست نیامد، معهدا شهر با رعایت همه‌جانبه ویژگی‌های سرزمین و عادات و آداب مردمان ساکن، گسترش یافته بود و هر بنایی که در آن ساخته می‌شد، ملزم به رعایت اصل نانوخته همجواری‌ها از همه زوایا و ابعاد و محورهای تشکیل‌دهنده شبکه فضایی شهر بود.

از دهه چهارم قرن ۱۴ شمسی، پوسته شهری کاشان بدون جایگزین و برنامه مشخص باز می‌شود و شهر با پذیرا شدن حضور حکومت مرکزی، خیابان‌های

سواره عمود بر هم و حضور اتومبیل رشد می‌کند. به تدریج به همراه استقرار نهادهای تمدنی مورد نیاز حکومت مرکزی و تغییر مدیریت شهر از نظام بلدیه به شهرداری و تصویب قوانین، گسترش شهر کاشان بر اساس نقشه‌های تهیه‌شده توسط مهندسیین معمار و شهرساز، به مسیر دیگری برای سازمان‌دهی فضاها و ساختاریابی تقسیمات شهری به شیوه‌ای متفاوت با گذشته و ضرورت‌های سرزمین پای گذاشت. مهندسیین شهرساز و معمار دهه ۳۰ مسئول طرح هادی، دهه ۵۰ مسئول طرح جامع و همچنین مسئولان شهرداری شهر، هرگز نپرسیدند که شهر کاشان، در هزار سال گذشته چگونه زندگی می‌کرد و چرا آن شیوه قرن‌ها دوام داشت و شهر چگونه با سرزمین، توان‌های طبیعی و محیطی در تعامل بود. در نبود چنین پرسشی و نپرسیدن نقطه‌نظر مردم کاشان و تکیه بر «سواد» مهندسیین تحصیل‌کرده و دارا بودن نمایندگی دولت مرکزی، این باور قوت گرفت که طرح‌های طراحان معمار و شهرساز، نسبت به آنچه کاشان پیش از این داشته، ارجح است.



تفاوت در حد فاصل زمین و آسمان

به موازات افزایش میزان حضور و مشاهده انواع گونه‌های خانه، میزان ثبت جزءفضاها و عناصر معمارانه نیز افزایش یافت. با توجه به شناسایی و ثبت خانه‌های تاریخی بوشهر، رشت، شیراز، کاشان، کرمان و همدان این فرصت فراهم شد که به صورت همزمان گونه‌های بیشتری از خانه‌های ایرانی مورد بررسی قرار گیرند. مشابه همین اقدامات برای شناسایی و ثبت خانه‌های معاصر و واحدهای سکونتی واقع در مجتمع‌های مسکونی صورت گرفت.

فرایند ثبت به تدریج به یک بانک اطلاعاتی شامل نقشه کف‌ها، مقاطع، نماها و عکس‌ها، و یادداشت‌ها تبدیل شدند. مشاهده‌های اولیه گروه برداشت و پردازش اطلاعات تازه‌تر، بر وجود تفاوت‌های آشکار بین این دو گونه مسکونی - یعنی خانه‌های تاریخی و خانه‌های معاصر گواهی داشتند. در پی این نکته نیز، پرسشی مشخص شکل گرفت. این که چگونه خانه‌های تاریخی و معاصر که در شهرهای مختلف یک کشور قرار دارند و کمتر از چهل سال فاصله زمانی با یکدیگر دارند و چه بسیار که خانه‌های معاصر در کنار خانه‌های تاریخی ساخته شده‌اند، تا این اندازه نسبت به هم بی‌ارتباط هستند؟ جست‌وجو به موازات فرایند مشاهده، ثبت و یادگیری و استخراج پرسش‌های جدید ادامه یافت.

پرسش‌ها برای پی بردن به چرایی شکل‌گیری این تفاوت عظیم میان دوگونه خانه‌های تاریخی و معاصر در زمانی کمتر از نیم‌قرن، زمینه‌های پی بردن به علت چرایی تفاوت‌ها و چگونگی‌ها را فراهم کرد. این اختلاف بین این دوگونه خانه، استناد به تغییر عظیمی دارد که در این مدت کوتاه در جامعه ایران رخ داده است. تغییر، ذات جدایی‌ناپذیر هر پدیده و هر جامعه است. در همه جوامع نیز، تغییر به وقوع پیوسته و می‌پیوندد. نسبت به عمر جوامع و تغییرات آنها، چهل سال نیز، زمانی چندان طولانی به حساب نمی‌آید. در حد فاصل حدود سه نسل، خانه‌های پس از سال ۱۳۴۰ نسبت به خانه‌های ماقبل سال ۱۳۰۰، آنقدر دگرگون شده‌اند که نسبتی بین این دو پدیده قابل ردیابی نیست. ویژگی‌های تغییر صورت گرفته در حد فاصل سال‌های ۴۰-۱۳۰۰ و پس از دهه ۱۳۴۰ و انعکاس آن بر شهر و بنا. بی‌توجهی در دو دوره ۱۳۴۰-۱۳۰۰ و پس از دهه ۱۳۴۰ و انعکاس آن بر شهر و بنا. بی‌توجهی به فضا، شهر و بناها را در کشور ما عمدتاً به شتابزدگی شهرنشینی نسبت داده‌اند و بعد فقر و جهل و بعد به عادت‌هایی که از سال‌های ۴۰ عارضه فرهنگ ما شد. اکنون بی‌توجهی به ساحت شلختگی و بی‌مسئولیتی وارد شده است و در این راه به سوی

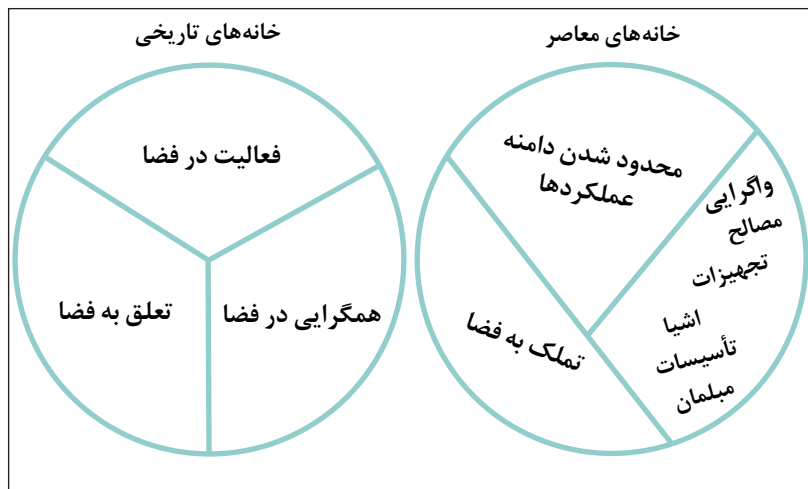


بی وجدانی گام بر می دارد.

معماری و کاربرد آگاهانه فضا یکی از مشخصه‌های سنجیدن حضور وجدان در جامعه است. در خانه‌های معاصر بی توجهی به فضا، فعالیت، شیوه زندگی و مصرف معقول انرژی‌های تجدیدناپذیر با حذف یا به حداقل رسانیدن فضای ورودی و ورود به خانه شروع می‌شود و قبل از آن با به حداقل رسانیدن مشاعیات، راه‌پله، پاگردها و تا درون خانه و بی توجهی به چشم‌انداز و نور و هوا ادامه می‌یابد. این بی توجهی نشان از بحرانی عمیق دارد و در تمامی ساحت‌های فضایی خصوصی، عمومی گسترده شده است. به نحوی که سراسر شهر از کف، بدنه و مبلمان دور و به انواع مخاطرات کوچک و بزرگ آغشته شده است و بررسی آن کتاب دیگر و جایی دیگر طلب می‌کند.

آنچه مد نظر می‌باشد، مشخص کردن چگونگی، گوناگونی و به طور اخص گونه‌های این تفاوت عظیم بین دو پدیده مسکونی - خانه‌های تاریخی و خانه‌های معاصر است. در پژوهش دیگری می‌بایست روشن نمود که آیا شهرنشینی سریع و حجیم مسبب وضعیت کنونی و این تفاوت عظیم بین دو پدیده مسکونی است یا شیوه مدیریت این شتاب و این حجم شهرنشینی، این شکاف را بین خانه‌های تاریخی و خانه‌های معاصر سبب شده است؟

(تصویر ۲-۵) دیگرام عوامل شکل دهنده به معماری خانه در دو دوره پیش از ۱۳۰۰ و پس از ۱۳۴۰

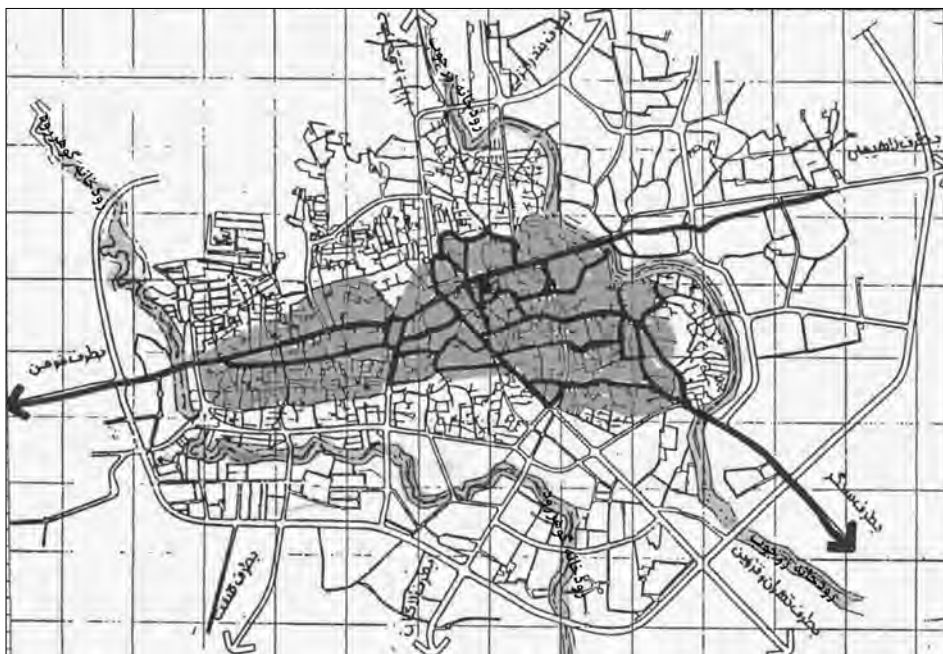


تغییرات صورت‌گرفته در بیرون خانه

در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰، بدون پیش‌زمینه‌ای طولانی و تدارکات برنامه‌ریزی شده، به موازات رشد جهنده و گسترده شهرها، سازمان فضایی شهر و مفهوم خانه و سکونت با ورود سیل جمعیت مهاجر به شهرها دستخوش تحولات شدید شدند. ورود شیوه‌های جدید آبرسانی، برق‌رسانی، تامین زیرساخت‌ها، تأسیسات و تجهیزات شهری و تغییر شیوه تردد از پیاده به سواره، درحالی‌که بدون توجه به نظام فضایی شهر و سازمان فضایی خانه صورت گرفت، چگونگی حضور و ترکیب جزءفضاها در خانه را نیز تحت تأثیر قرار داد.

مقایسه نقشه‌ها و عکس‌های هوایی شهرهای ایران در دو دوره، یکی حوالی سال‌های ۱۳۰۰ و دیگری پس از دهه ۱۳۴۰، با گویایی تمام تغییر سازمان فضایی شهر، محله و خانه را نشان می‌دهد. تغییر سازمان فضایی شهرهای ایران، که مستقیماً بر تغییر سازمان فضایی خانه‌ها مؤثر بود. در آغاز این امر بدون برنامه و فقط در اثر عبور خیابان‌های سراسری از میان شهر به منظور اتصال شبکه عبوری شهرها و ایجاد شبکه کشوری راه‌ها پس از سال‌های ۱۰ - ۱۳۰۰ صورت گرفت. خواندن تحولات شهر از اشکال نقشه‌ها و عکس‌های هوایی حاوی درس‌های آموزنده‌ای است و می‌بایست پژوهش جداگانه‌ای را بدان اختصاص داد. در این جا نقشه‌های قدیمی و جدید شهرهای انتخابی این پژوهش ارائه شده‌اند.

(تصویر ۲-۶) نقشه‌ها و تصاویر هوایی شش شهر مورد بررسی



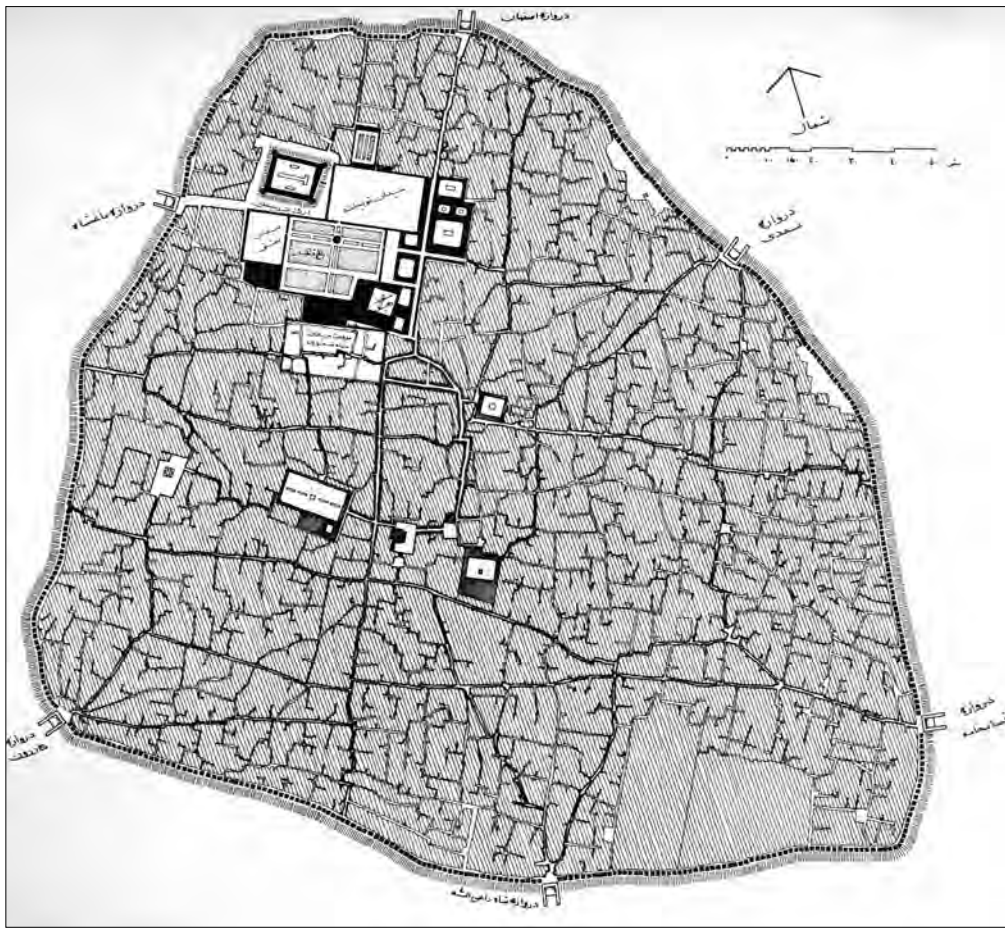
رشت اوایل قاجار - مأخذ: مهندسین مشاور پارسوماش

بوشهر ۱۳۸۲ - مأخذ: مهندسین مشاور جبارنیا و همکاران

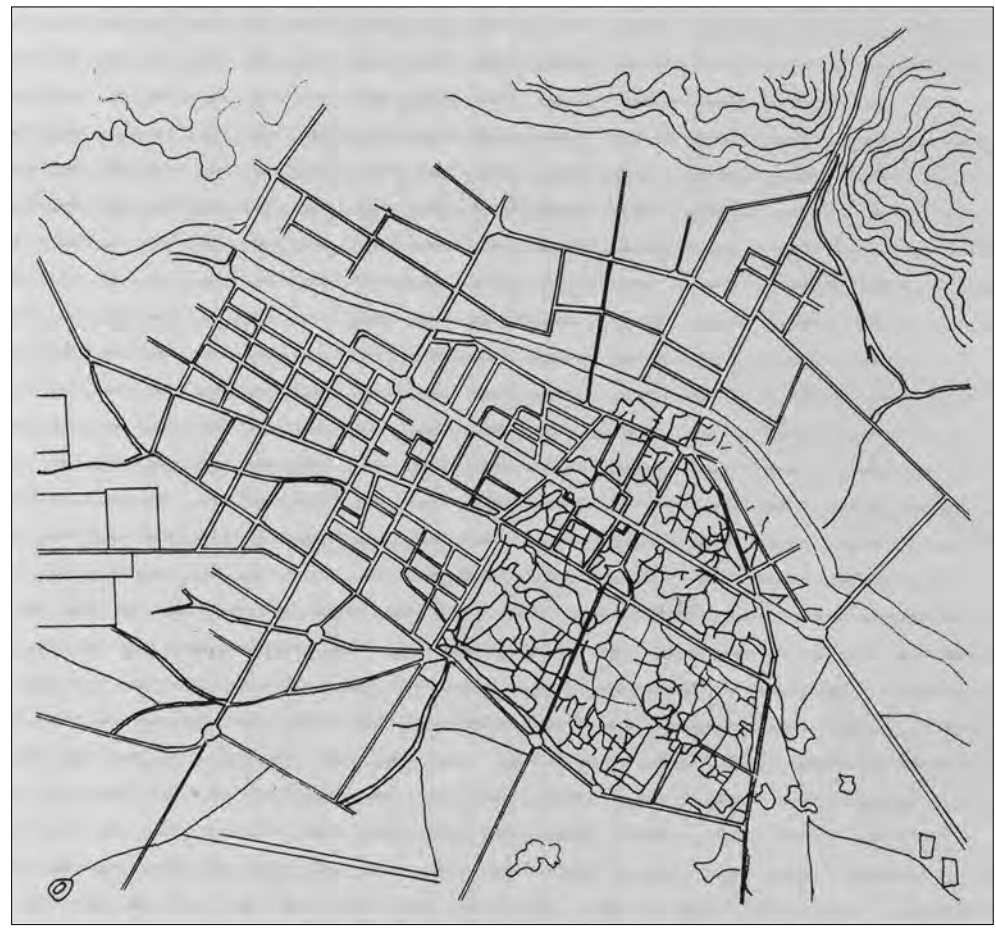


بوشهر ۱۳۳۵ - مأخذ: مهندسین مشاور جبارنیا و همکاران





شیراز قبل از ۱۳۰۰، (دوره زندیه)، مأخذ: نصر، طاهره ۱۳۸۳

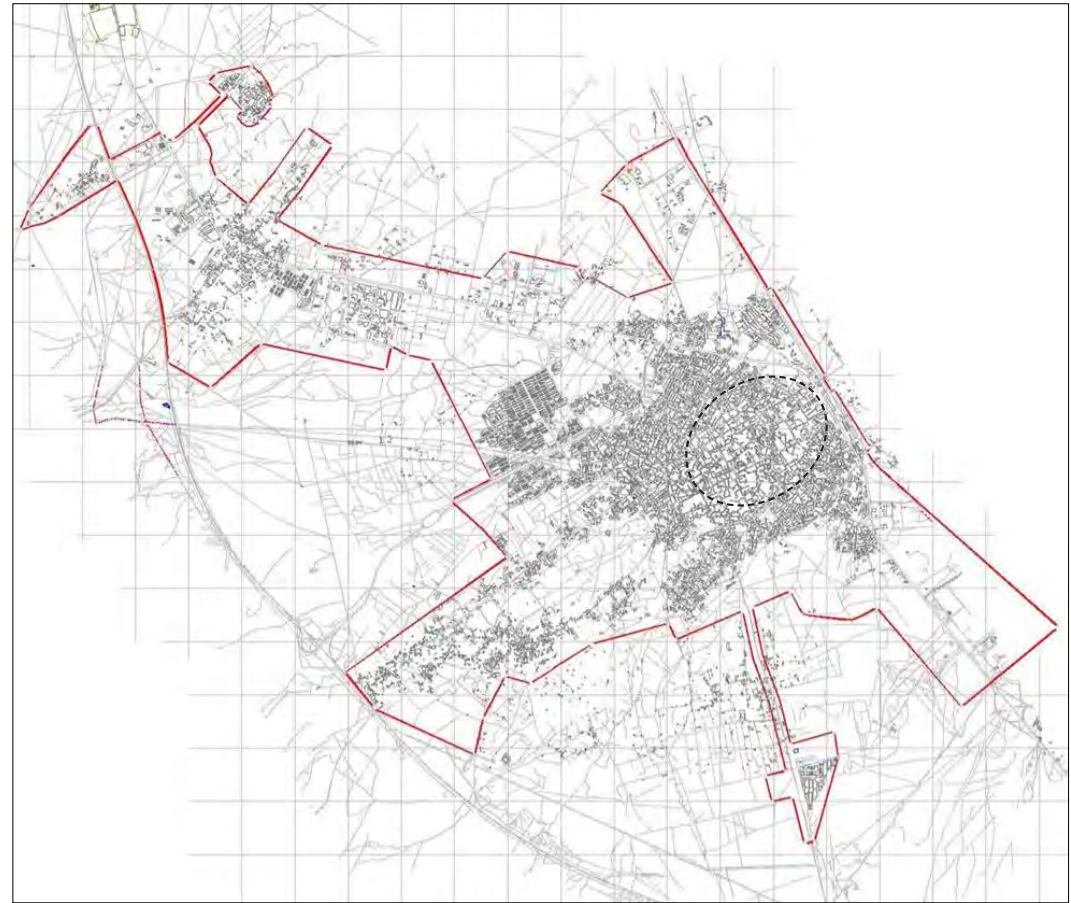


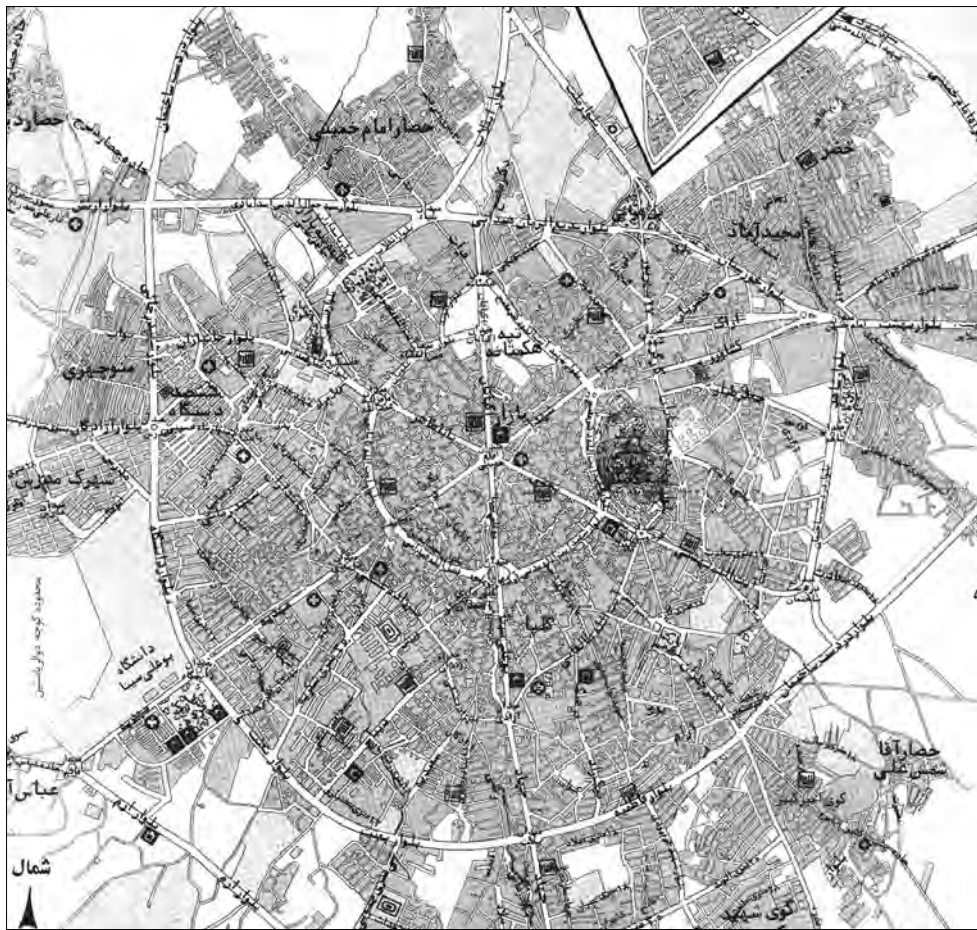
شیراز دوره پهلوی - مأخذ: نصر، طاهره ۱۳۸۳

کاشان قبل از ۱۳۰۰ - مأخذ: آرشیو - سازمان میراث فرهنگی کاشان



کاشان دهه ۱۳۸۰ - مأخذ: مهندسین مشاور نقش جهان پارس



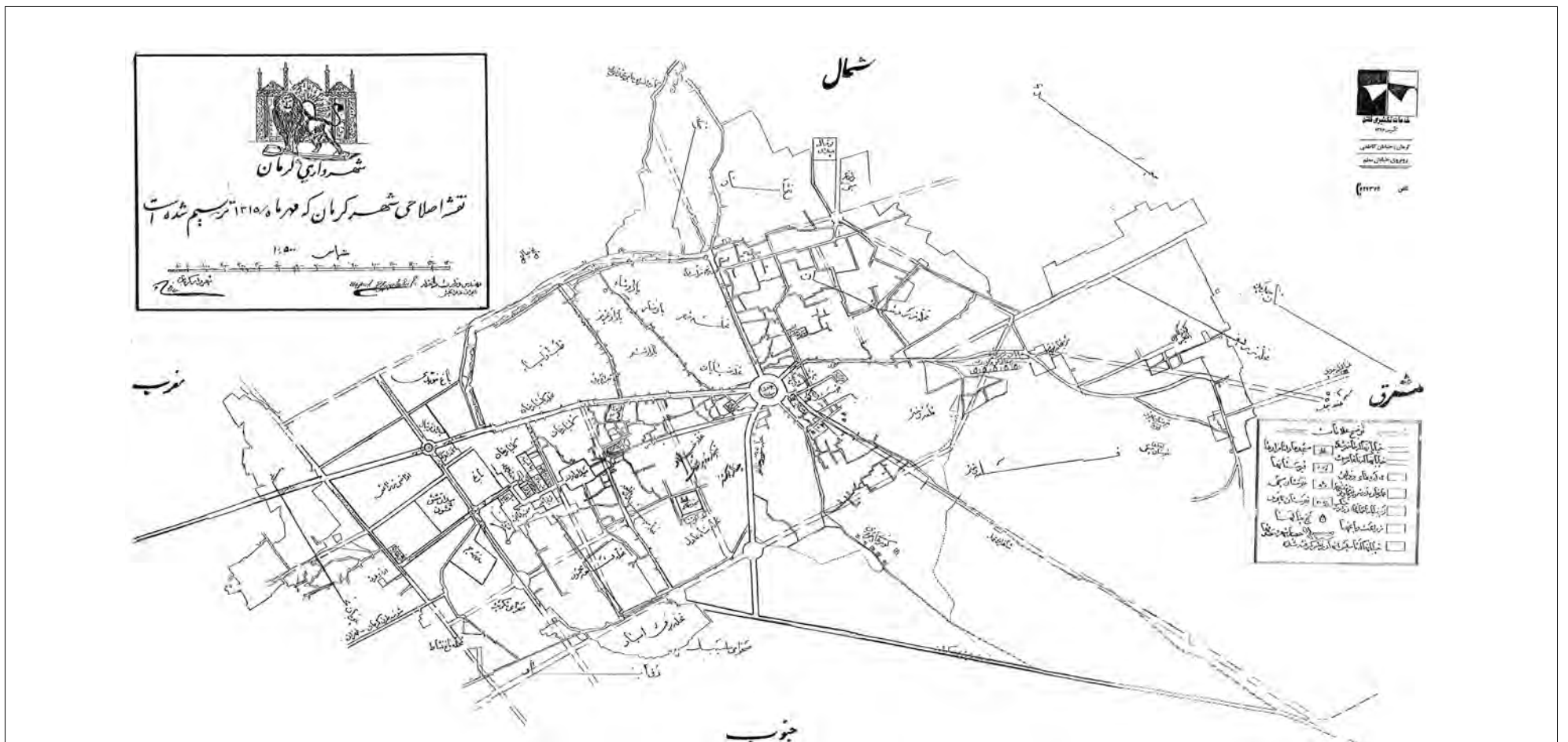


همدان - مأخذ: فصلنامه اندیشه ایران شهر، شماره ۶



کرمان دهه ۱۳۸۰ - مأخذ: مهندسین مشاور شارسستان

کرمان ۱۳۱۵ - مأخذ: مهندسین مشاور ن شارسستان



تغییر سازمان فضایی شهر

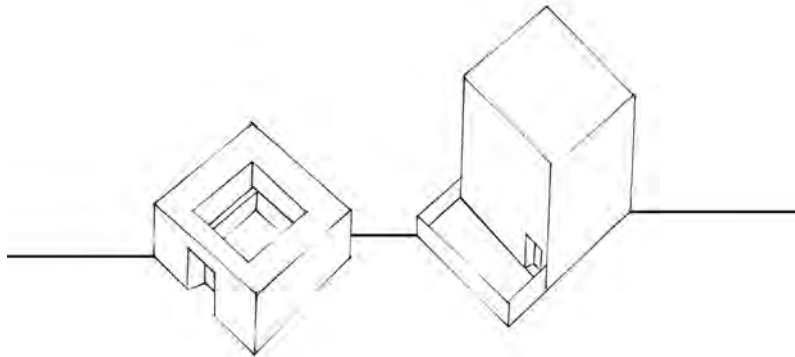
از اواسط دهه ۱۳۳۰ رشد و تحرک آرام جمعیت، شدت گرفت. پراکنده شدن سطح شهرهای کشور از حالت متمرکز و فشرده به حالت گسترده و افقی در دهه ۱۳۴۰ و بعد از آن با توجه به رشد روزافزون اتومبیل‌های شخصی و دولتی و احداث جاده‌های آسفالت بین شهری صورت گرفت.

تغییر نظام تردد از پیاده به سواره و پیدایش و حضور اتومبیل به احداث خیابان‌های ماشین‌رو و تخریب تکه‌هایی از فضاها و شهری و بناها برای عریض نمودن معابر و تملک یا خرید اراضی بایر، کشاورزی و باغات داخل و پیرامون شهر برای ساختن، پیش از تهیه طرح‌های شهری منجر شد. به موازات تغییر سازمان فضایی شهر به خاطر تأمین دسترسی سواره و تملک هر گونه زمین و ساختمان برای توسعه شهر، خیابان‌های ماشین‌رو در پیرامون خانه‌ها قرار گرفتند. در حد فاصل دهه‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ پیش از شدت گرفتن جریان مهاجرت در کشور، رشد شهرها و افزایش اتومبیل به آرامی صورت می‌گرفت. بر این اساس، هنوز کوچه‌های با دسترسی پیاده امکان بقا داشتند. خیابان‌های سواره تعدادی کوچه پیاده را به یکدیگر متصل می‌کردند و کوچه‌ها دسترسی به خانه‌ها و دسترسی از خانه‌ها به خیابان را میسر می‌کردند. به موازات افزایش سریع و حجیم شهرنشینی و اتومبیل، به کوچه‌های پیاده بی‌آنکه تعریض شوند یا تغییر کنند، اتومبیل راه می‌یابد و تقاضا برای رفت‌وآمد اتومبیل، به درون چهار دیواری ملکی خانه‌ها همه‌گیر می‌شود.

بسته «طرح جامع شهری» که از دهه ۱۳۴۰ به بعد مسئولیت انتظام فضایی - فعالیتی شهرهای ایران را بر عهده گرفت، استقرار اتومبیل را در درون «حیاط» خانه‌ها تأیید و تثبیت کرد و در قالب اقدامی «شهرسازانه»، نظام خیابان‌کشی و قطعه‌بندی زمین جهت احداث خانه و ساختمان را به سمت خیابان‌های اصلی شمالی - جنوبی و خیابان‌های فرعی شرقی - غربی سوق داد. نزد مسئولین شهرسازی طرح‌های جامع، میزان توجه به حمل و نقل عمومی در وضعیت حداقل قرار داشت. از دهه چهل به بعد استقرار قطعات بزرگ زمین در میان خیابان‌ها و امکان تفکیک این قطعات توسط مالکان یا مأموران ثبت املاک بدون مراجعه به دانش و معیارهای شهرسازی، به مستطیل‌هایی که فاصله شمال و جنوب را به دو قطعه زمین ملکی تقسیم می‌کند، چهره مشخص و نهادی به خود گرفت. این الگو هم‌اکنون در سراسر گسترش شهری کشور، بدون توجه به ادراک فضایی جامعه و محورهای تشکیل‌دهنده سازمان کلان فضای شهر که در طی قرن‌ها حاصل شده بود، تکرار می‌شود و مهم‌ترین تأثیر آن بر درون خانه عبارتست از استقرار فضای بسته در یک طرف و زمینی باز به نام حیاط در طرف دیگر.

نظام جدید خیابان‌کشی و قطعه‌بندی زمین، به موازات رفت‌وآمد و توقف اتومبیل در خانه، محورهای اصلی بیرونی شکل‌دهنده سازمان فضایی جدید خانه در شهرهای

(تصویر ۲-۷) تغییر سازمان فضایی خانه



ایران شدند. بر این وضعیت، محورهای شکل‌دهنده دیگری مانند شیوه آبرسانی، برق‌رسانی و سایر خدمات شهری، تجهیزات و زیرساخت‌هایی که از بیرون خانه وارد می‌شوند را نیز می‌بایست اضافه نمود. به این ترتیب شبکه فضایی حاکم بر استقرار فضاها و بناها که تا پیش از استقرار نظام جدید خیابان‌کشی و تفکیک زمین، محورهای شکل‌دهنده معماری خانه از درون و بیرون بودند، در مسیر مسابقه‌ای پر سرعت جهت تملک، تفکیک و خیابان‌کشی بر روی اراضی بایر و دایر پیرامون شهرها و آبادی‌های کشور به فراموشی سپرده شد.

از سال ۱۳۴۰ شمسی تا امروز، باز شدن در خانه/ واحد مسکونی به یک خیابان اصلی شهر یا حتی به یک بزرگراه چندان پرسش برانگیز نیست. این مشاهده، تداعی وضعیتی آشناست.

تا پیش از سال‌های ۱۳۰۰، ورودی یک خانه تاریخی در یک کوچه کم‌عرض و عموماً بن‌بست قرار داشت. در مواردی که درهای چند خانه همسایه در یک کوچه بن‌بست قرار داشتند، با نصب یک دروازه اختصاصی و تبدیل آن به یک فضای نیمه‌خصوصی به نام «در بند»، قلمرویی خصوصی‌تر برای رفت‌وآمد عموم به خانه‌های واقع در آن بن‌بست مطرح می‌شد. برای رفتن از خانه تاریخی به بیرون، می‌بایست ابتدا وارد در بند شد. هر در بند به معابر کم‌رفت‌وآمدی به نام کوی (قلمرو نیمه‌خصوصی) و کوی‌ها در تقاطع خود به گذرها (قلمرو نیمه‌عمومی) می‌رسیدند. در گذرها اولین عملکردهای غیر مسکونی بروز می‌کردند که مایحتاج روزانه و هفتگی خانواده‌های ساکن را تأمین می‌کردند. پس از گذرها، معابر به تدریج گسترده‌تر شده و فعالیت‌های بیشتری در آنها رخ می‌داد و به راسته‌های تخصصی و بازارچه‌ها و مراکز تجمع و توزیع کالا و کارگاه‌ها متصل می‌شدند. برای رسیدن به مرکز یا مراکز شهری (قلمرو عمومی) شامل مراکز عبادی - آئینی، فعالیتی، تجاری و حکومتی می‌بایست از در بند و کوی و گذر رد می‌شدیم.

امکان تجربه آنچه گفته شد، یعنی گذار از خانه به شهر، طی مراحل فضایی خانه، در بند، کوی و گذر، در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ در تعدادی از شهرهای تاریخی کشور

فراهم بود. در حال حاضر، چنین نوع توالی و مراتبی بین شهر و خانه وجود ندارد و گذار فضایی ناگهانی (یا گذار فضایی بی‌واسطه)، در ورودی خانه را با شلوغ‌ترین مراکز عبوری و غیر مسکونی هم‌جوار می‌سازد. در این شرایط، تأمین آسایش، سلامتی و ایمنی خانه و سکونت اقدامی صعب، سخت و هزینه‌بر است.

چگونگی ارتباط نواحی مسکونی و کاربری‌های غیر مسکونی به شهرسازی و مدیریت شهری مرتبط است و در جای خود می‌بایست درباره اثرات و عواقب آن پژوهش کرد و به جست‌وجو و بر طرف نمودن تأثیر آن بر نزول کیفیت و کمیت محل سکونت پرداخت. به علاوه بررسی خوش‌آیندی یا ناگواری گذار فضایی بی‌واسطه بین خانه و شهر و تأثیرات آن بر سلامت فرد و خانواده، موضوعی اساسی برای بررسی وضعیت شهرنشینی و شهرسازی کشور است. آنچه در این کتاب مورد توجه و تمرکز است، تأثیر متقابل شیوه زندگی و شیوه شهرنشینی بر سازمان فضایی خانه است که به هنگام گذار از در ورودی خانه به درون خانه روی می‌دهد.

شیوه زندگی عبارت فشرده‌ای است که تمامی رفتارهای آدمی را شامل می‌شود. رفتار با خود، با خانواده و با جامعه؛ رفتارهای خوراکی، پوشاکی، گفتاری، حرکتی و نگاهی. هر یک از این رفتارها انعکاس ملموس یا غیرملموس در شکل‌دهی فضایی پیرامون دارد. خانه، محله و شهر محصول فضایی شیوه زندگی فرد، خانواده و جامعه می‌باشد. این رابطه در خانه‌های تاریخی یک‌طرفه نبوده و تأثیر متقابل آن بر شکل‌دهی شخصیت و شیوه زندگی فرد، خانواده و جامعه قابل مشاهده بود. سازمان فضایی خانه و جزء‌فضاها، مکان بروز رفتارها و تحقق شیوه زندگی فرد، خانواده و جامعه بودند.

در بررسی رابطه متقابل شیوه زندگی و سازمان فضایی، هدف این کتاب بررسی و مقایسه محتوا و مواد شیوه زندگی گذشته و امروز نیست، توجه و تمرکز این بررسی بر چگونگی توجه سازمان فضایی شهر و خانه تا پیش از سال‌های ۱۳۰۰ به شیوه زندگی و انعکاس فضایی آن می‌باشد و در مقابل بی‌توجهی سازمان فضایی شهر و خانه، پس از سال‌های ۱۳۴۰ به شیوه زندگی امروز است.

اگر چه در آن تاریخ با پای پیاده یا با اسب و گاری و درشکه جابجا می‌شده‌اند و اکنون با اتومبیل. در آن هنگام دکان داشتند و اکنون سوپرمارکت، در آن هنگام با کبوتر پیام‌های اختصاصی را انتقال می‌دادند و اکنون با موبایل، در آن هنگام هیزم برای پخت‌وپز مورد استفاده بود و اکنون گاز و همه اینها بر شیوه زندگی و تفکر سازمان فضایی تأثیر دارند، اما هدف این بررسی مقایسه مشخصه‌های این دو دوران نیست. هدف آن است که بدانیم چگونه در آن دوران شهرنشینی، معماری را به مثابه یک توانایی در پاسخ به شیوه زندگی به رسمیت می‌شناخته و چرا شهرنشینی معاصر کشور به مثابه شیوه مسلط زندگی، خانه را بدون معماری می‌پذیرد.

۲. فهرستی از پژوهش‌های پیشنهادی در ضمیمه آخر کتاب آورده شده است.

ساحت‌های سکونت معاصر

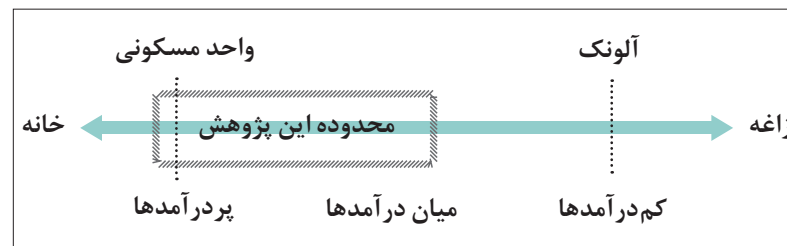
شدت شهرنشینی در کشور ما با مهاجرت گسترده و بی‌توجهی به روستاها و کشاورزی پیوند خورده است. حرکت جمعیت از روستا و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ از دهه‌های دوم و سوم قرن حاضر (۱۴ شمسی) شروع می‌شود و در دهه‌های چهارم، پنجم و ششم، شدت می‌گیرد.

از سال ۱۳۰۰ شمسی به بعد، جهان ارزشی مدیریت کلان کشور به سمت استقرار و تمرکز در شهر چرخش کرد. پیش از این نیز شهرها نقش مرکز تمدنی بیشتری نسبت به روستاها داشتند، اما روستاها نیز، واجد مقام و شریک تمدن ایرانی بودند. از ابتدای قرن چهاردهم شمسی نقش و مقام روستا و تمامی انواع آبادی‌های غیرشهری از نظر مدیریت کشور کم‌رنگ شد و تعادل شهر و روستا به نفع شهر بر هم خورد، اگرچه شهرها نیز از این وضعیت نفعی نبردند. حاکمیت شرایط عدم تعادل منطقه‌ای بر کشور باعث شد که مراکز شهری به گودال‌های جاذب جمعیت بدل شدند. در فاصله سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۰ حرکت‌های وسیع جمعیتی شدت گرفت و به صور مختلف تا امروز جریان دارد.

روند مهاجرت در مراحل اولیه به سمت تهران و استان تهران و پس از آن به سوی استان‌ها و مراکز استان‌های شرقی و غربی، جنوبی و مرکزی کشور صورت گرفت. شهرهایی همچون اصفهان و تبریز که در ابتدای این روند بخشی از جمعیت خود را در اثر مهاجرت به تهران از دست داده بودند، از دهه ۴۰ به بعد، دوباره به مراکز منطقه پیرامون خود بدل شدند و از دهه ۵۰ به بعد شیراز، مشهد و سایر مراکز استان‌ها با افزایش ناگهانی جمعیت روبه‌رو شدند. بر اساس ارزیابی کمیسیون ژاپنی در سال‌های ۳۷-۱۳۳۶، کشور ما در آن دوران به سه میلیون **خانه مستحکم** نیازمند بود (رشدیه، ۱۳۴۳). در چنین وضعیتی، شرایط ایجاد کرد که برای پاسخگویی به تقاضای روزافزون خانه، هر چه سریع‌تر سقفی زده شود و متقاضی در زیر آن ساکن شود. نسبت مهاجرت، شهرنشینی و تقاضای سکونت در شهر و شهرهای بزرگ با منابع مالی که مهاجر با خود به شهر می‌آورد مرتبط است و از این رو در دوران معاصر، ساحت‌های گوناگونی از مسکن معاصر در شهرهای بزرگ و مراکز شهری کشور ایجاد شدند. پرداخت عمیق‌تر و گسترده‌تر به این موضوع، می‌بایست به پژوهش دیگر^۲ موکول شود و ما در اینجا تنها به یک روند کلی از این فرایند اشاره می‌کنیم. طیف سکونت معاصر به ویژه در شهرهای بزرگ، هم‌خانه و هم‌ساحت‌های پایین‌تر خانه را شامل می‌شود. طیف آنچه برای سکونت جمعیت مهاجر و شهری در دوران معاصر شکل گرفته است را می‌توان در دیگرام (۲-۸) مشخص نمود.

بخش اعظم مهاجران، نیروی انسانی خود را برای ادامه زندگی به شهرها آوردند و این گروه عظیم، متقاضی پناهگاه بودند و نه خانه. در پاسخ به تقاضای این

(تصویر ۲-۸) نمودار طیف سکونت خانه‌های معاصر و محدوده مطالعه در این کتاب



جدیدی از خانه و سکونت بود که در نیمه اول قرن ۱۴ شمسی رایج شد. در دهه ۴۰ و ۵۰ و بعد از آن نقش دولت در ایجاد خانه‌های کارمندی و کارگری افزایش یافت و بسیاری از مراکز خدماتی دولتی نیز مانند دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، ارتش و ... برای کارکنان خود اقدام به احداث واحد مسکونی نمودند. واژه «مسکن» عبارت بود از تعدادی واحد مسکونی در یک مجتمع، و هر واحد مسکونی شامل تعدادی اتاق مجزا و مرتبط می‌باشد.

طبقه متوسط شهری و گروه‌های درآمدی بالاتر از طبقه متوسط و اندک مهاجرانی که از منابع مالی برخوردار بودند، متقاضی خانه و سکونت در مجتمع‌های مسکونی بودند. بدین ترتیب، در یک سر طیف آنچه که از دهه ۴۰ به بعد برای پاسخگویی به تقاضای سکونت در شهرهای کشور به ویژه شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها شکل می‌گیرد، پناهگاه، سقف، اقامتگاه و چهار دیواری است؛ و در سوی دیگر طیف، واحد مسکونی و خانه. بخش اعظم خانه‌های سازمانی و مجتمع‌های مسکونی، توسط دولت (وزارتخانه‌ها) و تعدادی از خانه‌ها توسط بخش خصوصی ساخته شدند. تمام این ساحت از سکونت از «طرح» برخوردار بوده و به شیوه متعارف دارای سند ملکی، جواز شهرداری و پایان کار می‌باشند و در بازار رسمی عرضه مسکن ارائه شده‌اند. فرایند سریع کالایی شدن خانه که بر اثر اقدامات دولت صورت گرفت، با ورود بخش خصوصی در تولید واحد مسکونی با سرعت بیشتر به فرآیند کالایی شدن زمین انجامید و در مدت بسیار کوتاه بخش عظیم سرمایه‌های خصوصی و مالی به خرید زمین‌هایی که بعدها به شهر پیوستند مشغول شد و خود تأثیر بسزایی بر سازمان فضایی درون خانه‌ها بر جای گذاشتند که چگونگی این تأثیرگذاری، پژوهش دیگری را طلب می‌کند.

در فرایند شهرنشینی سریع، مداخله دولت برای تأمین مسکن در شهرها و کالایی شدن خانه، مفاهیم قابل تأملی چون: مسکن ارزان قیمت، ساختن مسکن با عمر مفید ۲۵ تا ۳۰ سال و کوچک‌سازی، پدید آمده‌اند که دست‌مایه سیاست تأمین مسکن در ایران شدند، و همگی قابل بازنگری و پژوهش جداگانه می‌باشند. در این کتاب آنچه محدوده بررسی خانه‌های معاصر را در بر می‌گیرد عبارتست از خانه‌ها و واحدهای مسکونی، که پیش از ساخته شدن، از طرح بر روی کاغذ برخوردار بوده و در طراحی و احداث آنها مهندسين معمار، سازه، تأسیسات، عمران و شهرساز مشارکت داشته‌اند.

خیل عظیم نیروی کار، انواع زاغه‌ها، آلونک‌ها، کپرها، قمیرها و کمیت‌های نازل واحدهای مسکونی ساخته شدند. (کریمی، ۱۳۸۶)

بخش‌های کمتری از جمعیت مهاجر با آوردن منابع مالی قلیلی به شهر و جذب شدن در گردونه‌های رسمی و غیر رسمی اشتغال شهری، متقاضی مسکن ارزان قیمت (ملکی و اجاره‌ای) بودند. برای این گروه، خرید قطعه زمینی کوچک (در حدود ۱۰۰ متر مربع) در پیرامون شهر (بیرون از محدوده‌های قانونی) و مشارکت شخصی در ساختن آن، بدیل قابل قبولی برای سکونت بود.

جمعیت کم‌درآمد شهر نیز، محله‌های فقیرنشین و ارزان قیمت را برای سکونت انتخاب کردند. خانه‌های تاریخی واقع در مراکز شهرهای ایران در حد فاصل سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۰ بخش اعظم ساکنان و مالکان اصلی خود را از دست دادند؛ و مراکز شهرهای ایران، به موازات افزایش شهرنشینی با افزایش بار فعالیت‌های تجاری، اداری و خدماتی روبه‌رو شدند. بنا به این دلایل و دلایل دیگر که خود پژوهش دیگری را می‌طلبد، تمایل نسل جوان ساکن در شهرها پس از دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ به سکونت در خانه‌های تاریخی بسیار کاهش یافت و این خانه‌ها نیز، در بازار مسکن برای پاسخ به تقاضای سکونت گروه‌های کم‌درآمد و مهاجران که خواهان اجاره ارزان قیمت بودند در نظر گرفته شدند. به علاوه تأسیسات و خدمات زیربنایی نوین شهری، با سختی و بدون برنامه و گاه با هزینه‌های شخصی به این خانه‌ها راه یافتند.

به موازات این روندها دولت نیز برای پاسخگویی به نیاز به مسکن در شهرها، خصوصاً برای طبقه متوسط شهری و کارمندان و کارگران، اقدامات سری‌سازی و احداث واحدهای مسکونی متحدالشکل بعد از دهه اول قرن چهارده شمسی را آغاز کرد. مداخله جدی و رسمی دولت در شهر و سکونت از دهه ۴۰ با تأسیس وزارتخانه آبادانی و مسکن و در دهه ۵۰ با تغییر نام آن وزارتخانه به وزارت مسکن و شهرسازی تثبیت و نهادینه شد. اگر چه پیش از دهه ۴۰، دولت به صورت‌های پراکنده و موضعی به احداث چندین «دستگاه» خانه در تهران، مراکز مهم شهری و روستایی و پیرامون آبادی‌ها جهت اسکان ایلات و عشایر اقدام کرده بود، عبارت «خانه‌سازی» در مصداق احداث تعدادی واحد مسکونی و آپارتمان مشابه، مفهوم

تغییر در درون خانه

همه آنچه درباره عمق و تنوع تغییر و تحول مرتبط با بیرون خانه در حدفاصل سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ گفته شد به درون خانه نیز سرایت کرد. از اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ درون خانه نیز به شیوه‌هایی بنیادی و همه جانبه دستخوش تغییر شد.

در سازمان فضایی جدید شهرهای معاصر ایران، مسیر و چگونگی گذار از شهر به خانه دگرگون و امکان ورود مستقیم از معبر سواره به درون خانه فراهم شد. همین فرایند دگرگونی به هنگام گذار از بیرون خانه به درون خانه روی داد. برای ورود به خانه، دیگر فضایی در نظر گرفته نشده است. در هر خانه به سطحی فلزی تبدیل شده است که مراجع با مشاهده آن پی به وجود خانه می‌برد.

برای معلوم نمودن تغییرات صورت گرفته در خانه‌های معاصر، برخی از گرایش‌های شکل‌گیری معماری این خانه‌ها را در مقایسه با خانه‌های تاریخی بیان می‌کنیم. این گرایش‌ها فهرست‌وار به قرار زیر می‌باشند:

- تغییر در قلمرو فضای بیرونی و درونی ورود به خانه، در مسیر کاهش و حذف فضاهای ورودی از بیرون و درون خانه؛
- تغییر در قلمرو استقرار فضاهای باز و بسته در مسیر به حداقل رسانیدن اتصال فضای باز و فضای بسته، آن هم بدون فضای واسطه سرپوشیده و دو جبهه‌ای شدن فضاهای بسته؛
- تغییر در میزان استفاده از فضاهای پوشیده در مسیر کاهش و حذف آنها؛
- تغییر در قلمرو نسبت فضاهای باز، بسته و پوشیده؛
- غیر قابل استفاده شدن فضای بام؛
- کاهش استفاده از زیرزمین و گرایش به حذف آن و حذف استفاده از انرژی‌های گرمایی و سرمایی خاک؛
- دو بعدی شدن و یکنواختی فضاهای بسته به لحاظ یکسان شدن ارتفاع فضاها در مسیر گرایش عمومی تبدیل شدن حجم به سطح؛
- جدا شدن سازه از جزءفضاها و پیدایش تک‌ستون در گوشه و کنار جزءفضاها؛
- بی توجهی به مسیرها و میزان عبوری‌ها و گرایش به حذف فضاهای بینابینی؛
- تغییر اتصال و رابطه جزءفضاها؛
- تغییر محل درهای ورود به جزءفضاها و استقرار آنها در تمامی جبهه‌های جزءفضاها؛
- تأمین خنکی و گرمایش جزءفضاها بیرون از نظام معماری، در مسیر عدم تبعیت استقرار دستگاه‌های گرمازا و سرمازا از سازمان فضایی خانه؛
- تغییر در قلمرو شیوه نام‌گذاری فضاها و جزءفضاها در مسیر نامیدن آنها بر اساس عملکردهای محدود؛
- تغییر در قلمرو میزان اشیا در مسیر افزایش تعداد و نقش آنها در تعریف جزءفضاها؛

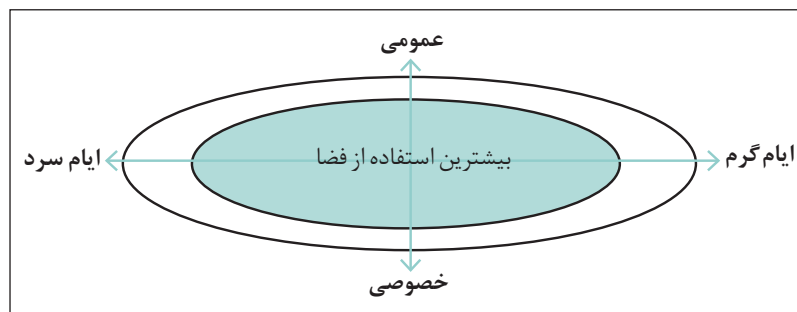
اکنون درباره برخی از این گرایش‌ها، توصیف مختصری ارائه می‌شود:

در درون خانه‌های تاریخی، هم‌ارزش با فضاهای مسقف مانند ایوان‌ها و اتاق‌ها، فضاهای بدون سقفی وجود دارد مانند حیاط، صفا، مهتابی و بام که اعضای خانواده، بدون اشراف در این فضاها به فعالیت و استراحت می‌پرداختند. ابعاد و حجم جزءفضاها برای انواع گردهمایی‌های کوچک و بزرگ طراحی شده بود. مثلاً اعضای خانواده در سه‌دوری دور هم جمع می‌شدند و در پنج‌دوری دیدار چند خانواده و در شاه‌نشین، میهمانی‌ها و عزاداری‌های بزرگتر صورت می‌گرفت. فضاهای کوچکتری نیز، برای خلوت خانواده و پدر و مادر وجود داشتند. در میان اتاق‌ها و فضاهای پوشیده و باز، به میزان قابل توجهی فضاهای بینابینی وجود داشت که امکان بسط جزءفضاها را میسر می‌ساخت. در حد فاصل حیاط به اتاق، فضای «پیش‌اتاق»، در اتصال دو «اتاق سه‌دوری» و «پس‌اتاق» فضای عبوری مستقل، در حد فاصل دیوار اصلی بنا و پنج‌دوری، راهروی دسترسی که انتهای آن انباری بود. انواع دالان‌ها و راهروها که هم استقلال جزءفضاها و هم امکان ترکیب آنها را برای گردهمایی‌های بسیار بزرگ فراهم می‌کرد.

بدون استثنا، فضاهای بسته چون به فضاهای باز می‌رسیدند، فضاهای بینابینی با نام‌های پیش‌اتاق، درگاه، ایوانچه، ایوان و جلوخان فی‌مابین این گونه فضاها وجود داشتند. فضاهای سرپوشیده همچون ایوان در تمامی خانه‌های تاریخی قابل تجربه بود.

جزءفضاها به گونه‌ای طراحی شده بودند که در بیشترین ایام سال، بدون استفاده از تجهیزات اضافی حرارتی و برودتی و برای بیشترین تعداد عملکردها در حدفاصل قلمرو عمومی تا خصوصی مانند نشیمن، خواب، دیدوبازدید و صرف غذا مناسب بودند.

(تصویر ۲-۹) نمودار بهره‌وری از جزءفضاهای باز، بسته و پوشیده در ایام سال در حدفاصل قلمروهای عمومی و خصوصی



در درون یک خانه تاریخی، امکان حضور هم‌زمان چندگونه گردهمایی متفاوت، بدون ایجاد مزاحمت برای یکدیگر وجود داشت. مساحت زمین اغلب این خانه‌ها علی‌رغم کوچکی (به طور متوسط کمتر از ۲۰۰ مترمربع در محدوده این بررسی)،

مانع آن نمی‌شد که معماری آنها همانند معماری خانه‌های بزرگ (به طور متوسط حدود ۱۰۰۰ مترمربع)، از انواع فضاهای باز، پوشیده و بسته برخوردار نباشد. تمایز ملموس در این خانه‌ها، با توجه به اختیارات معمارانه، به شیوه پیرایش و میزان آرایش آنها (گچکاری، آیینکاری و نقاشی) بستگی داشت.

در این دید و باز دیده‌ها و ثبت و بررسی‌ها، برای اولین بار، با مفاهیم «حساسیت فضایی» و «توانایی‌های فضایی» آشنا شدیم. بدین معنا که توالی و تعدد جزء فضاهای خانه‌های تاریخی ما را برای حرکت‌های بعدی هدایت و آماده می‌کرد. نوعی استقبال و تقدم فضا بر فعالیت را احساس می‌کردیم.

با حفظ چرخه مشاهده، ثبت، بررسی، یادگیری و پرسش، تغییرات درون خانه‌های تاریخی و معاصر را مقایسه کردیم. متوجه شدیم که حساسیت فضایی مرتبط با حضور، مکث، عبور و تماشا در سازمان فضایی خانه‌های تاریخی بسیار بالاست. در درون خانه‌های تاریخی، جزءفضاها نسبت به مقوله‌های زیر حساس بودند و عکس‌العمل فضایی نشان می‌دادند:

نسبت به ارتفاع، نسبت به محصور بودن، چه به لحاظ بدنه‌های پیرامونی و چه به لحاظ درجه‌های متنوع محصور بودن سقف - استفاده از نور طبیعی و ایجاد تنوع فضایی در اثر مجموعه ترکیب‌های ایجاد شده از تنوع ارتفاع، تنوع پوشیدگی، تنوع نور، نسبت به چشم‌انداز، نسبت به فراهم آمدن امکان ترکیب جزءفضاها، نسبت به آینده بویژه مرتبط با شیوه زندگی خانواده که با گذشت زمان ابعادی بسط یافته‌تر و متنوع‌تر به خود می‌گیرد.

پذیرفتنی بود که عمر خانه‌های تاریخی به سر آمده و می‌بایست گونه‌های جدیدی از خانه‌ها، زندگی جدید خانواده‌ها را در خود جای می‌دادند و چنین نیز شد. به نحوی که در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ گونه‌هایی از خانه‌ها پدید آمدند که نسبت به عناصر تمدنی جدید به ویژه خیابان، اتومبیل و برخی دیگر از دستاوردهای فناوری عکس‌العمل فضایی مناسب نشان دادند. اما این فرآیند از دهه ۴۰ به بعد به شیوه‌های دیگری طی شد و تغییر جهت داد. گونه‌های جدید از خانه‌ها پدید آمدند که از دستاوردهای خانه‌های تاریخی (حساسیت و توانایی فضایی) بی بهره بودند.

نمایند این بی‌بهره‌گی عمدتاً به تغییر نقش فضا در خانه‌های معاصر مربوط است. نقش فضا در شکل دهی به خانه‌های معاصر بسیار کاهش یافته و عناصر تمدنی جدید شامل خیابان، اتومبیل، اشیا، مبلمان، تأسیسات و تجهیزات در کاهش نقش فضا موثر بوده‌اند. به نحوی که با حضور در خانه‌های معاصر متوجه شدیم که دیگر از آن توانمندی‌ها و حساسیت‌های فضایی موجود در خانه‌های تاریخی حضوری موثر باقی نمانده است.

از دهه ۴۰ به بعد علاوه بر خانه‌سازی در یک یا دو طبقه در قطعات تفکیکی مجزا، احداث مجتمع‌های مسکونی شامل چند واحد مسکونی در یک قطعه زمین در چند طبقه نیز، رونق گرفت. پاسخ به تقاضای سکونت در شهرهای بزرگ و میانی،

در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به بعد، عمدتاً با احداث مجتمع‌های آپارتمانی صورت گرفت. بر این موج مجتمع‌سازی، انواع آپارتمان‌های متعلق به تعاونی‌ها و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و نظامی نیز افزوده شدند. (ن. ک: ۶)

خانه‌های تاریخی به دلیل مجهز نشدن به تأسیسات و فناوری روز، بویژه نسبت به تأمین آب سرد و گرم و سرویس‌های بهداشتی مناسب در درون خانه، امکان نگهداری نسل کهنسال را - به عنوان حافظان تاریخی این خانه‌ها - از دست دادند. برای این نسل و این سنین که تحمل سرمای زمستان و عبور از حیاط و ناهمواری سرویس‌های بهداشتی طاقت فرسا بود، زندگی در اتاقی که حمام و دستشویی در کنارش دارد بنا به گفته خود آنها «معجزه» بود.

نسل جوان نیز به عنوان نمایندگان محافظت از دستاوردهای فرهنگی معماری ایران، با توجه به کهنگی و مجهز نبودن آنها، پذیرای زندگی در این خانه‌ها نشدند. نهادهای مسئول و فنی جامعه نیز معاصر سازی خانه‌های تاریخی را در دستور کار قرار ندادند و در این فرآیند کیفیات معماری این خانه‌ها از نظرها دور و به فراموشی سپرده شدند.

به موازات کاهش حساسیت و توانمندی فضا در خانه‌های معاصر، روند جدا شدن نظام ایستایی و نظام آسایشی از نظام فضایی شدت گرفت. در خانه‌های تاریخی، هر جزئی در عین برخوردار از استقلال و برخوردار از تعریف مشخص، با هم ترکیب می‌شدند تا جزءفضاها را درون سازمان فضایی تشکیل دهند و جزءفضاها نیز با هم ترکیب می‌شدند تا کلیت سازمان فضایی را شکل دهند، بدین عبارت که نه تنها اجزا قابل استفاده بودند، بلکه ترکیب اجزا نیز قابل استفاده بود تا آن مقدار که امکان بهره‌وری از کل سازمان فضایی یک خانه نیز میسر می‌شد. در نتیجه اجزاء وجود داشتند اما تجزیه‌ای در کار نبود.

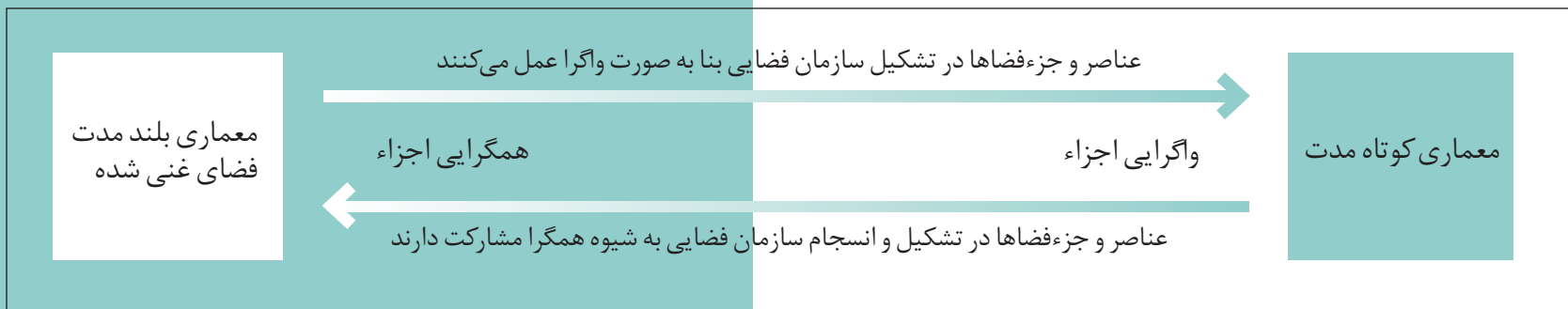
در خانه‌های معاصر اگرچه هنوز سقف، کف و دیوار حدود جزءفضاها را تشکیل می‌دهند، اما جزءفضاها شرایطی فراهم نمی‌کنند تا سازمان فضایی خانه‌های معاصر به تمامی قابل استفاده باشند. اجزاء، شرایط تجزیه را فراهم کرده‌اند.

سازه و سازگاری در فرآیند شکل‌گیری سازمان فضایی خانه‌های معاصر به سمت تجزیه رفته و همچون اجزاء مستقل و جداگانه به سازمان فضایی خانه الحاق می‌شوند. اکنون در تصور رایج، جدا بودن سازه از طراحی امری عادی تلقی می‌شود. سازه یک بنا می‌تواند پس از طی شدن مراحل طراحی و چیدمان جزءفضاها طراحی شود.

یکی از پرسش‌های مهمی که به هنگام مقایسه و مطالعه این دو گونه خانه - تاریخی و معاصر - برایمان مطرح شد، این بود که آیا ساکنان خانه‌های معاصر آگاهانه به سکونت در این گونه خانه مبادرت ورزیده‌اند یا ناآگاهانه؟ آیا اکنون می‌دانند کدام ارزش‌ها و کیفیات را کنار گذاشته‌اند و در مقابل، آنها در این شیوه از سکونت چه بدست آورده‌اند؟ چه کسانی یا چه نهادهایی می‌بایست درون خانه‌های تاریخی را مجهز می‌کردند؟ و چگونه می‌بایست نسل کهن و نسل معاصر را نسبت به

قابلیت مجهز و معاصر نمودن خانه‌های تاریخی آگاه نمود و استعداد برخوردار
خانه‌های معاصر را از توانمندی و حساسیت فضایی معماری خانه‌های تاریخی
برای نسل‌های امروز و آینده روشن نمود.

(تصویر ۲-۱۰) تأثیر همگرایی و واگرایی عناصر و اجزاء در چگونگی سازمان فضایی خانه (بنا)



از کتابخانه تا خانه

دوران دانشجویی در دهه ۵۰ به پایان رسید و آن برداشت‌هایی که درباره معماری اندوخته بودم در ۱۳۶۰ نیز همراهم بود. در دوران دانشجویی معلوم نشد که چرا دروسی در سال‌های مختلف می‌بایست می‌خواندیم، بدون آن که رابطه آنها را با شناخت معماری بدانیم و معلوم نشد چرا به ما باستان‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه درس ندادند. رشته‌هایی که هم بطور مستقیم و هم به لحاظ معناشناسی با معماری در ارتباط بودند. آنچه که فراموش نشد، چرخه مشاهده، ثبت، مطالعه، بررسی و آموختن بود که مرا به ساحت‌های تازه‌تری از جستجو هدایت می‌کرد. نتیجه ادامه ارتباط با کاشان، پایان گرفتن نگارش پایان‌نامه درباره چگونه سازمان یافتن فضا در کاشان و ادامه چرخه مشاهده، به نگارش بررسی پویا شهرنشینی در کاشان و معرفی چگونگی شکل‌گیری شهر معاصر کاشان پس از سال ۱۳۴۰ منجر شد.^۱ این بار، در فرآیند تکرار چرخه مشاهده و ثبت، پس از تحویل پایان‌نامه در سال ۱۳۵۹، بیش از پیش متوجه تخریب خانه‌های تاریخی شدم. در هر سفر در کمتر از یک ماه، تعدادی از این خانه‌ها به دست مالکان یا خریداران تازه کوییده می‌شدند و نسل‌های تازه‌ای از بناها که ذره‌ای شباهت به نسل‌های قبلی خانه‌ها نداشتند، جایگزین می‌شدند.^۲ در اواخر دهه ۶۰ با ارسال طرح پژوهشی درباره بازیابی معماری خانه‌های تاریخی کاشان^۳ و پذیرفته شدن آن توسط اساتید برنامه آقاخان برای معماری اسلامی، به مدت یکسال، فضایی را که در آن نشو و نما و پژوهش می‌کردم، ترک کردم و ادامه بررسی‌های پایان‌ناپذیر مرتبط با معماری ایران را در دانشکده‌های معماری و شهرسازی دانشگاه‌های هاروارد و ام. آی. تی ادامه دادم و سپس به کشور بازگشتم. در دهه هفتاد، در حالی که رفت‌وآمد به کاشان ادامه داشت و لایه‌های ادراکی بیشتر بر شناخت‌های اولیه افزوده شده بود، به ویژه با اندیشه‌کسانی چون راپوپورت^۴، الک‌گرابار^۵، فرانکل^۶، حسن فتحی^۷ و راج ریوال^۸ آشنا شده بودم، با ارائه یک طرح پیشنهادی که در چارچوب پژوهش‌های معاونت معماری و شهرسازی وزارت مسکن قرار داشت، دامنه پژوهش به شهرهای دیگری غیر از کاشان و به خانه‌های بیشتری گسترش یافت.^۹ به علاوه تمایل کارفرما برای تدوین معیارهای طراحی باعث شد تا شناخت خانه‌های معاصر و نتایج حاصل از این شناخت به درون چرخه‌های این پژوهش راه یابند و بر ابعاد شناخت بیفزایند و آن را به سمت راهبردهای طراحی و اجرا هدایت کنند.

هر چه میدان بررسی فراخ‌تر، ضرورت مجهز شدن افزون‌تر می‌گشت. افزایش تعداد

۱. حائری، ۱۳۶۳، پویا شهرنشینی در کاشان

۲. حائری، ۱۳۶۹، خانه‌های ایرانی در مسیر ویرانی

3. Recovering the Architectural legacy of Kashan

4. Rapoport, Amos

5. Olec Grabar

6. Paul Frankl

7. Hassan Fathi

8. Raj Rewal

۹. وزارت مسکن و شهرسازی، ۷۴-۱۳۷۲، طرح پژوهشی «کاربرد اصول معماری خانه‌های سنتی در طراحی مسکن امروزی»

گونه‌های تاریخی و معاصر در اقالیم مختلف کشور، ثبت ترسیمی و تصویری آنها در قالب نقشه‌ها، کروکی‌ها و عکس‌ها، پرس‌وجوها و گفتگوهای بسیار با ساکنان شهرها و خانه‌ها، به‌گردآوری حجم عظیمی از داده و اطلاعات بر اساس بررسی‌های میدانی منجر شد. در یک بررسی تطبیقی بین خانه‌های تاریخی و خانه‌های معاصر بر اساس وجوه مختلف معماری، مسیر پژوهش‌های کتابخانه‌ای، نیز به تدریج مشخص شدند.

در فرایند بررسی و پژوهش‌های میدانی معماری خانه‌های تاریخی و خانه‌های معاصر با دو نوع تلقی از معماری مواجه شدم. تلقی اول معماری را با مجموعه پدیده‌های انسانی و طبیعی مرتبط می‌دانست و می‌کوشید فضا را در زمره مصالح اصلی و منقطع معماری معرفی کند. تلقی دوم معماری را در قامت سازه، تأسیسات و مصالح ساختمانی بیان می‌کرد. فضا در این تلقی از معماری نقشی پویا و زنده بر عهده ندارد و در میان مصالح، سازه و تأسیسات به شیوه‌ای ایستا و منفعل جاسازی می‌شود.

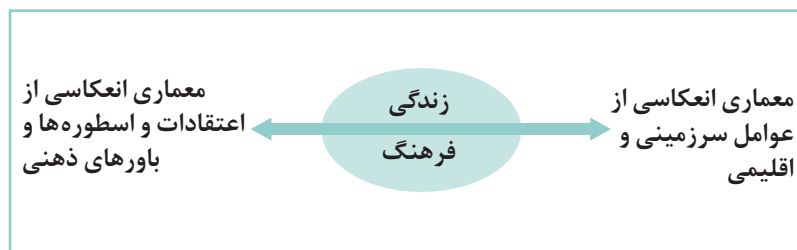
در دهه ۷۰ و پس از آن، وجه فنی و اجرایی ساختمان‌سازی بر سایر وجوه معماری غلبه کرده است. در نزد بسیاری از پرسش‌شوندگان جامعه آماری این پژوهش، هرگونه ساخت‌وسازی، معماری محسوب می‌شد. غلبه وجه فنی-اجرایی معماری بر سایر وجوه آن، و تولید انبوه محصولات مشابه در خانه‌سازی معاصر، به بی‌توجهی به معانی ارزش‌ها و کیفیت‌های سکونت منجر شده است. طبق پاسخ‌های دریافت‌شده از پرسشنامه‌ها (ن.ک: فصل ۴)، شرایطی که به طراحی و احداث خانه‌ها و واحدهای مسکونی منجر شده، انعطاف‌پذیری لازم را در برابر شیوه زندگی از دست داده است. خانواده‌های معاصر نمی‌توانند از تمام امکانات فضایی متعلق به آنها در درون خانه بر حسب شرایط متغیر و متحول زندگی استفاده کنند.

وجه فنی که اکنون در قالب سازه، تأسیسات و اجرا خلاصه شده در ترکیب با بازار محدود و دوره‌ای مصالح ساختمانی، شرایط بهره‌وری اعضای خانواده را از امکانات بالقوه سازمان فضایی خانه محدود ساخته است. در این شرایط، فضا همانند یک قطعه آجر و آهن، همچون ماده‌ای صلب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

رد پای این دو نوع تلقی از معماری در میان آثار نوشتاری پراکنده مرتبط با معماری ایران نیز، قابل پیگیری است. بر اساس غور در متون متعلق به شناخت معماری ایران نظرگاه‌های استخراج‌شده را می‌توان در درون یک طیف ارائه نمود. در یک سوی طیف که مطالب آن از میان پژوهش‌های باستان‌شناسان، تاریخ‌دانان و تاریخ‌هنر‌نویسان استخراج شد و دانش قابل توجهی را برای شناخت معماری ایران به ارمغان آورده، معماری یک دستاورد عینی و ملموس برخاسته از ویژگی‌های سرزمینی و اقلیمی است و آرای واقع در سوی دیگر طیف که از میان آثار متفکرین، فلاسفه و اندیشمندان به دست آمد، معماری ایرانی یک دستاورد ذهنی و فکری

است که از درون اعتقادات و اسطوره‌های اقوام ایرانی برخاسته است. در میانه این طیف، پژوهشگرانی نیز معماری ایران را ترکیبی از این دو برداشت دانسته و آن را به مثابه دستاوردهای ملموس-غیر ملموس (مرئی-نامرئی) برخاسته از میان فرهنگ زندگی اقوام ایرانی مورد شناسایی قرار داده‌اند.

(تصویر ۲-۱۱) طیف زوایای نگاه به معماری ایران بر اساس آرا و نظرگاه‌های متفکران ایرانی و خارجی



دیدگاه‌هایی که در ابتدای طیف قرار می‌گیرند، بطور مستقیم و بی‌واسطه با آثار معماری ایران ارتباط برقرار کرده و پس از مراجعه به نمونه‌های موجود بر حسب رشته تخصصی، به معرفی آثار ایران اقدام کرده‌اند. باستان‌شناسان در تدوین دیدگاه‌های آموزنده نسبت معماری ایران پیش‌قدم بودند. از عمر فعالیت‌های باستان‌شناسی عمدتاً توسط باستان‌شناسان آلمانی، فرانسوی و امریکایی در نقاط باستانی ایران مانند تپه سیلک، تخت جمشید، شوش، چغازنبیل، شهر ری و ...، بیش از یک قرن می‌گذرد.^{۱۰}

در چهار چوب قلمرو دیدگاه باستان‌شناسان، دو گروه تخصصی دیگر یعنی تاریخ‌دانان و تاریخ‌هنر‌شناسان نیز، به معماری ایران پرداخته و با حفظ مفهوم خطی زمان و بر حسب سلسله‌های تاریخی و حکومت‌های باستانی و اسلامی، مجموعه آثار معماری ایران را به تفکیک عملکردهای آنها مورد شناسایی و بررسی قرار داده‌اند. در این قلمرو، تعداد قابل توجهی باستان‌شناس، تاریخ‌دان و تاریخ‌هنر‌شناس خارجی و ایرانی، کتاب‌ها و مقاله‌های متعدد ارائه نموده‌اند.^{۱۱} با مطالعه این آثار، آنچه درباره معماری ایران شامل بناها و محوطه‌های باستانی مورد شناسایی قرار گرفته به طور خلاصه و فهرست‌وار به شرح زیر می‌باشد:

- موضوع اثر؛
- تعلق زمانی اثر؛
- مکان اثر؛
- تصاویر نقشه‌های طولی، عرضی و ارتفاعی اثر؛
- مصالح و شیوه‌های ساختمانی اثر (شامل پی‌ها، کف‌پوش‌ها، ستون‌ها، بدنه‌ها و

۱۰. (گذار، آندره، ۱۳۴۵)، (گیرشمن، ۱۳۵۰)، (گیرشمن، ۱۳۷۲)، (سامی، علی، مصطفوی، محمدتقی، ۱۳۳۴)، (شهبازی، ع، شاپور، ۱۳۷۵)، (کریمیان، حسین، ۱۳۵۴) و ...
 ۱۱. (پوپ، آرتور اپهام، ۱۳۶۳)، (پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۶۹)، (کیانی، محمدیوسف، ۱۳۷۴) و ...

سقف‌ها و ابتکارات فنی - تأسیساتی)؛

- ویژگی‌های کاربرد مصالح، ملات‌ها و شیوه‌های اتصال؛

- محدوده‌های پیرامون بلافصل اثر.

به موازات پیشرفت باستان‌شناسی و مطرح شدن رشته‌های مرتبط با آن مانند مردم‌شناسی، شیوه زندگی و معیشت، شیوه‌های مختلف سکونت، پوشاک، غذا و سایر اشیاء نیز مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفت.

تاریخ‌دانان و تاریخ‌هنرشناسان نیز، با توجه به تعلق زمانی هر اثر مشخص نمودند که ابنیه و محوطه‌های باستانی متعلق به کدام سلسله حکومتی است، در زمان کدام والی و حاکم ساخته شده و توالی والیان در هر سلسله چگونه بوده و اینکه آیا آنها مسالمت‌آمیز یا جنگجویانه زندگی کرده‌اند و یا بیشتر به کشاورزی مشغول بوده‌اند یا کشاورگشایی. به موازات مطرح شدن رشته‌های مکمل با تاریخ، شناسایی و معرفی حال و روز مردمان آن روزگاران نیز در دستور کار تاریخ‌نویسان قرار گرفت. اکنون درباره تسلسل خطی سلاسل به هم پیوسته تاریخ ایران، اطلاعات فراوانی فراهم شده و پژوهش‌های بسیاری نیز در دست انجام است.

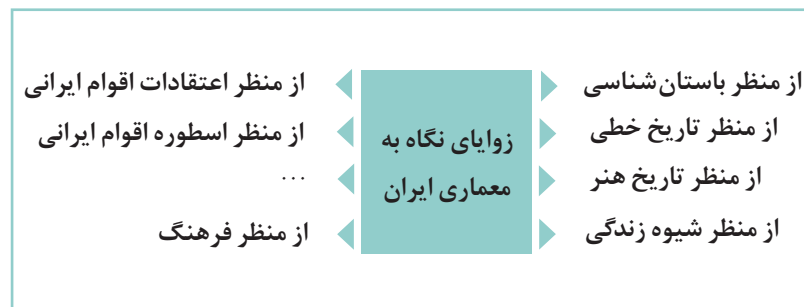
معرفی معماری ایران از منظر تاریخ هنر، اقدامی متأخر است. از نیمه دوم قرن چهاردهم هجری شمسی بر پایه دستاوردهای تاریخی و باستان‌شناسی ایران، کتاب‌های مفیدی توسط نویسندگان ایرانی^{۱۲} و خارجی^{۱۳} درباره معماری ایران منتشر شدند. این مجموعه مفید، پایه‌های شناسایی معماری ایران را مستحکم نمودند.

انتهای طیف زوایای نگاه به معماری ایران مربوط به دیدگاه متفکرانی است که نه معمار و نه باستان‌شناس هستند و حوزه بررسی آنها به بخش‌های متنوع‌تری از فرهنگ ایران مربوط می‌شود. این گروه از متفکران، به بررسی و معرفی معماری ایران به مثابه نماینده فرهنگی اقوام ایرانی پرداخته‌اند و فارغ از زمان خطی و ویژگی‌های فنی اثر، جلوه‌های معماری ایران را مرتبط با اندیشه‌های الهی و اسطوره‌ای مورد شناسایی قرار داده‌اند. سید حسین نصر، داریوش شایگان و مهرداد بهار هر یک در معرفی معماری ایران از زاویه قداست، فرازمانی بودن و برخورداری اقوام ایرانی از بینش اسطوره‌ای، مطالب عمیق و روشنگری را ارائه نموده‌اند.

با تکیه بر این مجموعه تا اندازه‌ای امکان شناخت چستی معماری ایران فراهم شد. اگرچه هنوز جای کار بسیار است. برای پی بردن به چونی معماری ایران به آرا و نظریه‌های گروه دوم مراجعه شد که بیشتر به ویژگی‌های غیر ملموس و نامرئی معماری ایران توجه دارند. آنچه توسط این نظریه‌ها به شناخت چونی معماری ایران کمک می‌کند، آن است که پیشرفت معماری ایران به غیر از دانش فنی و مهندسی - آنچه باستان‌شناسان و تاریخ‌هنرشناسان متذکر شده‌اند - به تعالیم آیینی معماران و استنباط و برداشت‌های آنها از زمان مربوط است. در این طیف از دیدگاه‌ها،

معماران به عنوان نماینده فرهنگی اقوام ایرانی معرفی می‌شوند و عمل آنها در هر زمان تفسیر و روایت تازه‌تری از فرهنگ گذشته ارائه می‌کند. اقدام معمارانه از نقطه‌نظر این گروه از متفکران، معاصر نمودن گذشته معماری است. بر این اساس قرن‌هاست که معماری ایران از تداوم و به روز شدن برخوردار است.

(تصویر ۲-۱۲) نمودار زوایای نگاه به معماری ایران (بر اساس آرا و نگاه‌های متفکران ایرانی و خارجی)



برای شناخت توأمان چندی و چونی معماری ایران و آنچه مستقیم‌تر با اثر و زبان معماری سروکار دارد، کوشش شد تا با تکیه بر گردآوری‌های باستان‌شناسان و تاریخ‌هنردانان، طیف وسیعی از انواع آثار معماری ایران به تفکیک نقشه‌های طولی، عرضی و ارتفاعی بناها فراهم شود و در این رابطه نسبت جزء‌فضاها با شیوه‌های ایستایی (سازه) و برقراری ارتباط با عوامل طبیعی (سازگاری) بررسی شود. بررسی این مجموعه که به آثار متنوع معماری دو دوره طولانی پیش و پس از اسلام تخصیص دارد، نشان می‌دهد که شیوه‌های سازه، سازگاری و شیوه تقسیمات فضایی بر هم انطباق دارند و در ایجاد راه‌حل‌های ایجاد آسایش برای ساکنان، شیوه‌های سازه و سازگاری بنا و تقسیمات فضایی به اتفاق نقش ایفا می‌کنند.

برای بررسی انواع ابنیه معماری ایران، تا آنجا که میسر بود به نمونه‌هایی از آنها در سراسر کشور مراجعه شد و جوانب مختلف هر بنا در ارتباط با پیرامون و همجواری‌ها مورد مشاهده و ثبت قرار گرفت. وضع مشترکی که در تمام آنها وجود داشت از این قرار بود که تقسیمات فضایی تمامی بناها، مستقل از عملکرد، وسعت و دوره زمانی آنها متوجه فضاها، باز، بسته و پوشیده بود. از مجموعه جزء‌فضاهای تخت جمشید تا تقسیمات فضایی حرم مطهر امام هشتم (ع) در شهر مشهد (پیش از تغییرات) و بناهایی مانند مدرسه مسجد آقابزرگ در کاشان که تا پیش از سال ۱۳۰۰ ساخته شده بودند؛ همه انواع بناها اعم از منفرد (مانند یک خانه روستایی یا مسجد - مدرسه آقابزرگ) یا مجتمع (مانند تخت جمشید یا شهر کاشان) از فضاها، باز، بسته و پوشیده شکل گرفته بودند. (ن.ک: ۵، بخش دو)

۱۲. ذکا، یحیی، (۱۳۶۹)، (کیانی، یوسف، ۱۳۶۶)، (کیانی، یوسف، ۱۳۶۸) و ... ۱۳. پوپ، آرتور ایهام، (۱۳۶۳)، (استرلن، هانری، ۱۳۷۷)، (هیلن‌برند، روبرت، ۱۳۸۳) و ...

قلمرو روش‌شناسی خانه‌ها

اگرچه از هنگام شروع پژوهش از سال ۱۳۷۲ و بعد از آن به اتفاق گروه پژوهشی، همه در خانه‌های معاصر زندگی کرده و می‌کنیم، با این وجود بخش عمده دانش حاصل‌شده درباره فضا و معیارهای ارزیابی کمی و کیفی خانه‌های معاصر، پس از حضور در خانه‌های تاریخی، از طریق ثبت مشاهدات، آموزش، یادگیری‌ها و پرسش‌های مرتبط با حضور در خانه‌های تاریخی به دست آمده است.

حضور پیگیر و پیوسته در روزهای مختلف سال، زندگی با ساکنان خانه‌های تاریخی در موقعیت‌های مختلف با اعضای خانواده و میهمانی‌های خانوادگی در فضاهای مختلف سال، دوستی و ادامه دوستی تا امروز و ادامه گفت‌وگو با ساکنان خانه‌های تاریخی در سنین مختلف و ثبت متوالی خاطره‌ها و مشاهدات و بررسی آن‌ها و پی بردن به پرسش‌هایی که نیروی محرک جست‌وجو بودند و پیدایی احساس‌های خوش‌آیندی که بر اثر حضور در این فضاها حاصل می‌شدند، همه و همه زمینه‌ها و تکه‌های متنوع شناخت را به طور پراکنده فراهم آوردند.

معماری این خانه‌ها و چگونگی حضور آخرین نسل و بازماندگان خانه‌های تاریخی، کتابی نبود که به ترتیب آن را ورق زد و از محتویات آن با خبر شد، بلکه کتابخانه‌ای عظیم بود که در هر بار حضور، بی‌آنکه معلوم باشد کدام کتاب را باید بخوانی، می‌توانستی از میان شبکه قفسه‌های هزاران کتاب، چندتایی را انتخاب کنی، ورق بزنی یا بگذاری خود کتاب‌ها به سراغت بیایند. شرط آن است که در این کتابخانه به طور پیوسته حضور داشته باشیم و هدف از حضورمان، امکان عارض شدن فضا و دانش نهفته در آنها بر ما باشد.

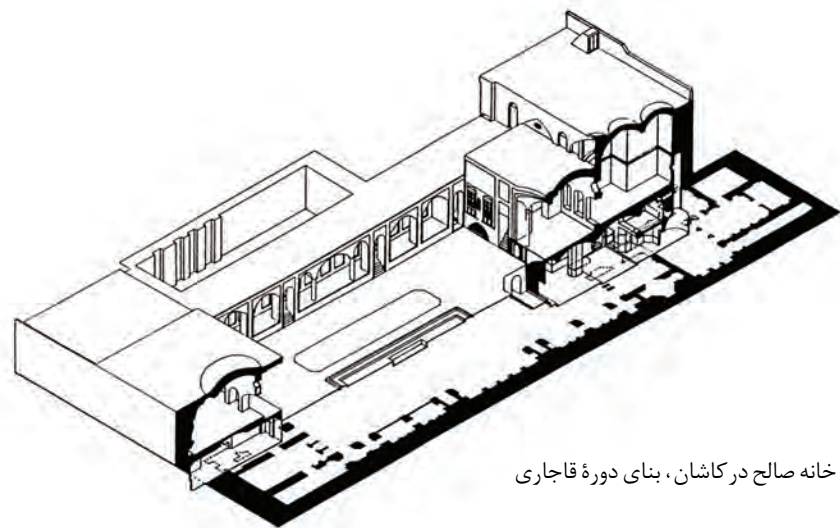
برای نوشتن، بویژه نوشتن کتاب، نمی‌توانستم که هرچه را در هر لحظه کشف کرده‌ام بیان کنم. رابطه حضور، مشاهده، تفکر، یادگیری، پرسش و مراجعه مجدد به فضاهای خانه‌های تاریخی و مقایسه آنها با فضاهایی که در آنها زندگی می‌کردم، بطور دائمی مرا به کشف و کشف و یافته‌هایی هدایت می‌کرد. لیکن این یافته به نحوی نظام‌مند و متوالی نبودند.

برای شناخت نظام‌مند معماری خانه‌های تاریخی که برخی از آنها از شدت کوچکی، خانه «نقلی» نام گرفته‌اند، می‌بایست عوامل بسیاری ثبت و بررسی می‌شدند. رد پای بسیاری از ملموسات و غیرملموسات، عوامل آشکار و نهان در خانه‌های تاریخی قابل پیگیری بودند.

برای فائق آمدن بر حجم گسترده اطلاعات بدست آمده و به منظور نظم بخشیدن به تنوع و تعدد عوامل موثر بر شکل‌گیری خانه‌های تاریخی، مجموعه طیف‌هایی که شناخت معماری خانه‌های تاریخی در میان آنها قرار می‌گرفت و آنچه که با فضا کنش متقابل داشت به شرح زیر مورد بازبینی قرار گرفت:

در این شیوه بررسی، هر بنا مستقل از دوره و هدفی که بدان منظور ساخته شده و فعالیت‌هایی که درون آن انجام می‌شود، گردآوری و به تفکیک، تمامی بنا و تقسیمات فضایی آن مورد بررسی قرار گرفت.

(تصویر ۲-۱۳) مشابهت صورت و ساختار فضاهای باز، بسته و پوشیده در یک بنای قاجاری متأخر (خانه صالح در کاشان) با یک بنای پیش از اسلام (عمارت خسرو در قصر شیرین)، تصویر بازسازی شده



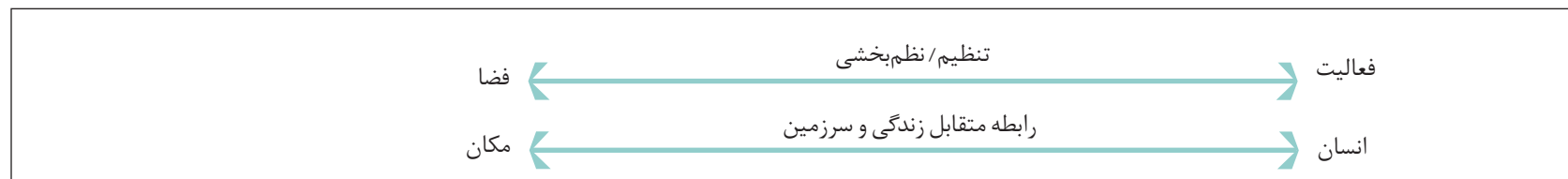
خانه صالح در کاشان، بنای دوره قاجاری



عمارت خسرو در قصر شیرین، بنای پیش از اسلام



روابط متقابل با فضا



در مقیاس کلان قلمرو سرزمینی، عوامل فرامکانی - فرازمانی نیز در شکل‌گیری این خانه‌ها موثر بوده‌اند. حضور عیان عوامل سرزمینی بر صورت و ساختار خانه‌های تاریخی تأثیری مستقیم و بلافصل دارد.

قلمرو دوم از مجموعه عوامل موثر در شکل‌گیری خانه، قلمرو زندگی است که از حضوری عیان برخوردار است، اما تأثیر این عوامل، مستقیم و مشخص همانند عوامل سرزمینی نیست. قلمرو زندگی، کنش متقابل فرد، گروه، جامعه را با فضا شامل می‌شود که در چارچوب شیوه زندگی و رابطه متقابل آن با سازمان فضایی خانه قابل شناسایی و بررسی است.

قلمرو سوم، قلمرو معنایی عوامل موثر در شکل خانه را تشکیل می‌دهد که به نسبت دو قلمرو پیشین به ساحت نهانی‌تر عوامل موثر بر معماری خانه‌های تاریخی اختصاص دارد. عواملی که به اتصال فرد، خانواده، گروه و جامعه با گذشته سرزمین و زندگی نسل‌های پیشین مربوط است. عواملی که خواست‌های درونی جامعه، خانواده، و فرد را از زیستن باهم و از باهم زیستن در فضا شکل می‌دهد. عوامل سرزمینی و شیوه زندگی، چندی و چونی شکل‌گیری سازمان فضایی خانه‌های تاریخی و رابطه و صورت جزءفضاهای موجود در این خانه‌ها را به کفایت تبیین نمی‌کنند. مفاهیم دیگری وجود دارند که به قلمرو معنا و معنای زندگی و تفسیر ساکنان از طبیعت و اقلیم بستگی دارد.

اکنون می‌بایست این عوامل، بر حسب ویژگی‌های مشترکشان، دسته‌بندی می‌شدند؛ تا جایی که این دسته‌بندی، تمامی عواملی را که مورد شناسایی قرار داده بودیم، بدون ورود به ساحت تقلیل و تجزیه شامل شود. به عبارت دیگر آنقدر خلاصه نشود که مجبور به نادیده گرفتن، حذف، تقلیل و تجزیه عوامل شویم. مجموعه طیف‌ها و تقابل‌ها را پس از بررسی به سه قلمرو دسته‌بندی نمودیم. این سه قلمرو عبارتند از:

- قلمرو سرزمینی
- قلمرو زندگی
- قلمرو معنایی

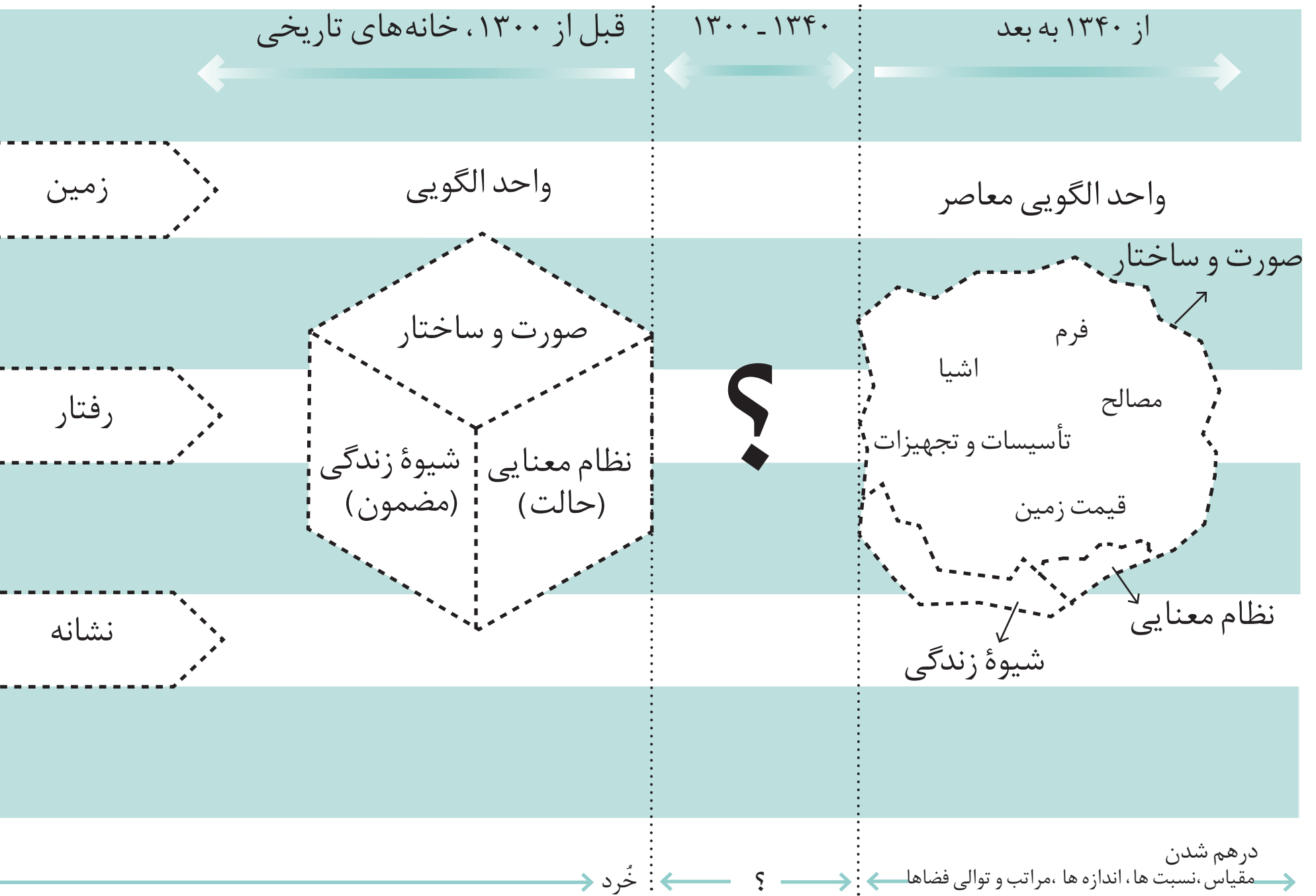
در این دسته‌بندی از آشکارترین عوامل موثر بر شکل‌گیری خانه‌های تاریخی یعنی عوامل سرزمینی، آغاز کرده و به نهانی‌ترین آنها یعنی عوامل معنایی رسیدیم. هر یک از سه دسته قلمرو فوق درون طیفی از خرد و کلان قرار گرفته‌اند.

مراد از قلمرو سرزمینی، بستر و زمینی است که خانه‌های تاریخی بر روی آن احداث شده‌اند. در مقیاس خرد و نزدیک، قطعه زمین و محلی که خانه بر آن جای گرفته و در مقیاس کلان، بوم و سرزمین قرار می‌گیرند.

عوامل شکل‌دهنده سازمان فضایی خانه‌های تاریخی، گواه آن هستند که این عوامل تحت تأثیر حوزه‌های جغرافیایی - فرهنگی وسیع‌تری قرار دارند و به همین لحاظ

مجموعه آنچه را که در سه قلمرو بیان شد در درون قلمرو دائمی زمان می‌تواند به صورت نمودار زیر ارائه شود:

(تصویر ۲-۱۵) نمودار واحد الگویی شکل‌گیری معماری خانه‌های تاریخی ایران تا پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی و تغییر آن پس از سال ۱۳۴۰



عیان

زمان

محور مکان

فرا مکان

بوم و سرزمین

زمان

محور زندگی

فرهنگ

آئین

آداب و رسوم

زمان

محور معنا

اسطوره

مفاهیم و مصادیق

زمان

نهان

کلان

مشاهدات و بررسی‌ها نشان می‌دهند که تقریباً بخش اعظم عوامل سرزمینی و اجتماعی در طراحی و ساخت جزء فضاهای خانه‌های تاریخی در نظر گرفته می‌شده و بر حسب پشتوانه‌ای تاریخی و آیینی در هر خانه، شیوه‌های ترکیب و تعریف جزء فضاها، بارهای ارزشی متنوعی را حمل می‌کنند.

جزء فضاهای خانه‌های تاریخی هم نام مشخص داشتند، هم از استقلال نسبی برخوردار بودند. ترکیب معینی از آنها که به شکل‌گیری خانه‌های کوچک و بزرگ منجر می‌شد نیز از معنا، مضمون و حدود مشخص برخوردار بود. هر جزء فضا نماینده سازمان فضایی خانه بود. پشتوانه برخورداری از نام مشخص و استقلال نسبی فضایی، درک و رعایت منابع و ارزش‌هایی است که نام و استقلال از آنها مشتق شده است، یعنی طبیعت، حالات انسانی و مقیاس مناسب حضور.

اقدام به نام‌گذاری بر پدیده‌های مشترک در جامعه مانند نامگذاری بر جزء فضاهای خانه‌ها، قراردادی است تاریخی-اجتماعی؛ و خود نمادی از نهادینه شدن مجموعه مفاهیم و ارزش‌های متعلق به آن جامعه و آن پدیده در طول تاریخ می‌باشد. در خانه‌های تاریخی، منابع نامگذاری جزء فضاها یا از طبیعت وام گرفته شده، یا از حالات انسانی یا از مقیاس حضور انسان در فضا مانند: مهتابی، شاه‌نشین، خلوت، پنج‌دری. در حالی که در نظام معاصر شهرسازی-معماری جزء فضاهای خانه بر اساس عملکردهای محدود و مشخص مانند خواب، پذیرایی، نهارخوری نامیده می‌شوند.

مجموعه مشاهدات ثبت و بررسی شده که در فصل‌های آینده ارائه خواهند شد، حاکی از آن است که هر خانه تاریخی در هر مقیاس، از تعدادی جزء فضا با نام‌های مشخص با برخورداری از استقلال نسبی فضایی تشکیل شده است. مجموعه جزء فضاها هر خانه نسبت به عوامل طبیعی، حالات انسانی و معانی اجتماعی-تاریخی حساس بوده و عکس‌العمل فضایی نشان می‌دهند.

نمودار واحد الگویی شکل‌گیری معماری خانه‌های تاریخی ایران که جمع‌بندی مجموعه شناخت‌های مرتبط با معماری خانه است، از طریق کاربرد فرایند مشاهده ثبت، بررسی، یادگیری و پرسش در درون خانه‌های تاریخی حاصل شده و حاصل آن مشخص نمودن محتوای هر یک از جزء فضاهای خانه‌های تاریخی است که از نام و استقلال نسبی برخوردار هستند و هر کدام محصول فرایندی طولانی در شناخت مکان، شناخت زندگی و شناخت معانی حضور در زمان‌های مختلف می‌باشد. هر جزء فضا به عنوان یک واحد الگویی از سازمان فضایی، ملاک طراحی و اجرای معماری خانه‌های تاریخی می‌باشند.

در هنگام طرح و اجرای یک خانه، جزء فضاهای تاریخی از آغاز ابداع نمی‌شدند. جزء فضاهای خانه‌های تاریخی به مثابه روایت تازه معماران هر عصر، با توجه به عبور از آزمون قرون و جوامع گذشته، اجازه حضور در جامعه و خدمت‌رسانی به ساکنان را به دست آورده بودند. معماران، بنایان، صنعتگران و مردمان بسیاری در تکامل بخشیدن به طرح‌های معماری جزء فضاها (واحد‌های الگویی) نقش داشتند

بی‌آن‌که نام و نشانی از آنها باقی مانده باشد. به درستی نمی‌توان تاریخ و طراح واحدهای الگویی معماری ایران مانند ایوان، صفه، مهتابی و شاه‌نشین را مشخص کرد. اما می‌توان مشخص نمود که در هر یک از این واحدهای الگویی، طبیعت، انسان، تاریخ و جامعه به صورت و ساختاری مشخص به تعادل رسیده و حضور دارند. در هر شش شهر انتخابی در این پژوهش که از فرهنگ و اقلیم غیر متشابه برخوردار می‌باشند، خانه‌های تاریخی از واحدهای الگویی مشابهی در تعریف و ترکیب جزء فضاها تبعیت کرده بودند و تمامی آنها در برابر نیازهای کمی و کیفی ساکنان یعنی ایمنی، آسایش و آرامش پاسخگو بودند. صورت و ساختار واحدهای الگویی معماری خانه‌های تاریخی ایران در برگیرنده دستاوردهای اعصار گذشته و تطابق یافته با نیازهای کمی و کیفی شیوه زندگی عصر خود بوده‌اند.

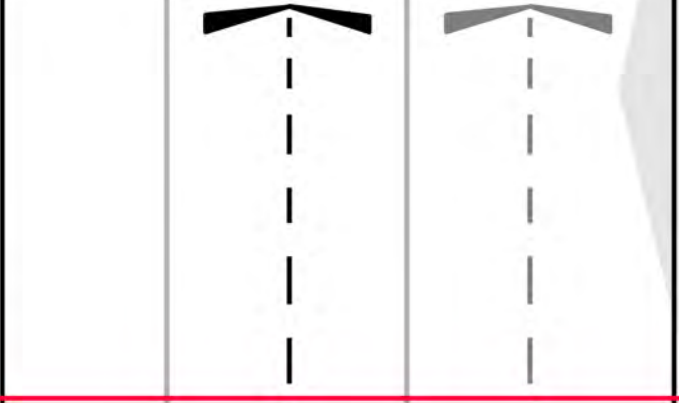
در مسیر حرکت به سوی امروز و آینده، خانه‌های معاصر در مسیر معماری خانه‌های تاریخی متحول نشده‌اند و مسیرهای دیگری را در حال طی کردن هستند. بر طبق نمودار روش‌شناسی خانه‌های تاریخی، تعادل موجود بین قلمروهای سرزمینی، قلمروهای زندگی و قلمروهای معنایی که در تک‌تک الگوهای معماری خانه‌های تاریخی برقرار بود در خانه‌های معاصر بر هم خورده به نحوی که مراعات جنبه‌های متنوع و خلاق شیوه زندگی و ویژگی‌های مفهومی و معنایی فرهنگ، از دستور کار طراحی و اجرای الگوهای فضایی خانه‌های معاصر خارج شده و در مقابل، هر چه بیشتر بر صورت‌گرایی الگوهای معماری افزوده شده است؛ آن هم صورت‌گرایی تجزیه شده؛ بدین معنا که ساختار و صورت با ترکیبی همگن و هماهنگ، جزء فضاهای خانه‌های تاریخی را شکل می‌دهند در حالیکه در خانه‌های معاصر به صورت لایه‌های مجزا و ناهماهنگ بر هم سوار می‌شوند و حاصل این تجزیه‌گرایی از دست رفتن توان تأثیرگذاری جزء فضاهای خانه است.

اکنون عمر و تاریخ مصرف خانه‌های تاریخی به صورت آنچه بوده‌اند سپری شده و سکونت معاصر، خانه‌های دیگری را طالب است. می‌بایست تا آن‌جا که می‌توانیم از تخریب و نابودی گونه‌های خانه‌های تاریخی جلوگیری کنیم اما نه به خاطر استفاده مسکونی یا تقلید از آنها، بلکه به خاطر دانش پایداری که در درون آنها نهفته و با تکیه بر این دانش ما می‌توانیم به چگونگی پاسخگو بودن و متشخص بودن معماری مرتبط با نیازهای معاصرمان پی ببریم. اکنون که بسیار و بسیار از خانه‌های تاریخی و گونه‌های نادر معماری ایران را از دست داده‌ایم آیا وقت آن نرسیده که درس‌های باقیمانده از این گونه‌های کمیاب را که چگونگی همزمان بهره‌برداری از طبیعت و محافظت از آن، چگونگی پاسخگو بودن و گرمایی داشتن حضور فرد و خانواده و جامعه را در معماری به ما می‌آموزند از دست ندهیم؟

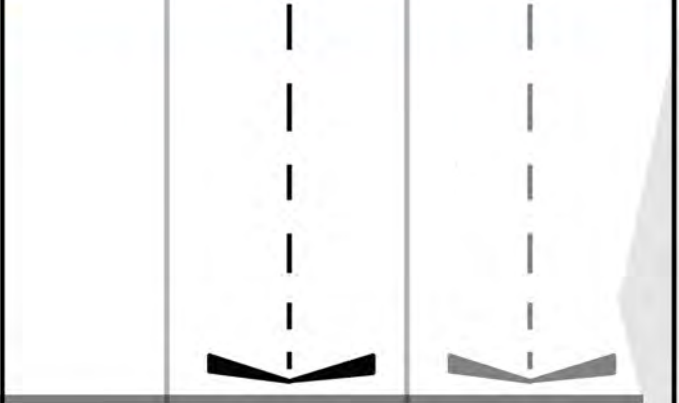
خانه‌های قبل از سال ۱۳۰۰

خانه‌های بعد از سال ۱۳۴۰

مشاهدات و پرسش‌های اولیه
تجربه اولیه



تغییر در شهر
تغییر در خانه
تفاوت عظیم
چرا؟ چگونه؟



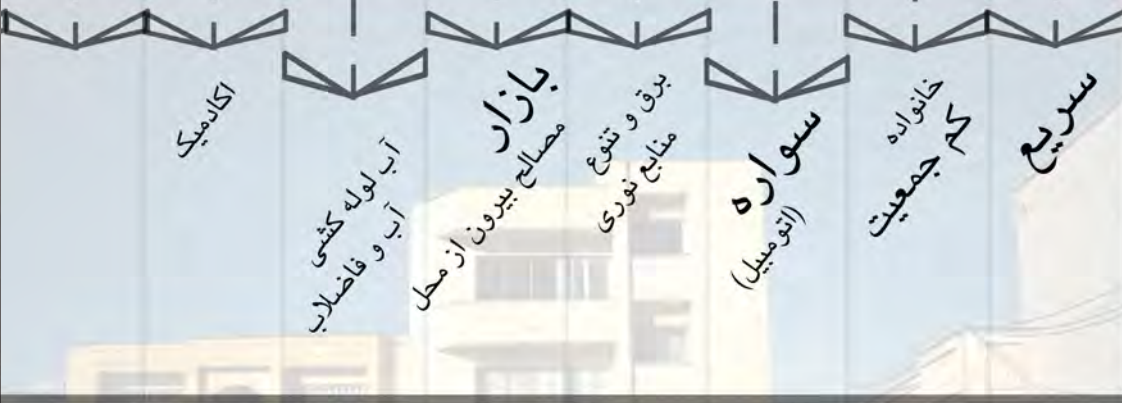
تعریف مسئله

شناسایی موضوع و مسئله

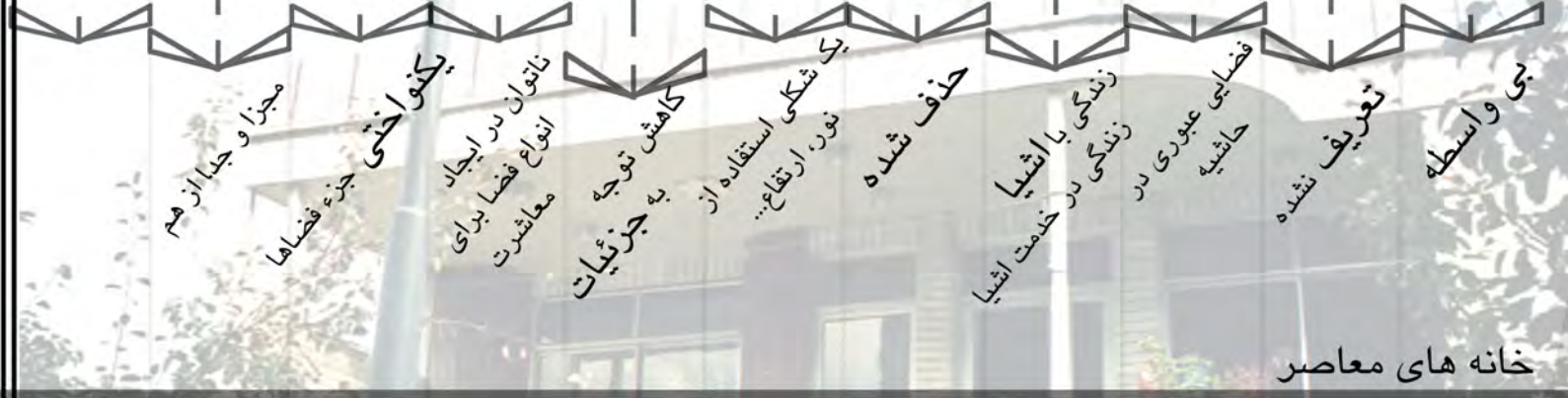
تغییر در شهر

تغییر در خانه

ثابت مشاهدات
تغییر در شهر



ثابت مشاهدات
تغییر در خانه



از درون

از بیرون

ادبیات معماری ایران
(مطالعه کتابخانه‌ای)

نیاز به شناخت بیشتر

(مطالعات میدانی)
حضور در خانه‌ها + گردآوری نمونه‌های بیشتر

نیاز به شناخت بیشتر

کشف هفت نگاه از درون منابع مکتوب:

۱. مطالعات تاریخ هنر شناسی معماری ایران
۲. مطالعات اسطوره شناسی معماری ایران
۳. مطالعات باستان شناسی معماری ایران
۴. مطالعات مردم شناسی معماری ایران
۵. مطالعات معرفت شناسی معماری ایران
۶. مطالعات گونه شناسی معماری ایران
۷. مقایسه معماری ایران با هنرهای دیگر ایرانی

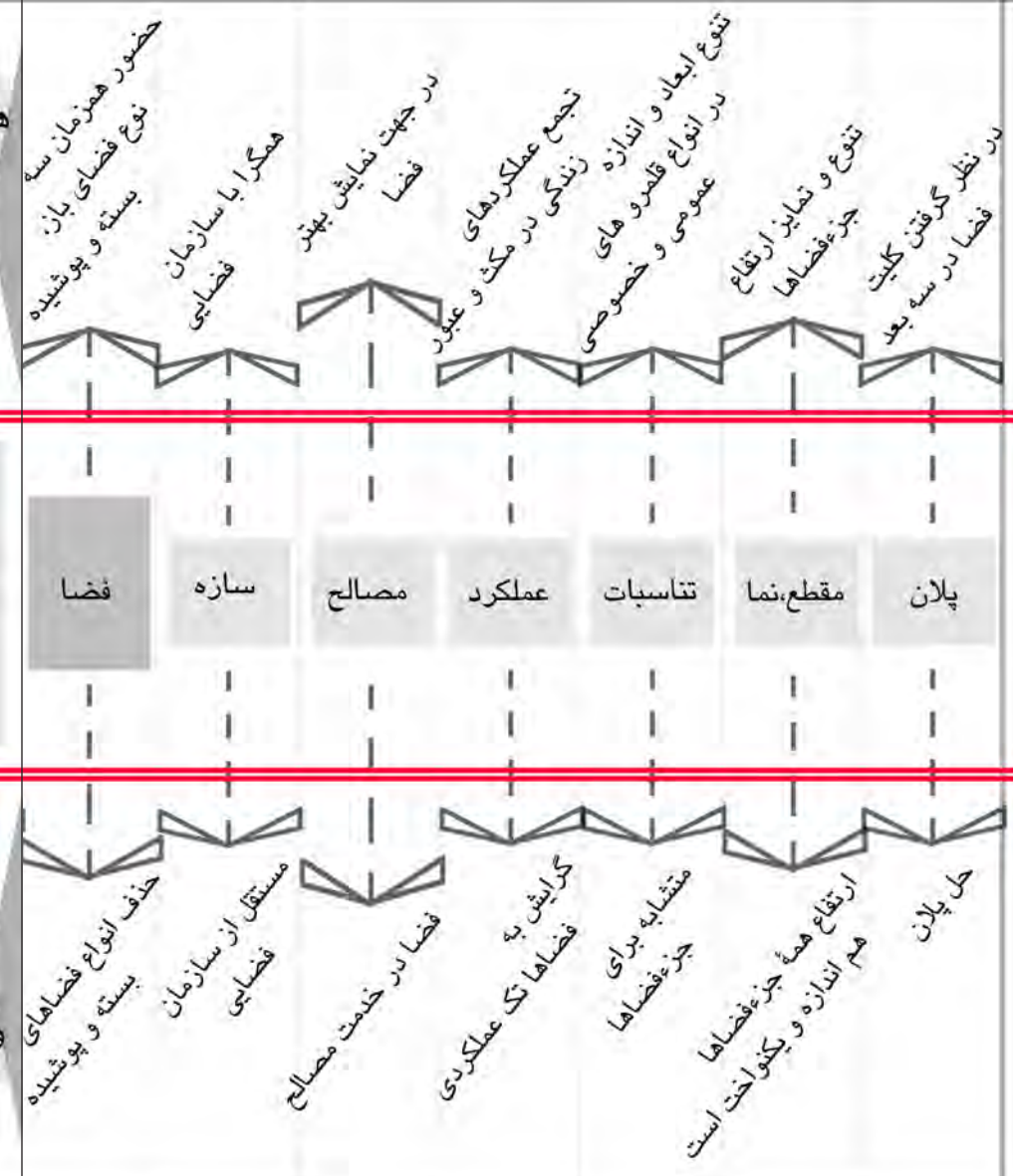
بسط قلمرو میدان بررسی:

۲. گسترش بازه زمانی و مکانی مورد پژوهش:
 - زمان:
 - شهرها: بوشهر، رشت، شیراز، کاشان، کرمان، همدان

عدم کفایت
منابع موجود

بی توجهی
به فضا

بررسی گونه‌ها از منظر فضا



ورود گونه های آزمون نشده

مشاهده، ثبت، بررسی و یادگیری

پرسش‌ها:
چرا در طول
هزاران سال ترکیب
سه گونه فضایی
باقی مانده و در
عرض چهل سال
ناپدید شدند؟

همگرایی زندگی و فضا
انواع فضاهای بسته
انواع فضاهای باز
انواع فضاهای پوشیده

گسست

حذف انواع فضاهای باز
وسرپوشیده.
واگرایی زندگی و فضا

مشاهده، ثبت، بررسی همزمان فضا، رفتار و نشانه

رابطه متقابل و متعادل:
شیوه زندگی
و
سازمان فضایی

مراجعه به سرزمین و ساکنان
خانه های معاصر و تاریخی
از طریق پرسشگری و مصاحبه با ساکنان و ثبت برداشتهای آنها
مراجعه به فرهنگ ایرانی اسلامی

معنا کردن
و
شکل گیری گونه های
جدید فضا



فضا
+
حریم
+
انرژی

الگوهای
فضایی

تقلیل یافته
تجزیه شده و
تک عملکردی

آیا الگوهای فضایی خانه های تاریخی در عصر حاضر پاسخگو هستند؟

ادبیات خانه

مقدمه

بخش اول:

تحول خانه در زمان و مکان

خانه‌های مدیترانه و بین‌النهرین / خانه‌های مصری / خانه‌های یونانی / خانه‌های رومی / خانه‌های چینی و ژاپنی /
خانه‌های هندو / خانه‌های بودایی / خانه‌های افریقایی / خانه‌های جهان اسلام / خانه‌های اروپای شمالی

صنعتی‌شدن و روند تغییر سازمان فضایی خانه در اروپا

تحول سازمان فضایی خانه در دوران معاصر ایران

تعویض به جای ترمیم

غلبه اشیا بر سازمان فضایی خانه و کم‌رنگ شدن نقش فضا

بخش دوم:

خانه در ادبیات ایرانی

خانه در لغت‌نامه

توزیع فضاهای خانه و آداب سکونت

نقش اشیا در خانه

ویژگی‌های خانه ایرانی بر اساس ادبیات خانه در ایران

معمار ایرانی

مقدمه

خانه کجاست؟ آیا خانه تنها سرپناهی است که ما را از گزند باد و باران در امان می‌دارد؟ عمر چندین هزارساله فرهنگ انسانی بر روی کره زمین، چه تعریفی از خانه ارائه کرده است و چگونه این تعریف در قالب الگوهای فضایی تعیین یافته است؟ همه ما به خانه‌هایمان می‌رویم تا بتوانیم دوباره به شهر بازگردیم. در این رفت‌وآمد دائمی از شهر به خانه و از خانه به شهر، آیا خانه نقش اساسی در ارتقای حضور آدمی در جامعه و خانواده ایفا نمی‌کند؟

پژوهشگران و متفکرانی که به این موضوع پرداخته‌اند، تعاریف گوناگونی را از خانه ارائه کرده‌اند و هر یک از این تعاریف، جنبه‌های مختلفی از این مفهوم را روشن ساخته است، اما همه در این امر مشترکند که «خانه» مکانی، با معانی فراتر از یک سرپناه است و لایه‌های گوناگونی از مضامین و معانی را در خود دارد. در اینجا به چند تعریف اشاره می‌کنیم:

تعریف اول: «خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون خانه یا جایی که زن و بچه زندگی می‌کنند می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد تا خستگی احساس نشود» (پیرنیا، ۱۳۷۱: ۱۵۴)

تعریف دوم: «خانه پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط، رابطه صحیحی را بین محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسان برقرار می‌سازد. در خانه می‌بایستی یک فرد یا یک خانواده زندگی کند. یعنی اینکه بخوابد، راه برود، دراز بکشد، ببیند و فکر کند» (لوکوربوزیه، ۱۳۵۴: ۴۵)

تعریف سوم: «خانه مرکز جهان است برای ساکنانش، و برای محله‌اش شاخص‌ترین بنا در تحکیم مکان» (Moore, 1974: 50)

تعریف چهارم: «خانه در درجه اول یک نهاد است و نه یک سازه و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است. از آنجا که احداث یک خانه پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌آید، شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگی

است که بدان تعلق دارد. حتی از آن زمان که خانه برای بشرِ اولیه به عنوان سرپناه مطرح بود، مفهوم عملکرد تنها در فایده‌رسانی صرف یا فضای عملکردی محض خلاصه نمی‌شد. وجه سرپناهی خانه به عنوان وظیفه ضمنی، ضروری و انفعالی مطرح بود و جنبه مثبت مفهوم خانه، ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانواده به مثابه واحد اجتماعی بود...» (Rapoport, Amos, 1969)

در این پژوهش روشن شد، از میان فضاهایی که انسان در آن حضور می‌یابد، خانه، فضایی است مرتبط، که آدمی به طور روزمره از آن تأثیر می‌گیرد و بر او تأثیر می‌گذارد. اولین فضایی است که آدمی احساس تعلق فضایی را در آن تجربه می‌کند. مجموعه حواس پنجگانه به طور دائم سرتاسر آن را طی می‌کند و در مدت کوتاهی بدان خو می‌گیرد. خانه تنها مکانی است که اولین تجربه‌های بی‌واسطه با فضا، در انزوا و جمع در آن صورت می‌گیرد. خلوت با خود، با همسر و فرزندان، با دوست و دیگران همه و همه بی‌تعرض غیر، در آن ممکن می‌گردد.

در جست‌وجوی چگونگی انعکاس مفهوم خانه در قالب الگوهای فضایی در فرهنگ انسانی در طول تاریخ و در میان تمدن‌های گوناگون، در بخش اول این فصل سیر تاریخی و جهانی خانه از مرحله استقرار دائمی انسان، سکونت یافتن و ساخت خانه در سرزمین‌های گوناگون، از تمدن‌ها و فرهنگ‌های اعصار بسیار دور تا تحولات معماری خانه در اروپای پس از انقلاب صنعتی به اختصار بررسی شده است.

در بخش دوم، به عنوان پایه‌ای برای فهم فرهنگ معماری و معماری خانه در تاریخ، فرهنگ و سرزمین ایران، پژوهش‌های انجام‌شده، قصه‌ها، داستان‌ها و زندگی‌نامه‌هایی که در آنها به خانه ایرانی پرداخته شده را مروری کوتاه کرده و به آنچه از ویژگی‌های معماری خانه از خلال این متون قابل شناسایی است اشاره خواهیم کرد.

تحول خانه در زمان و مکان

در این بخش، تحولات مفهوم خانه در طول تاریخ و گستره زمانی و مکانی استفاده از «الگوهای فضایی» به اختصار بررسی شده است. مطالب مرتبط با خانه‌های مدیترانه، بین‌النهرین، مصر، یونان، روم، چین، ژاپن، هندو و بودایی نقل به مضمون از دائرةالمعارف تکنولوژی معماری^۱ است. در مورد خانه‌های افریقایی به کتاب «شکل خانه و فرهنگ» ایموس راپاپورت^۲ استناد کرده و در مورد خانه‌های اروپایی از کتاب «خانه» اثر ریبنسکی^۳ بهره گرفته شده است.

الگوهای فضایی، آموزه‌های معمارانه هستند که در طی قرن‌ها در معماری مکان‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند و ویژگی‌هایی بیش از فرم، همراه خود حمل می‌کنند.

ساختمان‌های نسبتاً دائمی، اولین بار در نتیجه مستقر شدن انسان‌ها در یک مکان و به موازات پرداختن به کشاورزی ایجاد شد. این خانه‌ها، کلبه‌هایی مخروطی یا گنبدی‌شکل با نقشه‌ای به شکل دایره یا بیضی بودند و در مرکز هر اتاق منفذی تعبیه شده بود که به مثابه قلب ساختمان عمل می‌کرد. با گذشت زمان، ایوان‌های کوچکی نیز به ورودی خانه اضافه شدند و فرم این کلبه‌ها، الهام‌بخش معماری خانه‌ها در زمان‌های بعدی شد.

با ظهور تیرهای چوبی و دیوارهای آجری، پلان‌های مستطیل‌شکل کارایی بیشتری پیدا کردند و تقسیم‌کردن فضای یک اتاق به قسمت‌های کوچکتر، تصور اولیه بناهای چندفضایی را شکل دادند.

خانه‌های مدیترانه و بین‌النهرین: در نزدیکی مدیترانه، همزمان با محصور کردن خانه‌ها با دیوارهای بلند و یکپارچه، حیاط میانی خانه شکل گرفته و تهویه و نور مورد نیاز از داخل آن تأمین می‌شده است. ایده اطاق‌های عرضی با توجه به عوامل محیطی و آب و هوایی اولین بار در بین‌النهرین شکل گرفت. در زمان پادشاهی آشوری‌ها، مرکز ثقل خانه از یک حیاط مرکزی به دو حیاط که توسط اتاق‌های کشیده احاطه می‌شدند، تغییر پیدا کرد. حیاط اول به نام حیاط ورودی، شامل مکان‌های عمومی برای پذیرش میهمان و فضاهای رسمی بود. حیاط دوم به فعالیت‌های خصوصی‌تر اختصاص داشت که شامل اتاق‌هایی با مقیاس کوچکتر و برای مصارف خانگی بود. خانه‌های بزرگتر گاه شامل حیاط‌های سوم و چهارمی هم بودند که فعالیت‌های خصوصی‌تر را در بر می‌گرفت و از نظر موقعیت مکانی در حول و حوش حیاط اول قرار می‌گرفتند.

1. Encyclopedia of Architectural Technology , 1979

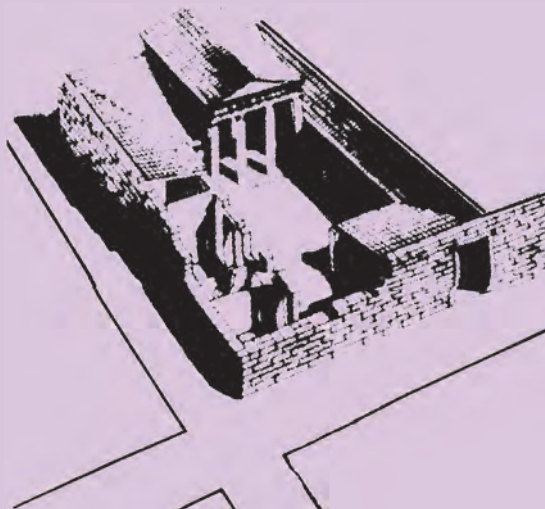
2. Amos Rapoport , 1969

3. Witold Rybczynski , 1987

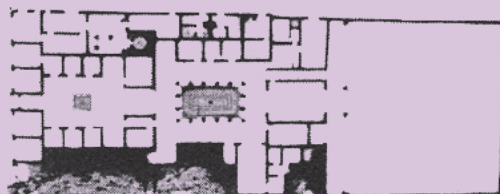
(تصویر ۳-۱) پلان خانه مصری.
مأخذ: دائره‌المعارف تکنولوژی معماری: ۷۸



(تصویر ۳-۲) خانه یونانی
مأخذ: دائره‌المعارف تکنولوژی معماری: ۷۸



(تصویر ۳-۳) پلان خانه رومی
مأخذ: دائره‌المعارف تکنولوژی معماری: ۷۹



خانه‌های مصری: اولین خانه‌های مصری با دیواره‌های بلند محصور شده بود. شکل آنها معمولاً مربع یا مستطیل بوده و بام خانه نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. به تدریج به این خانه‌ها طبقه دومی هم اضافه شد که تنها از طریق پله خارجی قابل دسترسی بود. این خانه‌های نسبتاً کوچک نیز، شامل دو ناحیه خصوصی و عمومی بودند. اتاق‌های به شکل نبشی (L) در مراحل بعدی ایجاد شدند و دو در ورودی مجزا داشتند. ورودی اصلی در جلوی خانه و ورودی فرعی در پشت خانه قرار داشت و توسط یک کوچه فرعی قابل دسترسی بود.

شکل دیگری که خانه مصری به خود گرفت عبارت بود از قرار گرفتن حیاط در قسمت جلویی خانه با دیواره‌های بلند و یک ورودی مرکزی توسط یک دروازه بزرگ. خانه‌های بزرگتر شامل دو طبقه دارای ورودی مسقف و ستون‌های حائل واقع در دو طرف بودند. چنین سقف‌هایی در طبقه دوم هم وجود داشت. بر سقف ساختمان‌های مذکور چندین سوراخ تهویه هوا تعبیه شده بود که دریچه آنها به سمت شمال باز می‌شد. از طریق این سوراخ‌ها جریان هوای خنک به داخل مجاری هدایت هوا وارد شده و به طبقه پایین انتقال می‌یافت. در وسط حیاط، یک اتاق مرکزی با طاقچه‌های آجری که در دیوار ساخته شده بود وجود داشت و اتاق خواب و آشپزخانه در پشت اتاق مرکزی قرار می‌گرفتند. در خانه‌های بزرگ، قسمتی از خانه که حیاط اختصاصی داشت متعلق به خانم‌ها بود.

خانه‌های یونانی: ورودی خانه‌های یونانی از طریق یک راهروی باریک به حیاط مرکزی مرتبط بود. فضاهای مورد استفاده عموم، شامل اتاق نهارخوری، اتاق‌های خواب و دستشویی بود. قسمت خانم‌ها در پشت این فضاها یا در طبقه دوم قرار داشت. به علت کمبود زمین و مسائل دفاعی، دیوارهای خانه با اتصال به یکدیگر، دیوار شهر را تشکیل می‌دادند.

خانه‌های رومی: خانه‌های رومی ورودی هشتی مانند داشتند و از طریق این فضا به فضای مرکزی^۴ راه می‌یافتند. فضای دیگری همچون ایوان^۵، اتاق مرکزی را به حیاط وصل می‌کرد. به نقل از دائره‌المعارف تکنولوژی معماری، فضاهای خانه شامل اتاق نهارخوری و اتاق پذیرایی بود. اتاق‌های نهارخوری دارای مکان‌های نشیمن دائمی آجرساز در سمت میز غذاخوری بودند. در رم، با رشد جمعیت ساختمان‌های شش تا هفت طبقه جایگزین خانه‌های افقی با حیاط مرکزی شدند. در آن زمان قوانین و مقررات ساختمانی مدون، ارتفاع ساختمان‌ها را به شش تا هفت طبقه محدود کرد.

4.Atrium

5.Tablinum

خانه‌های چینی و ژاپنی: خانه‌های چینی به شکل کشیده و مستطیل بر روی سکو ساخته می‌شدند. الگوی اولیه این خانه‌ها دو ساختمان موازی مستطیل شکل در دو طرف یک حیاط مرکزی مربع بود. فضای مستطیل شکل عقبی، قسمت خصوصی خانه را تشکیل می‌داد. محل خلوت و عبادت و مقبره درگذشتگان خانواده در قسمت عقب ساختمان بود.

جهت استقرار خانه بسیار مهم تلقی می‌شد و حالت آئینی داشت. در نظر ساکنان، موفقیت در امور زندگی ارتباط مستقیم با نیروهای ماوراءالطبیعه داشته و جهت استقرار فضاها و خانه‌ها با جهت حرکت این نیروها تنظیم می‌شد تا بتوان از این طریق امکان هدایت نیروهای مثبت را که از تپه‌های بلند سرازیر می‌شدند، به داخل خانه فراهم کرد. به همین سبب ساختمان‌ها در نقاط مختلف یک مجتمع زیستی، از یک جهت تبعیت نمی‌کردند چرا که می‌بایست با حرکت نیروهای مثبت همخوان شوند.

درخت‌ها و شاخ و برگ آنها هدایت‌کننده این نیروها بودند و بدین جهت قبل از ساختن یک خانه، درخت‌هایی اطراف آن کاشته می‌شد. پلان اتاق‌های داخل خانه نیز، تابع چنین قوانینی بود. ورودی خانه‌ها هیچ‌گاه در جهت نیروهای منفی و به شکل مستقیم ساخته نمی‌شد.

خانه‌های هندو: خانه‌های هندو بسیار تحت تأثیر قواعد و قوانین مشخص مذهبی بود. مقبره اجداد خانواده در مرکز خانه برهمنی بود. در برخی مواقع این فضا همجوار با اتاق خواب صاحب‌خانه بود که در این صورت نیز این اتاق از فضای مقدس مجزا می‌شد. این اتاق از طرف شرق به یک حیاط میانی راه داشت. این حیاط میانی، مکانی کاملاً خصوصی تلقی می‌شد و موجب افزایش خلوص خانه بود و ورود افراد غریبه، موجب آلوده شدن آنجا می‌شد. همچنین خانه هندو شامل اتاق پذیرایی برای مردان و حیاط اتاق‌مانند برای انجام امور روزانه و کارهای منزل بود.

خانه‌های بودایی: آئین بودایی با ویژگی‌های خاص خود، در طراحی خانه‌های بودایی کاملاً محسوس است. نبود سلسله‌مراتب در این آئین، در فقدان محدودیت‌های فضایی و تقسیم‌بندی‌های آن آشکار می‌شود. خانه توسط دیوارهای بلند محصور است، مجاور دیوار در داخل حیاط یک دالان دور تا دور حیاط را که معمولاً از سطح زمین پایین‌تر است در بر گرفته است.

خانه‌های افریقایی: خانه‌های افریقایی کاملاً تحت تأثیر ساختارهای خانوادگی، ارزش‌های مقدس و مبتنی بر سنت استوار است. معمولاً هر واقعه اجتماعی در افریقا هم جلوه نمادین و هم ویژگی عملکردی داشته است. امور قدسی و سنت

بسیار مهم بودند و معمولاً مورد شک و واقع نمی‌شدند. تأثیر ساختار خانواده‌ها باعث به وجود آمدن گونه‌های بسیار متفاوتی از مسکن در افریقا گردید. بار نمادین عرصه و اعیان خانه‌ها بسیار عظیم و جهات استقرار آئینی خانه، نمودی از طرز تفکر فرهنگی و مذهبی بود. (Rapoport, Amos, 1969: 55 - 56)

خانه‌های جهان اسلام: خانه‌های جهان اسلام به طور معمول به دو ناحیه مشخص تقسیم می‌شدند: ناحیه پذیرش یا پذیرایی برای مردان و ناحیه زندگی خصوصی برای زنان و فرزندان. در برخی از مناطق، هر یک از قسمت‌های عمومی و خصوصی، یک حیاط مختص به خود داشتند؛ اما در برخی نیز تنها یک حیاط، فضای باز خانه را شکل می‌داد. در این صورت فضای مرتبط با زندگی خصوصی، اتاق‌های بخش انتهایی حیاط را شامل می‌شد. معماری اسلامی ایوان را از معماری اشکانیان و ساسانیان اخذ کرد و به فضاهای خانه افزود. ایوان در معماری اسلامی، فضایی بلند و مسقف است که کاملاً به حیاط اشراف دارد و ساکنان خانه می‌توانند در زیر سایه سقف آن بنشینند و از فضای باز حیاط بهره‌مند شوند. استقرار چهار ایوان در چهار طرف حیاط توسط ایرانیان به سراسر جهان اسلام انتقال یافت. سطوح آجری مشبک و حفره‌های چوبی مَجُوف در طبقه‌های فوقانی، جریان یافتن هوا را در فضاهای زندگی تسهیل می‌کردند. در سرزمین‌های سردسیر که زندگی در چهار فصل در حیاط ناممکن است، حیاط مرکزی را کوچک و سقف‌دار می‌ساختند. لیکن ساختار اصلی سازمان فضایی و ایوان‌های واقع در چهار طرف حیاط به همان شکل حفظ شدند.

خانه‌های اروپای شمالی: این خانه‌ها دارای پلان کشیده و سقف بلند مرکزی بودند که با دو ردیف ستون حمل می‌شدند. بعدها این شکل به خانه‌های دوطبقه تغییر شکل پیدا کرد. فضای قابل استفاده عمومی در طبقه اول قرار داشت که دسترسی به آن توسط یک راه‌پله خارجی میسر بود و از طبقه همکف به عنوان انبار استفاده می‌شد.

در خانه‌های قرون وسطایی اروپا، سه نوع تفاوت ظاهر گردید. اولین تفاوت در جدایی محدوده کار و زندگی بود که ورودی خانه و مغازه از یکدیگر جدا شدند. سپس محوطه خواب خدمه مستقر در طبقه اول از محدوده خواب و زندگی اعضای خانواده مجزا شد و بالاخره در محدوده خانوادگی جدایی اتاق‌های زندگی و خواب از یکدیگر به وقوع پیوست. همراه تفکیک‌های انجام‌شده تعداد و نوع فضاها نیز افزایش یافت. (دایره‌المعارف تکنولوژی معماری. ۱۹۷۹: ۸۰)

در قرن هفدهم در هلند دو پدیده عصر بورژوازی در خانه‌ها، یعنی ایجاد حریم کاملاً خصوصی و خانگی شدن^۷ بروز کرد و تا قرن هجدهم در سراسر اروپای شمالی

گسترش پیدا کرد. محدوده خانه دیگر محیط کار نبود، بلکه کوچکتر شد و به فضای خصوصی تری تبدیل شد. اتاق‌هایی که افراد بتوانند دور از اجتماع به آن پناه ببرند به وجود آمد. (Rybczynski, 1987: 44 - 48)

بررسی انواع خانه‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف بر این نکته تأکید دارد که مفاهیم و تصورات فضایی واقع در خانه‌های ایرانی، تنها به کشور ما تعلق ندارند و از گذشته تا امروز در بسیاری از نواحی جهان مورد طراحی و تجربه قرار گرفته‌اند. مفاهیمی انسانی و اجتماعی در مصادیق فضایی چون حیاط مرکزی، بیرونی/اندرونی، درجه‌های مختلف پوشیدگی فضا، سردرهای نمایشی (دروازه)، بادگیر، حیاط با حوض و باغچه، تفکیک حریم خصوصی و عمومی، استقرار حیاط در مرکز خانه، ایوان، ساختن بر اساس آئین و سنت، اختلاف سطح براساس تمایز اجتماعی، جابه‌جایی دیوارها برای تعیین حریم یا تقویت پیوستگی فضاها و نکاتی از این قبیل، بارها مورد تجربه قرار گرفته و به صورت الگوهای فضایی، فرهنگ معماری جهانی را شکل داده‌اند.

در اواخر دوران گوتیک با شکل‌گیری تفکر فردگرایی و تحقق دنیای درونی فرد، خانه انعکاس فضایی تفکر فردگرایی شد و از معماران خواسته شد که بیشتر به نماها و اتاق‌های پذیرایی بپردازند و در نهایت مفاهیم فضایی خانه‌ها، از شکل‌هایی که سابق بر این رواج داشتند دور شده و دیدگاه‌های بسیار متنوعی پیدا شد. (دایره‌المعارف تکنولوژی معماری. ۱۹۷۹: ۷۶)

ریبزی‌نسکی در کتاب خود به نام «خانه» به تأثیر غلبه عقل‌گرایی بر جامعه و ظهور پیشرفت‌های تکنولوژیک بر خانه اشاره می‌کند و این تأثیر را در قالب تغییر مفهوم «راحتی و آسایش» و مصادیق آن مطرح می‌کند. مفهومی که مصادقات‌های جدید آن نقش عمده‌ای در سازمان فضایی خانه‌ها ایفا کرده و جایگزین مفاهیم متعدد فرهنگی - آئینی شد که پیش از این دوران، چگونگی ساخت خانه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد. وی جلوه بارز این مفهوم را در اهمیت دادن به مفهوم «عملکرد» در خانه معرفی می‌کند.

علاوه بر این، ریبزی‌نسکی به تغییر الگوی خانواده از خانواده‌های بزرگ به خانواده کوچک و به تبع آن تغییر خانه‌ها از خانه‌هایی بزرگ و پرفرت‌وآمد به خانه‌هایی کوچک که راحتی را برای فرد و آن خانواده کوچک فراهم آورد، اشاره کرده است. (Rybczynski, 1987: 158 - 171)

صنعتی‌شدن و روند تغییر سازمان فضایی خانه در اروپا

با تحولات انقلاب صنعتی در اروپا، صنعتی‌شدن و استانداردشدن در همه جنبه‌های شیوه‌های زندگی، منجمله سکونت رسوخ کرد و باعث ایجاد تغییر در سازمان فضایی خانه شد. دستاوردهای صنعتی‌شدن در مواردی دقیقاً جایگزین عناصر خانه شدند یا با آن هماهنگ گردیدند و در مواردی نیز به شدت آن را دگرگون کردند.

نمونه حالت اول، یعنی جایگزین شدن دستاوردهای صنعت، وجود چراغ‌های گازی در خانه‌ها بود. یعنی خانه‌ها پیش از آمدن لامپ‌های برقی، از نوع پیشرفته روشنایی مصنوعی برخوردار بودند. بدین خاطر، لطمه‌ای به نظام نوری خانه و فضاهای مرتبط با آن وارد نشد.

در خانه‌های قدیمی اروپایی، می‌توان به وجود داکت‌هایی اشاره کرد که پس از پدیدار شدن کولر و شوفاژ و لوله‌کشی، امکان عبور لوله‌ها و کانال‌های تأسیسات از این داکت‌ها مهیا بود و همین امر لطمه‌ای به سازمان فضایی خانه وارد نیاورد.

نمونه حالت دوم، یعنی دگرگونی شدیدی که خانه‌های اروپایی نیز، در اثر صنعتی‌شدن از آن آسیب دیدند، تسلط یافتن ماشین و دستگاه‌های ماشینی مربوط به آشپزخانه بود. این ماشین‌ها آنقدر زیاد و کارآ بودند که در ابتدا بدون توجه به سازمان فضایی خانه در هر کجا جای داده شدند و بعد فضاها به تدریج حول و حوش آنان شکل گرفتند و این امر تأثیر عمیقی بر سازمان فضایی خانه بر جای گذاشت. نظام آشپزخانه‌های فعلی که تقریباً جهانی شده‌اند، محصول یک چنین دگرگونی شدیدی می‌باشند.

تحول سازمان فضایی خانه در دوران معاصر ایران

در بررسی‌های انجام‌شده در ایران، برای شناسایی خانه‌های معاصر از دهه ۴۰ به بعد روندی مشابه در تقلیل نقش فضا به چشم می‌خورد. روند حذف فضا و عدم توجه به سازمان‌یابی خلاق فضا در واحدهای مسکونی معاصر در ایران حادث‌تر و سریع‌تر بوده و بر مفهوم و مصادقات خانه و سکونت تأثیر گذاشته‌اند. عوامل متعددی را می‌توان برای این روند برشمرد که در این بخش به دو مورد آن اشاره می‌شود:

تعویض به جای ترمیم

آنچه در شهرهای ما اتفاق افتاد، عدم دخالت به موقع در بافت‌های تاریخی، هماهنگ نکردن این بافت‌ها در برابر اتومبیل و مرمت نکردن آنها بود. نتیجه آن شد که در مقابل انتخاب اتومبیل یا بافت تاریخی، اتومبیل برگزیده شد و در مقابل پیدایش جلوه‌های جدید شهری، خیابان، آسفالت، چراغ برق و... بافت تاریخی مورد جراحی قرار گرفت و این یکی از مهم‌ترین پدیده‌های تغییر شیوه زندگی بود که «تعویض» بر جای «ترمیم» نشست. از خانه‌های تاریخی، بوی نم و نا برخاست. نور طبیعی و همه تدابیر وابسته به آن اعم از درگاه‌ها، در - پنجره‌ها و روزن‌ها و چشم‌اندازها کنار گذاشته شدند. آوارها مرمت نشد، موربانه‌ها در و پنجره را از بین بردند و گران‌شدن قیمت زمین، همه اعیانی خانه را مورد حمله قرار داد.

غلبه اشیا بر سازمان فضایی خانه و کمرنگ شدن نقش فضا

معماران ما که عموماً دانش معماری خود را از خارج کشور کسب کرده بودند، و از دانش بومی و همچنین الگوهای فضایی به کاررفته در معماری ایران اطلاع نداشتند، الگوهای فضایی جدیدتری را عرضه کردند که چون مجهز به آب لوله‌کشی، برق، تلفن، شوفاژ، کولر و از این قبیل امکانات رفاهی بود، به شدت مورد استقبال نسل‌های جوان‌تر قرار گرفت. ابعاد خانواده در این دوران، کوچکتر شد؛ زندگی پدر و مادر با فرزندان و عروس‌ها چندان مطبوع نبود. راحتی خانه‌های کوچک در مقابل مشکلات خانه‌های قدیمی، سهولت گردگیری و نظافت، نزدیکی حمام و دستشویی و توالت به اطاق‌ها، آشپزخانه نورانی و پر قفسه، پیدایش اشیای جایگزین فضاها، مانند یخچال و فریزر که به راحتی غذا و آذوقه را برای مدت طولانی نگهداری می‌کردند و جای چندان‌ی را هم اشغال نمی‌کردند، کمدهای لباس و ظروف و قفسه‌های مختلف، جملگی در زمانی بسیار کوتاه، گذار خانه و سکونت را به بدیل‌های دیگری ممکن ساخت. اما چیزی که بیش از همه، نسل گذشته از آن یاد می‌کند و ما از طریق مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها آن را دریافتیم، حذف فضاهای باز خصوصی و عدم امکان تحرک در فضاهای خانه است. حیاط که همچون یک اطاق بدون سقف، امکان ارتباط آزاد و بدون اشراف با طبیعت را میسر می‌ساخت در این تغییر، شیوه زندگی به کلی از سازمان فضایی خانه حذف شد و آنچه باقی ماند، فضای باز در حد فاصل معبر و ساختمان است که بیشتر جنبه عبوری دارد و به شدت مورد اشراف است.

آنچه در ایران در چهاردهه گذشته رخ داده، عبارت است از گنجانیدن مفهوم زندگی در عملکرد و تقلیل مفهوم عملکرد به یکی از نیازهای بیولوژیک مانند خواب و خوراک. فضا در این فرایند نقش مؤثر خود را از دست داده است.

آنچه سیاست‌گذاری‌های کلان مسکن در کشور را به خود مشغول کرده، افزایش تعداد تولید مسکن است. پدیده انبوه‌سازی مسکن در بسیاری از شهرهای کشور رایج شده است. این سیاست‌گذاری تنها هدف خود را تأمین سرپناهی که افراد مالک آن باشند، مد نظر قرار داده و مفهوم خانه در آن از آنچه در طول تاریخ هزاران هزار سال فرهنگ انسانی وجود داشته فاصله گرفته و صحبت از کیفیت خانه در این رویکرد، جایگاهی برای بحث و گفتگو ندارد. این در حالی است که در بسیاری جوامع دیگر با توجه به تغییرات شیوه زندگی، جست‌وجو برای یافتن پاسخ‌های مناسب به راه حل‌های دیگر - به غیر از آنچه شهرهای ما امروز از آن انباشته شده - منجر شده‌اند.

خانه در ادبیات ایرانی

خانه به منزله یکی از مهم‌ترین ارکان فضایی حیات جامعه ایرانی و جلوه‌های فرهنگی آن، مورد بررسی معدودی از پژوهشگران و معماران ایرانی قرار گرفته است. کریم پیرنیا با دقت و دلسوزی فراوان به این مطلب پرداخته و با غور در گذشته از طریق بررسی نمونه خانه‌های باستانی و قدیمی و گردآوری واژه‌های مرتبط با آنها و ارزیابی ناقدانه خانه‌های معاصر، راهگشای مسیر بررسی‌های آینده بوده است. او معتقد است که «خانه یکی از مباحث مهم در معماری ما می‌باشد که کمتر بدان پرداخته شده است. متأسفانه در دانشکده‌های معماری، این مبحث مورد بررسی قرار نگرفته است. نیاز به خانه در این زمان خیلی احساس می‌شود و می‌بایست با شناخت معماری گذشته و تطبیق آن با معماری این نیاز را برطرف کرد» (پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۷۱: ۱۵۳)

در بررسی مذکور، او کل خانه را معادل اتاق می‌داند و معتقد است که اساساً آنچه به خانه اطلاق می‌شود در گذشته به اتاق اطلاق می‌شده است. در ارزیابی درونگرایی خانه‌ها، فقدان باغ و سبزه را در بیرون خانه حجت می‌آورد. پیرنیا مرتبط با اتاق، خانه، درون و بیرون می‌گوید: «یکی از علایق ایرانیان در ساخت خانه‌ها ایجاد ارتباط بصری بین اتاق و فضای بیرون آن است. گشادگی، فراخی و دید آزاد داشتن، جزو طبیعت ایرانی است، حتی در حال حاضر نیز همین طور است» (همان: ۱۶۲)

آرتور اپهام پوپ، در کتاب «معماری ایران» تصویری از یک خانه روستایی شامل یک اتاق و یک ایوان ارائه می‌دهد و بیان می‌کند که هزاران سال است الگوی فضایی ساخت‌وساز از یک فضای باز و یک فضای نیمه‌باز تبعیت می‌کند. (پوپ، ۱۳۶۶: ۲۲۵-۲۲۹)

دقیقاً مشابه همین فکر در کوشک‌های پاسارگاد و کاخ‌های تخت جمشید رعایت شده است. این نکات مشابهت دیدگاه‌های پیرنیا و پوپ از یک طرف، و قدمت الگوی «اتاق-ایوان-حیاط» را از طرف دیگر، برجسته می‌نماید.

پیرنیا تحقق عملکرد، پوشش، آسایش و ایستایی در سازمان فضایی را تابع پیمون و استقرار هر عنصر فضایی مورد نیاز را، مرتبط با فرهنگ زمانه و شیوه زندگی می‌داند. «در پای در، آستانه می‌گذاشتند (۳۶ سانتیمتر یا یک چارک)، این کار دلایل مختلفی داشته است، مثل احتیاط برای وارد شدن به اینکه سر آنها به بالا نخورد و رعایت احترام با خم شدن، و مانعی برای ورود کفش و خاک داخل راهرو و چیزهای دیگری که در آنجا بوده است» (پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۷۱: ۱۵۹)

بسط اندیشه پیرنیا در مورد پیمون، توسط لطیف ابوالقاسمی انجام گرفته است.^۱ در

۱. ابوالقاسمی، لطیف. «هنجار شکل‌یابی معماری اسلامی ایران» در «معماری ایران، دوره اسلامی» به کوشش محمدیوسف کیانی، ۱۳۶۶.

این مسیر، در می‌یابیم که هیچ اتاقی از اتاق‌های خانه به عملکردی خاص اختصاص نداشته، تک‌عملکردی نبوده و به نام آن عملکرد ویژه نیز خوانده نمی‌شده است. «پیمون عرض در است و شناخته‌شده به دو نوع اصلی: پیمون کوچک به طول چهارده‌گره و معادل نودوسه سانتیمتر و پیمون بزرگ، به طول هیجده‌گره و معادل یکصدویست سانتیمتر می‌باشد. یورت‌ها: یک‌دری (مردگرد و راهرو)، دودری (اتاق کوچک)، سه‌دری (اتاق)، پنج‌دری (اتاق بزرگ)، طنابی و غیره هستند...» (پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۷۱: ۱۵۸)

پیرنیا در بحث گونه‌شناسی تاریخی، به تداوم الگوهای سازمان‌یابی فضای خانه اشاره می‌کند: «قدمت خانه‌های چهارصفه به قبل از اسلام می‌رسد، گسترش دیگر این نوع خانه به صورت کوشک بوده است... با بزرگ شدن ابعاد خانه چهارصفه و گسترش فضاهای آن قادر به پوشاندن فضای وسط نبودند و این فضا به حیاط تبدیل شده است. در طرح جدید در دو طرف حیاط، صفه و دو طرف دیگر، اتاق‌ها قرار داشتند. در تخت جمشید خانه‌ای تقریباً با همین نقشه داریم که در دو طرف حیاط، ایوانچه و در دو طرف دیگر اتاق قرار دارند. مشابه همین خانه‌ها در شهر کاشان مشاهده شده است.» (همان: ۱۶۶)

پیرنیا قبول دارد که خانه‌های گذشته، از معایبی برخوردار بودند. لیکن معتقد است که راه حل‌های به کار گرفته‌شده در خانه‌های معاصر، آنها را بر طرف نکرده و عیوب دیگری را به وجود آورده است. «در گذشته این سنت بوده که مثلاً آشپزخانه جایی بوده که زن خانه بتواند به راحتی در آن کار کند و کسی او را نبیند... اما در خانه‌هایی که امروز ساخته می‌شود خانم خانه برای رفتن به آشپزخانه باید از وسط میهمان‌ها بگذرد.» (همان: ۱۵۴)

پیرنیا معتقد است، خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و «اندرون خانه یا جایی که زن و بچه زندگی می‌کردند، می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد تا خستگی احساس نشود.» (همان: ۱۵۴) به منظور ادامه پژوهش‌های پیرنیا پرداختن به مفهوم «تنوع» به تعمق بیشتری نیاز دارد. ضروریست برای ایجاد تنوع در خانه‌های معاصر، پژوهش جداگانه‌ای انجام گیرد.

در سال ۱۹۷۶ گزارشی تحت عنوان "Habitat Bill Of Right" از طرف ایران برای کنفرانس جهانی اسکان بشر تهیه شد. در این گزارش، در بخش مطالعات موردی مربوط به ایران (از صفحه ۱۴۹ تا ۱۶۵) ویژگی‌های خانه‌های مسکونی قدیمی و معاصر مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند. این تحقیقات توسط معماران برجسته جهانی و ایرانی (کاندیلیس^۲ و اردلان) هدایت شده و به خاطر جنبه‌های کاربردی و رهنمودهای تصویری آن، کتابی حائز اهمیت است که در تعدادی اندک به چاپ رسید. در این بررسی، در مقایسه با کتاب قبلی اردلان - بختیار به نام «حس وحدت^۳» که در سال ۱۹۷۵ به چاپ رسید به جنبه‌های انسانی و نیازهای سکونتی

(تصویر ۳-۴) خانه روستایی مازندران در سده نوزدهم شامل فضاهای باز، پوشیده، بسته (حیاط، ایوان، اتاق)



ترسیم دیولافوآ. مأخذ: (پوپ، ۱۳۶۶: ۲۲۹)

جوامع شهری توجه بیشتری شده است. عصاره نظرات کتاب مرتبط با ویژگی‌های سکونت در قدیم و خصلت‌های اسکان در شهرهای معاصر ایران به شرح زیر است: «آئین سکونت در ایران هر دو فضای خصوصی باز و بسته را شامل می‌شده است. امروزه سکونت تنها به مصداق فضای داخلی اشاره دارد، اگرچه احتیاج و تقاضای بسیار شدیدی همچنان برای فضای باز خصوصی وجود دارد».

«در گذشته، سکونت در ایران در «فضای متمایز نشده» انجام می‌گرفت. به عبارت دیگر، اتاق‌ها نام‌های خاص نداشتند و بر اساس احتیاجات خانواده مورد استفاده واقع می‌شدند. اشیا (مبلمان) عملاً وجود نداشتند، این امر کارایی و تنوع فضاهای موجود را افزایش می‌داد. اما در حال حاضر اتاق‌ها به مصارف خاص مرتبط با اشیا و مبلمان مورد نظر تخصیص می‌یابند. این امر بدان معناست که دیگر از فضای اتاق‌ها به کفایت و توانی که دارند استفاده نمی‌شود».

«به طور سنتی اندازه خانه‌های ایرانی کوچک بودند. لیکن اخیراً با توجه به تقلیل فضای باز خصوصی، کاهش استفاده از کارایی فضای اتاق‌ها و انگیزه‌هایی مانند کسب منزلت اجتماعی، اندازه خانه‌ها بزرگ شده‌اند. این امر باعث گرانی قیمت خانه‌ها و تخصیص اعظم درآمد خانواده به مسکن شده است؛ مقولاتی که در گذشته بدین صورت نبوده‌اند. خانه‌ها در ایران جلوه بیرونی نداشته و فقط از طریق سردرها مشخص می‌شده‌اند. چرا که هویت جمعی در مقابل هویت فردی، هدف اصلی جامعه بوده و این طرز تفکر امروزه جای خود را به کسب منزلت اجتماعی از طریق تظاهر فردی در ساختمان داده است».

«حفظ حریم خصوصی خانواده، عملکرد اصلی خانه‌های سنتی بود. خانه‌های حیاط مرکزی به طور سنتی در جهه‌های متنوعی از حریم و قلمرو را به نمایش می‌گذارد... در حالی که در عصر حاضر، حریم خصوصی قربانی عوامل اقتصادی و اجتماعی شده است. اولویت برای استقرار فضاهایی که حریم خصوصی را حفظ کند به تدریج تقلیل یافته است. آثار و نتایج آن‌گونه روابط فضایی اکنون از دست رفته است.

زندگی همچنان که در درون دیوارهای خانه مسکونی جریان داشت به کفایت به مسئله امنیت نیز پاسخ می‌گفت. امروزه با حذف قسمتی از دیوار حیاط یا حذف تمامی آن در برخی از واحدهای مسکونی، از میزان امنیت و حفاظت به طور مشخصی کاسته شده است».

«باغچه، مرکز هر خانه ایرانی بود. حوض آب، گل‌ها، درختان میوه و پرندehایی که به این باغچه جلب می‌شدند در خانه فقرا و اغنیا وجود داشت. در شرایط حاضر، توسعه متراکم مسکونی در شهرها و فشردگی طرح بناها امکان تحقق چنان باغچه‌ای را به مخاطره افکنده است. همچون واقعه‌ای می‌تواند به تغییر طرز تفکر ایرانی منجر شود و تأثیرات بسیار مخربی را در نبود معادلی برای آن به بار آورد».

«خانه ایرانی، جلوه مستقیم ارزش‌های معنوی و فرهنگی و شیوه زندگی بود. خانه

مکان مقدسی بود که ارزش‌های کیهانی، جهات مقدس و ارزش‌های ماوراءالطبیعه را شامل می‌شد. امروزه اغتشاش در ارزش‌های سنتی به احداث خانه‌هایی بیگانه با فرهنگ و گذشته منجر شده است».

حساس‌ترین نکته مورد اشاره این گزارش، تأسیسات زیربنایی، سرویس‌های بهداشتی و آشپزخانه را شامل می‌شود که به علت قیاس با امروز، از آنچه در گذشته معیار بوده دور مانده و این موضوع توسط کریم پیرنیا نیز، مورد تذکر بوده است. در گزارش ارسالی به اسکان بشر در سال ۱۹۷۶ مقوله تأسیسات، تجهیزات و فضاهای بهداشتی و خدماتی «بدوی^۲» ارزیابی و اشاره شده که «امروزه هر کسی مزایای فراهم‌شده توسط تکنولوژی مدرن در خانه‌های ایرانی را ستایش می‌کند». نکته بااهمیت در این زمینه، توجه به دو مقوله «تعاونی‌های مردمی» در مقابل «دولت» است. در گذشته نقش دولت بسیار کم بوده و مردم خود از طریق شیوه‌های تعاونی نیازمندی‌های تأسیساتی و تجهیزاتی شهر و خانه را تأمین می‌کردند. حال آنکه اکنون دخالت دولت، خودکفایی و تعاون اجتماعی مردم را به نحو محسوسی تقلیل داده و آنچه عرضه شده نیازمندی‌های تأسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی شهر و خانه را تکافو نمی‌کند.

از دیگر علاقمندان، پژوهشگران و نویسندگان قدیمی کم یا بیش هم‌نسل با پیرنیا، دو نویسنده غیر معمار نیز به خانه‌های قدیمی، معماری و مبلمان آنها اشارات قابل توجهی کرده‌اند که نوشته‌های آنان از جنبه‌های روایتی، تاریخی و مردم‌شناسی حائز اهمیت است. ناصر نجمی و جعفر شهری هر دو اطلاعات مفیدی را تا پیش از سال ۱۳۰۰ در اختیار می‌گذارند.

اگرچه این مطالب درباره تهران به رشته تحریر در آمده، لیکن با توجه به مشابهت روند تحولات این شهر با سایر شهرهای مهم کشور و تأثیر آن بر سایر شهرها، مطالب ارائه‌شده در خور تعمیق و تعمیم هستند.

طبق بررسی‌های جعفر شهری، خانه‌های قدیمی در تهران به طور متوسط هشت تا نه اتاق داشته و باز به طور متوسط در هر خانه، ده نفر سکونت داشته‌اند و کمی کمتر از نصف جمعیت شهر اجاره‌نشین بودند. «نه به جهت عدم استطاعت تهیه آن، بلکه از جهت فراوانی خانه و اتاق اجاره‌ای بوده... و تهیه مسکن به همان اندازه سهل و ساده بود که کسی بخواهد برای خود کفش و لباس تهیه کند». (شهری، جعفر. ۱۳۶۹. ج ۱: ۲۴۱) نویسنده کتاب «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم (زندگی، کسب و کار)» تشریح می‌کند که در آن ایام، خانه ساختن بسیار آسان و از نقطه نظر فنی، اداری و غیره مشکل خاص وجود نداشته و دو ویژگی مقوله سکونت در آن زمان، سهولت خانه‌سازی و راحتی اجاره‌نشینی بوده است.

جعفر شهری تأکید می‌کند که تا پیش از سال ۱۳۰۰ زندگی چند خانوار در یک خانه بر گرد یک حیاط، بر اساس تعاون و تفاهم با حفظ تمامی شاعر مذهبی و اخلاقی

جریان داشته و به نمونه‌ای از کمک‌های همسایه‌ها در عزا و عروسی یکدیگر، در پختن و به اشتراک خوردن و حتی همکاری در شستن رخت‌های یکدیگر به عنوان مصادیقی از تعاون و همکاری اشاره می‌کند.

طبق مستندات جعفر شهری، حیاط، حوض، آب‌انبار، آشپزخانه، بام و «مستراح» نیز بین چند خانوار مشترک بوده است. تحقیق مجزایی لازم است تا بتوان درباره تأثیر مشاعیات آپارتمان‌های مسکونی معاصر بر شکل‌گیری روحیه تعاون و همکاری همسایگان و عکس‌العمل اعضای خانواده نسبت به مشاعیات با توجه به سن و جنس آنها به نتایج کاربردی دست یافت. در ادامه مطلب، ارتباط سازمان فضایی خانه‌های قدیمی را با شیوه زندگی، از نوشته‌های جعفر شهری مرور می‌کنیم:

«نوع معماری خانه‌ها شامل بود بر، در، ورودی و راهروی مشترک میان در میهمانخانه (اتاق پذیرایی) که مشرف راهرو بود و حیاط و چند اتاق یک‌رو در اطراف حیاط که معمولاً همه به هم راه داده شده غلام‌گردششان می‌گفتند، کمتر طبقه دیگر بر روی آنها ساخته می‌شد، مگر به ندرت، یکی دو اتاق مجزا به نام بالاخانه ...»

پس، ساختن هر اتاق مستلزم وجود حداقل سه برابر از مساحت خود بود و اگر سه اتاق منظور نظر بود، حتماً باید زمینی معادل صدوپنجاه تا دویست متر اختیار بکنند و به همین حساب هر چه تعداد اتاق‌ها زیادتر بود همان مقدار باید به وسعت زمین افزوده بشود. اتاق میهمانخانه باید حتماً دم در ساخته شود که واردین، راه و نظر به داخل خانه و اهالی آن نداشته باشند و ضمناً راهی به دیگر اتاق‌ها جهت میهمانی‌های مفصل و روضه‌خوانی و مانند آن وجود داشته باشد و این‌گونه اتاق‌ها را که از دم در شروع شده در اتصال به هم به آخر حیاط و دم در می‌رسید غلام‌گردش می‌گفتند ... مستراح آن، در پرت‌افتاده‌ترین نقطه زیرزمین قرار داشت ...».

(شهری، جعفر. ۱۳۶۹. ج ۱: ۲۴۷-۲۴۸)

میل به اجاره‌نشینی و اجاره‌دهی و تخصیص «بالاخانه» خانه‌های قدیمی به عملکردهای غیر مسکونی، ترکیب اجتماعی متنوعی را نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که به خاطر وجود همین کاربردها و تعداد خانوارهای ساکن در یک خانه، سازمان فضایی خانه در افزایش تردد و مراوده اجتماعی سهیم بوده است. جعفر شهری در ارائه مطلب «صورت معماری خانه‌ها» به بام خانه‌ها که از شفته، خاک و کاهگل ساخته می‌شد اشاره می‌کند و می‌گوید که بام‌های شیروانی و ساختمان‌های نوع فرنگی و کلاه‌فرنگی با مراجعت ناصرالدین‌شاه و همراهانش از فرنگ به ایران آورده شد. نویسندگان در وصف خانه‌های جدید، خلاصه‌ای از خانه‌های قدیمی را به عنوان مقدمه مطرح می‌کند و پس از آن بدون تعصب درباره خانه‌های جدید به گفت‌وگو می‌پردازد.

«چنانچه ذکرش گذشت، خانه‌های تهران شامل بود بر چند اتاق در دو تا سه طرف و بعضی در چهار طرف خانه که همه به هم راه داشته، از یک طرف آن داخل شده و از طرف دیگرش بیرون می‌رفتند. [این خانه‌ها] متشکل از یک اتاق میهمانخانه (پذیرایی) به نام پنج‌دردی یا اگر وسیع‌تر و اعیانی‌تر بود به اسم تالار با درهایی

چوبی، همراه شیشه‌های کوچک (اُرسی با شیشه‌های کوچک الوان) و چند اتاق نشیمن، زیرزمین، آب‌انبار، مطبخ، موال، حوض و باغچه، با بام‌های کاهگلی و یکی دو زاویه (اتاقی واقع شده در کنج حیاط، متصل به اتاق‌های دو طرف شرق و شمال، یا شمال و غرب و غالباً بدون داشتن در به حیاط و معمولاً با سقفی بلندتر از اتاق‌های دو طرف جهت گرفتن نور و هوا). (همان: ۴۹)

مشابه این مطلب را در مورد «اسلوب ساختمان‌ها در تهران» ناصر نجمی در کتاب «دارالخلافة تهران» در مبحث «چگونگی خانه‌های تهران، وسایل زندگی» آورده است.

بر اساس نوشته‌های نجمی، چند نکته حائز اهمیت از منظر سازمان فضایی خانه قابل استخراج می‌باشد. نجمی می‌نویسد که «ایوان به نسبت طول و عرض اتاق‌ها تعبیه می‌شد»، «قسمتی از ایوان‌ها اختصاص به کفش‌کن داشت». «بر روی دالان و هشت‌خانه (مراد هشتی‌خانه) و روبه‌روی آن به طرف شمال یک مهتابی می‌ساختند». «یکی از مشخصات اتاق‌ها در خانه‌های دارالخلافة، طاقچه، پیش‌بخاری و رف بود که محل قرار دادن بعضی لوازم زندگی بود»، «فاصله حوض تا بنا، سه طرف را با آجر نظامی فرش می‌کردند که عصرها و صبح‌ها و شب‌های بهار و تابستان در سمت سایه درختان تخت زده می‌شد».

مشابه توصیفات نجمی را با دقت و توصیف فراوان تری عبدالله مستوفی از خانه خود در دوره قاجار بیان کرده است. در متن عبدالله مستوفی نکات و اصطلاحات بسیار ظریفی نهفته است. این نکات و اصطلاحات تصویری روشن از سازمان فضایی خانه عرضه می‌کند و هر کجا که لازم باشد به شیوه زندگی اشاره می‌کند. او سعی کرده است که سازمان فضایی هر سمت بنا را، جداگانه توصیف کند. آنچه که درباره سمت مغرب خانه‌اش می‌گوید یکی از جا افتاده‌ترین الگوهای فضایی ترکیب اتاق‌ها در خانه‌های تاریخی بوده است.

«سمت مغرب یک بنای سه‌قسمتی که یک اطاق پنج ذرع در سه ذرع و چارک با یک شاه‌نشین و دو راهرو در طرفین شاه‌نشین در وسط و دو اطاق سه ذرع و نیم در چهار ذرع و نیم در طرفین و دو راهرو در سر و ته ساخته شده بود که قسمت انبار و قهوه‌خانه بنای سمت شمال در خلاف این بنا واقع می‌شد در عقب راهرو، سمت شمال پلکانی بود که به بام این قسمت می‌رفت و این بام فضای جلو بالاخانه‌های سمت راست بنای شمال می‌شد. ارتفاع این رشته ساختمان سه‌قسمتی از کف حیاط به یک ذرع نمی‌رسید و ارتفاع سقف آن منتهی سه ذرع و نیم بود». (مستوفی، عبدا لله. ۱۳۸۶: ۲۵۸)

خانه در لغت‌نامه

در زمرهٔ مسیرهای آزمون شده برای شناخت معماری، مقایسه معماری با زبان و دستور زبان است. تا آنجا که معماری به عنوان زبان فضا و مکالمه فضایی مورد نظر و بررسی است. از این رو بررسی نسبت زبان با معماری و چگونگی این ارتباط در فرهنگ‌های مختلف شایان توجه و پژوهش است.

بررسی زبان‌شناسانه واژه خانه ریشه‌شناسی واژه، واژگان هم‌خانواده و واژگان ترکیبی ساخته شده با این مفهوم می‌تواند بسیار راهگشا و روشنگر باشد. بررسی کارشناسانه این مسأله موضوع این کتاب نیست و انجام آن نیز به دانش تخصصی زبان‌شناسی نیازمند است. در اینجا تنها به بررسی موجز نقشی که خانه در زبان و مکان ایفا می‌کند، پرداخته می‌شود.

ذیل مدخل "خانه" در لغت‌نامه دهخدا آمده است:

«خانه آن جایی که در آن آدمی سکنی کند (ناظم‌الاطباء)، سرا، منزل مستقر»

در این فرهنگ بیش از پنجاه واژه ترکیبی وجود دارد که کلمه "خانه" اغلب بصورت پسوند در آن‌ها قرار گرفته است. تعدادی از این واژگان به ترتیب حروف الفبا در جدول مقابل ارائه شده است.

مروری بر مجموعه این واژگان نشان می‌دهد که کلماتی که با واژه "خانه" ترکیب شده و یک اسم مکان ساخته‌اند در یک بررسی اولیه می‌توانند در پنج مقوله طبقه‌بندی شوند.

یک مجموعه از این واژگان که سهم قابل توجهی از کلمه‌های ترکیبی را به خود اختصاص می‌دهند، مجموعه واژگانی هستند که به انسان در هیأت نقش‌های گوناگون اجتماعی همچون اصناف اشاره دارد. واژگانی مانند آشپز، عکاس، مسافر و دیوانه از این گروه‌اند.

گروه دیگر از مجموعه واژگانی که در کنار کلمه خانه نشسته‌اند، اشیا و "چیزها" هستند. اشیائی که هر کدام از آنها جلوه‌ای از شیوه زندگی را عیان می‌کنند. مانند چای، چاه، دوا، شربت، برف و صندوق.

کلمه‌های بیان‌کننده فعالیت‌ها نیز با واژه خانه ترکیب شده‌اند. واژگانی همچون چله، رصد، قرائت و کار از این نمونه‌اند.

نه تنها فعالیت‌ها، اشیا و شخصیت‌های اجتماعی بلکه، کلماتی که نماینده مفاهیم نیز هستند در کنار واژه خانه نشسته‌اند. از کلان‌ترین مفاهیم که "خدای" است تا مفاهیم حسی همچون "سرد" و "گرم".

در کنار این مجموعه از واژگان، واژگان کاملاً معمارانه که مشخص‌کننده حالت و مکانیت فضا هستند نیز در ترکیب با "خانه" قرار گرفته‌اند. مفاهیمی همچون بالا، پایین و گنبد. اگر تمامی این مجموعه واژگان را در کنار یکدیگر بگذاریم، تصویری از زندگی و جامعه شکل می‌گیرد که افراد، فعالیت‌ها و نقش‌هایشان، اشیا و احساسات و عواطف را در خود به نمایش می‌گذارد و ترکیب اجزاء این تصویر با واژه خانه، تصویر دیگری از مجموعه فضاها می‌آفریند که آن نیز زبان دیگری از زندگی و جامعه است

و نشان می‌دهد که هر آنچه در بستر جامعه با گذشت زمان نهادینه شده، مابهازایی مکانی یافته است و این مکان، مکانی از جنس «خانه» است. مکانی که آنچنان که در تعریف از خانه در لغت‌نامه آمده است آنجایی است که آدمی در آن مستقر می‌شود و در اینجا آدمی نه به معنای صرف فرد انسانی بلکه استقرار جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان است.

اگر زبان را همچون یک قرارداد اجتماعی بین اعضای ساکن در یک سرزمین و معماری را نیز قراردادی فضایی بین آحاد جامعه در نظر بگیریم، حضور گستردهٔ واژهٔ خانه در ترکیب‌های گوناگون و مصادیق معمارانه در شهرهای کشور می‌تواند تحقق‌بخش هماهنگی در شهر و ایجادکنندهٔ حضوری آشنا در انواع فضاها و پس‌کوچه‌های شهر تفسیر شود.

(جدول ۱- واژگان ساخته شده با «خانه»)

الف	آشپزخانه . آبدارخانه
ب پ	بالاخانه . بت‌خانه . برف‌خانه ، پاسدارخانه . پایین‌خانه . پُست‌خانه
ت ث	تماشاخانه . تاریک‌خانه ، ...
ج چ	چای‌خانه . چله‌خانه . چاه‌خانه . چاپ‌خانه . چاپارخانه
ح خ	حرم‌خانه ، خدای‌خانه . خم‌خانه . خسته‌خانه ، ...
د ذ	داروخانه . دواخانه . دیوان‌خانه . دیوانه‌خانه ، ...
ر ز ژ	رصدخانه . رختشوی‌خانه ، زورخانه . زَرادخانه ، ...
س ش	سردخانه . سربازخانه . سقاخانه ، شراب‌خانه . شربت‌خانه
ص ض	صندوق‌خانه
ط ظ	...
ع غ	عکاس‌خانه
ف ق	قرائت‌خانه . قورخانه . قهوه‌خانه
ک گ	کمان‌خانه . کارخانه ، گرم‌خانه . گل‌خانه . گنبدخانه
ل	...
م	مسافرخانه . مریض‌خانه . مرده‌شورخانه . مکتب‌خانه . میهمان‌خانه
ن	نانواخانه . ندامت‌خانه . نوان‌خانه . نهارخانه . نهران‌خانه ، نمازخانه
و ه ی	...

توزیع فضاهای خانه و آداب سکونت

نزدیک‌ترین گرایش به بررسی مردم‌شناسانه معماری خانه و چگونگی ارتباط شیوه زندگی با سازمان‌یابی فضای خانه، متعلق به کریم پیرنیاست. لیکن میزان توقف پیرنیا بر استخراج ضابطه از رابطه متقابل شیوه زندگی و فضا اندک است و بخش اعظم توجه او به معماری خانه‌های تاریخی، صرف جزئیات اجرایی و جهات استقرار شده است. لیکن پیگیری این بحث در مسیر ایشان از اقداماتی است که باید صورت گیرد. در همین مسیر از معدود کتاب‌ها و پژوهش‌های قابل استناد، کتاب «مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان» نوشته برومبزه است که به مطالعات مردم‌شناسی درباره معماری خانه‌های غیر شهری اختصاص دارد و عنوان این مبحث - توزیع فضاهای خانه و آداب سکونت - از این کتاب اخذ شده است. برومبزه در بخشی از بررسی خود برای تبیین مقوله اشغال فضا در خانه‌های روستایی با توجه به آهنگ تغییرات فصلی می‌نویسد:

«از اتاق‌های اصلی خانه به ندرت برای انجام کارهای خاص استفاده می‌شود. واژگان زبان محلی از این لحاظ گویاست: اتاق‌ها را با تعبیرهای نقشی (از قبیل آشپزخانه، اتاق نهارخوری، اتاق خواب) نامگذاری نمی‌کنند، بلکه واژه اتاق (به زبان تالشی: که) را که معنایی کلی و نوعی دارد به کار می‌برند و در صورت لزوم، متممی بر آن می‌افزایند که فقط بر موضع و محل اتاق دلالت می‌کند. مثلاً می‌گویند: «پایین‌اتاق» (تالشی: جیرکه) «بالااتاق» یا «تالاراتاق». در واقع این اتاق‌ها بر حسب نقش‌هایی دائمی که ممکن است بر عهده داشته باشند متمایز نمی‌شوند، بلکه هر یک از آنها به نوبت و مطابق با آهنگ تغییرات فصلی، مرکز حیات خانوادگی می‌گردد». (برومبزه، ۱۳۷۰: ۱۰۹)

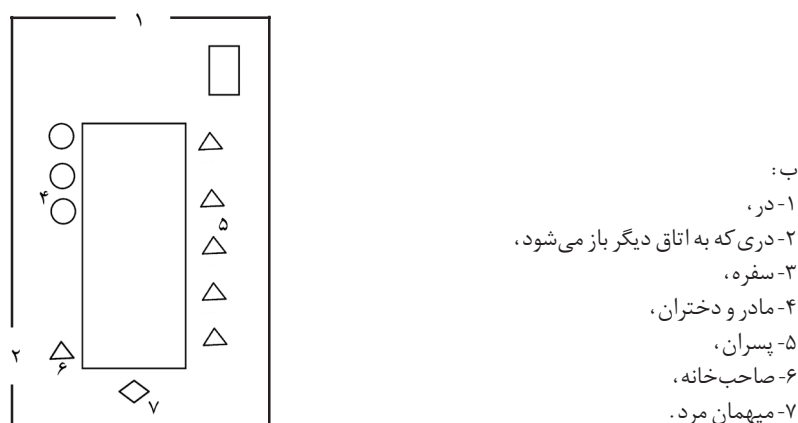
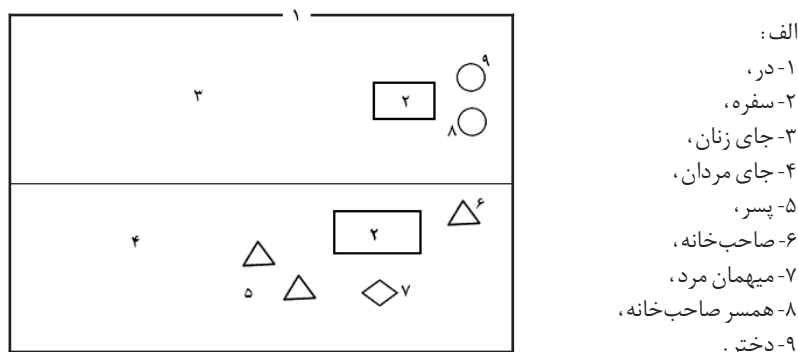
در شرح جابه‌جایی اعضای خانواده، نویسنده به شرح اهمیت نقش تالار می‌پردازد و به مجموعه‌ای از فعالیت‌های مختلف زندگی که در آن صورت می‌گیرد اشاره می‌کند. در ادامه مطلب، مقوله تجهیزات داخلی و کاربردی فضاها مطرح می‌شود. «هرچند که پابندی به این سنت‌های جابه‌جایی محل سکونت در فصول مختلف بسیار شدید باشد، این امر مانع از آن نمی‌شود که بعضی از اتاق‌های خانه کاربردهای خاصی (فصلی یا دائمی) بر حسب ضرورت‌های تولید داشته باشند». (همان: ۱۱۷)

شرح برومبزه از انبار و فضا، دود دادن برنج و گونه‌شناسی فضاهای خانه و ترکیب آنها مبسوط و دقیق است. در میان نقشه‌های گونه‌شناسی خانه‌ها که جملگی ترکیب‌های متنوعی از ایوان‌ها و اتاق‌ها هستند (همان: ۱۲۱ - ۱۱۸) خانه‌هایی ترسیم شده‌اند که حمام دارند، در اصطلاح محلی **تنبی** (اتاق تابستانی هواخور جایگزین تالار) دارند. هر فضای خاص نام مخصوص دارد، گاه در اصطلاح محلی به اتاق مسکونی، «خونه» گفته می‌شود و اکثر آنها شامل دوطبقه «بالاخانه» و «پایین‌اتاق» می‌باشند. «این استفاده‌های گوناگون از فضاهای خانگی، به این صورت که بر حسب ضرورت، هر اتاقی را بتوان به کاربرد تازه‌ای اختصاص داد،

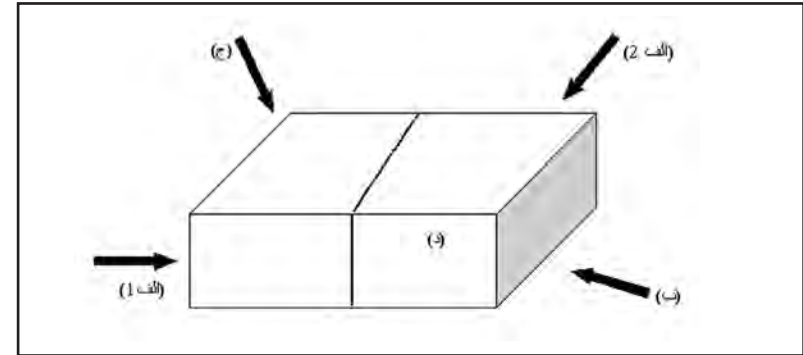
ممتنع و تصورناپذیر می‌بود، اگر تجهیزات خاص و اثاثیه‌ای ثابت وجود می‌داشت که یکبار برای همیشه نقش‌های کاملاً مشخص و تثبیت‌شده به اتاق‌ها می‌داد، حال آنکه ابداً چنین چیزی در خانه‌های گیلان مشاهده نمی‌شود. یگانه تجهیزات داخلی خانه عبارتند از طاقچه‌هایی که در دیوارها تعبیه می‌شوند و روی آنها چراغ‌ها و مواد خوراکی یا عکس‌هایی قرار می‌دهند که خاطره زیارتی راگرامی می‌دارد... هر چند خانه گیلانی از نظر شکل‌بندی بیرونی آن ثابت است، اما از نظر ترکیب درونی انعطاف‌پذیری دارد، لذا با کاربردهای متعددی تطبیق پذیر است». (همان: ۱۲۵)

علی‌رغم سادگی فضاهای خانه‌های روستایی گیلان از نظر تعداد و تنوع، برومبزه دو نکته اساسی مربوط به «حجاب‌های نامرئی» بین زن و مرد درون فضاهای خانه و ابعاد نمادین مسکن مرتبط با بیرون خانه و جامعه را استخراج و تدوین کرده است. برای تصویر آنچه گفته شد، نویسنده دو نمونه اتاق و آرایش درونی آن را به هنگام جمع شدن ساکنان و میهمانان به نمایش گذاشته است:

(تصویر ۳-۵) جای اهل منزل و میهمانان در فضای اتاق خانه روستایی در گیلان



مأخذ: برومبزه، ۱۳۷۰: ۱۲۶



الف (۱): نما: فضای پاکیزه، محل فعالیت‌های آبرومندانه که در معرض دید است؛
الف (۲): پشت‌خانه: فضای کارهایی که باید از انظار پنهان بماند؛
ب) فضای پذیرایی از میهمان؛
ج) فضای نیمه‌عمومی، دنیای سالخوردگان، فضای زمستانی، فضای روزمره؛
د) فضاهای تابستانی، دنیای جوانان، اسرار و درد دل‌ها.

نقش اشیا در خانه

اهمیت اشیا و آرایش آنها در سازمان فضایی خانه‌های معاصر بنیادین است. آنقدر بنیادین که با جابه‌جایی آنها فضا هویت پیدا می‌کند، و تحقق درست عملکردها در گرو وجود و آرایش اشیا خانه است. در چنین وضعیتی تعیین‌کنندگی نقش فضاها به اشیا واگذار می‌شود. بررسی‌های انجام‌شده در خانه‌های تاریخی آشکار نمود که سازمان فضایی خانه تقریباً مستقل از اشیا درون آن شکل گرفته‌اند. «پس جهت همین عادت و عرف هر خانه‌ای که ساخته می‌شد، اتاق‌هایش طوری به تعبیه می‌آمد که همه رفح حاجت در آن به عمل آمده باشد. لذا هر اتاق شامل بود بر طاقچه‌های متعدد برای چیدن ظروف دم‌دستی و کته‌ها و گنجه‌هایی برای کتاب و وسایل پنهان داشتن و (رف) برای ظروف و اشیا کوچک قیمتی و غیر ضروری و صندوق‌خانه‌ای برای جا دادن کرسی و رختخواب و صندوق البسه و ظروف آشپزخانه و اسباب سماور و ضمناً مطبخ دم‌دستی برای غذاهای مختصر، مانند آبگوشت و تخم مرغ و ... و همین صندوق‌خانه یک‌سوم اتاقی، خود مکانی بود که همیشه اتاق را تر و تمیز داشته و رفح حاجت اتاق اضافی داشتن می‌نمود ...» (شهری، جعفر، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۴۶)

کریم پیرنیا در بیان ویژگی «مردم‌واری» می‌گوید: «مردم‌واری این است که در یک سهدری که عموماً اتاق خواب ایرانی‌هاست زن و شوهر و بچه در کنار هم جا داده می‌شوند و وسایل لازم را در تاقچه پایین و اشیا را که کمتر مورد نیاز است در تاقچه بالا بگذارند، وسایل زائدشان را در پستو و دورش را یک خط می‌کشند که بنا، یک میلی‌متر فضای زائد ندارد». (مصاحبه با کریم پیرنیا در همشهری - اسفند ۷۳) نجمی در ارائه گفتار خود فهرست‌وار به وسایل مورد استفاده برای غذاخوری و

آشپزخانه اشاره می‌کند.

«یکی از اشیا که امروزه در اکثر خانه‌های معاصر هم یافت می‌شود و هم مورد استفاده قرار می‌گیرد و به طور طبیعی جزو مایملک فضایی اتاق‌های نشیمن، پذیرایی و نهارخوری شده است، صندلی است. هر چه در خانه‌های تاریخی نشستن بر زمین هنگام کار، گفت‌وگو و معاشرت کردن رایج بود، در حال حاضر استفاده از صندلی رایج شده است. حال آنکه «صندلی در دوره قاجار به تدریج وارد عادات زندگی شده است».

ساموئل پترسون در مقاله‌ای تحت عنوان «صندلی و تغییرات اجتماعی در عهد قاجار» بررسی تاریخی دقیقی در مورد پیدایش و مصرف صندلی ارائه کرده است. این مقاله در سال ۱۹۸۱ در کتابی تحت عنوان «ایران عصر جدید - تقابل تداوم و تغییر» ویراستاری شده توسط دو تن از ایران‌شناسان امریکایی به نام‌های نیکی کدی و مایکل بوناین منتشر شد. پترسون اشاره کرده است که صندلی بلند با چهار پایه، با پشتی و دسته از عهد هخامنشیان وجود داشته است و به طور مشخص در بار عام نوروژی مورد استفاده داشته است. بعد از استیلای اعراب، تخت‌های کوتاه‌پایه رایج شده و بعد از آن کرسی که اطراف شاه چیده می‌شد، لیکن سایر نزدیکان شاه بر زمین روی قالی می‌نشستند. در اواخر قرن هجدهم صندلی عمدتاً توسط شاهزاده‌ها و غربی‌های ساکن ایران استفاده می‌شد و بعد به طور پراکنده توسط حکام محلی استفاده از صندلی رایج شد. «تقریباً یک قرن طول کشید تا از طریق مشاهده عکس‌ها و نقاشی‌های اروپایی، ایرانی‌ها با صندلی آشنا شدند و نشستن بر روی آن به یکی از مهم‌ترین عادات روزمره آنها تبدیل شد».

بنا بر تحقیقات پترسون در اوایل قرن نوزدهم، صندلی در خانه اشراف ایرانی یافت می‌شد. مادر ناصرالدین‌شاه اولین زنی بود که بر صندلی نشست. به تدریج در ربع سوم قرن نوزده، استفاده از صندلی عمومیت بیشتری یافت.

ویژگی‌های خانه ایرانی بر اساس ادبیات خانه در ایران

از بررسی مجموعه پژوهش‌های کریم پیرنیا، آرتور اپهام پوپ، نادر اردلان و کریستین برومیرژه و همچنین روایت‌های جعفر شهری، ناصر نجمی و عبدالله مستوفی، که در این فصل به آنها اشاره شد، می‌توان به ویژگی‌هایی در معماری خانه ایرانی پی برد که هر یک از این ویژگی‌ها می‌توانند، برای رسیدن به معیارهای طراحی در خانه‌های معاصر مد نظر قرار گرفته و پژوهش‌های عمیق‌تری درباره آنها صورت گیرد. کتاب حاضر در راستای این تلاش تدوین شده است.

این ویژگی‌ها به شرح زیر هستند:

- حضور همزمان سه‌گونه فضای باز، بسته و پوشیده در خانه؛
- وجود نسبت‌های مشخص در هر بنا برای سه‌گونه فضایی باز، بسته و پوشیده؛
- وجود طیف متنوع فضا از قلمرو کاملاً خصوصی تا عمومی در خانه؛
- امکان تحقق زندگی خصوصی خانواده در هر سه‌گونه فضایی باز، بسته و پوشیده؛

- انعطاف‌پذیری فضا در مقابل پویایی شیوه زندگی، رفتارها و حالات انسان و عدم اختصاص فضا به عملکرد خاص؛
- فقدان غلبه اشیا بر سازمان فضایی خانه؛
- ارتباط با آب و گیاه و دیدار و تماشا از طریق ایجاد چشم انداز اتاق‌ها به فضای باز خانه تا مشاهده و لمس از نزدیک.

معمار ایرانی

خانه‌های مورد نظر، تمامی قبل از سال ۱۳۰۰ ساخته شده‌اند و همین موضوع و فقدان پیگیری در قرن گذشته، امکان شناسایی معماران را صدچندان مشکل کرده است. این کمبود را می‌باید بسیار جدی گرفت و با تحقیق گسترده و عمیق، ردّ پای قابل اتکا به دست آورد.

مجموعه اشاره‌های مطرح‌شده درباره این معماران، دال بر آن است که این فن و هنر را در خانواده به طور موروثی می‌آموختند و آموزش‌ها از کودکی شروع می‌شده و جنبه عملی داشته است. بدین ترتیب، آموزش فاقد مدرسه و کتاب بود و هر کس که در این راه قدم می‌گذاشت، می‌بایست سلسله‌مراتب دشواری را پشت سر می‌گذارد و رضایت پیشینیان، پدران و بزرگان حرفه را کسب می‌کرد.

در تمامی این خانه‌ها، الگوهای فضایی مشابه قابل مشاهده و ثبت است. لیکن تمایز و تنوع آشکاری نیز از نقطه‌نظر تعریف و ترکیب الگوهای فضایی و تمایز حالت‌های فضایی نیز در آنها عیان است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که **الگوهای فضایی اکتسابی بوده و خلاقیت، هنگام تعریف مجدد این الگوها** بروز می‌کرده است.

آنچه امروز یک معمار برای طراحی خانه‌های معاصر کسب می‌کند، عبارتست از اندازه‌های معلوم، تعداد و اشیایی معلوم برای عملکردهای معلوم. درس دانشگاهی کمتر به تصور فضایی اشاره دارند و هر آئینه اگر هم اشاره کنند کمتر به تحقق آن نظر دارند. در دیدگاه‌های معاصر، به نظر می‌رسد که آنچه توسط معمار ارائه می‌شود، در چارچوب خلاقیت او قرار دارد. معمار، طراح و خلاق است. توجه به این موضوع، در قیاس با گذشته که معماران وارث الگوهای فضایی پیشینیان خود بودند و برای احداث هر بنا، آنها را ترکیب و بازآفرینی می‌کرده‌اند، حائز اهمیت است. پیرنیا معتقد است که در گذشته معماران به جای خلاقیت، بر اساس «برگرفت» معماری می‌کرده‌اند.

بدین ترتیب، کسب تجربه از کودکی، آشنایی عملی با اجرای بنا، یافتن تصور عینی و ملموس از الگوهای فضایی و تحصیل مهارت و آگاهی از محیط، جای خود را به اندوختن اطلاعات و جمع‌آوری نظریه‌ها در زمینه‌های معماری داده است.

خانه‌های معاصر را نیز می‌توان بر حسب گونه‌شناسی نقشه‌های آنها دسته‌بندی نمود، و هرگونه را به مثابه یک الگوی فضایی در نظر گرفت. اما الگوهای فضایی خانه‌های معاصر جمعی نیستند، با متر مربع و سطح سر و کار دارند، آن هم سطوحی که بر اساس محدوده‌های ابعادی و اندازه تک‌عملکردهای بیولوژیک (خوابیدن و

خوردن و ...) تعیین شده است. حال آنکه الگوهای فضایی خانه‌های تاریخی به بیش از دو بُعد توجه داشته و مرتبط با حالات و روابط انسانی شکل گرفته‌اند و در هر کدام امکان تحقق عملکردهای متعدد متکی بر عبور و مکث وجود دارد. معمار، در خانه‌های معاصر بیشتر به ترکیب ابعاد استاندارد شده برای جایگزینی اشیا اشتغال دارد. چنین استانداردی برای کشور ما تهیه نشده است و معماران معاصر در ایران، به کتاب‌های مرجع خارجی مراجعه می‌کنند.

نظام مرجع معماری در ایران بعد از سال ۱۳۰۰ کم‌رنگ و از سال ۱۳۴۰ به بعد بی‌رنگ شد. استاندارد کردن فضاهای زندگی و خانه مقوله‌ایست که امروزه نیازمند بررسی عمیق و گسترده است؛ در حالی که ضرورت اعمال ضوابط معیارهای ساختمانی، اجرایی و ایمنی برای بناها به شدت افزایش یافته است یا در هر دو مورد، در مراحل اولیه قرار داریم و به علاوه معیارهای سازمان‌دهی فضا متعلق به گذشته را مدون نکرده‌ایم. تقریباً در تمام خانه‌های تاریخی مورد بررسی، نام معماران معلوم نیست. صاحبان خانه‌ها نیز عموماً درگذشته‌اند و ورثه نیز از نام معماران اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. جعفر شهری علت عدم ضبط نام و نشان معماران بر بناها را فروتنی آنان می‌داند. (شهری، جعفر، ۱۳۶۹: ۵۰۴ - ۵۸۲) ولی نکته‌های روشنگری درباره معماران قدیمی بیان کرده و شیوه کارکرد آنان را از نزدیک شاهد بوده که خلاصه‌ای از آن در اینجا آورده شده است. «معمار در معنی عمارت‌کننده کسی بود که طرح بنایی را برای کسی ریخته، تعدادی بتا و عمله برای عمارت آن گذارده، خانه یا مکانی را زیر نظر خود ساخته و پرداخته و تحویل نماید». (همان: ۵۷۴)

«پس به طور خلاصه باید بگوییم که معمار یعنی کسی که هر قسمت بنا را از زیرسازی تا اسکلت و روکاری، زینت و حتی نقاشی در سینه آورده، قسمت قسمت آن را پیاده کند و کسی که آخر کار را اول مجسم نموده، بدون آنکه کمک و شریک و امدادده فکری و مانند آن داشته باشد. چه هرگز شنیده نشده بود که فلان بنا را فلان معمارها با هم ساخته یا به مشارکت هم بالا برده‌اند، و باز هم یعنی کسی که از عملگی تا آخرین مرحله آن که معماری باشد را عملاً واقف بوده، چه همه مراحل را جزء به جزء و با کارگری به پایان رسانیده، تا به مرحله آخر رسیده بود. لذا از جزئی‌ترین بد و خوب کار کارگری اطلاع داشته، می‌توانست در آن دخالت، ایرادگیری و دستوردهی کند، چه به مجرد کوچک‌ترین عذر کارگری که نشدنی یا چنین نبوده باید چنان شود، دست و آستین‌ها را بالا زده به کار پرداخته عجز و نادرست‌گویی‌اش را نشان می‌داد، اگر چه هرگز دیده نشده بود زیردستی از بالادست خود ایراد گرفته یا ایراد و اشکال او را با حرف و سخن رفع کند، چه هر کار و عمل را طی مراحل دیده با دیدن سلسله‌مراتب به جلو رفته کسی بیهوده و بدون زحمت و با هو و جنجال و تبلیغ و توصیف پیش نرفته بود». (همان: ۵۷۶)

شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه‌های تاریخی و معاصر

مقدمه

بخش اول:

پرسش از ساکنان خانه‌های تاریخی

ورود به خانه / تنوع فضا / توالی ، ترکیب و انعطاف پذیری فضاها / حضور در حیاط / زندگی در سطوح مختلف /
فضاهای خدماتی / آب‌انبار ، پشت بام ، تجربه‌های فضایی کودکان / تقسیم و ترکیب فضا بر حسب ساکنان ، انواع مراسم و آیین‌ها

بخش دوم:

پرسش از ساکنان خانه‌های معاصر

پرسش‌ها (۴۰ پرسش) و نتیجه‌گیری از پاسخ‌ها

بخش سوم:

تجربه پرسش‌گری از نوجوانان

پنج موضوع پیشنهادی

پرسش‌ها

بخش چهارم:

خانه و شیوه زندگی

شیوه زندگی و خانه‌های معاصر

نعمت صاحبخانه بودن

کاهش حساسیت‌های فضایی شهروندان

مقدمه

در این فصل از کتاب، مجموعه‌ای از پاسخ‌های ساکنان خانه‌های تاریخی و معاصر در دو بخش مجزا، مدون شده‌اند. برای این دوگروه خانه، دو نوع پرسشنامه تهیه شد. در مسیر کسب نظر از اشخاصی که حضور در خانه‌های تاریخی را به یاد داشتند، بیشتر از شیوه گفت‌وگوی حضوری و ضبط پاسخ‌ها استفاده شد و برای ساکنان خانه‌های معاصر از پرسشنامه. در هر پرسش رابطه متقابل شیوه زندگی و سازمان فضایی مد نظر بوده است.

برای این کار هیچ نمونه مرجع و الگوی راهنما وجود نداشت. این پرسشنامه‌ها که در طی شش ماه شکل گرفتند، محصول ثبت و بررسی مشاهدات میدانی، تجزیه و تحلیل مطالعات کتابخانه‌ای و بحث و گفت‌وگوی فراوان با عالمان رشته‌های علوم اجتماعی و مردم‌شناسی هستند. چند نمونه اولیه پرسشنامه نیز، برای سنجش نتایج پرسشگری تهیه شد اما آنچه در این کتاب عرضه می‌شود، جمع‌بندی آخرین پرسشنامه‌هاست.

سؤال‌های مندرج در هر دو پرسشنامه که خود حاوی دیدگاه‌ها، گرایش‌ها و علایق معمارانه این بررسی می‌باشند، به همان صورت که پرسیده شده در اینجا ارائه شده‌اند، تا برای خوانندگان فرصتی باشد جهت اظهار نظر مشخص و همچنین قرار گرفتن در موضع پرسش‌شونده و اندیشیدن به آنچه در محتوای هر پرسش نهفته است. یافتن پرسش‌شونده و ورود به خانه‌ها کاری بسیار مشکل بود و می‌بایست در هر مورد راه حل خاص همان مورد را به دست می‌آوردیم و اگر همراهی همکاران بومی نبود، امکان برقراری ارتباط توأم با اعتماد تقریباً محال می‌نمود. امکان درج پاسخ پرسش‌هایی که به خانه‌های تاریخی مربوط هستند به همان شیوه که مطرح شدند - چه آنها که به گفت‌وگو رضایت دادند و صدایشان ضبط شده است و چه آنها که به نگارش راضی شدند - در حوصله این کتاب نیست. این مطلب در مورد خانه‌های معاصر نیز صادق است. پاسخ‌ها گاه به شدت شخصی و خصوصی شده‌اند و گاه چندان به پرسش مورد نظر مربوط نیستند و ما نیز می‌پذیریم که قادر به طرح پرسش‌هایی دقیق‌تر نبودیم. به همین علت کوشیدیم تا از یک طرف مخرج مشترک پاسخ‌ها را گردآورده کنیم و از طرف دیگر، نکته‌های ویژه‌ای که در هر پاسخ نهفته بود، را مطرح سازیم.

در بخش اول این فصل مجموعه پرسش‌ها و جمع‌بندی‌ها، پاسخ‌های مرتبط با خانه‌های تاریخی و در بخش دوم، پرسش‌ها و پاسخ‌های مربوط به خانه‌های معاصر ارائه شده است. در بخش سوم تجربه پرسشگری از کودکان و نوجوانان مطرح شده است.

بخش اول

پرسش از ساکنان خانه‌های تاریخی

سیزده سؤال اصلی که هر یک مجموعه‌ای از تعدادی سؤال‌های کوچک‌تر هستند، برای پرسشگری درباره خانه‌های تاریخی طراحی شد. در سؤال اول، به جهت یابی، تشخیص و تشخیص خانه از بیرون، حس وارد شدن و جداسدن از معبر، تشخیص فضایی، تمایز درون از بیرون، حس هدایت‌شدن و طی‌کردن فضای گذار توجه شد. همزمان در سؤال اول، حضور همراهان و انجام فعالیت‌های ممکن در بدو ورود پرسیده شد و سعی شد تا خوانایی فضایی از لحظه ورود مورد سؤال قرار گیرد. برای جمع‌آوری واژگان فضایی و نام‌های خاص فضاها در سؤال دوم، نام و تعداد فضاها پرسیده شد.

در سؤال سوم، درباره حس هدایت فضایی توأم با امکان آزادی انتخاب مسیرها، امکانات بسط فضاها، تبدیل فضاها، انعطاف‌پذیری فضا پرسیده شده و اینکه آیا همزمان در یک فضا امکان تحقق چند حس و چند عملکرد، موجود بوده یا نه؟ طرح مسئله حضور اشیا در اتاق‌ها، اتصال فضاها، چگونگی توجه به نور و تأمین روشنایی، رابطه بین کیفیت یک فضا با نوع و میزان نوری که بدان وارد می‌شود، توجه به قابلیت‌های انفرادی و اجتماعی اتاق‌ها، توجه به حریم‌ها و قلمروها، چگونگی مشارکت دیوار، سقف و کف در ایجاد کیفیت‌های فضایی هر اتاق، توجه به آزادی انتخاب فضاها برای انجام فعالیت‌های مختلف، در سؤال سوم پرسیده شد.

در سؤال چهارم، رابطه فضای باز بیرون (شارع عام) و فضای باز درون (حیاط) برایمان اهمیت داشته، به علاوه می‌خواستیم از چگونگی گذار، تشخیص و تشخیص فضایی گذار بین بیرون و حیاط مطلع شویم. شناخت حیاط به مثابه خصوصی‌ترین فضای باز همه اعضای خانواده، طیف فعالیت‌هایی که در این فضا تحقق می‌یافتند و همچنین چگونگی تعریف این فضا در سؤال چهارم مطرح شدند.

در سؤال پنجم، خواهان تمرکز و تفکر مجدد بر یادآوری فضاها فراموش شده از کنج و پستوی حافظه پرسش‌شونده بودیم.

در سؤال ششم با اشاره به فضای ویژه‌ای که چگونگی حضورش در خانه‌های تاریخی (زیرزمین) تقریباً از فضاها خانه‌های معاصر حذف شده، خواهان شناخت روابط متقابل آسایش، عملکرد، درجه پوشیدگی و اتصال زیرزمین با شیوه زندگی و سایر فضاها خانه بودیم.

در سؤال هفتم که هنوز و همچنان اطلاعاتمان درباره پرسش مطرح‌شده، ناقص است به چگونگی مقام تأسیسات، تجهیزات و فضاها خدماتی پرداخته شده است. در این سؤال هم کارآیی و هم معماری آنها مد نظر بودند.

در سؤال هشتم، به‌گفت‌وگو درباره بام پرداختیم. فضایی که ساختمان‌سازی معاصر نقشی حداقل برای آن قائل شده و در معماری خانه‌های تاریخی، نقش آن ایجاد تنوع فضایی و چشم‌انداز و محیط تازه‌ای برای تجربه‌های مختلف در طول روز و

شب بوده است. تجربه زیستن در سطوح مختلف و اثرات روحی و روانی آن در این سؤال مورد نظر بوده است.

در سؤال نهم، برقراری رابطه با آب، تأثیر محیطی آب بر فضا و نقش فضا در هدایت آب و شناسایی مقوله‌هایی از این دست، حائز اهمیت بوده است.

در سؤال دهم، بزرگ شدن با فضا، بزرگ شدن در فضا، بزرگ شدن فضا و متنوع شدن آن و نقش فضا در تحکیم معاشرت و رویارویی آدم‌ها، پرسش شده است.

در سؤال یازدهم، دیدگاه نسل‌های متفاوت، خاصه کهنسالان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در سؤال دوازدهم، آیین‌ها و فضاها، فضاهای آیینی و آیین فضاها به مثابه یکی از شاخص‌های اصلی شیوه زندگی مد نظر قرار گرفته است و بالاخره در سؤال سیزدهم، تشخیص رابطه میزان و حجم فضا با تعداد نفرات ساکن یا متوسط نفرات پایدار و ناپایدار ساکن در خانه اهمیت داشته است. اکنون، پرسش‌ها و نتیجه‌گیری از پاسخ‌ها را می‌خوانیم.

ورود به خانه

در سؤال اول پرسیدیم، چگونه وارد خانه می‌شدید؟ از بیرون تعریف کنید چه می‌دیدید؟ چون وارد می‌شدید چه حس می‌کردید؟ چه کارهایی به هنگام داخل شدن انجام می‌دادید؟ اگر تنها بودید چه می‌کردید؟ اگر با دوست و فامیل بودید؟ اگر همراهتان یک غریبه بود؟ اگر کلید همراهتان نبود، چه می‌کردید؟ نور بیرون و درون چقدر فرق داشت؟ چراغ روشن می‌کردید؟ آیا احتیاج به چراغ بود؟ هوای بیرون و درون چقدر فرق داشت؟ هنگام وارد شدن، چقدر فضا وجود داشت؟ جواب‌های به دست آمده حاکی از آن هستند که:

آشناترین نماد رسیدن به خانه سردر خانه بود. اما فضاهای نیمه‌خصوصی که به حریم خانه و همسایگان مربوط بود، قبل از رسیدن به سردر آغاز می‌شد. گاه از دور لبه ایوان و یا رأس بادگیرها دیده می‌شد. اشکال و تزیین‌های آشنای سردر، رسیدن به خانه را از دور اعلام می‌کردند. به محض ورود، نور و هوا تغییر می‌کرد، به فضای آرامش‌بخشی وارد می‌شدند. به چراغ احتیاجی نبود، خاصه در ایام روز که معمولاً یا از سقف یا از بالای سردر نور در حد روشن کردن فضا به داخل می‌تابید. اگر همراهی داشتند، در می‌زدند یا با صدای بلند اعلام می‌کردند و آنقدر فضا بود تا زمان برای خبر کردن اهل خانه وجود داشته باشد.

سازمان فضایی خانه، واردشدگان را بر حسب رابطه آنها با خانواده به فضاهای مختلف هدایت می‌کرد. ورودی، فضایی شاخص و مستقل بود و به کفایت، امکان مکث داشت. تمامی فضاهای خانه در بدو امر معلوم نبود و به تدریج آشکار می‌شد. حساسیت ساکنان به تاریکی حائز اهمیت بود. البته به عنوان یک بررسی مستقل، مقوله مواجهه با نور و روشنایی، پژوهش دیگری را نیاز دارد. فضای ورودی در خانه‌های تاریخی این امکان را فراهم می‌آوردند که فعالیت‌هایی از نوع مذاکره،

دیدوبازدید سریع و غیر رسمی، ردوبدل کردن مایحتاج و از این قبیل، در آنها صورت پذیرد.

تنوع فضا

سؤال دوم: چه فضاهایی در این خانه بود؟ نام ببرید.

پاسخ‌ها نشان می‌دهند که علی‌رغم تنوع و تعداد فضاها، هرگونه فضایی چه باز، بسته یا پوشیده و چه کوچک و بزرگ، نامی مشخص داشت. هیچ پاسخگویی حافظه‌اش یاری نکرد تا به تمامی، آنها را بازگو کند. نام فضاهای ارتباطی مانند دالان، مردگرد یا غلام‌گرد، کمتر عنوان شد و فضاهای باز نیز مانند مهتابی، بهارخواب و صفه در نیمی از پرسش‌ها مطرح شدند. فضاهای سرپوشیده، مانند ایوان و حوضخانه، یادآور خاطرات پرشوری از زندگی و کار در خانه بودند.

تنوع اتاق‌ها (سه‌دری، پس‌اتاق، پنج‌دری، گوشوار)، تنوع سطوح (سرداب یا سیزان، پایین‌خانه، بالاخانه و بام)، تنوع پوشش‌های کف (آب، درخت و گل، سبزی، انواع آجرها، کاهگل، انواع مصالح دیگر)، تنوع نورها در هشتی، دالان، حیاط و زیرزمین، سازمان فضایی خانه را بسیار متنوع می‌کرد و می‌بایست بر حسب فضاها، نام و تنوع‌های مندرج در آنها به طور مستقل، بررسی ویژه‌ای انجام گیرد. فضاها عمدتاً بر حسب ویژگی‌های فضایی، مکانی، قلمروهای عمومی، خصوصی و آیینی نام‌گرفته‌اند مانند کنج، اتاق زاویه، شاه‌نشین، مهتابی و شاید بتوان از بیرون خانه تا درون آن بر حسب نام فضاها در شهرهای مورد بررسی، فهرستی ناقص به قرار زیر تهیه کرد:

دربند، سردر، هشتی، دالان یا مردگرد یا غلام‌گردش، حیاط، تختگاه یا ایوانچه، مهتابی، بهارخواب یا صفه، شارمی، شناسیل، طارمی، دودری، سه‌دری، پنج‌دری، شاه‌نشین، شکم‌دریده یا تالار، پس‌اتاق، پستو، کنج، زاویه، ایوان، حوضخانه، سرپوشیده، سرداب یا سیزان، پس‌سرداب، طنبی، بالاخانه، گوشوار، بام، آشپزخانه یا مطبخ، حوض با پاشویه و دستشویی، آبریزگاه یا موال، کریاس، باغچه و گودال باغچه و ...

توالی، ترکیب و انعطاف‌پذیری فضاها

سؤال سوم: چگونه وارد اتاق‌ها می‌شدید؟ از ورودی تا اتاق‌ها چقدر راه بود؟ آیا این راه مستقیم بود؟ چه می‌دید؟ در مسیر حرکت به سمت اتاق‌ها چه حس می‌کردید؟ چه وسایلی در اتاق‌ها بود؟ چند نوع اتاق از نظر اندازه و قد و قامت وجود داشتند؟ آیا اتاق‌ها به هم ربط داشتند؟ اتاق‌ها چگونه به هم ربط داشتند؟ چند اتاق به یکدیگر متصل بودند؟ نور اتاق‌ها یکسان بود؟ نور اتاق‌ها چگونه تأمین می‌شد؟ در شب نور اتاق‌ها یکسان بود؟ اگر مهمان می‌آمد، در کدام اتاق پذیرایی می‌شد؟ اگر دوست و قوم نزدیک می‌آمد در کدام اتاق؟ شب در اتاق‌ها چگونه می‌خوابیدند؟ بچه‌ها کجا می‌خوابیدند؟ در کدام اتاق‌ها غذا می‌خوردید؟ فضاهایی را که در آنها

غذا می‌خورده‌اید نام ببرید. همچنین فضاها و اتاق‌هایی که در آن نشسته‌اید و فکر کرده‌اید و کار انجام داده‌اید؟ کدام اتاق‌ها و فضاها را بیشتر دوست داشتید؟ چرا؟ دیوار اتاق‌ها چگونه بودند؟ سقف‌ها چگونه بودند؟ کف اتاق‌ها چگونه بودند؟ پنجره‌ها چگونه بودند؟ در بزرگ‌ترین اتاق، چند نفر جمع می‌شدند؟ اعضای خانواده چگونه بر حسب اتاق‌ها قسمت می‌شدند؟

پاسخ‌ها نشان از آن دارد که امکان ورود مستقیم به اتاق‌ها وجود نداشت، بایستی از ورودی به فضاهای واسطی یا حیاط می‌رفتند و پس از آن از طریق پله و دالان‌های دیگر به اتاق‌ها که در سطح بالاتری از حیاط قرار داشتند، وارد می‌شدند. انواع چشم‌اندازها و نورها در حد فاصل مسیرهای منتهی به اتاق‌ها قرار داشتند. وسایل موجود در اتاق‌ها اندک بود. قالی‌هایی که بر حسب اندازه اتاق‌ها «میون‌انداز» و «کنارانداز» داشتند و بقچه‌هایی که همانند پستی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و درون آنها رختخواب پیچیده شده بود. چند وسیله ضروری مانند چراغ‌ها در رف‌ها و پیش‌بخاری‌ها (طاقچه) قرار داشتند. اتاق‌های کوچک و دستی برای زندگی خانواده، خاصه پدر و مادر و انواع اتاق‌های دیگری که عموماً به هم مرتبط بودند برای پذیرایی استفاده می‌شدند. اتاق‌ها یا از طریق درگاه‌ها یا از طریق دالان‌ها به هم مرتبط بودند.

گاه ردیف‌های متعددی از اتاق‌های واقع در یک جبهه خانه از درون با هم ارتباط داشتند و نور اکثر آنها یا مستقیماً از حیاط یا از حوضخانه یا از سقف تأمین می‌شد. نور اتاق‌ها در شب با چراغ‌های نفتی تأمین می‌شد و در چراغگاه قرار می‌گرفت که هم حیاط را و هم داخل اتاق‌ها را روشن می‌کرد. گاه به هنگام حضور مهمانان، چراغ‌هایی که به سقف آویزان می‌شد، مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بر حسب تعداد و دوری و نزدیکی مهمان‌ها، اتاق‌های مناسب وجود داشت. بچه‌ها هر چه بزرگ‌تر می‌شدند به فضاهای مستقل‌تر، منتقل می‌شدند و برای مهمانان در کنار شاه‌نشین و اتاق‌های گوشوار، جا تدارک دیده می‌شد.

امکان خورد و خوراک در اکثر فضاها اعم از اتاق‌ها، ایوان و حیاط وجود داشت. پاسخ‌ها حاکی از آن است که ساکنان خانه‌های تاریخی در انواع فضاهای کوچک و بزرگ، باز و بسته و پوشیده، استراحت کرده‌اند، معاشرت کرده‌اند، غذا خورده‌اند و خوابیده‌اند. حتی در پشت بام نیز غذا صرف شده است. فضاهای خلوت در این خانه‌ها فراوان بود و هر کسی بر حسب سن و سال و عادت، گوشه‌ای را برای خود در نظر می‌گرفت. در برخی از پرسشگری‌ها به ویژه آنهایی که به شیوه مصاحبه انجام شده و از طریق نوار ضبط شده، پرسش‌شونده از احساس تعلق عمیقی به برخی از فضاهای خانه یاد کرده است.

به خاطر تقسیمات فضایی جاسازی‌شده در بدنه دیوارها، دیوار اتاق‌ها، مکان‌های مناسبی برای استقرار اشیاء بودند. در برخی نمونه‌ها، کمدهایی در درون دیوار تعبیه شده بودند و درون کمدها قفسه‌بندی مفیدی توسط تیغه‌های نازک گچی صورت گرفته بود. سقف‌ها نیز حالت داشته و با دیوارها ترکیب شده بودند. جای

پنجره‌ها و درها دقیقاً نسبت به شیوه زندگی درون اتاق و ایجاد چشم‌انداز و نور معلوم بود و کلیه آنها حالت در - پنجره و درگاه داشتند. برخی از پاسخ‌ها حکایت از آن داشت که توانمندی ترکیب جزءفضاهای خانه تا آن تعداد بود که در یک خانه پایین به بالا با مساحت حدود ۲۰۰ متر مربع عرصه (مانند حیاط جلوی خانه قلی‌زاده در کاشان در محله سوریجان)، امکان پذیرایی از ۲۰۰ نفر میهمان نیز در فضاهای خانه وجود داشت.

در مجموع، پاسخ‌ها جملگی بر شیوه زندگی و سازمان فضایی کاملاً متفاوتی در مقایسه با امروز اشاره دارند. اشیاء درون اتاق‌ها محدود و مرتبط با فضای مشخص بودند. اتاق‌ها از درون به هم راه داشتند و از نظر قد و قامت و اندازه، متفاوت بودند. امکان ایجاد تنوع عملکردی در یک اتاق بسیار زیاد بوده و تفکیک فضای خواب از فضای صرف غذا وجود نداشت و به قول یکی از پاسخ‌دهنده‌ها، همه فضاهای خانه، مخصوصاً برای بچه‌ها، دوست‌داشتنی بود. به هیچ‌وجه صدای بچه‌ها مزاحم همسایه نبود، همچنین صدای همسایگان نیز، بسیار خفیف شنیده می‌شد و آزاردهنده نبود.

حضور در حیاط

سؤال چهارم: چگونه وارد حیاط می‌شدید؟ از ورودی تا حیاط چقدر راه بود؟ راه مستقیم بود یا غیر مستقیم؟ در طول مسیر، نور چگونه بود؟ از ورودی به حیاط دید داشت؟ چه می‌دیدید؟ چقدر از حیاط دیده می‌شد؟ چه مقدار از داخل خانه دیده می‌شد؟ خاک را می‌دیدید؟ درخت را می‌دیدید؟ باد را حس می‌کردید؟ یادتان هست در حیاط چه کارهایی انجام می‌شد؟ بچه‌ها چه می‌کردند؟ چه حس می‌کردید هنگامی که در دالان بودید و بعد به حیاط می‌رسیدید؟ اطراف حیاط چه بود؟ دیوار حیاط چگونه بود؟ کف حیاط چگونه بود؟ خطر سقوط کردن از درگاه‌ها به حیاط وجود داشت؟ آیا تا به حال کسی سقوط کرده بود؟ در حیاط غذا خورده‌اید؟ خواب در حیاط چگونه صورت می‌گرفت؟ اشیای داخل حیاط چه بود؟ آیا در حیاط مهمان را پذیرایی می‌کردید؟ دوست را؟ بیشترین تعداد نفراتی را که در حیاط یاد دارید جمع شده‌اند، چند نفر بوده‌اند و متعلق به چه حادثه‌ای بود؟ چگونه برای جشن عروسی از حیاط استفاده می‌کردید؟ چگونه خانه را آذین می‌بستید؟ آیا برای مراسم عزاداری از حیاط استفاده می‌کردید؟ چگونه آنرا برای مراسم عزاداری شکل می‌دادید؟

پاسخ‌ها حاکی از آن است که سطح حیاط‌ها همواره پایین‌تر از سطح معابر بودند، ولی هرگز از ورودی به طور مستقیم به حیاط خانه‌ها وارد نمی‌شدند. در نمونه‌های خانه‌های تاریخی واقع در رشت و خانه‌هایی که به صورت کوشک در میان حیاط قرار داشتند، فاصله در ورودی تا بنا، آنقدر بود که بتوان در حیاط ایستاد و حیاط آنقدر توسط دیوارها تعریف شده بودند که حس در بر گرفتگی و مکث را ایجاد کنند و دیوارها آنقدر طاق‌نما، سکو و سایه داشتند که مکانی برای توقف ایجاد کنند.

به محض ورود به حیاط حس و حالت تغییر می‌کرد و جلوه‌هایی متنوع از رنگ، بو، هوا و چشم‌انداز به ویژه وزش باد بر سطح حوض و برگ‌های درختان در تغییر حالت مؤثر بودند. تقریباً تمامی پرسش‌ها از حیاط به عنوان فضای سرباز و امن برای انجام کلیه فعالیت‌های زندگی در خانه یاد کرده‌اند. به شیوه‌ای موزون و متعادل چهار طرف حیاط پوشیده بود از تمامی اتاق‌ها، در-پنجره‌ها، ارسی‌ها و دیوارهای طاق‌نمدار و منقوش. کف حیاط با نظم و دقت به مسیرهای عبور و مکان‌های توقف، باغچه‌ها و حوض تقسیم شده بود. حیاط‌ها در ترکیب با فضاهای سرپوشیده و اتاق‌ها می‌توانستند به یک مجموعه فضایی واحد تبدیل شوند و پذیرای تعداد زیادی میهمان باشند.

امکان سقوط وجود داشت ولی شناخت فضاها و شیوه استفاده از آنها این را به حداقل کاهش داده بود. در پاسخ به سؤال اختلاف سطح و تعداد سطوح، برخی از جواب‌ها خطر سقوط را متذکر شده‌اند.

سازمان فضایی خانه برای برقراری ارتباط بین ساکنان و طبیعت از یک طرف، و ساکنان و جامعه از طرف دیگر، مشارکت فضایی داشته، مقوله‌هایی مانند صرف غذا یا خواب در فضای باز، نشستن بر روی زمین اتاق و حیاط یا حتی روی حوض توسط تخت‌های چوبی و خوابیدن روی زمین کاملاً رایج و طبیعی بود.

زندگی در سطوح مختلف

سؤال پنجم و ششم: چه فضاهای دیگری در خانه داشتید؟ چگونه به سرداب می‌رفتید؟ چه وقت‌ها می‌رفتید؟ چه می‌دیدید؟ چه اشیایی در آن بود؟ دیوار و کف و سقف، از نظر مصالح، پوشش‌ها و ارتفاع چگونه بود؟ نور آن چگونه تأمین می‌شد؟ در کجای خانه واقع شده بود؟ با چه فضاهایی مرتبط بود؟

پاسخ‌هایی که فنی‌تر بودند از مهندسی خانه‌هاشان یاد کرده‌اند. از متصل کردن سازه بنا با خاک و تحکیم آن، و استفاده از خاک‌کنده‌شده برای تهیه مصالح ساختمان. پس از آن از فعالیت‌هایی نام بردند که زیرزمین برای آنها مفید فایده بوده است. فضایی برای انبار کردن و فضایی برای زندگی در ماه‌های گرم. بدین ترتیب، در مواقع مختلف و موارد گوناگون «سرداب» مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در ماه‌های گرم در ابتدای روز، حیاط مکان زندگی بوده و بعد از نیمه‌های روز به زیرزمین می‌رفتند. در برخی از پاسخ‌ها، زیرزمین دارای دو یا سه مرحله متوالی اقامت بوده و به تدریج گود می‌شده است. بدین ترتیب در روزهای بسیار گرم، در اوایل روز آن قسمت‌هایی از سرداب که نزدیک حیاط بوده برای زندگی و فعالیت انتخاب می‌شده و در گرم‌ترین ساعات روز به عمیق‌ترین و پایین‌ترین سطح زیرزمین نقل مکان می‌کرده‌اند.

نور از حیاط و پنجره‌ها و روزن‌های مشرف به حیاط تأمین می‌شد، نور به صورت‌های غیر مستقیم می‌تابید و آن میزان روشنائی را در حد مشاهده فضا و اشیاء تأمین می‌کرد. اشیاء در حداقل مورد لزوم بودند. سقف و دیوار معمولاً در امتداد یکدیگر

بودند و با انواع انحنای متصل‌کننده دیوار و سقف به یکدیگر متصل می‌شدند. در مواردی (به ویژه در کاشان) دیوار و سقف را فقط خاک تیشه خورده «دج» بدون نازک‌کاری می‌پوشانید و در مواردی دیوارها از نازک‌کاری و طاقچه‌بندی و سقف‌ها از تزئینات برخوردار بودند.

کف‌ها آجر فرش بودند. ارتفاع سقف‌های زیرزمین‌ها بر حسب تعداد پله‌ای که از حیاط به کف زیرزمین‌ها می‌رسید متغیر بود و در نواحی سردسیر مرطوب، کف زیرزمین‌ها تنها چند پله پایین‌تر از کف حیاط قرار داشتند. اما در نواحی خشک و کویری، ارتفاع سقف‌های زیرزمین‌ها از ارتفاع اتاق‌های معمولی همان خانه بلندتر بود.

نکته حائز اهمیت آن که برای توضیح یک فضا مانند سرداب تقریباً تمامی سازمان فضایی از نو روایت می‌شد. استفاده‌های متعدد از سطحی پایین‌تر از حیاط، و ارتباط آن با سایر فضاهای خانه در تنوع بخشیدن به شیوه زندگی و انعطاف‌پذیری آن به میزان قابل توجهی مؤثر بود.

فضاهای خدماتی

در سؤال هفتم پرسیده شد، آشپزخانه، انباری و آبریزگاه هر یک در کجای خانه واقع شده‌اند؟ هم‌جوار با چه فضاهایی بودند؟ بالای آنها چه بود؟ دیوار، سقف و کف آنها از نظر ارتفاع و مصالح چگونه بود؟ نور آنها چگونه تأمین می‌شد؟ با هوای آزاد چگونه ارتباط داشتند؟ در این فضاها چه اشیایی وجود داشت؟ چه می‌دیدید؟ چه حس می‌کردید؟

آشپزخانه‌ها معمولاً دور از اتاق‌های زندگی هم‌تراز با زیرزمین‌ها یا در لایه‌های فضایی میانی، پیرامون حیاط قرار داشتند. برای تهویه، آشپزخانه‌ها یا به طور مستقل دارای یک حیاط کوچک انحصاری بودند (پاسخ‌های دریافت‌شده از پرسش شونندگان شیرازی) یا عموماً از طریق سقف و پنجره‌های فرعی (تعبیه‌شده در بالای دیوارها) تهویه می‌شدند، پرسش شونندگان به نوعی از قفسه‌بندی ساخته‌شده با مصالح ساختمانی اشاره کرده‌اند. این قفسه‌بندی‌ها شامل پیشخوان‌ها، فضای انبار کردن سوخت و مواد و محل نگهداری ظروف بودند. پاسخ‌ها به کم‌نوری، دود، کمی تهویه و از این قبیل موارد اشاره داشتند و به نظر می‌رسد آشپزخانه در قیاس با آشپزخانه‌های امروزی (معیار مقایسه‌ای که پاسخ‌دهندگان در ذهن داشته‌اند) فضای مطبوعی نداشته است. این مقوله‌ایست که نیاز به مطالعه و بررسی مجزا دارد. در مورد آبریزگاه این عدم مطبوعیت به وضوح مطرح شده است. لیکن وجود فضای کافی در مقیاس‌های مختلف برای انباری‌ها قابل توجه است.

آب‌انبار، پشت بام، تجربه‌های فضایی کودکان

در سؤال‌های هشتم، نهم و دهم درباره پشت بام، آب و آب‌انبار پرسیدیم و درباره کودکان در خانه سؤال کردیم و نتیجه گرفتیم که تنوع مکان‌ها و فضاها برای انجام فعالیت‌های روزمره به تنوع بخشیدن عملکردهای روزمره و دائمی کمک می‌کرد.

بام به عنوان یک مکان تعریف شده، فضایی مستقل را برای تحقق برخی از عملکردها فراهم می‌آورد؛ و بر حسب نیازمندی‌های فضایی شیوه زندگی در مناطق مختلف، امکان استفاده از بام مهیا بوده است. حضور آب در اغلب خانه‌ها، جریان داشتن آب و فضاهای ناشی از هدایت و انبار کردن آن، امکانات فضایی متنوع را به سازمان فضایی خانه می‌افزود. بچه‌ها در یک طیف گسترده از تجربه‌های فضایی قرار می‌گرفتند. از فضاهای بسیار کوچک و بسته تا فضاهای بزرگ، پوشیده و باز. سازمان فضایی خانه‌های تاریخی از طریق ارائه سطوح و فضاهای متعدد، موجب آزادی بی‌حد و حصر و کشف تجربه‌های فضایی بسیار می‌شد.

تقسیم و ترکیب فضا بر حسب ساکنان، انواع مراسم و آیین‌ها

در سؤال‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم درباره افراد مسن، برگزاری مراسم و آیین‌ها (سحری، افطار، عید فطر، نوروز، عاشورا و جشن‌های عروسی و خانوادگی)، تعداد نفرات و تقسیم فضاها بین آنها در خانه پرسیده شد. بررسی پاسخ‌ها ما را به این نتیجه رساند که برای دست یافتن به احکام قطعی درباره این سؤال‌ها، به بررسی‌های موردی بیشتری نیاز می‌باشد. در برخی از پاسخ‌ها شرایط زندگی افراد مسن، سخت توصیف شده و در برخی از پاسخ‌ها به عکس. در مورد برگزاری مراسم و آیین‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها بیشتر به سمت چگونگی برگزاری مراسم جهت گرفته‌اند و کمتر به انعکاس فضایی توجه شده است. زندگی چند خانوار در یک خانه با حیاط‌های مشترک، به نحوی که هر خانوار در یک جبهه زندگی کند، رایج و متداول بوده است.

بخش دوم

پرسش از ساکنان خانه‌های معاصر

تجربه‌های پرسشگری از ساکنان خانه‌های تاریخی، همراه با درس‌هایی که از تدوین پرسشنامه برای آنها آموختیم، ما را بر آن داشت تا از ساکنان خانه‌های معاصر سؤال‌های موجز و مشخص بپرسیم. پرسشنامه‌ای که برای ساکنان خانه‌های معاصر تدوین شد، شامل چهار سؤال بود. هر سؤال برای منظور خاصی بر اساس تقابل شیوه زندگی و ادراک فضایی تهیه شد. قابل شناسایی و متمایز بودن بنای خانه از بیرون که به تشخیص آن منجر می‌شود، هدف اصلی طرح پرسش اول بود. در سؤال دوم تشخیص و ادراک درون، توسط لایه‌های فضایی جداکننده بیرون از درون مدنظر بود. سؤال سوم جنبه کنترل‌کننده داشت و می‌خواستیم بدانیم که آیا لایه‌های فضایی جداکننده بیرون از درون مشخص، متمایز و اثرگذار هستند یا خیر؟

احساس جدا شدن از فضای عمومی و چگونگی شکل‌گرفتن فضای خصوصی را در سؤال چهارم عنوان کردیم. سؤال پنجم بدین منظور مطرح شد که آیا درون خانه در بدو ورود به تمامی نمایان می‌شود یا به تدریج، به علاوه آیا جهت حرکت معینی پس از ورود به خانه وجود دارد یا نه؟ در سؤال ششم نیز پرسیدیم آیا سازمان فضایی پس از ورود، هدایت‌کننده است؟ در سؤال هفتم فضای ورودی را از نظر حجم، مقیاس، ابعاد، اندازه، و میزان پذیرش محک زدیم. در سؤال هشتم در پی تمایز فضاها بر اساس نام آنها بودیم. آیا یک یا چند فضای متمایز از سایر فضاهای متداول در هر خانه وجود دارد؟ و بالاخره حضور ذهن و آگاهی ساکنان بر واژگان فضایی خانه‌های معاصر در چه سطح است؟ سؤال نهم در شناخت ورودی، فضای ورودی (اینکه ورودی سطح است یا حجم، عمق دارد یا ندارد) و حالت تأثیرگذاری فضا در هنگام استقبال و بدرقه پرسیده شد. در سؤال دهم پرسیده شد که آیا فضای داخل، حداقل وظایف خود را انجام می‌دهد یا خیر؟ آیا از اولین عناصری که در اختیار معمار یا سازنده بنا قرار داشته مانند نور، هوا، صدا و از این قبیل، برای خلق احساس مکان که همان خانه است، استفاده شده است؟

سؤال‌های یازدهم و دوازدهم در ارتباط با شیوه زندگی مطرح شدند. بر این اساس که آیا فضا و شیوه زندگی متقابلاً یکدیگر را تعالی بخشیده‌اند؟ آیا آرامش فقط در اتاق خواب حاصل می‌شود؟ و اگر می‌شود چگونه؟ آیا شرط لازم تأمین آرامش، استفاده از تختخواب است؟ سؤال سیزدهم در دنباله سؤال دوازدهم برای شناخت تأثیر فضا بر آرامش افراد خانه مطرح شده است. سؤال‌های پانزدهم و شانزدهم به رعایت فضای خلوت و فضای جمع و تشخیص‌یافتن آنها در سازمان فضایی خانه مربوط می‌شد. در دو سؤال هفدهم و هجدهم به مشخص کردن موقعیت و اهمیت فضاهای خدماتی خانه و رابطه آشپزخانه با شیوه زندگی پرداختیم. در سؤال نوزدهم، با طرح مقوله تنوع فضایی در خانه، این پرسش را مطرح کردیم که آیا فضا می‌تواند به شیوه‌ای سازمان یابد تا خستگی مرتفع شود؟ سؤال بیستم جنبه کنترل‌کننده

(تصویر ۴-۱) فضای بیرونی خانه‌های معاصر



شیراز



شیراز



رشت



کرمان

و سنجش میزان حساسیت ساکنان خانه به دیوارها، سقف‌ها، و کف‌ها در سؤال سی‌وششم عنوان شد. شاید می‌بایست بسیار بیشتر درباره اشیا، رابطه اشیا با ساکنان و فضاهای خانه می‌پرسیدیم، به هر صورت بررسی اشیا، مبلمان و فضا در خانه‌های معاصر خود مقوله‌ای حائز اهمیت و بسیار مستقل است که به بررسی مستقل نیز، نیاز دارد. در سؤال سی‌وهفتم کوشش شد به نوعی این مقوله مطرح شود. سؤال سی‌وهشت کوشش مجددیست برای تشخیص حساسیت‌های فضایی ساکنان خانه‌های معاصر و یادآوری خاطره‌ای که به سقف بلند (بلندتر از حدود متعارف ۲/۷ تا ۳ متر) مربوط می‌شود. در پرس‌وجوها و تجربه‌های گذشته، پیش از تدوین پرسشنامه خانه‌های معاصر، مناسبت این خانه‌ها برای کودکان و کهنسالان بارها مطرح شده بود. این مقوله کاملاً قابل تأمل است و به همین جهت در سؤال سی‌ونهم مطرح شده است. در سؤال چهل، توان انعطاف‌پذیری و ضرورت تغییر سازمان فضایی خانواده از یک طرف و توان اجرایی خانواده‌های معاصر در تأمین خواست‌های فضایی از طرف دیگر، پرسش شده است.

مراد از طرح این سؤال‌ها این بود که آیا از خلال پاسخ‌ها می‌توان به تعریف خانه، از نقطه‌نظر ساکنان دست یافت یا نه، به علاوه آزمودن حساسیت‌های فضای بصری، و حتی بویایی ساکنان خانه‌ها نیز در این پرسش‌ها مد نظر بود. رابطه اشیا و مبلمان با فضا و شیوه زندگی، قسمت مهمی از فعالیت‌های خانه را نظم می‌دهد. این مقوله نیز می‌بایست در خلال پرسش‌ها روشن می‌شد.

با وجود تلاش در دور شدن از مسائل خصوصی خانواده‌ها، از پاسخ‌های بی‌حوصله و بی‌دقت برخی پاسخ‌دهندگان متوجه شدیم، پرسشنامه پر کردن چندان باب طبع نیست، خاصه هنگامی که انتقال پیام توسط نوشته، خود می‌توانست مشکل‌آفرین باشد. بسیاری از ساکنان خانه‌ها علی‌رغم میهمان‌نوازی، در زمان دیدار پرسشنامه‌ها را پر نکردند و ارسال آنها

داشت و عمدتاً به صداقت با خود، صراحت با خود و سرکوب نکردن تجربه‌های احساسی فضا مربوط می‌شد. سؤال بیست‌ویکم نیز به دنبال سؤال بیست، در پی تشخیص رابطه ساکن خانه و فضای خانه و اطلاع از تأثیر متقابل و محسوس این دو بود. آیا فضای خانه در تحقق شیوه زندگی مشارکت دارد؟ سؤال بیست‌ودوم بدین سبب پرسیده شد و در سؤال بیست‌وسوم ارزیابی توان خانه‌های معاصر در برگزاری مراسم پرجمعیت حائز اهمیت بود.

با طرح سؤال بیست‌وچهارم به چگونگی ارتباط خانه با طبیعت نظر داشتیم. و در سؤال بیست‌وپنجم به دنبال نکته‌های مندرج در فضا مانند تنوع، دنجی، غیر قابل پیش‌بینی بودن، تازگی و عظمت فضا بودیم. در پاسخ‌ها این نکته‌ها را بسیار کم یافتیم. سؤال بیست‌وششم با تأکید بر اینکه احساس فضایی را از سایر احساس‌ها، حداقل در مورد «آزار در خانه» از یکدیگر تفکیک کنیم پرسیده شد و بیشتر به مقوله‌هایی چون دل‌گرفتگی فضا، کور بودن چشم‌انداز، بی‌هوایی اتاق‌ها و از این قبیل نظر داشتیم. بلافاصله در سؤال بیست‌وهفتم می‌خواستیم حس ساکنان خانه‌های معاصر را از تجربه نسیم در درون خانه و اینکه سازمان فضایی خانه به جریان باد اندیشیده است یا نه، بدانیم. همین سؤال را به دو مقوله خنکی و گرما تعمیم دادیم و میزان مشارکت سازمان فضایی در فراهم آوردن آنها را در سؤال‌های بیست‌وهشت و بیست‌ونهم جويا شدیم. در سؤال سی‌ام مجدداً به صورت فراگیرتر ارتباط سازمان فضایی و شیوه زندگی را با طبیعت، سبزی و گیاه پرسش کردیم. در دو سؤال سی‌ویک و سی‌ودو نحوه آرایش دو یا چند خانه در کنار هم و تأثیر این شیوه از همجواری را بر برقراری و تحکیم روابط همسایگی از نقطه‌نظر خلوت و آسایش بررسی کردیم، سؤالات سی‌وسه، سی‌وچهار و سی‌وپنج را به توان سازمان فضایی برای ابعاد بزرگتر از خانواده و زندگی مشترک با دیگران و حضور میهمانان در خانه اختصاص دادیم. برانگیختن توجه به اطراف، در اتاق‌های خانه

(تصویر ۴-۲) نمونه‌هایی از حیاط درخانه‌های معاصر



رشت



همدان



کرمان



شیراز

پرسش‌ها (۴۰ پرسش) و نتیجه‌گیری از پاسخ‌ها

سؤال اول - آیا خانه از بیرون متمایز است؟ (از نظر شکل، رنگ، مصالح، ...)

نیمی پاسخ گفته‌اند که خانه از بیرون متمایز است و این تمایز بیشتر در مقایسه با بناهای اطراف از نقطه نظر ارتفاع، مصالح، رنگ، عقب‌نشینی و برخی از علائم خاص بوده است و نیمی از پاسخ‌ها به هیچ تمایزی اشاره نکرده‌اند.

سؤال دوم - خانه چگونه از بیرون جدا می‌شود؟ (به وسیله راه‌پله، حیاط، دیوار و ...)

هدف از این سؤال دانستن چگونگی ورود از بیرون به درون بود. نتیجه پاسخ‌ها حاکی از آنست که معمولاً مجموعه عواملی که به صورت منفرد یا مجتمع در مسیر ورود از بیرون به درون قرار دارند عبارتند از: حیاط (در مفهوم معاصر آن)، پارکینگ، پیلوتی، دیوار، راه‌پله و راهرو.

سؤال سوم - از کوچه یا خیابان برای ورود به خانه از چند فضا عبور می‌کنید؟ برای افزایش دقت سؤال دوم می‌خواستیم بدانیم که آیا عوامل جداکننده تعریف شده اثرگذار هستند یا خیر؟

در بررسی پاسخ‌ها، معلوم شد که ترکیب عوامل ذکر شده با یکدیگر، تأمین‌کننده جدایی خانه از بیرون می‌باشد. با ترکیب‌های چون حیاط + پارکینگ یا حیاط + راه‌پله یا حیاط + پیلوت + راه‌پله و ترکیب‌هایی از این قبیل.

سؤال چهارم - به هنگام ورود به خانه چه می‌بینید؟ درباره آنچه به هنگام ورود به خانه دیده می‌شود، پاسخ‌ها دو نوع فضا را مشخص کرده‌اند، فضای باز و فضای بسته. در حالت اول حیاط با فضای سبز جلوی خانه و پارکینگ دیده می‌شود و در حالت دوم راهرو، هال، رختکن، درهای آشپزخانه و

را توسط پست به ما نوید دادند. لیکن در چند مورد اگر سازمان پست مقصر نباشد، پرسشنامه‌ها دریافت نشدند. بر این اساس در یک نوبت به طور آزمایشی، پرسشنامه‌ها را در تهران و برای ساکنان تعدادی از خانه‌های معاصر تهرانی مطرح کردیم و دریافتیم که در اکثر موارد، ساکنان واحدهای مسکونی، از حساسیت فضایی مناسب برخوردار نیستند. از طرف دیگر، اغلب اوقات مسائل خانوادگی و خصوصی با مسائل سازمان فضایی ساکنان در هم شده‌اند و تفکیک این دو مقوله کار مشکلی است. لیکن نکات قابل اعتنا آن است که گاه دو پرسشنامه به یک زوج (زن و شوهر) ساکن در یک خانه داده شد و جواب‌های متفاوت گرفته شد و گاه دو پرسشنامه به دو نسل با تفاوت سنی قابل توجه در یک خانه داده شد و باز جواب‌ها مختلف بودند. بدین ترتیب، ضروریست تحقیق جداگانه‌ای برای استخراج ادراک فضایی به تفکیک زن - مرد، جوان - پیر ساکن در واحدهای مسکونی مشترک صورت گیرد.

(تصویر ۴-۳) نمونه‌هایی از ایوان و بالکن در خانه‌های معاصر



رشت



شیراز



همدان



شیراز

سؤال هشتم - چه فضاهایی در خانه شما قابل نام بردن هستند؟ نام ببرید. هدف از طرح این پرسش آن بود که آیا جزء فضاهای خانه یا واحد مسکونی مورد پرسش، نام یا نام‌های خاصی دارند و اگر دارند، چگونه نام‌گذاری شوند؟

اکثر پاسخ‌ها، در سه گروه فضاهای خدماتی، بهداشتی، فضاهای روز و فضاهای شب قابل تقسیم هستند. به ندرت در پاسخ‌ها، به فضایی شاخص و متفاوت اشاره شد. با توجه به فقدان نظام و معیارهای طراحی در تعریف جزء فضاهای در اکثر نمونه‌های مشاهده‌شده، پذیرایی، نشیمن، نهارخوری، عبوری‌ها و فضای ورودی تداخل دارند. مجموعه جزء فضاهای صاحب نام که پرسش‌شوندگان از آنها یاد کرده‌اند، به ترتیب حروف الفبا به قرار زیر می‌باشند: ایوان، اتاق خواب، اتاق سرایدار، اتاق کار (دفتر)، انباری، باغچه، بالکن، پاسیو، پاگرد، پله، تراس، حیاط، حیاط خلوت، خریشته، راهرو، زیرزمین، سالن (مجموعه پذیرایی و نهارخوری)، سربینه، کتابخانه، گلخانه، موتورخانه.

سؤال نهم - هنگامی که از بیرون به داخل خانه می‌آیید چه حس می‌کنید؟

برما معلوم شد که واردشدگان بیشتر تحت تأثیر احساسات درونی و شخصی و به خاطر تضاد و تفاوتی که مابین محیط پر ازدحام شهر و محیط نسبتاً آرام داخل خانه وجود دارد، حس آرامش، اولین حسی است که در بدو ورود برای آنها ایجاد می‌شود. و این به خاطر خلاصی از غوغای بیرون است. هیچ‌یک از پاسخ‌ها به تأثیرگذاری فضای درون در ابتدای ورود نپرداخته است و در دو مورد به «نبود واقعه فضایی قابل توجه» و عرضه شدن «تمام فضا به محض ورود» اشاره شده است.

سؤال دهم - آیا درون خانه از نظر نور، هوا و صدا از بیرون متمایز است؟

باز هم دریافتیم که به خاطر شدت آلودگی در بیرون،

دستشویی. سرعت نمایان شدن درون در حالت اول کمتر و در حالت دوم بیشتر است. در حالت دوم، گاه با یک نگاه تمامی درون آشکار می‌شود.

سؤال پنجم - کدام فضاها و در چه فاصله‌ای از در ورودی قرار دارند؟

در پاسخ به این پرسش معلوم شد که به غیر از نمونه‌هایی که بعد از در ورودی از شارع وارد حیاط می‌شوند، چنانچه از معبر مستقیماً وارد ساختمان شویم تقریباً عمق اکثر خانه‌ها دیده‌شدنی است. حرکت در فضا و ترکیب فضایی، بسیار کم به چشم می‌خورد. جهتی مشخص در فضا وجود ندارد. بلافاصله پس از ورود، وارد فضاهای سرویس (آشپزخانه، دستشویی و توالی) می‌شویم و بعد وارد فضاهای زندگی (نشیمن و نهارخوری). در انتهای چشم‌انداز، درهای اتاق خواب دیده می‌شود.

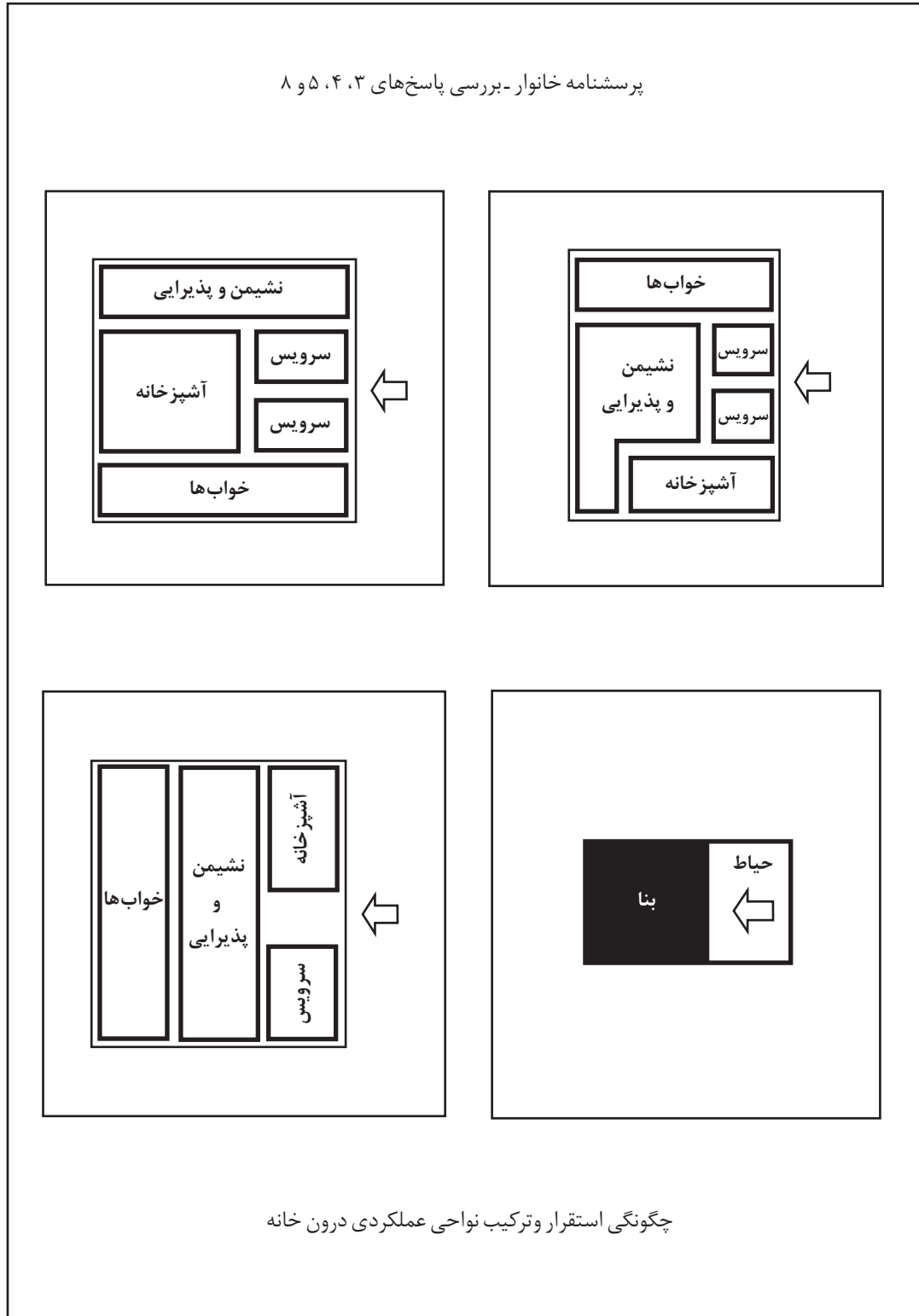
سؤال ششم - هنگام ورود به خانه چه می‌کنید؟ هدف از سؤال ششم این بود که آیا سازمان فضایی خانه جهت و مسیر آگاهانه‌ای را در بدو ورود ارائه می‌کند یا خیر؟

در بررسی پاسخ‌ها دریافتیم که در اغلب خانه‌های معاصر، بیشتر فضاهای ورودی خانه برای فعالیت‌های ورود به خانه و برای کفش و لباس اختصاص داده شده است. سازمان فضایی پیشنهاد ویژه‌ای برای حرکت در درون خانه ارائه نمی‌کند و حس قلمرو و ورود به یک فضای خصوصی متمایز از فضای عمومی وجود ندارد.

سؤال هفتم - چند نفر می‌توانند در ورودی شما جای بگیرند؟

از پاسخ‌ها معلوم شد که فضای ورودی عموماً با نشیمن، هال، و گاه آشپزخانه تداخل دارد. به طور متوسط ۴ تا ۶ نفر می‌توانند در حوالی در ورودی بایستند.

پرسشنامه خانوار - بررسی پاسخ‌های ۳، ۴، ۵ و ۸



به محض ورود به خانه، این تمایز حس می‌شود و نمی‌توانیم آن را به حساب سازمان فضایی درون خانه بگذاریم.

سؤال یازدهم - اگر خسته باشید و به خانه بروید چه می‌کنید؟ هدف از این سؤال درک تأثیر متقابل فضا و حالت‌های مختلف آدمی بود؛ و اینکه فعالیت‌های پس از ورود، آن هم اگر خسته به خانه بیایند کدام‌ها هستند.

پاسخ‌ها عبارتست از: تعویض لباس، دراز کشیدن، خوردن و آشامیدن، تماشای تلویزیون، شنیدن موسیقی، حمام کردن، کار در آشپزخانه و اگر فضای باز و باغچه‌ای باشد کنار آن نشستن. کمتر انعکاسی از نقش سازمان فضایی خانه در این فعالیت‌ها نمایان است، به استثنای فضای باز و باغچه.

سؤال دوازدهم - در خانه چگونه استراحت می‌کنید؟ در کدام فضا؟ آیا با بستن در اتاق، خلوت شما تأمین می‌شود؟ سکوت چگونه؟ این سؤال جست‌وجویی بود برای دانستن بیشتر درباره شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه.

دریافتیم که نوع استراحت، به عادت‌های مختلف اشخاص بستگی دارد. برخی فقط در اتاق خواب می‌توانند استراحت کنند و برخی در سایر فضاها در کنار سایر اعضای خانواده. پرسیدیم آیا با بستن در اتاق، خلوت شما تأمین می‌شود؟ پاسخ دادند که تا حدودی، لیکن از سروصدا جلوگیری نمی‌شود. در کمتر موردی به تأثیر آرامش‌بخش فضا اشاره شد. لیکن، دریافتیم که اشیایی مانند تلویزیون، رادیو، ضبط صوت و کتاب در ایجاد آرامش نقش دارند.

سؤال سیزدهم - آیا در خانه آسایش دارید؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)

جواب‌ها اکثراً به روابط خانوادگی مربوط می‌شد و نقش سازمان فضایی مطرح نشد، اما از آپارتمان‌نشینی و حضور تلفن شاک‌ی بودند.



رشت

شیراز



رشت

کرمان

این سؤال نیز، مانند پنج سؤال گذشته برای دانستن درباره رابطه متقابل شیوه زندگی و سازمان فضایی در خانه پرسیده شد. بدین مضمون که آیا از فضاهای عمومی خانه راضی هستند؟

آنچه در پاسخ‌ها دریافتیم این بود که در مقایسه با فضاهای خصوصی، رضایت فضایی از اتاق‌های عمومی بسیار کمتر است. چرا که میزان به هدر رفتن فضای قابل استفاده در فضاهای عمومی بسیار زیاد است و به قول یکی از پاسخ‌ها، فضاهای عمومی خانه‌ها «نه دید و نه منظر دارند، نه پیچیدگی فضایی، نه غنا و ابهام». در چند پاسخ، مسئله امکان یا عدم امکان نظافت به جای رضایت فضایی، عامل رضایت مطرح شده است. و از کوچک شدن فضاهای به ظاهر بزرگ، هنگامی که تعداد میهمان‌ها افزایش می‌یابد، شکایت شده است.

سؤال هفدهم - از حمام و دستشویی و سرویس منزلتان راضی هستید؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)

پاسخ دادند که چنانچه تعداد آنها کافی باشد (حداقل دو سرویس جداگانه)، محل آنها مناسب، به کفایت نور و تهویه داشته باشند، در دیدرس نباشند و نقص فنی هم نداشته باشند رضایت حاصل خواهد شد.

سؤال هجدهم - از آشپزخانه راضی هستید؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)

پاسخ‌ها ما را به شناختن این ویژگی‌ها رهنمون کردند: مکان استقرار آشپزخانه از اهمیت درجه یک برخوردار است و می‌باید از مرکزیت و همجواری‌های مناسب

سؤال چهاردهم - چند نفر در خانه شما زندگی می‌کنند؟ فضاها چگونه بین آنها تقسیم شده است؟

معلوم شد که در خانه‌های معاصر مورد بررسی، به طور متوسط چهار تا پنج نفر زندگی می‌کنند. در شهرهای بزرگ اعضای ساکن در یک خانه عمدتاً پدر و مادر و فرزندان و در شهرهای کوچک‌تر عروس و داماد، پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز در زمره ساکنان یک خانه به حساب می‌آیند. در صورت وسعت خانه و تعدد جزء فضاهای مجزا، امکان استقلال اعضای ساکن تأمین خواهد شد.

سؤال پانزدهم - از فضاهای خلوت و خصوصی خانه‌تان راضی هستید؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)

معلوم شد که اگر روابط خانوادگی حسنه باشد، نارسایی‌های فضایی چندان محسوس نیستند. در اکثر موارد از درهم و برهم بودن سازمان فضایی خانه شکایت شده است و گفته‌اند «چنانچه فضای داخلی دوطبقه باشد» یا «امکان چشم‌انداز مطبوع میسر باشد» یا حتی یک فضای «زیرپله» در خانه باشد، می‌تواند تأمین‌کننده برخی از نیازمندی‌های فضایی ساکنان باشد، متن یکی از پاسخ‌ها عیناً نقل می‌شود: «تا حدی آری، به علت اینکه خوب تعریف و تعیین شده‌اند و تا حدودی به علت اینکه فضاهای خصوصی به نظر من باید تا حدی امکانات کامل برای زندگی یک فرد را نیز داشته باشد و تزئین مناسب داشته باشد و از فضای سبز نیز بی‌بهره نباشد».

سؤال شانزدهم - از فضاهای عمومی و جمعی خانه چگونه راضی هستید؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)



شیراز



رشت



شیراز



همدان

مناسب و ایجاد احساس تعلق در داخل سازمان فضایی برای ساکنان، می‌تواند در افزایش مطبوعیت خانه نقش مؤثری ایفا کند.

سؤال بیست و دوم - آسودگی در خانه را در چه می‌دانید؟

بخش اعظم پاسخ‌ها، به مسائل غیر فضایی و شیوه زندگی به طور عام پرداختند و هیچ‌گونه حساسیت فضایی از خود نشان ندادند. اکثریت قریب به اتفاق خانه‌هایی را که از طریق حضور و تجربه فضایی بررسی کردیم، فاقد توانایی تأمین آسودگی بودند.

سؤال بیست و سوم - آیا خانه شما برای برگزاری میهمانی‌ها مناسب است؟ حداکثر از چند نفر می‌توانید پذیرایی کنید؟

پاسخ‌ها کمتر از بیست تا صد نفر را شامل می‌شد. ولی نه لزوماً بر حسب راحتی و رضایت میهمان‌ها. پاسخ‌ها به رابطه متقابل زیرینا و تعداد میهمان‌ها اشاره کردند، ولی در هیچ‌یک از موارد به افزایش توان فضاها در اثر انعطاف‌پذیری سازمان فضایی و امکان بسط و ترکیب فضاها پرداختند.

سؤال بیست و چهارم - از خانه‌تان در کدام فصل بیشتر راضی هستید؟ چرا؟

پاسخ‌ها ارتباط با فصول را در درجه اول، به کیفیت سیستم‌های تأسیساتی (حرارتی و برودتی) و در درجه دوم، به ارتباط مستقیم با فضاها و نیمه‌باز وابسته می‌دانستند. در فصل‌های معتدل، رضایت از خانه‌ها بیشتر است. در درجه آخر، به

برخورداری باشد، خاصه همجواری با حیاط خلوت (فضای باز خصوصی). انباری، نور و هوای کافی برای تهویه داشته باشد و از دید و منظر هم برخوردار باشد. فقدان انبار در آشپزخانه‌های معاصر، آزاردهنده است. در صورت نامناسب بودن مبلمان و تجهیزات داخلی آن، هدف از این وسایل برآورده نخواهد شد.

سؤال نوزدهم - آیا در خانه تنوع فضایی دارید؟ چگونه؟ بر حسب اختلاف سطح، اختلاف ارتفاع، اختلاف نور، اختلاف هوا و ...

دریافتیم که تنوع فضایی در خانه‌های معاصر اندک است و ساکنان نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند. پاسخ‌هایی که حساس‌تر بودند از یکنواختی فضایی داخل خانه شکایت داشتند. این پاسخ‌ها بسیار اندک هستند. آنچه تنوع نامیده می‌شود تفاوت‌های جزئی در نور، رنگ و اختلاف یک تا دو پله در سطح می‌باشند.

سؤال بیستم - آیا خانه حوصله‌تان را سر نمی‌برد؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)

در بررسی پاسخ‌ها دریافتیم که کاهش فضاها و ویژه حیاط و محدود شدن چشم‌انداز و یکنواخت بودن فضاها به نحو محسوس از کیفیت حضور در خانه کاسته است.

سؤال بیست و یکم - آیا در خانه شما فضایی وجود دارد که شما را در خانه نگاه دارد؟ تسکین دهد؟

در بررسی پاسخ به این پرسش، بر ما معلوم شد که وجود یک فضای شخصی و

(تصویر ۴-۹) نمونه‌هایی از نهارخوری در خانه‌های معاصر



شیراز



شیراز



همدان



رشت

(تصویر ۴-۸) فضاهای درهم در خانه‌های معاصر، شامل نشیمن و پذیرایی



کرمان



همدان



رشت



رشت

(تصویر ۴-۷) اتاق در خانه‌های معاصر (فضای تک عملکردی انباشته از میلمان)



رشت



همدان



کرمان



رشت

(تصویر ۴ - ۱۰) نمونه‌هایی از آشپزخانه در خانه‌های معاصر



شیراز



همدان



رشت



رشت

چشم‌انداز و وجود گل و سبزی اشاره شده است.

سؤال بیست و پنجم - چه نکاتی رضایت شما را در خانه فراهم می‌آورد؟

پاسخ‌ها به سمت مسائل غیر فضایی جهت گرفتند. پاسخ‌های مرتبط به تأمین رضایت در اثر مشارکت سازمان فضایی عبارت بودند از: بلندی سقف‌ها، بزرگی خانه، سرسبزی، روشنایی کافی، مشخص بودن حریم‌ها، وجود پاسیو و تراس بزرگ، ایمنی، پنجره‌های مناسب، آشپزخانه بزرگ و روشن، هال بزرگ، نبود پله و ...

سؤال بیست و ششم - چه مسائلی در خانه شما را آزار می‌دهد؟ تا آنجا که به فضاهای خانه مربوط می‌شود، شرح دهید.

در یافتیم که آزار در مجتمع‌ها و آپارتمان‌ها با آزار در خانه‌های تک‌واحدی متفاوت است. در اولی ساکنان از فقدان فرهنگ آپارتمان‌نشینی گله کردند و در دومی به عدم تناسب سازمان فضایی با شیوه زندگی ساکنان.

سؤال بیست و هفتم - هیچ‌گاه باد به طور طبیعی در خانه شما جریان داشته است؟ چگونه؟

پاسخ‌ها حاکی از آنست که حضور باد طبیعی در خانه به ندرت تجربه شده است. نبود فضاهای پوشیده و باز در خانه، این امکان را به حداقل کاهش داده است.

سؤال بیست و هشتم - خنکی در خانه شما چگونه تأمین می‌شود؟

از بررسی پاسخ‌ها معلوم شد علی‌رغم تمایزهای آب‌وهوایی شهرهای مورد بررسی اکثراً خانه‌های معاصر از کولر آبی، پنکه و بعضاً کولر گازی برای خنک شدن استفاده می‌کنند و کمتر این سهم برعهده سازمان فضایی خانه قرار دارد. در بررسی‌های میدانی مشاهده شد که عناصر تأسیساتی برودت‌زا به صورت الحاقی بر سقف، کف و بدنه‌های داخلی و خارجی

چسبانیده شده و فاقد بروز معمارانه می‌باشند.

سؤال بیست و نهم - گرمای منزلتان چگونه تأمین می‌شود؟

از بررسی پاسخ‌ها، معلوم شد که گرمای خانه‌ها توسط شوفاژ، بخاری گازی، بخاری نفتی و به میزان کمتری با سیستم حرارت مرکزی تأمین می‌شود. تنها در یک مورد از پاسخ‌ها، به کسب حرارت از خورشید اشاره شده است. به علاوه در بررسی‌های میدانی مشاهده شد که عناصر تأسیساتی حرارت‌زا بدون ارتباط با عناصر معماری بنا در داخل فضاها حضور یافته‌اند.

سؤال سی‌ام - وضع گیاهان سبز در خانه‌تان چگونه است؟

آنچه از بررسی پاسخ‌ها عایدمان شد این بود که ساکنان خانه‌های معاصر بسیار خواهان ارتباط با گل و گیاه هستند، لیکن امکانات زندگی آپارتمانی این رابطه را بسیار محدود کرده است و آنها که از حیاط برخوردارند در موقعیت ارتباطی بهتری هستند. در شش شهر مورد بررسی، ارتباط ساکنان خانه‌های معاصر با طبیعت، درخت و فضای باز بیشتر از ساکنان خانه‌های تهرانی است. حذف این رابطه و نادیده گرفته شدن آن در سازمان فضایی، نادیده گرفتن ارکان تشکیل‌دهنده شیوه زندگی است.

سؤال سی و یکم - با همسایه دیوار به دیوار معاشرت دارید؟

اکثریت قریب به اتفاق پرسش‌شوندگان، معاشرتی با همسایه دیوار به دیوار خود نداشتند. از طریق مشاهده نیز، معلوم شد که شکل و فضای همجواری خانه‌ها نیز، نقشی در برقراری ارتباط همسایه‌ها با یکدیگر ایفا نمی‌کند. در همین سطح نیز ساکنان خانه‌های شش شهر مورد بررسی، بیش از ساکنان خانه‌های تهرانی با همسایه دیوار به دیوار و روبه‌رویی معاشرت دارند.

برای اکثر پرسش‌شوندگان تأثیر خوش‌آیند و مطلوب سقف بلند مطرح است. لیکن، نگرانی برای تأمین سرما و گرما بر احساس دلبازی فضا غلبه می‌کند.

سؤال سی‌ونهم - آیا فضاهای خانه شما برای کودکان مناسب است؟ برای کهنسالان چطور؟

معلوم شد که سازمان فضایی خانه‌های معاصر، اساساً به مسئله سن توجهی ندارد. تنها مورد قابل ذکر، خصلت دو وجهی پله است که از یک طرف می‌تواند تنوع فضایی ایجاد کند و از طرف دیگر خطر برای سقوط.

سؤال چهلم - آیا در فضاهای خانه تغییراتی داده‌اید؟ چه تغییری؟

در پاسخ‌ها، این تمایل وجود دارد. آنها که مالک بوده‌اند اقدام کرده‌اند، جهت اصلی این تغییرات، تأمین روشنایی بیشتر و گشایش فضاها و برقراری ارتباطات سهل‌تر بوده است.

سؤال سی‌ودوم - با هسایه روبه‌رویی چطور؟

پاسخ‌ها را مرتبط با سازمان فضایی خانه‌ها و همجواری آنها سنجیدیم و دریافتیم که آرایش و ترکیب بیرونی خانه‌های معاصر، نقشی در ایجاد معاشرت با همسایگان ایفا نمی‌کند.

سؤال سی‌وسوم - حس نمی‌کنید حریم‌های زندگی اعضای خانواده در هم تداخل دارند؟ اگر دارند چرا؟ اگر ندارند چرا؟

پاسخ‌هایی که از تداخل حریم‌ها شکایت داشتند، این تداخل را ناشی از کمبود زیربنا و نبود یک اتاق برای هر نفر توضیح داده‌اند.

سؤال سی‌وچهارم - آیا در خانه شما میهمان یا میهمانان می‌توانند شب را بخواهند؟ یا یک هفته بمانند؟ چگونه؟ لطفاً راحتی، ناراحتی، حریم‌ها و تداخل آنها را توصیف کنید.

سؤال درباره تداخل حریم‌ها را با سؤال درباره اقامت میهمان یا میهمانان در خانه ادامه دادیم. موضوع همچنان معتبر است. هنوز در خانه‌های معاصر، میهمان یا میهمانان حداقل یک شب را به صبح می‌رسانند و این میزان در شش شهر مورد بررسی، بیش از یک شب می‌باشد. آنها که جای خواب برای پذیرایی از میهمان دارند از کمبود سرویس‌ها شکایت دارند و آنها که ندارند از تداخل حریم‌ها.

سؤال سی‌وپنجم - آیا تجربه زندگی مشترک با فرد دیگری غیر از خانواده درجه اول خود را داشته‌اید؟ اگر آری این تجربه در خانه شما چگونه بوده است؟

پاسخ‌ها حاکی از آن بودند که علی‌رغم حضور این تجربه در خانه‌های معاصر، سازمان فضایی خانه‌ها در برابر این وجه از شیوه زندگی ناتوان هستند.

سؤال سی‌وششم - آیا دیوارها، سقف‌ها و کف‌های فضاهای نشیمن و خواب شما مانند هم هستند؟ یا فرق دارند؟ اگر دارند چگونه؟

در تمامی پاسخ‌ها، این سه عنصر را مشابه هم در تمامی فضاها اعلام کردند خاصه دیوارها و سقف‌ها را.

سؤال سی‌وهفتم - آیا اشیای موجود در منزل شما با فضاها تناسب دارند؟

پاسخ‌ها نشان دادند که احساس دقیقی بین تعادل اشیا و فضاهای خانه وجود ندارد. ولی در فضاهایی مانند اتاق خواب و آشپزخانه به حضور مسلط و اشباع‌شده اشیا اشاره شده است.

سؤال سی‌وهشتم - تأثیر بلندی سقف بر شما چیست؟

تجربه پرسشگری از نوجوانان

این پرسشگری از کودکان و نوجوانان، در محدوده سنی هشت تا شانزده سال انجام شده است. ابتدا در یک نشست از حدود پنجاه کودک و نوجوان عضو شورای کتاب کودک^۱ دعوت به عمل آمد و برای آنها توضیحاتی درباره معماری، فضا، شهر و خانه همراه با عکس و نقشه داده شد و به طور شفاهی مطلب ارائه شده مورد گفت‌وگو قرار گرفت و نظریات آنها پرسیده شد. پس از این جلسه، پرسشنامه‌ای تهیه شد شامل، هشت موضوع پیشنهادی درباره فضاها و بناها، و پنج پرسش درباره دیده‌ها و دانسته‌های آنها.

هشت موضوع پیشنهادی برای کسب نظر بچه‌ها، به ترتیب عبارت بودند از:

- ۱- فضای اتاق خودتان (با اسباب و وسایل)؛
- ۲- فضای اتاق دلخواهتان (بدون اسباب و وسایل)؛
- ۳- خانه خودتان (از کوچه یا خیابان)؛
- ۴- خانه دلخواهتان (از کوچه یا خیابان)؛
- ۵- میدانی که دوست دارید؛
- ۶- یک ساختمان عمومی (غیر مسکونی)؛
- ۷- یک خانه ایرانی آن‌طور که شما تصور می‌کنید؛
- ۸- یک اثر تاریخی.

از بچه‌ها خواسته شد به کمک عکس، نقاشی، طراحی یا نوشته، سه موضوع از هشت موضوع را انتخاب و بیان کنند. در این گزارش، پاسخ‌های مربوط به چهار موضوع اول و موضوع هفتم مطرح خواهند شد.

پنج سؤال دیگر عبارت بودند از:

- ۱- از عناصری که مشخصه خانه‌های ایرانی هستند، کدام را می‌شناسید؟
در زیر سؤال، این واژه‌ها نوشته شده بود: سردر، هشتی، دالان، حیاط مرکزی، اتاق‌های دودری، سهدری، پنج‌دری، شاه‌نشین، حوضخانه، سرداب، بالاخانه، گوشوار، کنج، پستو، بادگیر، حوض و مهتابی. از بچه‌ها خواسته شد دور واژه‌های آشنا را خط بکشند. آنها می‌توانستند برای پاسخ دادن به این سؤال از آشنایان کمک بگیرند.
- ۲- از بناهای مهم ایران کدام یک را از نزدیک مشاهده کرده‌اید؟ نام ببرید.
- ۳- از بناهای مهم جهان کدام یک را از نزدیک مشاهده کرده‌اید؟ نام ببرید.
- ۴- در بناها و فضاها شهر، محله، مدرسه و خانه خودتان چه چیزهایی شما را آزار می‌دهند؟

۱. شورای کتاب کودک، مؤسسه‌ای فرهنگی است که از سال ۱۳۴۹ به همت و سرپرستی خانم توران میرهادی و برخی از شخصیت‌های فرهنگی دیگر، کار خود را آغاز کرد و پس از انقلاب، بخش زیادی از توان و سرمایه خود را برای انتشار دایره‌المعارف ایرانی کودکان و نوجوانان مصروف کرده است. این شورا در هر سال، تعداد زیادی از نوجوانان بین ۸ تا ۱۶ سال را به عنوان شورای مشورتی خود انتخاب می‌کند و بسیاری از نظرسنجی‌ها و ارزیابی مقاله‌های دایره‌المعارف را توسط این شورا انجام می‌دهد. اکثر این نوجوانان به خانواده‌های طبقه متوسط و کم‌درآمد تعلق دارند.

۵- زیباترین بنایی که دیده‌اید کدام است؟

در مجموع ۲۷ جواب به صورت نامه برای ما ارسال شد. پاسخ‌ها نسبت به آنچه خواسته شده بود، کامل نبودند. در زیر، تعدادی از پاسخ‌های دریافت‌شده که مربوط به پرسش‌های اول، چهارم و پنجم هستند و برای این بررسی می‌تواند مفید باشد، آورده شده است. اما از تحلیل پاسخ‌ها خوداری کرده‌ایم و انتهای گزارش را نیز با چنین تحلیل‌هایی نبسته‌ایم. شاید به این دلیل که پاسخ‌ها آنقدر شفاف و روشن هستند که نیاز به تحلیل را منتفی می‌کنند. اکثر پاسخ‌ها همچون تصاویر، نیاز به شرح ندارند و بهتر است همین‌گونه که هستند، ارائه شوند.

پنج موضوع پیشنهادی

موضوع پیشنهادی اول - فضای اتاق خودتان (با اسباب و وسایل)

پاسخ‌های دریافت‌شده:

۱- چون اتاق من با خواهرم مشترک است، دو تخت دارد که در دو طرف اتاق به فاصله یک متر از یکدیگر قرار گرفته‌اند. کنار تخت من که در سمت راست اتاق قرار گرفته است کمدی قرار دارد که با کمدهای دیواری اتاقمان فاصله‌ای بسیار کم دارد (و البته گاهی اوقات برای بازکردن کمد دیواری دچار مشکل می‌شویم و این به خاطر نبودن جای کافی در اتاق و کوچک بودن آن است). درست مقابل کمد، میز کوچکی قرار دارد که تلفن مخصوص اتاقمان به علاوه چراغ مطالعه و یک عدد آینه روی آن قرار دارد. در بین تخت من و خواهرم میز کوچکی است، کتاب‌هایی را که معمولاً شب‌ها در تخت‌خواب مطالعه می‌کنیم و نیز ساعت کوچکی را که صبح‌ها به وسیله آن برای رفتن به مدرسه بیدار می‌شویم، روی آن قرار می‌دهیم. در طرف دیگر اتاق یعنی درست در کنار کمد دیواری، قفسه کتابی است که بسیار بزرگ و همیشه شلوغ است و به خاطر آنکه همه کتاب‌هایمان در آن قفسه جا نمی‌شوند، مقداری از آنها را در قسمتی از کمد دیواری که خالی است گذاشته‌ایم. (در قسمت بالایی کمد) و درست در فاصله نیم‌متری از کتابخانه، در ورودی به اتاق واقع است که جلو و پشت آن مملو از انواع و اقسام عکس‌برگردان‌های مختلف است، چون اتاق ما مشترک است، فقط من اتاق را توصیف کردم.

موضوع پیشنهادی دوم - فضای اتاق دلخواهتان (بدون اسباب و وسایل)

۱- دلم می‌خواست اتاقی داشتم با دیوارهای آبی، چون رنگ آبی را خیلی دوست دارم. آبی رنگ آسمان است و من آسمان را نیز خیلی دوست دارم. دلم می‌خواست پرده‌های اتاقم سبز بودند که اگر زمستان نیز به آنها نگاه می‌کردم به یاد بهار می‌افتادم. ای کاش، ای کاش می‌شد اتاقم آنقدر ساکت بود که حتی می‌توانستم صدای ضربان قلبم را نیز بشنوم، دوست داشتم درون اتاقم آواربوم بزرگی بود که در آن انواع و اقسام ماهی‌های جنوب وجود داشت و شب‌ها قبل از خواب به جای آنکه به تلویزیون نگاه کنم، ساعت‌ها به حرکات منظم ماهی‌ها می‌نگریستم

و کارهایشان را زیر نظر می‌گرفتم. کاش می‌شد سقف اتاقم از شیشه بود تا هر وقت بر روی تختم دراز می‌کشیدم، بتوانم آسمان و ستارگانش را ببینم و با یاد دُب اکبر بخوابم و شاید خواب ستاره شمال را ببینم.

۲- در ذهن من دو نوع اتاق تصویر شده است. یکی رویایی و دست‌نیافتنی و دیگری اتاقی که با معیارهای زندگی مطابق باشد. اتاق ایده‌آلی که من همیشه در ذهنم می‌پرورانم، اتاقی است به شکل هرم و خیلی وسیع با ستون‌های سنگی که بر روی آنها طرح‌هایی به سبک «سوررآلیسم» تصویر شده باشد. همچنین سقفی بلند و کفی از جنس سنگ مرمر شفاف و دیوارهای آن هم از سنگ صیقلی شده، یک تکه از پنجره عریض که حصارای جلوی آن نباشد با چشم‌اندازی زیبا به اضافه یک شومینه هیزمی و بزرگ و یک حوض شیشه‌ای که در وسط اتاقم واقع باشد با سیستم‌های تهویه و نورپردازی مناسب.

۳- من دوست دارم یک اتاق در طبقه آخر یک آپارتمان خیلی بلند داشته باشم و اتاقم کاملاً شیشه‌ای باشد، یعنی درها و همه چیزهای آن کاملاً شیشه‌ای باشند. من دوست دارم که طاق اتاقم به شکل مربع‌های به هم چسبیده‌ای باشد که روی هم یک طاق گنبدی‌شکل را تشکیل دهند، شیشه‌های اتاق یعنی در و دیوار آن طوری ساخته شده باشند که از داخل بتوانم کوچه و خیابان را نگاه کنم، ولی از بیرون کسی نتواند داخل اتاقم را نگاه کند. در ضمن دوست دارم اتاقم خیلی بزرگ باشد و اتاقم برادرم از اتاق من جدا باشد و وقتی که آفتاب به درون اتاقم می‌آید، کمی از گرمای آن کم شود، چون آفتاب مرا اذیت می‌کند. شب‌ها اتاق من مثل روز روشن باشد، ولی زود خوابم ببرد. در خانه‌ام پر از درختانی باشد شبیه نخل، ولی خاک وجود نداشته باشد و درختان از درون شیشه بیرون بیایند.

۴- یک اتاق به شکل پنج‌ضلعی منتظم که سراسر شیشه‌ای باشد و در بالای آن گل‌های پیچک روییده باشند.

موضوع پیشنهادی سوم - خانه خودتان (از کوچه یا خیابان)

۱- خانه ما در قسمت جنوبی خیابان بهمنی قرار گرفته و خانه‌ها به طور سری و یکسان و یک‌اندازه ساخته شده‌اند، یعنی پنجره تمام اتاق‌های خواب، پنجره و دستشویی رو به خیابان است.

موضوع پیشنهادی چهارم - خانه دلخواهتان (از کوچه یا خیابان)

۱- دوست داشتم خانه‌ای می‌داشتم با کنده‌کاری‌های سنتی. دلم می‌خواست خانه ما در دهات بود تا هر روز صبح وسایل نقاشیم را بردارم به کوه بروم، مناظر زیبا را نقاشی کنم و عصر را با بچه‌های خوب و مهربان روستایی بگذرانم یا گاهی بر روی تابی که در حیاط است بنشینم و به جای نگاه کردن به ساختمان‌های اطرافم، مناظر زیبای طبیعت را ببینم و درباره این زیبایی‌ها، شعر بگویم و بر روی کاغذ بیاورم و هزاران «ای کاش» دیگر که رسیدن به آنها از محالات است. چون خانه‌ای که من

می‌خواهم، خانه‌ای روستایی است.

۲. از فاصله دور خانه‌ای سفید و درخشان دیده می‌شود. خانه‌ای وسیع که از کیلومترها دورتر قابل دیدن است. گل‌ها در حیاط وسیع خانه به چشم می‌خورند، تابی سفیدرنگ در طرف راست حیاط خودنمایی می‌کند. در پشت تاب، نرده‌هایی سفید دیده می‌شود که حیاط را از دریای متلاطم جدا می‌کند. پله‌هایی حیاط را به زیرزمین می‌رساند. حوض بزرگی در زیرزمین دیده می‌شود که از سنگ‌های مرمر ساخته شده است و صدای فواره‌های آن مانند شرشر باران به گوش می‌رسد. پس از بالا رفتن از پله‌ها، دوباره به حیاط می‌رسیم. نمای بیرون خانه از ستون‌های محکم که بسان میخ بر زمین کوفته شده‌اند، تشکیل شده است که سقف بلند خانه را استوار نگه می‌دارد. نمای خانه از سنگ مرمر ساخته شده و به قدری صیقلی است که چهره انسان در آن قابل دیدن است. در کنده‌کاری شده صیقلی و زیبایی باز شده و سالن بزرگی روبه‌رویمان قرار می‌گیرد. پنجره‌های هلالی و رنگارنگ اتاق، نوری را که داخل خانه می‌شود به رنگ‌های مختلف در می‌آورند. روی ستون‌های اتاق، نقش‌هایی زیبا دیده می‌شوند. نقاشی‌هایی از شعر شعرای بزرگ ایران. سقف قهوه‌ای‌رنگ و براق آن به زیبایی سالن می‌افزاید و با مبلمان خانه هماهنگی لازم را دارد. راهرویی زیبا، سالن را به اتاق‌های دیگر مربوط می‌کند. اتاق‌هایی پر نور و قشنگ با نقش و نگارهایی که کار نقاشان بزرگ است. خانه مورد علاقه من این چنین است. خانه‌ای که با همه شکوه و زیباییش، خصوصیات خانه‌های ایرانی را هم دارد. خانه‌ای که با دست‌های خسته هزاران معمار ایرانی بنا شده. خانه‌ای که هر یک متر آن، نتیجه نفس‌ها و عرق‌های هنرمندان ایرانی است. خانه‌ای که با تمام شکوه، اصالت خود را از دست نداده است. این خانه، خانه مورد علاقه من است.

۳. من نیز شهری کوچک، کوچه‌ای آرام و پر درخت با جوی روان و خانه‌ای بی‌دغدغه و بی‌آلایش را می‌پسندم. خانه‌ای که از هرگونه تجملات ظاهری که خاطر را مشوش کرده، مرا به فکر وامی‌دارد که چگونه از آن محافظت کنم یا به چه نحو بر آن بیافزایم و غیره و غیره مبرا باشد. خانه‌ای را دوست دارم که دور تا دورش را درختانی بلند و گل‌های زیبا پوشانیده باشند و صبحگاهان زمانی که چشم می‌گشایم و پنجره را باز می‌کنم وجودم را از عشق و محبت لبریز گرداند. می‌خواهم خانه‌ام دایره‌وار باشد، میز خانه‌ام گرد باشد، پنجره‌هایم قوس‌دار باشند و اتاقم همچون نیم‌دایره‌ای قرار گرفته و دیواری به حیاط نداشته باشد. درختان را در هر لحظه که اختیار کنم، بینم و شب در میان آنها باشم. من آرامش را در دایره یافتم و «زاویه» را مایه ناآرامی خویش می‌دانم. دوست دارم نوای موسیقی در خانه‌ام طنین‌انداز باشد و در حیاط خانه‌ام صدای موسیقی، درختان و گل‌ها را نوازش کند. من تنهایی را دوست دارم و می‌خواهم که در خانه‌ام تنها باشم.

۴. من می‌خواهم خانه دلخواهم رنگ سفید داشته باشد و پنجره‌ها مستطیل باشند. سقف خانه شیروانی و دودکش داشته باشد. در خانه چوبی بوده و خانه بالکن هم داشته باشد.

موضوع پیشنهادی هفتم - یک خانه ایرانی آن‌طور که شما تصور می‌کنید

۱- شکل و ترکیب خانه‌های سنتی در ایران بسته به آب و هوای مناطق مختلف تا حدودی متفاوت بود. در اینجا از خانه‌ای سنتی در مرکز و مغرب ایران صحبت می‌کنم. در این خانه‌ها، خانه از صحن کوچک کمی پایین‌تر بود و برای رسیدن به در ورودی، می‌بایست چند پلکان پایین آمد. در طرفین در، دو طاقچه قرار داشت که در برخی شهرها به آن خواجه‌نشین می‌گفتند. در ورودی حیاط سنگین و چوبی بود و با گل‌میخ‌های زیبا تزیین شده بود که نقش آن نشان از گذشته‌های دیرین داشت. آن سوی در، دالانی مسقف و سپس حیاطی بزرگ و در میان آن حوضی زیبا قرار داشت. باغچه‌ها در اطراف آن بودند. معمولاً یک درخت مو نزدیک حوض بر داربست افراشته بود که در فصل گرما سایه‌ای دلنشین داشت. در ضلع جنوبی حیاط، انباری، زغال‌دان، مطبخ و در ضلع شمالی، اتاق‌های نشیمن و پذیرایی قرار داشت که دو طبقه بودند. طبقه‌ای که امروزه به آن همکف می‌گویند، باز هم از سطح حیاط پایین‌تر قرار داشت. دری کوتاه محل ورود اتاق وسط بود و در اطراف این اتاق، اتاق‌هایی تودرتوی دیگری وجود داشت. درست همین وضع در گوشه دیگر ضلع شمالی بود. بین این دو قسمت همکف، پله‌هایی وجود داشت که به اتاق‌های پذیرایی طبقه بالا منتهی می‌شد. دیوارهای حیاط بلند و قطور و دیوارهای اتاق‌ها نیز، قطور بودند. وجود این دیوارها و نبودن منافذ غیر ضروری هوایی مطبوع در گرما و سرما برای این منازل به وجود می‌آورد، به طوری که در زمستان با کمی گرما، هوا دلچسب و در تابستان از گزند گرما محفوظ بود. پنجره‌ها جز در اتاق پذیرایی چندان زیاد نبودند، البته نه به صورتی که روشنایی تأمین نشود. این مشخصات خانه‌ای ایرانی با قدمتی صدساله است.

پرسش‌ها

سؤال اول - از عناصری که مشخصه خانه‌های ایرانی هستند، کدام را می‌شناسید؟

از ۲۶ پاسخ دریافت‌شده در این خصوص، حداقل چهار عنصر و حداکثر شانزده عنصر از عناصر مشخصه خانه‌های ایرانی را می‌شناخته و نام برده‌اند.

سؤال چهارم - در بناها و فضاهای شهر، محله، مدرسه و خانه خودتان چه چیزهایی شما را آزار می‌دهند؟

۱- نداشتن حیاط و باغچه برای بازی کردن، نبودن فضای خالی و باز در شهر، کوچک‌بودن حیاط مدرسه.

۲- در خانه زیرزمین، در شهر سعادت‌آباد.

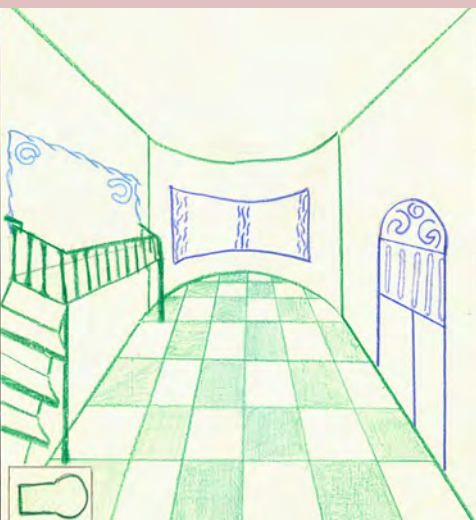
۳- هیچ چیز مرا آزار نمی‌دهد. زیرا جلوی خانه ما بنای بدی وجود ندارد.

۴- ساختمان‌هایی بزرگ با حیاط‌هایی کوچک.

۵- زباله‌دانی که سر یک پیچ واقع است و زباله‌ها را آنجا می‌ریزند و هر یکماه یا بیشتر



یک خانه ایرانی
سارا صلاحی - اول راهنمایی



اتاق دلخواه من
شقایق ریاضی - سوم راهنمایی



خانه دلخواه من
خماسه ساده وند - اول راهنمایی



حیاط قدیمی
یکتا بهروزی - اول راهنمایی

تخلیه می‌شود و گاهی هم به جای تخلیه آتش می‌زنند.
۶- در شهر، بی‌نظمی معماری خانه‌ها و کوچه‌ها مانند وجود خانه‌هایی با معماری مدرن در کنار خانه‌هایی کلنگی که از معماری سنتی آنها فقط سایه‌ای باقی مانده است. وجود کوچه‌های بسیار تنگ و پر پیچ‌وخم و ناصاف. در خانه، از بین رفتن فضاهای سنتی خانه‌ها مانند باغچه و حوض و سرداب، ... و شبیه‌شدن آنها به شرکت‌ها و ادارات. در مدرسه، قدیمی بودن بیش از حد ساختمان و نبودن تزیینات سنتی ایران در مدارس و نداشتن زمین بزرگ برای ورزش و تفریح و حتی نبودن فضای کافی برای کلاس‌ها و آزمایشگاه و کتابخانه.

۷- طراحی بد، خراب بودن میز و صندلی و بنای ساختمان، کثیف بودن ساختمان و زشتی محیط شهر، ناهماهنگی ساختمان‌ها.
۸- اتومبیل‌های زیاد، آلودگی هوا، کوچکی کلاس‌ها و حیاط، شکل بنای خانه، کثیفی شهر.

۹- سقف‌های کوتاه، ماشین‌های فراوان، هوای آلوده، درختان مریض، نبودن جای خلوت در شهر، نیمکت‌های کوچک، دیدن گربه‌ها و انسان‌هایی که از زباله‌ها تغذیه می‌کنند، نبودن حیوان‌های متنوع و اهلی در شهر، مردم خواب‌آلود ولی در حال تحرک.

۱۰- دود ماشین‌ها و صدای بوق ماشین‌ها، کثیفی و آلودگی هوا، زندگی در شهر تهران.

۱۱- فقر مردم.

۱۲- بناهای زشت.

۱۳- برای زیباتر کردن خانه‌ها، قوانینی که در قدیم برای ساخت به تناسب شرایط آب و هوایی مورد نظر رعایت می‌شد، زیر پا گذاشته شده است. چنان‌که در قدیم به کولر و بخاری احتیاج نبود، چون خانه با قوانینی دیگر ساخته می‌شد و اما در این روزگار با استفاده از وسایل خارجی و تکنولوژی خارجی قوانینی که برای ساخت بناهای قدیمی ایرانی به کار می‌رفت، نادیده گرفته شده و کافی است که مثلاً در تابستان چند ساعتی برق قطع شود و گرما به این ترتیب در خانه بیداد می‌کند.

۱۴- هیچ.

۱۵- هیچی.

۱۶- آلودگی، تیرگی رنگ‌ها.

۱۷- یکنواختی، رنگ‌های تیره، ساختمان‌های کثیف، ناهماهنگی در بین شکل‌های ساختمان‌ها، درهم بودن بنای شهر.

۱۸- کوچک بودن بناها، نامتناسب بودن آنها از نظر معماری، تعداد زیاد خانه‌ها در کوچه‌های باریک، فشردگی خانه‌ها.

۱۹- یکنواختی رنگ و ساختمان‌ها، حیاط‌های کوچک و دیوارهای خانه‌ها.

۲۰- کوچک بودن خانه‌ها، نداشتن حیاط، کمبود فضای حیاط مدرسه و کوچکی کلاس‌های درس (در برخی جاها).

۲۱- هیچ چیز.

۲۲- هیچ چیز.

۲۳- در شهر و محله خانه‌های خرابه‌ای که به سراغ آنها نمی‌آیند و باعث بلندشدن خاک و آلودگی می‌شوند، مرا آزار می‌دهد.

۲۴- کثیفی، شلوغی.

۲۵- آلودگی جوی‌ها و وجود موش‌ها و آلودگی شهر، دود ماشین‌ها و همین‌طور سروصدایشان، کوچکی و کمبود کلاس‌ها، شکل و شمایل خانه‌ها، آشغال‌های شهر.

۲۶- آلودگی هوا، دیدن آب بینی یا دهان کسی که روی زمین افتاده باشد. و وقتی معلم یا ناظم بچه‌ای را می‌زند.

سؤال پنجم - زیباترین بنایی که دیده‌اید، کدام است؟

۱. تخت جمشید / ۲. چهل ستون / ۳. همه بناها از نظر من قشنگ هستند / ۴. بناهای کنگاور و کمال‌الملک و ابوعلی سینا / ۵. زیباترین جا، غار علیصدر و زیباترین بنا، منارجنبان / ۶. مسجد سپهسالار و شاهزاده عبدالعظیم / ۷. تخت جمشید، عالی قاپو، چهل ستون، منارجنبان، آرامگاه حافظ و سعدی / ۸. حمام فین / ۹. چهل ستون، مقبره بابا طاهر و ابوعلی سینا / ۱۰. تخت جمشید / ۱۱. غار علیصدر / ۱۲. چهل ستون، عالی قاپو، حمام فین کاشان / ۱۳. هتل قدیمی رامسر / ۱۴. تاج محل در هندوستان / ۱۵. کاخ سعدآباد / ۱۶. برج ایفل / ۱۷. منارجنبان / ۱۸. کاخ گلستان / ۱۹. تخت جمشید / ۲۰. ... / ۲۱. یک ساختمان ۳۸ ساله در بیمارستان دادگستری، یک خانه ایرانی دوپست‌ساله در بروجرد / ۲۲. بیگ‌بن / ۲۳. سی‌وسه پل / ۲۴. هشت بهشت اصفهان / ۲۵. سی‌وسه پل / ۲۶. به نظر من همه آنها زیبا هستند و فرقی بین آنها نمی‌توان گذاشت / ۲۷. ...

اتاق خودم
سارا صلاحی - اول راهنمایی



اتاق من
یکتا بهروزی - اول راهنمایی



خانه دلخواه من
شقایق ریاضی - سوم راهنمایی



خانه دلخواه من
نازنین پوینده - دوم راهنمایی



بخش چهارم

خانه و شیوه زندگی

هر خانواده معمولاً متشکل از اعضای با تمایزهای سنی، جنسی، دانشی، تخصصی، عاطفی، اجتماعی و از این قبیل است. خانواده‌ها در طول زندگی، دوران‌های مختلفی را طی می‌کنند. در آغاز شکل‌گیری، خانواده از یک زوج تشکیل می‌شود و در بسیاری از فرهنگ‌ها زوج جوان زندگی خود را در کنار پدر و مادر یکی از زوج‌ها آغاز می‌کنند. با به دنیا آمدن اولین فرزند، خانه موجود جدیدی را در خود جای می‌دهد که نیازهای خاص خود را دارد و روابط، رفتارها و فعالیت‌های تازه‌ای را با خود به همراه می‌آورد و بر رفتار و فعالیت همه اعضای خانواده تأثیر گذار است. با رشد او نیازمندی‌هایش، روابطش و فعالیت‌هایش تغییر می‌کنند و در همین دوران و به موازات رشد کودک، بزرگترهای خانواده نیز دوره‌های مختلف از عمر خود را می‌گذرانند و احساساتشان، نوع روابطشان با یکدیگر و با فرزندانشان و همچنین چگونگی گذران اوقاتشان متحول می‌شود. خانه می‌باید بتواند پاسخگوی این پویایی زندگی خانوادگی در دوره‌های مختلف حیات آن باشد.

نه تنها در طول دوران‌های مختلف، بلکه نگاه به یک مقطع زمانی معین از زندگی خانوادگی نیز بیانگر پیچیدگی و تنوع جنبه‌های زندگی است که در قلمرو یک خانه روی می‌دهد.

در ایران همچنان خانواده مرکز روابط اجتماعی است و هنوز نهادهای دیگری مانند انجمن‌ها و کلوپ‌ها و مؤسساتی مشابه جایگزین ویژگی‌ها و مرکزیت اجتماعی خانواده نشده‌اند و سهم خانواده در تعلیم و تربیت فرزندان و انتقال آداب و سنن به آنان بسیار زیاد است. همچنان خانواده‌های ایرانی با خویشاوندان و دوستان خود در خانه معاشرت می‌کنند و برگزاری میهمانی‌ها و مراسم در خانه، همچنان مرسوم است. این معاشرت‌ها از پذیرا شدن تعداد اندک مهمان تا جشن‌ها و میهمانی‌های بزرگ را در بر می‌گیرد.

در مقایسه با غرب، خانه ایرانی اغلب صبح‌ها خالی نیست و در طول روز بیش از یک وعده غذا در آن صرف می‌شود و تنها محلی برای خوابیدن نیست. اعضای خانواده ایرانی در خانه و کنار یکدیگر غذا می‌خورند، با یکدیگر به تماشای تلویزیون می‌نشینند و اوقاتی را در کنار یکدیگر نشسته و با هم گفتگو می‌کنند.

از سوی دیگر نه تنها در دوران معاصر و نه تنها در ایران، هر فرد از اعضای خانواده، دارای روابط شخصی خود، علاقمندی‌ها و فعالیت‌های فردی خویش و همچنین

اشیا مخصوص به خود است. این فعالیت‌ها نیز به اعتبار نامحدود بودن تنوع زندگی افراد، بسیار متنوع خواهد بود. در بسیاری مواقع فرزندان خانه‌ها با دوستان خود در خانه بازی می‌کنند و اجتماعی کوچکتر و خصوصی‌تر را تشکیل می‌دهند. پدر و مادر خانواده گاه، همکاران و دوستان خود را در خانه می‌پذیرند و بنابراین طیف متنوعی از خلوت افراد و انزوای اعضای خانواده یا بودن با دیگری، دیگران و با همگان، امکان تحقق در خانه خواهد داشت و خانه و فضاهای آن باید پاسخگوی این گستردگی و تنوع باشد.

بررسی سازمان فضایی خانه‌های تاریخی در ارتباط با شیوه زندگی که در آن‌ها جریان داشته، از خلال گفتگو با ساکنان این خانه‌ها و پاسخ‌هایی که آنان به پرسش‌های مطرح شده در این زمینه داده‌اند، آشکار می‌کند که معماری خانه‌های تاریخی پاسخگوی این تنوع ابعاد و پویایی شیوه زندگی در خانه بوده است. این امر بیانگر اشراف فرهنگ معماری و معمار ایرانی بر تنوع زندگی، تا حد جزئی‌ترین رفتارها و نیازها بوده است.

این همخوانی، در این سرزمین حاصل تجربه سالیان شیوه سازماندهی فضا و تبدیل شدن آن به نهادی بوده است که همواره مورد بازبینی جامعه قرار می‌گرفته و در درون آن بازتعریف و اصلاح می‌شده است.

این پشتوانه تاریخی و فرهنگی و حضور معماری به مثابه یک پدیده اجتماعی، بیرون آمده از بطن یک جامعه، سبب شده است که شیوه زندگی به صورت همگرا در سازمان فضایی خانه عمل کند. به این معنا که سازمان فضایی خانه ایرانی در کل و در هر جزء فضا، خانواده و روابط اعضای خانواده با یکدیگر، رابطه خانواده با خویشاوندان، دوستان و همسایگان را مدنظر قرار داده است. به فرد، قلمرو خصوصی مورد نیاز وی، رفتارهایی که در خلوت و فضای خصوصی دارد و معاشرت‌های خاص هر یک از افراد خانواده توجه کرده است. برای نیازمندی‌های انسان در سنین مختلف در این سازمان فضایی، پاسخ فضایی وجود دارد و به ارتباط انسان با طبیعت، اندیشیده شده است.

راه‌حل‌های معمارانه و پاسخ‌های فضایی معماری خانه‌های تاریخی به مفهوم خانه و این تنوع ابعاد زندگی بر اساس سه مفهوم محوری شکل گرفته‌اند:

- انعطاف‌پذیری سازمان فضایی و امکان بسط و ترکیب فضاها با یکدیگر
- وجود فضاهای حریم
- طراحی ترکیبی جزءفضاها

در خانه‌های تاریخی مضامین و معانی مرتبط با نزدیک شدن به خانه و تغییر قلمرو از بیرون به درون در فضا منعکس شده است. عناصری معمارانه همچون بادگیرها، به نشانه‌هایی تبدیل شده‌اند که نزدیک شدن به فضای آشنای خانه را خبر می‌دهند. حضور خانه در بیرون از خود منعکس می‌شود و قلمرو نیمه‌عمومی - نیمه خصوصی متعلق به چندین همسایه در حدفاصل شهر تا خانه شکل می‌گیرد و دارای مصداق فضایی به صورت بن‌بست‌ها و دربندها است. درگاه خانه‌ها، انعکاس فضایی انتظار

بر درب خانه تاگشوده شدن آن و گفتگویی کوتاه با همسایه است. در خانه‌های تاریخی، خانه از طبیعت جدا نیست و حیاط مهم‌ترین فضای آن است. طبیعت با حضور آب و گیاه و جریان باد در آن بر اهل خانه عرضه می‌شود و می‌توان طبیعت را در حریم خصوصی از نزدیک تجربه کرد. در داخل فضاهای بسته نیز، ارتباط با طبیعت از طریق وجود چشم‌انداز از اتاق‌ها به حیاط همچنان برقرار می‌ماند.

معاشرت با دیگران از تعداد محدود افراد، تا برگزاری جشن و مراسم بزرگ، بوسیله امکان ترکیب انواع فضاها و بسط آن‌ها به یکدیگر امکان‌پذیر است. فرهنگ چگونگی حضور اشیاء خانگی در خانه ایرانی نیز، بر امکان تحقق این ترکیب‌های فضایی می‌افزودند. اشیاء در خانه‌های ایرانی، در تحکیم و غنای فضا ایفای نقش می‌کردند اما نقش اصلی را در تعریف فضا بر عهده نداشتند و به این ترتیب حضور آنان مانع ترکیب شدن فضاها با یکدیگر نمی‌شد.

علاوه بر این، وجود فضاهای بینابینی و حریم، درجات مختلفی از طیف فضای خصوصی تا عمومی را در خانه شکل داده است. به عنوان مثال فضاهای کاملاً خصوصی همچون اتاق‌هایی که در بالاخانه قرار می‌گرفتند، اتاق‌های زاویه و فضاهایی که در سازمان فضایی خانه در دورترین لایه فضایی نسبت به حیاط قرار گرفته‌اند و همچنین مجموعه‌ای از فضاهای باز، بسته و پوشیده به صورت حیاط، ایوان، اتاق، پستو و راهروهای کناری آنها که به صورت حریم عبوری و فضایی این مجموعه عمل می‌کند. زندگی خانوادگی در این مجموعه فضاها به صورت مستقل از سایر فضاها امکان‌پذیر است.

سازمان فضایی خانه‌های تاریخی، تنوع فضایی گسترده‌ای را برای ساکنانش عرضه می‌کند و مشوق تجربه‌ها و فعالیت‌های متنوع است و ابعاد هر فعالیت به ظاهر ساده را با این ارائه تنوع فضایی افزایش می‌دهد. غذاخوردن که یکی از عادی‌ترین فعالیت‌هایی است که در یک خانه رخ می‌دهد، در خانه تاریخی تجربه آن در فضاهای سرپوشیده همچون ایوان‌ها، در حیاط و بر روی تخت روی حوض و در اتاق بسته اتفاق می‌افتد. در ایوان تجربه غذا خوردن همراه می‌شود با نظاره طبیعت از دور، هوای تازه و حضور نسیم و غذا خوردن در حیاط، تجربه حضور در یک باغ را تداعی می‌کند. خوابیدن نیز در هر سه‌گونه فضایی باز، بسته و پوشیده رخ می‌دهد و حضور آسمان، تجربه دیدار آن و کنجکاو‌های گشتن به دنبال یک ستاره دنباله‌دار بخشی از تجربه شبانه ساکنان این خانه‌ها است که در هنگام فصل سرما، سقف اتاق‌ها، جایگزین این تصویر آسمان می‌شوند و خاطره آن را تا فصل گرم بعد زنده نگه می‌دارند.

این تنوع فضایی، که از طریق تنوع در میزان محصوریت فضاها، کیفیت نور، و حضور جریان هوا ایجاد می‌شود، ساکنان این خانه‌ها را نسبت به کیفیات فضایی حساس کرده است. چنانکه ادراک آنان از فضای خانه تمامی این تنوع‌ها را شامل می‌شده و می‌توانند آن را بیان و به توصیف درآورند.

شیوه زندگی و خانه‌های معاصر

در شیوه زندگی معاصر، نقش معمار و اهمیت معماری تقلیل یافته است و هم‌تراز با نقش و اهمیت اقتصاد و سیاست نیست. از طرف دیگر، واقعیت جامعه امروزی ما و مواجهه اقشار گسترده‌ای از جامعه با مسئله کمبود مسکن و گرانی باعث شده که صاحبخانه شدن نعمتی به حساب آید تا آنجا که هرگونه مسکنی بهتر از بی‌مسکنی است و آنچه در حد گسترده از طریق تعاونی‌ها و انبوه‌سازان عرضه می‌شود، آپارتمان‌هایی هستند که گذشته از ارزش پولی و بی‌ارزشی معماری آنها، امکان پاسخگویی به نیازهایی فراتر از نیازهای بیولوژیک را ندارند.

نعمت صاحبخانه بودن

شرایط موجود آدمی را وا می‌دارد که از داشتن هرگونه سرپناهی راضی و خشنود باشد، بدون آنکه به کاستی‌ها و به معماری آن بیندیشد. نعمت **صاحبخانه بودن** مهم‌ترین الویت **اسکان** است. ولی جادار بودن خانه، کیفیت اجرا و جوابگویی به مسائل اقلیمی همه و همه فرعی بر اصل می‌باشند. دیوارهای نازک، ارتفاع حداقل سقف‌ها، فقدان حریم‌های داخلی و خارجی (فضاهای بینابینی) در خدمت امکان فروش بیشترین متراژ زیربنا، پنجره‌های بزرگ که از کف تا سقف را پوشش داده و مقولاتی از این دست حتی به عملکرد و اقلیم هم پاسخ نمی‌گویند، چه رسد به طراحی خانه‌ها بر اساس درک یکپارچه از شیوه زندگی. اکنون عوامل زمینه‌ساز و کالبدی معماری، تعیین‌کننده شکل‌گیری بنا و سازمان فضایی خانه شده‌اند و اقتصاد و ضوابط و مقررات اداری فضای خانه را شکل می‌دهند. معمار و معماری امکان نمی‌یابند تا آنچه را اقتصاد یکطرفه و مقررات کنترل‌کننده تدارک دیده‌اند به زبان فضا ترجمه کنند.

کاهش حساسیت‌های فضایی شهروندان

با اتکا بر پاسخ‌های به دست آمده از طریق سؤال‌های مطرح‌شده در پرسشنامه‌های خانه‌های معاصر می‌توان به اعتراضات خفته ساکنان پی برد. اعتراض به سازمان فضایی خانه علی‌رغم از بین رفتن حساسیت فضایی شهروندان در سال‌های اخیر صورت گرفته است. این امر بدان علت است که مشارکت فضا در تعیین حریم‌های خصوصی و تشویق برخوردهای اجتماعی در خانه به شدت کاهش یافته است و در مقابل نقش اشیا، مبلمان، پرده و پارتیشن افزایش یافته است. خانه از بیرون حس «مکان» خاص متعلق به خانواده ساکن را به نمایش نمی‌گذارد. اهمیت فضاهای حد فاصل بیرون و درون به شدت کاهش یافته است. توجه به عمق، مرکزیت، جهت و هدایت در فضاهای داخلی خانه از بین رفته است.

دیدگاه حاکم بر مسکن هدفش آن است که بر «بی‌خانمانی» غلبه کند و می‌خواهد از طریق تقلیل زیربنا و توزیع هر چه کمتر سطح، خانوارهای بی‌خانمان را صاحب مسکن کند، در چنین وضعیتی، نه تنها سطح زیربنایی خانه می‌بایست کاهش

یابد، بلکه با توجه به تک‌منظوره شدن اتاق‌ها، امکان استفاده از فضاهای خانه کاهش می‌یابد و این در حالیست که هریک از اعضای خانواده، برای تأمین حداقل خلوت خود، به یک اتاق اختصاصی احتیاج دارد. ساکنان از چشم‌انداز پنجره‌ها چشم پوشیده‌اند و تقریباً به هوا و نور مرتبط با پنجره‌ها نیز بی‌توجه هستند. دیگر فضاهای باز و نیمه‌باز از زمره نیازمندی‌های فضایی آنها محسوب نمی‌شود. فصل‌ها را باید در بیرون خانه تجربه کرد و معادل تجربه فضایی فصول در خانه به کارآیی سیستم‌های حرارتی-برودتی واگذار شده است.

شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه‌های تاریخی و معاصر

مقدمه

بخش اول:

پرسش از ساکنان خانه‌های تاریخی

ورود به خانه / تنوع فضا / توالی ، ترکیب و انعطاف پذیری فضاها / حضور در حیاط / زندگی در سطوح مختلف /
فضاهای خدماتی / آب‌انبار ، پشت بام ، تجربه‌های فضایی کودکان / تقسیم و ترکیب فضا بر حسب ساکنان ، انواع مراسم و آیین‌ها

بخش دوم:

پرسش از ساکنان خانه‌های معاصر

پرسش‌ها (۴۰ پرسش) و نتیجه‌گیری از پاسخ‌ها

بخش سوم:

تجربه پرسش‌گری از نوجوانان

پنج موضوع پیشنهادی

پرسش‌ها

بخش چهارم:

خانه و شیوه زندگی

شیوه زندگی و خانه‌های معاصر

نعمت صاحبخانه بودن

کاهش حساسیت‌های فضایی شهروندان

مقدمه

در این فصل از کتاب، مجموعه‌ای از پاسخ‌های ساکنان خانه‌های تاریخی و معاصر در دو بخش مجزا، مدون شده‌اند. برای این دوگروه خانه، دو نوع پرسشنامه تهیه شد. در مسیر کسب نظر از اشخاصی که حضور در خانه‌های تاریخی را به یاد داشتند، بیشتر از شیوه گفت‌وگوی حضوری و ضبط پاسخ‌ها استفاده شد و برای ساکنان خانه‌های معاصر از پرسشنامه. در هر پرسش رابطه متقابل شیوه زندگی و سازمان فضایی مد نظر بوده است.

برای این کار هیچ نمونه مرجع و الگوی راهنما وجود نداشت. این پرسشنامه‌ها که در طی شش ماه شکل گرفتند، محصول ثبت و بررسی مشاهدات میدانی، تجزیه و تحلیل مطالعات کتابخانه‌ای و بحث و گفت‌وگوی فراوان با عالمان رشته‌های علوم اجتماعی و مردم‌شناسی هستند. چند نمونه اولیه پرسشنامه نیز، برای سنجش نتایج پرسشگری تهیه شد اما آنچه در این کتاب عرضه می‌شود، جمع‌بندی آخرین پرسشنامه‌هاست.

سؤال‌های مندرج در هر دو پرسشنامه که خود حاوی دیدگاه‌ها، گرایش‌ها و علایق معمارانه این بررسی می‌باشند، به همان صورت که پرسیده شده در اینجا ارائه شده‌اند، تا برای خوانندگان فرصتی باشد جهت اظهار نظر مشخص و همچنین قرار گرفتن در موضع پرسش‌شونده و اندیشیدن به آنچه در محتوای هر پرسش نهفته است. یافتن پرسش‌شونده و ورود به خانه‌ها کاری بسیار مشکل بود و می‌بایست در هر مورد راه حل خاص همان مورد را به دست می‌آوردیم و اگر همراهی همکاران بومی نبود، امکان برقراری ارتباط توأم با اعتماد تقریباً محال می‌نمود. امکان درج پاسخ پرسش‌هایی که به خانه‌های تاریخی مربوط هستند به همان شیوه که مطرح شدند - چه آنها که به گفت‌وگو رضایت دادند و صدایشان ضبط شده است و چه آنها که به نگارش راضی شدند - در حوصله این کتاب نیست. این مطلب در مورد خانه‌های معاصر نیز صادق است. پاسخ‌ها گاه به شدت شخصی و خصوصی شده‌اند و گاه چندان به پرسش مورد نظر مربوط نیستند و ما نیز می‌پذیریم که قادر به طرح پرسش‌هایی دقیق‌تر نبودیم. به همین علت کوشیدیم تا از یک طرف مخرج مشترک پاسخ‌ها را گردآورده کنیم و از طرف دیگر، نکته‌های ویژه‌ای که در هر پاسخ نهفته بود، را مطرح سازیم.

در بخش اول این فصل مجموعه پرسش‌ها و جمع‌بندی‌ها، پاسخ‌های مرتبط با خانه‌های تاریخی و در بخش دوم، پرسش‌ها و پاسخ‌های مربوط به خانه‌های معاصر ارائه شده است. در بخش سوم تجربه پرسشگری از کودکان و نوجوانان مطرح شده است.

بخش اول

پرسش از ساکنان خانه‌های تاریخی

سیزده سؤال اصلی که هر یک مجموعه‌ای از تعدادی سؤال‌های کوچک‌تر هستند، برای پرسشگری درباره خانه‌های تاریخی طراحی شد. در سؤال اول، به جهت یابی، تشخیص و تشخیص خانه از بیرون، حس وارد شدن و جداسدن از معبر، تشخیص فضایی، تمایز درون از بیرون، حس هدایت‌شدن و طی‌کردن فضای گذار توجه شد. همزمان در سؤال اول، حضور همراهان و انجام فعالیت‌های ممکن در بدو ورود پرسیده شد و سعی شد تا خوانایی فضایی از لحظه ورود مورد سؤال قرار گیرد. برای جمع‌آوری واژگان فضایی و نام‌های خاص فضاها در سؤال دوم، نام و تعداد فضاها پرسیده شد.

در سؤال سوم، درباره حس هدایت فضایی توأم با امکان آزادی انتخاب مسیرها، امکانات بسط فضاها، تبدیل فضاها، انعطاف‌پذیری فضا پرسیده شده و اینکه آیا همزمان در یک فضا امکان تحقق چند حس و چند عملکرد، موجود بوده یا نه؟ طرح مسئله حضور اشیا در اتاق‌ها، اتصال فضاها، چگونگی توجه به نور و تأمین روشنایی، رابطه بین کیفیت یک فضا با نوع و میزان نوری که بدان وارد می‌شود، توجه به قابلیت‌های انفرادی و اجتماعی اتاق‌ها، توجه به حریم‌ها و قلمروها، چگونگی مشارکت دیوار، سقف و کف در ایجاد کیفیت‌های فضایی هر اتاق، توجه به آزادی انتخاب فضاها برای انجام فعالیت‌های مختلف، در سؤال سوم پرسیده شد.

در سؤال چهارم، رابطه فضای باز بیرون (شارع عام) و فضای باز درون (حیاط) برایمان اهمیت داشته، به علاوه می‌خواستیم از چگونگی گذار، تشخیص و تشخیص فضایی گذار بین بیرون و حیاط مطلع شویم. شناخت حیاط به مثابه خصوصی‌ترین فضای باز همه اعضای خانواده، طیف فعالیت‌هایی که در این فضا تحقق می‌یافتند و همچنین چگونگی تعریف این فضا در سؤال چهارم مطرح شدند.

در سؤال پنجم، خواهان تمرکز و تفکر مجدد بر یادآوری فضاها فراموش شده از کنج و پستوی حافظه پرسش‌شونده بودیم.

در سؤال ششم با اشاره به فضای ویژه‌ای که چگونگی حضورش در خانه‌های تاریخی (زیرزمین) تقریباً از فضاها خانه‌های معاصر حذف شده، خواهان شناخت روابط متقابل آسایش، عملکرد، درجه پوشیدگی و اتصال زیرزمین با شیوه زندگی و سایر فضاها خانه بودیم.

در سؤال هفتم که هنوز و همچنان اطلاعاتمان درباره پرسش مطرح‌شده، ناقص است به چگونگی مقام تأسیسات، تجهیزات و فضاهای خدماتی پرداخته شده است. در این سؤال هم کارآیی و هم معماری آنها مد نظر بودند.

در سؤال هشتم، به‌گفت‌وگو درباره بام پرداختیم. فضایی که ساختمان‌سازی معاصر نقشی حداقل برای آن قائل شده و در معماری خانه‌های تاریخی، نقش آن ایجاد تنوع فضایی و چشم‌انداز و محیط تازه‌ای برای تجربه‌های مختلف در طول روز و

شب بوده است. تجربه زیستن در سطوح مختلف و اثرات روحی و روانی آن در این سؤال مورد نظر بوده است.

در سؤال نهم، برقراری رابطه با آب، تأثیر محیطی آب بر فضا و نقش فضا در هدایت آب و شناسایی مقوله‌هایی از این دست، حائز اهمیت بوده است.

در سؤال دهم، بزرگ شدن با فضا، بزرگ شدن در فضا، بزرگ شدن فضا و متنوع شدن آن و نقش فضا در تحکیم معاشرت و رویارویی آدم‌ها، پرسش شده است.

در سؤال یازدهم، دیدگاه نسل‌های متفاوت، خاصه کهنسالان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در سؤال دوازدهم، آیین‌ها و فضاها، فضاهای آیینی و آیین فضاها به مثابه یکی از شاخص‌های اصلی شیوه زندگی مد نظر قرار گرفته است و بالاخره در سؤال سیزدهم، تشخیص رابطه میزان و حجم فضا با تعداد نفرات ساکن یا متوسط نفرات پایدار و ناپایدار ساکن در خانه اهمیت داشته است. اکنون، پرسش‌ها و نتیجه‌گیری از پاسخ‌ها را می‌خوانیم.

ورود به خانه

در سؤال اول پرسیدیم، چگونه وارد خانه می‌شدید؟ از بیرون تعریف کنید چه می‌دیدید؟ چون وارد می‌شدید چه حس می‌کردید؟ چه کارهایی به هنگام داخل شدن انجام می‌دادید؟ اگر تنها بودید چه می‌کردید؟ اگر با دوست و فامیل بودید؟ اگر همراهتان یک غریبه بود؟ اگر کلید همراهتان نبود، چه می‌کردید؟ نور بیرون و درون چقدر فرق داشت؟ چراغ روشن می‌کردید؟ آیا احتیاج به چراغ بود؟ هوای بیرون و درون چقدر فرق داشت؟ هنگام وارد شدن، چقدر فضا وجود داشت؟ جواب‌های به دست آمده حاکی از آن هستند که:

آشناترین نماد رسیدن به خانه سردر خانه بود. اما فضاهای نیمه‌خصوصی که به حریم خانه و همسایگان مربوط بود، قبل از رسیدن به سردر آغاز می‌شد. گاه از دور لبه ایوان و یا رأس بادگیرها دیده می‌شد. اشکال و تزیین‌های آشنای سردر، رسیدن به خانه را از دور اعلام می‌کردند. به محض ورود، نور و هوا تغییر می‌کرد، به فضای آرامش‌بخشی وارد می‌شدند. به چراغ احتیاجی نبود، خاصه در ایام روز که معمولاً یا از سقف یا از بالای سردر نور در حد روشن کردن فضا به داخل می‌تابید. اگر همراهی داشتند، در می‌زدند یا با صدای بلند اعلام می‌کردند و آنقدر فضا بود تا زمان برای خبر کردن اهل خانه وجود داشته باشد.

سازمان فضایی خانه، واردشدگان را بر حسب رابطه آنها با خانواده به فضاهای مختلف هدایت می‌کرد. ورودی، فضایی شاخص و مستقل بود و به کفایت، امکان مکث داشت. تمامی فضاهای خانه در بدو امر معلوم نبود و به تدریج آشکار می‌شد. حساسیت ساکنان به تاریکی حائز اهمیت بود. البته به عنوان یک بررسی مستقل، مقوله مواجهه با نور و روشنایی، پژوهش دیگری را نیاز دارد. فضای ورودی در خانه‌های تاریخی این امکان را فراهم می‌آوردند که فعالیت‌هایی از نوع مذاکره،

دیدوبازدید سریع و غیر رسمی، ردوبدل کردن مایحتاج و از این قبیل، در آنها صورت پذیرد.

تنوع فضا

سؤال دوم: چه فضاهایی در این خانه بود؟ نام ببرید.

پاسخ‌ها نشان می‌دهند که علی‌رغم تنوع و تعداد فضاها، هرگونه فضایی چه باز، بسته یا پوشیده و چه کوچک و بزرگ، نامی مشخص داشت. هیچ پاسخگویی حافظه‌اش یاری نکرد تا به تمامی، آنها را بازگو کند. نام فضاهای ارتباطی مانند دالان، مردگرد یا غلام‌گرد، کمتر عنوان شد و فضاهای باز نیز مانند مهتابی، بهارخواب و صفه در نیمی از پرسش‌ها مطرح شدند. فضاهای سرپوشیده، مانند ایوان و حوضخانه، یادآور خاطرات پرشوری از زندگی و کار در خانه بودند.

تنوع اتاق‌ها (سه‌دری، پس‌اتاق، پنج‌دری، گوشوار)، تنوع سطوح (سرداب یا سیزان، پایین‌خانه، بالاخانه و بام)، تنوع پوشش‌های کف (آب، درخت و گل، سبزی، انواع آجرها، کاهگل، انواع مصالح دیگر)، تنوع نورها در هشتی، دالان، حیاط و زیرزمین، سازمان فضایی خانه را بسیار متنوع می‌کرد و می‌بایست بر حسب فضاها، نام و تنوع‌های مندرج در آنها به طور مستقل، بررسی ویژه‌ای انجام گیرد. فضاها عمدتاً بر حسب ویژگی‌های فضایی، مکانی، قلمروهای عمومی، خصوصی و آیینی نام‌گرفته‌اند مانند کنج، اتاق زاویه، شاه‌نشین، مهتابی و شاید بتوان از بیرون خانه تا درون آن بر حسب نام فضاها در شهرهای مورد بررسی، فهرستی ناقص به قرار زیر تهیه کرد:

دربند، سردر، هشتی، دالان یا مردگرد یا غلام‌گردش، حیاط، تختگاه یا ایوانچه، مهتابی، بهارخواب یا صفه، شارمی، شناسیل، طارمی، دودری، سه‌دری، پنج‌دری، شاه‌نشین، شکم‌دریده یا تالار، پس‌اتاق، پستو، کنج، زاویه، ایوان، حوضخانه، سرپوشیده، سرداب یا سیزان، پس‌سرداب، طنپی، بالاخانه، گوشوار، بام، آشپزخانه یا مطبخ، حوض با پاشویه و دستشویی، آبریزگاه یا موال، کریاس، باغچه و گودال باغچه و ...

توالی، ترکیب و انعطاف‌پذیری فضاها

سؤال سوم: چگونه وارد اتاق‌ها می‌شدید؟ از ورودی تا اتاق‌ها چقدر راه بود؟ آیا این راه مستقیم بود؟ چه می‌دید؟ در مسیر حرکت به سمت اتاق‌ها چه حس می‌کردید؟ چه وسایلی در اتاق‌ها بود؟ چند نوع اتاق از نظر اندازه و قد و قامت وجود داشتند؟ آیا اتاق‌ها به هم ربط داشتند؟ اتاق‌ها چگونه به هم ربط داشتند؟ چند اتاق به یکدیگر متصل بودند؟ نور اتاق‌ها یکسان بود؟ نور اتاق‌ها چگونه تأمین می‌شد؟ در شب نور اتاق‌ها یکسان بود؟ اگر مهمان می‌آمد، در کدام اتاق پذیرایی می‌شد؟ اگر دوست و قوم نزدیک می‌آمد در کدام اتاق؟ شب در اتاق‌ها چگونه می‌خوابیدند؟ بچه‌ها کجا می‌خوابیدند؟ در کدام اتاق‌ها غذا می‌خوردید؟ فضاهایی را که در آنها

غذا می‌خورده‌اید نام ببرید. همچنین فضاها و اتاق‌هایی که در آن نشسته‌اید و فکر کرده‌اید و کار انجام داده‌اید؟ کدام اتاق‌ها و فضاها را بیشتر دوست داشتید؟ چرا؟ دیوار اتاق‌ها چگونه بودند؟ سقف‌ها چگونه بودند؟ کف اتاق‌ها چگونه بودند؟ پنجره‌ها چگونه بودند؟ در بزرگ‌ترین اتاق، چند نفر جمع می‌شدند؟ اعضای خانواده چگونه بر حسب اتاق‌ها قسمت می‌شدند؟

پاسخ‌ها نشان از آن دارد که امکان ورود مستقیم به اتاق‌ها وجود نداشت، بایستی از ورودی به فضاهای واسطی یا حیاط می‌رفتند و پس از آن از طریق پله و دالان‌های دیگر به اتاق‌ها که در سطح بالاتری از حیاط قرار داشتند، وارد می‌شدند. انواع چشم‌اندازها و نورها در حد فاصل مسیرهای منتهی به اتاق‌ها قرار داشتند. وسایل موجود در اتاق‌ها اندک بود. قالی‌هایی که بر حسب اندازه اتاق‌ها «میون‌انداز» و «کنارانداز» داشتند و بقچه‌هایی که همانند پستی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و درون آنها رختخواب پیچیده شده بود. چند وسیله ضروری مانند چراغ‌ها در رف‌ها و پیش‌بخاری‌ها (طاقچه) قرار داشتند. اتاق‌های کوچک و دستی برای زندگی خانواده، خاصه پدر و مادر و انواع اتاق‌های دیگری که عموماً به هم مرتبط بودند برای پذیرایی استفاده می‌شدند. اتاق‌ها یا از طریق درگاه‌ها یا از طریق دالان‌ها به هم مرتبط بودند.

گاه ردیف‌های متعددی از اتاق‌های واقع در یک جبهه خانه از درون با هم ارتباط داشتند و نور اکثر آنها یا مستقیماً از حیاط یا از حوضخانه یا از سقف تأمین می‌شد. نور اتاق‌ها در شب با چراغ‌های نفتی تأمین می‌شد و در چراغگاه قرار می‌گرفت که هم حیاط را و هم داخل اتاق‌ها را روشن می‌کرد. گاه به هنگام حضور مهمانان، چراغ‌هایی که به سقف آویزان می‌شد، مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بر حسب تعداد و دوری و نزدیکی مهمان‌ها، اتاق‌های مناسب وجود داشت. بچه‌ها هر چه بزرگ‌تر می‌شدند به فضاهای مستقل‌تر، منتقل می‌شدند و برای مهمانان در کنار شاه‌نشین و اتاق‌های گوشوار، جا تدارک دیده می‌شد.

امکان خورد و خوراک در اکثر فضاها اعم از اتاق‌ها، ایوان و حیاط وجود داشت. پاسخ‌ها حاکی از آن است که ساکنان خانه‌های تاریخی در انواع فضاهای کوچک و بزرگ، باز و بسته و پوشیده، استراحت کرده‌اند، معاشرت کرده‌اند، غذا خورده‌اند و خوابیده‌اند. حتی در پشت بام نیز غذا صرف شده است. فضاهای خلوت در این خانه‌ها فراوان بود و هر کسی بر حسب سن و سال و عادت، گوشه‌ای را برای خود در نظر می‌گرفت. در برخی از پرسشگری‌ها به ویژه آنهایی که به شیوه مصاحبه انجام شده و از طریق نوار ضبط شده، پرسش‌شونده از احساس تعلق عمیقی به برخی از فضاهای خانه یاد کرده است.

به خاطر تقسیمات فضایی جاسازی‌شده در بدنه دیوارها، دیوار اتاق‌ها، مکان‌های مناسبی برای استقرار اشیاء بودند. در برخی نمونه‌ها، کمدهایی در درون دیوار تعبیه شده بودند و درون کمدها قفسه‌بندی مفیدی توسط تیغه‌های نازک گچی صورت گرفته بود. سقف‌ها نیز حالت داشته و با دیوارها ترکیب شده بودند. جای

پنجره‌ها و درها دقیقاً نسبت به شیوه زندگی درون اتاق و ایجاد چشم‌انداز و نور معلوم بود و کلیه آنها حالت در - پنجره و درگاه داشتند. برخی از پاسخ‌ها حکایت از آن داشت که توانمندی ترکیب جزءفضاهای خانه تا آن تعداد بود که در یک خانه پایین به بالا با مساحت حدود ۲۰۰ متر مربع عرصه (مانند حیاط جلوی خانه قلی‌زاده در کاشان در محله سوریجان)، امکان پذیرایی از ۲۰۰ نفر میهمان نیز در فضاهای خانه وجود داشت.

در مجموع، پاسخ‌ها جملگی بر شیوه زندگی و سازمان فضایی کاملاً متفاوتی در مقایسه با امروز اشاره دارند. اشیاء درون اتاق‌ها محدود و مرتبط با فضای مشخص بودند. اتاق‌ها از درون به هم راه داشتند و از نظر قد و قامت و اندازه، متفاوت بودند. امکان ایجاد تنوع عملکردی در یک اتاق بسیار زیاد بوده و تفکیک فضای خواب از فضای صرف غذا وجود نداشت و به قول یکی از پاسخ‌دهنده‌ها، همه فضاهای خانه، مخصوصاً برای بچه‌ها، دوست‌داشتنی بود. به هیچ‌وجه صدای بچه‌ها مزاحم همسایه نبود، همچنین صدای همسایگان نیز، بسیار خفیف شنیده می‌شد و آزاردهنده نبود.

حضور در حیاط

سؤال چهارم: چگونه وارد حیاط می‌شدید؟ از ورودی تا حیاط چقدر راه بود؟ راه مستقیم بود یا غیر مستقیم؟ در طول مسیر، نور چگونه بود؟ از ورودی به حیاط دید داشت؟ چه می‌دیدید؟ چقدر از حیاط دیده می‌شد؟ چه مقدار از داخل خانه دیده می‌شد؟ خاک را می‌دیدید؟ درخت را می‌دیدید؟ باد را حس می‌کردید؟ یادتان هست در حیاط چه کارهایی انجام می‌شد؟ بچه‌ها چه می‌کردند؟ چه حس می‌کردید هنگامی که در دالان بودید و بعد به حیاط می‌رسیدید؟ اطراف حیاط چه بود؟ دیوار حیاط چگونه بود؟ کف حیاط چگونه بود؟ خطر سقوط کردن از درگاه‌ها به حیاط وجود داشت؟ آیا تا به حال کسی سقوط کرده بود؟ در حیاط غذا خورده‌اید؟ خواب در حیاط چگونه صورت می‌گرفت؟ اشیای داخل حیاط چه بود؟ آیا در حیاط مهمان را پذیرایی می‌کردید؟ دوست را؟ بیشترین تعداد نفراتی را که در حیاط یاد دارید جمع شده‌اند، چند نفر بوده‌اند و متعلق به چه حادثه‌ای بود؟ چگونه برای جشن عروسی از حیاط استفاده می‌کردید؟ چگونه خانه را آذین می‌بستید؟ آیا برای مراسم عزاداری از حیاط استفاده می‌کردید؟ چگونه آنرا برای مراسم عزاداری شکل می‌دادید؟

پاسخ‌ها حاکی از آن است که سطح حیاط‌ها همواره پایین‌تر از سطح معابر بودند، ولی هرگز از ورودی به طور مستقیم به حیاط خانه‌ها وارد نمی‌شدند. در نمونه‌های خانه‌های تاریخی واقع در رشت و خانه‌هایی که به صورت کوشک در میان حیاط قرار داشتند، فاصله در ورودی تا بنا، آنقدر بود که بتوان در حیاط ایستاد و حیاط آنقدر توسط دیوارها تعریف شده بودند که حس در بر گرفتگی و مکث را ایجاد کنند و دیوارها آنقدر طاق‌نما، سکو و سایه داشتند که مکانی برای توقف ایجاد کنند.

به محض ورود به حیاط حس و حالت تغییر می‌کرد و جلوه‌هایی متنوع از رنگ، بو، هوا و چشم‌انداز به ویژه وزش باد بر سطح حوض و برگ‌های درختان در تغییر حالت مؤثر بودند. تقریباً تمامی پرسش‌ها از حیاط به عنوان فضای سرباز و امن برای انجام کلیه فعالیت‌های زندگی در خانه یاد کرده‌اند. به شیوه‌ای موزون و متعادل چهار طرف حیاط پوشیده بود از تمامی اتاق‌ها، در-پنجره‌ها، ارسی‌ها و دیوارهای طاق‌نمدار و منقوش. کف حیاط با نظم و دقت به مسیرهای عبور و مکان‌های توقف، باغچه‌ها و حوض تقسیم شده بود. حیاط‌ها در ترکیب با فضاهای سرپوشیده و اتاق‌ها می‌توانستند به یک مجموعه فضایی واحد تبدیل شوند و پذیرای تعداد زیادی میهمان باشند.

امکان سقوط وجود داشت ولی شناخت فضاها و شیوه استفاده از آنها این را به حداقل کاهش داده بود. در پاسخ به سؤال اختلاف سطح و تعداد سطوح، برخی از جواب‌ها خطر سقوط را متذکر شده‌اند.

سازمان فضایی خانه برای برقراری ارتباط بین ساکنان و طبیعت از یک طرف، و ساکنان و جامعه از طرف دیگر، مشارکت فضایی داشته، مقوله‌هایی مانند صرف غذا یا خواب در فضای باز، نشستن بر روی زمین اتاق و حیاط یا حتی روی حوض توسط تخت‌های چوبی و خوابیدن روی زمین کاملاً رایج و طبیعی بود.

زندگی در سطوح مختلف

سؤال پنجم و ششم: چه فضاهای دیگری در خانه داشتید؟ چگونه به سرداب می‌رفتید؟ چه وقت‌ها می‌رفتید؟ چه می‌دیدید؟ چه اشیایی در آن بود؟ دیوار و کف و سقف، از نظر مصالح، پوشش‌ها و ارتفاع چگونه بود؟ نور آن چگونه تأمین می‌شد؟ در کجای خانه واقع شده بود؟ با چه فضاهایی مرتبط بود؟

پاسخ‌هایی که فنی‌تر بودند از مهندسی خانه‌هاشان یاد کرده‌اند. از متصل کردن سازه بنا با خاک و تحکیم آن، و استفاده از خاک‌کنده‌شده برای تهیه مصالح ساختمان. پس از آن از فعالیت‌هایی نام بردند که زیرزمین برای آنها مفید فایده بوده است. فضایی برای انبار کردن و فضایی برای زندگی در ماه‌های گرم. بدین ترتیب، در مواقع مختلف و موارد گوناگون «سرداب» مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در ماه‌های گرم در ابتدای روز، حیاط مکان زندگی بوده و بعد از نیمه‌های روز به زیرزمین می‌رفتند. در برخی از پاسخ‌ها، زیرزمین دارای دو یا سه مرحله متوالی اقامت بوده و به تدریج گود می‌شده است. بدین ترتیب در روزهای بسیار گرم، در اوایل روز آن قسمت‌هایی از سرداب که نزدیک حیاط بوده برای زندگی و فعالیت انتخاب می‌شده و در گرم‌ترین ساعات روز به عمیق‌ترین و پایین‌ترین سطح زیرزمین نقل مکان می‌کرده‌اند.

نور از حیاط و پنجره‌ها و روزن‌های مشرف به حیاط تأمین می‌شد، نور به صورت‌های غیر مستقیم می‌تابید و آن میزان روشنائی را در حد مشاهده فضا و اشیاء تأمین می‌کرد. اشیاء در حداقل مورد لزوم بودند. سقف و دیوار معمولاً در امتداد یکدیگر

بودند و با انواع انحنای متصل‌کننده دیوار و سقف به یکدیگر متصل می‌شدند. در مواردی (به ویژه در کاشان) دیوار و سقف را فقط خاک تیشه خورده «دج» بدون نازک‌کاری می‌پوشانید و در مواردی دیوارها از نازک‌کاری و طاقچه‌بندی و سقف‌ها از تزئینات برخوردار بودند.

کف‌ها آجر فرش بودند. ارتفاع سقف‌های زیرزمین‌ها بر حسب تعداد پله‌ای که از حیاط به کف زیرزمین‌ها می‌رسید متغیر بود و در نواحی سردسیر مرطوب، کف زیرزمین‌ها تنها چند پله پایین‌تر از کف حیاط قرار داشتند. اما در نواحی خشک و کویری، ارتفاع سقف‌های زیرزمین‌ها از ارتفاع اتاق‌های معمولی همان خانه بلندتر بود.

نکته حائز اهمیت آن که برای توضیح یک فضا مانند سرداب تقریباً تمامی سازمان فضایی از نو روایت می‌شد. استفاده‌های متعدد از سطحی پایین‌تر از حیاط، و ارتباط آن با سایر فضاهای خانه در تنوع بخشیدن به شیوه زندگی و انعطاف‌پذیری آن به میزان قابل توجهی مؤثر بود.

فضاهای خدماتی

در سؤال هفتم پرسیده شد، آشپزخانه، انباری و آبریزگاه هر یک در کجای خانه واقع شده‌اند؟ هم‌جوار با چه فضاهایی بودند؟ بالای آنها چه بود؟ دیوار، سقف و کف آنها از نظر ارتفاع و مصالح چگونه بود؟ نور آنها چگونه تأمین می‌شد؟ با هوای آزاد چگونه ارتباط داشتند؟ در این فضاها چه اشیایی وجود داشت؟ چه می‌دیدید؟ چه حس می‌کردید؟

آشپزخانه‌ها معمولاً دور از اتاق‌های زندگی هم‌تراز با زیرزمین‌ها یا در لایه‌های فضایی میانی، پیرامون حیاط قرار داشتند. برای تهویه، آشپزخانه‌ها یا به طور مستقل دارای یک حیاط کوچک انحصاری بودند (پاسخ‌های دریافت‌شده از پرسش شونندگان شیرازی) یا عموماً از طریق سقف و پنجره‌های فرعی (تعبیه‌شده در بالای دیوارها) تهویه می‌شدند، پرسش شونندگان به نوعی از قفسه‌بندی ساخته‌شده با مصالح ساختمانی اشاره کرده‌اند. این قفسه‌بندی‌ها شامل پیشخوان‌ها، فضای انبار کردن سوخت و مواد و محل نگهداری ظروف بودند. پاسخ‌ها به کم‌نوری، دود، کمی تهویه و از این قبیل موارد اشاره داشتند و به نظر می‌رسد آشپزخانه در قیاس با آشپزخانه‌های امروزی (معیار مقایسه‌ای که پاسخ‌دهندگان در ذهن داشته‌اند) فضای مطبوعی نداشته است. این مقوله‌ایست که نیاز به مطالعه و بررسی مجزا دارد. در مورد آبریزگاه این عدم مطبوعیت به وضوح مطرح شده است. لیکن وجود فضای کافی در مقیاس‌های مختلف برای انباری‌ها قابل توجه است.

آب‌انبار، پشت بام، تجربه‌های فضایی کودکان

در سؤال‌های هشتم، نهم و دهم درباره پشت بام، آب و آب‌انبار پرسیدیم و درباره کودکان در خانه سؤال کردیم و نتیجه گرفتیم که تنوع مکان‌ها و فضاها برای انجام فعالیت‌های روزمره به تنوع بخشیدن عملکردهای روزمره و دائمی کمک می‌کرد.

بام به عنوان یک مکان تعریف شده، فضایی مستقل را برای تحقق برخی از عملکردها فراهم می‌آورد؛ و بر حسب نیازمندی‌های فضایی شیوه زندگی در مناطق مختلف، امکان استفاده از بام مهیا بوده است. حضور آب در اغلب خانه‌ها، جریان داشتن آب و فضاهای ناشی از هدایت و انبار کردن آن، امکانات فضایی متنوع را به سازمان فضایی خانه می‌افزود. بچه‌ها در یک طیف گسترده از تجربه‌های فضایی قرار می‌گرفتند. از فضاهای بسیار کوچک و بسته تا فضاهای بزرگ، پوشیده و باز. سازمان فضایی خانه‌های تاریخی از طریق ارائه سطوح و فضاهای متعدد، موجب آزادی بی‌حد و حصر و کشف تجربه‌های فضایی بسیار می‌شد.

تقسیم و ترکیب فضا بر حسب ساکنان، انواع مراسم و آیین‌ها

در سؤال‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم درباره افراد مسن، برگزاری مراسم و آیین‌ها (سحری، افطار، عید فطر، نوروز، عاشورا و جشن‌های عروسی و خانوادگی)، تعداد نفرات و تقسیم فضاها بین آنها در خانه پرسیده شد. بررسی پاسخ‌ها ما را به این نتیجه رساند که برای دست یافتن به احکام قطعی درباره این سؤال‌ها، به بررسی‌های موردی بیشتری نیاز می‌باشد. در برخی از پاسخ‌ها شرایط زندگی افراد مسن، سخت توصیف شده و در برخی از پاسخ‌ها به عکس. در مورد برگزاری مراسم و آیین‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها بیشتر به سمت چگونگی برگزاری مراسم جهت گرفته‌اند و کمتر به انعکاس فضایی توجه شده است. زندگی چند خانوار در یک خانه با حیاط‌های مشترک، به نحوی که هر خانوار در یک جبهه زندگی کند، رایج و متداول بوده است.

بخش دوم

پرسش از ساکنان خانه‌های معاصر

تجربه‌های پرسشگری از ساکنان خانه‌های تاریخی، همراه با درس‌هایی که از تدوین پرسشنامه برای آنها آموختیم، ما را بر آن داشت تا از ساکنان خانه‌های معاصر سؤال‌های موجز و مشخص بپرسیم. پرسشنامه‌ای که برای ساکنان خانه‌های معاصر تدوین شد، شامل چهار سؤال بود. هر سؤال برای منظور خاصی بر اساس تقابل شیوه زندگی و ادراک فضایی تهیه شد. قابل شناسایی و متمایز بودن بنای خانه از بیرون که به تشخیص آن منجر می‌شود، هدف اصلی طرح پرسش اول بود. در سؤال دوم تشخیص و ادراک درون، توسط لایه‌های فضایی جداکننده بیرون از درون مدنظر بود. سؤال سوم جنبه کنترل‌کننده داشت و می‌خواستیم بدانیم که آیا لایه‌های فضایی جداکننده بیرون از درون مشخص، متمایز و اثرگذار هستند یا خیر؟

احساس جدا شدن از فضای عمومی و چگونگی شکل‌گرفتن فضای خصوصی را در سؤال چهارم عنوان کردیم. سؤال پنجم بدین منظور مطرح شد که آیا درون خانه در بدو ورود به تمامی نمایان می‌شود یا به تدریج، به علاوه آیا جهت حرکت معینی پس از ورود به خانه وجود دارد یا نه؟ در سؤال ششم نیز پرسیدیم آیا سازمان فضایی پس از ورود، هدایت‌کننده است؟ در سؤال هفتم فضای ورودی را از نظر حجم، مقیاس، ابعاد، اندازه، و میزان پذیرش محک زدیم. در سؤال هشتم در پی تمایز فضاها بر اساس نام آنها بودیم. آیا یک یا چند فضای متمایز از سایر فضاهای متداول در هر خانه وجود دارد؟ و بالاخره حضور ذهن و آگاهی ساکنان بر واژگان فضایی خانه‌های معاصر در چه سطح است؟ سؤال نهم در شناخت ورودی، فضای ورودی (اینکه ورودی سطح است یا حجم، عمق دارد یا ندارد) و حالت تأثیرگذاری فضا در هنگام استقبال و بدرقه پرسیده شد. در سؤال دهم پرسیده شد که آیا فضای داخل، حداقل وظایف خود را انجام می‌دهد یا خیر؟ آیا از اولین عناصری که در اختیار معمار یا سازنده بنا قرار داشته مانند نور، هوا، صدا و از این قبیل، برای خلق احساس مکان که همان خانه است، استفاده شده است؟

سؤال‌های یازدهم و دوازدهم در ارتباط با شیوه زندگی مطرح شدند. بر این اساس که آیا فضا و شیوه زندگی متقابلاً یکدیگر را تعالی بخشیده‌اند؟ آیا آرامش فقط در اتاق خواب حاصل می‌شود؟ و اگر می‌شود چگونه؟ آیا شرط لازم تأمین آرامش، استفاده از تختخواب است؟ سؤال سیزدهم در دنباله سؤال دوازدهم برای شناخت تأثیر فضا بر آرامش افراد خانه مطرح شده است. سؤال‌های پانزدهم و شانزدهم به رعایت فضای خلوت و فضای جمع و تشخیص‌یافتن آنها در سازمان فضایی خانه مربوط می‌شد. در دو سؤال هفدهم و هجدهم به مشخص کردن موقعیت و اهمیت فضاهای خدماتی خانه و رابطه آشپزخانه با شیوه زندگی پرداختیم. در سؤال نوزدهم، با طرح مقوله تنوع فضایی در خانه، این پرسش را مطرح کردیم که آیا فضا می‌تواند به شیوه‌ای سازمان‌یابد تا خستگی مرتفع شود؟ سؤال بیستم جنبه کنترل‌کننده

(تصویر ۴-۱) فضای بیرونی خانه‌های معاصر



شیراز



شیراز



رشت



کرمان

و سنجش میزان حساسیت ساکنان خانه به دیوارها، سقف‌ها، و کف‌ها در سؤال سی‌وششم عنوان شد. شاید می‌بایست بسیار بیشتر درباره اشیا، رابطه اشیا با ساکنان و فضاهای خانه می‌پرسیدیم، به هر صورت بررسی اشیا، مبلمان و فضا در خانه‌های معاصر خود مقوله‌ای حائز اهمیت و بسیار مستقل است که به بررسی مستقل نیز، نیاز دارد. در سؤال سی‌وهفتم کوشش شد به نوعی این مقوله مطرح شود. سؤال سی‌وهشت کوشش مجددیست برای تشخیص حساسیت‌های فضایی ساکنان خانه‌های معاصر و یادآوری خاطره‌ای که به سقف بلند (بلندتر از حدود متعارف ۲/۷ تا ۳ متر) مربوط می‌شود. در پرس‌وجوها و تجربه‌های گذشته، پیش از تدوین پرسشنامه خانه‌های معاصر، مناسبت این خانه‌ها برای کودکان و کهنسالان بارها مطرح شده بود. این مقوله کاملاً قابل تأمل است و به همین جهت در سؤال سی‌ونهم مطرح شده است. در سؤال چهل، توان انعطاف‌پذیری و ضرورت تغییر سازمان فضایی خانواده از یک طرف و توان اجرایی خانواده‌های معاصر در تأمین خواست‌های فضایی از طرف دیگر، پرسش شده است.

مراد از طرح این سؤال‌ها این بود که آیا از خلال پاسخ‌ها می‌توان به تعریف خانه، از نقطه‌نظر ساکنان دست یافت یا نه، به علاوه آزمودن حساسیت‌های فضای بصری، و حتی بویایی ساکنان خانه‌ها نیز در این پرسش‌ها مد نظر بود. رابطه اشیا و مبلمان با فضا و شیوه زندگی، قسمت مهمی از فعالیت‌های خانه را نظم می‌دهد. این مقوله نیز می‌بایست در خلال پرسش‌ها روشن می‌شد.

با وجود تلاش در دور شدن از مسائل خصوصی خانواده‌ها، از پاسخ‌های بی‌حوصله و بی‌دقت برخی پاسخ‌دهندگان متوجه شدیم، پرسشنامه پر کردن چندان باب طبع نیست، خاصه هنگامی که انتقال پیام توسط نوشته، خود می‌توانست مشکل‌آفرین باشد. بسیاری از ساکنان خانه‌ها علی‌رغم میهمان‌نوازی، در زمان دیدار پرسشنامه‌ها را پر نکردند و ارسال آنها

داشت و عمدتاً به صداقت با خود، صراحت با خود و سرکوب نکردن تجربه‌های احساسی فضا مربوط می‌شد. سؤال بیست‌ویکم نیز به دنبال سؤال بیست، در پی تشخیص رابطه ساکن خانه و فضای خانه و اطلاع از تأثیر متقابل و محسوس این دو بود. آیا فضای خانه در تحقق شیوه زندگی مشارکت دارد؟ سؤال بیست‌ودوم بدین سبب پرسیده شد و در سؤال بیست‌وسوم ارزیابی توان خانه‌های معاصر در برگزاری مراسم پرجمعیت حائز اهمیت بود.

با طرح سؤال بیست‌وچهارم به چگونگی ارتباط خانه با طبیعت نظر داشتیم. و در سؤال بیست‌وپنجم به دنبال نکته‌های مندرج در فضا مانند تنوع، دنجی، غیر قابل پیش‌بینی بودن، تازگی و عظمت فضا بودیم. در پاسخ‌ها این نکته‌ها را بسیار کم یافتیم. سؤال بیست‌وششم با تأکید بر اینکه احساس فضایی را از سایر احساس‌ها، حداقل در مورد «آزار در خانه» از یکدیگر تفکیک کنیم پرسیده شد و بیشتر به مقوله‌هایی چون دل‌گرفتگی فضا، کور بودن چشم‌انداز، بی‌هوایی اتاق‌ها و از این قبیل نظر داشتیم. بلافاصله در سؤال بیست‌وهفتم می‌خواستیم حس ساکنان خانه‌های معاصر را از تجربه نسیم در درون خانه و اینکه سازمان فضایی خانه به جریان باد اندیشیده است یا نه، بدانیم. همین سؤال را به دو مقوله خنکی و گرما تعمیم دادیم و میزان مشارکت سازمان فضایی در فراهم آوردن آنها را در سؤال‌های بیست‌وهشت و بیست‌ونهم جويا شدیم. در سؤال سی‌ام مجدداً به صورت فراگیرتر ارتباط سازمان فضایی و شیوه زندگی را با طبیعت، سبزی و گیاه پرسش کردیم. در دو سؤال سی‌ویک و سی‌ودو نحوه آرایش دو یا چند خانه در کنار هم و تأثیر این شیوه از همجواری را بر برقراری و تحکیم روابط همسایگی از نقطه‌نظر خلوت و آسایش بررسی کردیم، سؤالات سی‌وسه، سی‌وچهار و سی‌وپنج را به توان سازمان فضایی برای ابعاد بزرگتر از خانواده و زندگی مشترک با دیگران و حضور میهمانان در خانه اختصاص دادیم. برانگیختن توجه به اطراف، در اتاق‌های خانه

(تصویر ۴-۲) نمونه‌هایی از حیاط درخانه‌های معاصر



رشت



همدان



کرمان



شیراز

پرسش‌ها (۴۰ پرسش) و نتیجه‌گیری از پاسخ‌ها

سؤال اول - آیا خانه از بیرون متمایز است؟ (از نظر شکل، رنگ، مصالح، ...)

نیمی پاسخ گفته‌اند که خانه از بیرون متمایز است و این تمایز بیشتر در مقایسه با بناهای اطراف از نقطه نظر ارتفاع، مصالح، رنگ، عقب‌نشینی و برخی از علائم خاص بوده است و نیمی از پاسخ‌ها به هیچ تمایزی اشاره نکرده‌اند.

سؤال دوم - خانه چگونه از بیرون جدا می‌شود؟ (به وسیله راه‌پله، حیاط، دیوار و ...)

هدف از این سؤال دانستن چگونگی ورود از بیرون به درون بود. نتیجه پاسخ‌ها حاکی از آنست که معمولاً مجموعه عواملی که به صورت منفرد یا مجتمع در مسیر ورود از بیرون به درون قرار دارند عبارتند از: حیاط (در مفهوم معاصر آن)، پارکینگ، پیلوتی، دیوار، راه‌پله و راهرو.

سؤال سوم - از کوچه یا خیابان برای ورود به خانه از چند فضا عبور می‌کنید؟ برای افزایش دقت سؤال دوم می‌خواستیم بدانیم که آیا عوامل جداکننده تعریف شده اثرگذار هستند یا خیر؟

در بررسی پاسخ‌ها، معلوم شد که ترکیب عوامل ذکر شده با یکدیگر، تأمین‌کننده جدایی خانه از بیرون می‌باشد. با ترکیب‌های چون حیاط + پارکینگ یا حیاط + راه‌پله یا حیاط + پیلوت + راه‌پله و ترکیب‌هایی از این قبیل.

سؤال چهارم - به هنگام ورود به خانه چه می‌بینید؟ درباره آنچه به هنگام ورود به خانه دیده می‌شود، پاسخ‌ها دو نوع فضا را مشخص کرده‌اند، فضای باز و فضای بسته. در حالت اول حیاط با فضای سبز جلوی خانه و پارکینگ دیده می‌شود و در حالت دوم راهرو، هال، رختکن، درهای آشپزخانه و

را توسط پست به ما نوید دادند. لیکن در چند مورد اگر سازمان پست مقصر نباشد، پرسشنامه‌ها دریافت نشدند. بر این اساس در یک نوبت به طور آزمایشی، پرسشنامه‌ها را در تهران و برای ساکنان تعدادی از خانه‌های معاصر تهرانی مطرح کردیم و دریافتیم که در اکثر موارد، ساکنان واحدهای مسکونی، از حساسیت فضایی مناسب برخوردار نیستند. از طرف دیگر، اغلب اوقات مسائل خانوادگی و خصوصی با مسائل سازمان فضایی ساکنان در هم شده‌اند و تفکیک این دو مقوله کار مشکلی است. لیکن نکات قابل اعتنا آن است که گاه دو پرسشنامه به یک زوج (زن و شوهر) ساکن در یک خانه داده شد و جواب‌های متفاوت گرفته شد و گاه دو پرسشنامه به دو نسل با تفاوت سنی قابل توجه در یک خانه داده شد و باز جواب‌ها مختلف بودند. بدین ترتیب، ضروریست تحقیق جداگانه‌ای برای استخراج ادراک فضایی به تفکیک زن - مرد، جوان - پیر ساکن در واحدهای مسکونی مشترک صورت گیرد.

(تصویر ۴-۳) نمونه‌هایی از ایوان و بالکن در خانه‌های معاصر



رشت



شیراز



همدان



شیراز

سؤال هشتم - چه فضاهایی در خانه شما قابل نام بردن هستند؟ نام ببرید. هدف از طرح این پرسش آن بود که آیا جزء فضاهای خانه یا واحد مسکونی مورد پرسش، نام یا نام‌های خاصی دارند و اگر دارند، چگونه نام‌گذاری شوند؟

اکثر پاسخ‌ها، در سه گروه فضاهای خدماتی، بهداشتی، فضاهای روز و فضاهای شب قابل تقسیم هستند. به ندرت در پاسخ‌ها، به فضایی شاخص و متفاوت اشاره شد. با توجه به فقدان نظام و معیارهای طراحی در تعریف جزء فضاهای در اکثر نمونه‌های مشاهده‌شده، پذیرایی، نشیمن، نهارخوری، عبوری‌ها و فضای ورودی تداخل دارند. مجموعه جزء فضاهای صاحب‌نام که پرسش‌شوندگان از آنها یاد کرده‌اند، به ترتیب حروف الفبا به قرار زیر می‌باشند: ایوان، اتاق خواب، اتاق سرایدار، اتاق کار (دفتر)، انباری، باغچه، بالکن، پاسیو، پاگرد، پله، تراس، حیاط، حیاط خلوت، خریشته، راهرو، زیرزمین، سالن (مجموعه پذیرایی و نهارخوری)، سربینه، کتابخانه، گلخانه، موتورخانه.

سؤال نهم - هنگامی که از بیرون به داخل خانه می‌آیید چه حس می‌کنید؟

برما معلوم شد که واردشدگان بیشتر تحت تأثیر احساسات درونی و شخصی و به خاطر تضاد و تفاوتی که مابین محیط پر ازدحام شهر و محیط نسبتاً آرام داخل خانه وجود دارد، حس آرامش، اولین حسی است که در بدو ورود برای آنها ایجاد می‌شود. و این به خاطر خلاصی از غوغای بیرون است. هیچ‌یک از پاسخ‌ها به تأثیرگذاری فضای درون در ابتدای ورود نپرداخته است و در دو مورد به «نبود واقعه فضایی قابل توجه» و عرضه شدن «تمام فضا به محض ورود» اشاره شده است.

سؤال دهم - آیا درون خانه از نظر نور، هوا و صدا از بیرون متمایز است؟

باز هم دریافتیم که به خاطر شدت آلودگی در بیرون،

دستشویی. سرعت نمایان شدن درون در حالت اول کمتر و در حالت دوم بیشتر است. در حالت دوم، گاه با یک نگاه تمامی درون آشکار می‌شود.

سؤال پنجم - کدام فضاها و در چه فاصله‌ای از در ورودی قرار دارند؟

در پاسخ به این پرسش معلوم شد که به غیر از نمونه‌هایی که بعد از در ورودی از شارع وارد حیاط می‌شوند، چنانچه از معبر مستقیماً وارد ساختمان شویم تقریباً عمق اکثر خانه‌ها دیده‌شدنی است. حرکت در فضا و ترکیب فضایی، بسیار کم به چشم می‌خورد. جهتی مشخص در فضا وجود ندارد. بلافاصله پس از ورود، وارد فضاهای سرویس (آشپزخانه، دستشویی و توالی) می‌شویم و بعد وارد فضاهای زندگی (نشیمن و نهارخوری). در انتهای چشم‌انداز، درهای اتاق خواب دیده می‌شود.

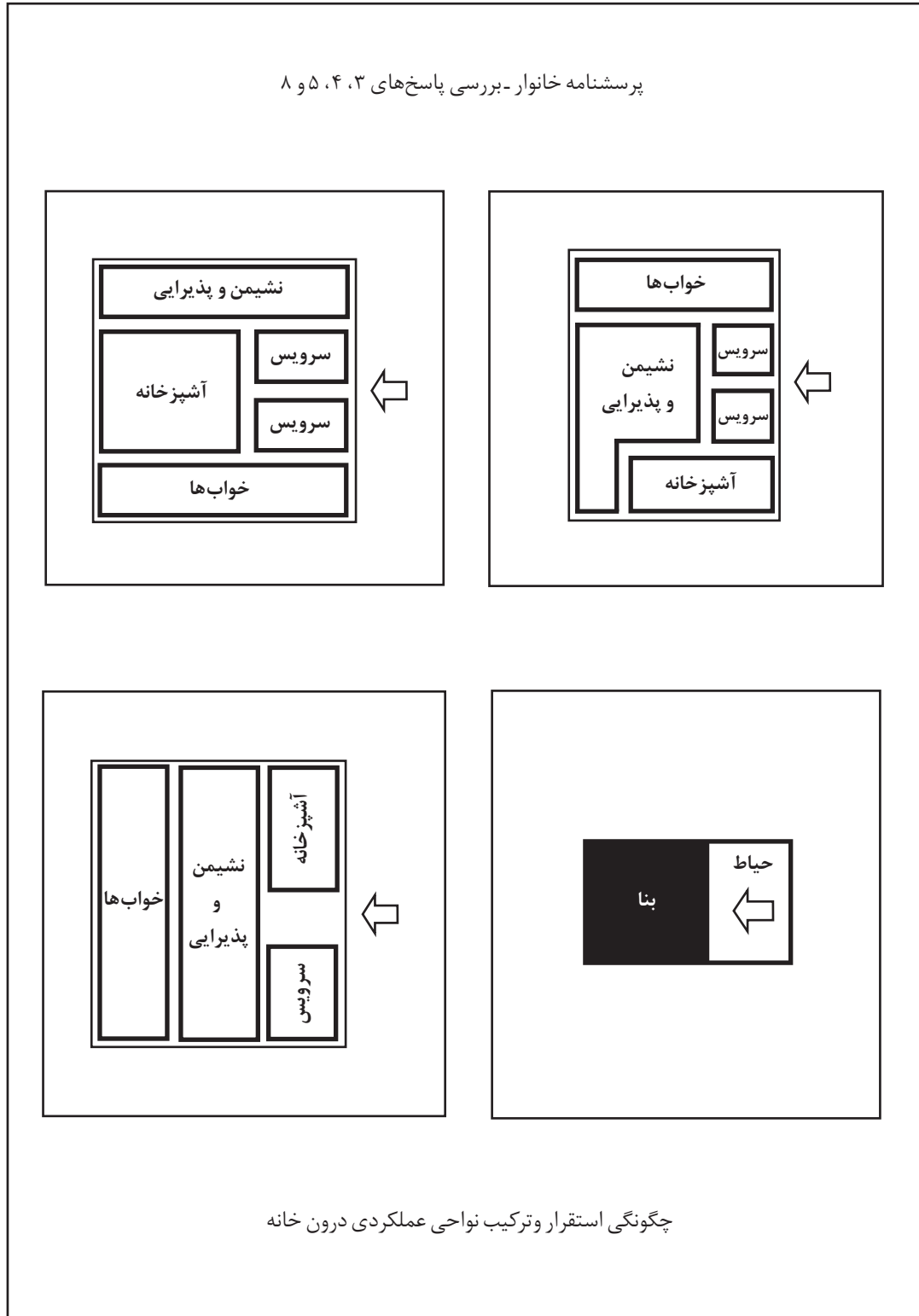
سؤال ششم - هنگام ورود به خانه چه می‌کنید؟ هدف از سؤال ششم این بود که آیا سازمان فضایی خانه جهت و مسیر آگاهانه‌ای را در بدو ورود ارائه می‌کند یا خیر؟

در بررسی پاسخ‌ها دریافتیم که در اغلب خانه‌های معاصر، بیشتر فضاهای ورودی خانه برای فعالیت‌های ورود به خانه و برای کفش و لباس اختصاص داده شده است. سازمان فضایی پیشنهاد ویژه‌ای برای حرکت در درون خانه ارائه نمی‌کند و حس قلمرو و ورود به یک فضای خصوصی متمایز از فضای عمومی وجود ندارد.

سؤال هفتم - چند نفر می‌توانند در ورودی شما جای بگیرند؟

از پاسخ‌ها معلوم شد که فضای ورودی عموماً با نشیمن، هال، و گاه آشپزخانه تداخل دارد. به طور متوسط ۴ تا ۶ نفر می‌توانند در حوالی در ورودی بایستند.

پرسشنامه خانوار - بررسی پاسخ‌های ۳، ۴، ۵ و ۸



چگونگی استقرار و ترکیب نواحی عملکردی درون خانه

به محض ورود به خانه، این تمایز حس می‌شود و نمی‌توانیم آن را به حساب سازمان فضایی درون خانه بگذاریم.

سؤال یازدهم - اگر خسته باشید و به خانه بروید چه می‌کنید؟ هدف از این سؤال درک تأثیر متقابل فضا و حالت‌های مختلف آدمی بود؛ و اینکه فعالیت‌های پس از ورود، آن هم اگر خسته به خانه بیایند کدام‌ها هستند.

پاسخ‌ها عبارتست از: تعویض لباس، دراز کشیدن، خوردن و آشامیدن، تماشای تلویزیون، شنیدن موسیقی، حمام کردن، کار در آشپزخانه و اگر فضای باز و باغچه‌ای باشد کنار آن نشستن. کمتر انعکاسی از نقش سازمان فضایی خانه در این فعالیت‌ها نمایان است، به استثنای فضای باز و باغچه.

سؤال دوازدهم - در خانه چگونه استراحت می‌کنید؟ در کدام فضا؟ آیا با بستن در اتاق، خلوت شما تأمین می‌شود؟ سکوت چگونه؟ این سؤال جست‌وجویی بود برای دانستن بیشتر درباره شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه.

دریافتیم که نوع استراحت، به عادت‌های مختلف اشخاص بستگی دارد. برخی فقط در اتاق خواب می‌توانند استراحت کنند و برخی در سایر فضاها در کنار سایر اعضای خانواده. پرسیدیم آیا با بستن در اتاق، خلوت شما تأمین می‌شود؟ پاسخ دادند که تا حدودی، لیکن از سروصدا جلوگیری نمی‌شود. در کمتر موردی به تأثیر آرامش‌بخش فضا اشاره شد. لیکن، دریافتیم که اشیایی مانند تلویزیون، رادیو، ضبط صوت و کتاب در ایجاد آرامش نقش دارند.

سؤال سیزدهم - آیا در خانه آسایش دارید؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)

جواب‌ها اکثراً به روابط خانوادگی مربوط می‌شد و نقش سازمان فضایی مطرح نشد، اما از آپارتمان‌نشینی و حضور تلفن شاک‌ی بودند.



رشت

شیراز



رشت

کرمان

این سؤال نیز، مانند پنج سؤال گذشته برای دانستن درباره رابطه متقابل شیوه زندگی و سازمان فضایی در خانه پرسیده شد. بدین مضمون که آیا از فضاهای عمومی خانه راضی هستند؟

آنچه در پاسخ‌ها دریافتیم این بود که در مقایسه با فضاهای خصوصی، رضایت فضایی از اتاق‌های عمومی بسیار کمتر است. چرا که میزان به هدر رفتن فضای قابل استفاده در فضاهای عمومی بسیار زیاد است و به قول یکی از پاسخ‌ها، فضاهای عمومی خانه‌ها «نه دید و نه منظر دارند، نه پیچیدگی فضایی، نه غنا و ابهام». در چند پاسخ، مسئله امکان یا عدم امکان نظافت به جای رضایت فضایی، عامل رضایت مطرح شده است. و از کوچک شدن فضاهای به ظاهر بزرگ، هنگامی که تعداد میهمان‌ها افزایش می‌یابد، شکایت شده است.

سؤال هفدهم - از حمام و دستشویی و سرویس منزلتان راضی هستید؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)

پاسخ دادند که چنانچه تعداد آنها کافی باشد (حداقل دو سرویس جداگانه)، محل آنها مناسب، به کفایت نور و تهویه داشته باشند، در دیدرس نباشند و نقص فنی هم نداشته باشند رضایت حاصل خواهد شد.

سؤال هجدهم - از آشپزخانه راضی هستید؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)

پاسخ‌ها ما را به شناختن این ویژگی‌ها رهنمون کردند: مکان استقرار آشپزخانه از اهمیت درجه یک برخوردار است و می‌باید از مرکزیت و همجواری‌های مناسب

سؤال چهاردهم - چند نفر در خانه شما زندگی می‌کنند؟ فضاها چگونه بین آنها تقسیم شده است؟

معلوم شد که در خانه‌های معاصر مورد بررسی، به طور متوسط چهار تا پنج نفر زندگی می‌کنند. در شهرهای بزرگ اعضای ساکن در یک خانه عمدتاً پدر و مادر و فرزندان و در شهرهای کوچک‌تر عروس و داماد، پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز در زمره ساکنان یک خانه به حساب می‌آیند. در صورت وسعت خانه و تعدد جزء فضاهای مجزا، امکان استقلال اعضای ساکن تأمین خواهد شد.

سؤال پانزدهم - از فضاهای خلوت و خصوصی خانه‌تان راضی هستید؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)

معلوم شد که اگر روابط خانوادگی حسنه باشد، نارسایی‌های فضایی چندان محسوس نیستند. در اکثر موارد از درهم و برهم بودن سازمان فضایی خانه شکایت شده است و گفته‌اند «چنانچه فضای داخلی دوطبقه باشد» یا «امکان چشم‌انداز مطبوع میسر باشد» یا حتی یک فضای «زیرپله» در خانه باشد، می‌تواند تأمین‌کننده برخی از نیازمندی‌های فضایی ساکنان باشد، متن یکی از پاسخ‌ها عیناً نقل می‌شود: «تا حدی آری، به علت اینکه خوب تعریف و تعیین شده‌اند و تا حدودی به علت اینکه فضاهای خصوصی به نظر من باید تا حدی امکانات کامل برای زندگی یک فرد را نیز داشته باشد و تزئین مناسب داشته باشد و از فضای سبز نیز بی‌بهره نباشد».

سؤال شانزدهم - از فضاهای عمومی و جمعی خانه چگونه راضی هستید؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)



شیراز



رشت



شیراز



همدان

مناسب و ایجاد احساس تعلق در داخل سازمان فضایی برای ساکنان، می‌تواند در افزایش مطبوعیت خانه نقش مؤثری ایفا کند.

سؤال بیست و دوم - آسودگی در خانه را در چه می‌دانید؟

بخش اعظم پاسخ‌ها، به مسائل غیر فضایی و شیوه زندگی به طور عام پرداختند و هیچ‌گونه حساسیت فضایی از خود نشان ندادند. اکثریت قریب به اتفاق خانه‌هایی را که از طریق حضور و تجربه فضایی بررسی کردیم، فاقد توانایی تأمین آسودگی بودند.

سؤال بیست و سوم - آیا خانه شما برای برگزاری میهمانی‌ها مناسب است؟ حداکثر از چند نفر می‌توانید پذیرایی کنید؟

پاسخ‌ها کمتر از بیست تا صد نفر را شامل می‌شد. ولی نه لزوماً بر حسب راحتی و رضایت میهمان‌ها. پاسخ‌ها به رابطه متقابل زیرینا و تعداد میهمان‌ها اشاره کردند، ولی در هیچ‌یک از موارد به افزایش توان فضاها در اثر انعطاف‌پذیری سازمان فضایی و امکان بسط و ترکیب فضاها پرداختند.

سؤال بیست و چهارم - از خانه‌تان در کدام فصل بیشتر راضی هستید؟ چرا؟

پاسخ‌ها ارتباط با فصول را در درجه اول، به کیفیت سیستم‌های تأسیساتی (حرارتی و برودتی) و در درجه دوم، به ارتباط مستقیم با فضاها و نیمه‌باز وابسته می‌دانستند. در فصل‌های معتدل، رضایت از خانه‌ها بیشتر است. در درجه آخر، به

برخورداری باشد، خاصه همجواری با حیاط خلوت (فضای باز خصوصی). انباری، نور و هوای کافی برای تهویه داشته باشد و از دید و منظر هم برخوردار باشد. فقدان انبار در آشپزخانه‌های معاصر، آزاردهنده است. در صورت نامناسب بودن مبلمان و تجهیزات داخلی آن، هدف از این وسایل برآورده نخواهد شد.

سؤال نوزدهم - آیا در خانه تنوع فضایی دارید؟ چگونه؟ بر حسب اختلاف سطح، اختلاف ارتفاع، اختلاف نور، اختلاف هوا و ...

دریافتیم که تنوع فضایی در خانه‌های معاصر اندک است و ساکنان نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند. پاسخ‌هایی که حساس‌تر بودند از یکنواختی فضایی داخل خانه شکایت داشتند. این پاسخ‌ها بسیار اندک هستند. آنچه تنوع نامیده می‌شود تفاوت‌های جزئی در نور، رنگ و اختلاف یک تا دو پله در سطح می‌باشند.

سؤال بیستم - آیا خانه حوصله‌تان را سر نمی‌برد؟ (چرا آری؟ چرا نه؟)

در بررسی پاسخ‌ها دریافتیم که کاهش فضاها و ویژه حیاط و محدود شدن چشم‌انداز و یکنواخت بودن فضاها به نحو محسوس از کیفیت حضور در خانه کاسته است.

سؤال بیست و یکم - آیا در خانه شما فضایی وجود دارد که شما را در خانه نگاه دارد؟ تسکین دهد؟

در بررسی پاسخ به این پرسش، بر ما معلوم شد که وجود یک فضای شخصی و

(تصویر ۴-۹) نمونه‌هایی از نهارخوری در خانه‌های معاصر



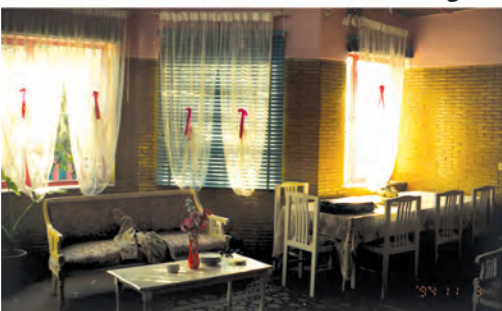
شیراز



شیراز



همدان



رشت

(تصویر ۴-۸) فضاهای درهم در خانه‌های معاصر، شامل نشیمن و پذیرایی



کرمان



همدان



رشت



رشت

(تصویر ۴-۷) اتاق در خانه‌های معاصر (فضای تک عملکردی انباشته از میلمان)



رشت



همدان



کرمان



رشت

(تصویر ۴ - ۱۰) نمونه‌هایی از آشپزخانه در خانه‌های معاصر



شیراز



همدان



رشت



رشت

چشم‌انداز و وجود گل و سبزی اشاره شده است.

سؤال بیست و پنجم - چه نکاتی رضایت شما را در خانه فراهم می‌آورد؟

پاسخ‌ها به سمت مسائل غیر فضایی جهت گرفتند. پاسخ‌های مرتبط به تأمین رضایت در اثر مشارکت سازمان فضایی عبارت بودند از: بلندی سقف‌ها، بزرگی خانه، سرسبزی، روشنایی کافی، مشخص بودن حریم‌ها، وجود پاسیو و تراس بزرگ، ایمنی، پنجره‌های مناسب، آشپزخانه بزرگ و روشن، هال بزرگ، نبود پله و ...

سؤال بیست و ششم - چه مسائلی در خانه شما را آزار می‌دهد؟ تا آنجا که به فضاهای خانه مربوط می‌شود، شرح دهید.

در یافتیم که آزار در مجتمع‌ها و آپارتمان‌ها با آزار در خانه‌های تک‌واحدی متفاوت است. در اولی ساکنان از فقدان فرهنگ آپارتمان‌نشینی گله کردند و در دومی به عدم تناسب سازمان فضایی با شیوه زندگی ساکنان.

سؤال بیست و هفتم - هیچ‌گاه باد به طور طبیعی در خانه شما جریان داشته است؟ چگونه؟

پاسخ‌ها حاکی از آنست که حضور باد طبیعی در خانه به ندرت تجربه شده است. نبود فضاهای پوشیده و باز در خانه، این امکان را به حداقل کاهش داده است.

سؤال بیست و هشتم - خنکی در خانه شما چگونه تأمین می‌شود؟

از بررسی پاسخ‌ها معلوم شد علی‌رغم تمایزهای آب‌وهوایی شهرهای مورد بررسی اکثراً خانه‌های معاصر از کولر آبی، پنکه و بعضاً کولر گازی برای خنک شدن استفاده می‌کنند و کمتر این سهم برعهده سازمان فضایی خانه قرار دارد. در بررسی‌های میدانی مشاهده شد که عناصر تأسیساتی برودت‌زا به صورت الحاقی بر سقف، کف و بدنه‌های داخلی و خارجی

چسبانیده شده و فاقد بروز معمارانه می‌باشند.

سؤال بیست و نهم - گرمای منزلتان چگونه تأمین می‌شود؟

از بررسی پاسخ‌ها، معلوم شد که گرمای خانه‌ها توسط شوفاژ، بخاری گازی، بخاری نفتی و به میزان کمتری با سیستم حرارت مرکزی تأمین می‌شود. تنها در یک مورد از پاسخ‌ها، به کسب حرارت از خورشید اشاره شده است. به علاوه در بررسی‌های میدانی مشاهده شد که عناصر تأسیساتی حرارت‌زا بدون ارتباط با عناصر معماری بنا در داخل فضاها حضور یافته‌اند.

سؤال سی‌ام - وضع گیاهان سبز در خانه‌تان چگونه است؟

آنچه از بررسی پاسخ‌ها عایدمان شد این بود که ساکنان خانه‌های معاصر بسیار خواهان ارتباط با گل و گیاه هستند، لیکن امکانات زندگی آپارتمانی این رابطه را بسیار محدود کرده است و آنها که از حیاط برخوردارند در موقعیت ارتباطی بهتری هستند. در شش شهر مورد بررسی، ارتباط ساکنان خانه‌های معاصر با طبیعت، درخت و فضای باز بیشتر از ساکنان خانه‌های تهرانی است. حذف این رابطه و نادیده گرفته شدن آن در سازمان فضایی، نادیده گرفتن ارکان تشکیل‌دهنده شیوه زندگی است.

سؤال سی و یکم - با همسایه دیوار به دیوار معاشرت دارید؟

اکثریت قریب به اتفاق پرسش‌شوندگان، معاشرتی با همسایه دیوار به دیوار خود نداشتند. از طریق مشاهده نیز، معلوم شد که شکل و فضای همجواری خانه‌ها نیز، نقشی در برقراری ارتباط همسایه‌ها با یکدیگر ایفا نمی‌کند. در همین سطح نیز ساکنان خانه‌های شش شهر مورد بررسی، بیش از ساکنان خانه‌های تهرانی با همسایه دیوار به دیوار و روبه‌رویی معاشرت دارند.

برای اکثر پرسش‌شوندگان تأثیر خوش‌آیند و مطلوب سقف بلند مطرح است. لیکن، نگرانی برای تأمین سرما و گرما بر احساس دلبازی فضا غلبه می‌کند.

سؤال سی‌ونهم - آیا فضاهای خانه شما برای کودکان مناسب است؟ برای کهنسالان چطور؟

معلوم شد که سازمان فضایی خانه‌های معاصر، اساساً به مسئله سن توجهی ندارد. تنها مورد قابل ذکر، خصلت دو وجهی پله است که از یک طرف می‌تواند تنوع فضایی ایجاد کند و از طرف دیگر خطر برای سقوط.

سؤال چهلم - آیا در فضاهای خانه تغییراتی داده‌اید؟ چه تغییری؟

در پاسخ‌ها، این تمایل وجود دارد. آنها که مالک بوده‌اند اقدام کرده‌اند، جهت اصلی این تغییرات، تأمین روشنایی بیشتر و گشایش فضاها و برقراری ارتباطات سهل‌تر بوده است.

سؤال سی‌ودوم - با هسایه روبه‌رویی چطور؟

پاسخ‌ها را مرتبط با سازمان فضایی خانه‌ها و همجواری آنها سنجیدیم و دریافتیم که آرایش و ترکیب بیرونی خانه‌های معاصر، نقشی در ایجاد معاشرت با همسایگان ایفا نمی‌کند.

سؤال سی‌وسوم - حس نمی‌کنید حریم‌های زندگی اعضای خانواده در هم تداخل دارند؟ اگر دارند چرا؟ اگر ندارند چرا؟

پاسخ‌هایی که از تداخل حریم‌ها شکایت داشتند، این تداخل را ناشی از کمبود زیربنا و نبود یک اتاق برای هر نفر توضیح داده‌اند.

سؤال سی‌وچهارم - آیا در خانه شما میهمان یا میهمانان می‌توانند شب را بخوابند؟ یا یک هفته بمانند؟ چگونه؟ لطفاً راحتی، ناراحتی، حریم‌ها و تداخل آنها را توصیف کنید.

سؤال درباره تداخل حریم‌ها را با سؤال درباره اقامت میهمان یا میهمانان در خانه ادامه دادیم. موضوع همچنان معتبر است. هنوز در خانه‌های معاصر، میهمان یا میهمانان حداقل یک شب را به صبح می‌رسانند و این میزان در شش شهر مورد بررسی، بیش از یک شب می‌باشد. آنها که جای خواب برای پذیرایی از میهمان دارند از کمبود سرویس‌ها شکایت دارند و آنها که ندارند از تداخل حریم‌ها.

سؤال سی‌وپنجم - آیا تجربه زندگی مشترک با فرد دیگری غیر از خانواده درجه اول خود را داشته‌اید؟ اگر آری این تجربه در خانه شما چگونه بوده است؟

پاسخ‌ها حاکی از آن بودند که علی‌رغم حضور این تجربه در خانه‌های معاصر، سازمان فضایی خانه‌ها در برابر این وجه از شیوه زندگی ناتوان هستند.

سؤال سی‌وششم - آیا دیوارها، سقف‌ها و کف‌های فضاهای نشیمن و خواب شما مانند هم هستند؟ یا فرق دارند؟ اگر دارند چگونه؟

در تمامی پاسخ‌ها، این سه عنصر را مشابه هم در تمامی فضاها اعلام کردند خاصه دیوارها و سقف‌ها را.

سؤال سی‌وهفتم - آیا اشیای موجود در منزل شما با فضاها تناسب دارند؟

پاسخ‌ها نشان دادند که احساس دقیقی بین تعادل اشیا و فضاهای خانه وجود ندارد. ولی در فضاهایی مانند اتاق خواب و آشپزخانه به حضور مسلط و اشباع‌شده اشیا اشاره شده است.

سؤال سی‌وهشتم - تأثیر بلندی سقف بر شما چیست؟

تجربه پرسشگری از نوجوانان

این پرسشگری از کودکان و نوجوانان، در محدوده سنی هشت تا شانزده سال انجام شده است. ابتدا در یک نشست از حدود پنجاه کودک و نوجوان عضو شورای کتاب کودک^۱ دعوت به عمل آمد و برای آنها توضیحاتی درباره معماری، فضا، شهر و خانه همراه با عکس و نقشه داده شد و به طور شفاهی مطلب ارائه شده مورد گفت‌وگو قرار گرفت و نظریات آنها پرسیده شد. پس از این جلسه، پرسشنامه‌ای تهیه شد شامل، هشت موضوع پیشنهادی درباره فضاها و بناها، و پنج پرسش درباره دیده‌ها و دانسته‌های آنها.

هشت موضوع پیشنهادی برای کسب نظر بچه‌ها، به ترتیب عبارت بودند از:

- ۱- فضای اتاق خودتان (با اسباب و وسایل)؛
- ۲- فضای اتاق دلخواهتان (بدون اسباب و وسایل)؛
- ۳- خانه خودتان (از کوچه یا خیابان)؛
- ۴- خانه دلخواهتان (از کوچه یا خیابان)؛
- ۵- میدانی که دوست دارید؛
- ۶- یک ساختمان عمومی (غیر مسکونی)؛
- ۷- یک خانه ایرانی آن‌طور که شما تصور می‌کنید؛
- ۸- یک اثر تاریخی.

از بچه‌ها خواسته شد به کمک عکس، نقاشی، طراحی یا نوشته، سه موضوع از هشت موضوع را انتخاب و بیان کنند. در این گزارش، پاسخ‌های مربوط به چهار موضوع اول و موضوع هفتم مطرح خواهند شد.

پنج سؤال دیگر عبارت بودند از:

- ۱- از عناصری که مشخصه خانه‌های ایرانی هستند، کدام را می‌شناسید؟
در زیر سؤال، این واژه‌ها نوشته شده بود: سردر، هشتی، دالان، حیاط مرکزی، اتاق‌های دودری، سهدری، پنج‌دری، شاه‌نشین، حوضخانه، سرداب، بالاخانه، گوشوار، کنج، پستو، بادگیر، حوض و مهتابی. از بچه‌ها خواسته شد دور واژه‌های آشنا را خط بکشند. آنها می‌توانستند برای پاسخ دادن به این سؤال از آشنایان کمک بگیرند.
- ۲- از بناهای مهم ایران کدام یک را از نزدیک مشاهده کرده‌اید؟ نام ببرید.
- ۳- از بناهای مهم جهان کدام یک را از نزدیک مشاهده کرده‌اید؟ نام ببرید.
- ۴- در بناها و فضاها شهر، محله، مدرسه و خانه خودتان چه چیزهایی شما را آزار می‌دهند؟

۱. شورای کتاب کودک، مؤسسه‌ای فرهنگی است که از سال ۱۳۴۹ به همت و سرپرستی خانم توران میرهادی و برخی از شخصیت‌های فرهنگی دیگر، کار خود را آغاز کرد و پس از انقلاب، بخش زیادی از توان و سرمایه خود را برای انتشار دایره‌المعارف ایرانی کودکان و نوجوانان مصروف کرده است. این شورا در هر سال، تعداد زیادی از نوجوانان بین ۸ تا ۱۶ سال را به عنوان شورای مشورتی خود انتخاب می‌کند و بسیاری از نظرسنجی‌ها و ارزیابی مقاله‌های دایره‌المعارف را توسط این شورا انجام می‌دهد. اکثر این نوجوانان به خانواده‌های طبقه متوسط و کم‌درآمد تعلق دارند.

۵- زیباترین بنایی که دیده‌اید کدام است؟

در مجموع ۲۷ جواب به صورت نامه برای ما ارسال شد. پاسخ‌ها نسبت به آنچه خواسته شده بود، کامل نبودند. در زیر، تعدادی از پاسخ‌های دریافت‌شده که مربوط به پرسش‌های اول، چهارم و پنجم هستند و برای این بررسی می‌تواند مفید باشد، آورده شده است. اما از تحلیل پاسخ‌ها خوداری کرده‌ایم و انتهای گزارش را نیز با چنین تحلیل‌هایی نبسته‌ایم. شاید به این دلیل که پاسخ‌ها آنقدر شفاف و روشن هستند که نیاز به تحلیل را منتفی می‌کنند. اکثر پاسخ‌ها همچون تصاویر، نیاز به شرح ندارند و بهتر است همین‌گونه که هستند، ارائه شوند.

پنج موضوع پیشنهادی

موضوع پیشنهادی اول - فضای اتاق خودتان (با اسباب و وسایل)

پاسخ‌های دریافت‌شده:

۱- چون اتاق من با خواهرم مشترک است، دو تخت دارد که در دو طرف اتاق به فاصله یک متر از یکدیگر قرار گرفته‌اند. کنار تخت من که در سمت راست اتاق قرار گرفته است کمدی قرار دارد که با کمدهای دیواری اتاقمان فاصله‌ای بسیار کم دارد (و البته گاهی اوقات برای بازکردن کمد دیواری دچار مشکل می‌شویم و این به خاطر نبودن جای کافی در اتاق و کوچک بودن آن است). درست مقابل کمد، میز کوچکی قرار دارد که تلفن مخصوص اتاقمان به علاوه چراغ مطالعه و یک عدد آینه روی آن قرار دارد. در بین تخت من و خواهرم میز کوچکی است، کتاب‌هایی را که معمولاً شب‌ها در تخت‌خواب مطالعه می‌کنیم و نیز ساعت کوچکی را که صبح‌ها به وسیله آن برای رفتن به مدرسه بیدار می‌شویم، روی آن قرار می‌دهیم. در طرف دیگر اتاق یعنی درست در کنار کمد دیواری، قفسه کتابی است که بسیار بزرگ و همیشه شلوغ است و به خاطر آنکه همه کتاب‌هایمان در آن قفسه جا نمی‌شوند، مقداری از آنها را در قسمتی از کمد دیواری که خالی است گذاشته‌ایم. (در قسمت بالایی کمد) و درست در فاصله نیم‌متری از کتابخانه، در ورودی به اتاق واقع است که جلو و پشت آن مملو از انواع و اقسام عکس‌برگردان‌های مختلف است، چون اتاق ما مشترک است، فقط من اتاق را توصیف کردم.

موضوع پیشنهادی دوم - فضای اتاق دلخواهتان (بدون اسباب و وسایل)

۱- دلم می‌خواست اتاقی داشتم با دیوارهای آبی، چون رنگ آبی را خیلی دوست دارم. آبی رنگ آسمان است و من آسمان را نیز خیلی دوست دارم. دلم می‌خواست پرده‌های اتاقم سبز بودند که اگر زمستان نیز به آنها نگاه می‌کردم به یاد بهار می‌افتادم. ای کاش، ای کاش می‌شد اتاقم آنقدر ساکت بود که حتی می‌توانستم صدای ضربان قلبم را نیز بشنوم، دوست داشتم درون اتاقم آواربوم بزرگی بود که در آن انواع و اقسام ماهی‌های جنوب وجود داشت و شب‌ها قبل از خواب به جای آنکه به تلویزیون نگاه کنم، ساعت‌ها به حرکات منظم ماهی‌ها می‌نگریستم

و کارهایشان را زیر نظر می‌گرفتم. کاش می‌شد سقف اتاقم از شیشه بود تا هر وقت بر روی تختم دراز می‌کشیدم، بتوانم آسمان و ستارگانش را ببینم و با یاد دُب اکبر بخوابم و شاید خواب ستاره شمال را ببینم.

۲- در ذهن من دو نوع اتاق تصویر شده است. یکی رویایی و دست‌نیافتنی و دیگری اتاقی که با معیارهای زندگی مطابق باشد. اتاق ایده‌آلی که من همیشه در ذهنم می‌پرورانم، اتاقی است به شکل هرم و خیلی وسیع با ستون‌های سنگی که بر روی آنها طرح‌هایی به سبک «سوررآلیسم» تصویر شده باشد. همچنین سقفی بلند و کفی از جنس سنگ مرمر شفاف و دیوارهای آن هم از سنگ صیقلی شده، یک تکه از پنجره عریض که حصارای جلوی آن نباشد با چشم‌اندازی زیبا به اضافه یک شومینه هیزمی و بزرگ و یک حوض شیشه‌ای که در وسط اتاقم واقع باشد با سیستم‌های تهویه و نورپردازی مناسب.

۳- من دوست دارم یک اتاق در طبقه آخر یک آپارتمان خیلی بلند داشته باشم و اتاقم کاملاً شیشه‌ای باشد، یعنی درها و همه چیزهای آن کاملاً شیشه‌ای باشند. من دوست دارم که طاق اتاقم به شکل مربع‌های به هم چسبیده‌ای باشد که روی هم یک طاق گنبدی شکل را تشکیل دهند، شیشه‌های اتاق یعنی در و دیوار آن طوری ساخته شده باشند که از داخل بتوانم کوچه و خیابان را نگاه کنم، ولی از بیرون کسی نتواند داخل اتاقم را نگاه کند. در ضمن دوست دارم اتاقم خیلی بزرگ باشد و اتاقم برادرم از اتاق من جدا باشد و وقتی که آفتاب به درون اتاقم می‌آید، کمی از گرمای آن کم شود، چون آفتاب مرا اذیت می‌کند. شب‌ها اتاق من مثل روز روشن باشد، ولی زود خوابم ببرد. در خانه‌ام پر از درختانی باشد شبیه نخل، ولی خاک وجود نداشته باشد و درختان از درون شیشه بیرون بیایند.

۴- یک اتاق به شکل پنج‌ضلعی منتظم که سراسر شیشه‌ای باشد و در بالای آن گل‌های پیچک روییده باشند.

موضوع پیشنهادی سوم - خانه خودتان (از کوچه یا خیابان)

۱- خانه ما در قسمت جنوبی خیابان بهمنی قرار گرفته و خانه‌ها به طور سری و یکسان و یک‌اندازه ساخته شده‌اند، یعنی پنجره تمام اتاق‌های خواب، پنجره و دستشویی رو به خیابان است.

موضوع پیشنهادی چهارم - خانه دلخواهتان (از کوچه یا خیابان)

۱- دوست داشتم خانه‌ای می‌داشتم با کنده‌کاری‌های سنتی. دلم می‌خواست خانه ما در دهات بود تا هر روز صبح وسایل نقاشیم را بردارم به کوه بروم، مناظر زیبا را نقاشی کنم و عصر را با بچه‌های خوب و مهربان روستایی بگذرانم یا گاهی بر روی تابی که در حیاط است بنشینم و به جای نگاه کردن به ساختمان‌های اطرافم، مناظر زیبای طبیعت را ببینم و درباره این زیبایی‌ها، شعر بگویم و بر روی کاغذ بیاورم و هزاران «ای کاش» دیگر که رسیدن به آنها از محالات است. چون خانه‌ای که من

می‌خواهم، خانه‌ای روستایی است.

۲. از فاصله دور خانه‌ای سفید و درخشان دیده می‌شود. خانه‌ای وسیع که از کیلومترها دورتر قابل دیدن است. گل‌ها در حیاط وسیع خانه به چشم می‌خورند، تابی سفیدرنگ در طرف راست حیاط خودنمایی می‌کند. در پشت تاب، نرده‌هایی سفید دیده می‌شود که حیاط را از دریای متلاطم جدا می‌کند. پله‌هایی حیاط را به زیرزمین می‌رساند. حوض بزرگی در زیرزمین دیده می‌شود که از سنگ‌های مرمر ساخته شده است و صدای فواره‌های آن مانند شرشر باران به گوش می‌رسد. پس از بالا رفتن از پله‌ها، دوباره به حیاط می‌رسیم. نمای بیرون خانه از ستون‌های محکم که بسان میخ بر زمین کوفته شده‌اند، تشکیل شده است که سقف بلند خانه را استوار نگه می‌دارد. نمای خانه از سنگ مرمر ساخته شده و به قدری صیقلی است که چهره انسان در آن قابل دیدن است. در کنده‌کاری شده صیقلی و زیبایی باز شده و سالن بزرگی روبه‌رویمان قرار می‌گیرد. پنجره‌های هلالی و رنگارنگ اتاق، نوری را که داخل خانه می‌شود به رنگ‌های مختلف در می‌آورند. روی ستون‌های اتاق، نقش‌هایی زیبا دیده می‌شوند. نقاشی‌هایی از شعر شعرا بزرگ ایران. سقف قهوه‌ای‌رنگ و براق آن به زیبایی سالن می‌افزاید و با مبلمان خانه هماهنگی لازم را دارد. راهرویی زیبا، سالن را به اتاق‌های دیگر مربوط می‌کند. اتاق‌هایی پر نور و قشنگ با نقش و نگارهایی که کار نقاشان بزرگ است. خانه مورد علاقه من این چنین است. خانه‌ای که با همه شکوه و زیباییش، خصوصیات خانه‌های ایرانی را هم دارد. خانه‌ای که با دست‌های خسته هزاران معمار ایرانی بنا شده. خانه‌ای که هر یک متر آن، نتیجه نفس‌ها و عرق‌های هنرمندان ایرانی است. خانه‌ای که با تمام شکوه، اصالت خود را از دست نداده است. این خانه، خانه مورد علاقه من است.

۳. من نیز شهری کوچک، کوچه‌ای آرام و پر درخت با جوی روان و خانه‌ای بی‌دغدغه و بی‌آلایش را می‌پسندم. خانه‌ای که از هرگونه تجملات ظاهری که خاطر را مشوش کرده، مرا به فکر وامی‌دارد که چگونه از آن محافظت کنم یا به چه نحو بر آن بیافزایم و غیره و غیره مبرا باشد. خانه‌ای را دوست دارم که دور تا دورش را درختانی بلند و گل‌های زیبا پوشانیده باشند و صبحگاهان زمانی که چشم می‌گشایم و پنجره را باز می‌کنم وجودم را از عشق و محبت لبریز گرداند. می‌خواهم خانه‌ام دایره‌وار باشد، میز خانه‌ام گرد باشد، پنجره‌هایم قوس‌دار باشند و اتاقم همچون نیم‌دایره‌ای قرار گرفته و دیواری به حیاط نداشته باشد. درختان را در هر لحظه که اختیار کنم، ببینم و شب در میان آنها باشم. من آرامش را در دایره یافتیم و «زاویه» را مایه ناآرامی خویش می‌دانم. دوست دارم نوای موسیقی در خانه‌ام طنین‌انداز باشد و در حیاط خانه‌ام صدای موسیقی، درختان و گل‌ها را نوازش کند. من تنهایی را دوست دارم و می‌خواهم که در خانه‌ام تنها باشم.

۴. من می‌خواهم خانه دلخواهم رنگ سفید داشته باشد و پنجره‌ها مستطیل باشند. سقف خانه شیروانی و دودکش داشته باشد. در خانه چوبی بوده و خانه بالکن هم داشته باشد.

موضوع پیشنهادی هفتم - یک خانه ایرانی آن‌طور که شما تصور می‌کنید

۱- شکل و ترکیب خانه‌های سنتی در ایران بسته به آب و هوای مناطق مختلف تا حدودی متفاوت بود. در اینجا از خانه‌ای سنتی در مرکز و مغرب ایران صحبت می‌کنم. در این خانه‌ها، خانه از صحن کوچک کمی پایین‌تر بود و برای رسیدن به در ورودی، می‌بایست چند پلکان پایین آمد. در طرفین در، دو طاقچه قرار داشت که در برخی شهرها به آن خواجه‌نشین می‌گفتند. در ورودی حیاط سنگین و چوبی بود و با گل‌میخ‌های زیبا تزیین شده بود که نقش آن نشان از گذشته‌های دیرین داشت. آن سوی در، دالانی مسقف و سپس حیاطی بزرگ و در میان آن حوضی زیبا قرار داشت. باغچه‌ها در اطراف آن بودند. معمولاً یک درخت مو نزدیک حوض بر داربست افراشته بود که در فصل گرما سایه‌ای دلنشین داشت. در ضلع جنوبی حیاط، انباری، زغال‌دان، مطبخ و در ضلع شمالی، اتاق‌های نشیمن و پذیرایی قرار داشت که دوطبقه بودند. طبقه‌ای که امروزه به آن همکف می‌گویند، باز هم از سطح حیاط پایین‌تر قرار داشت. دری کوتاه محل ورود اتاق وسط بود و در اطراف این اتاق، اتاق‌هایی تودرتوی دیگری وجود داشت. درست همین وضع در گوشه دیگر ضلع شمالی بود. بین این دو قسمت همکف، پله‌هایی وجود داشت که به اتاق‌های پذیرایی طبقه بالا منتهی می‌شد. دیوارهای حیاط بلند و قطور و دیوارهای اتاق‌ها نیز، قطور بودند. وجود این دیوارها و نبودن منافذ غیر ضروری هوایی مطبوع در گرما و سرما برای این منازل به وجود می‌آورد، به طوری که در زمستان با کمی گرما، هوا دلچسب و در تابستان از گزند گرما محفوظ بود. پنجره‌ها جز در اتاق پذیرایی چندان زیاد نبودند، البته نه به صورتی که روشنایی تأمین نشود. این مشخصات خانه‌ای ایرانی با قدمتی صدساله است.

پرسش‌ها

سؤال اول - از عناصری که مشخصه خانه‌های ایرانی هستند، کدام را می‌شناسید؟

از ۲۶ پاسخ دریافت‌شده در این خصوص، حداقل چهار عنصر و حداکثر شانزده عنصر از عناصر مشخصه خانه‌های ایرانی را می‌شناخته و نام برده‌اند.

سؤال چهارم - در بناها و فضاهای شهر، محله، مدرسه و خانه خودتان چه چیزهایی شما را آزار می‌دهند؟

۱- نداشتن حیاط و باغچه برای بازی کردن، نبودن فضای خالی و باز در شهر، کوچک بودن حیاط مدرسه.

۲- در خانه زیرزمین، در شهر سعادت‌آباد.

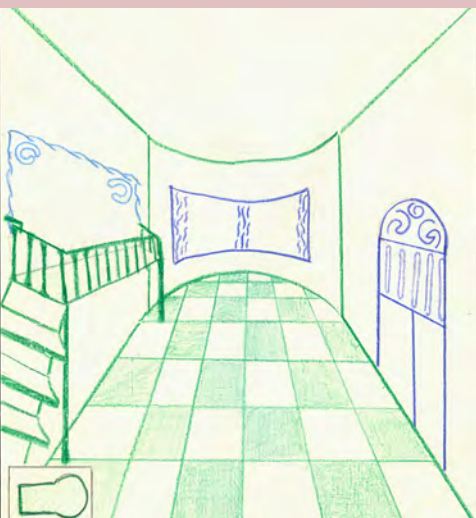
۳- هیچ چیز مرا آزار نمی‌دهد. زیرا جلوی خانه ما بنای بدی وجود ندارد.

۴- ساختمان‌هایی بزرگ با حیاط‌هایی کوچک.

۵- زباله‌دانی که سر یک پیچ واقع است و زباله‌ها را آنجا می‌ریزند و هر یکماه یا بیشتر



یک خانه ایرانی
سارا صلاحی - اول راهنمایی



اتاق دلخواه من
شقایق ریاضی - سوم راهنمایی



خانه دلخواه من
خماسه ساده وند - اول راهنمایی



حیاط قدیمی
یکتا بهروزی - اول راهنمایی

تخلیه می‌شود و گاهی هم به جای تخلیه آتش می‌زنند.
۶- در شهر، بی‌نظمی معماری خانه‌ها و کوچه‌ها مانند وجود خانه‌هایی با معماری مدرن در کنار خانه‌هایی کلنگی که از معماری سنتی آنها فقط سایه‌ای باقی مانده است. وجود کوچه‌های بسیار تنگ و پر پیچ‌وخم و ناصاف. در خانه، از بین رفتن فضاهای سنتی خانه‌ها مانند باغچه و حوض و سرداب، ... و شبیه‌شدن آنها به شرکت‌ها و ادارات. در مدرسه، قدیمی بودن بیش از حد ساختمان و نبودن تزیینات سنتی ایران در مدارس و نداشتن زمین بزرگ برای ورزش و تفریح و حتی نبودن فضای کافی برای کلاس‌ها و آزمایشگاه و کتابخانه.

۷- طراحی بد، خراب بودن میز و صندلی و بنای ساختمان، کثیف بودن ساختمان و زشتی محیط شهر، ناهماهنگی ساختمان‌ها.
۸- اتومبیل‌های زیاد، آلودگی هوا، کوچکی کلاس‌ها و حیاط، شکل بنای خانه، کثیفی شهر.

۹- سقف‌های کوتاه، ماشین‌های فراوان، هوای آلوده، درختان مریض، نبودن جای خلوت در شهر، نیمکت‌های کوچک، دیدن گربه‌ها و انسان‌هایی که از زباله‌ها تغذیه می‌کنند، نبودن حیوان‌های متنوع و اهلی در شهر، مردم خواب‌آلود ولی در حال تحرک.

۱۰- دود ماشین‌ها و صدای بوق ماشین‌ها، کثیفی و آلودگی هوا، زندگی در شهر تهران.

۱۱- فقر مردم.

۱۲- بناهای زشت.

۱۳- برای زیباتر کردن خانه‌ها، قوانینی که در قدیم برای ساخت به تناسب شرایط آب و هوایی مورد نظر رعایت می‌شد، زیر پا گذاشته شده است. چنان‌که در قدیم به کولر و بخاری احتیاج نبود، چون خانه با قوانینی دیگر ساخته می‌شد و اما در این روزگار با استفاده از وسایل خارجی و تکنولوژی خارجی قوانینی که برای ساخت بناهای قدیمی ایرانی به کار می‌رفت، نادیده گرفته شده و کافی است که مثلاً در تابستان چند ساعتی برق قطع شود و گرما به این ترتیب در خانه بیداد می‌کند.

۱۴- هیچ.

۱۵- هیچی.

۱۶- آلودگی، تیرگی رنگ‌ها.

۱۷- یکنواختی، رنگ‌های تیره، ساختمان‌های کثیف، ناهماهنگی در بین شکل‌های ساختمان‌ها، درهم بودن بنای شهر.

۱۸- کوچک بودن بناها، نامتناسب بودن آنها از نظر معماری، تعداد زیاد خانه‌ها در کوچه‌های باریک، فشردگی خانه‌ها.

۱۹- یکنواختی رنگ و ساختمان‌ها، حیاط‌های کوچک و دیوارهای خانه‌ها.

۲۰- کوچک بودن خانه‌ها، نداشتن حیاط، کمبود فضای حیاط مدرسه و کوچکی کلاس‌های درس (در برخی جاها).

۲۱- هیچ چیز.

۲۲- هیچ چیز.

۲۳- در شهر و محله خانه‌های خرابه‌ای که به سراغ آنها نمی‌آیند و باعث بلندشدن خاک و آلودگی می‌شوند، مرا آزار می‌دهد.

۲۴- کثیفی، شلوغی.

۲۵- آلودگی جوی‌ها و وجود موش‌ها و آلودگی شهر، دود ماشین‌ها و همین‌طور سروصدایشان، کوچکی و کمبود کلاس‌ها، شکل و شمایل خانه‌ها، آشغال‌های شهر.

۲۶- آلودگی هوا، دیدن آب بینی یا دهان کسی که روی زمین افتاده باشد. و وقتی معلم یا ناظم بچه‌ای را می‌زند.

سؤال پنجم - زیباترین بنایی که دیده‌اید، کدام است؟

۱. تخت جمشید / ۲. چهل ستون / ۳. همه بناها از نظر من قشنگ هستند / ۴. بناهای کنگاور و کمال‌الملک و ابوعلی سینا / ۵. زیباترین جا، غار علیصدر و زیباترین بنا، منارجنبان / ۶. مسجد سپهسالار و شاهزاده عبدالعظیم / ۷. تخت جمشید، عالی قاپو، چهل ستون، منارجنبان، آرامگاه حافظ و سعدی / ۸. حمام فین / ۹. چهل ستون، مقبره بابا طاهر و ابوعلی سینا / ۱۰. تخت جمشید / ۱۱. غار علیصدر / ۱۲. چهل ستون، عالی قاپو، حمام فین کاشان / ۱۳. هتل قدیمی رامسر / ۱۴. تاج محل در هندوستان / ۱۵. کاخ سعدآباد / ۱۶. برج ایفل / ۱۷. منارجنبان / ۱۸. کاخ گلستان / ۱۹. تخت جمشید / ۲۰. ... / ۲۱. یک ساختمان ۳۸ ساله در بیمارستان دادگستری، یک خانه ایرانی دوپست‌ساله در بروجرد / ۲۲. بیگ‌بن / ۲۳. سی‌وسه پل / ۲۴. هشت بهشت اصفهان / ۲۵. سی‌وسه پل / ۲۶. به نظر من همه آنها زیبا هستند و فرقی بین آنها نمی‌توان گذاشت / ۲۷. ...

اتاق خودم
سارا صلاحی - اول راهنمایی



اتاق من
یکتا بهروزی - اول راهنمایی



خانه دلخواه من
شقایق ریاضی - سوم راهنمایی



خانه دلخواه من
نازنین پوینده - دوم راهنمایی



بخش چهارم

خانه و شیوه زندگی

هر خانواده معمولاً متشکل از اعضای با تمایزهای سنی، جنسی، دانشی، تخصصی، عاطفی، اجتماعی و از این قبیل است. خانواده‌ها در طول زندگی، دوران‌های مختلفی را طی می‌کنند. در آغاز شکل‌گیری، خانواده از یک زوج تشکیل می‌شود و در بسیاری از فرهنگ‌ها زوج جوان زندگی خود را در کنار پدر و مادر یکی از زوج‌ها آغاز می‌کنند. با به دنیا آمدن اولین فرزند، خانه موجود جدیدی را در خود جای می‌دهد که نیازهای خاص خود را دارد و روابط، رفتارها و فعالیت‌های تازه‌ای را با خود به همراه می‌آورد و بر رفتار و فعالیت همه اعضای خانواده تأثیر گذار است. با رشد او نیازمندی‌هایش، روابطش و فعالیت‌هایش تغییر می‌کنند و در همین دوران و به موازات رشد کودک، بزرگترهای خانواده نیز دوره‌های مختلف از عمر خود را می‌گذرانند و احساساتشان، نوع روابطشان با یکدیگر و با فرزندانشان و همچنین چگونگی گذران اوقاتشان متحول می‌شود. خانه می‌باید بتواند پاسخگوی این پویایی زندگی خانوادگی در دوره‌های مختلف حیات آن باشد.

نه تنها در طول دوران‌های مختلف، بلکه نگاه به یک مقطع زمانی معین از زندگی خانوادگی نیز بیانگر پیچیدگی و تنوع جنبه‌های زندگی است که در قلمرو یک خانه روی می‌دهد.

در ایران همچنان خانواده مرکز روابط اجتماعی است و هنوز نهادهای دیگری مانند انجمن‌ها و کلوپ‌ها و مؤسساتی مشابه جایگزین ویژگی‌ها و مرکزیت اجتماعی خانواده نشده‌اند و سهم خانواده در تعلیم و تربیت فرزندان و انتقال آداب و سنن به آنان بسیار زیاد است. همچنان خانواده‌های ایرانی با خویشاوندان و دوستان خود در خانه معاشرت می‌کنند و برگزاری میهمانی‌ها و مراسم در خانه، همچنان مرسوم است. این معاشرت‌ها از پذیرا شدن تعداد اندک مهمان تا جشن‌ها و میهمانی‌های بزرگ را در بر می‌گیرد.

در مقایسه با غرب، خانه ایرانی اغلب صبح‌ها خالی نیست و در طول روز بیش از یک وعده غذا در آن صرف می‌شود و تنها محلی برای خوابیدن نیست. اعضای خانواده ایرانی در خانه و کنار یکدیگر غذا می‌خورند، با یکدیگر به تماشای تلویزیون می‌نشینند و اوقاتی را در کنار یکدیگر نشسته و با هم گفتگو می‌کنند.

از سوی دیگر نه تنها در دوران معاصر و نه تنها در ایران، هر فرد از اعضای خانواده، دارای روابط شخصی خود، علاقمندی‌ها و فعالیت‌های فردی خویش و همچنین

اشیا مخصوص به خود است. این فعالیت‌ها نیز به اعتبار نامحدود بودن تنوع زندگی افراد، بسیار متنوع خواهد بود. در بسیاری مواقع فرزندان خانه‌ها با دوستان خود در خانه بازی می‌کنند و اجتماعی کوچکتر و خصوصی‌تر را تشکیل می‌دهند. پدر و مادر خانواده گاه، همکاران و دوستان خود را در خانه می‌پذیرند و بنابراین طیف متنوعی از خلوت افراد و انزوای اعضای خانواده یا بودن با دیگری، دیگران و با همگان، امکان تحقق در خانه خواهد داشت و خانه و فضاهای آن باید پاسخگوی این گستردگی و تنوع باشد.

بررسی سازمان فضایی خانه‌های تاریخی در ارتباط با شیوه زندگی که در آن‌ها جریان داشته، از خلال گفتگو با ساکنان این خانه‌ها و پاسخ‌هایی که آنان به پرسش‌های مطرح شده در این زمینه داده‌اند، آشکار می‌کند که معماری خانه‌های تاریخی پاسخگوی این تنوع ابعاد و پویایی شیوه زندگی در خانه بوده است. این امر بیانگر اشراف فرهنگ معماری و معمار ایرانی بر تنوع زندگی، تا حد جزئی‌ترین رفتارها و نیازها بوده است.

این همخوانی، در این سرزمین حاصل تجربه سالیان شیوه سازماندهی فضا و تبدیل شدن آن به نهادی بوده است که همواره مورد بازبینی جامعه قرار می‌گرفته و در درون آن بازتعریف و اصلاح می‌شده است.

این پشتوانه تاریخی و فرهنگی و حضور معماری به مثابه یک پدیده اجتماعی، بیرون آمده از بطن یک جامعه، سبب شده است که شیوه زندگی به صورت همگرا در سازمان فضایی خانه عمل کند. به این معنا که سازمان فضایی خانه ایرانی در کل و در هر جزء فضا، خانواده و روابط اعضای خانواده با یکدیگر، رابطه خانواده با خویشاوندان، دوستان و همسایگان را مدنظر قرار داده است. به فرد، قلمرو خصوصی مورد نیاز وی، رفتارهایی که در خلوت و فضای خصوصی دارد و معاشرت‌های خاص هر یک از افراد خانواده توجه کرده است. برای نیازمندی‌های انسان در سنین مختلف در این سازمان فضایی، پاسخ فضایی وجود دارد و به ارتباط انسان با طبیعت، اندیشیده شده است.

راه‌حل‌های معمارانه و پاسخ‌های فضایی معماری خانه‌های تاریخی به مفهوم خانه و این تنوع ابعاد زندگی بر اساس سه مفهوم محوری شکل گرفته‌اند:

- انعطاف‌پذیری سازمان فضایی و امکان بسط و ترکیب فضاها با یکدیگر
- وجود فضاهای حریم
- طراحی ترکیبی جزءفضاها

در خانه‌های تاریخی مضامین و معانی مرتبط با نزدیک شدن به خانه و تغییر قلمرو از بیرون به درون در فضا منعکس شده است. عناصری معمارانه همچون بادگیرها، به نشانه‌هایی تبدیل شده‌اند که نزدیک شدن به فضای آشنای خانه را خبر می‌دهند. حضور خانه در بیرون از خود منعکس می‌شود و قلمرو نیمه‌عمومی - نیمه خصوصی متعلق به چندین همسایه در حدفاصل شهر تا خانه شکل می‌گیرد و دارای مصداق فضایی به صورت بن‌بست‌ها و دربندها است. درگاه خانه‌ها، انعکاس فضایی انتظار

بر درب خانه تاگشوده شدن آن و گفتگویی کوتاه با همسایه است. در خانه‌های تاریخی، خانه از طبیعت جدا نیست و حیاط مهم‌ترین فضای آن است. طبیعت با حضور آب و گیاه و جریان باد در آن بر اهل خانه عرضه می‌شود و می‌توان طبیعت را در حریم خصوصی از نزدیک تجربه کرد. در داخل فضاهای بسته نیز، ارتباط با طبیعت از طریق وجود چشم‌انداز از اتاق‌ها به حیاط همچنان برقرار می‌ماند.

معاشرت با دیگران از تعداد محدود افراد، تا برگزاری جشن و مراسم بزرگ، بوسیله امکان ترکیب انواع فضاها و بسط آن‌ها به یکدیگر امکان‌پذیر است. فرهنگ چگونگی حضور اشیاء خانگی در خانه ایرانی نیز، بر امکان تحقق این ترکیب‌های فضایی می‌افزودند. اشیاء در خانه‌های ایرانی، در تحکیم و غنای فضا ایفای نقش می‌کردند اما نقش اصلی را در تعریف فضا بر عهده نداشتند و به این ترتیب حضور آنان مانع ترکیب شدن فضاها با یکدیگر نمی‌شد.

علاوه بر این، وجود فضاهای بینابینی و حریم، درجات مختلفی از طیف فضای خصوصی تا عمومی را در خانه شکل داده است. به عنوان مثال فضاهای کاملاً خصوصی همچون اتاق‌هایی که در بالاخانه قرار می‌گرفتند، اتاق‌های زاویه و فضاهایی که در سازمان فضایی خانه در دورترین لایه فضایی نسبت به حیاط قرار گرفته‌اند و همچنین مجموعه‌ای از فضاهای باز، بسته و پوشیده به صورت حیاط، ایوان، اتاق، پستو و راهروهای کناری آنها که به صورت حریم عبوری و فضایی این مجموعه عمل می‌کند. زندگی خانوادگی در این مجموعه فضاها به صورت مستقل از سایر فضاها امکان‌پذیر است.

سازمان فضایی خانه‌های تاریخی، تنوع فضایی گسترده‌ای را برای ساکنانش عرضه می‌کند و مشوق تجربه‌ها و فعالیت‌های متنوع است و ابعاد هر فعالیت به ظاهر ساده را با این ارائه تنوع فضایی افزایش می‌دهد. غذاخوردن که یکی از عادی‌ترین فعالیت‌هایی است که در یک خانه رخ می‌دهد، در خانه تاریخی تجربه آن در فضاهای سرپوشیده همچون ایوان‌ها، در حیاط و بر روی تخت روی حوض و در اتاق بسته اتفاق می‌افتد. در ایوان تجربه غذا خوردن همراه می‌شود با نظاره طبیعت از دور، هوای تازه و حضور نسیم و غذا خوردن در حیاط، تجربه حضور در یک باغ را تداعی می‌کند. خوابیدن نیز در هر سه‌گونه فضایی باز، بسته و پوشیده رخ می‌دهد و حضور آسمان، تجربه دیدار آن و کنجکاوی‌های گشتن به دنبال یک ستاره دنباله‌دار بخشی از تجربه شبانه ساکنان این خانه‌ها است که در هنگام فصل سرما، سقف اتاق‌ها، جایگزین این تصویر آسمان می‌شوند و خاطره آن را تا فصل گرم بعد زنده نگه می‌دارند.

این تنوع فضایی، که از طریق تنوع در میزان محصوریت فضاها، کیفیت نور، و حضور جریان هوا ایجاد می‌شود، ساکنان این خانه‌ها را نسبت به کیفیات فضایی حساس کرده است. چنانکه ادراک آنان از فضای خانه تمامی این تنوع‌ها را شامل می‌شده و می‌توانند آن را بیان و به توصیف درآورند.

شیوه زندگی و خانه‌های معاصر

در شیوه زندگی معاصر، نقش معمار و اهمیت معماری تقلیل یافته است و هم‌طراز با نقش و اهمیت اقتصاد و سیاست نیست. از طرف دیگر، واقعیت جامعه امروزی ما و مواجهه اقشار گسترده‌ای از جامعه با مسئله کمبود مسکن و گرانی باعث شده که صاحبخانه شدن نعمتی به حساب آید تا آنجا که هرگونه مسکنی بهتر از بی‌مسکنی است و آنچه در حد گسترده از طریق تعاونی‌ها و انبوه‌سازان عرضه می‌شود، آپارتمان‌هایی هستند که گذشته از ارزش پولی و بی‌ارزشی معماری آنها، امکان پاسخگویی به نیازهایی فراتر از نیازهای بیولوژیک را ندارند.

نعمت صاحبخانه بودن

شرایط موجود آدمی را وا می‌دارد که از داشتن هرگونه سرپناهی راضی و خشنود باشد، بدون آنکه به کاستی‌ها و به معماری آن بیندیشد. نعمت **صاحبخانه بودن** مهم‌ترین الویت **اسکان** است. ولی جادار بودن خانه، کیفیت اجرا و جوابگویی به مسائل اقلیمی همه و همه فرعی بر اصل می‌باشند. دیوارهای نازک، ارتفاع حداقل سقف‌ها، فقدان حریم‌های داخلی و خارجی (فضاهای بینابینی) در خدمت امکان فروش بیشترین متراژ زیربنا، پنجره‌های بزرگ که از کف تا سقف را پوشش داده و مقولاتی از این دست حتی به عملکرد و اقلیم هم پاسخ نمی‌گویند، چه رسد به طراحی خانه‌ها بر اساس درک یکپارچه از شیوه زندگی. اکنون عوامل زمینه‌ساز و کالبدی معماری، تعیین‌کننده شکل‌گیری بنا و سازمان فضایی خانه شده‌اند و اقتصاد و ضوابط و مقررات اداری فضای خانه را شکل می‌دهند. معمار و معماری امکان نمی‌یابند تا آنچه را اقتصاد یکطرفه و مقررات کنترل‌کننده تدارک دیده‌اند به زبان فضا ترجمه کنند.

کاهش حساسیت‌های فضایی شهروندان

با اتکا بر پاسخ‌های به دست آمده از طریق سؤال‌های مطرح‌شده در پرسشنامه‌های خانه‌های معاصر می‌توان به اعتراضات خفته ساکنان پی برد. اعتراض به سازمان فضایی خانه علی‌رغم از بین رفتن حساسیت فضایی شهروندان در سال‌های اخیر صورت گرفته است. این امر بدان علت است که مشارکت فضا در تعیین حریم‌های خصوصی و تشویق برخوردهای اجتماعی در خانه به شدت کاهش یافته است و در مقابل نقش اشیا، مبلمان، پرده و پارتیشن افزایش یافته است. خانه از بیرون حس «مکان» خاص متعلق به خانواده ساکن را به نمایش نمی‌گذارد. اهمیت فضاهای حد فاصل بیرون و درون به شدت کاهش یافته است. توجه به عمق، مرکزیت، جهت و هدایت در فضاهای داخلی خانه از بین رفته است.

دیدگاه حاکم بر مسکن هدفش آن است که بر «بی‌خانمانی» غلبه کند و می‌خواهد از طریق تقلیل زیربنا و توزیع هر چه کمتر سطح، خانوارهای بی‌خانمان را صاحب مسکن کند، در چنین وضعیتی، نه تنها سطح زیربنایی خانه می‌بایست کاهش

یابد، بلکه با توجه به تک‌منظوره شدن اتاق‌ها، امکان استفاده از فضاهای خانه کاهش می‌یابد و این در حالیست که هر یک از اعضای خانواده، برای تأمین حداقل خلوت خود، به یک اتاق اختصاصی احتیاج دارد. ساکنان از چشم‌انداز پنجره‌ها چشم پوشیده‌اند و تقریباً به هوا و نور مرتبط با پنجره‌ها نیز بی‌توجه هستند. دیگر فضاهای باز و نیمه‌باز از زمره نیازمندی‌های فضایی آنها محسوب نمی‌شود. فصل‌ها را باید در بیرون خانه تجربه کرد و معادل تجربه فضایی فصول در خانه به کارآیی سیستم‌های حرارتی-برودتی واگذار شده است.



گونه‌شناسی معماری خانه‌های تاریخی

مقدمه

بخش اول:

ادراک فضایی

شیوه‌های توانمندسازی جزءفضاها

شیوه‌های تعریف فضا

شیوه‌های ترکیب فضا

شیوه‌های نمایش فضا

عناصر معماری و شیوه‌های توانمندسازی فضا

دیوار / کف / سقف

شیوه‌های سازه و سازگاری فضا

بخش دوم:

الگوهای فضایی

الگوهای فضاهای باز

الگوی حیاط / الگوی صفه / الگوی پایین-بالا و شارمی / الگوی مهتابی / الگوی بام

الگوهای فضاهای پوشیده

الگوی ورودی و سردر / الگوی ایوان / الگوی دستگاه سرپوشیده / الگوی حوضخانه / الگوی کریاس / الگوی هشتی

الگوهای فضاهای بسته

الگوی زیرزمین / انواع الگوهای اتاق

بخش سوم:

معیارهای سازمان‌یابی فضا در خانه‌های تاریخی

مقدمه

فصل پنجم به نتایج کاربرد روش گونه‌شناسی برای شناخت معماری خانه‌های تاریخی اختصاص دارد. در این روش، شناسایی هر خانه به زمان تاریخی و مکان جغرافیایی محدود نمی‌شود و به این منظور بیش از صد خانه در شش شهر ایران در موقعیت‌های اقلیمی متفاوت مورد بررسی قرار گرفتند. در این مجموعه به ۸۷ نمونه از این بررسی‌ها پرداخته می‌شود و پلان این ۸۷ خانه تاریخی در ادامه ارائه شده‌اند.

اصلی‌ترین ابزار به کار رفته در این روش، حضور، مشاهده و تلاش برای ثبت دقیق فضاهای این خانه‌ها از طریق روش‌های عکسبرداری، فیلمبرداری، ترسیم پلان و مقاطع بوده است.

در بررسی‌های گونه‌شناسی، نقشه‌های تخت جمشید، پاسارگاد و برخی از مجتمع‌های ساختمانی پیش از اسلام نیز، بررسی شدند. به علاوه اینیه، مجتمع‌ها و مجموعه‌های پس از اسلام نیز، از منظر گونه‌شناسی مورد شناسایی و مقایسه قرار گرفتند.

بهره‌گیری از این روش مطالعه، به موازات دو روش مردم‌شناسی و نشانه‌شناسی آشکار کرد که معماری ایرانی شیوه‌های مشخصی را در سازمان‌یابی فضا به منظور توانمندکردن فضا در ارتباط با شیوه زندگی و بهره‌برداری از طبیعت به کار می‌برده است و حاصل بهره‌گیری از این شیوه‌ها، پیدایش الگوهای سازمان‌یافته فضایی و تصحیح دائم آنها است. بدین ترتیب، در فرایند بررسی‌های گونه‌شناسی دو مقوله «شیوه» و «الگو» درون سازمان فضایی خانه‌های تاریخی آشکار شده که هر دو مقوله شیوه و الگو در این فصل معرفی می‌شوند.

در این بررسی، تعدادی از شیوه‌های به کارگرفته‌شده در معماری ایرانی شناسایی شدند و به یقین مطالعات آتی، شیوه‌های دیگری را آشکار خواهند کرد. بخش اول فصل پنجم، به معرفی این شیوه‌ها که کاربرد آنها، توانمندسازی فضا است و به گونه‌شناسی شیوه‌ها اختصاص دارد و در بخش دوم، نمونه‌هایی از انواع الگوهای سازمان‌یافته معرفی می‌شوند. در بخش آخر فصل پنجم، نتایج کاربرد روش گونه‌شناسی در قالب معیارهای سازمان‌یابی فضا در خانه‌های تاریخی آورده شده است.

بررسی گونه‌شناسانه چگونه کنار هم نشستن جزءفضاها در مقیاس‌های مختلف آشکار کرد که این جزءفضاها در طیف مقیاس‌های خرد و کلان، در درون یک شبکه سه‌بعدی نامرئی فضایی قرار گرفته‌اند. مراد از جزءفضاها در مقیاس شهر، خانه‌ها، میادین، معابر و سایر بناهای شهر و در مقیاس تک‌بنا و به طور مشخص خانه، در

این پژوهش حیاط، ایوان‌ها، اتاق‌ها و سایر جزء فضاهایی هستند که در سازمان فضایی خانه وجود دارند.

این شبکه سه‌بعدی، بر سراسر شهر، بنا و فضاهای آنها گسترده است. محورهای تشکیل‌دهنده شبکه فضایی کلان و خرد را خط زمین، خط آسمان، جهت‌های باد، تابش خورشید، آب‌های زیر و روی زمین و محورهای آیینی و چشم‌اندازی تشکیل می‌دهند. شبکه فضایی نسبت به پیدایش محورهای ارتباطی در درون جزءفضاها بر حسب حضور و قرارداد جامعه انعطاف دارد. در طی قرن‌ها به موازات استقرار و استمرار جامعه در سرزمین، در درون این شبکه فضایی، سه نظام ایستایی، آسایشی و همجواری جزءفضاها شکل می‌گیرد. شیوه‌های سازه و سازگاری بنا به عنوان اجزای تشکیل‌دهنده این سازمان فضایی در درون همین شبکه و به همراه جزءفضاها در نظر گرفته می‌شوند و به این ترتیب آنچه حاصل می‌شود، یک پدیده یکپارچه است که تمامی اجزای تشکیل‌دهنده آن به صورت همگرا در تحقق یافتن این کل مشارکت کرده‌اند. وجود این شیوه از سازمان‌دهی به فضا، نشان از نوعی ادراک فضایی دارد که در نزد جامعه و معمار ایرانی وجود داشته است. از این رو، در این فصل، ابتدا این شیوه از ادراک فضایی را شرح داده و سپس در مقیاس خرد به انواع شیوه‌های توانمندسازی جزءفضاهای درون شبکه فضایی، شامل شیوه‌های تعریف، ترکیب و تمایزبخشی به جزءفضاها خواهیم پرداخت.

از آنجا که موضوع این پژوهش و این کتاب به سازمان فضایی خانه‌های تاریخی و معاصر مربوط است، بررسی شبکه فضایی گسترده بر شهر و کلان‌فضاها، موضوع پژوهشی جداگانه است که می‌تواند به تدوین معیارهای شهرسازی معاصر برگرفته از شهرسازی ایرانی منجر شود.

بررسی‌های گونه‌شناسی به طور مشخص روشن نمود که همزمان سه‌گونه فضای باز، **بسته** و **پوشیده** در سازمان فضایی خانه‌ها وجود دارد. بررسی این نمونه‌ها نشان می‌دهند که تمامی انواع فضاها از هر سه‌گونه موجود در خانه‌های تاریخی، از طریق سه‌عنصر شکل‌دهنده فضا یعنی **سقف**، **کف** و **دیوار** تعریف شده و ضمن برخورداری از استقلال فضایی، هیچ‌یک در خود مسدود نبوده و به نحوی از طریق بسط فضایی یا چشم‌اندازی و نوری با فضاهای مجاور خود ارتباط برقرار می‌کنند. معماری ایرانی شیوه‌های متعددی را در رفتار با عناصر تعریف‌کننده فضا یعنی سقف، کف و دیوار برای دستیابی به این دو ویژگی می‌شناخته و در بنا به کار برده است. این شیوه‌ها در نمونه‌های متعدد بررسی شده و در این فصل شرح داده می‌شوند و به طور خاص چگونگی ایفای نقش بدنه‌ها در تعریف فضاهای باز، بسته و پوشیده و همچنین انواع شیوه‌های ترکیب و بسط فضاها به یکدیگر، مجموعه دیگری از گونه‌شناسی‌های این فصل را تشکیل می‌دهند.

مطالعه معماری خانه‌های تاریخی با تکیه بر روش مردم‌شناسی ارتباط تنگاتنگ و متقابل میان شیوه زندگی و چگونگی سازمان‌یابی فضا در این خانه‌ها را آشکار نمود. اصلی‌ترین ویژگی فضایی حاصل از این رابطه متقابل که در سازمان‌یابی

فضای خانه‌های تاریخی منعکس شده، وجود انواع فضاهای بینابینی (حریم) در این خانه‌هاست که به طور همزمان، نقش مجزاکننده و متصل‌کننده فضاها به یکدیگر را ایفا کرده و مجموعه‌ای از فضاهای کاملاً خصوصی تا عمومی را در درون سازمان فضایی خانه ایجاد، و از تداخل فعالیت‌ها در یکدیگر در این خانه‌ها جلوگیری کرده است. به دلیل این اهمیت، انواع فضاهای بینابینی در مجموعه خانه‌ها، مورد دقت نظر بیشتر قرار گرفته و انواع این فضاها گونه‌شناسی شدند.

بررسی‌های گونه‌شناسی نشان داد که هر جزءفضا در سازمان فضایی از طریق تشخیص یافتن از جزءفضاهای مشابه متمایز می‌شود. معمار ایرانی از دانش لازم جهت متمایز کردن یک فضا آگاه بوده است و شیوه‌های خاصی را در چگونگی به کارگیری سقف، کف و دیوار به این منظور مورد استفاده قرار می‌داده است. با به کارگیری این شیوه‌ها، فضایی که از طریق شیوه‌های تعریف، ثابت یافته و بهره‌گیری از شیوه‌های ترکیب، به آن تحرک و سیالیت بخشیده، غنا می‌یابد. تعدادی از شیوه‌هایی که در رفتار با سقف، کف و دیوار به این منظور در خانه‌های تاریخی مورد استفاده قرار گرفته‌اند در این فصل شرح داده خواهند شد. شناسایی بی‌شمار روش‌های دیگر، نیازمند پژوهش پژوهشگران علاقمند این حوزه است.

در بخش دوم فصل پنجم، به انواع الگوهای سازمان یافته فضایی به مثابه پاسخ‌های فضایی به طبیعت و شیوه زندگی با بهره‌گیری از شیوه‌های توانمندسازی فضا در قالب سه‌گونه فضایی باز، بسته و پوشیده پرداخته می‌شود.

در این فصل مقوله‌های زیر در سازمان فضایی خانه‌های تاریخی به روش گونه‌شناسی، بررسی شده‌اند:

۱- تعریف انواع الگوهای فضایی باز، بسته و پوشیده؛

۲- انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی؛

۳- انواع شیوه‌های بسط و گسترش فضا (بسط فضایی، نوری و چشم‌اندازی)؛

۴- انواع خط آسمان؛

۵- انواع فضاهای چندرو؛

۶- انواع حضور نور در فضا؛

۷- انواع ارتفاع فضا؛

۸- انواع دیوار؛

۹- انواع نقش بدنه‌ها در تعریف گونه‌های فضایی؛

۱۰- انواع بدنه‌های داخلی و خارجی؛

۱۱- انواع فضاهای عبوری دور حیاط (شارمی)؛

۱۲- انواع فضاهای ورودی؛

۱۳- انواع ایوان؛

۱۴- انواع فضاهای بسته؛

۱۵- انواع همجواری فضاهای بسته.



خانه ورثه عابدی ش-۱۱



خانه حاج مهیا ش-۴



خانه مراد پور ر-۱۳



خانه ای درمحله ساغری سازان ر-۶



خانه ای در محله کوتی ب-۱۰



خانه رستاخیز، کیکانی و ملکی ب-۳



ش-۱۲ (بی نام)



خانه نصر ش-۵



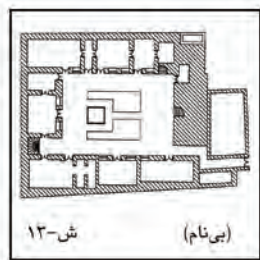
خانه طالعی ر-۱۴



خانه ای درمحله ساغری سازان ر-۷



خانه نووری ب-۴



ش-۱۳ (بی نام)



خانه زارع ش-۶



خانه فاتحی ر-۱۵



خانه ای درمحله ساغری سازان ر-۸



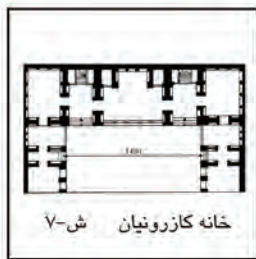
خانه ای در محله سبزه میدان ر-۱



خانه جعفری ب-۵



ش-۱۴ خانه هوایی



ش-۷ خانه کازرونیان



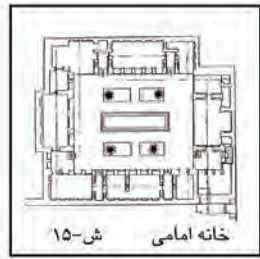
ش-۹ خانه ای در محله مسجد صفی



ش-۲ خانه ای درمحله ساغری سازان



ب-۶ خانه مهاجرین جنگی



ش-۱۵ خانه امامی



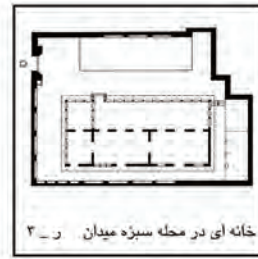
ش-۸ خانه کاظم زاده، باغ ایلخانی



ش-۱ خانه نصرالملک



ش-۱۰ خانه ای در محله مسجد صفی



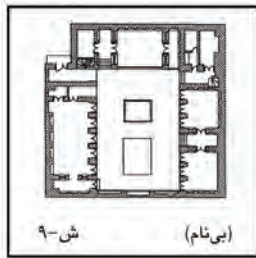
ش-۳ خانه ای در محله سبزه میدان



ب-۷ خانه شریفی



ش-۱۶ خانه زینت الملک



ش-۹ (بی نام)



ش-۲ خانه فروغ الملک



ر-۱۱ خانه مدنی پور



ش-۴ خانه ای درمحله ساغری سازان



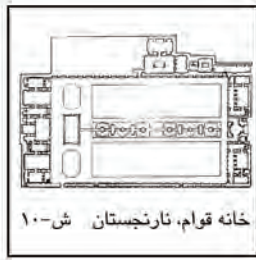
ب-۸ خانه عربها، پست قدیم



ب-۱ خانه حیدری نژاد



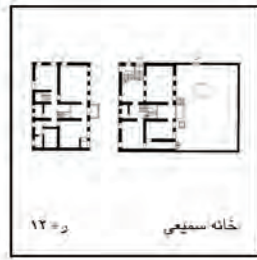
ش-۱۷ خانه حسنی اردکانی



ش-۱۰ خانه قوام، نارنجستان



ش-۳ خانه منصور کرونی



ر-۱۲ خانه سفی



ش-۵ خانه ای درمحله ساغری سازان



ب-۹ خانه دکتر طبیب



ب-۳ خانه حاج رشتی

(تصویر ۱-۵)
پلان ۸۷ خانه تاریخی مورد بررسی



خانه احمدی همدانی ه-۷



خانه پرداختی ک-۹



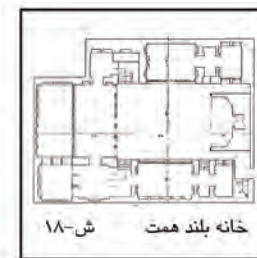
خانه معتمدیان ک-۲



خانه شریفیان کا-۱۱



خانه صالح کا-۴



خانه بلند همت ش-۱۸



خانه لپاف ه-۸



خانه پرسیاوشان ه-۱



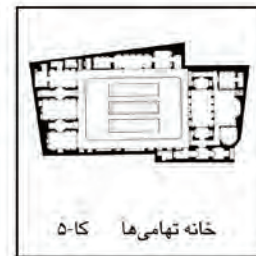
خانه امرالهی ک-۱۰



خانه عاطفی نژاد ک-۲



خانه لذیذی کا-۱۲



خانه تهامی‌ها کا-۵



خانه تولایی ش-۱۹



خانه گوهریان ه-۹



خانه نراقی ه-۲



خانه امیقی ک-۱۱



خانه جلیبوند ک-۴



خانه نراقی کا-۱۳



خانه حسینی کا-۶



خانه پاک‌یاری ش-۲۰



خانه شهبازیان ه-۱۰



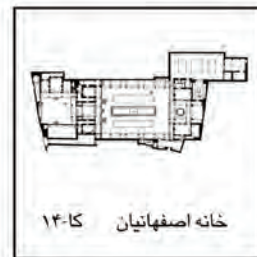
خانه درجینی ه-۳



خانه حکمت ک-۱۲



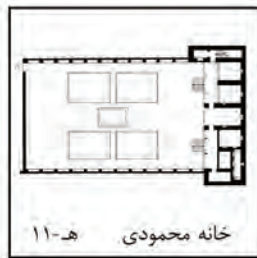
خانه لطیف‌پور ک-۵



خانه اصفهانیان کا-۱۴



خانه بنی‌کاطمی کا-۷



خانه محمودی ه-۱۱



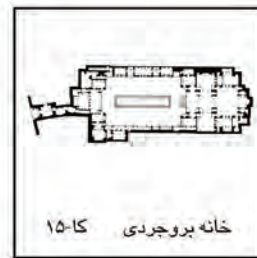
خانه شالیاف ه-۴



خانه بزرگ ک-۱۳



خانه امام‌جمعه ک-۶



خانه بروجردی کا-۱۵



خانه طایبایی کا-۸



خانه عباسیان کا-۱



خانه رضوی ه-۵



خانه خاصری ک-۱۴



خانه پور یزدان ک-۷



خانه یگانه کا-۹



خانه عطارها کا-۲



خانه رضوی ه-۶



خانه لطفعلی‌زاده ک-۱۵



خانه مددی ک-۸



خانه جاوانه ک-۱



خانه سامری‌ها کا-۱۰



خانه ال‌یاسین کا-۲۰



بخش اول

ادراک فضایی

آگاهی جامعه از محیط، طبیعت، اقلیم و ویژگی‌های سرزمینی که در آن و با آن زندگی می‌کند، ادراک فضایی جامعه و بخشی از آگاهی اجتماعی است. حضور آگاهانه در یک سرزمین مستلزم کسب شناخت از چگونگی نیروها و تعامل با آن‌ها است.

یافتن سرزمین حاصلخیز یا کوشش برای بهره‌برداری از سرزمین، شرط بقای جامعه می‌باشد. رابطه جامعه و سرزمین بطور دائم و رفت و برگشتی به افزایش آگاهی جامعه و شیوه‌های تعامل جامعه با سرزمین منجر می‌شود. در این حالت ادراک فضایی اشاره به وضعیتی دارد که جامعه خود را با سرزمین - و نه بر سرزمین - هم‌طراز می‌سجد و شرایط بقا خود را با شرایط بقای توان‌های سرزمین هم‌سو ارزیابی می‌کند. بدین ترتیب شیوه استقرار خود در درون سرزمین را با تکیه بر توان‌های محیط استوار می‌کند. نیروهای طبیعی تأثیرگذار بر چگونگی استقرار جامعه در سرزمین عبارتند از:

- خورشید و جهات حرکت و تابش آن در ایام سال که منشأ روشنایی و گرما است؛
 - باد و جهات حرکت وزش آن در ایام سال که هوای تازه، نسیم و خنکی به ارمغان می‌آورد؛
 - ارتفاع مکان و چگونگی اتصال ارتفاع با پیرامون، شامل تندی شیب، جلگه‌ای بودن اراضی و ... که چشم‌انداز و سطوح متنوع برای استقرار زندگی، گرما و سرما می‌آفریند؛
 - زمین، خاک و جنس و مقاومت‌پذیری آن برای بارگذاری و کشت که محل استقرار، سکونت و تولید است؛
 - آب، میزان آن و مسیر آن در زیرزمین و بر روی زمین و اثر آن بر رطوبت سرزمین که در ترکیب با خورشید، تداوم و تلطیف حیات را در بر دارد؛
 - همجواری‌ها با ویژگی‌های سرزمین، همجواری با کوه و کویر، رود و دریا، جنگل و بیشه؛
 - میزان بارش باران و برف (نزولات جوی) در سال که با میزان نفوذپذیری در خاک و تبخیر بر اثر تابش خورشید و شیوه‌های نگه‌داری و ماندگاری آب در روی زمین مرتبط است؛
 - درجه حرارت محیط که تجمیعی است از تابش خورشید، وزش باد، ارتفاع زمین، موقعیت فصول و می‌تواند جلوه‌هایی از خشکی و یخبندان و شرجی بودن بر مختصات محیط اضافه کند.
- همه آنچه که شمرده شد و می‌توان بر آن افزود، جهاتی را معین می‌کنند که بخشی از آگاهی فضایی جامعه را تشکیل می‌دهند. پس از حضور مستمر جامعه، بر تمامی این جهات، جهات آیینی، اسطوره‌ای، تاریخی و مذهبی نیز اضافه می‌شوند. جهاتی که

(تصویر ۵-۲) سازمان فضایی خانه عباسیان - کاشان (کا - ۱)

در طی قرن‌ها شکل‌گیری تمدن‌ها بر شیوه استقرار شهر و بنا تأثیر بسزا داشته‌اند. در کشور ما، ادراک فضایی جامعه نشان از رواداری تمامی جهات محیطی و آیینی در شکل‌گیری شبکه فضایی گسترده بر فرایند تجمع جامعه به منظور سکونت در سرزمین دارد. به عنوان نمونه، می‌توان به استقرار جامعه بر صفا تخت جمشید و میدان نقش جهان که هر دو از جهات مشابهی پیروی کرده‌اند یا استقرار تمامی مساجد جهان اسلام به سمت کعبه اشاره کرد.

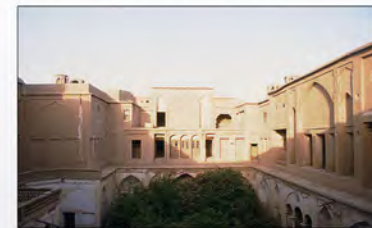
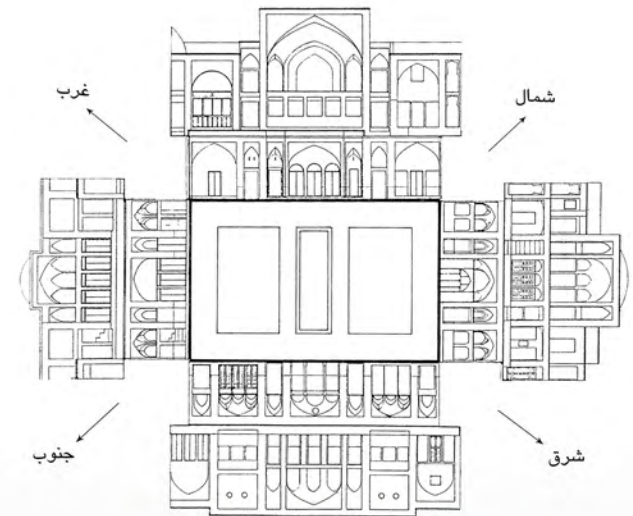
نمونه این ادراک فضایی و تأثیر آن بر چگونگی احداث بنا را در آئین فنگ‌شویی در فرهنگ چین نیز می‌توان مشاهده کرد^۱.

چنین شیوه‌ای از کسب آگاهی محیطی در طی قرن‌ها استقرار اقوام ایرانی، اثرات ادراکی خود را هم در مقیاس کلان و هم در مقیاس خرد بر اجزای جامعه و اجزای فضا بر جای گذاشته است. در مقطعی از زمان خواه در دوران‌های پیش از اسلام و خواه پس از حضور اسلام در سرزمین ایران، به همراه جاافتادگی و ثبات جامعه و ارتقای فرهنگ و افزودن تمدن، شبکه فضایی که با محیط و آیین پیوند برقرار کرده، با جهات مسیرهای ارتباطی، راه‌های تجاری و قطب‌های فرهنگی (مراکز تجمع جامعه) نیز پیوند می‌خورد و مفهوم شبکه فضایی غنی‌تر و گسترده‌تر می‌شود.

به عنوان یک شاخص فرهنگی - اجتماعی، ادراک فضایی می‌تواند درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی یک جامعه را مشخص کند. به علاوه، حضور شبکه فضایی گسترده بر شهرها و آبادی‌های هر کشور - که اکنون به شیوه‌ای مستند بخشی از ضوابط و مقررات سازمان‌یابی فضا را در شهرها و روستاهای جهان شکل داده است^۲ - به عنوان پایه برنامه‌ریزی آمایشی (فضایی)^۳ مورد قبول مسئولان قرار گرفته است. آنچه که درباره ادراک فضایی مطرح شد، یک قرارداد تاریخی - اجتماعی - سرزمینی است، که شکل‌دهنده شبکه فضایی کلان گسترش یافته بر انواع آبادی و عمران در شهرها و روستاهای ایران بوده است. در درون این شبکه فضایی کلان، شبکه فضایی بناها و فضاهای موجود در شهر و روستای کشور قرار می‌گرفته است. شبکه‌ای سه‌بعدی برای جزء فضاهای یک شهر، یک محله و یک خانه.

در این کتاب کوشش شده تا شبکه فضایی خانه‌های ایران مورد بررسی و شناسایی و معرفی قرار گیرند و پرداختن به شبکه فضایی کلان، به مثابه یک قرارداد تاریخی، اجتماعی - سرزمینی به پژوهش دیگری محول می‌شود.

شهر و بنا در دوره‌های مشخص و طولانی معماری ایران پیش و پس از اسلام ضمن رعایت سه‌بعدی دیدن و شبکه‌ای در نظر گرفتن فضا، فضاهایی را در مرکز و فضاهایی را در پیرامون قرار می‌داده است. فضاهای مرکزی و فضاهای پیرامونی باز، بسته یا پوشیده بوده و به شیوه‌ای متوالی و پیوسته در درون شبکه فضایی جای می‌گرفتند. آن‌گونه که فضاهای باز را فضاهای بسته و پوشیده و فضاهای بسته را



نمای شمال شرقی



نمای جنوب غربی



نمای جنوب شرقی



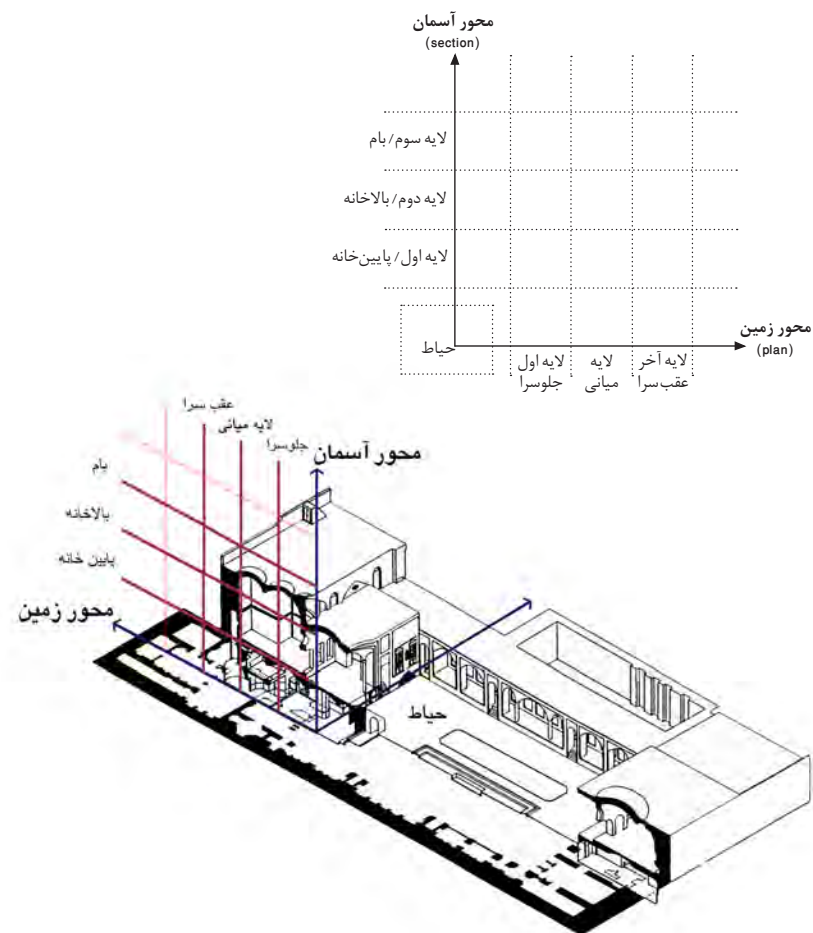
نمای شمال غربی

1. Hale, Gill, 2001

۲. نمونه شهر سانفرانسیسکو. مأخذ: یازوسکی، ۱۳۷۰

3. Spatial planning

(تصویر ۵-۳) نمایش دو محور آسمان و زمین در شبکه نامرئی و استقرار آن بر روی سازمان فضایی خانه صالح-کاشان (کا-۴)



فضاهای پوشیده و باز در بر می‌گرفته‌اند.

با تکیه بر این مفاهیم پایه در معماری ایران، یعنی حضور شبکه فضایی خرد و کلان، فضای سه‌بعدی، مرکز و لایه‌های فضایی پیرامونی، توالی پیوسته فضاهای باز، بسته و پوشیده تعداد غیر قابل شمارش بنا، فضا و بسیار شهرها شکل گرفتند، که هیچ کدام مثل هم نبوده و تک تک آنها قابل تمیز از یکدیگر می‌باشند. بدیهی است که در طی قرن‌ها به موازات تغییرات سرزمینی، تاریخی و اجتماعی، فرهنگ نیز، تغییر کرده و منجر به ایجاد بناها و شهرهای تازه، متعدد و متنوع شده است. اما درون یک شهر و درون یک محله نیز، هیچ یک از ابنیه مشابه و مثل یکدیگر نبوده و آنها ضمن رعایت مفاهیم پایه، هر یک مصادیق تازه‌ای از سازمان‌یابی فضا را ارائه نموده‌اند. علت این امر را می‌بایست در نقش خرده‌فرهنگ‌ها و شخصیت معماران

جست‌وجو کرد که هر یک مصادیق متمایزی از مفاهیم و الگوهای فضایی را طراحی کرده‌اند. بررسی نقش معمار و معماران ایرانی در طی دو دوره باستان و اسلامی، خارج از حدود مرز این کتاب است و خود پژوهش مستقلی را طلب می‌کند.

معمار ایرانی به خاطر حضور در کارگاه ساختمانی از دوره نوجوانی، به طور همزمان و هم‌مکان عمل و نظر را توأمان فرا می‌گرفته و در طی زمان و پرداختن به کار پیاپی و روش‌های اجرایی، ذوق و شخصیت او پرورش می‌یافته و به اتفاق همکارانش کار گروهی را می‌آموخته، الگوها و همچنین چگونگی پاسخگو بودن به نیازهای جامعه را فرامی‌گرفته و علاوه بر این از توان تعریف مجدد الگوها برخوردار می‌شده است. از این روست که با توجه به محدود بودن مفاهیم پایه و الگوهای فضایی قابل آموزش، بی‌شمار فضا و بنای متنوع در معماری ایران شکل گرفته‌اند.

در این کتاب برای پرداختن به شیوه‌های بروز خلاقیت معماری ایرانی مجال نیست. ممکن بودن و چگونگی پرورش خلاقیت مقولاتی اساسی و واجد ارزش پژوهش دیگری هستند. لیکن به منظور تدوین معیارهای طراحی سازمان‌دهی فضا مبتنی بر فرهنگ ایران که ترکیبی پیچیده از ویژگی‌های سرزمینی، اجتماعی در طی زمانی بیش از چند هزار سال می‌باشد، شیوه‌های سازمان‌یابی فضا مبتنی بر الگوهای معماری خانه‌های تاریخی ایران معرفی می‌شوند.

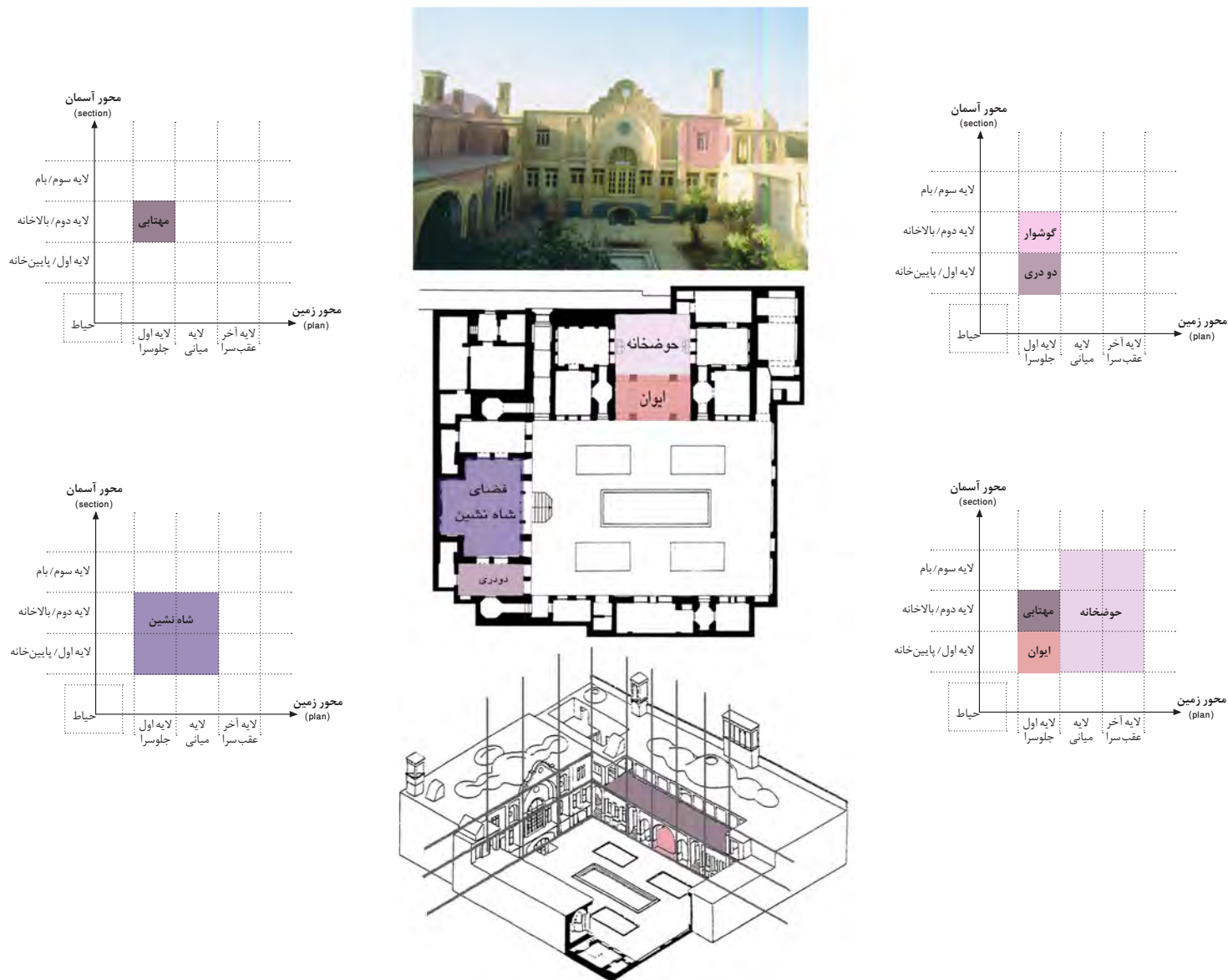
مبتنی بر پژوهش‌های انجام‌شده در شش شهر بوشهر، رشت، شیراز، کاشان، کرمان و همدان اگر بخواهیم در مقیاس بنا مثالی بیابوریم و سازمان فضایی یک خانه ایرانی را از نقطه نظر چگونه سازمان یافتن فضا درون یک شبکه نشان دهیم، دو محور عمود بر هم را در نظر می‌گیریم. یکی از مرکزیت‌های فضایی را (در این مثال حیاط) مرکز این شبکه در نظر می‌گیریم، در محور زمین (افقی) آن، لایه‌های فضایی از در ورودی تا حیاط و در محور آسمان (عمودی)، لایه‌های فضایی تا بام را نشان می‌دهیم. بررسی‌های مردم‌شناسانه مشخص کرده‌اند که نامگذاری لایه‌های فضایی در خانه، گویای وجود حضور یک شبکه نامرئی هستند. لایه‌های پیرامون بلافصل حیاط در محور افقی جلوسرا و در محور عمودی پایین خانه نام‌گرفته‌اند. در محور افقی دورترین لایه فضایی را عقب‌سرا^۴، و در محور عمودی بالاترین لایه فضایی را بام می‌خوانند. بر حسب بزرگی و کوچکی بنا، در میان لایه‌های مذکور، امکان حضور لایه‌های فضایی دیگر نیز وجود دارد. از تقاطع این لایه‌های افقی و عمودی، فضاهایی مشخص و تعریف‌شده پدید می‌آیند، که با توجه به باز و بسته بودن، پایین و بالا شدن، جلو و عقب رفتن آنها، انواع فضاهای کوچک و بزرگ بر حسب نیازهای خانواده مرتبط با بهره‌وری از قلمروهای عمومی و خصوصی آنها پدید آمده‌اند. به این ترتیب، مصداق عینی هر یک از انواع فضاها مرتبط با فاصله‌شان از حیاط (یا هر مرکزیت فضایی دیگر مانند گنبدخانه یا شاه‌نشین) در دو محور عمودی و افقی - که می‌توان آنها را محورهای زمین و آسمان نامید - می‌توانند به صورت انواع

۴. محمد کریم پیرنیا در نامگذاری فضاهای خانه، برای حیاط، واژه میان‌سرا را برگزیده است. در این کتاب با حفظ این گزینش و تاروشن شدن نامگذاری در یک پژوهش دیگر تنها از جلوسرا و عقب‌سرا به معنای لایه‌های فضایی واقع در حد فاصل حیاط و دیوارهای انتهایی بنا استفاده شده است.

مختار است که بر اساس دانش و تجربه کسب کرده، تفسیرهای نوینی از شیوه‌های تعریف، ترکیب و تشخیص فضا ارائه دهد. نمونه‌های متفاوت و متنوع که در بررسی گونه‌شناسانه شناسایی شدند، مؤید گستردگی این اختیارات معماران می‌باشند. با توجه به اینکه امکان ترکیب جزء‌فضاها وجود دارد، مجموعه متنوعی از فضاهای پاسخگو ایجاد می‌شود که بر حسب حالات انسانی، آیین‌ها و مراسم و فصول متفاوت قابلیت درهم‌شدن و مستقل بودن را دارا می‌باشند.

فضاهای باز، پوشیده و بسته در مقیاس‌های مختلف جلوه‌گر شوند. برای مثال، فضای ایجادشده از ترکیب جلوسرا با پایین‌خانه می‌تواند به صورت‌های باز (سکو یا صفه)، پوشیده (انواع ایوان و تختگاه) و بسته (انواع اتاق‌ها در مقیاس‌های متفاوت از یک‌دری تا پنج‌دری) نمایان شود. اختیارات معمار در درون این شبکه فضایی بسیار است. آنچه در میان تمامی خانه‌های بررسی شده در شهرهایی در اقلیم‌های متفاوت، علی‌رغم تمامی تنوع و تمایزی که دارا بودند - قابل استناد است، الگوها و شیوه‌های مشترک می‌باشد. معمار هر شهر

(تصویر ۵ - ۴) نمایش شبکه فضایی نامرئی و محل استقرار جزء فضاها - کاشان - نمونه یک خانه تاریخی واقع در محله پنجه‌شاه - دربند عطارها - خانه عطارها (کا - ۲)



شیوه‌های توانمندسازی جزء‌فضاها

در این بخش، مجموعه شیوه‌های به کار رفته در معماری خانه‌های تاریخی به منظور توانمند کردن فضا را مورد بررسی و گونه‌شناسی قرار می‌دهیم. منظور از این شیوه‌ها، روش‌هایی است که جامعه‌ای در یک زمان و مکان خاص، برای توانمند کردن فضا در تعامل با سرزمین، تاریخ (دستاورد‌های گذشته) و توان‌های محیطی و همچنین شیوه زندگی خود در درون یک سازمان فضایی تولید کرده و به کار برده است.

این روش‌ها مشتمل بر چگونگی تعریف انواع گونه‌های فضایی (شیوه‌های تعریف)، چگونگی ترکیب انواع گونه‌های فضایی با یکدیگر (شیوه‌های ترکیب)، روش‌های ایجاد تمایز در انواع فضاها (شیوه‌های تنوع‌دهنده) و همچنین روش‌های تأمین ایستایی و سازگاری بنا و همچنین چگونگی به کارگیری عناصر معمارانه به منظور برخورد کردن فضا از توان تعریف، ترکیب و تمایز است. مراد از عناصر معمارانه در این پژوهش در درجه نخست دیوار، سقف، کف و به دنبال آنها در، پنجره، ستون، نورگیر، نقش، رنگ و مصالح است.

شیوه‌های تعریف فضا

منظور از شیوه‌های تعریف‌کننده فضا، تعیین چگونگی نقش عناصر معمارانه در معرفی فضا است. از آنجا که فضا به عنوان ماده جوهری معماری فاقد محدودیت و بی‌انتهاست و امکان حصول آن به هر میزان که بشر توانایی داشته باشد میسر است، می‌بایست مشخص شود که هر مقدار از فضا که برای مفاهیم و مضامین خاصی مورد نظر قرار می‌گیرد، چگونه تعریف می‌شود. به عنوان مثال در یک سطح گسترده، تعیین حدود فضا یا تعریف آن می‌تواند با برجسته شدن قسمتی از کف آغاز شود و با محصور شدن بدنه‌های اطراف کف، تعریف فضا شکل مشخص تری بیابد و با مسقف شدن آن، تعریف فضا کاملاً عیان می‌شود. با توجه به وجود سه‌گونه فضای باز، بسته و پوشیده به طور هم‌زمان و هم‌مکان در تمامی انواع ابنیه‌های منفرد و مجتمع معماری و شهرسازی ایران، شیوه‌های به کارگیری عناصر، امکان ارائه متنوعی از انواع فضاها، باز، بسته و پوشیده را میسر می‌کند.

در خانه ایرانی از نقطه نظر چگونگی استقرار فضاها، باز، بسته و پوشیده، درون سازمان فضایی، بین حیاط به عنوان فضای باز و بنا به عنوان فضای بسته و پوشیده، دو گونه همجواری وجود دارد. در یک گونه، حیاط، پیرامون بنا را در بر می‌گیرد. در این صورت دیوارهای پیرامون حیاط نقش مهمی در تعریف فضای باز بر عهده دارند. در شیوه دیگر، بنا، پیرامون حیاط را در دو یا سه یا چهار جبهه در بر می‌گیرد که در این صورت دیوارها در جبهه‌هایی که بنا وجود ندارد از نقطه نظر تعریف فضای باز، نقشی همانند یک بنا را ایفا می‌کنند و فضاها را پوشیده همچون ایوان را فضاها بسته و فضاها باز در بر می‌گیرند و فضاها بسته با فضای پوشیده و بسته احاطه

می‌شوند. اگر ترکیب تعدادی از خانه‌های ایرانی را درون بافت شهری از بالا نگاه کنیم، به وضوح در می‌یابیم که فضاها باز در پیرامون فضاها بسته و فضاها بسته در اطراف فضاها باز به طور متوالی و پیوسته در حرکت و ترکیب هستند و یکدیگر را تعریف می‌کنند.

در تعریف هر یک از این سه‌گونه فضا - باز، بسته و پوشیده - هر سه عنصر سقف، دیوار و کف نقشی فعال و مؤثر ایفا می‌کنند. عناصر معمارانه تعریف‌کننده گروه فضاها باز، عبارتند از کف و دیوارها، گروه فضاها پوشیده را عمدتاً سقف و کف تعریف می‌کنند و گروه فضاها بسته را سقف، کف و دیوارها معنا می‌بخشند.

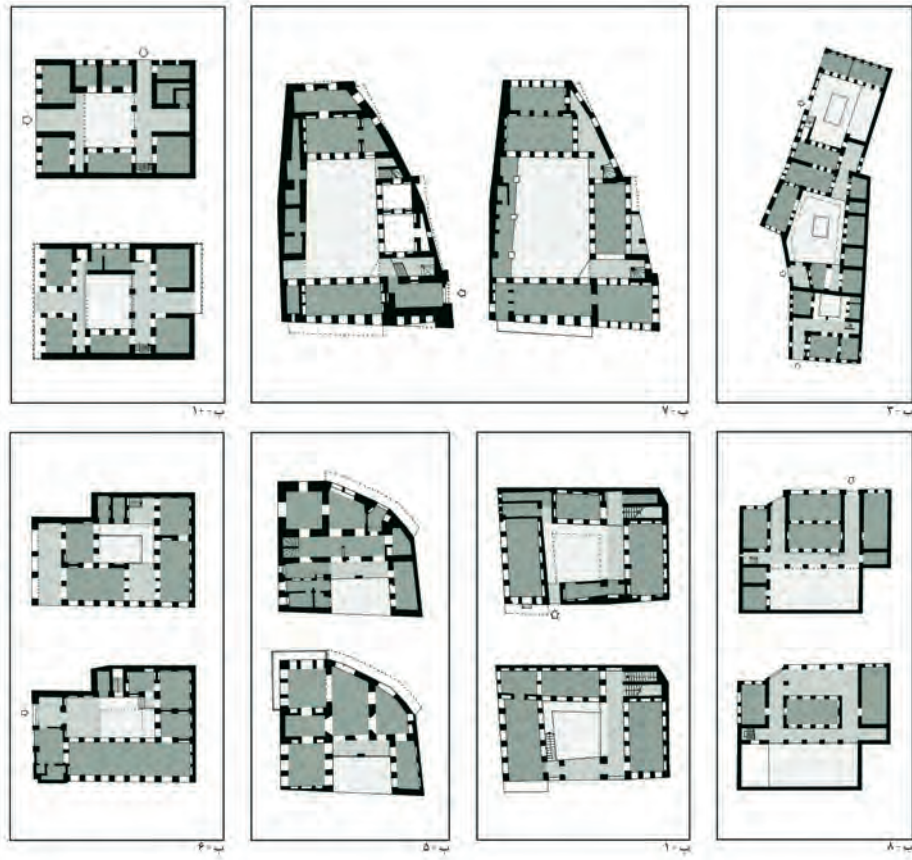
(تصویر ۵-۵) دیگرام فضاها باز، پوشیده و بسته



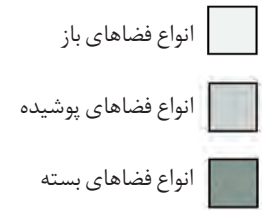
تعریف داشتن هر فضا در چگونگی حضور آدمی در آن فضا تأثیر کیفی دارد. فضاها تعریف شده چگونگی رابطه آدمی با سازمان فضایی را مشخص می‌کند، انسان در این فضاها احساسی معلوم دارد و با اطمینان در آن حرکت و فعالیت می‌کند و موضع خود را نسبت به توقف، مسیرهای عبور، در، پنجره، دیوار و سقف می‌داند. قلمروها و حریم‌های عمومی و خصوصی، تعدد و شدت فعالیت‌ها، امنیت ذهنی و آسایش بدنی، امکان تأمین خلوت و انزوا، برقراری ارتباط با سایرین و مقولاتی از این دست، در گرو تعریف داشتن هر فضا است. تعریف فضا از قاعده واحدی پیروی نمی‌کند و در این زمینه گونه‌های بسیار متنوعی وجود دارد. هر چه درجه خلاقیت برای تعریف فضا افزون شود آدمی در ابعادی گسترده‌تر و فعال‌تر می‌تواند در آن فضا زندگی کند.

(تصویر ۵-۶) فضاهای باز، پوشیده و بسته



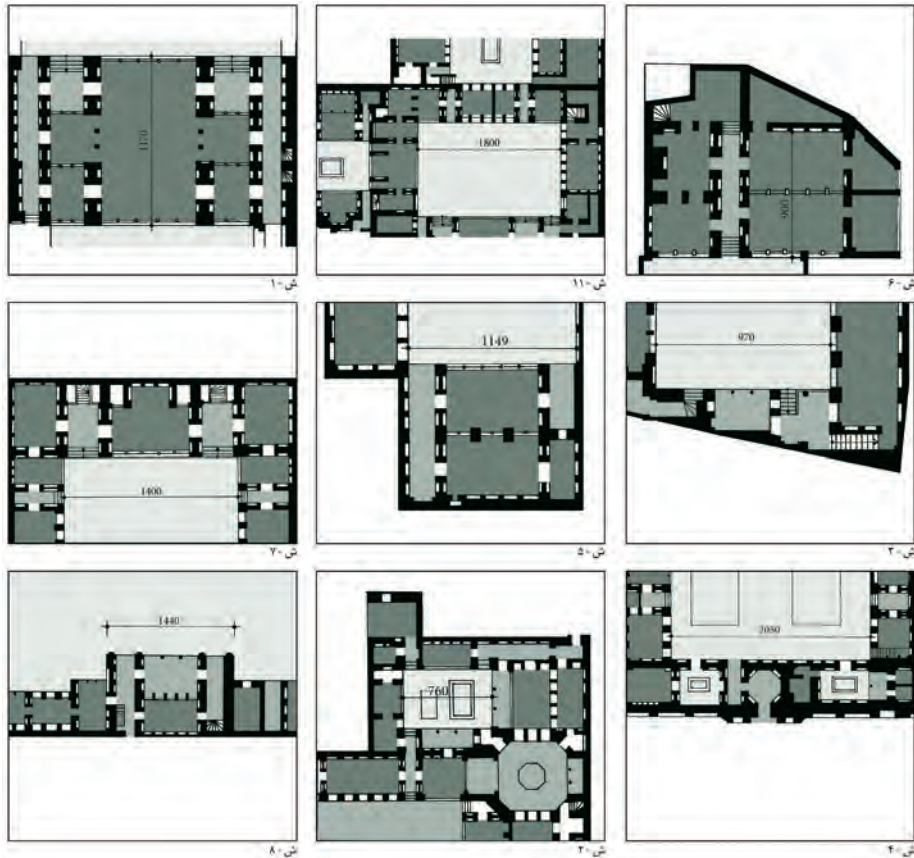


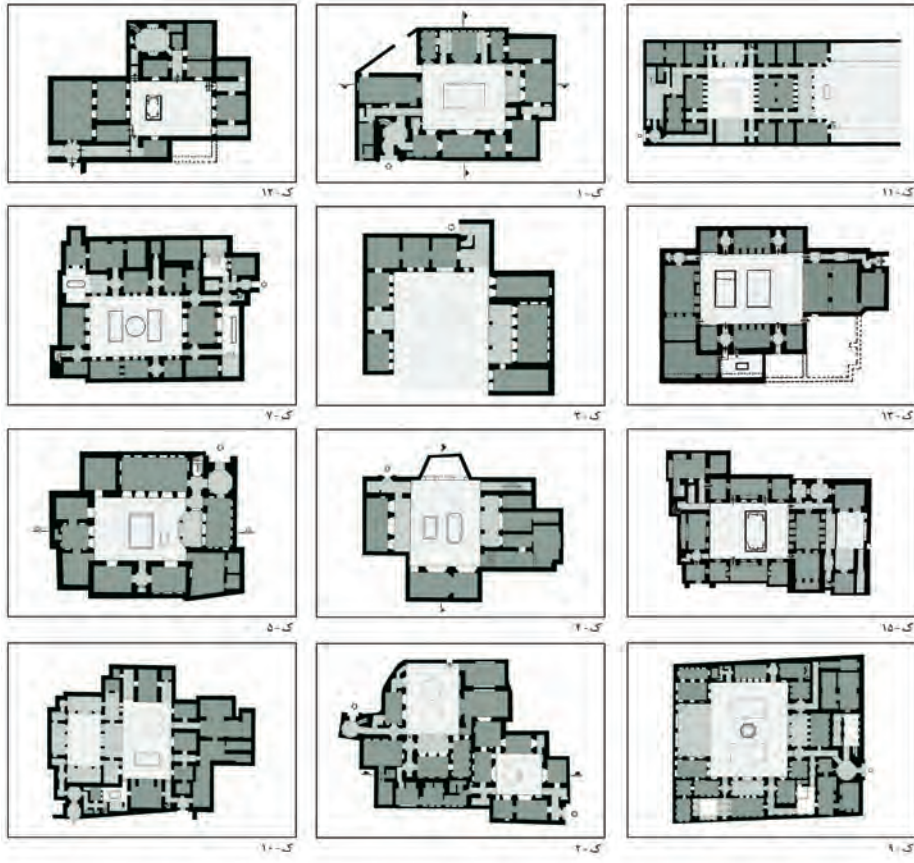
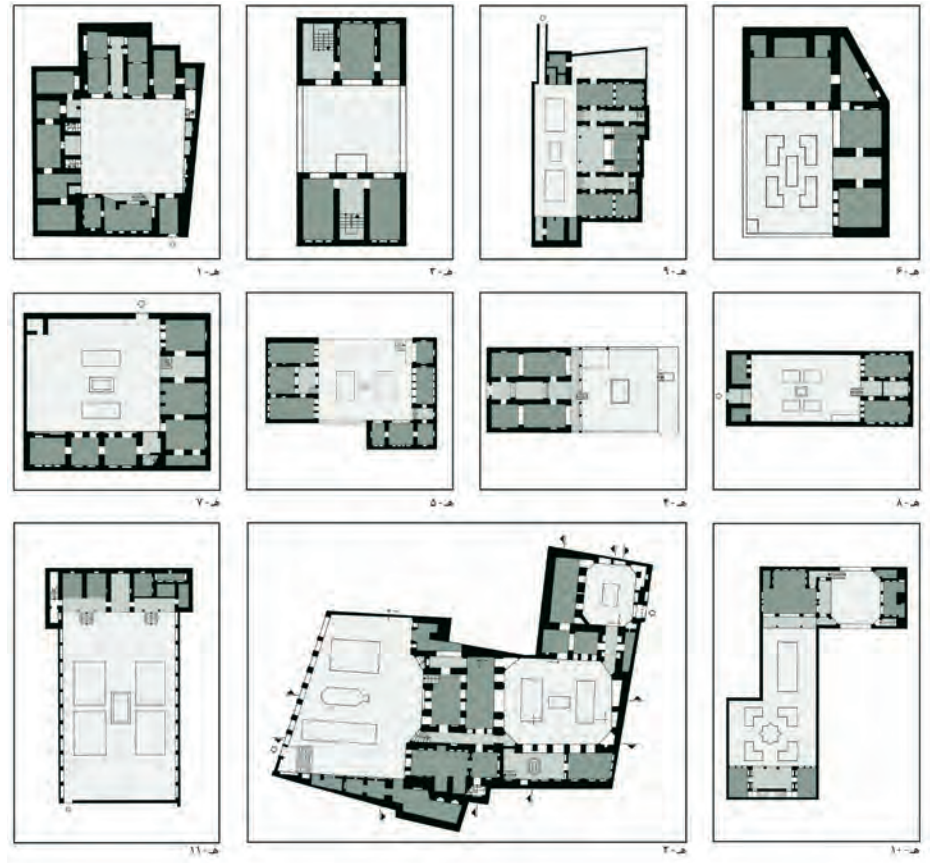
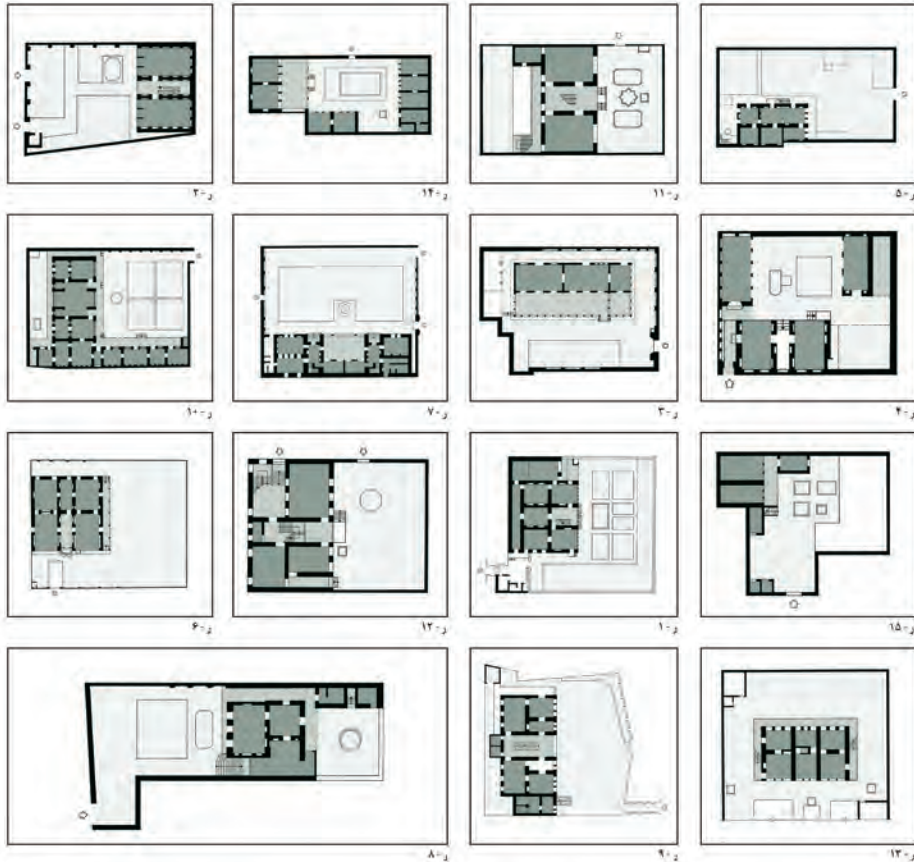
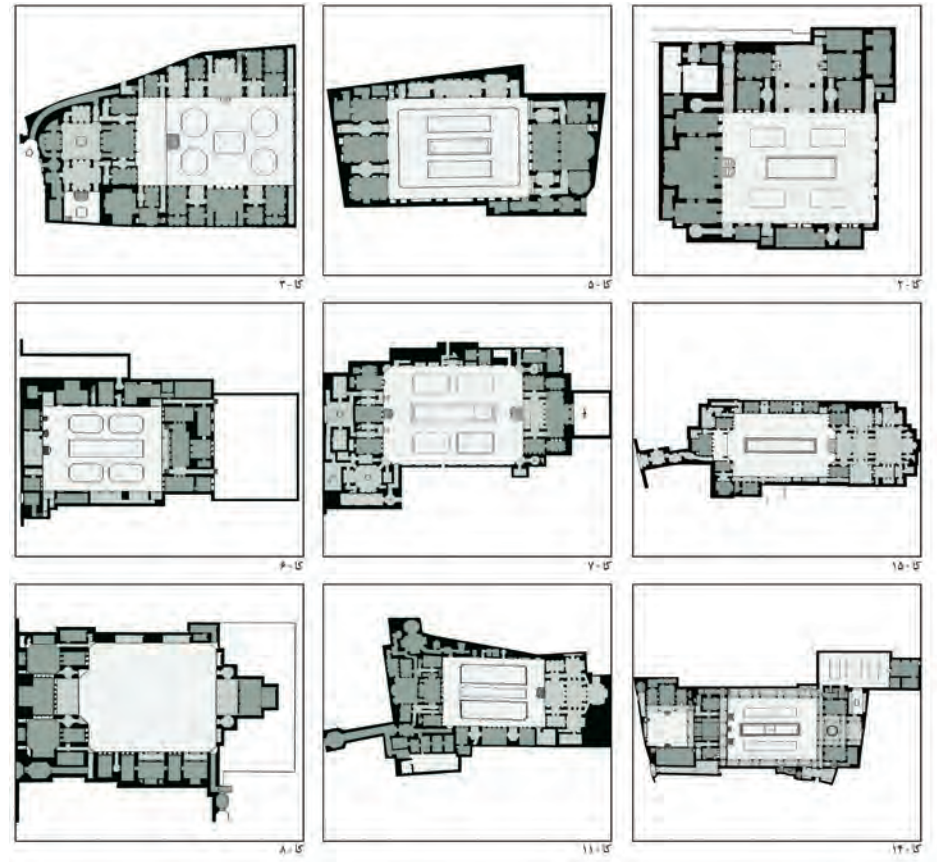
(تصویر ۵ - ۷) گونه شناسی تعریف انواع الگوهای فضایی باز، بسته و پوشیده



۱- انواع الگوهای فضایی:

- ۲- انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی؛
- ۳- انواع شیوه‌های بسط فضا؛
- ۴- انواع خط آسمان؛
- ۵- انواع فضاهای چندرو؛
- ۶- انواع حضور نور؛
- ۷- انواع ارتفاع؛
- ۸- انواع دیوار؛
- ۹- انواع نقش بدنه‌ها؛
- ۱۰- انواع بدنه‌های داخلی و خارجی؛
- ۱۱- انواع شارمی؛
- ۱۲- انواع فضاهای ورودی؛
- ۱۳- انواع ایوان؛
- ۱۴- انواع فضاهای بسته؛
- ۱۵- انواع همجواری فضاهای بسته.





شیوه‌های ترکیب فضا

منظور از شیوه‌های ترکیب فضا، چگونگی کنار هم قرار گرفتن فضاهاست. آیا به هنگام مجتمع شدن، چند فضای کوچک می‌توانند یک فضای بزرگتر را تشکیل دهند؟ آیا یک فضای کوچک می‌تواند از طریق چشم‌انداز و نور از گنجایش فضایی بیشتری برخوردار شود؟ آیا اجزای پوششی برای تعریف فضا، فضا را آن‌چنان محدود می‌کنند که امکان ترکیب و بسط فضاها از بین می‌رود؟ یا بالعکس، شیوه‌هایی وجود دارد که هر فضا در عین بهره‌وری از تعریفی دقیق، امکان بیشتری را برای ترکیب با سایر فضاها پیدا کند. امکان ترکیب برای هر فضا یک توانایی محسوب می‌شود. این امکان که هر فضا بتواند ضمن برخورداری از استقلال با فضای دیگری ترکیب شود و مجموعه ایجادشده نیز از تعریف برخوردار باشد، منجر به انعطاف‌پذیری فضاها می‌شود که این امکان، از نظر شیوه زندگی و ویژگی‌های رفتاری فرد و جامعه پاسخگو بودن سازمان فضایی را مد نظر دارد و مشوق تجمع آدمیان است. چون فضا به عنوان منبعی «نامحدود» در اختیار است، توان ترکیب به صورت بالقوه برای هر فضای تعریف‌شده یا تجزیه‌شده محفوظ است.

در این وضعیت، فضایی که توانسته از طریق تعریف شدن، قلمرو خصوصی را تأمین کند دیگر بار از طریق ترکیب شدن می‌تواند قلمرو گسترده‌تری را ایجاد نماید. چگونگی تحقق این امکان برای سازمان فضایی خانه‌های تاریخی در گرو خلق فضاهای بینابینی (حریم) است. حریم‌ها، تمهیداتی معمارانه هستند که در حد فاصل فضاها به کار گرفته می‌شوند. حریم‌ها، جلوه‌های معماری گوناگونی یافته‌اند. دیوارها یکی از تجلیات این مفهوم در معماری خانه‌های تاریخی است که جدایی یک فضا از فضای دیگر را تأمین می‌کند. استقرار درها و پنجره‌ها در درون دیوارها به نحوی است که بر اساس جایگاه فضا در سازمان فضایی خانه، امکان ترکیب یک فضا با فضاهای همجوارش از یک تا تمامی جبهه‌های فضا را فراهم می‌کند. علاوه بر عنصر معمارانه دیوار، حریم جلوه فضایی نیز یافته و دوگونه فضاهای ارتباطی (راهروها) و همچنین فضاهای پوشیده نقش فضاهای بینابینی را ایفا می‌کنند. در زمانی که هر یک از دو فضایی که فضای حریم در میان آنها قرار گرفته، لازم است تا به صورت مجزا عمل کنند، فضای حریم نقش مجزاکنندگی ایفا می‌کند و در مواقعی که شیوه زندگی ضرورت پیوستن این فضاها به یکدیگر را ایجاد می‌کند، این دوگونه فضا، خود به عنوان فضایی قابل استفاده و به عنوان بسط فضایی دو فضایی که در میان آنها قرار گرفته‌اند، ایفای نقش کرده و به توان فضاها می‌افزایند. توانایی ترکیب فضا و بسط فضایی در این بررسی از سه بُعد طول، عرض و ارتفاع مد نظر قرار گرفته است. بسط فضایی خود حاوی بسط چشم‌اندازی و بسط نوری نیز هست. نور و چشم‌انداز، فضا را منبسط می‌کنند و چگونگی استفاده از منابع نوری و چشم‌اندازی کیفیت فضایی را دیگرگون می‌کنند. در این بررسی، انواع بسط فضایی و چشم‌اندازی به عنوان بخشی از توانایی ترکیب فضا پیگیری شده است. لیکن ضروریست در بررسی جداگانه و با دقت و عمق بیشتری بحث نور و بسط نوری دنبال شود.

(تصویر ۵ - ۸) گونه‌شناسی انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی



۱- انواع الگوهای فضایی؛

۲- انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی؛

۳- انواع شیوه‌های بسط فضا؛

۴- انواع خط آسمان؛

۵- انواع فضاهای چندرو؛

۶- انواع حضور نور؛

۷- انواع ارتفاع؛

۸- انواع دیوار؛

۹- انواع نقش بدنه‌ها؛

۱۰- انواع بدنه‌های داخلی و خارجی؛

۱۱- انواع شارمی؛

۱۲- انواع فضاهای ورودی؛

۱۳- انواع ایوان؛

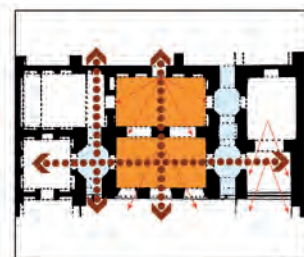
۱۴- انواع فضاهای بسته؛

۱۵- انواع همجواری فضاهای بسته.

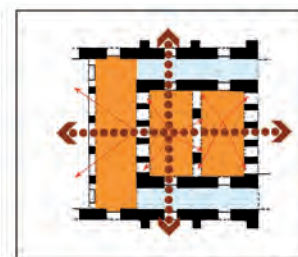
کاشان



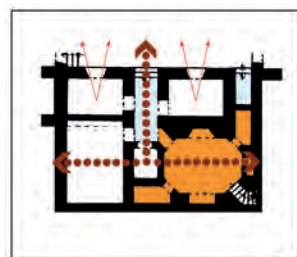
کرمان



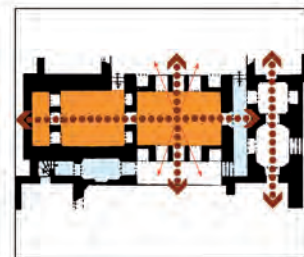
۱۲-ک



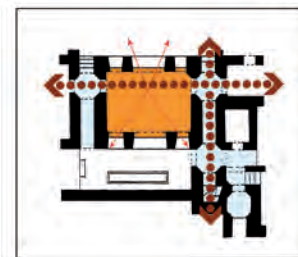
۱۱-ک



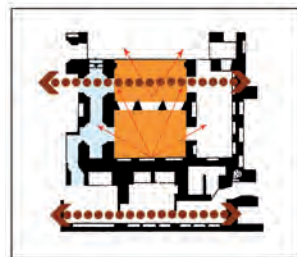
۱۲-ک



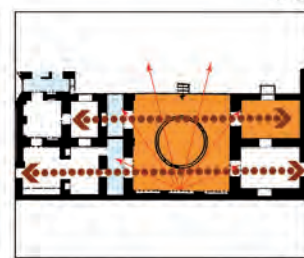
۱۵-ک



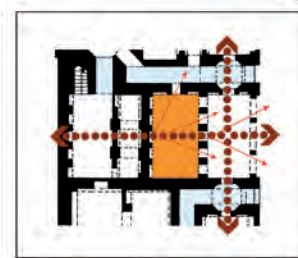
۷-ک



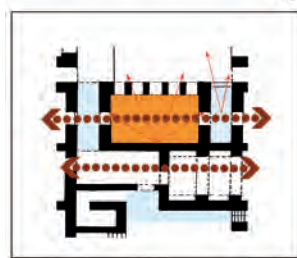
۲-ک



۸-ک

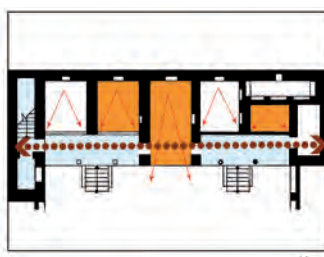


۹-ک



۱۱-ک

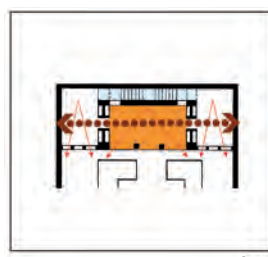
همدان



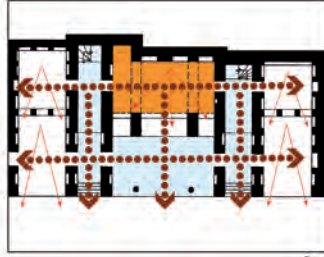
۱۱-هـ



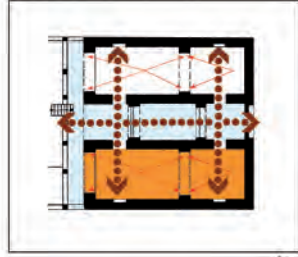
۷-هـ



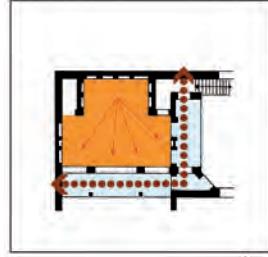
۱-هـ



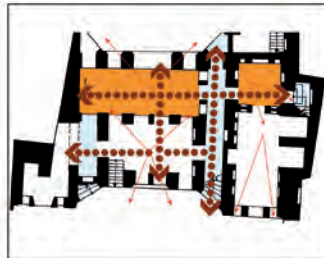
۹-هـ



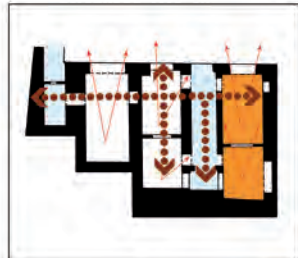
۴-هـ



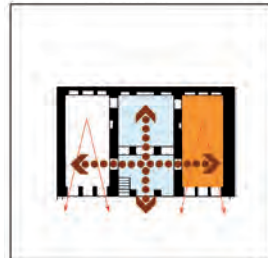
۱۰-هـ



۲-هـ

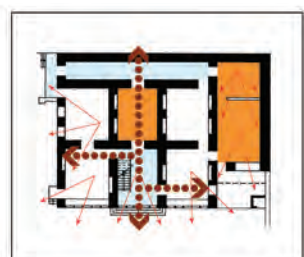


۱۰-هـ

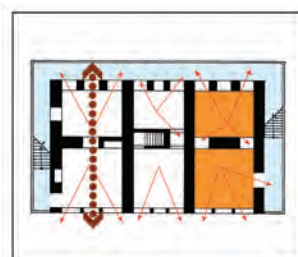


۵-هـ

رشت



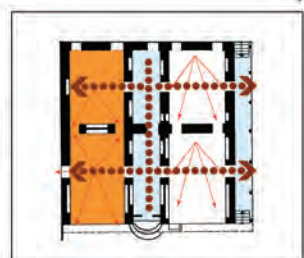
۱-ر



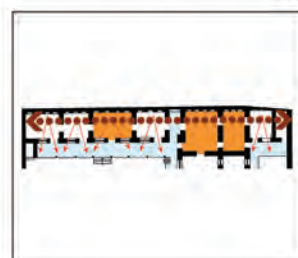
۱۳-ر



۲-ر



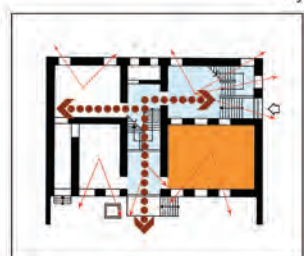
۶-ر



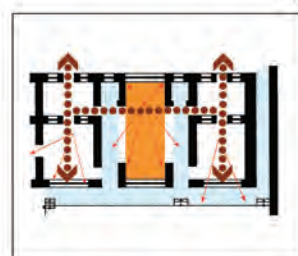
۱۱-ر



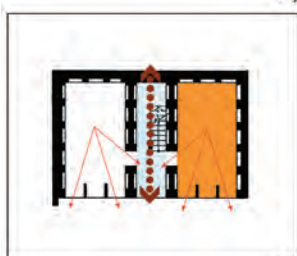
۵-ر



۱۲-ر



۱۰-ر

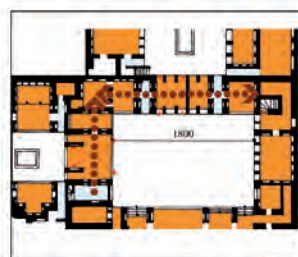


۲-ر

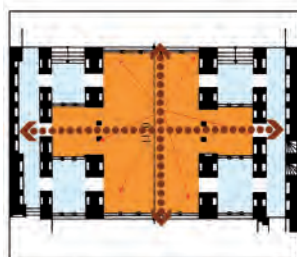
شیراز



۶-ش



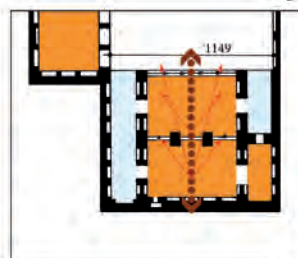
۱۱-ش



۱-ش



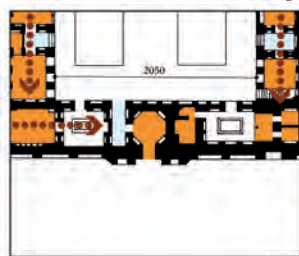
۳-ش



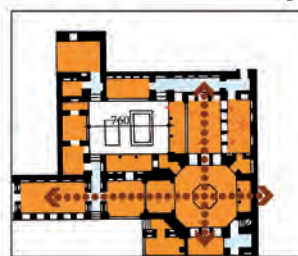
۵-ش



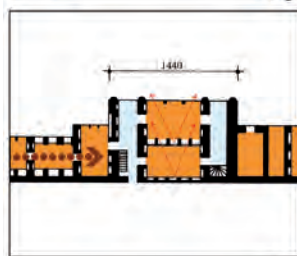
۲-ش



۲-ش



۲-ش



۸-ش

کاشان

-  بسط فضایی
-  بسط چشم اندازی
-  انواع حریم ها و فضاهای بینابینی

- ۱- انواع الگوهای فضایی؛
- ۲- انواع حریم ها و فضاهای بینابینی؛
- ۳- انواع شیوه های بسط فضا؛
- ۴- انواع خط آسمان؛
- ۵- انواع فضاهای چندرو؛
- ۶- انواع حضور نور؛
- ۷- انواع ارتفاع؛
- ۸- انواع دیوار؛
- ۹- انواع نقش بدنه ها؛
- ۱۰- انواع بدنه های داخلی و خارجی؛
- ۱۱- انواع شارمی؛
- ۱۲- انواع فضاهای ورودی؛
- ۱۳- انواع ایوان؛
- ۱۴- انواع فضاهای بسته؛
- ۱۵- انواع همجواری فضاهای بسته.

همدان



کرمان

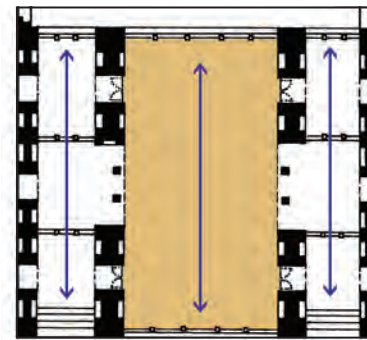


رشت

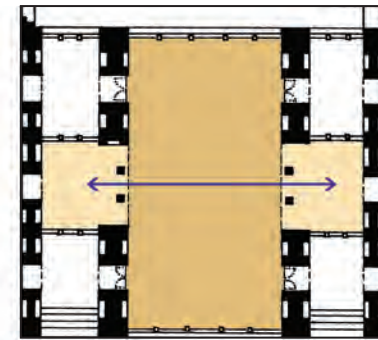


(تصویر ۵-۱۰)

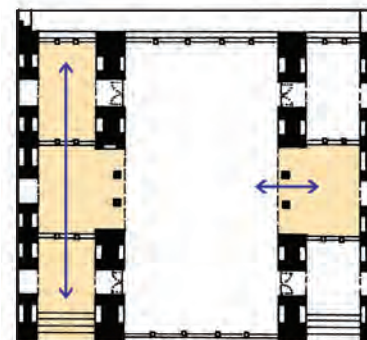
شیراز - شیوه‌های ترکیب فضا به منظور افزایش امکان بسط، تعریف و تنوع فضایی (ش - ۱)



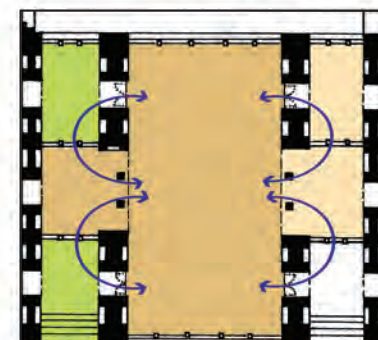
بسط در محور طولی فضاهای اصلی



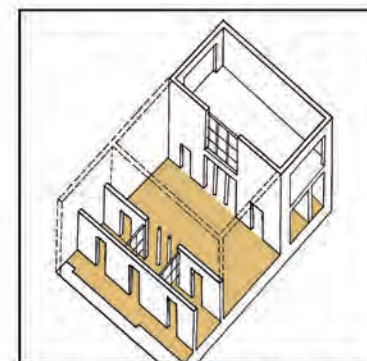
بسط در محور عرضی فضاهای اصلی و کناری



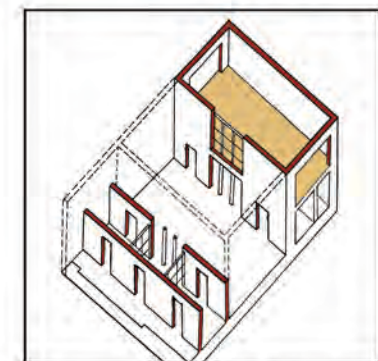
بسط و جدا کردن فضاهای کناری



بسط جزء فضاهای اصلی و کناری



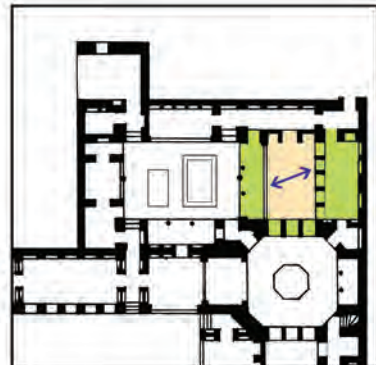
برخورداری از امکان بسط و تعریف فضاهای هم‌جوار



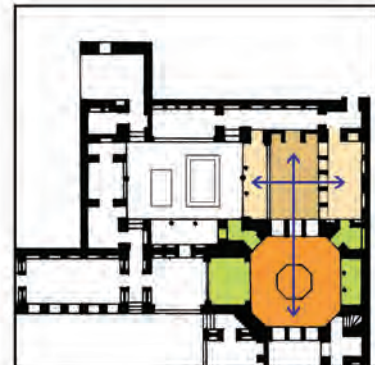
برخورداری از امکان بسط فضایی در ارتفاع

(تصویر ۵-۱۱)

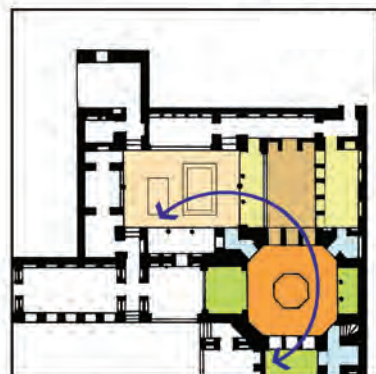
شیراز - تسلسل و تداوم فضا در خانه‌های تاریخی ایران (ش - ۲)



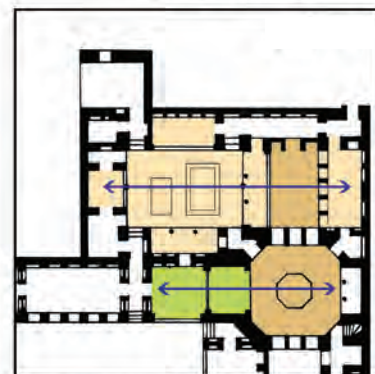
بسط فضایی و چشم اندازی



بسط فضاهای بسته و پوشیده در یکدیگر



بسط انواع فضاهای باز، بسته و پوشیده در محورهای عمود بر هم و محورهای غیر موازی



بسط طولی انواع فضاهای باز، بسته و پوشیده در محورهای موازی



بسط ارتفاعی، مقطع (ش - ۲)

شیوه‌های نمایش فضا

منظور از شیوه‌های نمایش فضا، چگونگی متمایز شدن و مشخص شدن فضاهاست. آیا می‌توان با استفاده از ماده جوهری معماری - فضا - فضاهایی را که از توان تعریف و ترکیب برخوردار شده‌اند، متمایز و مشخص نمود. باید توجه کرد که این امر، با تمایز ایجاد شده در اثر تغییر عملکردی فضاها متفاوت است. به عبارت دیگر، تنوع ایجاد شده باید مرتبط با فضا باشد نه تمایز در اثر تخصیص عملکردهای گوناگون به فضا. هر فضا می‌تواند پس از تعریف یافتن، از توان تمایز نیز برخوردار شود و به علاوه تنوع و تعریف هر دو می‌توانند در تحکیم یکدیگر و تشخیص بخشیدن هر چه بیشتر به فضا مؤثر باشند. توان تعریف، باعث ثبات فضا و توان ترکیب، باعث تحرک فضا می‌شود و توان تنوع، به طور همزمان و هم‌مکان ثبات و تحرک فضا را تشدید می‌کند و فضا از حالت خنثی به حالت غنی شده تغییر کیفیت می‌دهد.

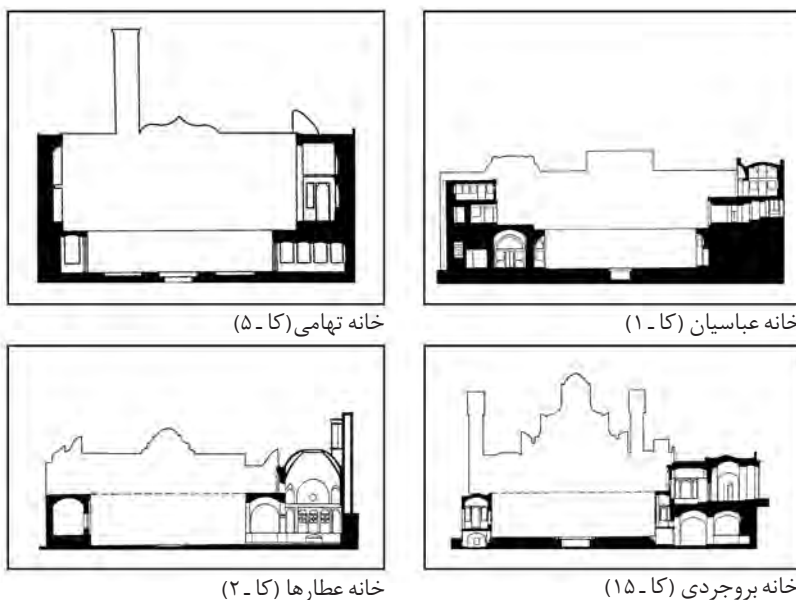
اگرچه هر سازمان فضایی را، سه‌گونه فضا (باز، بسته و پوشیده) و سه‌گونه عنصر پوششی (دیوار، کف و سقف) شکل می‌دهد، اما گوناگونی عناصر پوششی فضاها بر حسب نمونه‌های موجود بی‌شمار بوده و بخشی از خلاقیت معماران در هر دوره در گرو تفسیرهای نوینی بوده که از این عناصر ارائه شده است. عناصر معمارانه‌ای همچون رنگ، مصالح، تغییر ارتفاع، پروخالی کردن بدنه‌ها و نقش‌هایی که بر روی این عناصر به کار گرفته می‌شوند و بسیار شیوه‌های دیگر امکان ایجاد طیف متنوعی از انواع فضاها را فراهم می‌کند. در کنار این عناصر، چگونگی به کارگیری نور که نقش آن در معماری هم‌مطراز فضا است، تجربه‌های فضایی متنوع و متمایزی را ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، شیوه‌های تنوع فضایی می‌تواند با استناد به الگوهای فضایی گذشته، دستاوردهای فنی روز، تحولات شیوه زندگی و خلاقیت‌های دائمی معماران تا بی‌نهایت ادامه یابد و بر آنها افزوده شود.



(تصویر ۵-۱۲)
همدان - تنوع بدنه‌های مشرف به حیاط (ه-۲)

- ۱- انواع الگوهای فضایی؛
- ۲- انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی؛
- ۳- انواع شیوه‌های بسط فضا؛
- ۴- انواع خط آسمان؛
- ۵- انواع فضاهای چندرو؛
- ۶- انواع حضور نور؛
- ۷- انواع ارتفاع؛
- ۸- انواع دیوار؛
- ۹- انواع نقش بدنه‌ها؛
- ۱۰- انواع بدنه‌های داخلی و خارجی؛
- ۱۱- انواع شامی؛
- ۱۲- انواع فضاهای ورودی؛
- ۱۳- انواع ایوان؛
- ۱۴- انواع فضاهای بسته؛
- ۱۵- انواع همجواری فضاهای بسته.

(تصویر ۵-۱۳) گونه شناسی انواع خط آسمان - کاشان



خانه تهامی (کا-۵)

خانه عباسیان (کا-۱)

خانه عطارها (کا-۲)

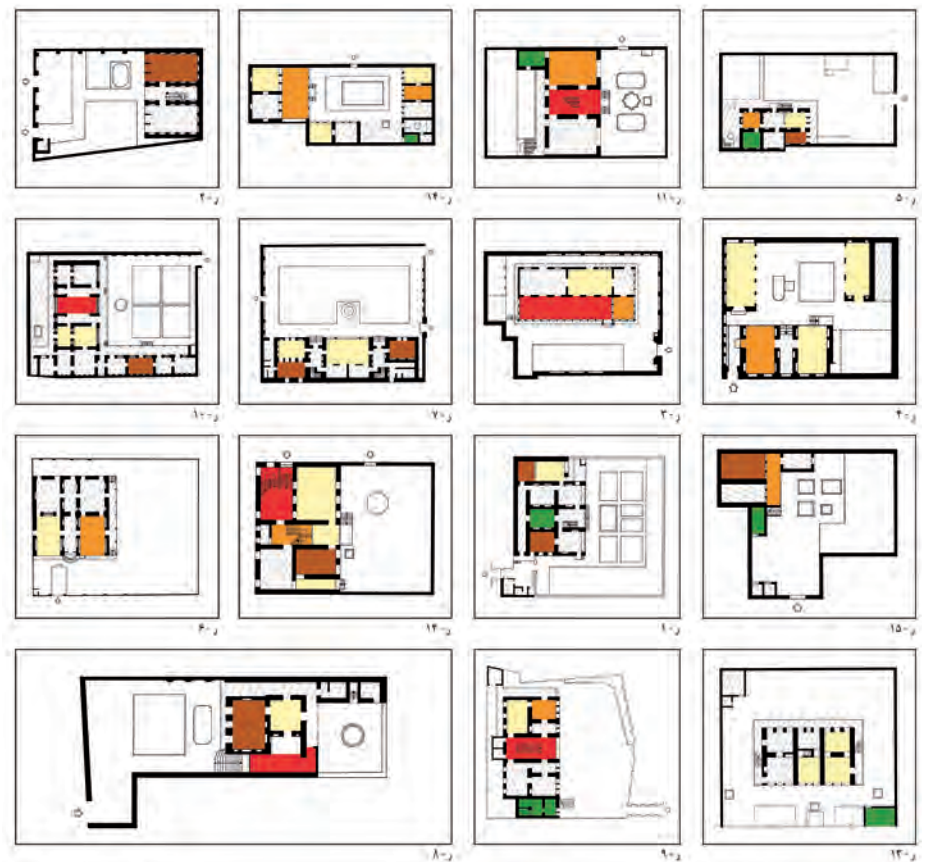
خانه بروجردی (کا-۱۵)

۵. واژه «نمایش فضا» را، برای ایجاد تشخیص و تنوع در فضا پیشنهاد می‌کنیم که مترادف آن فضای متمایز یا تشخیص یافته نیز می‌باشد.

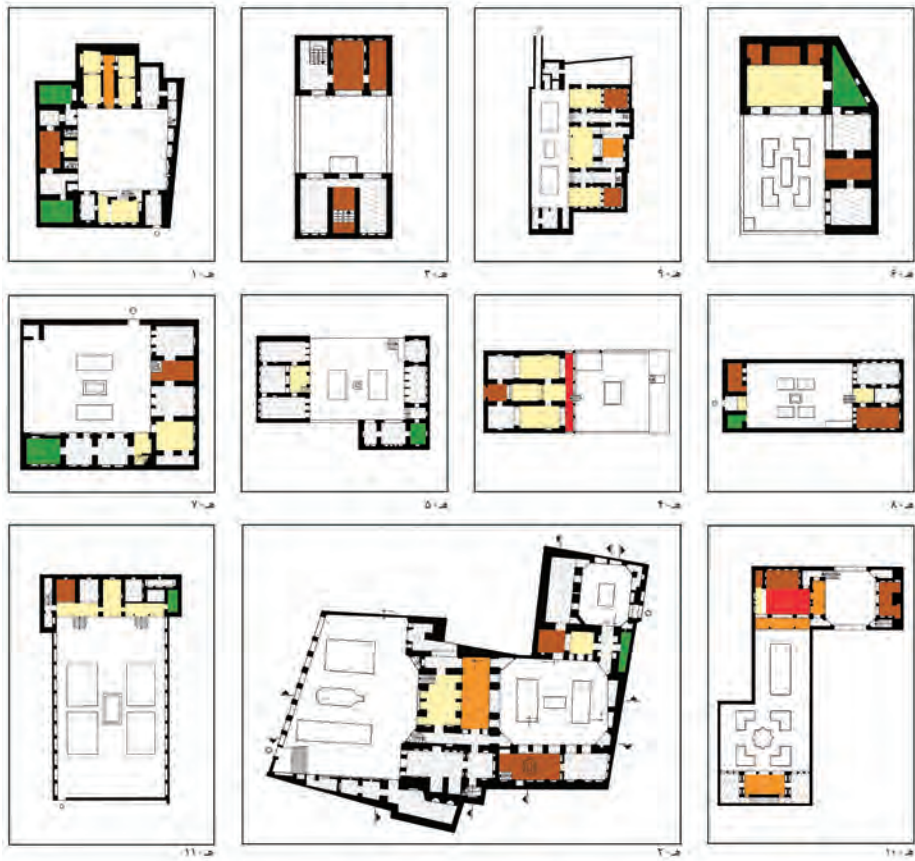
کاشان



رشت



همدان

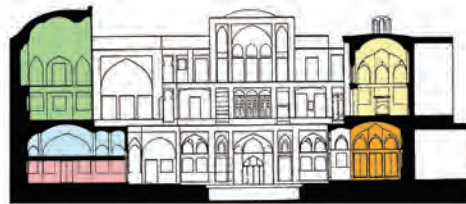


شیراز

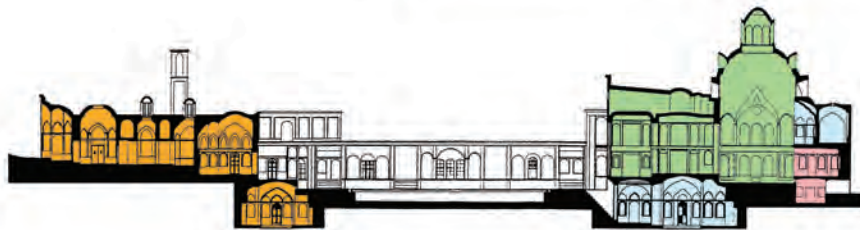


- ۱- انواع الگوهای فضایی؛
- ۲- انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی؛
- ۳- انواع شیوه‌های بسط فضا؛
- ۴- انواع خط آسمان؛
- ۵- انواع فضاهای چندرو؛
- ۶- انواع حضور نور؛
- ۷- انواع ارتفاع؛
- ۸- انواع دیوار؛
- ۹- انواع نقش بدنه‌ها؛
- ۱۰- انواع بدنه‌های داخلی و خارجی؛
- ۱۱- انواع شارمی؛
- ۱۲- انواع فضاهای ورودی؛
- ۱۳- انواع ایوان؛
- ۱۴- انواع فضاهای بسته؛
- ۱۵- انواع همجواری فضاهای بسته.

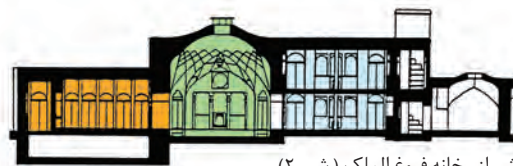
(تصویر ۵-۱۶) گونه شناسی انواع ارتفاع فضا



کاشان - خانه عباسیان (کا - ۱)



کاشان - خانه بروجردی (کا - ۱۵)



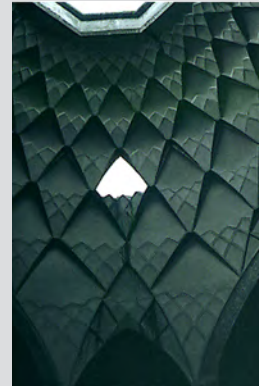
شیراز - خانه فروغ الملک (ش - ۲)

- کوتاه (کمتر از ۳ متر)
- معمولی (حدود ۳ متر)
- متوسط (حدود ۵ متر)
- بلند (۵ تا ۷ متر)
- مرتفع (بیش از ۷ متر)

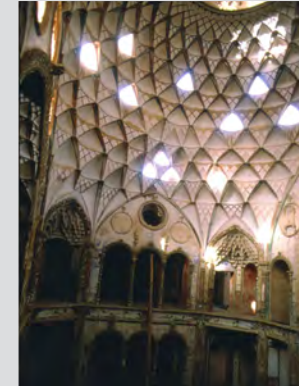


همدان - خانه نراقی (ه - ۷)

(تصویر ۵-۱۵) گونه شناسی انواع حضور نور در فضا - کاشان



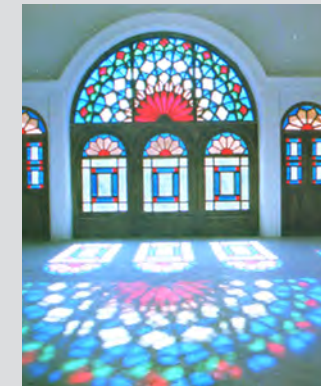
خانه عباسیان (کا - ۱)



خانه بروجردی (کا - ۱۵)



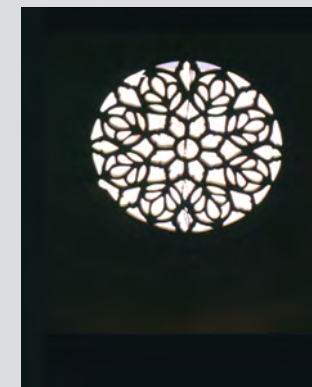
خانه بروجردی (کا - ۱۵)



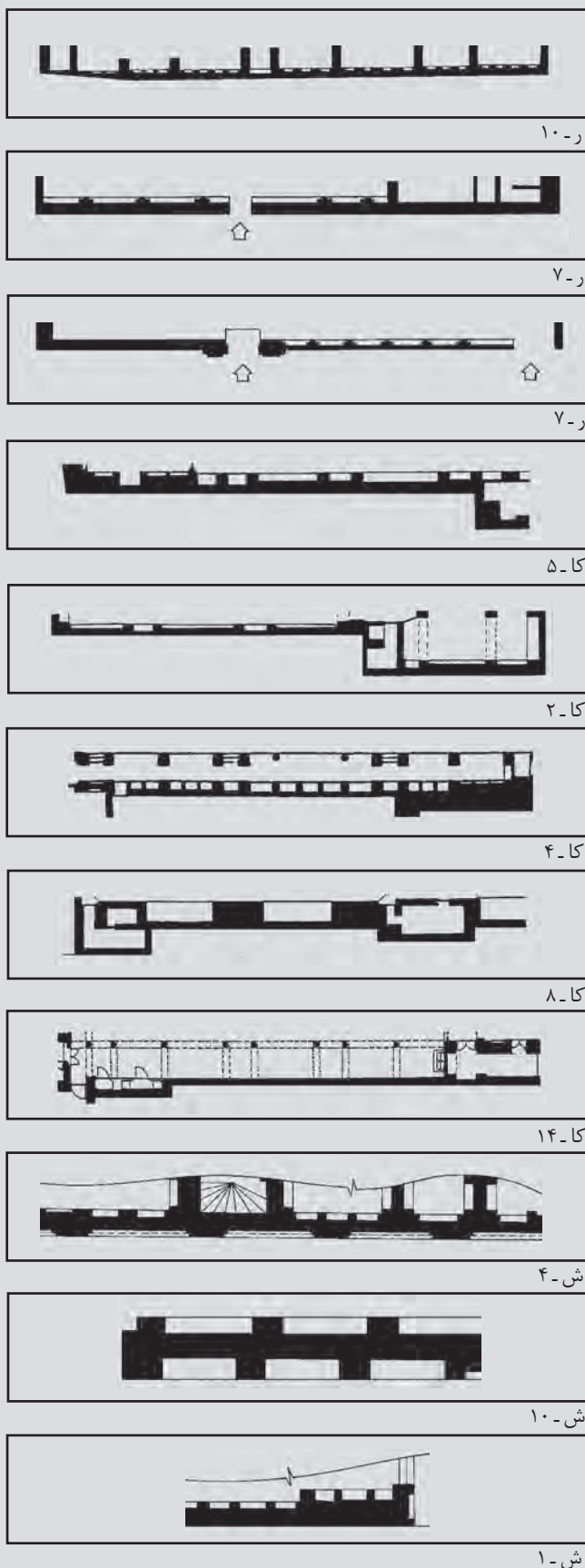
خانه طباطبایی (کا - ۸)



خانه گلی زاده



خانه گلی زاده



عناصر معماری و شیوه‌های توانمندسازی فضا

توانمندی فضا متکی به شیوه‌های تعریف، ترکیب، نمایش و تحقق شیوه‌ها، متکی بر بهره‌برداری از عناصر معمارانه سقف، کف و دیوار است. این عناصر معمارانه با حضور در و پنجره، انواع نورگیرها و روزن‌ها و ستون‌ها، نقش‌ها و بافت‌های مصالح معنا می‌یابند. خانه‌های تاریخی مشخص کردند که نقش هر جزء عنصر در شکل‌گیری فضاهای خرد و کلان می‌بایست دیده انگاشته شود.

در این کتاب، مجموعه دیوار، سقف، کف، در و پنجره، نورگیرها، ستون‌ها، نقش‌ها، رنگ و انواع مصالح و هر آنچه که به خلق فضای معمارانه منجر می‌شود را عناصر و اجزای معماری نامیده‌ایم. چگونگی بهره‌گیری از این عناصر، فضا و کیفیت‌ها و توان‌های آن را رقم می‌زند.

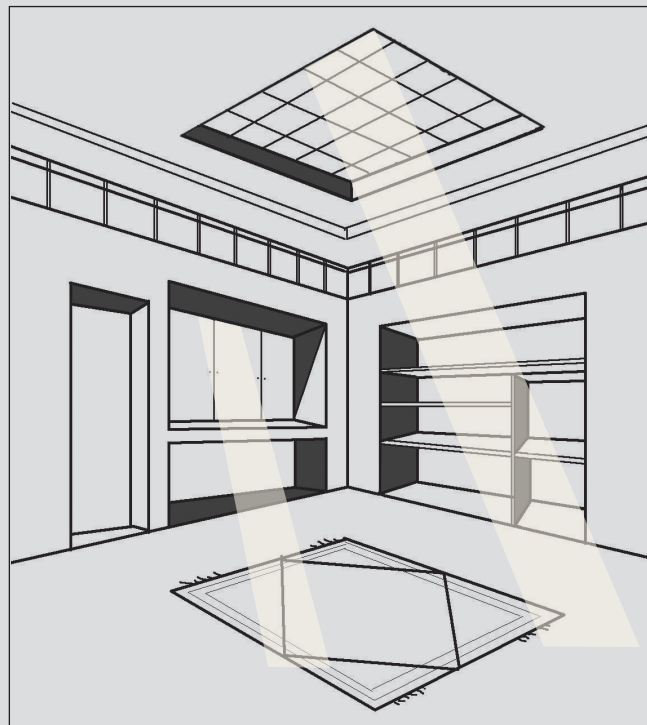
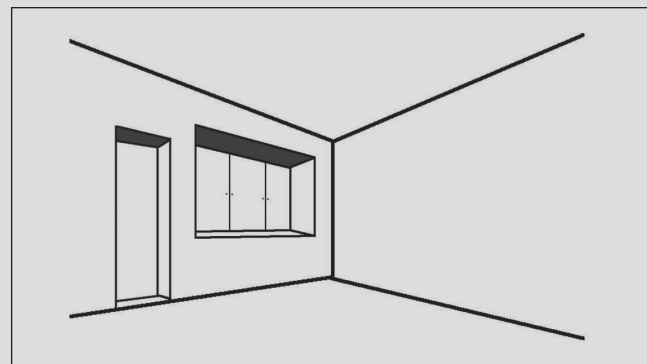
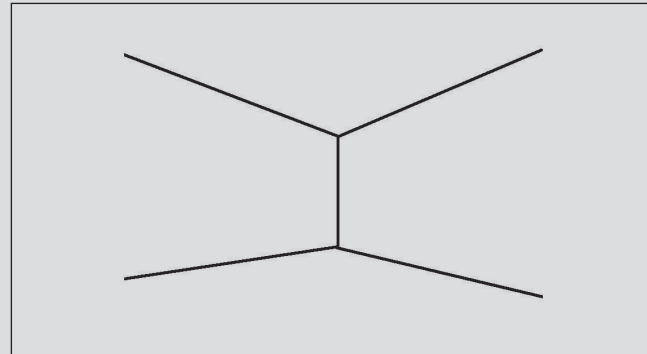
در این کتاب تا آنجا که مجال هست به سه عنصر معمارانه سقف، کف و دیوار و چگونگی مشارکت آنها در تحقق شیوه‌های توانمندسازی فضا اشاره می‌شود.

دیوار

دیوار در معماری گذشته و در ساختمان‌های امروز، نقشی مهم را در جدایی فضاها بر عهده دارد، اما اگر بخواهیم با تصویری که امروزه از دیوار داریم، دیوار را در خانه‌های ایران ارزیابی کنیم، موفق نخواهیم بود. جداکنندگی نقش، خاصیت، وظیفه و عملکرد دیوار است، اما در معماری ایرانی دیوار علاوه بر جداکردن فضاها در تعریف و تحکیم، تنظیم و نمایش فضاها و مهم‌تر از همه در ترکیب فضاها، نقش اساسی ایفا می‌کند تا آنجا که دیوار در فرهنگ معماری ایران، معادل عبور به ماورا و گذشتن و پیوستن می‌باشد نه انسداد، حصار و جدایی. درها و در-پنجره‌ها که در دیوارهای فضاهای بسته قرار می‌گیرند، شرایط بسط فضایی، چشم‌اندازی و نوری

- ۱- انواع الگوهای فضایی؛
- ۲- انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی؛
- ۳- انواع شیوه‌های بسط فضا؛
- ۴- انواع خط آسمان؛
- ۵- انواع فضاهای چندرو؛
- ۶- انواع حضور نور؛
- ۷- انواع ارتفاع؛
- ۸- انواع دیوار؛
- ۹- انواع نقش بدنه‌ها؛
- ۱۰- انواع بدنه‌های داخلی و خارجی؛
- ۱۱- انواع شارمی؛
- ۱۲- انواع فضاهای ورودی؛
- ۱۳- انواع ایوان؛
- ۱۴- انواع فضاهای بسته؛
- ۱۵- انواع همجواری فضاهای بسته.

(تصویر ۵-۱۸) نقش عناصر معماری (دیوار، سقف، کف) در جان بخشیدن به فضا



را برای فضای بسته فراهم و آن را منبسط می‌کنند. دیوار در معماری خانه‌های تاریخی می‌کوشد پاسخ‌هایی فضایی را برای شیوه زندگی ارائه کند. حضور طاقچه‌ها و رف‌ها در بدنه دیوار اتاق‌ها، آن را از سطح صاف خارج می‌کنند و معماری از این طریق در آرایش اتاق مشارکت می‌کند. دیوار در پیوند با سایر بناهای واقع در پیرامون خانه، تقسیمات سازه‌ای مشخص و منظم دارد که عمدتاً به صورت طاق نما جلوه‌گر است و در اتصال با کف حیاط به سکو و نشیمن‌گاه تبدیل می‌شود و در مواردی، بدنه‌اش جلوه‌گر نقش‌هایی از مصالح و نقش‌هایی از گل و گیاه می‌باشد، به نحوی که دیوار ادامه حیاط و باغچه‌ها به نظر می‌آید. به هنگام تابش آفتاب، طاق نماهای هر دیوار، سایه‌روشن‌های مفید و چشم‌نوازی ایجاد می‌کنند. در اصطلاح معماری محلی کاشان، نام چنین دیواری، دیوار جاندار است.

کف

عنصر کف نیز در معماری ایرانی به صورت یک سطح صاف جلوه‌گر نمی‌شود و معمار ایرانی در خانه‌ها، از این عنصر نیز برای تعریف کردن فضا و تشخیص بخشیدن به آن بهره برده است.

کف در خانه‌های ایرانی چه در فضاهای باز و چه در فضای پوشیده و بسته یادآور طبیعت و باغ است و به کل فضا با این معنا جان می‌بخشد.

در فضای باز ایجاد اختلاف سطح‌های متنوع منجر به تعریف فضاهای گوناگون می‌شود. کف در فضای باز از طریق انواع آجرچینی، حضور باغچه و گلکاری و حضور آب جان می‌یابد و از یک سطح صاف ساده خارج می‌شود.

کف در ایوان‌ها، حوضخانه‌ها، ایوانچه‌ها و سایر فضاهای پوشیده از طریق تمایز ارتفاعی نسبت به کف حیاط، در تعریف فضا ایفای نقش می‌کند و آجرچینی، کاشیکاری و در مورد حوضخانه، حضور آب به آن جان می‌بخشد.

کف در فضای بسته نیز، از طریق چگونگی مفروش شدن در تعریف فضا مشارکت می‌کند. کف اتاق خانه ایرانی با انواع پوشش‌ها مانند «کنارانداز» و «میون‌انداز» بر اساس چگونگی آداب کنار یکدیگر نشستن در یک اتاق، پوشیده می‌شود و فضا به واسطه چگونگی مفروش شدن کف، تعریف می‌شود.

در فضای بسته که دیگر حضور گیاه و آب به راحتی امکان‌پذیر نیست، فرش، دستباف ایرانی، جزو لابنفک معماری اتاق ایرانی است و تداوم باغ حیاط به داخل اتاق است.

سقف

معماری خانه‌های تاریخی آن چنان که با دیوار و کف رفتار می‌کند، سقف را نیز، برای افزایش توان فضا به کار می‌گیرد.

سقف در فضاهای بسته با قرار گرفتن در ارتفاع‌های گوناگون، تجربه‌های متنوع

فضایی را ایجاد می‌کند. سقف در این فضاها یادآور آسمان است و به کارگیری نقش‌های شمشه، ماه و ستاره به صورت آینه‌کاری این مضمون را در سقف اتاق‌های خانه ایرانی ایجاد می‌کنند.

در فضاهای پوشیده، سقف محلی برای تأمین نور و همچنین تهویه هواست و چگونگی به کارگیری نورگیرها و قنبره‌ها در سقف، فضاهای گوناگونی را با درجات مختلف روشنایی و جهات مختلف تابش نور فراهم می‌کند.

سقف نه تنها در دو فضای بسته و پوشیده در افزایش توانمندی و تنوع فضا به کار گرفته می‌شود، بلکه در معماری خانه‌های تاریخی درجات گوناگون پوشیدگی سقف بر روی فضاهای باز نیز طیفی از تجربه نوری و فضایی و سایه و روشن را در فضای باز ایجاد می‌کند. حیاط‌های نیمه‌مسقف الگویی از تحقق به کارگیری چنین شیوه‌هایی هستند.

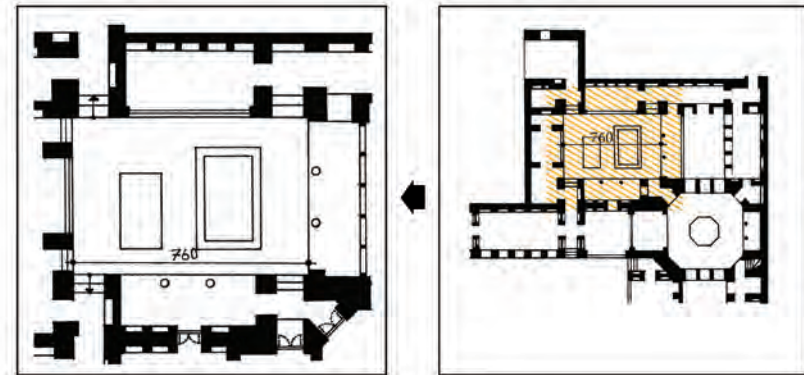
- ۱- انواع الگوهای فضایی؛
- ۲- انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی؛
- ۳- انواع شیوه‌های بسط فضا؛
- ۴- انواع خط آسمان؛
- ۵- انواع فضاهای چندرو؛
- ۶- انواع حضور نور؛
- ۷- انواع ارتفاع؛
- ۸- انواع دیوار؛
- ۹- انواع نقش بدنه‌ها؛
- ۱۰- انواع بدنه‌های داخلی و خارجی؛
- ۱۱- انواع شارمی؛
- ۱۲- انواع فضاهای ورودی؛
- ۱۳- انواع ایوان؛
- ۱۴- انواع فضاهای بسته؛
- ۱۵- انواع همجواری فضاهای بسته.

(جدول ۱- نقش عناصر معماری در توانمندسازی فضا)

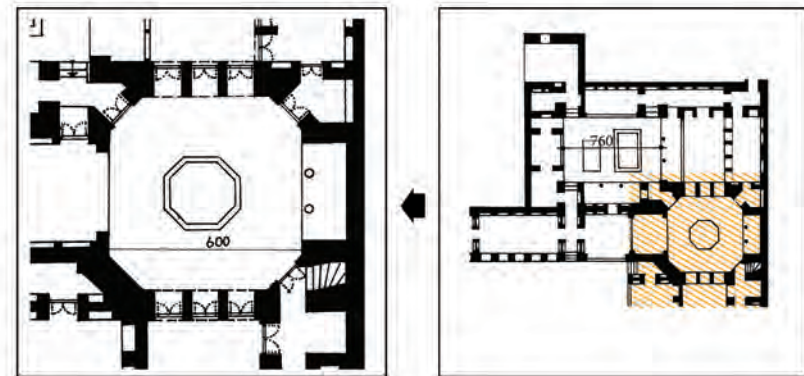
فضای تعریف‌شده	دیوار	تعریف‌کننده‌های فضا
	کف	
	سقف	
فضای منبسط شده	در	عناصر ترکیب‌کننده فضا بسط نوری، بسط چشم‌اندازی و بسط فضایی
	پنجره - نورگیر	
	ستون	
فضای متمایز شده	نور - روشنایی و تاریکی	عناصر تمایز دهنده فضا
	رنگ - مصالح - نقش	
	بلندی و کوتاهی	
	پروخالی فضا	
فضای غنی شده	هدایت هوا	جان بخشیدن به فضا اختیارات معمارانه
	حضور نور - طیف سایه و روشن	
	بهره‌گیری از چشم‌انداز	



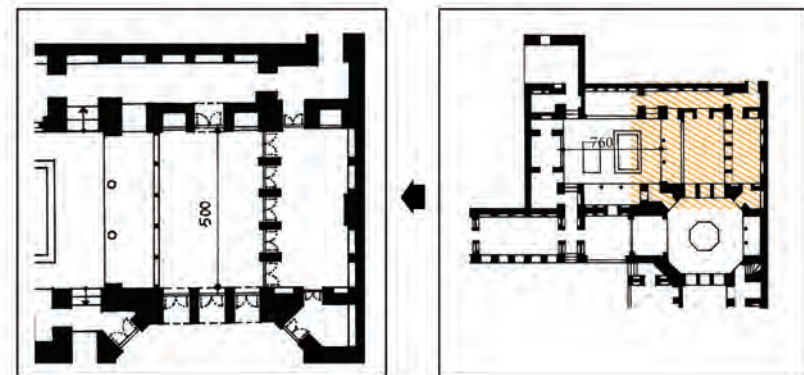
شیراز (ش ۲)



رفتار معماری با فضای باز

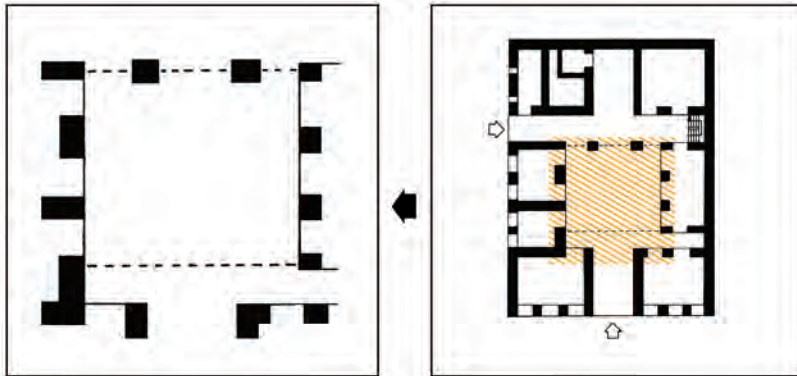


رفتار معماری با فضای پوشیده

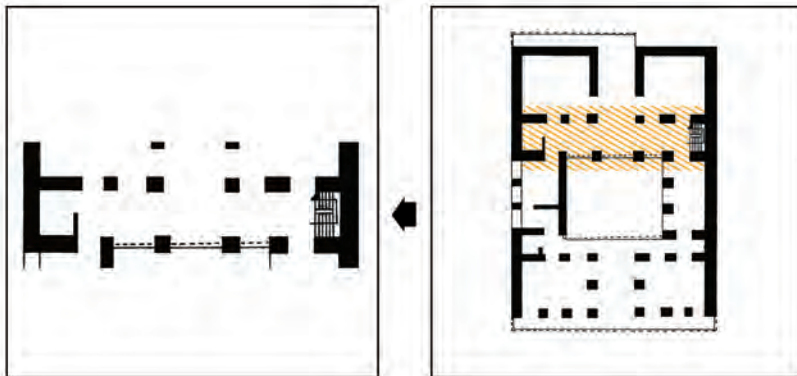


رفتار معماری با فضای بسته

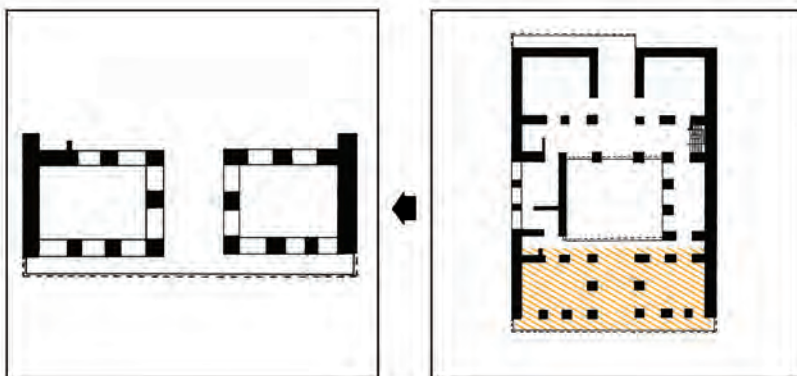
بوشهر (ب ۱۰)



رفتار معماری با فضای باز

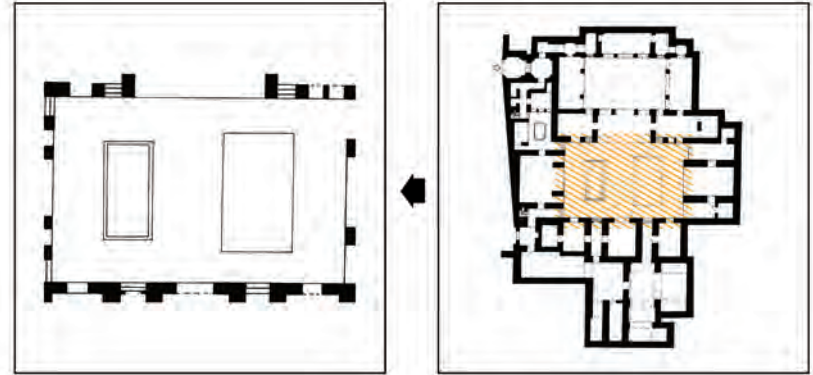


رفتار معماری با فضای پوشیده

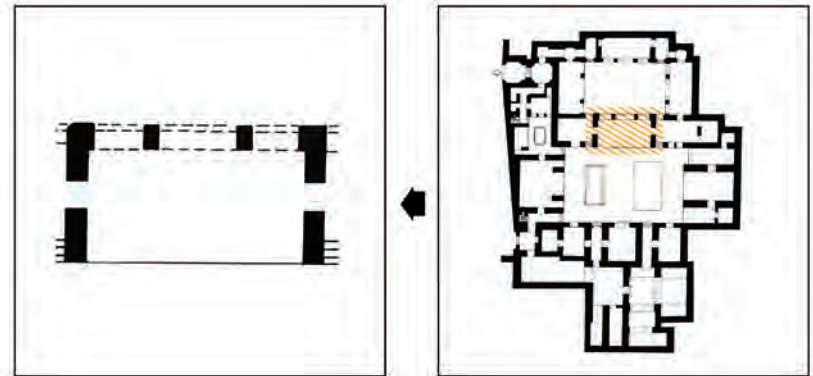


رفتار معماری با فضای بسته

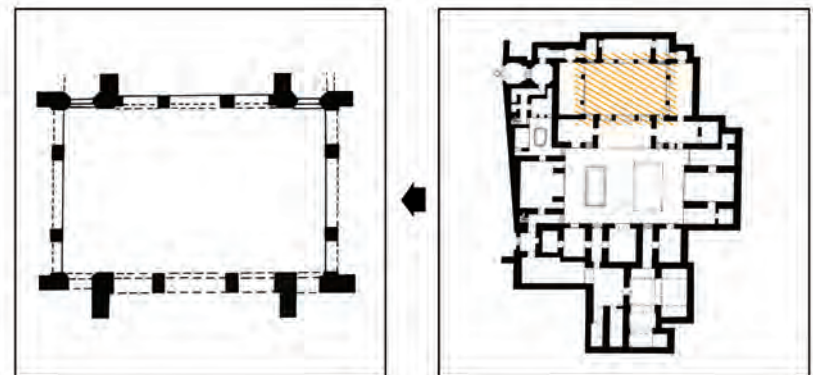
کرمان (ک-۱۰)



رفتار معماری با فضای باز

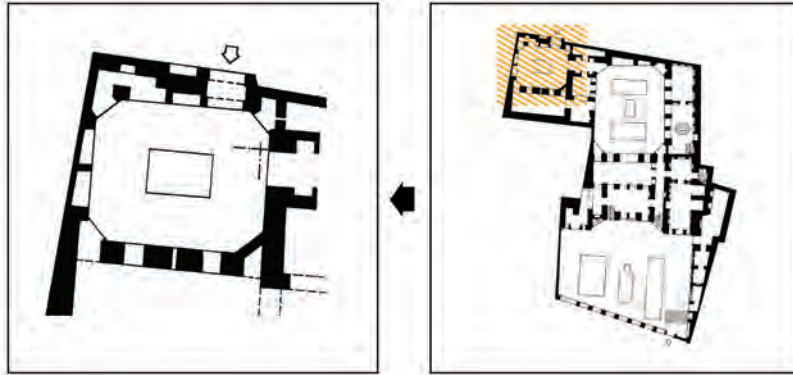


رفتار معماری با فضای پوشیده

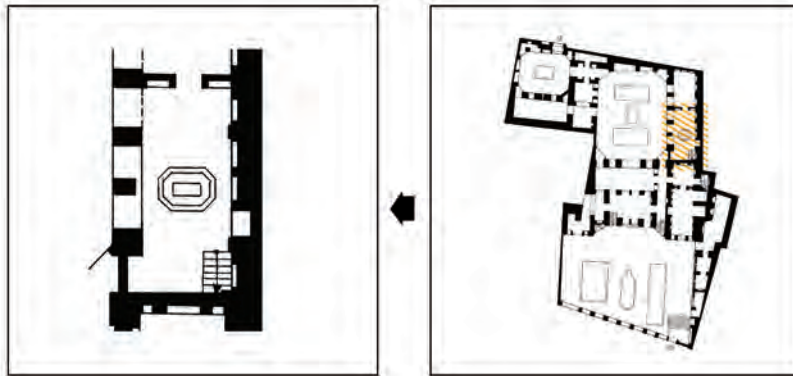


رفتار معماری با فضای بسته

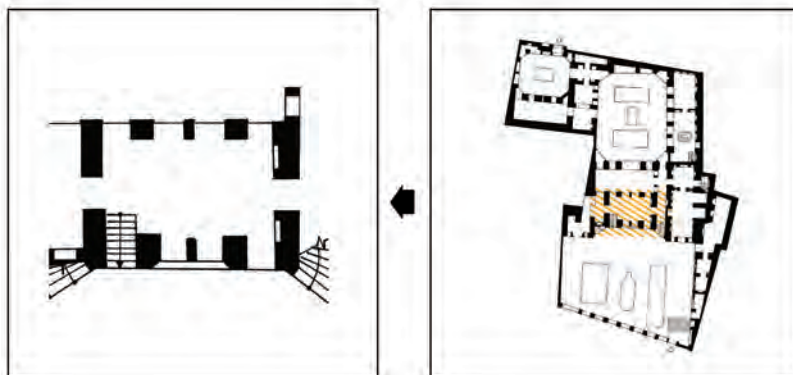
همدان (ه-۲)



رفتار معماری با فضای باز



رفتار معماری با فضای پوشیده



رفتار معماری با فضای بسته

شیوه های سازه و سازگاری فضا

شناخت حاصل شده از معماری ایران در اثر کاربرد سه روش گونه‌شناسی، مردم‌شناسی و نشانه‌شناسی در تجزیه و تحلیل خانه‌های تاریخی، مؤید این اصل است که سازمان فضایی هر یک از خانه‌ها، تمامیتی یکپارچه دارند.

این یکپارچگی به طور همزمان و هم‌مکان، نظام سازمان‌یابی، سازه و سازگاری فضا را در بر می‌گیرد. شیوه‌های توانمندسازی فضا (تعریف، ترکیب، تمایز) به موازات شیوه‌های سازه و سازگاری فضا، تمامیت یکپارچه معماری خانه‌های تاریخی را شکل داده‌اند. کاربرد این شیوه به صورتی یکپارچه در درون سازمان فضایی خانه‌های تاریخی نشان از گرامیداشت حضور انسان/ انسان‌ها دارد. خانه مکانی است که آدمی/ آدمیان در درون آن در امان باشند، آسایش و آرامش داشته باشند و این سه وجه ایمنی، آسایش و آرامش، از ارزش‌های مشابه و معادل در درون سازمان فضایی برخوردار هستند. بدین ترتیب، در خانه‌های تاریخی معماری دانشی میان‌رشته‌ای است که خود پاسخ ضرورت‌های ایستایی و آسایش را فراهم می‌کند، راه‌حل‌ها، ابتکارات و شیوه‌های نوین تأمین ایستایی و آسایش بنا می‌بایست از مجرای معیارهای معماری عبور کند و حتی اگر در تأمین خنکی و ایجاد گرما و مقاومت در برابر زلزله معجزه کنند، امکان حضوری مجزا و ادغام‌نشده در سازمان فضایی را ندارند. نمونه‌هایی از شیوه‌هایی که معماری ایرانی به این منظور به کار گرفته عبارتند از:

- شیوه‌های ارتباطی - استقراری بنا (اعم از یک دیوار تا یک عمارت) با زمین، ادغام فضاهای زیرروی زمین در سازمان فضایی خانه؛
- شیوه‌های یکپارچه کردن اعماقی از زمین با سازمان فضایی خانه؛
- شیوه‌های تعریف سقف، کف و دیوار در ارتباط با عبور نور و هوا؛
- شیوه‌های ترکیب فضاهای باز، پوشیده و بسته برای جلوگیری از انسداد نور و هوا؛
- شیوه‌های مواجهه سازمان فضایی خانه به منظور مشارکت دادن تابش نور خورشید و ایجاد سایه؛
- شیوه‌های استقرار سطح/ سطوحی از آب در کف فضاهای باز، بسته و پوشیده؛
- شیوه‌های حرکت و جابه‌جا شدن آدمی در سطح و ارتفاع به منظور دستیابی به درجه‌های مختلف گرما و سرما؛
- کاربرد شیوه‌های یگانه‌کننده برای تأمین پوشش فضا (ایجاد سقف‌های مرتفع و گسترده) و آسایش فضا؛
- استفاده هر چه بیشتر از توان‌های طبیعی خاک و رفتن به عمق زمین برای مقابله با سرمای شدید؛
- ایجاد فضاهای بسته و مجزا با تکیه بر توانمند بودن فضا برای مقابله با سرمای شدید؛

(تصویر ۵ - ۲۱) نقش دیوار در سازمان فضایی خانه‌های تاریخی - کاشان



ادامه گل و گیاه و درخت‌های باغچه حیاط بر دیوار نقش بسته است، خانه تهامی (کا - ۵)



دیوار حیاط، ادامه دهنده معماری بنا می‌باشد، خانه بنی‌کازمی (کا - ۷)

(تصویر ۵- ۲۲) سقف، کف و دیوار در اتاق خانه ایرانی



- رعایت و الزام به رعایت سه‌گونه فضای باز، بسته و پوشیده که خود شیوه‌ای مناسب و پاسخگو به نیازهای آسایشی است. حضور انواع فضاهایی که به خاطر تفاوت‌های آشکار و مشخص در درجه پوشیدگی، تفاوت‌های آشکار و مشخصی در درجه حرارت ایجاد می‌کنند؛

- فراهم آوردن شرایطی درون سازمان فضایی خانه برای به حرکت در آمدن باد؛
- ایجاد تمهیدات معمارانه برای استقرار بنا در درون زمین و استفاده از خنکی و گرمایش زیرزمین، استفاده از مصالح ایجادشده افزایش حجم فضا در سطح واحد؛

این نمونه‌ها، اشاره کوتاه به شیوه‌های سازه و سازگاری فضا به مثابه شیوه‌های یکپارچه در درون سازمان فضایی خانه‌های تاریخی می‌باشند که می‌بایست به طور جدی - به ویژه در بحران‌های انرژی که در آینده صعب‌تر و سخت‌تر جامعه را تحت فشار قرار خواهند داد - بدان‌ها پرداخته شود.

(تصویر ۵- ۲۳) شمشه در سقف یکی از فضاهای خانه عامری‌ها - کاشان



(تصویر ۵- ۲۴) درجات پوشیدگی انواع فضاهای باز، خانه طباطبایی (کا - ۸)



بخش دوم

الگوهای فضایی

معماری خانه ایرانی تا سال ۱۳۰۰ از تغییرات تدریجی و آرام برخوردار بوده و در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ تحولات منطقی و سریع را منعکس نمود و از ۱۳۴۰ به این طرف به کلی دگرگون شد. این تغییرات هم در سازمان فضایی خانه و هم در شیوه زندگی خانواده به گونه‌ای به وقوع پیوسته است که شاید خانه‌های امروزی را در مقایسه با خانه‌های نیم‌قرن پیش در ایران، نتوان خانه ایرانی نامید.

در خانه ایرانی، معماری پاسخگوی ایستایی و آرامش است. تضمین پابرجایی بنا و تأمین خنکی و گرمایش فضا بر عهده معماری است. معماری به عنوان بخشی از خودآگاه وجدان جامعه، به موازات بهره‌برداری از منابع طبیعت، مانند فضا، هوا، خاک، باد، زمین و نور خود را مسئول حفاظت از طبیعت می‌داند.

معماری ایران منابع تجدیدپذیر را به شیوه‌ای معمارانه به کار می‌گیرد و خود را نه بر محیط تحمیل می‌کند، نه جدا از محیط ارائه می‌کند. اندیشه معماری در خانه ایرانی خلق مصنوعی است برای یکپارچه کردن شیوه زندگی با محیط طبیعی.

در هر دو نوع خانه هم فضا و هم مصالح مورد استفاده قرار گرفته‌اند، هر دو نوع خانه برای پابرجاماندن در برابر حرکت‌های زمین و ایجاد آسایش برای ساکنان، خود را تجهیز کرده‌اند. اما در یکی، معیارهای اصلی بر توانمندسازی فضا در پاسخگویی به نیازهای همه‌جانبه فرد، خانواده و گروه تأکید دارد و در دیگری، توانمندسازی مصالح و اشیاء برای پاسخگویی به نیازهای جسمی، معیار اصلی شکل‌دهی فضا به حساب می‌آید.

تفاوت موجود در دو نوع خانه ایرانی و خانه معاصر تفاوت در شیوه‌های به‌کارگیری و مصرف فضا است. معیار شکل‌دهی فضا در خانه ایرانی بر اساس رعایت حریم استوار است. حریم که خود انعکاس فضایی حرمت است، تنظیم‌کننده روابط فرد و جامعه می‌باشد. حریم در حد فاصل خصوصی‌ترین خلوت ساکن در خانه تا عمومی‌ترین تجمع اهالی و خویشاوندان در خانه به صورت فضاهای بینابینی و متوالی معیار شکل‌دهنده مراتب فضایی خانه است.

به سبب این رابطه چندسویه پدیده‌ای که به نام معماری حاصل شده، پدیده‌ای چندبعدی و دارای لایه‌های معانی گوناگون است.

شناخت چنین پدیده‌ای چگونه حاصل می‌شود؟ یکی از روش‌های معمول شناخت در دنیای معاصر، تجزیه یک پدیده به عوامل تشکیل‌دهنده است. چنان‌که می‌توان معماری را به اجزایی همچون مصالح، سازه، سقف، کف، دیوار و اجزایی از این دست، تجزیه کرد. اما مشکل روش تجزیه، چگونگی جمع‌دستاوردها و فهم جوهر پدیده پس از تجزیه است.

از این رو، برای شناخت این معماری، شیوه‌های شناخت چندبعدی مناسب‌تر هستند و به همین سبب نیز، چند روش به صورت همزمان با یکدیگر به کار گرفته شدند تا وجوه متعدد این معماری را آشکار کنند. مردم‌شناسی را برگزیدیم تا

چگونگی انعکاس مضمون زندگی در معماری را بشناسیم و معناشناسی را برگزیدیم تا حالت‌ها و معانی‌ای که در این معماری پنهان است را پیدا کنیم. بر این اساس، در روش گونه‌شناسی نیز، تنها بر فرم تأکید نشده و فرم در درون یک زندگی که همه ابعاد مادی و معنوی انسان را شامل می‌شود، مورد شناسایی قرار گرفت. به این منظور از روش‌شناسی الگویی بهره بردیم. در این روش، پدیده تا آنجا تجزیه می‌شود که مختصات پایه‌ای و شخصیت عمومی‌اش از بین نرود و جزء حاصل از فرایند تجزیه، خود جلوه‌ای از کل باشد. در این روش‌شناسی معماری، هر الگو، فرم، مضمون و حالت را به طور همزمان در خود دارد.

آن چه از الگوهای فضایی شامل فرم، مضمون و حالت که از صافی اعصار گذشته و امتحان خود را پس داده و اعتبار خود را پس از پذیرش جامعه حفظ کرده، برای نسل‌های بعدی به کارگرفته شده است. هر نسلی نیز مواظب بوده که کاستی‌ها و نقایص الگوهای فضایی را مشخص و برطرف کند تا بتواند آن را به نسل‌های آینده منتقل سازد. معماری ایران خود را در درون جامعه باز یافته و در هر فرایند تغییر و تحول، خود را از نو تعریف کرده و از نو سازمان داده و همانند جامعه که می‌بایست راه حل‌هایی همه‌جانبه برای حفظ تعادل با محیط و با منابع خلق کند، این چنین راه خود را در میان جامعه و محیط نهادینه کرده است.

در بررسی گونه‌شناسی معماری ایران که برای این پژوهش و پژوهش دیگری انجام گرفت^۱، معلوم شد که شکل‌گیری بنا چه به صورت منفرد و چه به صورت مجتمع، هم‌زمان و هم‌مکان بر اساس ترکیب سه الگوی فضاهای باز، بسته و پوشیده صورت گرفته است. به طور مثال، می‌توان مجموعه بناهای واقع بر صفا تخت جمشید را به عنوان یک نمونه پیش از اسلام با مجموعه بناهای واقع در پیرامون مرقد امام هشتم (ع) به عنوان یک نمونه پس از اسلام مثال زد. به کارگیری هم‌زمان و هم‌مکان این سه الگو در قدیمی‌ترین خانه‌های برج‌مانده در آثار باستان‌شناسی پیش از اسلام از طریق ترکیب اتاق، ایوان و حیاط و تداوم آن در دوره معماری‌های پس از اسلام و حضور بارز آن در خانه‌های مورد مطالعه این پژوهش، نقش و اهمیت کاربرد الگوهای فضایی را در معماری ایران نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که کاربرد این الگوها در خانه‌های تاریخی مورد مطالعه این پژوهش با اتکا بر پشتوانه چند هزار ساله معماری ایران صورت گرفته است.

معماری ایرانی در قالب این سه‌گونه فضایی که خود الگوهای دیرپا در تاریخ و فرهنگ این سرزمین هستند، انواع گوناگونی از الگوهای فضایی را خلق کرده است و باگذشت زمان بر غنای گنجینه مجموعه پاسخ‌های فضایی به فرهنگ و شیوه زندگی مردم و طبیعت ایران، افزوده است این در حالی است که از این مجموعه فراهم شده، سازمان‌یابی معاصر معماری ایران کمتر بهره‌ای برده و این الگوها را که لایه‌های

۱. معماری مورد نظر، جلد ۱۸ از مجموعه گزارش‌های طراحی در اراضی عباس‌آباد. مهندسین مشاور آتک-آرکولوگ ۱۳۷۴، صص ۷۹-۱۳.

فرم، مضمون و معنا را همزمان در خود داشته به فضاهای تک‌بعدی تقلیل داده است و نشانه این تقلیل را در شیوه نامگذاری و همچنین تعداد فضاهای خانه‌های معاصر می‌توان مشاهده کرد.

اگر تعداد فضاهای معاصر ساخته‌شده در شهرهای کشور را بشماریم از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نخواهد کرد، آنها عبارتند از:

۱. ورودی؛
۲. حیاط در ارتباط با پیلوتی و پارکینگ؛
۳. نشیمن؛
۴. پذیرایی؛
۵. آشپزخانه؛
۶. دستشویی و توالت؛
۷. حمام؛
۸. اتاق خواب؛
۹. انبار؛
۱۰. راه‌پله و راهرو.

اکثر قریب به اتفاق خانه‌ها و واحدهای مسکونی ساخته‌شده در چهار دهه اخیر و در حال احداث، تمامی یا تعدادی از فضاهای نام‌برده را دارا هستند و معمولاً بدون حیاط هستند. چرا که آنچه در این خانه‌ها حیاط نامیده می‌شود یا محل توقف اتومبیل است یا محل اتصال بیرون به پارکینگ اتومبیل. مجموعه فضاهای فوق، گاه توسط راهرو و گاه بدون راهرو با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

در حالی که اگر تعداد فضاهای خانه‌های تاریخی ایران را بشماریم، نمی‌توانیم تمامی آنها را نام ببریم.

در اینجا سعی می‌کنیم تا تعدادی از آنها را نام برده و سپس معرفی کنیم. قلمرو خانه ایرانی پیش از ورود بدان حتی پیش از دیدار خانه آشکار می‌شود و از این رو واژگانی نیز برای فضاهای واقع در این قلمرو دارد. شایسته است ذکر شود که در این فهرست از فضاهای مرتبط با آخور، آب‌انبار، چاه‌خانه و چند فضای دیگر که به خانه‌های بزرگتر تعلق دارد، صرف‌نظر شده است.

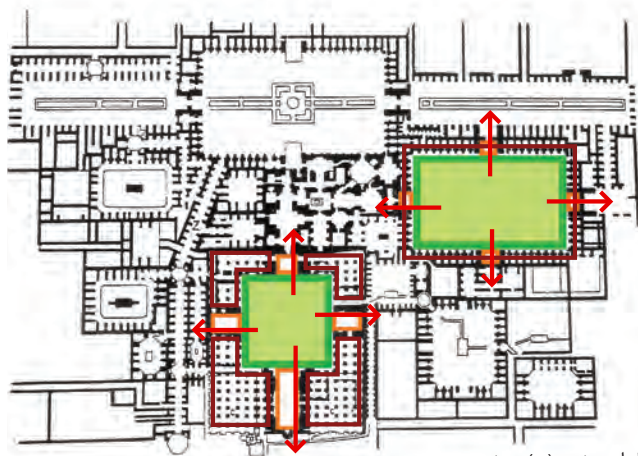
- فضای باز
- فضای پوشیده
- فضای بسته
- توالی فضای باز، پوشیده، بسته

(تصوی ۵-۲۵)

حضور هم‌زمان سه‌گونه فضایی باز، پوشیده و بسته







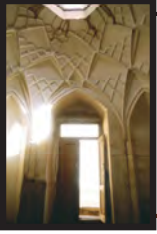





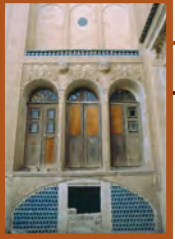


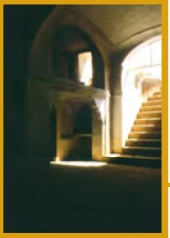

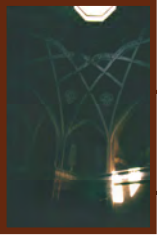





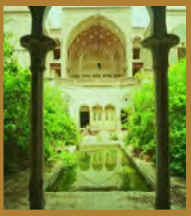
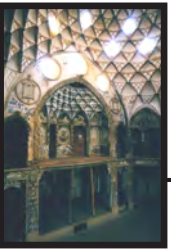


خانه ساده ایرانی (حیاط، ایوان، اتاق). ترسیم هایدماری کخ. مأخذ: (کخ، ۱۳۸۰: ۱۹۱)



مرقد مطهر امام هشتم (ع) - مشهد



تخت جمشید - شیراز

				در بند .۱
				سردر .۲
				هشتی .۳
				دالان .۴
				صفه .۵
				حیاط .۶
				تختگاه / ایوانچه .۷
				مهتابی / بهار خواب .۸
				شارمی / شنانشیل .۹
				طارمی .۱۰
				دودری .۱۱
				سه دری .۱۲
				پنج دری .۱۳
				شاه نشین .۱۴
				پس اتاق .۱۵
				حوضخانه .۱۶
				ایوان .۱۷
				شکم دریده .۱۸
				غلام گردش .۱۹
				سرداب / سیزان .۲۰
				پس سرداب .۲۱
				زاویه .۲۲
				طنبی .۲۳
				بالاخانه .۲۴
				گوشوار .۲۵
				بام .۲۶
				کریاس .۲۷
				باغچه و گودال باغچه .۲۸
				آب ریزگاه .۲۹
				حوض / دستشویی .۳۰
				پستو .۳۱
				تالار .۳۲
				سر پوشیده .۳۳
				آشپزخانه / مطبخ / دولاب / دولابچه .۳۴



خانه محمدیه، سمنان



مجموعه مهران، بوشهر



خانه رشادی، کاشان

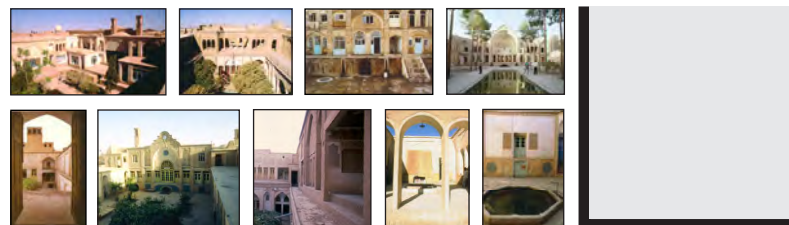


خانه تاج، کاشان



مجموعه وکیل، سنندج

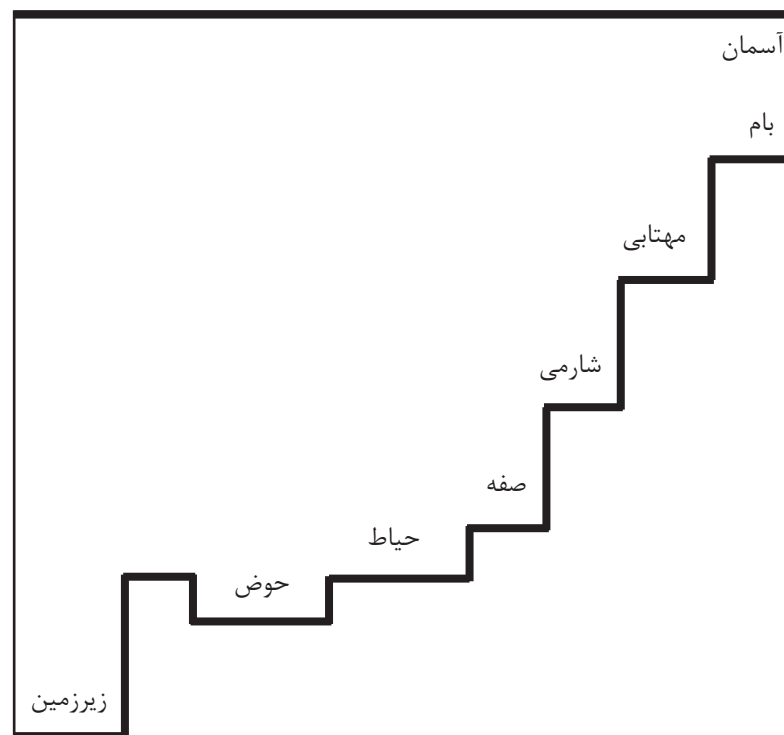
الگوهای فضاهای باز

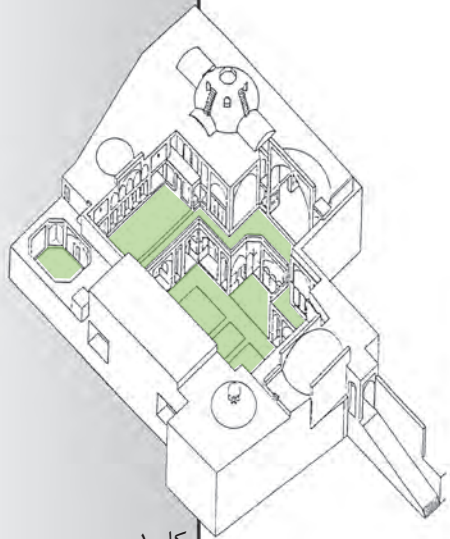


حیاط‌ها اصلی‌ترین فضاهای باز خانه به حساب می‌آیند. به غیر از حیاط‌ها، در خانه‌های ایرانی طیف متنوعی از فضاهای باز قابل شناسایی هستند. فضاهای باز این خانه‌ها از سطح حیاط شروع می‌شوند و به سمت آسمان در سطوح مختلف شکل می‌گیرند. کمی بالاتر از حیاط، صفه قرار دارد که به آن بهارخواب هم می‌گویند. کمی بالاتر از صفه، شارمی که پیاده‌رو سربازی است برای تأمین دسترسی به فضاهای واقع در بالاخانه قرار دارد. کمی بالاتر از شارمی، مهتابی و بالاخره بالاتر از همه فضاهای باز، بام خانه واقع شده است.

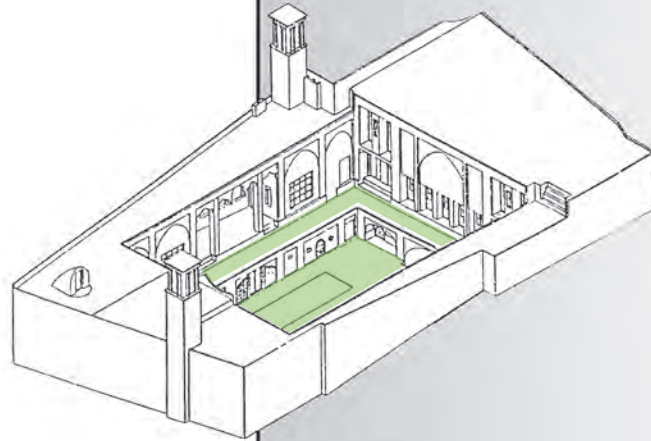
شارمی در بالاخانه به طارمی هم می‌رسد. طارمی همانند صفه فضای باز مستقر در

(تصویر ۵- ۲۶) دیگران انواع فضاهای باز در سطوح ارتفاعی متفاوت

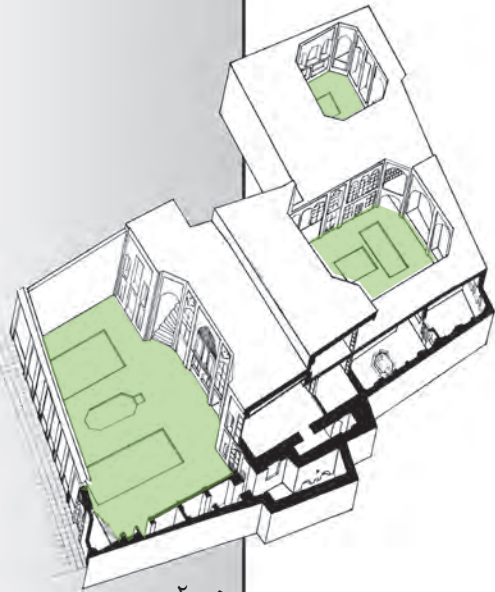




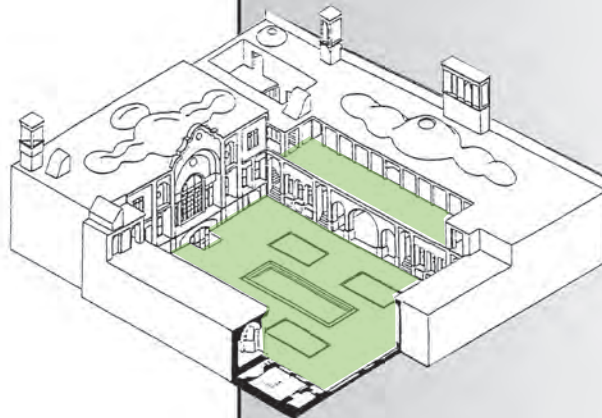
۱-ک



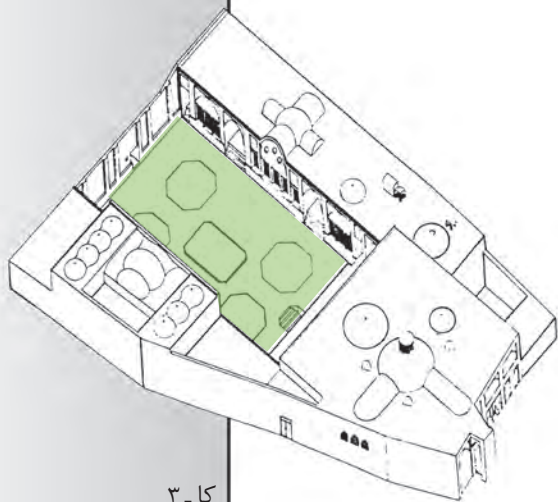
۵-ک



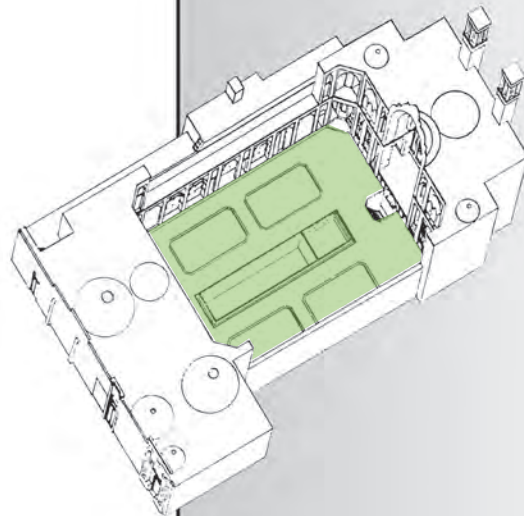
۲-ب



۲-ک



۳-ک



۷-ک



میراث فرهنگی، دزفول



خانه صالحی، شیراز



خانه مهرزاد، شیراز



خانه ابراهیمی، اردبیل

* تصاویر خانه‌های شهرهای بوشهر، دزفول، شیراز، سنندج و اردبیل، از مجموعه زندگی جدید-کالبد قدیم گرفته شده است. سه بعدی خانه همدان (۲هـ) از دکتر سعید ایزدی و سایر سه بعدی‌های کاشان از اداره کل میراث فرهنگی کاشان و کتاب گنجنامه تهیه شده است.

می‌کند. علاوه بر این، دیوارها با برخورداری از جلوه‌های معمارانه به خاطر حضور طاقی‌ها، هلالی‌ها، نقش‌ها و رنگ‌ها، بدنه حیاط را کامل می‌کنند. تقریباً همه راه‌ها، پله‌ها و پاگردها، اتاق‌ها و سرداب‌ها به حیاط متصل هستند و متقابلاً حیاط نیز چشم‌انداز طراحی شده و آراسته‌ای است برای تمام اتاق‌ها و فضاهای خرد و کلان خانه. به این ترتیب، در اغلب فصول سال و اغلب ساعت‌های روز و شب، حیاط‌های خانه‌های بررسی شده در شش شهر، قابل استفاده هستند و این استفاده حدود مرز ندارد و کاملاً قابل توسعه و افزایش است.

(تصویر ۵- ۲۸) عناصر موجود در حیاط خانه‌های تاریخی کاشان



تخت روی حوض حیاط خانه سعادت، کاشان ۱۳۶۹

باغچه‌های کنار حوض، خانه عباسیان (کا- ۱) ۱۳۶۸

در تمامی فضای اطراف حوض و باغچه‌ها، امکان توقف و فعالیت وجود دارد. با تخت‌هایی که برای نشستن، معاشرت کردن و خوابیدن طراحی شده است. با این تخت‌ها از روی حوض نیز به عنوان فضایی مطلوب و محصور بین درختان و بناهای اطراف، استفاده می‌شود.

حیاط فضای آزادی است. کار کردن توأم با آزادی، بازی کردن توأم با آزادی، خلوت کردن در فضای باز توأم با آزادی و حشرونشر و گفت‌وگو. اتاقی دلباز که سقف ندارد و به آسودگی می‌توان در آن تنفس نمود. بچه‌ها با نظارت غیر مستقیم اهالی خانه، در حیاط می‌توانند به کشف و کشف بپردازند. درس بخوانند، بنویسند، بیاشامند و همزمان در بیشترین ارتباط با طبیعت باشند و حتی خطر کردن را بیاموزند. بیاموزند که از بلندی سقوط نکنند، از درخت بالا بروند و در آب حوض

جلوی اتاق‌های بزرگتر می‌باشد که در بالاخانه قرار دارد. هم صفا و هم طارمی در مواقع لزوم که در - پنجره اتاق‌ها گسترده می‌شود، به عنوان ادامه فضایی اتاق، قابل استفاده می‌باشند.

مجموعه فعالیت‌های زندگی درون اتاق‌ها را می‌توان باگشودن در - پنجره‌ها به این فضاهای سرباز منتقل نمود. به علاوه در شب‌های بهار و تابستان این فضاهای سرباز مشرف به حیاط برای خوابیدن نیز بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. بدین ترتیب، به طور همزمان تجربه زندگی می‌توانسته در فضای بسته و باز به صورت متوالی انجام پذیرد و این‌گونه است که در چنین ترکیبی از فضاهای باز و بسته، ساکن خانه می‌توانسته فعالیت‌های خود را بسط دهد و از حس آزادی و تجربه‌های متنوع‌تری برای انجام فعالیت‌هایش برخوردار باشد.

الگوی حیاط^۲

پس از ورود به هشتی در مسیر دالون به حیاط وارد می‌شویم. دالانی که هشتی را به حیاط وصل می‌کند، نیمه‌تاریک است. فضا به تدریج روشن‌تر می‌شود، آنقدر که همزمان و هم‌مکان به روشنی و به حیاط می‌رسیم.

حیاط اتاقی است بدون سقف با بدنه‌های مشخص، کفی آراسته از درخت و خاک و آب. کف حیاط با حضور آب و گیاه تعریف شده و جان می‌یابد. حوض پر آب، با ابعاد و شکلی موزون و متناسب با سطح حیاط و در میانه آن شکل می‌گیرد. حوض‌ها از طریق آب‌های زیرزمینی تغذیه می‌شوند. به غیر از شهرهای واقع در شمال ایران که در ناحیه باران خیز قرار دارند، در اکثر شهرهای ایران تا پنجاه سال پیش، نظام آبیاری زیرزمینی (قنات) وجود داشت. اطراف هر حوض به نحوی طراحی شده است تا امکان استفاده از آب برای شست‌وشو فراهم شود، همچنین، آب سرریز شده، به داخل باغچه‌های اطراف حوض هدایت می‌شود و یک قطره آن به هدر نمی‌رود. در هر حیاط، حداقل یک حوض وجود دارد. به همراه تبخیر تدریجی آب از سطح حوض، فضای داخل حیاط و خانه از رطوبت برخوردار می‌شوند. در اطراف هر حوض معمولاً به صورت متقارن چهار باغچه قرار دارد (چهارباغ) که از بوته‌ها، گل‌ها، سبزیجات و درخت‌های بومی مملو هستند و بدین وسیله رطوبت، سبزی، طراوت و رنگ‌آمیزی حیاط را در فصول مختلف تأمین می‌کنند. رؤیت این گیاه‌ها و درخت‌ها از درون تمامی پنجره‌هایی که رو به حیاط باز می‌شوند، میسر است. آدمی می‌تواند رشد و نمو گیاهان را در هر فصل نظاره‌گر باشد. بدنه‌های حیاط کاملاً تعریف شده‌اند. جبهه‌های حیاط را جبهه‌های بنا و فضاهای پوشیده تشکیل می‌دهند و در سمت‌هایی که بنا وجود ندارد، دیوار نقش فعال در تعریف حیاط ایفا می‌کند. ارتفاع دیوار به اندازه‌ایست که حس در بر گرفتگی را در حیاط ایجاد

۲. در زبان فارسی واژه پردیس معنای بهشت را در بر دارد. این واژه ریشه لغت Paradise است. پر Para به معنای پیرامون و دیس یا دز به معنای مکان، بنا و قلعه (دژ) می‌باشد. بهشت در فرهنگ و معماری ایران معادل فضای محصور یا «محصوره» است. نقش حیاط و دیوارها و بدنه‌های اطراف آن انعکاس این جهانی پردیس است. حیاط خانه ایرانی خرده‌اقلیم (Micro Climate) و بهشت کوچک خانه است.

غوطه بخورند. بزرگترها نیز می‌توانند در حیاط معاشرت کنند، استراحت کنند و همه فعالیت‌های خود را با درخت و آب و گل پیوند دهند.

از آنجا که چهار سمت حیاط خانه‌های ایرانی همواره به وسیله فضاهای پوشیده اتاق‌ها و دیواره‌های طراحی شده محصور است، از هر طرف حوض که نگاه کنیم طرف دیگر خانه در آینه آب دیده می‌شود و بدین ترتیب تصویری تماشایی از فضاهای واقعی و مجازی پدید می‌آید. سطح صیقلی و سبزرنگ آب با ماهی‌های سرخ کوچک و بزرگ همواره بخشی از آرایش فضای حیاط به حساب می‌آید.

در برخی از خانه‌های بررسی شده، با بیش از یک حیاط مواجه شدیم. معمولاً یک حیاط بزرگ و یک یا چند حیاط کوچک که یکی از آنها در اختیار قلمرو عمومی است

(تصویر ۵ - ۲۹) حیاط در خانه‌های کاشان



حیاط خانه ابریشم چی



حیاط خانه گلی زاده



حیاط خانه سعادت



حیاط خانه عطارها (کا - ۲)



حیاط خانه بنی کاظمی (کا - ۷)



حیاط در بالاخانه سعادت

و بقیه به قلمرو خصوصی یا فعالیت‌های تخصصی‌تر مانند آشپزخانه و سرویس‌های بهداشتی تخصیص داده شده‌اند. در اصطلاح رایج، حیاط بزرگتر را «اندرونی» و حیاط کوچکتر را که به قلمرو عمومی اختصاص دارد «بیرونی» می‌گویند. حیاط بیرونی با ارتباط مستقیم با هشتی یا دالون ورودی و اتاق‌های پیرامون آن، برای پذیرایی میهمانان و اهل بیرون در نظر گرفته می‌شده است. ارتباط بیرونی و اندرونی در این خانه‌ها به شیوه‌ای است که در صورت نیاز می‌توان این دو فضا را در هم ادغام نمود و توان فضایی خانه را برای جشن‌ها و مهمانی‌ها و سوگواری‌ها افزایش داد. تحقیق جداگانه‌ای برای مشخص شدن مفاهیم عام و خاص و مصادیق اندرونی و بیرونی لازم است. آنچه در این بررسی به دست آمد، آن است که این چنین نامگذاری فضاها و حیاط‌ها توانایی تداخل و ترکیب قسمت‌های مختلف خانه را کاهش نمی‌دهد. لذا بحث جدایی عام و خاص، خود بخشی از توان معمارانه محسوب می‌شود که می‌تواند در صورت لزوم به ادغام فضاهای جدا شده منجر شود.

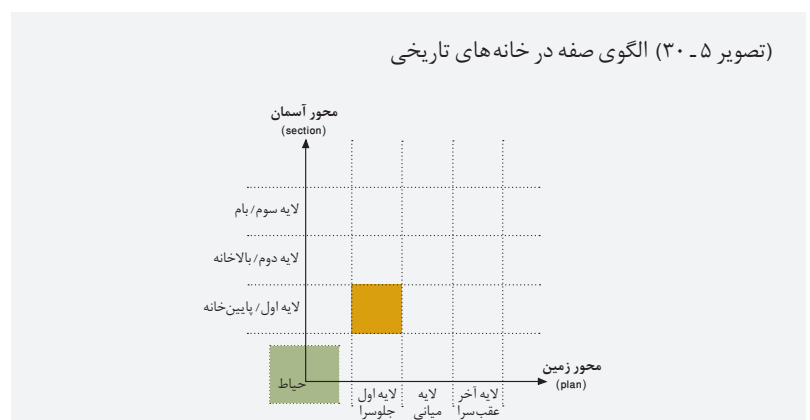
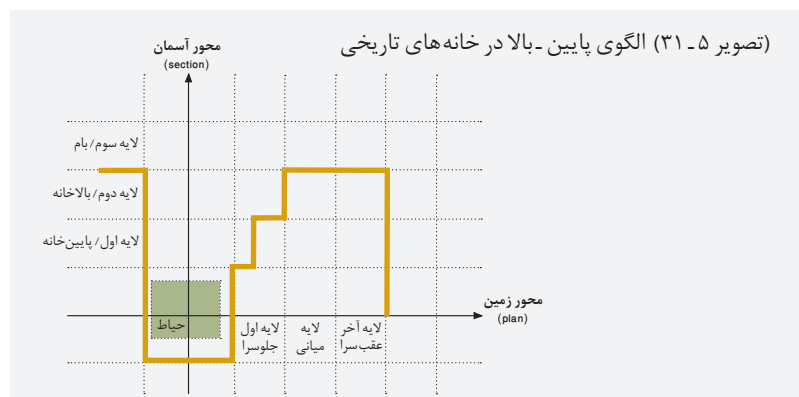
الگوی صفه

برای رسیدن به صفه یا بهار خواب باید چند پله از حیاط بالاتر برویم. صفه یا بهار خواب که در برخی از شهرهای ایران بدان سکو نیز می‌گویند، فضای بازی است که معمولاً از سه طرف محصور است و در میان چند اتاق و راهروهای سرپوشیده قرار گرفته است. این فضا در صورت باز شدن در - پنجره‌ها با فضای اتاق‌ها ترکیب و بسط فضایی برای اتاق‌ها فراهم می‌کند. ابعاد این فضا به حدی است که یک خانواده می‌توانند در آن بنشینند و منظر حیاط را تماشا کنند و در شب‌های بهار و تابستان در آن بخوابند و در پناه پوشیدگی بدنه‌های این فضا، تا هنگامی که به خواب بروند، آسمان را نظاره کنند.

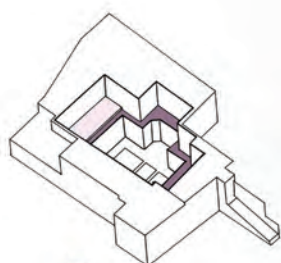
الگوی پایین - بالا و شارمی

در نواحی مرکزی ایران معمولاً حیاط‌ها به اندازه یک طبقه قدیم (حدود ۶ متر) در سطحی پایین‌تر از معابر قرار داشته‌اند. ورود به این خانه‌ها می‌بایست از طبقه بالاتر از حیاط صورت گیرد. برای دسترسی یافتن به فضاهای مختلف خانه، هم‌سطح با طبقه دوم عمارت، در پیرامون حیاط، فضای عبوری سربازی در نظر گرفته می‌شده که حیاط را دور می‌زده و نام مخصوص داشته است.

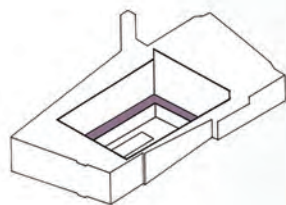
در کاشان به این‌گونه خانه‌ها «پایین - بالا» و به آن مسیر عبوری واقع در پیرامون حیاط «شارمی» می‌گویند. شارمی یکی از انواع فضاهای باز در خانه‌های ایرانی است که جنبه عبوری دارد و به هنگام عبور از آن تمامی جبهه‌های خانه به عنوان چشم‌انداز در مقابل عابر قرار می‌گیرد. در یزد به این خانه‌ها «گودال باغچه» می‌گویند و در بوشهر نیز خانه‌هایی مشابه، با بهره‌گیری از این الگو وجود دارد.



(تصویر ۵ - ۳۲) صفه و شارمی در خانه‌های تاریخی



شارمی
صفه

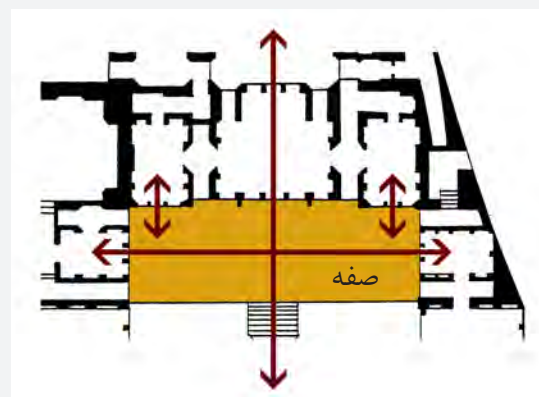


صفه و شارمی خانه عباسیان (کا - ۱)

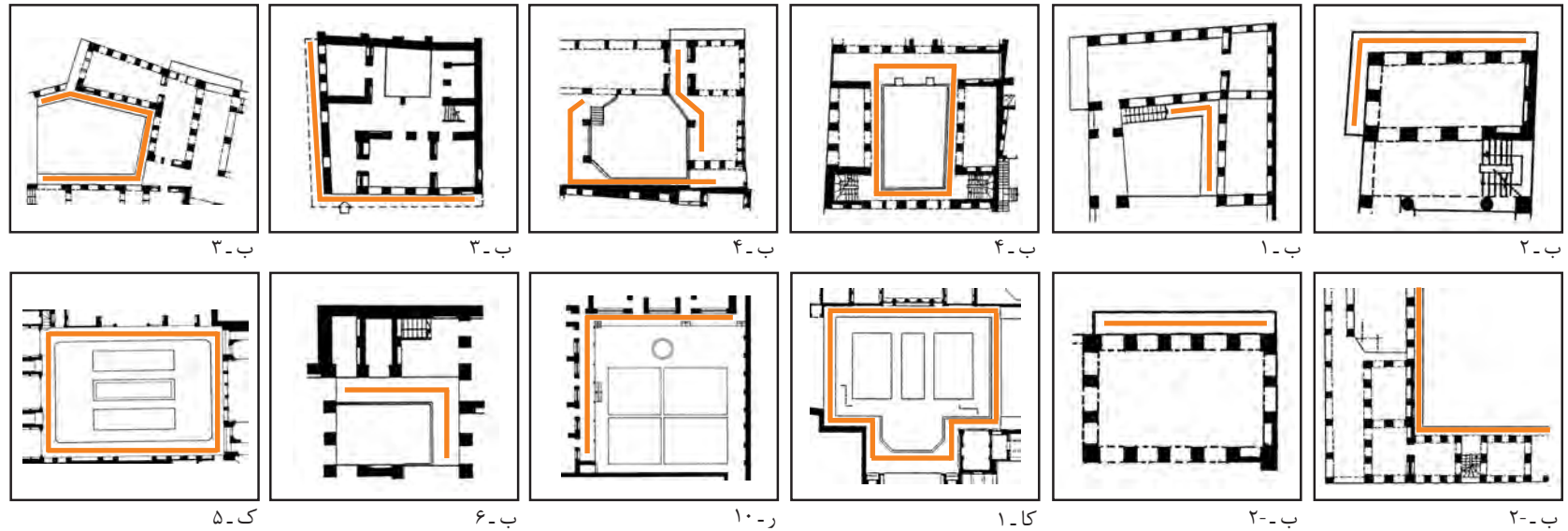


شارمی خانه تهامی (کا - ۵)

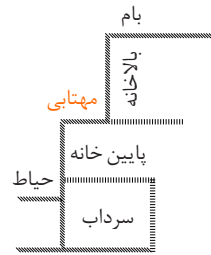
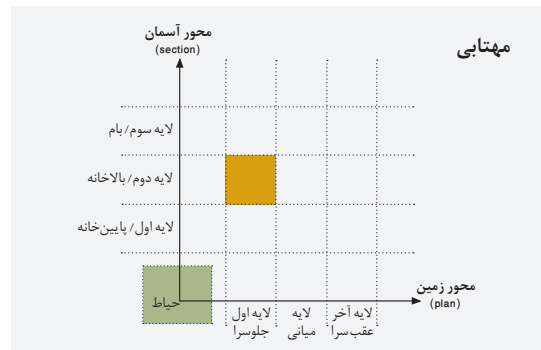
بسط فضایی صفه، پلان خانه آل یاسین، کاشان (کا - ۳)



(تصویر ۵- ۳۳) گونه شناسی انواع فضاهای عبوری دور حیاط (شارمی)



(تصویر ۵- ۳۴) الگوی مهتابی در خانه‌های تاریخی



الگوی مهتابی

نوع دیگری از فضای باز که از نقطه نظر ارتفاع از حیاط و بهار خواب، بالاتر و از بام، پایین تر است مهتابی نام دارد. مهتابی نیز از سه طرف محصور است ولی نه به وسیله اتاق‌ها، بلکه به توسط دیوارهایی متناسب و موزون؛ روی چهارم مهتابی به حیاط است.

دسترسی به مهتابی از طریق پله ارتباطی حیاط به بام میسر است. مهتابی فضایی است برای شب‌های تابستان و هم‌چنان‌که از نام آن پیداست، مکان مناسبی است برای تماشای مهتاب.

این شیوه از ارتباط ساکنان با بهار و مهتاب در خانه‌های ایرانی و این شیوه از نامگذاری فضاها در معماری ایران، نشانگر احترام اقوام ایرانی به محیط پیرامون و طبیعت بوده است. مهتابی به عنوان یک الگو برخوردار از حجمی چهار طرف بسته و دو طرف باز، معمولاً برای فضای خواب و خلوت خصوصی اعضای خانه و حالتی غرورآمیز و بلندبالا دارد.

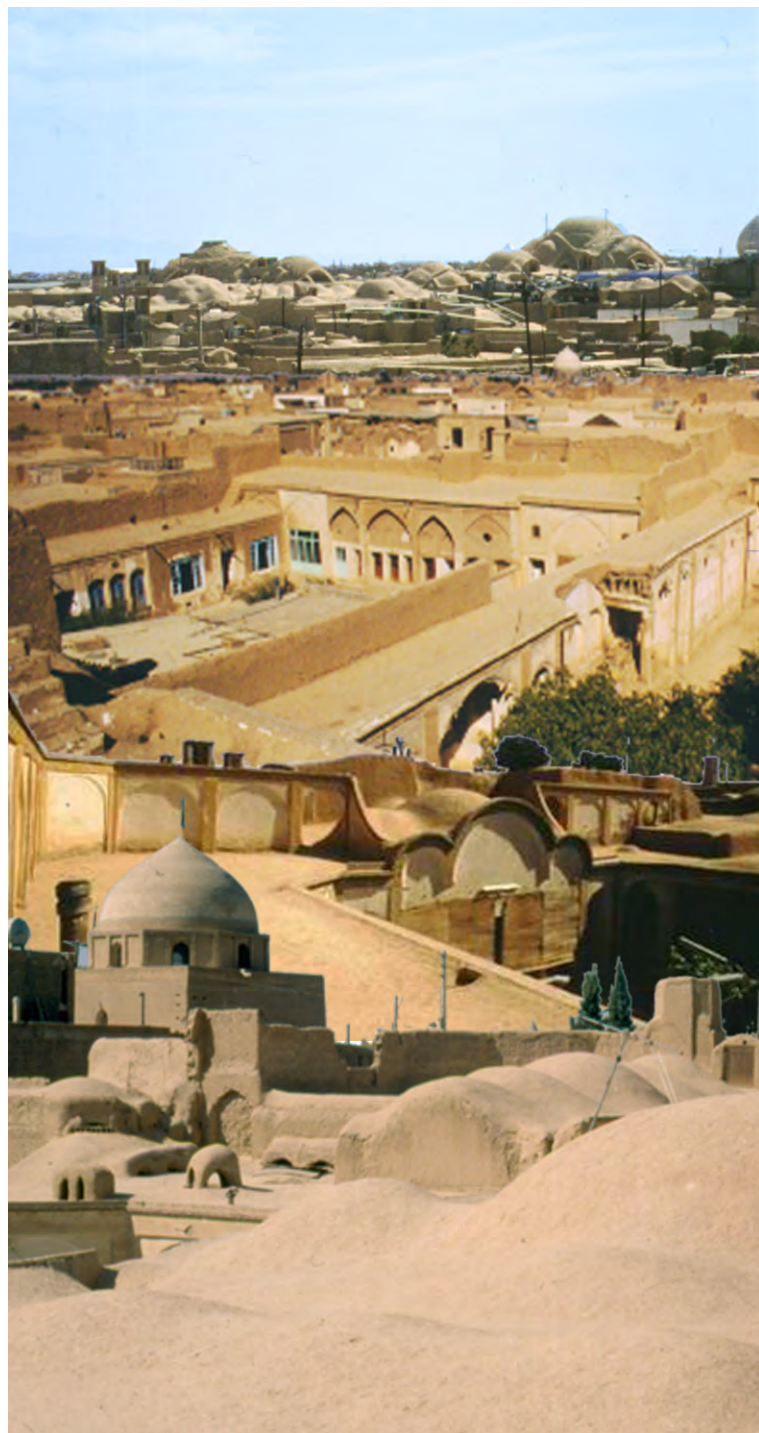


مهتابی خانه طباطبایی واقع بر اطاق ۷دری که ۲در دیگر در دوطرف ۷دری راهروهای ارتباطی را شکل می‌دهند، دور نما به صورت ۹دری دیده می‌شوند

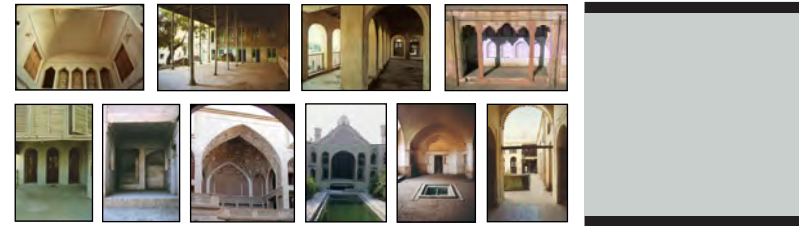
الگوی بام

تصور ما شهروندان امروزی که عمدتاً در آپارتمان زندگی می‌کنیم از پشت بام عبارت است از سطح انتهایی ساختمان که یا فضای بی‌فایده‌ای است که مقداری از لوله‌های فاضلاب و دودکش‌های اتاق‌ها از آن بیرون زده یا از آن برای استقرار تأسیسات و تجهیزات حرارتی و برودتی استفاده می‌کنند. در حالی که در خانه‌های ایرانی، بام، فضایی مستقل و سرباز است که از سطوح مختلف مرتبط به هم تشکیل شده و قسمتهایی از پیرامون آن، توسط طاق‌نما و دیوارهای کوتاه محفوظ و محصور است و همانند مهتابی قابل استفاده در شب‌های تابستان می‌باشد. به علاوه از فراز آن امکان مشاهده شهر از زوایای مختلف میسر است. در گوشه و کنار بسیاری از شهرها و محله‌های ایران، گاه بام چندین خانه به هم مرتبط و سطوح وسیع قابل استفاده‌ای برای عبور و معاشرت همسایگان و اهالی محله فراهم بوده است.

(تصویر ۵-۳۵) بام، فضایی باز و قابل استفاده در مقیاس خانه، محله و شهر



الگوهای فضاهای پوشیده



فضاهای سرپوشیده در خانه‌های ایرانی دارای اندازه و عملکردهای متنوع هستند، اهمیت فضاهای سرپوشیده، همسان اهمیت فضاهای باز و بسته می‌باشد. کوچکترین نوع فضاهای سرپوشیده که تحت عنوان ایوانچه و طاق‌نما از آن یاد می‌شود، عموماً در پایین خانه مستقر هستند که یا در حد فاصل اتاق‌ها و حیاط در ترکیب با در - پنجره‌ها یا در اطراف حیاط شکل می‌گیرند، بعد انواع ایوانچه و ایوان تا آنجا که با تکرار الگوی فضای پوشیده، یک جبهه حیاط را دستگاه سرپوشیده تشکیل می‌دهد.

(تصویر ۵-۳۷) انواع فضاهای سرپوشیده در خانه‌های کاشان



ایوانچه خانه تهامی

ایوان خانه عباسیان

فضای سرپوشیده خانه بنی‌کاظمی



راهرو خانه عباسیان

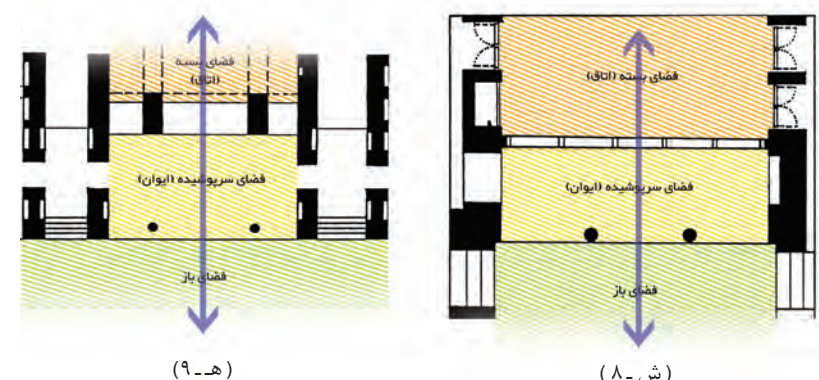
فضای ورودی خانه

رواق خانه اصفهانیان

در خانه‌سازی‌های معاصر، فضاهای بسته شامل اتاق‌های مجزا، بلافاصله پس از اتمام فضای باز (حیاط یا خیابان) شروع می‌شوند. اما در خانه‌های ایرانی همواره در حد فاصل فضاهای باز و بسته، فضایی واسط وجود دارد که می‌توان آن را «سرپوشیده» (Covered Space) نامگذاری نمود. فضاهای سرپوشیده در حد فاصل فضاهای باز و بسته، فضاهایی هستند که حضورشان ارتباط تازه‌ای را با طبیعت، نور و اقلیم، باعث شده و امکانات متفاوتی را برای فعالیت‌های اهل خانه و معاشرت‌های آنان فراهم آورده است.

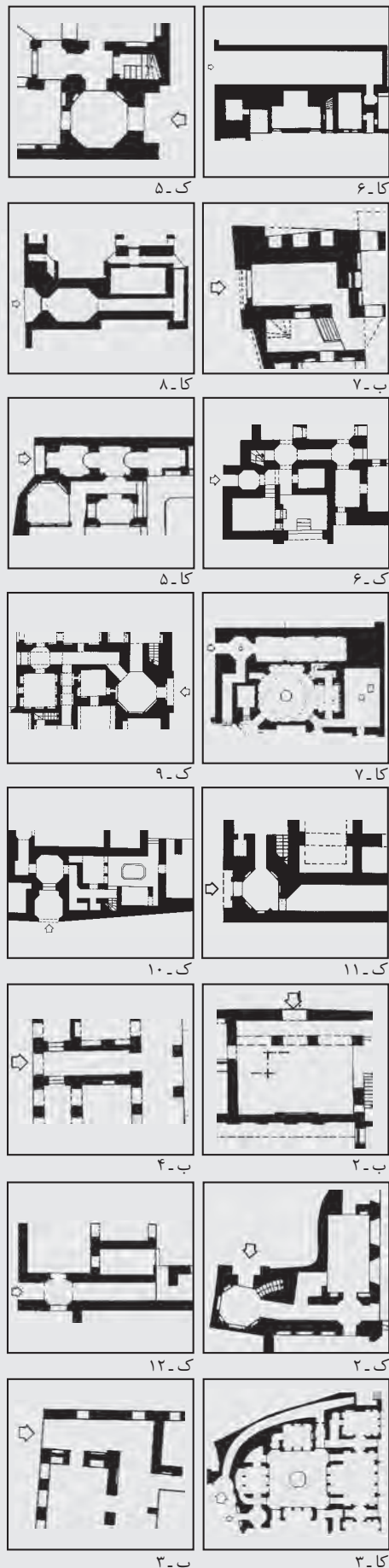
این ویژگی، یعنی ارتباط با واسطه فضاها در خانه‌های ایرانی، آگاهی ما را به وجود رابطه متقابل بین شیوه زندگی و سازمان فضایی افزایش می‌دهد. ویژگی اصلی شیوه زندگی آن دوران را می‌توان در حریم‌داشتن هر فعالیت از زندگی مشخص نمود. وجود فضاهای سرپوشیده، همانند فضاهای حریم در حد فاصل فضاهای باز و بسته باعث می‌شوند تا از درهم‌شدن و تداخل فضاها جلوگیری شود و از طرف دیگر اتصال فضایی متناسب با شیوه زندگی برای ترکیب فضاها به وجود آید.

(تصویر ۵-۳۶) توالی فضایی باز، سرپوشیده و بسته



(ه-۹)

(ش-۸)



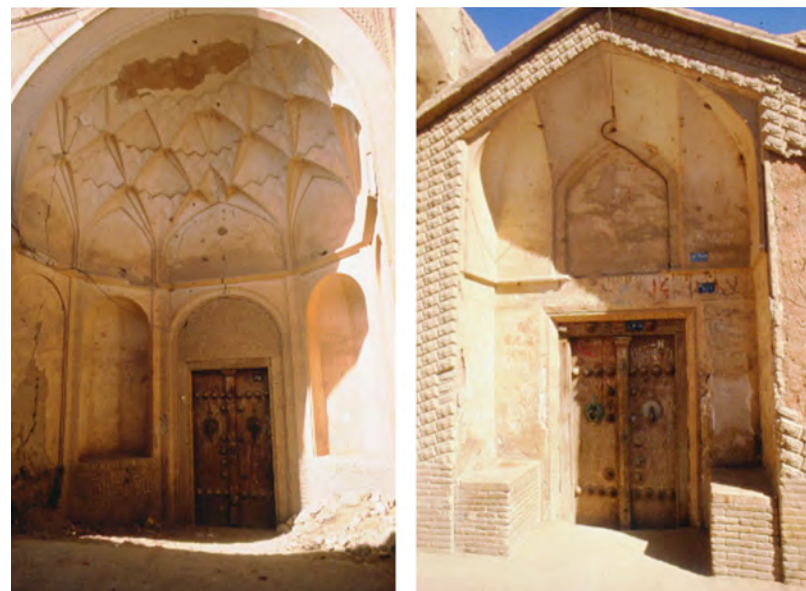
الگوی ورودی و سردر

سردر ورودی خانه‌های تاریخی یک فضای اتصالی - انتقالی هستند که معبر را به درون خانه متصل می‌کنند. دیوار خانه به نحوی دو طرف در ورودی را در بر می‌گیرد که فرد در حال انتظار می‌تواند از جریان تردد اصلی درون کوچه کناره گیرد. سایه مختصری ایجاد شود و باران و برف در مقابل در ورودی بر سر مراجعه‌کنندگان فرود نیاید. الگوی «درگاه» این چنین شکل می‌گیرد. به علاوه در قسمت فرورفتگی، دو سکو قرار دارد که در اکثر نقاط ایران بدان‌ها «پیرنشین» می‌گویند.

بدین ترتیب، می‌توان در کنار در ورودی استراحت کرد و بدون اینکه به خانه داخل شد در پناه سردر، اندکی توقف کرد. در بالای سردر، قوس‌های مرتفع و یک پیشانی تزئین شده وجود دارد که معمولاً با نامی از اسماء الهی یا آیه‌هایی از قرآن شریف یا کلامی و شعری خوشامدگو، مزین شده است. در هر شهری به فراخور هنر و صنعتی که در آن شهر رشد کرده، پیشانی درها مملو از کاشی‌کاری، آجرکاری، گچ‌کاری، مقرنس، قطاربندی و گره‌سازی است.

تمامی درهای ورودی خانه‌های بررسی شده ایرانی به صورت دولنگه از چوب ساخته و عمدتاً با فلز و گل‌میخ، تزئین می‌شدند. هر لنگه در، در فضای درگاه مختص به خود باز و بسته می‌شده و برای حریم سایر ورودی‌ها و مسیرها، مزاحمت ایجاد نمی‌کرده است. بر طبق قراردادهای اجتماعی بر هر لنگه در ورودی، دو نوع آلت فلزی تعبیه شده با چهره و اشکالی متفاوت که در اثر کوبیدن، یکی صدای بم و در اثر کوبیدن دیگری صدای زیر حاصل می‌شود. اگر کوبیدن در با صدای بم باشد، اهل خانه درمی‌یابند آنکه بر در می‌کوبد مرد است و اگر صدای زیر شنیده شود، قرارداد اجتماعی بر آن است که در پشت در، زن یا زنانی ایستاده‌اند.

(تصویر ۵-۳۸) سردر، کاشان



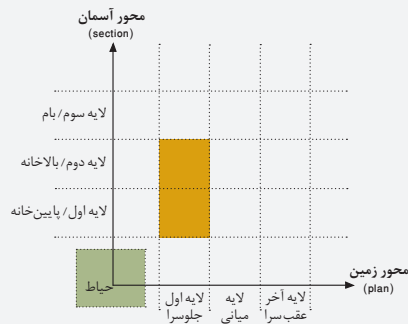
الگوی ایوان

معروف‌ترین فضای سرپوشیده، ایوان نام دارد. ایوان فضایی است که با ایجاد سایه و امکان ارتباط مستقیم چشم‌انداز با درخت و سبزی، امکان تجربه‌های متنوع‌تری را در مقایسه با فضاهای بسته و باز برای زندگی فراهم می‌کند.

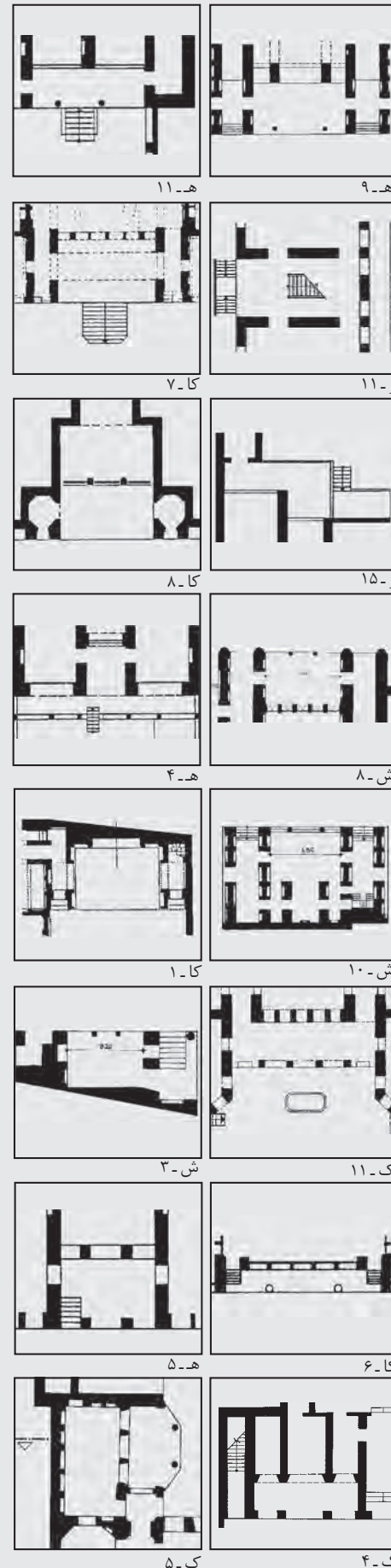
قدیمی‌ترین الگوی فضایی باقیمانده از نوع سرپوشیده در خانه‌های ایرانی که تا اوایل قرن بیستم، احداث آن از ملزومات خانه به حساب می‌آمد، ایوان است. ایوان، فضایی سرپوشیده و مستقل است با طاقی رفیع که برای مجموعه‌ای از فعالیت‌های زندگی در نظر گرفته شده است.

یک طرف ایوان، باز و مشرف به حیاط است و دو طرف دیگر نیمه‌بسته و ضلع چهارم بسته است. ضلع بسته معمولاً به اتاق‌های شاه‌نشین (متعلق به قلمرو عمومی) راه دارد که با باز شدن در - پنجره‌های این اتاق، فضای شاه‌نشین با ایوان ترکیب می‌شود و امکان تحقق فعالیت‌های گسترده را فراهم می‌کند. دو ضلع دیگر به توسط حریم‌های عبوری و طاق‌نماها به فضاهای دیگر مربوط می‌شود. در برخی از نمونه‌های بررسی شده، ایوان، در بالاخانه مستقر شده است و سازمان فضایی مستقلی را به خود اختصاص داده است.

(تصویر ۵-۴۱) الگوی ایوان در خانه‌های تاریخی



(تصویر ۵-۴۲) ایوان در بالاخانه، خانه عباسیان - کاشان



الگوی دستگاہ سر پوشیده

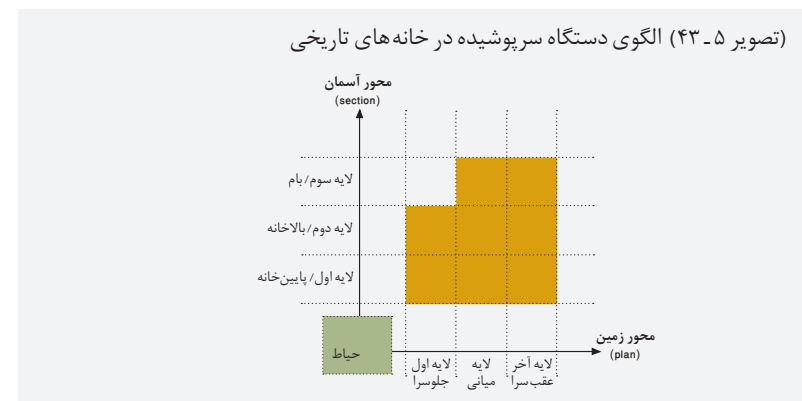
در درون فضای سر پوشیده حرکت می‌کنیم، پویایی و غنای فضایی را بسیار افزایش داده است. واژه دستگاہ که به مایه‌های مستقل موسیقی ایران اطلاق می‌شود در معماری نیز نشانگر استقلال یکی از بناهای متشکل از انواع فضاهای سر پوشیده است.

الگوی حوضخانه

در نمونه‌هایی از خانه‌های ایرانی، دستگاہ سر پوشیده گاه از طریق استقرار یک حوض در زیر گنبدخانه، ویژگی‌های دیگری را علاوه بر آنچه گفته شد چون خنکی، رطوبت و انعکاس تصاویری متنوع ایجاد می‌کند. در این حالت مجموعه این فضاها را حوضخانه می‌نامند.

در اینجا، حوض در معماری ایران، شیوه‌ای انعطاف‌پذیر جهت استقرار آب در درون فضاهای مختلف است. پژوهش‌ها سه نمونه حضور آب در بالاخانه، در سطح حیاط و زیرزمین را نشان می‌دهند.

در برخی از خانه‌های ایرانی گاه یک جبهه از خانه به فضاهای سر پوشیده اختصاص می‌یافته است. در این حالت بر اساس بسط و تنوع ایوان‌ها، انواع معماری بر اساس موضوع فضای سر پوشیده ساخته شده است. دستگاہ سر پوشیده شامل انواع پیشانی‌ها، ایوان‌ها، گنبدخانه‌ها و حیاط‌های کوچک نیمه‌مسقف می‌باشد. حضور طیف‌های متنوع نور و حرکت‌های باد و تنوع چشم‌اندازها و سایه‌روشن‌ها آنگاه که



(تصویر ۵-۴۴) دستگاہ سر پوشیده خانه بروجردی‌ها (کا-۱۵)



(تصویر ۵-۴۵) حوضخانه در خانه‌های تاریخی



حوضخانه خانه اصفهانیان (کا-۱۴)، هم سطح با حیاط

حوضخانه خانه بنی کاظمی (کا-۷)، در زیرزمین

حوضخانه خانه سعادت در بالاخانه، کاشان

الگوی کرباس

نوع دیگر فضاهای سرپوشیده، پیشخوان و پیش‌ورودی اتاق‌ها و تالارهاست. نام این فضا در مناطق مرکزی و جنوبی ایران با تلفظ‌های مختلف «کلیاس» و «کریاس» است. کرباس فضایی است سرپوشیده که به حیاط و فضای باز بیرون اشراف دارد. مکان استقرار این فضا نیز، در مناطق مختلف کشور گاه در پایین‌خانه و گاه در بالاخانه می‌باشد.

حریم‌های عبوری هر اتاق در این پاگردها در نظر گرفته شده‌اند و به همین علت داخل هر اتاق یا تالار به تمامی مورد استفاده قرار می‌گیرد و رفت‌وآمد و آرامش فضای درون اتاق به خوبی تأمین می‌شود.

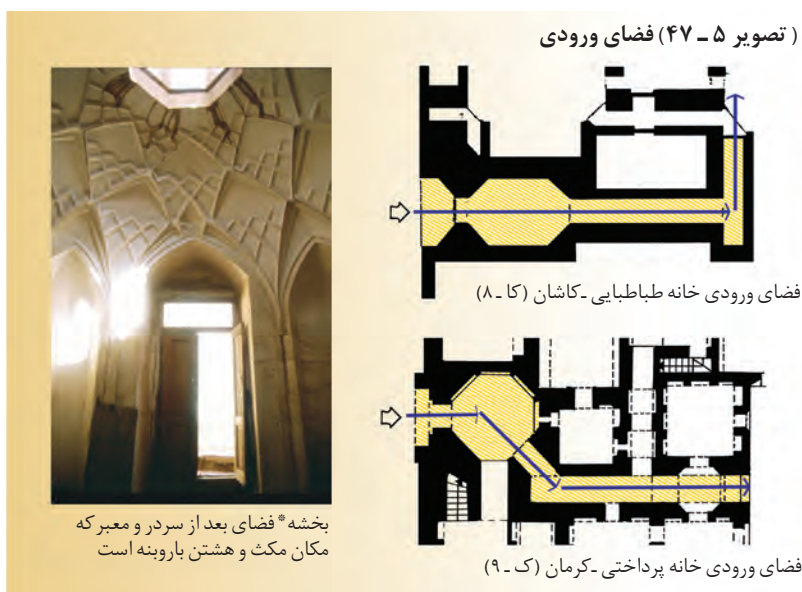
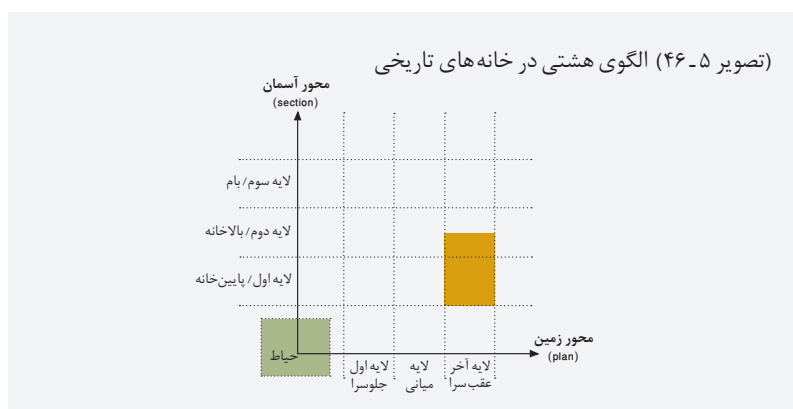
الگوی هشتی

دره‌های خانه‌های ایرانی از بامداد که باز می‌شوند، تقریباً تا آخر شب می‌توانند باز بمانند، چرا که از کوچه و از چشم‌انداز فضای ورودی، درون خانه محفوظ است، اما ارتباطی صوتی و آمدوشدی بین کوچه و درون خانه برقرار می‌باشد. بعد از عبور از سردر، در بدو ورود به خانه، یا به فضایی با امکان مکث می‌گذاریم، فضای ورودی که در مقایسه با فضای معبر، کم‌نورتر و خنک‌تر است، حالتی خوش‌آمدگو و آرامش‌بخش دارد و در صورت نیاز، امکان اقامت و گفت‌وگوی دو سه نفره نیز در آن فراهم است. این فضای ورودی داخل خانه حس یک اتاق را دارد و فضایی مستقل و کامل است و معمولاً شکل آن مربع، مستطیل یا هشت‌گوش است. کف آن اغلب دارای طرح و نقش است و نسبت به فضای درگاه در ارتفاع متفاوتی قرار می‌گیرد و نور آن از نورگیری که در سقف تعبیه شده، تأمین می‌شود. گرداگرد این فضاها بدنه قرار می‌گیرد. در اغلب این بدنه‌ها طاقچه‌هایی تعبیه شده که می‌توان بر روی آنها نشست یا وسایل را بر روی آن قرار داد. و از طریق این طاقچه‌ها، بدنه این فضا جان می‌یابد.

در بسیاری از شهرهای ایران به فضای ورودی «هشتی» می‌گویند. هشتی از مصدر هشتن به معنای گذاردن است. هشتی اولین فضایی از خانه ایرانی است که بدان وارد می‌شویم و می‌توانیم خستگی و بارمان را به زمین بگذاریم، استراحت کنیم تا معلوم شود به کدام فضا برویم یا چه کسی به سراغمان خواهد آمد؛ و ممکن است مدتی خودمان یا بارمان در آنجا بمانیم. فضای هشتی الگوی رفت‌وآمد به درون خانه را تنظیم می‌کند.

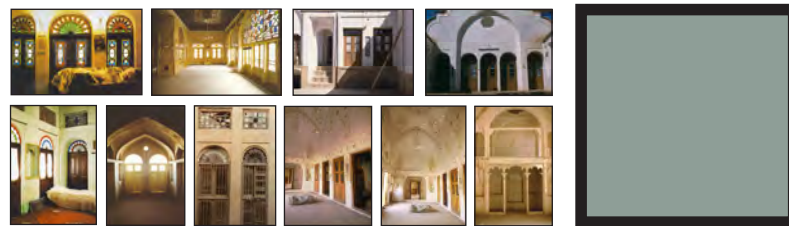
در درون هر هشتی یک یا چند راه، یک یا چند در وجود دارد. یک راه به بالاخانه می‌رود و از طریق راه‌پله و راهروها به اتاق‌های گوشوار و مهتابی می‌رسد. بالاخانه معادل طبقه دوم عمارت است، این راه برای کسانی است که قرار نیست به درون خانه و به حیاط‌ها داخل شوند. یک راه هم به حیاط می‌رسد. اگر در درون هشتی ایستاده باشیم و همه دره‌های مستقر در دیوارهای پیرامون هشتی بسته باشند از

این درها یکی به ورودی خانه مربوط است که از سایر درها بزرگتر است و یکی به بالاخانه و یکی به دستگاه میهمانان خاص و یکی به پشت بام که با مسیر رفتن به بالاخانه می‌تواند مشترک باشد و تنها دالان است که به حیاط منتهی می‌شود و فاقد در است.



* Spatial Sequences

الگوهای فضاهای بسته



فضای بسته یکی از انواع فضاهای موجود در معماری ایران است. پژوهش معماری در دوره پیش از اسلام هم مؤید حضور سه‌گونه فضای باز، بسته و پوشیده به طور همزمان و هم‌مکان می‌باشد. فضای بسته به اتفاق فضای باز و پوشیده معنا و کارکرد پیدا می‌کرده و این وضعیت در معماری دوره اسلامی نیز ادامه داشته است. هر سه عنصر سقف، کف، دیوار و تمامی اجزای در، در-پنجره و روزن برای شکل‌گیری فضاهای بسته مورد استفاده قرار می‌گرفته است. فضاهای بسته طیف‌های متنوعی دارد و با توجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری نام‌های گوناگون بدان‌ها اطلاق می‌شود.

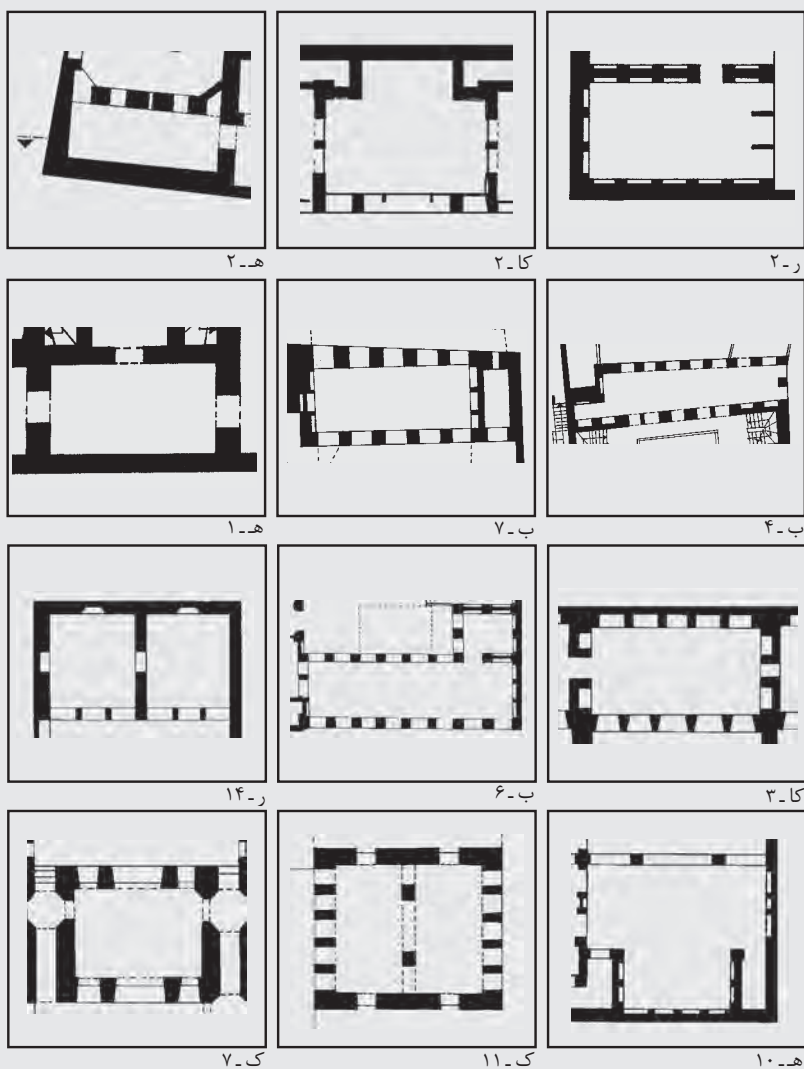
الگوی زیرزمین

در سازمان فضایی خانه‌های تاریخی، شبکه محورهای آسمان و زمین، محل استقرار جزء فضاهای بالاتر از حیاط را مشخص می‌کنند. سازمان فضایی خانه‌های تاریخی هم‌زمان و هم‌مکان، به منظور صرفه‌جویی انرژی از طریق تنیدن در محیط و یگانه شدن با طبیعت، «محور زیرزمین» را جهت بسط فضایی مورد بهره‌وری قرار داده و جزء فضاهای زیرزمین، در زیر لایه‌های فضایی پیرامون حیاط شامل پایین‌خانه و بالاخانه مستقر شده‌اند.

زیرزمین در زیر پایین‌خانه قرار دارد و نور و هوای مورد نیاز خود را از حیاط تأمین می‌کند. زیرزمین در شش شهر مورد بررسی، بخشی از سازمان فضایی خانه‌های تاریخی را تشکیل داده و در دو شهر همدان و کاشان، این فضا به ترتیب، سیزان (seyzân) و سرداب (sardâb) خوانده می‌شده است. توجه به این نکته ضروریست که زیرزمین با در نظر گرفتن مختصات شبکه فضایی سرزمین در هر شهر محاسبه و احداث شده است. برای احداث زیرزمین موارد زیر در نظر گرفته می‌شده است:

- ابعاد قطعه زمین؛
- شیب زمین؛
- بهره‌وری از الگوی حیاط در خاک؛
- جنس خاک برای تأمین درجه حرارت‌های متنوع و مطبوع؛
- نزدیکی به آب‌های جاری زیرزمینی (مسیر قنات‌ها)؛
- برقراری ارتباط با حیاط (نور و تهویه)؛
- بارگذاری‌های طبقه‌های فوقانی؛

(تصویر ۵-۴۸) گونه شناسی انواع فضاهای بسته



- ارتباط با همسایگان از راه‌های زیرزمین و با بیرون خانه؛
- در نظر گرفتن شرایط بسط فضایی زیرزمین‌ها؛
- کمیت و کیفیت سه‌بعدی فضای زیرزمین؛
- جهات تابش آفتاب؛
- جاداری و گنجایش بر حسب نیاز خانواده
- تأمین قلمروهای خصوصی تر و عمومی تر و فضاهای بینابینی.

در احداث خانه‌های تاریخی با هر مساحت از کوچکی و بزرگی، شبکه سه محوری زمین، آسمان و زیرزمین ملاک طراحی سازمان فضایی و استقرار جزء‌فضاها بوده‌اند. الگوی مستقر نمودن حیاط در طراز معناداری پایین تر از سطح معبر (حدود ۶ متر) امکانات گسترده‌ای را در اختیار معمار خانه‌های تاریخی قرار می‌داده است. برای تحقق این الگو - مستقر نمودن حیاط در عمق زمین - می‌بایست به میزان قابل توجهی خاک برداری شود. این خاک به عنوان مصالح مورد نیاز همان کارگاه و تسطیح معبر مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در این حالت بنا و خاک ترکیب تنیده‌تری را تشکیل می‌دادند و همین امر شرایط را برای هم‌خوانی بنا با حرکت‌های زمین فراهم می‌کرده است. نیروهای ناشی از نشست ساختمان در دل زمین نیز همه‌جانبه‌تر پذیرفته می‌شدند. درجه حرارت (دما) در این عمق از زمین، متناسب با تغییر دمای هوا در پیرامون خانه، از قابلیت کنترل بیشتری برخوردار بود. به تناسب طبقات (لایه‌های فضایی عمودی) بیشتر می‌توانستند از امکانات نوری، چشم‌اندازی و تهویه‌ای حیاط، استفاده کنند.

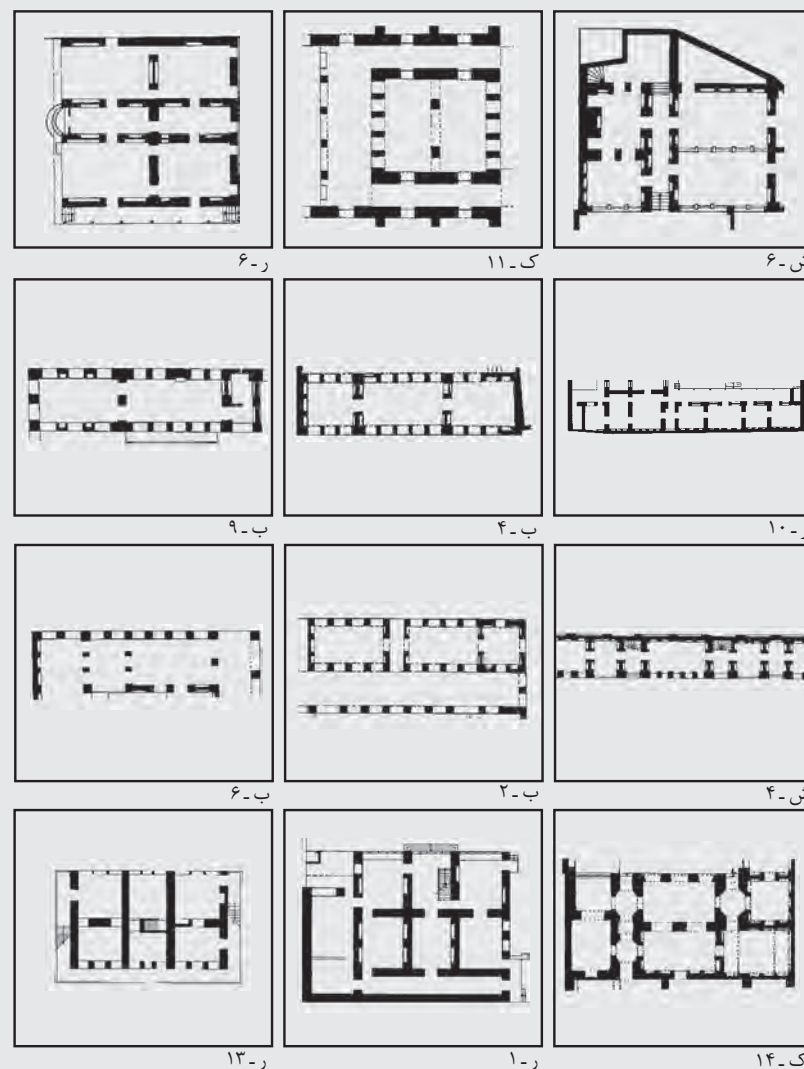
بر این اساس ترکیب الگوهای زیرزمین و حیاط‌های عمیق در شرایط کوچکی مساحت قطعه و واقع شدن آن در شیب، پاسخی مناسب برای طراحی سازمان فضایی خانه‌های تاریخی محسوب می‌شدند.

ارتفاع زیرزمین‌ها همانند فضاهای عمومی خانه‌های تاریخی (۵دری، ۷ دری، شاه‌نشین و تالار) بلندتر از حد اتاق‌های نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی بود و امکان تجمع گسترده‌تری از وقایع اجتماعی را برای اهل خانه فراهم می‌آورد.

زیرزمین‌ها، شرایط استقرار در لایه‌های جلوسرا، میانی، عقب‌سرا را دارا بوده و هر چه از حیاط فاصله می‌گرفتند از عمق بیشتری برخوردار می‌شدند. در بررسی خانه‌هایی که اکنون رویداده شده‌اند، گاه تا سه لایه که به تدریج از حیاط فاصله گرفته و عمق بیشتری یافته، مشخص شد که بر حسب درجه‌های مختلف گرما در خانه‌هایی که حیاط درون خاک دارند، به توالی و تدریج زندگی اهل خانه از صبح تا ظهر در حیاط و در لایه اول زیرزمین، از ظهر تا عصر و در اوج گرما در لایه‌های دوم و سوم زیرزمین سپری می‌شده است و بعد به تدریج در غروب و شب به حیاط منتقل می‌شده است.

تزیینات زیرزمین در یک طیف قابل بیان است. قسمت‌های اصلی و عمومی زیرزمین در خانه‌های بزرگ از گچکاری، نقاشی نقش‌ها، رنگ‌های متنوع و دریچه بادگیرها، گره‌سازی چوبی و کاشی برخوردار بوده است. برای تأمین روشنایی، هنگامی که نور

(تصویر ۵-۴۹) گونه شناسی انواع همجواری فضاهای بسته



انواع الگوهای اتاق

اتاق در خانه‌های ایرانی، فضایی است بسته و محصور که برای تأمین خلوت‌های خصوصی و برقراری روابط جمعی در نظر گرفته شده است. اتاق در خانه‌های تاریخی به مثابه یک سازمان فضایی مستقل شکل می‌گیرد که در نظام سازمان فضایی کل خانه و در ترکیب با سایر فضاها معنا داشته و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فضاهای پشتیبانی‌کننده که طیف متنوعی از پستو، دولاب و دولابچه را در بر می‌گیرد، بخشی از الگوی هر اتاق است. مسیر دسترسی به هر اتاق از طریق تعدادی پله در راهروها به صورت جداگانه تعریف می‌شود و استقلال سازمان فضایی اتاق را تحکیم می‌کند.

عناصر معماری به کار گرفته شده در تعریف حدود اتاق نیز، از سطوح صاف فراتر رفته و به توان سازمان فضایی اتاق و غنای آن می‌افزیند. دیوارها در اتاق‌های خانه‌های تاریخی یک سطح صاف جداکننده نیستند و بر حسب جایگاهشان در سازمان فضایی خانه و نقشی که در طیف فضای خصوصی تا عمومی دارند، از طریق درها در چندین جبهه اتاق، با فضاهای مجاور امکان ترکیب برایشان فراهم شده و برای اتاق‌هایی که در جلوسرا قرار گرفته‌اند یک جبهه از اتاق برای بسط نوری و چشم‌اندازی به حیاط در نظر گرفته شده است.

سطح دیوار در اتاق‌های خانه‌های تاریخی نیز، نسبت به شیوه زندگی بی تفاوت نبوده و طاقچه‌ها و رف‌ها به عنوان بخشی از الگوی دیوار در اتاق، فضایی را برای قرار گرفتن اشیای مورد نیاز و همچنین تأمین فضایی برای بهره‌گیری از اشیاء در آرایش اتاق فراهم کرده و این چنین دیوار اتاق‌ها جان یافته است.

اتاق‌ها در خانه ایرانی بر حسب قرارگیری در طیف قلمرو کاملاً خصوصی تا کاملاً عمومی، انواع گوناگونی داشته و بر این اساس در سازمان فضایی خانه در جایگاه‌های متفاوتی قرار می‌گرفته‌اند. در اینجا در حد فاصل قلمروهای کاملاً خصوصی تا کاملاً عمومی، چهار نوع اتاق معرفی می‌شود.

اتاق‌هایی که به عنوان قلمروهای خصوصی‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرند، اگر در پایین‌خانه باشند «پس‌اتاق» و اگر در بالاخانه باشند «گوشوار» نام دارند. در پشت اتاق‌های مشرف به حیاط در پایین‌خانه، اتاقی که از چشم‌انداز و رفت‌وآمد کمتری برخوردار است، پس‌اتاق نامیده می‌شود. پس‌اتاق ضمن برخورداری از خلوت و نور غیر مستقیم، امکان ترکیب با یک اتاق متعلق به قلمرو نیمه‌عمومی و فضاهای سرپوشیده مانند حوضخانه را داراست. گوشوار، اتاقی است که اگر چه به حیاط مشرف است ولی به سبب واقع‌شدن در بالاخانه عمارت، در معرض رفت‌وآمد عمومی خانه قرار ندارد.

نوع دوم اتاق‌هایی هستند که در اختیار قلمرو نیمه‌خصوصی قرار دارند و عمدتاً در پایین‌خانه واقع شده‌اند. اتاق‌های سه‌دري نمونه‌ای از این گروه هستند. در برخی موارد، خاصه اتاق‌های آفتاب‌گیر زمستانی که هم‌اندازه با سه‌دري‌ها هستند، دو در-پنجره دارند. در میان دو در-پنجره یک چراغگاه تعبیه شده که شامگهان با قرار

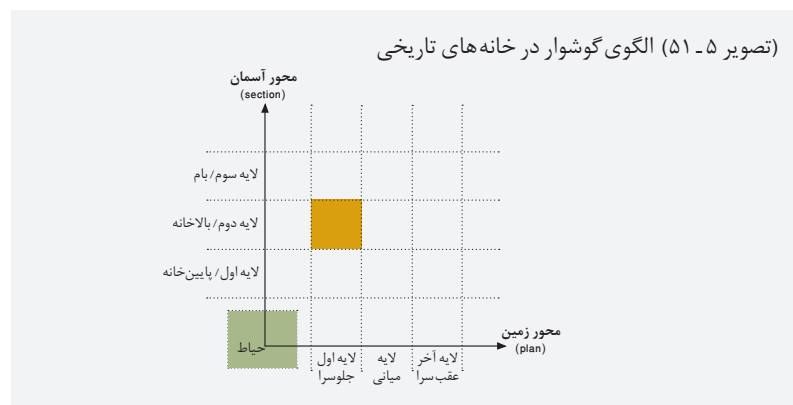
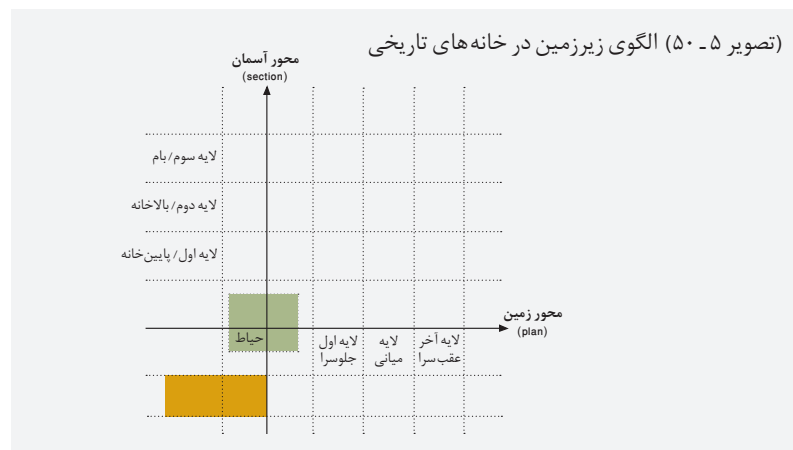
کم بوده، روکار زیرزمین سفید می‌شده است. در مواقعی که مقاومت خاک اجازه می‌داده، تزیینات روی خاک مستقر بر سازه‌کننده شده و سازه به طور طبیعی از دل خاک بیرون می‌آمده است. واژه «کند» که برای معماری‌های صخره‌ای و حفره‌ای ایران مانند روستایی میمند و ... استفاده می‌شود در اینجا نمادی از کنده‌کاری روی خاک و کنده شدن خاک است.

احداث زیرزمین باعث می‌شده تا:

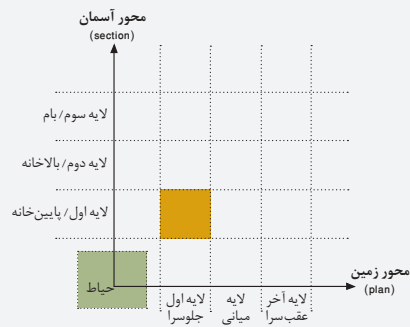
– آگاهی از ویژگی‌های خاک و زیرزمینی که بنا بر آن مستقر است افزایش یابد، تا آنجا که فاصله آب‌های جاری زیر زمین (کوره و قنوات) محاسبه می‌شده و امکان دسترسی به آن به شیوه‌ای معمارانه تأمین می‌شده است؛

– بدون استفاده از انرژی‌های غیرقابل جبران، خنکی مورد نیاز تأمین شود؛

– فضای زیرزمین بر حسب حجم (مترمکعب) با مساحت قطعه زمین، شیب و نیاز صاحب‌خانه رابطه مستقیم داشته و از این رو فضاهای مفیدی جهت استفاده و انبار کردن در زیرزمین تأمین می‌شده است.



تصویر ۵-۵۳) الگوی سه دری در خانه های تاریخی



پلان خانه آل یاسین، کاشان (ک-۳) - بسط فضایی سه دری

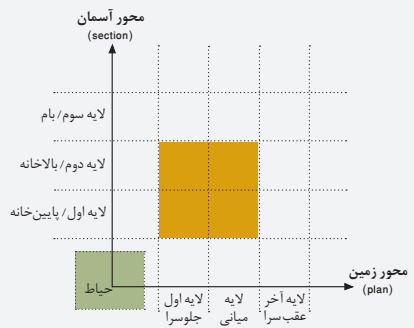


دادن یک منبع نور، هم داخل اتاق و هم حیاط روشن می شود. در اغلب موارد، سه دری ها در دو سوی فضایی عمومی تر (نیمه عمومی یا عمومی) و بزرگتر واقع می شوند و راهروها میان این دو فضا به عنوان یک حریم بینابینی عمل می کنند. درب ورودی به این اتاق ها در مقابل یکدیگر قرار دارند و در مواقع برگزاری مراسم بزرگ، امکان ترکیب این فضا با فضای مرکزی وجود دارد. در لایه عقب سرا پس از اتاق سه دری، پس اتاق یا پستو قرار می گیرد.

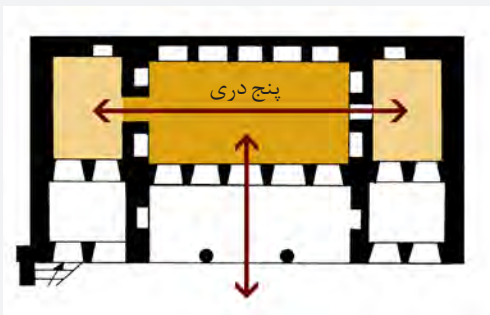
نوع سوم و چهارم، اتاق هایی هستند که به طیف قلمرو نیمه عمومی تا عمومی تعلق دارند. پنج دری ها در این زمره اند. ارتفاع سقف فضاهای بسته متعلق به قلمرو نیمه عمومی بلندتر از اتاق های گوشوار و سه دری است و به لحاظ مساحت نیز از آن ها بزرگتر هستند. نوع چهارم فضاهای بسته، اتاق های «شاه نشین» یا تالار هستند و ارتفاع سقف آنها به اندازه مجموع ارتفاع فضاهای پایین خانه و بالاخانه است. سطح این اتاق ها نیز بزرگتر از پنج دری است. مقیاس اتاق در خانه های ایرانی تعداد در - پنجره هایی است که به حیاط گشوده می شوند. اتاق های دودری، سه دری، پنج دری و هفت دری. اتاق های دودری اتاق های خصوصی می باشند و سه دری برای نشیمن خانواده و پنج دری برای پذیرایی و میهمانی.

اتاق های بزرگتر، معمولاً طاقی مرتفع تر دارند. اتاق های مرتفع یا شاه نشین ها از طریق درگاه های میانی با اتاق های کوچکتر و در ارتفاع با اتاق های گوشوار ارتباط دارند.

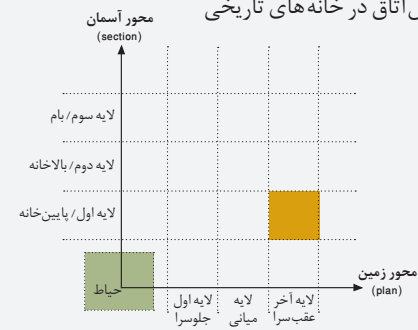
تصویر ۵-۵۴) الگوی پنج دری در خانه های تاریخی



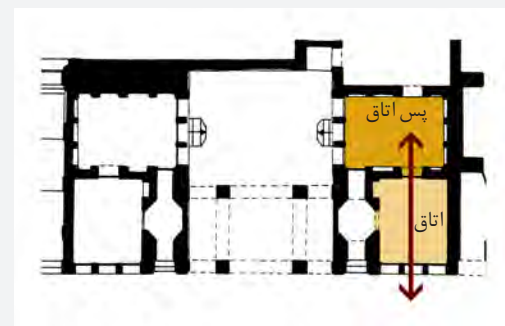
پلان خانه عاطفی نژاد، کرمان (ک-۳) - بسط فضایی پنج دری به اتاق های دودری در اطراف



تصویر ۵-۵۲) الگوی پس اتاق در خانه های تاریخی



بسط فضایی اتاق و پس اتاق - پلان خانه عطرها، کاشان (ک-۲)



معیارهای سازمان‌یابی فضا در خانه‌های تاریخی

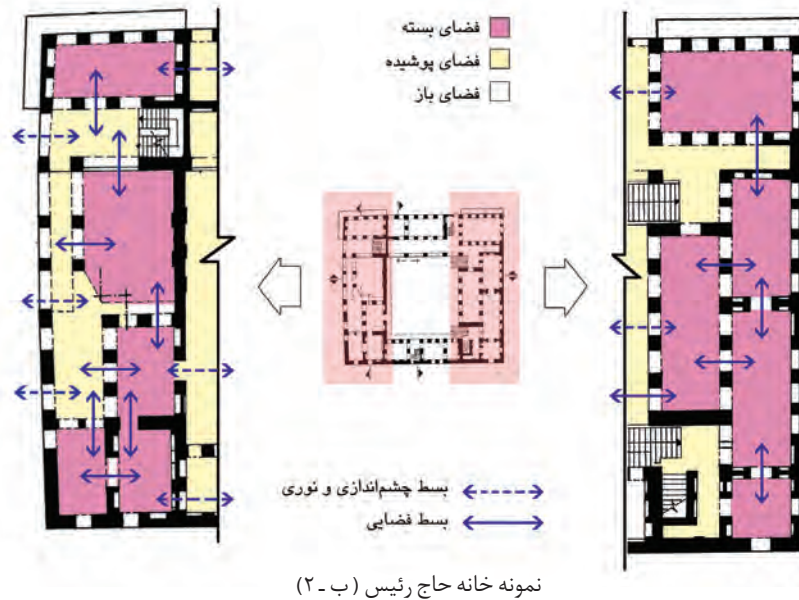
در سازمان فضایی خانه‌های تاریخی، شکل‌گیری هر جزء از فضاهای این خانه‌ها به شیوه‌ای چندجانبه به شکل‌گیری اجزای دیگر از فضاها، مرتبط است. نه تنها انواع فضاهای باز، بسته و پوشیده مرتبط با هم شکل می‌گیرند، همدیگر را تعریف می‌کنند، با هم ترکیب می‌شوند و توان‌های یکدیگر را در بسط فضایی تقویت می‌کنند، بلکه انواع جزء فضاهای متعلق به گونه‌های پوشیده، باز و بسته نیز در ارتباط با هم سازمان می‌یابند.

بدین ترتیب، سازماندهی فضا در خانه‌های تاریخی، ارتباط چندجانبه فضاها با یکدیگر است. بر اساس چنین شیوه‌ای از تعریف و ترکیب فضا، امکان تجربه‌های گوناگون برای حضور آدمی فراهم می‌شده است. در این خانه‌ها، تجربه‌های متنوع فضایی آدمی بسط می‌یافته است و بسط آدمی به تحقق احساس آزادی، تفکر و خلاقیت منجر می‌شده است.

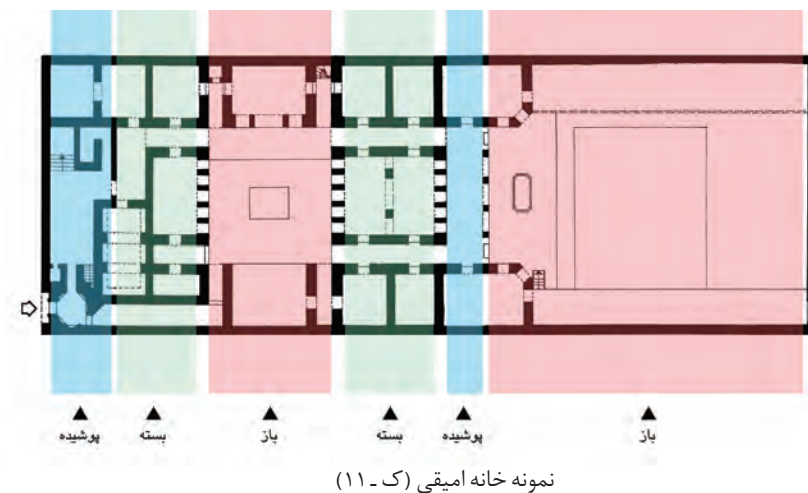
سازمان فضایی خانه‌های ایرانی در برابر نیازمندی‌ها و دگرگونی‌های شیوه زندگی بسیار انعطاف‌پذیر است. هیچ فضایی در این خانه‌ها در خود تمام‌شده و مسدود نیست. هر فضایی در عین استقلال، امکان ترکیب با پیرامون خود را دارد. دو فضای مستقل مانند سهدری و پس‌اتاق می‌توانند یک فضای بزرگتر را برای فعالیت‌ها و تجمع بزرگتری تشکیل دهند یا چند فضای مستقل مانند دودری‌ها، شاه‌نشین و گوشوارها، می‌توانند یک فضای خیلی بزرگ را شکل دهند و دست آخر حوضخانه و اتاق‌ها و حیاط و شاه‌نشین می‌توانند با هم ترکیب شوند و حداکثر گنجایش فضایی خانه را به نمایش درآورند و برای استفاده آماده سازند. بدین ترتیب، همه قسمت‌ها و فضاهای متعلق به قلمرو خصوصی می‌توانند با قلمرو عمومی ترکیب شوند. از طریق وجود درگاه‌های میانی تعبیه شده بین این فضاها و حریم‌های عبوری یا آویزان کردن پرده‌های سراسری و یا گشودن ارسی‌ها و در - پنجره‌ها، فضاهای مستقل خصوصی با فضاهای عمومی ترکیب می‌شوند. در ادبیات و فرهنگ واژگان معماری، این شیوه از استقلال و در هم شدن فضاها، نمایانگر توانایی سازمان فضایی هر بنا در انعطاف‌پذیری محسوب می‌شود.

استوارترین ضابطه جهت سازماندهی فضاهای خانه‌های تاریخی، در شش شهر مورد بررسی، در نظر گرفتن همزمان بیرون و درون می‌باشد. بر اساس تجربه، دانش و ذهن معمار ایرانی، در نظر گرفتن فضای بسته بدون فضاهای باز و پوشیده ممکن نبوده است. در این ضابطه، که بدون استثنا در تمامی خانه‌های تاریخی توسط این معماران رعایت شده، سازمان‌یابی توأمان فضاهای باز، پوشیده و بسته مد نظر بوده است. در این رابطه فضاهای پوشیده در حد فاصل این دو گونه فضا، نقش مفصل و اتصال را بر عهده داشته‌اند. بدین ترتیب، برای معماران آن دوران فرقی نمی‌کرده که خانه‌ای که می‌سازند در یک قطعه زمین بزرگ قرار دارد یا یک قطعه کوچک. تعداد اتاق و انواع جزء‌فضاها می‌بایست به طور متقابل با در نظر گرفتن جبهه‌های

(تصویر ۵-۵۵) انعطاف‌پذیری: امکان ترکیب فضاهای باز، پوشیده و بسته



(تصویر ۵-۵۶) تعریف و ترکیب انواع فضاهای باز، پوشیده و بسته در خانه‌های تاریخی



اطراف حیاط‌ها طراحی شوند. به همین علت، رفتار معماری با حیاط به عنوان یک الگو، از فضاهای باز در خانه‌های تاریخی، هم‌تراز با همان رفتاری بوده که برای طراحی فضاهای بسته (اتاق‌ها) صورت می‌گرفته است. در این صورت، حیاط از نقطه‌نظر سازمان فضایی خانه‌های تاریخی، یک اتاق بدون سقف است. چنین تصویری از فضا درباره حیاط‌های خانه‌های معاصر کاملاً دگرگون شده است.

در مقیاس شهر نیز، مشابه همین شیوه از سازمان‌یابی فضا در خانه‌های تاریخی، صورت می‌گرفته است. انواع واشدگاه‌ها، فتاحه‌ها، معابر و میادین بر اساس بناهای پیرامونشان شکل می‌گرفته‌اند. به عبارت دیگر، هر فضای شهری - حتی اگر در طی سال‌ها یا دهه‌های بعد ساخته می‌شده است - در ابتدا یک بدنه آن ساخته می‌شده، محدوده، ارتفاع و سیمای بدنه‌های بعدی با رعایت شکل‌گیری یک فضای باز تعریف شده شهر، انجام می‌گرفته است. بدین ترتیب، اصل اساسی سازمان‌یابی فضا در مقیاس خرد و کلان یکسان بوده و بر اساس همین اصل، معماری و شهرسازی از وحدت و هماهنگی برخوردار بوده‌اند. بدین ترتیب در خانه‌های ایرانی، سازمان فضایی از یک یا دو اتاق سرباز (حیاط) و چند اتاق سربسته و چند اتاق بدون دیوار تشکیل می‌شده است. ایوان را نیز در این مقوله‌بندی انواع اتاق‌ها، می‌توان همانند یک اتاق در نظر گرفت که نسبت به اتاق‌های سربسته، عمدتاً کف و سقف دارد و از بدنه‌های کمتری برخوردار است. در این خانه‌ها، فضاهای بسته، فضاهای باز را در بر می‌گیرند و تعریف می‌کنند و فضاهای باز نیز، به وسیله فضاهای بسته و پوشیده تعریف شده‌اند و مسئله عمده برای معماری این خانه‌ها، در نظر گرفتن همزمان ترکیبی طراحی شده از این سه‌گونه «اتاق» در یک خانه بوده است.

قدیمی‌ترین، معتبرترین و ماندگارترین الگوی رایج سازمان‌یابی فضا در این خانه‌ها، الگوی «اتاق + ایوان + حیاط» است. در این الگو، از نقطه‌نظرهای آسایشی، اقلیمی، اشراف و انواع قلمروهای عمومی و خصوصی، سه‌گونه کیفیت فضایی متفاوت وجود دارند، که به صورت کامل و بسط‌دهنده یکدیگر طراحی شده‌اند. هر سه نوع فضا، قابل استفاده و قابل زندگی هستند و می‌توانند هم به صورت مجزا و هم به صورت ترکیب‌شده، مورد استفاده قرار گیرند.

همچنان‌که پیش از این اشاره شد طراحی این خانه‌ها، هم شیوه زندگی در گسترده‌ترین ابعاد آن و هم سازمان فضایی از کوچکترین تا بزرگترین مقیاس آن، هر دو را با هم، هم‌زمان و هم‌مکان شامل می‌شده است.

ضابطه دیگری که هم‌تراز با ضابطه پیشین در سازماندهی فضایی این خانه‌ها وجود دارد عبارت است از: حضور یک شبکه سه‌بعدی نامرئی، حاکم بر تمامی فضاهای خرد و کلان. شیوه زندگی نیز بر اساس طیف گسترده‌ای از تمامی فعالیت‌های آدمی از فکر کردن و تماشای گل و گیاه گرفته تا برگزاری مراسم پرجمعیت در حد فاصل دو قطب حریم عمومی و حریم خصوصی، تحقق می‌یافته است.

قلمرو عمومی، شامل فضاهایی مانند شاه‌نشین، پنج‌دروی و تالار و با امکان برگزاری فعالیت‌هایی مانند میهمانی، عزاداری و برگزاری جشن‌های مختلف است.

قلمرو حد فاصل، یا خانوادگی شامل فضاهایی مانند حیاط، اتاق دستی و حوضخانه می‌باشد. در آنها فعالیت‌هایی مانند جمع‌شدن خانواده با هم و با تعداد اندکی از دوستان و بستگان نزدیک و همچنین کارهای خانه و شخصی، انجام می‌گیرد. قلمرو خصوصی، شامل فضاهایی مانند پس‌اتاق، دودری و پس‌سرداب می‌باشد، با فعالیت‌هایی مانند خلوت، استراحت، خواب، مطالعه و حضور یک یا دو نفر در فضا. خانه‌های ایرانی ساخته‌شده تا پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی، انعکاس فضایی مفهوم درون بودند. درون در مقابل بیرون خانه، شهر و بیرون شهر. درون یعنی قلمرو خصوصی و قلمرو کاملاً خصوصی اعضای خانواده. درون یعنی امکان تأمین خلوت برای یک نفر و بیشتر. خانه ایرانی مکانی بود که در آن می‌توانستیم آرامش از دست‌رفته در طول روز را بازیابیم و خود را برای بازگشتن خلاق به جامعه آماده سازیم. خانه خلوتی را مهیا می‌کرد که در آن دیدار خانواده در مطلوب‌ترین حالت

خود میسر می‌شد.

تأثیر این دو بر هم یعنی شبکه سه‌بعدی فضایی و حریم‌های عمومی و خصوصی که ناملموس و نامرئی هستند به صورت ترکیب لایه‌های فضایی افقی و عمودی ملموس و مرئی شده است. به نحوی که یک فضای توانا با بیشترین قابلیت ترکیب و بسط، مانند حیاط یا حوض‌خانه یا شاه‌نشین در مرکز و لایه‌های فضایی بر حسب موقعیت زمین و استقرار بنا در اطراف این فضا قرار می‌گرفتند. به این ترتیب معماری ایران بیشتر معماری مقاطع و شبکه‌های فضایی است.

مثلاً حیاط به عنوان یک نمونه فضای باز محصور از چهارطرف با قابلیت ترکیب و بسط از چهارسو با امکان در بر گرفتن انواع فعالیت‌های روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه اعضای خانواده، در مرکز شبکه سه‌بعدی قرار می‌گرفته است. اولین لایه فضایی به جلوسرا معروف است. پس از این لایه، هر چه از حیاط در محور

(تصویر ۵-۵۷) قلمرو عمومی و خصوصی در خانه ایرانی - نمونه خانه عطرها (کا-۲) پیش از ۱۳۰۰



افقی فاصله می‌گیریم، لایه‌های دیگری قرار دارند که به عقب‌سرا معروف هستند. چهارلایه فضایی نیز در محور عمودی به موازات کف حیاط و بر گرد آن قرار دارند. لایه فضایی که پایین‌تر از کف حیاط است سرداب (زیرزمین) و لایه‌های بالاتر به ترتیب پایین‌خانه، بالاخانه و بام، نام داشتند. این لایه‌ها نیز، در درون شبکه سه‌بعدی نامرئی جای گرفته و با باز و بسته شدن، پایین و بالاشدن، جلو و عقب‌رفتن سطوحی که صفحه‌های این شبکه سه‌بعدی را تشکیل می‌دهند، انواع فضاهای کوچک و بزرگ را برای انواع مصارف و جلوه‌های زندگی شکل می‌دادند. بدین ترتیب، ادراک سازمان فضایی و شیوه طراحی معماری خانه‌های ایرانی برای اهل فن، جز از طریق شناخت مقاطع و شبکه فضایی، و برای همگان جز از طریق حضور، قابل حصول نیست.

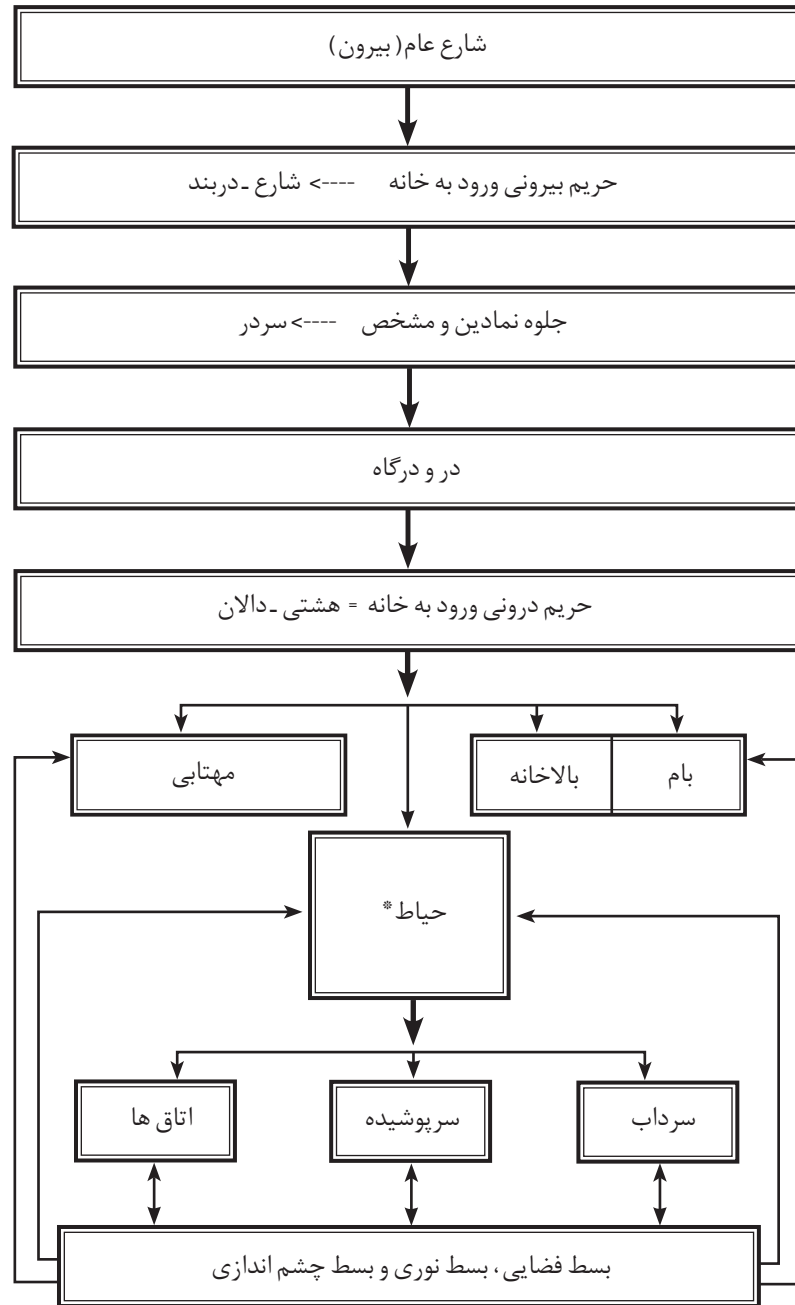
در این خانه‌ها هر سه عنصر پوششی یعنی کف، دیوار و سقف از توان‌های نهفته در فضا، یعنی انواع بسط‌های فضایی، چشم‌اندازی و نوری بر حسب موقعیت و شرایط استفاده می‌کنند. به علاوه هر سه گونه فضای باز، بسته و پوشیده با توجه به الگوهای طراحی متنوع، انواع فضاهای مناسب برای قلمروهای عمومی، بینابینی و خصوصی را فراهم می‌آورند.

خانه ایرانی را به یکباره نمی‌توان مشاهده کرد، فضاهای سازمان‌یافته در این خانه‌ها در یک تصویر قابل رؤیت نیستند. می‌بایست حتماً به خانه وارد شد، در درون آن چرخید و به طور متوالی به فضاهای مختلف و متنوع آن دسترسی پیدا کرد. از این بخش (یک فضا تعریف شده مانند جلوخان) بدان بخش و بخش‌های بعد رفت (مانند هشتی، دالون، صفا و مانند اینها) (Spatial Sequences). آنچه در وهله نخست تأثیرگذار است، تنوع کف‌ها و ارتفاع سقف‌هاست و پس از آن تنوع نور و سایه و بعد تنوع فضاهای باز و بسته و پوشیده. در خانه‌های ایرانی، کاربرد مصالح بسیار متنوع و هماهنگ صورت گرفته است. از خلال این گذار، فضاهای خانه‌های ایرانی به تدریج بر ما عارض می‌شوند و به تدریج درمی‌یابیم که هر فضا از چند حس و چندین عملکرد مشخص، چندین حس و عملکرد برنامه‌ریزی نشده انباشته است.

قلمرو خانه ایرانی از بیرون خانه شروع می‌شود: حریم عمومی به تدریج به حریم خصوصی تبدیل می‌شود. به هنگام عبور از معابر و راه‌های واقع در درون شهر ایرانی، آنچه از خانه‌ها قابل مشاهده است، سردرهای رفیع و متشخص این خانه‌ها هستند که در درون دیوارهای نسبتاً بلند جای گرفته‌اند. اگر چه در بافت‌های شهری باقی‌مانده مانند یزد، شبکه شطرنجی و هندسی معابر نیز یافت می‌شده است. اما معابر و کوچه‌ها، بیشتر پیچ و خم دارند و هر سردر به تناوب در دو طرف یک کوچه وجود یک خانه را گواهی می‌دهد. بدین ترتیب مشارکت خانه‌های ایرانی در تشکیل فضاها و معابر شهری عمدتاً از طریق دیوارها و سردرهاست. در مواردی نیز بخشی از خانه بر روی شارع عام، ساخته می‌شده و فضایی قابل مکث و با سایه ایجاد می‌کرده است. به این فضا در معماری و شهرسازی ایران «ساباط» می‌گویند.

فضایی که «سایه و باد» را به خدمت آدمی وامی‌دارد. افزودن بر فضاهای عمومی و نیمه‌خصوصی (مشاعیات) نشانگر وضعیتی از مالکیت ارضی در شهر ایرانی بود، که سعی می‌شده از درصد مالکیت خصوصی زمین کاسته شده و بر مالکیت نیمه‌خصوصی (مشاعیات) افزوده شود.

(تصویر ۵-۵۸) نمودار مراتب و توالی فضاها در خانه ایرانی



* برای تأمین چشم‌انداز و نور، خانه از درون خانه تغذیه می‌کند.

گونه شناسی سازمان فضایی خانه های معاصر

مقدمه

بخش اول:

سازمان فضایی خانه های معاصر

الگوهای فضایی و دگرگونی آنها در خانه های معاصر

الگوهای فضاهای باز

الگوهای فضاهای پوشیده

الگوهای فضاهای بسته

گروه بندی فضاهای بسته خانه های معاصر: الف - فضاهای درهم / ب - فضاهای مجزا: اتاق های خواب / آشپزخانه / سرویس های بهداشتی

بخش دوم:

ویژگی های سازمان فضایی خانه های معاصر (بررسی تطبیقی)

ادراک فضایی در خانه های معاصر

حضور فضاهای باز، بسته و پوشیده

مفهوم درون در خانه های معاصر

خانه های معاصر و شیوه زندگی

مقدمه

معیارهای بررسی گونه‌شناسی معماری خانه‌های معاصر، بر اساس نتایج گونه‌شناسی سازمان فضایی خانه‌های تاریخی و نتایج حاصل از پرسشگری از ساکنان خانه‌های معاصر، تدوین و تنظیم شده‌اند. در وضعیت معاصر سکونت، دو واژه خانه و واحد مسکونی هر دو برای خانه‌های معاصر در نظر گرفته شده‌اند. یک مجتمع مسکونی که شامل تعدادی واحد مسکونی می‌باشد نیز، به عنوان یک سازمان فضایی سکونتی شامل این بررسی می‌باشد.

اصلی‌ترین وضعیت سازمان فضایی خانه‌های تاریخی، حضور همزمان و هم‌مکان فضاهای باز، پوشیده و بسته و انواع ترکیب آنها در قالب الگوهای فضایی توانمند بود. در این فصل از کتاب نیز، به منظور بهره‌وری از نتایج تطبیقی این پژوهش، سازمان فضایی خانه‌های معاصر، با توجه به حضور و چگونگی تعریف و ترکیب فضای باز، پوشیده و بسته و پیدایش الگوهای جدید مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بخش اول حدود ۶۰ نمونه از خانه‌های معاصر، بر اساس معیارهای توانمندسازی فضا در شبکه فضایی بنا، گونه‌شناسی شده‌اند. بر اساس چگونگی ترکیب سه عنصر تعریف‌کننده فضا یعنی سقف، کف و دیوار و ایجاد انواع فضاهای باز، پوشیده و بسته، بررسی گونه‌شناسی بسط یافته است. ارکان اصلی تشکیل‌دهنده سازمان فضایی خانه‌های معاصر در محدوده این بررسی هنوز، حیاط و بنا هستند.^۱ در

۱. با توجه به اینکه فاصله زمانی میان پژوهش انجام‌شده و چاپ کتاب یازده سال می‌باشد، لذا عمر یک خانه معاصر یا واحد مسکونی مورد نظر در این کتاب، در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۴۰ می‌باشد. در این حد فاصل، هنوز حیاط‌ها یا فضاهای باز خانه‌های معاصر به طور کامل نقش خود را از دست نداده بودند. واحدهای مسکونی واقع در مجتمع‌ها، در اکثر مواقع فاقد فضای باز اختصاصی بودند. حیاط یا فضای باز متعلق به چند واحد مسکونی بوده و هر واحد مسکونی حداکثر از یک بالکن یا فضای سرپوشیده برخوردار بود.

وضعیت معاصر، عوامل تأثیرگذار بر سازمان فضایی خانه و مجتمع‌های مسکونی، معبر، خیابان و دسترسی سواره هستند. تأثیر و بررسی روابط متقابل خیابان و خانه را می‌بایست به طور مستقل با دقت و عمق بیشتری مطالعه کرد. در این بررسی، مطلب تا آنجا که به مشارکت خانه در تعریف و تشکیل معبر (خیابان) مربوط است، مورد بحث قرار می‌گیرد.

در زیر فهرست بررسی‌های گونه‌شناسی مربوط به این فصل آورده شده است:

- ۱- گونه‌شناسی انواع جزءفضاها در خانه‌های معاصر؛
- ۲- گونه‌شناسی نماهای خانه‌های معاصر؛
- ۳- گونه‌شناسی انواع «حیاط» در خانه‌های معاصر؛
- ۴- گونه‌شناسی تراس و بالکن؛
- ۵- گونه‌شناسی فضای پله و ورودی خانه‌ها؛
- ۶- گونه‌شناسی پاسیوها و نورگیرها در خانه‌های معاصر؛
- ۷- گونه‌شناسی فضاهای درهم و ارزیابی توانمندی فضایی آنها؛
- ۸- گونه‌شناسی توان ترکیب و تعریف فضاهای درهم؛
- ۹- گونه‌شناسی اتاق‌های خواب در خانه‌های معاصر؛
- ۱۰- گونه‌شناسی آشپزخانه در خانه‌های معاصر؛
- ۱۱- گونه‌شناسی نحوه استقرار درها پیرامون فضاهای درهم و مجزا؛
- ۱۲- گونه‌شناسی ارتباط در و دیوار.

سازمان فضایی خانه‌های معاصر

سازمان فضایی خانه‌های معاصر شهری در طول سالیان گذشته تغییرات بسیاری کرده است. این تغییرات، با توجه به روند سریع و حجیم شهرنشینی در کشور از سال ۱۳۴۰ به بعد در وضعیتی شتابان و مقیاس انبوه صورت گرفت. تغییرات سازمان فضایی خانه‌های معاصر بیشتر بر بستر پاسخگویی به همجواری با خیابان‌های سواره و پذیرش اتومبیل به درون خانه‌ها روی داد. در این فرایند استفاده از الگوهای فضایی که قرن‌ها پاسخگوی نیازهای فرهنگی و اجتماعی اقوام ایرانی بودند، پی‌درپی کاهش یافت تا اینکه از سال ۱۳۴۰ به بعد، فراموشی شتابی فزاینده گرفت. سازمان فضایی خانه‌های معاصر در اکثر موارد، به دو قسمت حیاط و بنا خلاصه می‌شود. حیاط، فضاهایی باز در حد فاصل معبر و بنا یا میان بناهای دو قطعه شمالی و جنوبی است. بنا یا قسمت ساخته‌شده در خانه‌های معاصر، عمدتاً شامل فضاهای بسته (اتاق‌ها و راهروها) است و ندرتاً فضاهای پوشیده (ایوان‌ها و بالکن‌های مسقف) یا فضاهای باز (بام‌ها و بالکن‌ها^۱) را شامل می‌شود. فضاهای بسته عموماً در درون دو جبهه دیوار سرتاسری مسدود و دارای دو جبهه نما می‌باشند. در این فرایند، گرایش غالب تفکیک زمین به سمت مستطیل‌های کشیده میل کرده و تا امروز (دهه ۸۰ هجری شمسی) هیچ معیار و ضابطه‌ای برای حفظ تناسب میان اضلاع این «مستطیل ملکی» وجود ندارد به نحوی که در موارد قابل توجهی، عرض قطعه زمین بیش از ده‌ها بار کوچکتر از طول آن می‌باشد. جهت استقرار نیز در شش شهر مورد بررسی در اکثر موارد، شمالی - جنوبی با چرخش اندکی به سمت قبله بوده و خیابان‌ها و معابر سواره نیز، عمدتاً در دو جهت شمالی - جنوبی و شرقی - غربی احداث شده‌اند. شهرهای کشور از سال‌های ۱۳۴۰ به این طرف، عمدتاً با رشدی مسکونی با قطعه‌بندی مستطیل‌های نامتناسب و کشیده با دسترسی به خیابان‌های شرقی - غربی و شمالی - جنوبی، در پیرامون شهرهای ایرانی بر اراضی بایر و کشاورزی پراکنده شده‌اند.

۱. بالکن واژه‌ایست به معنای فضای باز جلوی اطاق، بالاتر از طبقه همکف. بررسی‌های مقدماتی نشان می‌دهد که با توجه به اطلاق واژه بالاخانه به طبقه بالاتر از همکف، در بخش زیادی از فرهنگ‌های معماری ایران (شمال، مرکز و جنوب) به نظر می‌رسد ریشه کلمه بالکن می‌تواند واژه بالاخانه باشد. این موضوع باید جداگانه مورد پژوهش قرار گیرد.

الگوهای فضایی و دگرگونی‌های آنها در خانه‌های معاصر

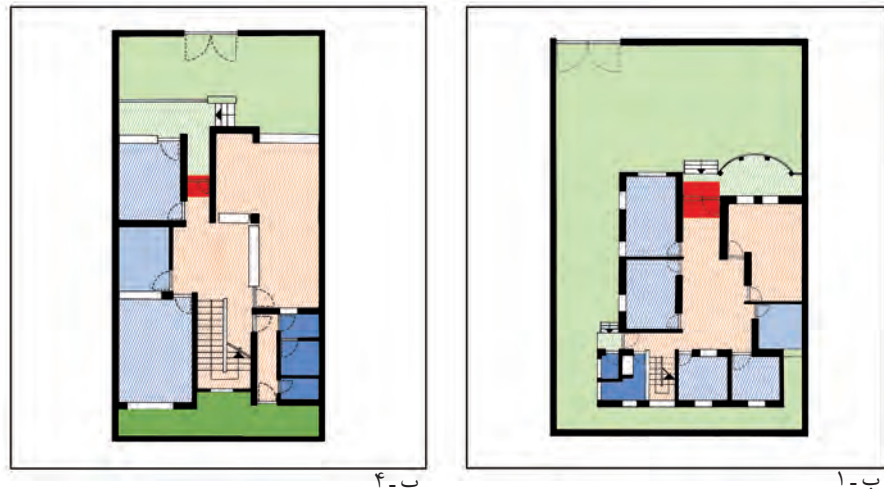
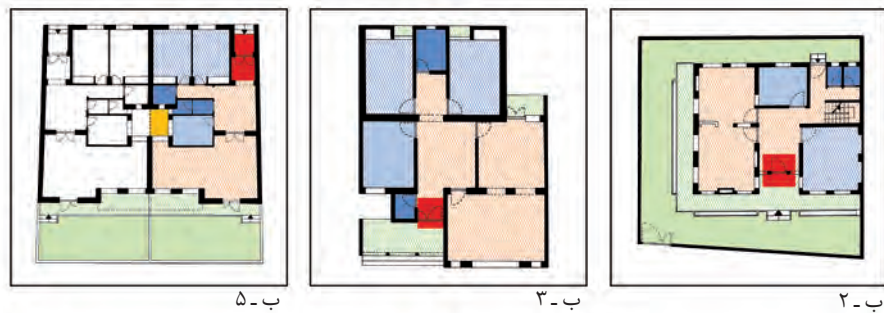
الگوهای فضایی در خانه‌های تاریخی به طور مشخص از فرم، مضمون و حالت برخوردار بودند و از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده و در هر دوره از انتقال، کاستی‌های آنها کاهش می‌یافت. به این ترتیب، حضور الگوهای معماری مذکور، در روندی آرام تا سال ۱۳۰۰ در خانه‌های ایرانی تداوم داشته و از سال ۱۳۴۰ به بعد، دستخوش دگرگونی گشته‌اند. این دگرگونی‌ها در الگوهای معماری خانه‌های معاصر به شرح زیر پدید آمده است:

پس از سال‌های ۱۳۰۰، وجود سه‌گونه فضای باز، پوشیده و بسته در خانه‌های شهری ادامه یافت. در دهه اول قرن ۱۴ شمسی ضمن رعایت الگوهای معماری ایرانی، این خانه‌ها به نیازهای فضایی خیابان و اتومبیل نیز پاسخ می‌گفتند و همچنان از تنوع و دگرگونی فضاهای باز، پوشیده و بسته برخوردار بودند. از دهه چهارم و پنجم قرن حاضر، نقش فضا در الگوهای معمارانه به صورت جدا جدا، تجزیه شده و واگرا، به مصالح، سازه و اشیاء واگذار شد. خروج طراحی سازه از سازمان فضایی، تأثیر قاطعی بر هم‌ارتفاع شدن فضاها باقی گذاشت. تمایز جزءفضاها به تمایز در ابعاد طول و عرض کف‌ها واگذار شد. سقف نیز به تبعیت از سازه و طول و عرض کف، فقط بزرگ و کوچک می‌شد و نقش ایجاد تمایز از طریق تمایزهای ارتفاعی خود را از دست داد. اهمیت تمایز طول و عرض در کف و انعکاس تمایز جزءفضاها از طریق تفاوت در کف‌ها، تغییر حجم فضاها را به تغییر سطح کف واگذار نمود. فضا از حالت سه‌بعد خارج و به دوبعد ترجمه شد. امکان تحقق انواع فعالیت‌های مرتبط با شیوه زندگی نیز، به یک یا چند عملکرد محدود شد. تبعیت سازه و سازگاری از سازمان فضایی خانه و حضور یکپارچه آنها به نوعی استقلال جدایی‌طلبانه تغییر یافت. همگرایی سازه و سازمان فضایی کم‌رنگ شد و تأمین آسایش در جزءفضا، به کالاهای صنعتی (شوفاژ، کولر، فن‌کوئل، ...) واگذار شد. وظایف الگوهای معماری به تخصص‌های ناهماهنگ فضایی خانه محول شدند.

سازمان فضایی خانه، تنوع ارتفاعی خود را از دست داد و همه جزءفضاهای آن هم‌ارتفاع شدند. فرم‌های الگوهای فضایی ابتدا به سادگی و بعد به یکسانی گرایش یافتند. مفهوم مقطع فضایی معماری برای همه سازمان فضایی به یک مستطیل ساده تبدیل شد. حالت‌های الگوهای فضایی به سمت مشابهت و خنثی‌بودن و مضامین جزءفضاها به سمت تک‌عملکردی شدن میل کردند. عملکردها نیز، در چارچوب عملکردهای بیولوژیک جای گرفتند.

الگوهای معمارانه به الگوهای ساخت‌وساز بدل شدند، که در آنها مصالح - به ویژه مصالح روکار - نمایانگر تشخیص، سازه - اگر مورد نظارت قرار گیرد - نماینده ایمنی، تأسیسات - اگر کالاهای صنعتی و امکانات آب، برق و تأمین منابع مجاز بدارد - نماینده آسایش خانه هستند و همه این کالاها و تخصص‌ها در بازار ساخت‌وساز یافت می‌شود.

بوشهر



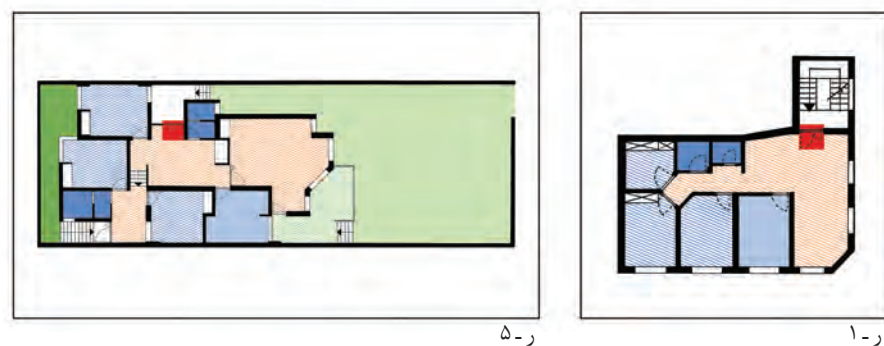
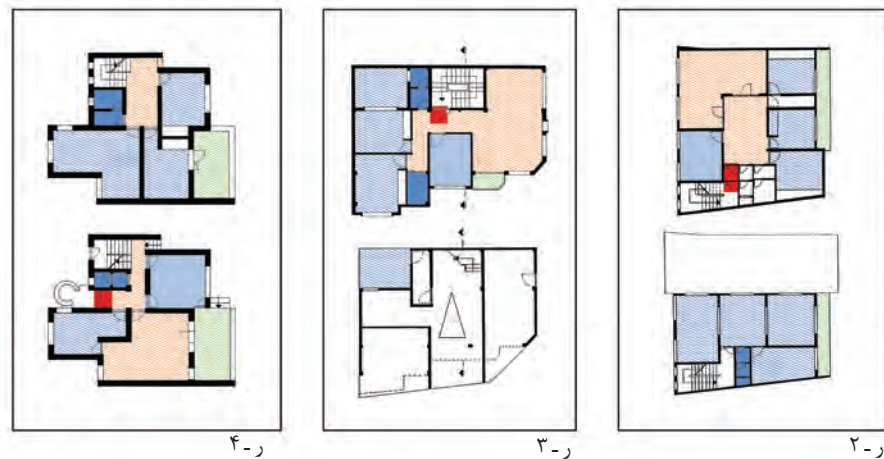
(تصویر ۶-۱) گونه شناسی انواع جزء‌فضاها در خانه های معاصر



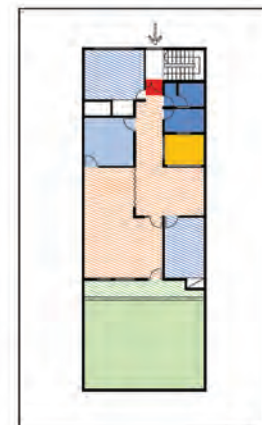
۱- گونه شناسی انواع جزء‌فضاها در خانه های معاصر

- ۲- گونه شناسی نماهای خانه های معاصر
- ۳- گونه شناسی انواع «حیاط» در خانه های معاصر
- ۴- گونه شناسی تراس و بالکن
- ۵- گونه شناسی فضای پله و ورودی خانه ها
- ۶- گونه شناسی پاسیوها و نورگیرها در خانه های معاصر
- ۷- گونه شناسی فضاها در هم و ارزیابی توانمندی فضایی آنها
- ۸- گونه شناسی توان ترکیب و تعریف فضاها در هم
- ۹- گونه شناسی اتاق های خواب در خانه های معاصر
- ۱۰- گونه شناسی آشپزخانه در خانه های معاصر
- ۱۱- گونه شناسی نحوه استقرار درها پیرامون فضاها در هم و مجزا
- ۱۲- گونه شناسی ارتباط در و دیوار

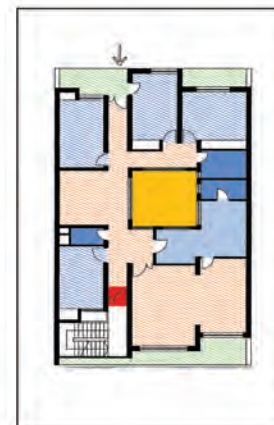
رشت



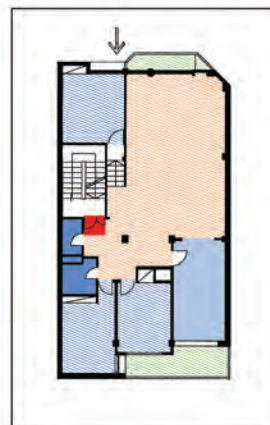
شیراز



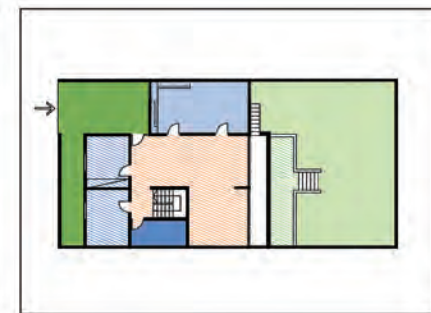
۱-ش



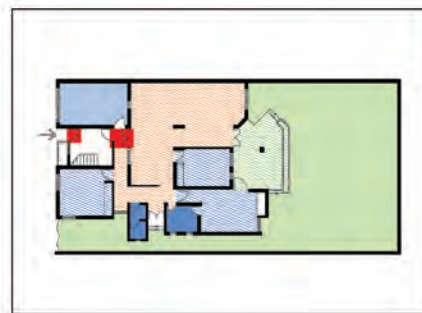
۴-ش



۵-ش



۲-ش



۳-ش

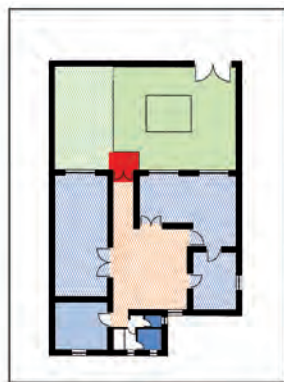
کرمان



۲-ک



۱-ک

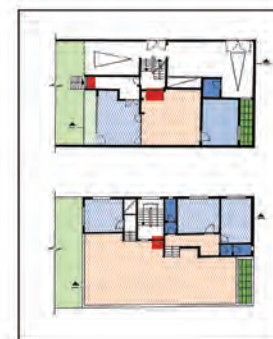


۳-ک



۴-ک

کاشان



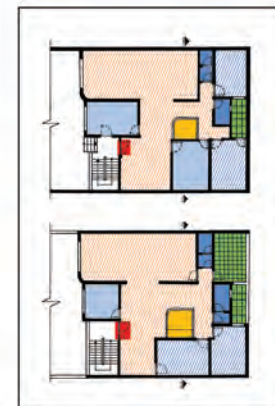
۱-ک



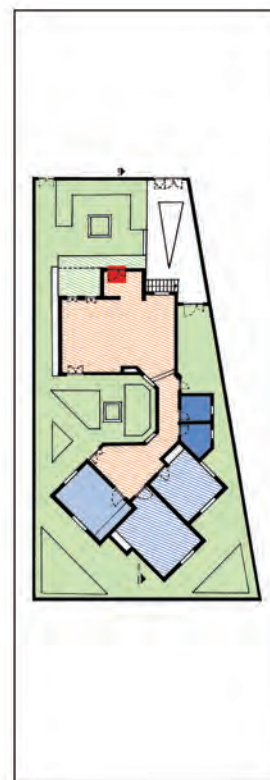
۲-ک



۳-ک

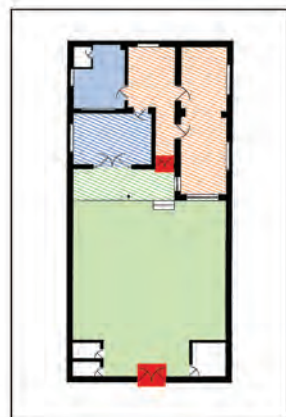


۴-ک

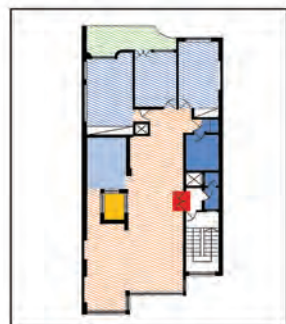


۵-ک

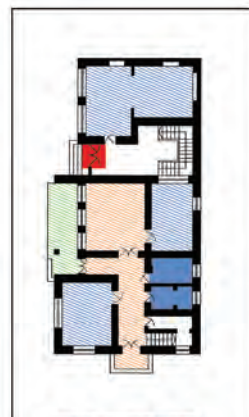
همدان



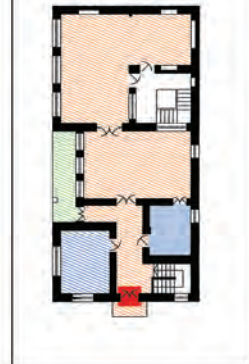
۱-ه



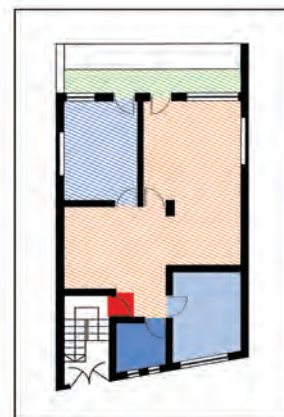
۳-ه



۲-ه

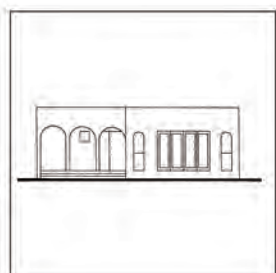


۴-ه



۵-ه

بوشهر



۳-ب



۵-ب



۲-ب



۴-ب



۱-ب

رشت



۳-ر



۲-ر



۱-ر



۵-ر



۴-ر

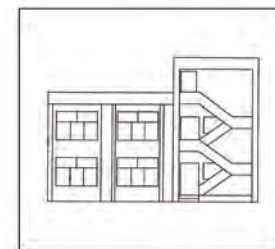
(تصویر ۶-۲) گونه شناسی نماهای خانه‌های معاصر

- ۱- گونه شناسی انواع جزء-فضاها در خانه‌های معاصر
- ۲- گونه شناسی نماهای خانه‌های معاصر
- ۳- گونه شناسی انواع «حیاط» در خانه‌های معاصر
- ۴- گونه شناسی تراس و بالکن
- ۵- گونه شناسی فضای پله و ورودی خانه‌ها
- ۶- گونه شناسی پاسیوها و نورگیرها در خانه‌های معاصر
- ۷- گونه شناسی فضاها در هم و ارزیابی توانمندی فضایی آنها
- ۸- گونه شناسی توان ترکیب و تعریف فضاها در هم
- ۹- گونه شناسی اتاق‌های خواب در خانه‌های معاصر
- ۱۰- گونه شناسی آشپزخانه در خانه‌های معاصر
- ۱۱- گونه شناسی نحوه استقرار درها پیرامون فضاها در هم و مجزا
- ۱۲- گونه شناسی ارتباط در و دیوار

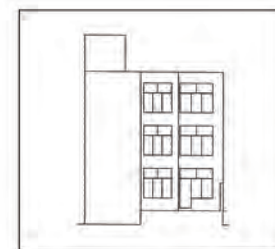
شیراز



ش-۴



ش-۴



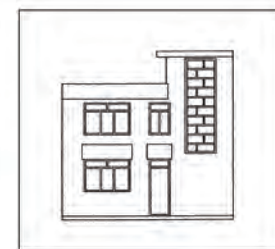
ش-۵



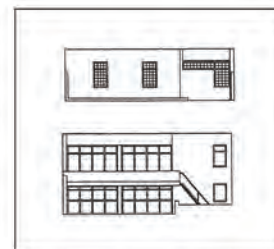
ش-۱



ش-۲



ش-۱



ش-۲

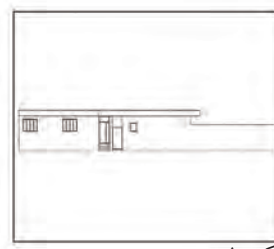


ش-۳

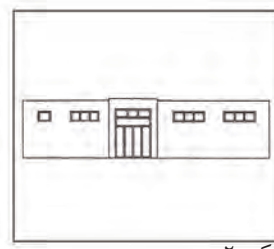


ش-۳

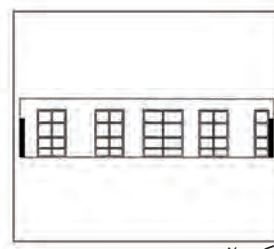
کرمان



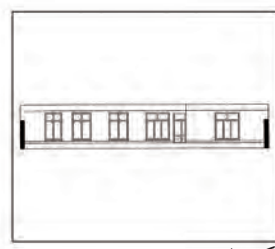
ک-۱



ک-۲



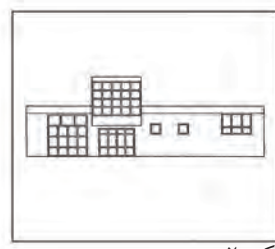
ک-۲



ک-۱



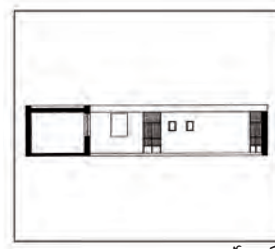
ک-۲



ک-۲



ک-۳



ک-۴

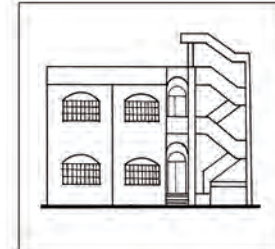


ک-۴

کاشان



ک-۹



ک-۴



ک-۸



ک-۳

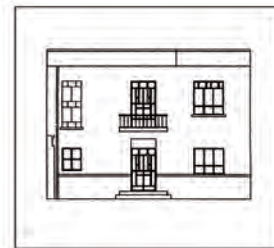


ک-۶



ک-۲

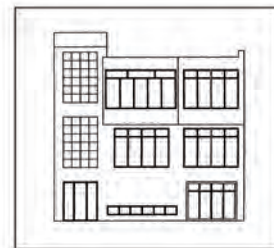
همدان



ه-۲



ه-۲



ه-۵



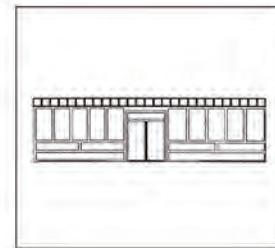
ه-۱



ه-۲



ه-۵



ه-۱



ه-۳



ه-۳

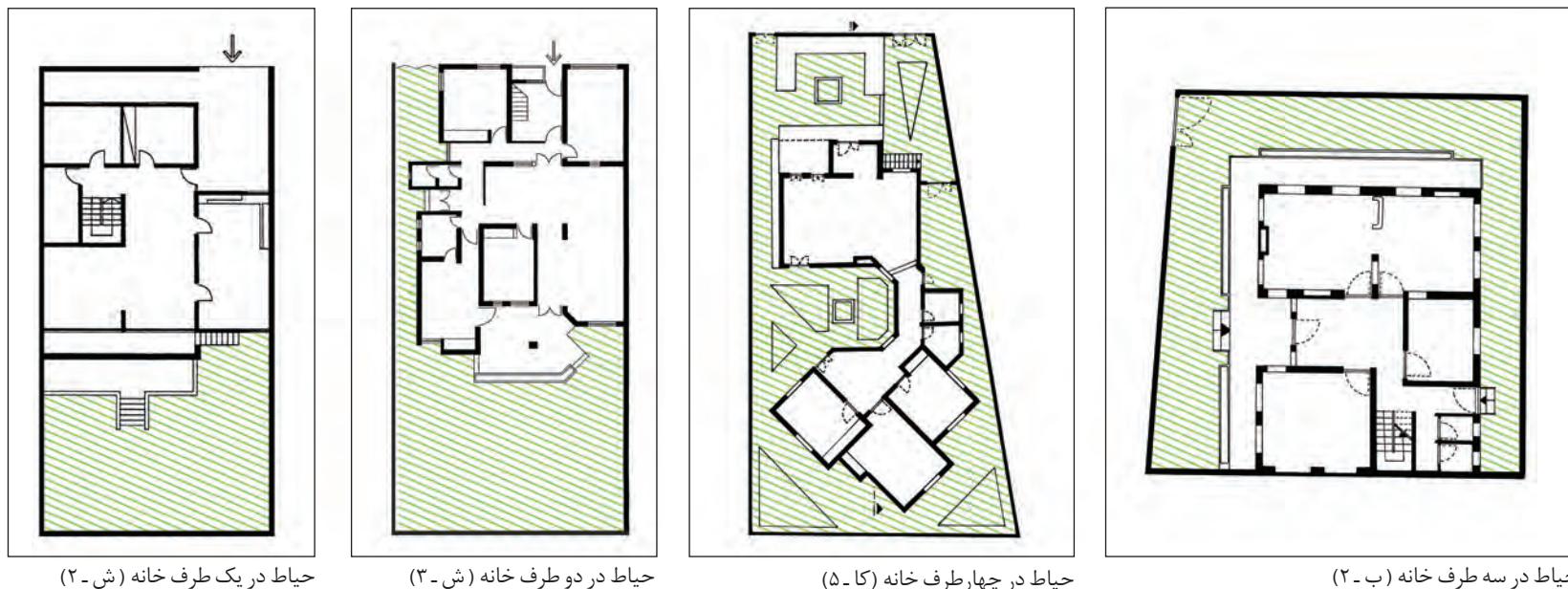
الگوهای فضاهای باز

باقی می‌مانند. به علاوه، کف این حیاط با توجه به شیوه زندگی معاصر، به محل توقف اتومبیل یا رمپ اتومبیل برای دسترسی به پارکینگ و مسیر عبور ورود به بنا از خیابان اختصاص یافته است. از این جهت کف حیاطها چندتکه و چندپاره شده‌اند و اگر جایی باقی بماند به گل، بوته، باغچه و حوضچه و «قوطی گل» اختصاص داده خواهد شد.

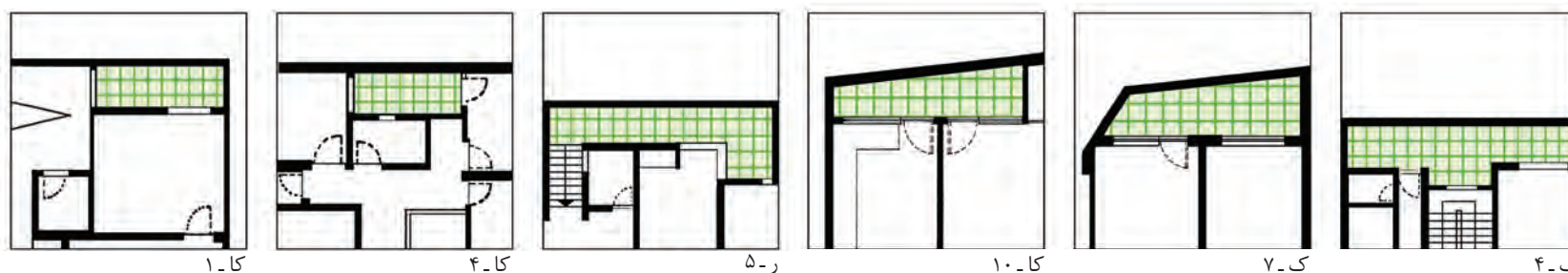
آنچه از الگوهای فضاهای باز باقی مانده، دو الگوی فضاهای باز حیاطهای شمالی و حیاطهای جنوبی می‌باشد. حیاطهای جنوبی از درجه محصوریت بیشتر و اشراف کمتر برخوردارند. به همین دلیل از یک طرف حضور اتومبیل و عبور و مرور در آنها کمتر است و از طرف دیگر، امکان کاشت گل و گیاه و درخت در آنها وجود دارد. در حیاط خانه‌های شمالی، تنها یک دیوار مسطح حیاط را از معبر جدا می‌کند و این دیوار به خاطر فقدان عمق و ارتفاع در تعریف از داخل و تعریف خیابان از خارج نقشی

در اکثر قریب به اتفاق خانه‌های معاصر، حیاط در یک طرف، و بنا در طرف دیگر در درون قطعه زمین ملکی واقع شده است. بدین ترتیب، حیاط با یک جبهه از بنا ارتباط برقرار می‌کند. تعریف شدن فضای باز توسط فضاهای بسته و پوشیده و دیوارهایی که از طراحی معمارانه برخوردارند، مرجعیت خود را در خانه‌های معاصر از دست داده‌اند. در اکثر نمونه‌هایی که حیاط در یک طرف و بنا در طرف دیگر قرار دارد، دوگونه حیاط قابل شناسایی است، اول حیاطهایی که دو بدنه بنا و دو بدنه دیوار آنها را در بر گرفته و به طور مستقیم به خیابان راه ندارند و دوم، حیاطهایی که به وسیله یک بدنه بنا و سه بدنه دیوار مسطح کوتاه محصور شده‌اند و به طور مستقیم همجوار با خیابان هستند. این دیوارها، عمدتاً در امتداد دیوارهای بنا در طبقه همکف یا دیوارهای پیرامون پیلوتی قرار دارند و چنانچه ساختمان بیش از یک طبقه باشد، دیوارهای پیرامون حیاط، در همان ارتفاع کوتاه‌تر از یک طبقه

(تصویر ۳-۶) گونه‌شناسی انواع حیاط در خانه‌های معاصر



انواع حیاط خلوت در خانه‌های معاصر



الگوهای فضاهای پوشیده

حضور فضاهای پوشیده در سازمان فضایی خانه‌های معاصر بسیار کاهش یافته است. در موارد اندکی وجود ایوان به سمت حیاط، فضای قابل استفاده و متصل‌کننده‌ای را بین فضای باز و فضای بسته ایجاد می‌کند. در طبقات بالاتر، تراس‌ها و بالکن‌های سرپوشیده، فضاهای پوشیده می‌باشند. این فضاها معمولاً فاقد تعریف‌شدگی مؤثر هستند و در بسیاری موارد، به صورت یک کف رها شده ارائه شده‌اند، اگرچه کف بالکن‌ها و تراس‌ها در امتداد فضاهای بسته قرار دارند، اما به سبب اشراف و فقدان چشم‌انداز مناسب، فرهنگ و شیوه زندگی معاصر امکان استفاده از آنها را ندارد، و ساکنان خانه‌ها می‌توانند تنها از پیرامون بالکن‌ها برای گذاشتن اشیاء استفاده کنند. با این وجود همین بالکن‌ها، می‌توانند در دو جبهه شمالی و جنوبی بسط چشم‌اندازی و نوری را برای قسمت‌های بسته خانه‌های معاصر مهیا کنند.

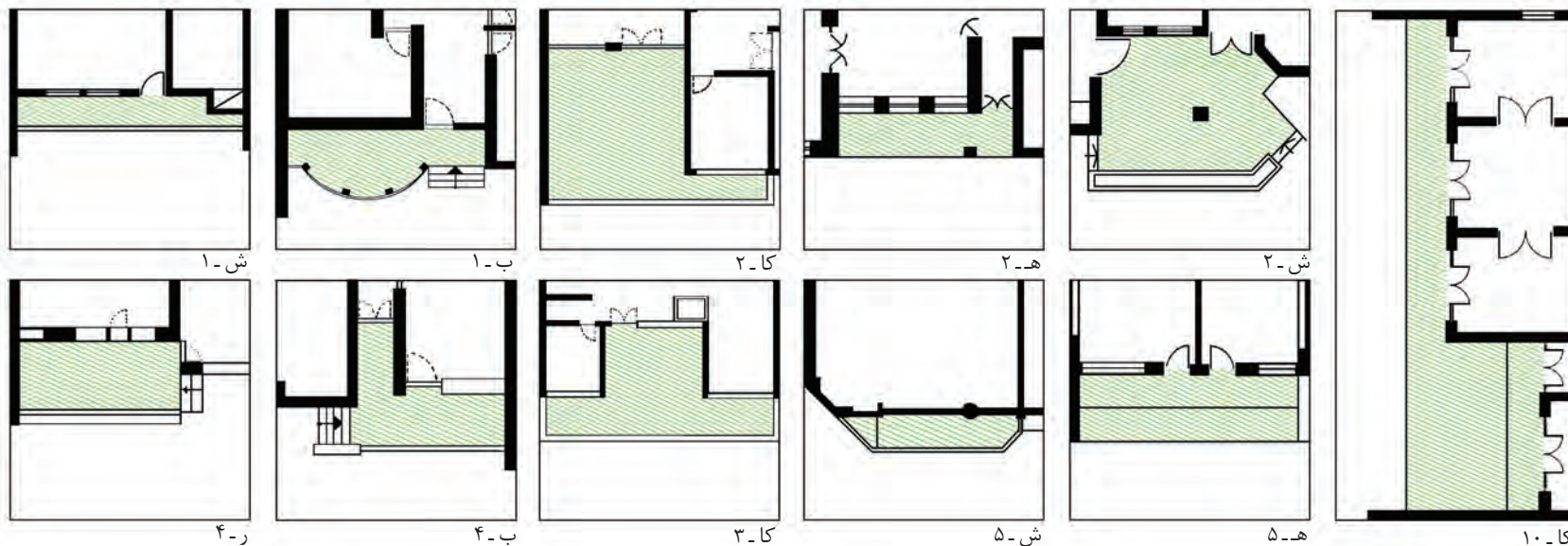
(تصویر ۶-۴) الگوی متداول در طبقه همکف، حیاط و ایوان خانه‌های جنوبی -رشت



برعهده ندارد. حیاط خانه‌های شمالی از روبه‌رو و اطراف اشراف دارند. این عارضه تا امروز علی‌رغم همه نقص‌ها و ناتوانی‌ها به عنوان شیوه‌ای رایج باقی مانده است. بام، فضای باز مربوط به قسمت بسته ساختمان است که بر بالای آخرین طبقه بنا قرار دارد. فضای بام، با توجه به ویژگی‌های شیوه زندگی معاصر، مصرف حضور و استفاده خانوادگی را از دست داده و فاقد تعریف و محصوریت است و معمولاً دستگاه‌های تأسیسات حرارتی -برودتی بر روی آن جای می‌گیرند.

- ۱- گونه‌شناسی انواع جزءفضاها در خانه‌های معاصر
- ۲- گونه‌شناسی نماهای خانه‌های معاصر
- ۳- گونه‌شناسی انواع «حیاط» در خانه‌های معاصر
- ۴- گونه‌شناسی تراس و بالکن
- ۵- گونه‌شناسی فضای پله و ورودی خانه‌ها
- ۶- گونه‌شناسی پاسیوها و نورگیرها در خانه‌های معاصر
- ۷- گونه‌شناسی فضاهای درهم و ارزیابی توانمندی فضایی آنها
- ۸- گونه‌شناسی توان ترکیب و تعریف فضاهای درهم
- ۹- گونه‌شناسی اتاق‌های خواب در خانه‌های معاصر
- ۱۰- گونه‌شناسی آشپزخانه در خانه‌های معاصر
- ۱۱- گونه‌شناسی نحوه استقرار درها پیرامون فضاهای درهم و مجزا
- ۱۲- گونه‌شناسی ارتباط در و دیوار

(تصویر ۶-۵) گونه‌شناسی تراس و بالکن در خانه‌های معاصر (۷۰-۱۳۴۰)

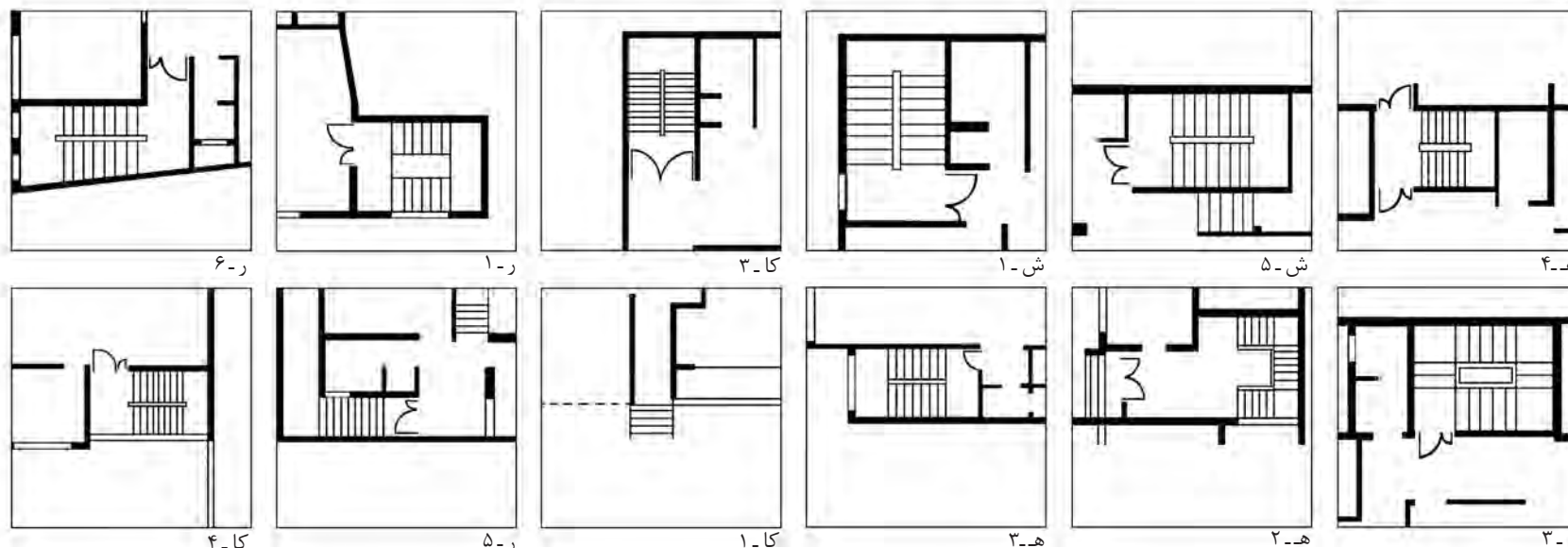


الگوهای فضاهای بسته

در خانه های معاصر با توجه به طرز قرارگیری قسمت بسته (بنا) و قسمت باز (حیاط) ساختمان در قطعه زمین ملکی، ورود به قسمت بسته به دو شکل صورت می گیرد. ورود به خانه هایی که معبر در جنوب قطعه زمین قرار دارد و قسمت بسته آنها در سمت شمالی قطعه زمین واقع شده است، از طریق حیاط صورت می گیرد. در برخی از خانه ها و مجتمع های مسکونی پس از ورود به حیاط، به پیلوتی می رسیم. پیلوتی بسط حیاط است و در زیر قسمت بسته قرار دارد. بعد از طریق پله یا آسانسور به سطوح بالاتر رفته و توسط راهروها به در ورودی خانه می رسیم. در خانه هایی که معبر، در شمال قطعه زمین قرار گرفته، و قسمت بسته آنها نیز در سمت شمال زمین واقع شده است، ورودی اصلی، در قسمت بسته ساختمان است و پس از عبور از ورودی اصلی، به سرسرا یا پیلوت وارد شده و مجدداً توسط راه پله یا آسانسور به سطوح بالاتر می رویم. در مواردی پس از ورود به خانه از سمت شمال، فضای باز کوچکی قرار دارد که بعضاً برای استقرار جعبه پله در نظر گرفته شده است.

در داخل خانه، ورودی، فضای مربوط به خود را ندارد و اگر هم در حد فاصل دیوار دو اتاق قرار گیرد، تعریف مشخص ندارد. در نمونه های آپارتمانی مطالعه شده، در ورودی به پاگرد چسبیده و چون داخل می شویم، هیچ گونه حد و مرزی برای در و فضای ورودی خانه موجود نیست، در سایر نمونه ها نیز درها، حتی فضای چرخش کافی ندارند.

(تصویر ۶-۶) گونه شناسی پله، پاگرد و ورودی در خانه های معاصر (۷۰-۱۳۴۰)



گروه بندی فضاهای بسته خانه های معاصر

بررسی های گونه شناسی گواهی می دهند که فضاهای بسته در سازمان فضایی خانه های معاصر از دو گروه فضاهای درهم و مجزا تشکیل شده اند:

- _ فضاهای درهم شامل: ورودی، عبوری ها، نشیمن، نهارخوری و پذیرایی؛
- _ فضاهای مجزا شامل: آشپزخانه، اتاق یا اتاق های خواب، حمام و دستشویی و انباری.

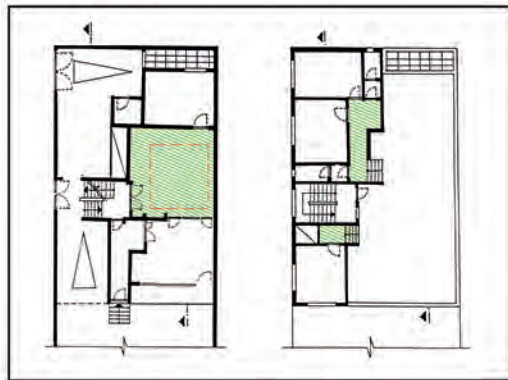
تحولات هر گروه از فضاهای درهم و مجزا به همراه تأسیسات و اشیای مرتبط با آنها، خود نیازمند بررسی جداگانه ای می باشد، لیکن در این کتاب این فضاها از نقطه نظر چگونگی بهره مندی از شیوه های توانمندسازی فضا یعنی شیوه های تعریف، ترکیب و تشخیص فضا مورد بررسی قرار می گیرند.

الف - فضاهای درهم

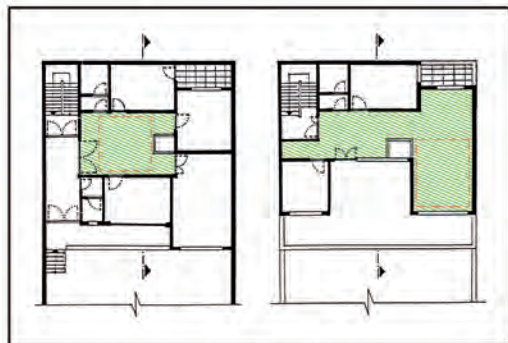
ویژگی گروه فضاهای درهم، فقدان تعریف برای جزء فضاهای موجود در این گروه می باشد. حدود فضایی ورودی، نهارخوری و پذیرایی روشن نیست و سعی شده از طریق چینش اشیاء و مبلمان، محدوده های فضایی، تعریف یا تکلیف شود. حریم های عبوری حذف شده و با فضاهای درهم مخلوط شده اند. بنابراین، فضاهای درهم چند جزء فضایی نیستند که به صورت ترکیب با یکدیگر طراحی شده باشند و در عین حال از استقلال برخوردار باشند. در اغلب موارد بسط چشم اندازی و نوری نیز برای این فضاهای درهم که بخش عمومی تر خانه می باشد، فراهم نشده است.

تنها نمونه ای از قابلیت کارایی بسط فضایی در خانه های معاصر که در عین تعریف داشتن، امکان بسط آنها به یکدیگر را نیز فراهم می کند، آشپزخانه هایی است که

(تصویر ۶-۸) کاشان - گونه شناسی فضاهای درهم و ارزیابی توان تعریف آنها در خانه های معاصر (۷۰ - ۱۳۴۰)



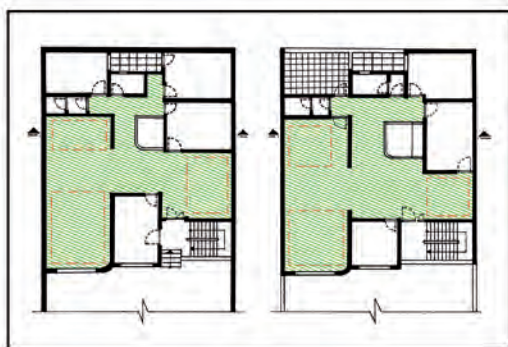
۱-ک



۳-ک



۲-ک



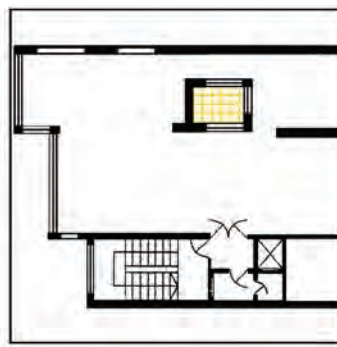
۴-ک

یک بدنه آنها بر روی فضاهای درهم باز شده است و از طریق آشپزخانه بسط نوری و گاه چشم اندازی برای فضاهای درهم ایجاد شده است. در برخی از نمونه ها (ش-۱، ش-۴) با استقرار پاسیو در حد فاصل فضای درهم و مجزا، کوشش شده تا علاوه بر تأمین نور و کمک به ایجاد چشم اندازی محدود، به نظم دهی فضاهای درهم کمک شود. پاسیوها و نورگیرهای معاصر، خاصه در طبقه های بالاتر از همکف، اغلب به عنوان یک جعبه روشنایی بخش و تهویه هوا در نظر گرفته می شوند و اگرچه محصور هستند، اما بسط فضایی برای آنها مقدور نیست.

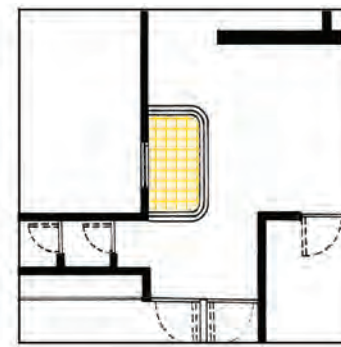
به علاوه هنگامی که بخش اعظم قسمت های درهم، تعریف نشده هستند، نمی توان به تمایز و تشخیص در این فضاها دست یافت.

- ۱ - گونه شناسی انواع جزء فضاها در خانه های معاصر
- ۲ - گونه شناسی نماهای خانه های معاصر
- ۳ - گونه شناسی انواع «حیاط» در خانه های معاصر
- ۴ - گونه شناسی تراس و بالکن
- ۵ - گونه شناسی فضای پله و ورودی خانه ها
- ۶ - گونه شناسی پاسیوها و نورگیرها در خانه های معاصر
- ۷ - گونه شناسی فضاهای درهم و ارزیابی توانمندی فضایی آنها
- ۸ - گونه شناسی توان ترکیب و تعریف فضاهای درهم
- ۹ - گونه شناسی اتاق های خواب در خانه های معاصر
- ۱۰ - گونه شناسی آشپزخانه در خانه های معاصر
- ۱۱ - گونه شناسی نحوه استقرار درها پیرامون فضاهای درهم و مجزا
- ۱۲ - گونه شناسی ارتباط در و دیوار

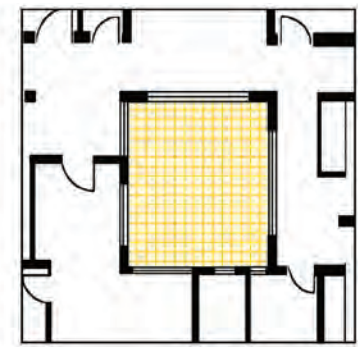
(تصویر ۶-۷) گونه شناسی نورگیر (پاسیو) و موقعیت آن در خانه های معاصر (۷۰ - ۱۳۴۰)



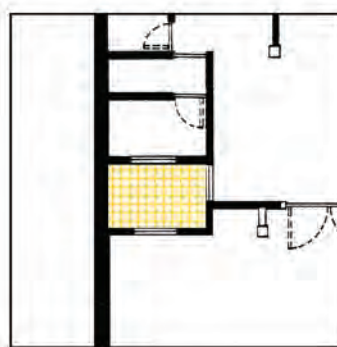
۳-ه



۹-ک



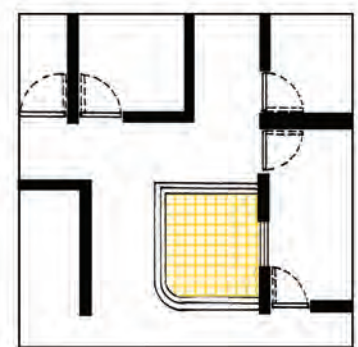
۴-ش



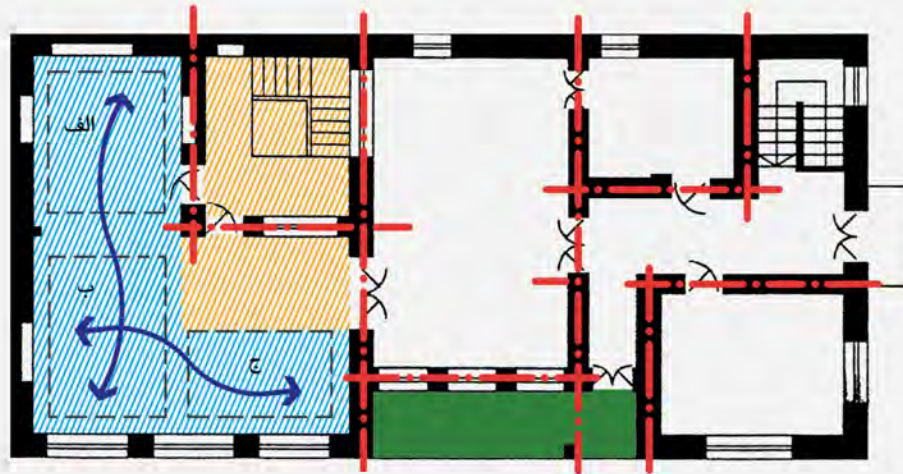
۸-ک



۱۰-ک



۴-ک

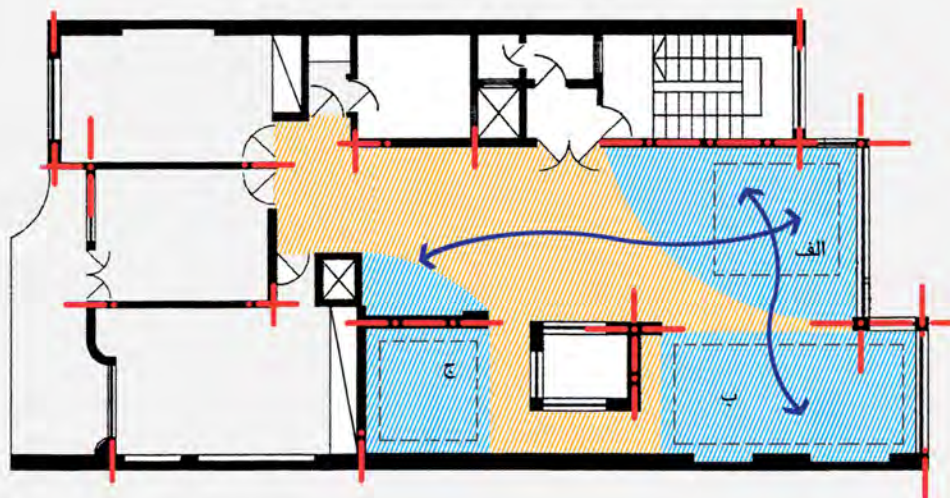


همدان (ه-۲)

ه-۲			ه-۳			الف			ب			ج		
↑	↓	←	↑	↓	←	↑	↓	←	↑	↓	←	↑	↓	←
دارا بودن تعریف و بسط	فقدان تعریف و بسط	دارا بودن تعریف و بسط	دارا بودن تعریف و بسط	فقدان تعریف و بسط	دارا بودن تعریف و بسط	دارا بودن تعریف و بسط	فقدان تعریف و بسط	دارا بودن تعریف و بسط	فقدان تعریف و بسط	دارا بودن تعریف و بسط	فقدان تعریف و بسط	دارا بودن تعریف و بسط	فقدان تعریف و بسط	
تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	تعارف فضایی	
بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	بسط فضایی، چشم اندازی، نوری	
جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	جداره‌ها	

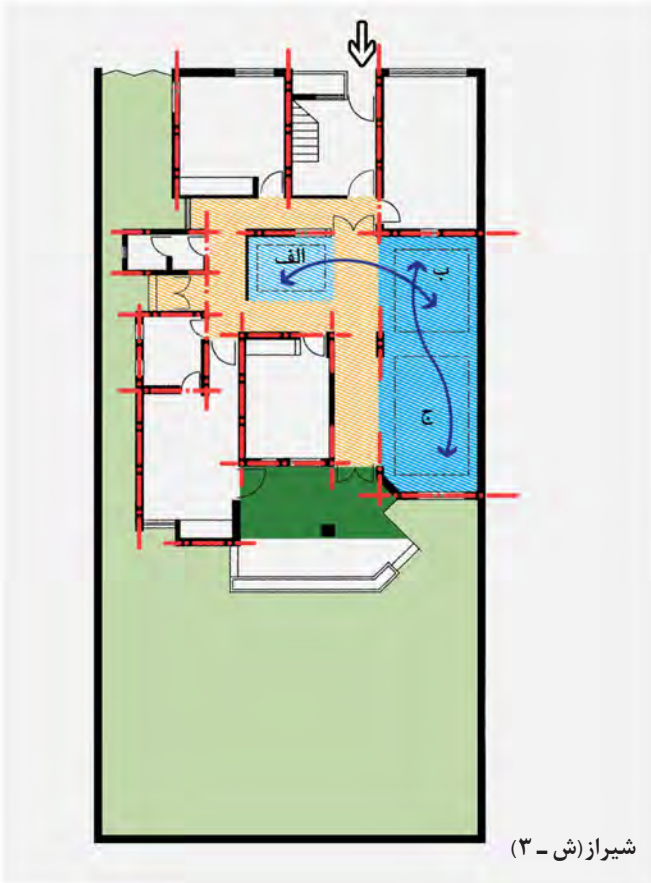
(تصویر ۶-۹)
ارزیابی توان ترکیب و تعریف فضاهای درهم در خانه‌های معاصر

- فضاهای درهم
- فضاهای مفید
- حریم‌ها و عبوری‌ها
- فضاهای پوشیده
- بسط فضایی + چشم اندازی
- جداره فضای مفید
- دارا بودن تعریف و بسط
- فقدان تعریف و بسط
- فضاهای باز
- امتدادهای تعریف کننده فضا



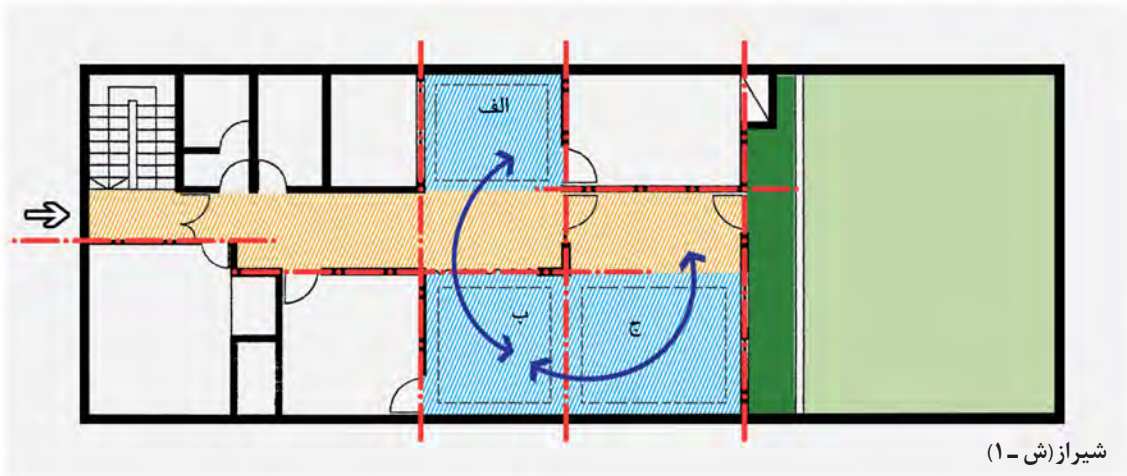
همدان (ه-۳)

- ۱- گونه‌شناسی انواع جزء-فضاها در خانه‌های معاصر
- ۲- گونه‌شناسی نماهای خانه‌های معاصر
- ۳- گونه‌شناسی انواع «حیاط» در خانه‌های معاصر
- ۴- گونه‌شناسی تراس و بالکن
- ۵- گونه‌شناسی فضای پله و ورودی خانه‌ها
- ۶- گونه‌شناسی پاسیوها و نورگیرها در خانه‌های معاصر
- ۷- گونه‌شناسی فضاهای درهم و ارزیابی توانمندی فضایی آنها
- ۸- گونه‌شناسی توان ترکیب و تعریف فضاهای درهم
- ۹- گونه‌شناسی اتاق‌های خواب در خانه‌های معاصر
- ۱۰- گونه‌شناسی آشپزخانه در خانه‌های معاصر
- ۱۱- گونه‌شناسی نحوه استقرار درها پیرامون فضاهای درهم و مجزا
- ۱۲- گونه‌شناسی ارتباط در و دیوار



شیراز (ش - ۳)

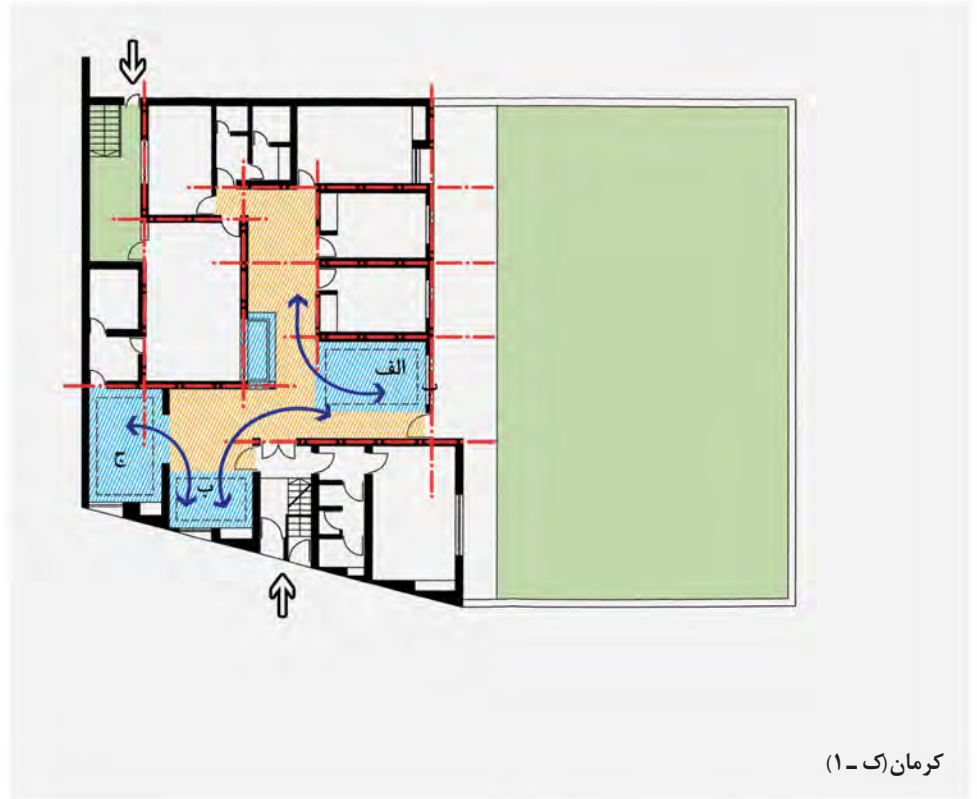
ج			ب			الف			ش - ۳			ج			ب			الف			ک - ۱					
←	↓	→	←	↓	→	←	↓	→	←	↓	→	←	↓	→	←	↓	→	←	↓	→	←	↓	→			



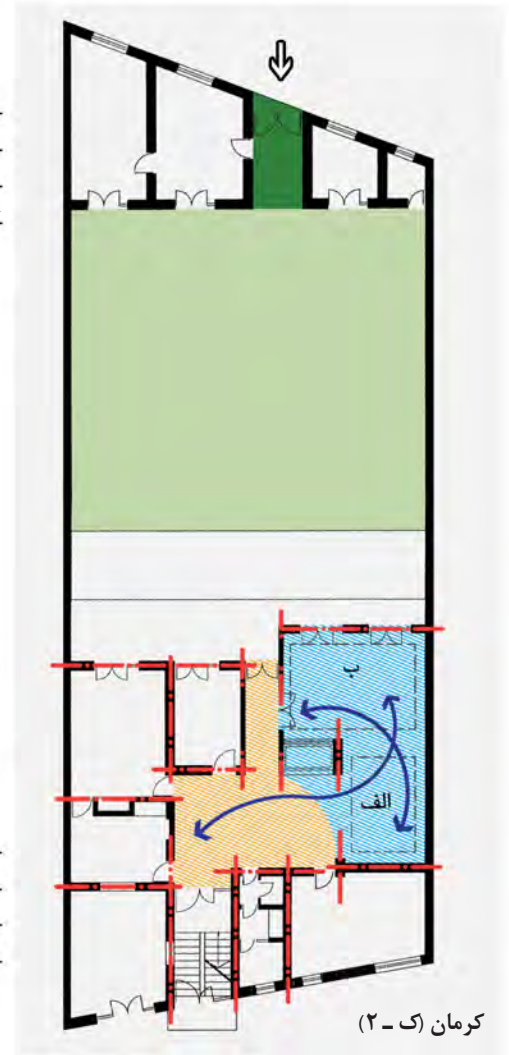
شیراز (ش - ۱)

ج			ب			الف			ش - ۱		
←	↓	→	←	↓	→	←	↓	→	←	↓	→

ب			الف			ک - ۲		
←	↓	→	←	↓	→	←	↓	→



کرمان (ک - ۱)



کرمان (ک - ۲)

ب- فضاهای مجزا

همچنانکه آمد، به غیر از فضاهای پذیرایی و نهار خوری و عبوری‌های متصل به این فضاها که بلافاصله پس از ورود به خانه دیده می‌شوند، بقیه خانه از فضاهایی تشکیل شده که توسط دیوار یا تیغه به صورت مجزا قابل شناسایی هستند. فضاهایی مانند اتاق خواب، حمام، دستشویی و آشپزخانه‌هایی که با فضاهای درهم ترکیب نشده‌اند. برخی از فضاهای مجزا مانند اتاق‌های خواب و سرویس‌های بهداشتی در این کتاب بررسی می‌شوند:

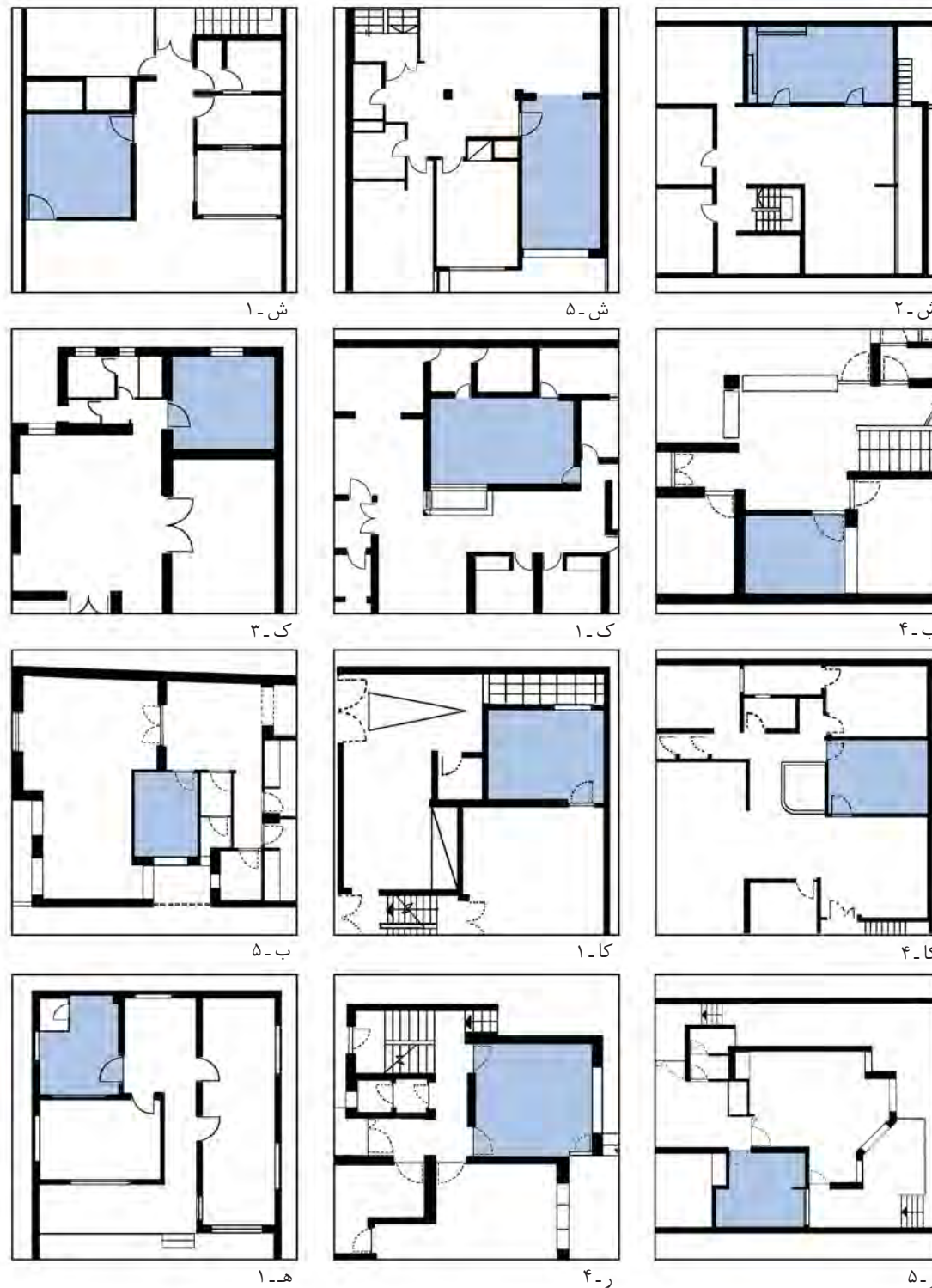
• اتاق‌های خواب

تعداد اتاق‌های خواب در خانه‌های معاصر، معرّف بزرگی و کوچکی و جاداری واحد مسکونی است. به علاوه علی‌رغم کوچکی یا بزرگی اتاق‌های خواب، تعداد بیشتر آنها می‌تواند پاسخگوی تقاضای خلوت فضایی تعداد بیشتری از اعضای خانواده باشد. سرمایه‌گذاران ساخت‌وسازهای مسکونی به ویژه در پروژه‌های انبوه‌سازی و آپارتمان‌سازی، به معمارانی سفارش کار می‌دهند که در مساحت کمتر، تعداد اتاق خواب بیشتر طراحی کنند و شهرداری و ضوابط و مقررات، منعی برای هر چه کوچک‌تر شدن اتاق خواب‌ها ندارد. در خانه‌های معاصر، اتاق‌های خواب، معرّف فضای خلوت هستند. اگرچه در اکثر نمونه‌ها، این فضاها، همجوار با کوچه یا خیابان بوده و از سروصدا، گردوغبار، آلودگی هوا و اشراف بیرون در امان نیستند. در نمونه‌های بررسی‌شده، اتاق‌های خواب، به طور متوسط در حدود یک سوم تا یک دوم کل زیر بنای واحدهای مسکونی خانه‌های معاصر را اشغال می‌کنند و خود به طور دائم در اشغال تخت‌خواب‌ها و اشیایی هستند که به طور متوسط بیش از نیم تا دو سوم سطح اتاق‌ها را در اختیار دارند. به خاطر حضور اشیا، اتاق‌های خواب، اکثراً برای خوابیدن مورد استفاده قرار می‌گیرند و کاملاً تک‌عملکردی شده‌اند و این وضعیت منجر به بلااستفاده ماندن حدود یک سوم از فضاهای خانه

(تصویر ۶-۱۰) گونه شناسایی اتاق‌های خواب در خانه‌های معاصر (۱۳۷۰-۱۳۴۰)



(تصویر ۶-۱۱) گونه شناسی آشپزخانه در خانه‌های معاصر



در طول روز شده است. همچنین از آنجا که با بسته شدن در، می‌توان داخل این اتاق‌ها را از دیدرس محفوظ داشت، این اتاق‌ها زمینه‌ساز به هم‌ریختگی و انبار کردن می‌باشند. در خانه‌های معاصر، حتی اگر اتاق‌های خواب از بسط چشم‌اندازی و نوری برخوردار باشند، از امکان ترکیب با یکدیگر بی‌بهره‌اند.

• آشپزخانه

در بررسی فضای آشپزخانه، در ابتدا، بر اساس یک بررسی تاریخی که در فرایند پژوهش گذار از خانه‌های تاریخی به خانه‌های معاصر بدان دست یافته‌ایم، وضعیت حرکت و جابه‌جایی آشپزخانه از گوشه حیاط و زیرزمین به درون بنا را معرفی می‌کنیم.

انتقال مطبخ (فضای طبخ و پخت‌وپز) از گوشه‌ای در زیرزمین سازمان فضایی خانه‌های تاریخی، به درون سازمان فضایی خانه‌های معاصر، در مکانی نزدیک به فضاهای نشیمن و خواب، تحول مهمی در مسیر ایجاد آسایش و راحتی شیوه زندگی معاصر محسوب می‌شود.

پس از انتقال آشپزخانه به داخل بنا (قسمت بسته) و مستقر شدن در جوار فضاهای نشیمن و مجهز شدن آن از طریق افزایش گنجه‌ها، شیرآلات، لگن‌ها، ماشین‌آلات، چراغ‌ها، رنگ‌ها، مبلمان و از این قبیل، ارتباط فضایی آشپزخانه با فضاهای همجوار نیز، متحول شد.

- ۱- گونه‌شناسی انواع جزء‌فضاها در خانه‌های معاصر
- ۲- گونه‌شناسی نماهای خانه‌های معاصر
- ۳- گونه‌شناسی انواع «حیاط» در خانه‌های معاصر
- ۴- گونه‌شناسی تراس و بالکن
- ۵- گونه‌شناسی فضای پله و ورودی خانه‌ها
- ۶- گونه‌شناسی پاسیوها و نورگیرها در خانه‌های معاصر
- ۷- گونه‌شناسی فضاهای درهم و ارزیابی توانمندی فضایی آنها
- ۸- گونه‌شناسی توان ترکیب و تعریف فضاهای درهم
- ۹- گونه‌شناسی اتاق‌های خواب در خانه‌های معاصر
- ۱۰- گونه‌شناسی آشپزخانه در خانه‌های معاصر
- ۱۱- گونه‌شناسی نحوه استقرار درها پیرامون فضاهای درهم و مجزا
- ۱۲- گونه‌شناسی ارتباط در و دیوار

مکان‌یابی آشپزخانه در درون قسمت بسته سازمان فضایی خانه‌های معاصر، مسیرهای مختلفی را طی کرده است. در یک مسیر، آشپزخانه ابتدا به سمت در ورودی اصلی خانه نزدیک شد تا مواد خام خریداری شده از بیرون منزل سریع‌تر به آشپزخانه منتقل شوند. در مسیر دیگر، به ناحیه امن و بخش میانی قسمت بسته (ن. ک به تصویر ۶- ۲۴) آورده شد. با تعبیه پاسیو و نورگیر از امکان روشنایی و تهویه طبیعی برخوردار شد. اما مهمترین گرایش استقرار این فضا در کنار فضایی بود که به صرف غذا اختصاص داده شده بود و امروزه بدان نهارخوری می‌گویند. در همین مورد اخیر، در ابتدا کوشش شد که از طریق یک دریچه تعبیه شده در دیوار مشترک بین آشپزخانه و نهارخوری، دسترسی لازم بین این دو فضا تأمین شود. سپس دریچه به یک بازشو کامل تبدیل شد و یک در مستقل در دیوار مشترک بین آشپزخانه و نهارخوری تعبیه گردید، بعد در اثر کوچکتر شدن زیربنای خانه‌های معاصر، در مشترک بین آشپزخانه و نهارخوری، حذف و عرض آن گشوده‌تر شد. و آنچه امروزه پذیرفتنی است، باز بودن جبهه مشترک بین نهارخوری و آشپزخانه است، حتی در خانه‌هایی که زیربنا اجازه مجزای بودن این دو فضا را ممکن می‌دارد. پدیده‌ای که در گذشته کاملاً ناپسند بود و سعی می‌شد آشپزخانه دور از انظار باقی بماند.

بر اساس پذیرش این تحول فضایی در شیوه زندگی، اکنون آشپزخانه و نهارخوری به طور متقابل بسط فضایی یکدیگر محسوب می‌شوند و این تحول بر حجم و سطح گروه فضاهای در هم خانه‌های معاصر اضافه می‌کند. به علاوه، هر دو بسط چشم‌اندازی و نوری و هوایی (تهویه‌ای) یکدیگر نیز محسوب می‌شوند. اکنون پذیرش این مقوله به تأثیرگذاری بر آرایش عناصر و اشیا، و طراحی مجدد تأسیسات و تجهیزات خانه و آشپزخانه منجر شده است.

پذیرش این مقوله نمایانگر تأثیر متقابل سازمان فضایی و شیوه زندگی بر یکدیگر است. این پدیده، عکس‌العملی است به دخمه‌ای بودن و دور از دسترس قرار داشتن آشپزخانه، به فقدان نور و تهویه مناسب و نبود چشم‌انداز. و عکس‌العملی بود به نادیده گرفته شدن مرکزیت و اهمیت آشپزخانه در زندگی معاصر. آشپزخانه فعال‌ترین بخش خانه است و بیشترین حضور افراد و اعضای خانواده، به ویژه خانم خانه را در شیوه معاصر زندگی شامل می‌شود. در کاشان در نمونه‌های اولیه خانه‌های معاصر، کف آشپزخانه را همانند سایر اتاق‌ها فرش می‌کرده‌اند و همانند یک اتاق بر زمین آن می‌نشستند و ضمن انجام کارهای آشپزخانه، با هم معاشرت می‌کردند. در بسیاری نمونه‌ها با استقرار یک میز کوچک و چند صندلی، محل غذاخوری خصوصی خانواده در درون آشپزخانه شکل گرفته است. تحول اخیر، راه حلی اجتماعی است که در آن بی‌آنکه به زیربنای خانه افزوده شود، گشایشی در تعریف و ترکیب فضا پدید آمده است.

بدین ترتیب، شکل‌گیری آشپزخانه باز (Open) در درون خانه‌های معاصر، روندی مرتبط با تحولات شیوه زندگی و شهرنشینی داخل کشور را طی کرده و منطقی

نیست که به منظور نقد و ارزیابی، آن را پدیده‌ای وارد شده از غرب در نظر بگیریم. طراحی آشپزخانه باز می‌تواند از شیوه‌های توانمندسازی در معماری خانه‌های تاریخی تبعیت کند و از کیفیت مناسب برخوردار باشد. سیر تحول آشپزخانه در ایران، پژوهش مستقلی را طلب می‌کند.

• سرویس‌های بهداشتی

بر اساس نمونه‌های بررسی شده، آبریزگاه و دستشویی‌های جدید، عموماً به طور مشترک در یک اتاقک طراحی می‌شوند. اتاقک‌های بهداشتی بسیار کم‌فضا و تنگ هستند. به نحوی که به هنگام ورود یا خروج، در به راحتی نمی‌چرخد، آدمی به راحتی عبور نمی‌کند و معمولاً به نور و تهویه مصنوعی نیاز دارند. به همین دلیل برای کاستن از بوی نامطبوع، با روشن شدن چراغ، هواکش نیز با صدایی محسوس شروع به کار می‌کند. عبور از میان دستشویی و رسیدن به آبریزگاه به راحتی انجام‌پذیر نیست، ماندگاری بو و مشخص بودن سروصدا، بر ناخوشایندی و ایجاد شرمگینی می‌افزاید. سیفون شترگلو و سیفون فشار آب برای تخلیه فضولات، دستاورد مهمی به حساب می‌آیند. لیکن، می‌بایست به خوبی مراقبت و نگهداری شوند در غیر این صورت، صدای تخلیه آب سیفون و ریختن و پخش شدن آب در محیط، بر سایر مشکلات اضافه می‌کند. به خاطر اشتراک فضای آبریزگاه با دستشویی در ساعاتی از روز مشکل تعدد مراجعه اعضای خانه و نوبتی شدن استفاده از آنها نیز پیدا می‌شود و معلوم نیست چرا ضوابط موجود طراحی، طراح و سرمایه‌گذار را مجبور نمی‌کند که حداقل تعداد دستشویی و توالت برای یک واحد مسکونی، دو دستگاه باشد. باز شدن در این اتاقک‌های بهداشتی، به داخل فضاهای درهم و اشراف داشتن به داخل آن در شرایط موجود بسیار رایج و آزاردهنده است.



ویژگی‌های سازمان فضایی خانه‌های معاصر (بررسی تطبیقی)

شناخت معماری ایران بر اساس گونه‌شناسی فضاها و چگونگی ارتباط آنها با شیوه زندگی آشکار می‌کند که «معماری» امروز ایران ارائه شیوه‌هایی از سازمان‌دهی فضا را، جهت تواناتر کردن و تأثیرگذارتر بودن شهر و بنا از دستور کار خود حذف کرده است. در طرح و ساخت خانه‌ها و واحدهای مسکونی معاصر، معیار ادراک سه‌بعدی فضا به دو بعد تقلیل یافته، و جزء فضاهای واحدهای مسکونی به قوطی‌های هم‌ارتفاع، با تفاوت‌هایی در ابعاد کف تبدیل شده‌اند. به منظور فروش پُر سودتر، از دهه ۶۰ به بعد در حالی که سطح هر واحد مسکونی کوچک و کوچکتر شده، تعداد اتاق‌ها و فضاهای بسته بیشتر و بیشتر شده است و این در حالی است که در معماری ایران هر عنصر از عناصر سه‌گانه تشکیل‌دهنده فضا یعنی سقف، کف و دیوار از کمیّت مصالحی خارج شده و به شیوه‌های معمارانه به کیفیت و انبساط فضا می‌افزایند.

در معماری خانه‌های تاریخی تبدیل سقف به آسمانه، دیوار به بدنه، کف به فرش، شیوه‌هایی برای جان‌بخشیدن به فضا محسوب می‌شوند.^۱ در معماری ایران برای هر چه بیشتر جان‌بخشیدن به فضا، حد و حصری وجود ندارد. برای مثال، اتاق در خانه‌های تاریخی، برخوردار از فضایی است که توانایی تأثیرگذاری بر کیفیت مکث و حضور آدمی را داراست. هر اتاق با برخوردار از یک تا چند جبهه چشم‌اندازی، از فضایی جاندار برخوردار بوده و عناصر پوششی فضا هم مسئولیت تعریف‌شدن فضا و هم توانمند نمودن آن را جهت ترکیب با فضاهای دیگر برای تحقق و تشویق فعالیت‌های جمعی، امکان تجربه‌های متنوع حضور فردی و اجتماعی، فراهم کرده‌اند و این گستردگی تجربه، به آزادی احساس، تفکر و اقدام منجر می‌شده است. در این شرایط، سازمان‌یابی فضا، به همراه گرامیداشت حضور انسان به تجمع حواس او کمک کرده و زیرساخت حضور آگاه آدمی را فراهم می‌آورده، در حالی که طراحی و ساخت اتاق‌های معاصر به سمت تک‌عملکردی شدن و انباشته‌شدن از اشیا سوق داده شده و از توان ترکیب با سایر فضاها و فراهم کردن تنوع تجربه‌ها تهی گشته‌اند.

۱. در زبان انگلیسی و زبان‌های هم‌خانواده با آن واژه animate کردن که عمدتاً به فیلم‌ها یا تصاویر متحرک اطلاق می‌شود. یادآور و متذکر همین مطلب است.



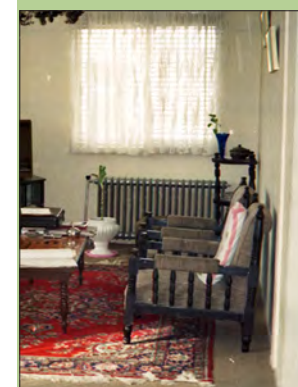
حضور کولر آبی در فضای خانه - کرمان



حضور بخاری در کنج دیوار - شیراز



حضور انواع لوله‌کشی و سیم‌کشی‌های
 تأسیساتی روی دیوارهای خانه - همدان



حضور شوفاژ در زیر پنجره - رشت

ادراک فضایی در خانه‌های معاصر

سازمان فضایی خانه‌های معاصر یکپارچگی ادراک سازمان فضایی از مقیاس کلان شهر تا مقیاس جزء‌فضاها و عناصر و اجزا را از دست داده است. از میان محورهای تشکیل‌دهنده شبکه کلان فضایی جهت استقرار خانه‌ها و واحدهای مسکونی معاصر، اولویت با مسیر دسترسی سواره و بعد جهت شمال و جنوب است.

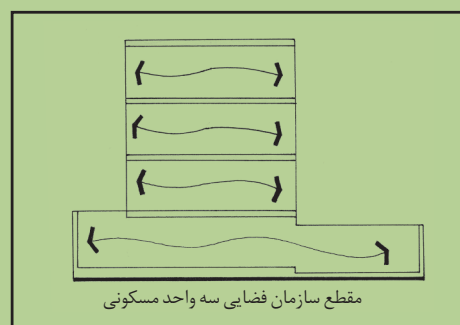
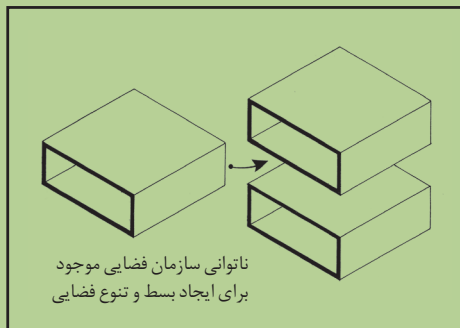
شبکه سه‌بعدی هدایت‌گر سازمان فضایی خانه، از حالت سه‌بعدی به دوبعدی تقلیل یافته است. هر جزء‌فضا نیز برای تحقق یک عملکرد در نظر گرفته شده است. در سه دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰ محتوای تقاضا برای طراحی خانه و واحدهای مسکونی در کشور عبارت بود از همجواری نمودن تعدادی قوطی با ارتفاع ثابت و طول و عرض مختلف، که هر قوطی بتواند مقداری شیء را در خود جای دهد و جای دادن این قوطی‌ها در درون یک قطعه زمین، به نحوی که دسترسی ماشین و جای پارک ماشین، مورد تأیید شهرداری‌ها واقع شود.

چگونگی قرار گرفتن واحدهای مسکونی در الگوی عام آپارتمان‌های سه و چهار طبقه (الگوی) که در زمان انجام پژوهش، الگوی فراگیر در شهرهای ایران بود) نیز تحت تأثیر این شیوه از نگاه به فضا است. سازمان فضایی یک واحد آپارتمانی عبارتست است از یک بخش بسته و یک بخش باز که فضای باز حیاط در مقابل بخش بسته قرار می‌گیرد. بخش بسته حاصل روی هم گذاشته شدن چند مکعب است و امکان بسط فضایی و ایجاد تنوع ارتفاعی را در جزء‌فضاهای هر واحد مسکونی فراهم نمی‌کند. تنها جهتی که برای فضای درون هر واحد مسکونی برای بسط باقی می‌ماند در امتداد محور افقی مکعب است که آن هم با تفکر قوطی‌گرا در درون سازمان فضایی بسیار کمرنگ شده است.

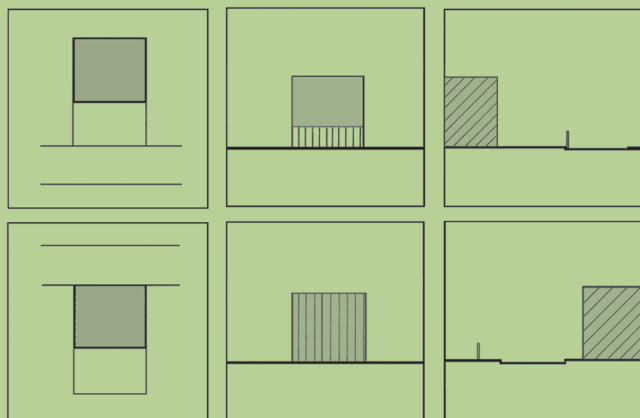
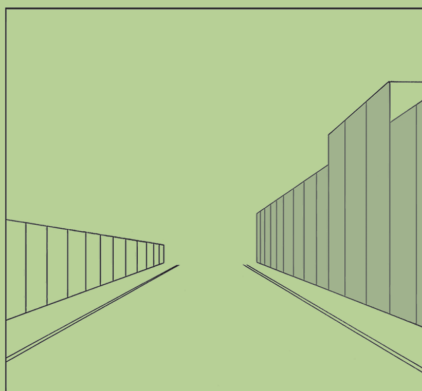
در این شیوه از ادراک فضایی، سازمان فضایی خانه که در خانه‌های تاریخی بصورت همگرا، جوانب‌گوناگون اعم از پاسخگویی به شیوه زندگی، برقراری ارتباط متقابل با طبیعت و تأمین ایستایی و آسایش را نظام می‌بخشید به سمت واگرایی سوق یافته است. در شیوه معاصر سازه، غیر مرتبط با سازمان فضایی رفتار می‌کند و مانند یک لایه مجزا بر آن افزوده می‌شود. در خانه‌های معاصر، پاسخی فضایی برای همساز شدن با طبیعت و دگرگونی‌های آن وجود ندارد و در سیری واگرا، تکنولوژی بدون ادغام در سازمان فضایی خانه جایگزین پاسخ فضایی شده است. تأسیسات حرارتی - برودتی نیز بدون هیچ‌گونه مشارکتی در توانمند کردن فضاها، به اجزا و عناصر بنا الحاق می‌شوند.

(تصویر ۶-۱۴)

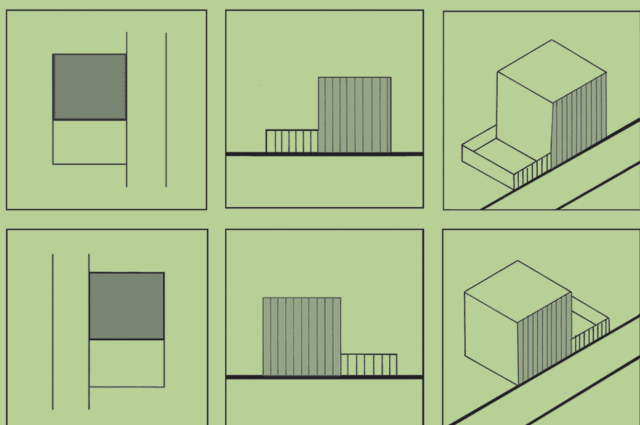
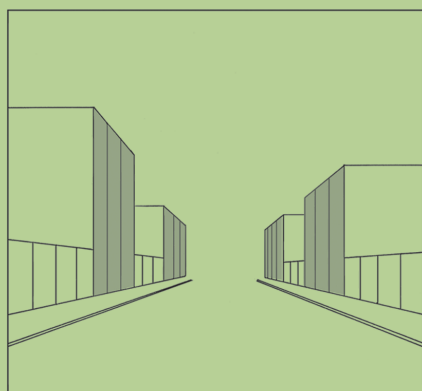
الگوی نوعی سازمان فضایی واحدهای مسکونی سه یا چهار طبقه



بدنه های نامتعادل و نامتجانس فضاهای معابر شرقی-غربی در خانه های شمالی حیاط و چه مشترک با معبر دارد و در خانه های جنوبی، بنا این وجه را داراست



در معابر شمالی-جنوبی، اضلاع شرقی و غربی خانه ها شامل حیاط و بنا، هر دو با شارع وجه مشترک دارند بدنه های نامتعادل و نامتجانس فضاهای معابر شمالی-جنوبی



حضور فضاهای باز، بسته و پوشیده

در ساختمان سازی های مسکونی معاصر، گونه گونی فضاهای باز و پوشیده به میزان زیادی کاهش یافته تا آنجا که اصل وجود آنها نیز، مورد تردید قرار گرفته و تنها به کنار هم قرار دادن تعدادی فضای بسته کوچک و بزرگ اکتفا شده است و این فضاها بدون وجود حریم و مفصل بندی در میان آنها، خانه و واحد مسکونی معاصر را شکل داده اند. این قسمت از فضای بسته خانه با فضاهای باز تعریف نشده ای به نام «حیاط» و «معبر» همجوار گشته اند. بررسی ها مشخص کرده اند که در حد فاصل سال های ۱۳۷۴-۱۳۴۰ (محدوده زمانی مورد مطالعه در این کتاب)، حضور فضاهای سرپوشیده در سازمان فضایی خانه ها و واحدهای مسکونی معاصر به حداقل رسید و روند تقلیل و به حداقل رسیدن حضور فضاهای سرپوشیده تا زمان به زیر چاپ رفتن این کتاب، همچنان ادامه دارد.

به موازات روند تقلیل حضور فضاهای باز و پوشیده، توان جزء فضاهای بسته نیز در تعریف، ترکیب و متمایز بودن تقلیل یافته است، معادل این نزول، آن است که جزء فضاها (اتاق ها) در واحدهای مسکونی معاصر بدون برخورداری از حریم و مفصل بندی و امکانات ترکیب و چشم انداز، تنها نام اتاق را حفظ و بازار را اشباع کرده اند.

در خانه های معاصر چنانچه پس از ورود به ساختمان قرار باشد برای ورود به واحدهای مسکونی از مسیر پله ها عبور کنیم، به علت اینکه در ورودی به واحدهای مسکونی در داخل پاگردها طراحی شده و عرض پاگرد بر اساس تفکیک فضا برای عبوری های پله و دسترسی به ورودی های واحدهای مسکونی پیش بینی نشده است، میان حریم فضایی مکث در مقابل ورودی خانه و حریم های عبوری پله تداخل ایجاد شده و باعث مغشوش شدن این فضا شده است.

در داخل هنگامی که تعدادی از جزء فضاهای سازمان فضایی خانه های معاصر، فاقد توان تعریف شدگی باشند، بخشی از فضاهای خانه به صورت «درهم» ارائه می شوند. معمولاً محدوده فضایی ورود به خانه در داخل، گذار به اتاق ها، فضاهای پذیرایی و تجمع به صورت درهم ارائه می شوند. در سازمان فضایی واحدهای مسکونی معاصر، علاوه بر فضاهای درهم، جزء فضاهایی نیز به صورت تکه فضاهای جدا افتاده و مجزا از فضاهای درهم حضور دارند، و این امر باعث تجمع درها در اطراف فضاهای درهم شده است. این شکل از تجمع درها، نقش تعریف کننده و تأثیرگذار بدنه ها را کاهش می دهد. هر دری که گشوده می شود به طور بالقوه مسیری را برای عبور و امکانی را برای ترکیب دو فضای دو طرف خود مطرح می کند. در این شیوه از سازمان یابی، ترکیب فضاهای درهم و مجزا و تعدد درها و تقاطع مسیرها، وضوح و خوانایی فضاهای داخل خانه را کاهش می دهد.

بررسی حدود ۶۰ نمونه از خانه های معاصر نشان می دهد که «حریم در» خانه های معاصر، در اغلب موارد نادیده گرفته شده است. اکثر درها، حریم ندارند و به یک سطح جداکننده تقلیل یافته و فضایی متناسب با موقعیت هر در به عنوان حریم های مکث

(تصویر ۱۶-۶) در جلوی اتاق، فضایی کم عرض به یادگار ایوان



شیراز



همدان

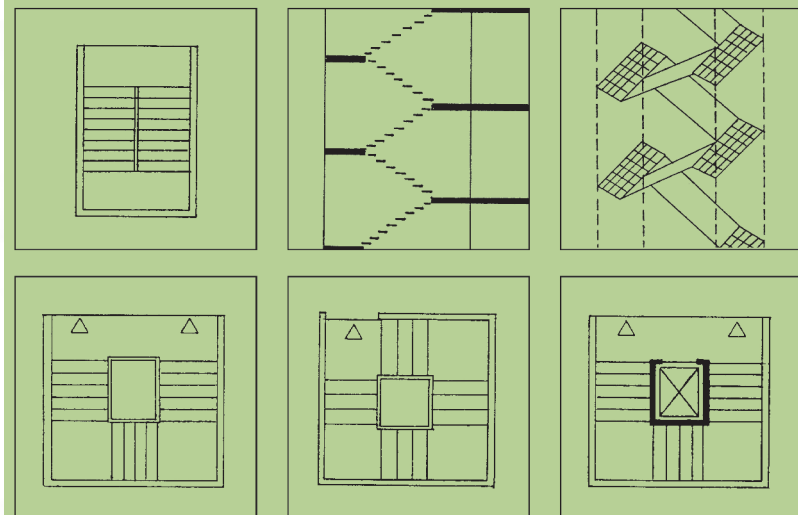
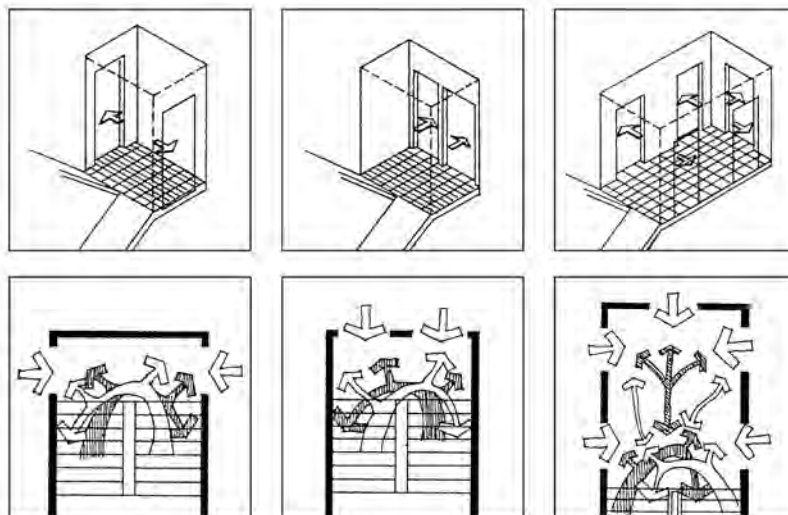
(تصویر ۱۷-۶) اشراف به فضای ایوان مانند، امکان حضور و مکث ساکنان را کاهش داده است



شیراز

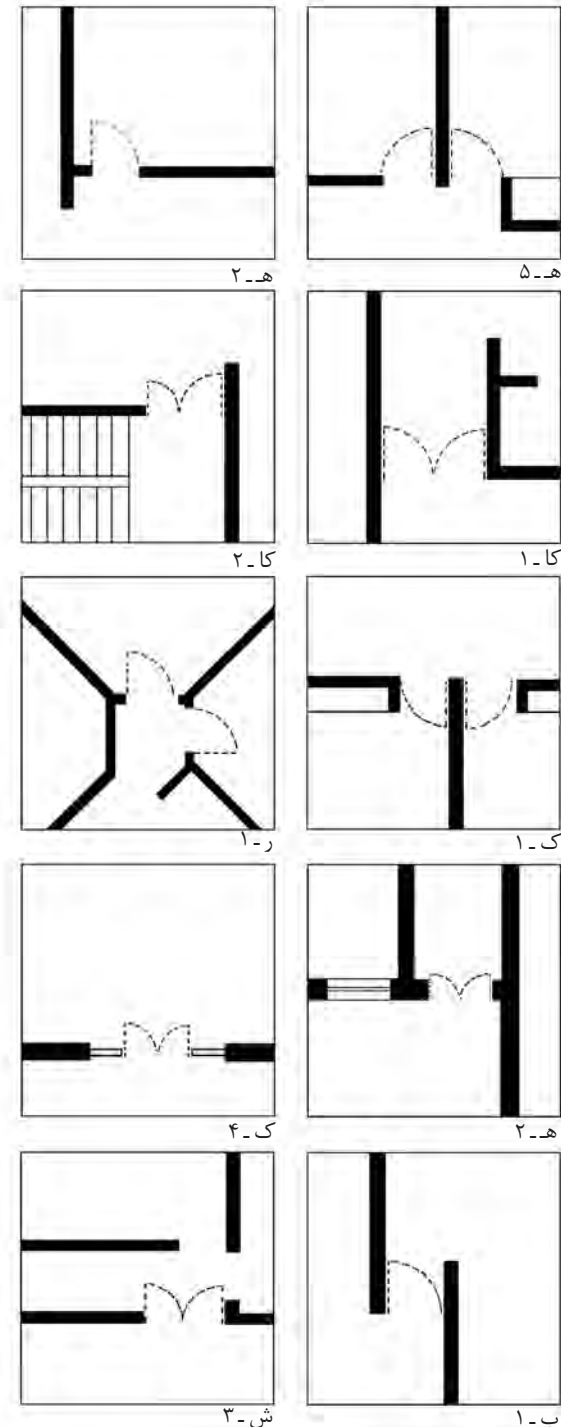
همدان

(تصویر ۱۸-۶) الگوهای نوعی مواجهه با پله، پاگرد و پیش ورودی ها در خانه های معاصر



- ۱- گونه‌شناسی انواع جزء‌فضاها در خانه‌های معاصر
- ۲- گونه‌شناسی نماهای خانه‌های معاصر
- ۳- گونه‌شناسی انواع «حیات» در خانه‌های معاصر
- ۴- گونه‌شناسی تراس و بالکن
- ۵- گونه‌شناسی فضای پله و ورودی خانه‌ها
- ۶- گونه‌شناسی پاسیوها و نورگیرها در خانه‌های معاصر
- ۷- گونه‌شناسی فضاهای درهم و ارزیابی توانمندی فضایی آنها
- ۸- گونه‌شناسی توان ترکیب و تعریف فضاهای درهم
- ۹- گونه‌شناسی اتاق‌های خواب در خانه‌های معاصر
- ۱۰- گونه‌شناسی آشپزخانه در خانه‌های معاصر
- ۱۱- گونه‌شناسی نحوه استقرار درها پیرامون فضاهای درهم و مجزا
- ۱۲- گونه‌شناسی ارتباط در و دیوار

(تصویر ۶-۱۹) گونه‌شناسی در و دیوار در خانه‌های معاصر (۱۳۴۰-۷۰)



(تصویر ۶-۲۰) گونه‌شناسی نحوه استقرار درها پیرامون فضاهای مجزا (اطاق‌های خواب و سرویس‌ها) و درهم (اطاق‌های نشیمن و پذیرایی و نهارخوری و ورودی)



(تصویر ۶-۲۱) تبدیل شدن فضای باز خصوصی به فضایی برای انبار وسایل-رشت



(تصویر ۶-۲۲) تقلیل فضای باز مرکزی به نورگیری در داخل خانه-کرمان



(تصویر ۶-۲۳) فضای باز تبدیل به فضایی باز در حد فاصل معبر و ساختمان شده است- شیراز



در خانه‌های معاصر، بخشی از مساحت قطعه زمین به فضای باز - با عنوان حیاط - اختصاص دارد، این فضاها فاقد «خاصیت حیاط» هستند. اگرچه از عناصر اصلی تعریف‌کننده حیاط یعنی دیوار و کف برخوردارند. دیوارها فقط نقش جداکننده یافته‌اند و تا آنجا که در حالت ایستاده از بیرون، درون را مخفی کنند، بلندی می‌گیرند و در مواردی فقط نشان‌دهنده حدود مالکیت می‌باشند. مسئولیت آنها در تعریف فضای باز و ایجاد فضایی جهت تجربه حضور در «اتاقی سرپاز» و بدون اشراف مطرح نیست. به خاطر فقدان دیوارهای متناسب و جاندار، حیاط‌های معاصر به فضاهای نامعلومی که بناها را از خیابان‌ها جدا می‌کنند، تبدیل شده‌اند. در مجتمع‌های مسکونی که فضای باز آنها در شمال یا جنوب بنا واقع شده و هنوز نام حیاط به آنها اطلاق می‌شود، این حیاط‌ها، فضاهایی عبوری هستند که اگرچه به مالکیت خصوصی تعلق دارند، لیکن جز عملکرد عبور و توقف ماشین، امکان دیگری را برای ساکنان فراهم نمی‌آورند و با حذف شدن باغچه گل و سبزی و حوض، حداقل مشارکت در تلطیف محیط محله و شهر و جذب آلودگی را نیز ایفا نمی‌کنند و خاصه فضاهای باز واقع در جنوب بنا، کاملاً مورد اشراف واقع شده‌اند. در خانه‌هایی که بنا و ورودی اصلی در شمال قطعه زمین و حیاط در جنوب آن واقع شده است و فضای بسته خانه جنوبی، بدنه جنوبی حیاط را تشکیل می‌دهد، حیاط به خاطر برخورداری از تعریف و حداقل اشراف می‌تواند از وضعیت تأثیرگذارتری برخوردار باشد. این شیوه از قرارگیری فضاهای باز و بسته در قطعات تفکیکی و بی‌توجهی به تعریف آن‌ها سبب شده است که کوچه‌ها و معابر نیز فضاهایی رها شده و بدون تعریف باشند. بی‌توجهی به تعریف و کاستن از توان هر جزء فضا، به صورت پی‌درپی و پیوسته به ایجاد فضاهای بی‌اثر و بی‌شکل منجر شده است.

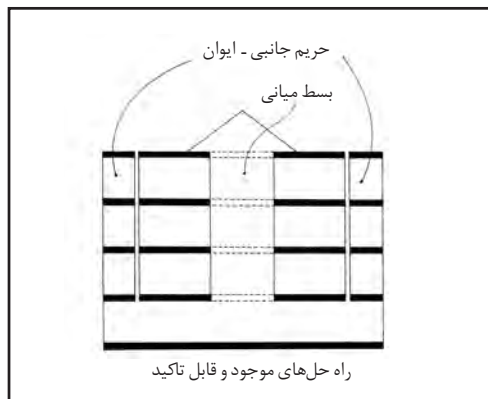
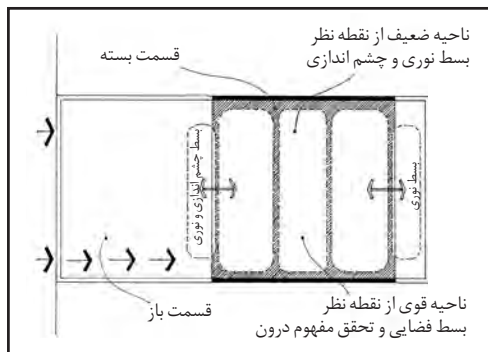
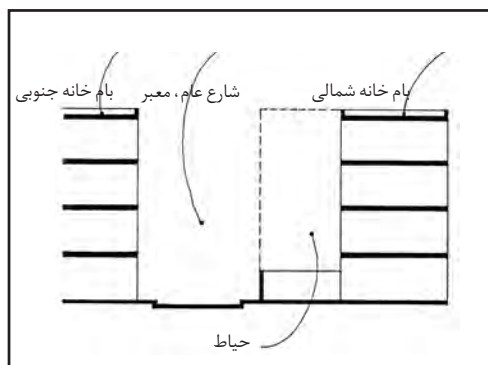
مفهوم درون در خانه‌های معاصر

یکی از عملکردهای خانه، تأمین شرایطی است که افراد ساکن در خانه بتوانند جایی برای خود پیدا کنند که ایمن باشد و در آنجا به نحوی که آموخته و عادت کرده‌اند، خلوت کنند و از نقطه‌نظرهای روحی و جسمی قوای خود را باز یابند. مصداق فضایی این شرایط در این کتاب، درون نام گرفته است.

در خانه‌های معاصر از خیابان یا کوچه به حیاط که می‌آییم، درون را نمی‌یابیم. حیاط‌ها، دیگر داخل یا درون به حساب نمی‌آیند. دیوارهای پیرامونی، آنها را به اندازه کافی تعریف نکرده و حس در بر گرفتگی نیز ایجاد نمی‌شود و شیوه زندگی آنها را به توقفگاه ماشین و مسیرهای عبوری تبدیل کرده است. اکنون حیاط‌ها، فضاهای بلا تکلیف و گذری هستند که به شدت اشراف دارند. نقش حیاط‌های معاصر شمالی را می‌توان به عنوان حد فاصلی بین معبر و بنا به حساب آورد. هنگامی که وارد بنا می‌شویم، فضای پله و پاگردها با فعالیت‌هایی که درون آنها رخ می‌دهد تناسب ندارند و فضاهای مکث و عبور با یکدیگر تداخل یافته‌اند. به سطحی عمودی می‌رسیم که در ورود به واحد مسکونی است. فضای ورودی به یک «در» تقلیل یافته است و هیچ‌گونه تشخیص و حریم فضایی مستقل ندارد و به علت عدم وجود حریم‌های درون خانه به محض ورود در معرض دید و اشراف قرار می‌گیرند.

وارد می‌شویم. تعدادی در و پنجره می‌بینیم که در اطراف فضاهایی درهم واقع شده‌اند. به طرف درها می‌رویم، آنها را می‌گشاییم و امیدواریم که درون را پیدا کنیم. وارد اتاق می‌شویم. به طرف پنجره‌ها می‌رویم. آنها را می‌گشاییم و دوباره خیابان، کوچه یا بیرون، پدیدار می‌شود. این شکل از سازمان فضایی با طرح‌های موجود مربوط به دیوار و پنجره، قادر نیستند فضاهایی را که بر شمرده‌ایم به درون بدل کنند.

(تصویر ۶-۲۴) الگوی نوعی طراحی واحدهای مسکونی ۳ یا ۴ طبقه، محدودیت‌ها و نقاط ضعف سازمان فضایی واحدها



مسلماً شیوه طراحی و سازماندهی فضا می تواند به تأمین درون بیانجامد و آگاهانه فضایی را مناسب تحقق درون طراحی کند. اما آنچه از بررسی بیش از ۶۰ نمونه خانه معاصر مشخص می شود آن است که در هیچ یک از این نمونه ها تأمین درون به عنوان یک هدف در سازمان فضایی آنها مدنظر نبوده و این مفهوم در این خانه ها تحقق فضایی نیافته است.

امن ترین ناحیه در قسمت بسته خانه های معاصر از نقطه نظر صوت و اشراف، ناحیه میانی در حد فاصل دو جبهه باز قرار دارد. شاید تنها در این ناحیه است که مفهوم «درون» در خانه های معاصر بتواند محقق شود، لیکن در بسیاری موارد این ناحیه به پله دسترسی به طبقات و در ورودی، پاسیو و مسیرهای عبوری تخصیص می یابد، چرا که این ناحیه از نقطه نظر وجود نور و هوای مستقیم، ضعیف ترین ناحیه فضای بسته خانه های معاصر است. این در حالی است که تغییر شیوه استقرار فضاهای باز و بسته در سازمان فضایی خانه های معاصر و ایجاد فضای باز در میان و قرارگرفتن فضاهای بسته در پیرامون، می تواند شرایط را برای ارتقا کیفیت فضایی این بخش میانی و تحقق درون در آن فراهم کند.

خانه و محل سکونت به مثابه با ثبات ترین فضای مکتب در طول شبانه روز محسوب می شود. با توجه به عدم تأمین مفهوم درون، چنین فضایی می تواند فضای موقت نام گیرد و زندگی در فضایی که حالت، فرم و مضمونش موقت است، شخصیتی بی ثبات به خود خواهد گرفت.

(تصویر ۶- ۲۵) فقدان حریم های داخلی و خارجی



درها در همه جبهه های یک فضای نشیمن باز می شوند، قلمرو مکتب و عبور درهم شده است - کرمان



انتقال سرویس های بهداشتی به فضاهای داخلی خانه، در سرویس بهداشتی به نشیمن گشوده می شود - رشت



فضای عبور به بالکن از میان فضای نشیمن (مکتب) می گذرد - کاشان

(تصویر ۶- ۲۶) اهمیت یافتن نقش اشیا در درون
جزء فضاهای خانه‌های معاصر



همدان



کاشان



شیراز



همدان

خانه‌های معاصر و شیوه زندگی

بررسی ارتباط شیوه زندگی و سازمان فضایی در خانه‌های معاصر برای تدوین این کتاب، نشان داده‌اند که در نیم‌قرن گذشته، مشارکت سازمان فضایی خانه‌های معاصر در ارتقای شیوه زندگی کاستی گرفته است.

دست یافتن به این حکم در بررسی مقایسه‌ای با تأثیر سازمان فضایی خانه‌های تاریخی بر شیوه زندگی آن دوران میسر شد. بررسی اینکه چه شرایطی شیوه زندگی را با آن همه ابعاد گسترده در چند عملکرد خلاصه کرده (نشستن، خوابیدن، پختن، خوردن، شستن و از این قبیل) و سازمان فضایی را به کنار هم نهادن چند قوطی محدود ساخته است، به تحقیق دیگری نیاز دارد، اما نتایج آن در عرصه طراحی و اجرای بناهای مسکونی کاملاً مشهود است. و آن عبارتست از به حداقل رساندن استفاده از فضا و به حداکثر رسانیدن استفاده از مصالح، تا آن حد که در سازمان فضایی این‌گونه خانه‌ها، تنها تعداد محدودی عملکرد به شیوه‌های ناقص قادر به حیات هستند.

سازمان فضایی خانه با حذف فضاهای بینابینی (انواع راهروها، پیش‌اتاق‌ها، پیش‌فضاها، حریم‌های اتصال‌دهنده و جداکننده) توانایی خود را در ایجاد قلمروهای مختلف خصوصی و عمومی خانه برای استفاده‌کنندگان فضا، از یک نفر تا کل اعضای خانواده و گروه‌هایی با تعداد بیشتر از دست داده است. به این ترتیب، مشارکت سازمان فضایی خانه در ارتقای کمی و کیفی شیوه زندگی، معنای خود را از دست داده است و سازمان فضایی زندگی خانواده نه تنها فضایی برای خلوت پدید نمی‌آورد، حتی رغبتی نیز برای حضور گروهی افراد ایجاد نمی‌کند.

بی‌توجهی به نقش عناصر تشکیل‌دهنده فضا (سقف، کف و دیوار) منجر به بی‌توجهی به نقش فضا در تأثیرگذاری بر حال و هوا و شیوه زندگی ساکنان خانه می‌شود. شکل این بی‌توجهی، «سطح» شدن و مضمون این بی‌توجهی تک‌نقشی شدن عناصر تشکیل‌دهنده فضا است. این وضعیت، درجات توان تأثیرگذاری فضا را پایین می‌آورد و به صورت پی‌درپی و پیوسته به سایر جزءفضاها و عناصر سرایت می‌کند. فضاها و عناصر همچون پله، ورودی، پنجره و بالکن به جعبه و سطح تبدیل می‌شوند. سطح‌ها، نوارهای باریک می‌شوند و به تدریج این امر تا حذف فضا و عناصر پیش می‌رود. حیاط‌های خانه‌های معاصر به سبب کوتاهی و مسطح بودن بدنه‌هایشان فاقد تأثیرگذاری هستند. نقش فضا در درون اتاق‌ها و محدوده‌های درهم خانه در اثر این بی‌توجهی به تدریج کاهش یافته و اکنون مصالح و اشیا به جای فضا ایفای نقش می‌کنند. اهمیت یافتن اشیا در خانه به تدریج افزایش یافته و اکنون تا مرحله اشغال و اشباع فضا پیش رفته است. به نحوی در خانه‌های تاریخی فضا بدون وابستگی به اشیا، امکان انتخاب آزادانه فعالیت را برای ساکنان مهیا می‌کرد، اما در خانه‌های معاصر، حضور اشیا، ساکنان را به انجام فعالیت‌های محدود، محدود می‌کند. یک چوب‌رختی کنار در اصلی، یعنی فضای ورودی، چند صندلی در اطراف یک میز، یعنی فضای نهارخوری، تجمع چند مبل و صندلی، یعنی فضای

در درون فضاهایی سترون (فاقد کیفیت و معنا) شب و روز می‌گذرانند و امکان بهره‌گیری از توانمندی فضا و تنوع فعالیت را تجربه نمی‌کنند، به تدریج با گذشت ایام، ساکنان انرژی از دست داده در بیرون خانه را در درون فضاهای مسکونی خود نیز، باز نمی‌یابند.

ما معماران نیز به عنوان سازمان دهنده فضا، فراموش می‌کنیم که پیش از این، شیوه‌هایی از سازمان‌دهی فضا وجود داشته است که آگاهانه، خشکی و بی‌روحی را از فضا خارج کرده و حضور آدمیان را گرمی می‌داشته است.

فرایند طراحی (سازمان‌دهی آگاهانه فضا) در شرایط موجود، برای خانه‌های معاصر، بسیار خلاصه شده تا آنجا که نقشه مسطح، مورد تأیید شهرداری قرار گیرد، پیش‌تر نمی‌رود. فرایند سازمان‌دهی فضای خانه در سه بعد به حل پلان در سطح تقلیل یافته است، آن هم در جهت منفعت یک طرف از بهره‌برداران فرایند تولید خانه/ واحد مسکونی. تعداد کثیری از معماران معاصر فعال در شهرها نیز، نقش خود را در قالب «طراحی پلان» و تهیه‌کنندگان نقشه‌های مسطح پُر اتاق بازیابی می‌کنند.

نشیمن. یک تخت‌خواب، یعنی فضای خواب. در اکثر پاسخ‌های دریافت‌شده درباره سؤال نسبت اشیا به فضا، معلوم شد که ساکنان خانه‌ها، بدون برخورداری از ادراک فضایی، جزء فضاهای را با اشیای مختلف اشباع می‌کنند و آسایش را در قالب بهره‌وری بیشتر از اشیا معنا می‌کنند. چنان‌که در فضاهایی مانند اتاق خواب و آشپزخانه به حضور مسلط اشیا اشاره کرده‌اند. به همراه جایگزین شدن اشیا و حذف فضا، و با توجه به امکان استاندارد کردن اشیا، فضاها نیز مشابه شدند و بر اساس حضور اشیا طراحی شدند و نه با توجه به فعالیت‌های متنوع انسانی. در این فرآیند فضا نیز خود به یک شیء بدل شده است. شناخت چگونگی تحقق این روند خود نیازمند پژوهش‌های دیگر است. چنین روندی، نتیجه‌ای جز محدود کردن حضور تعدد فعالیت‌های انسان در بر نخواهد داشت.

فراگیر شدن حضور اشیا بر صداهایی که درون خانه شنیده می‌شوند نیز تأثیر بسزایی گذاشته است. انسان در مواجهه با صوت دارای یک آستانه تحمل است. افزایش صداها در خانه که از عواقب حضور اشیاء متعدد در خانه است در دراز مدت تأثیرش را بر کیفیت زندگی ساکنان خانه‌ها بر جای خواهد گذاشت. میزان افزایش صدا در اثر حضور اشیا در خانه، پژوهش‌های دیگری را می‌طلبد. در اینجا تنها به تعدادی از این اصوات اشاره می‌کنیم که باید مجموعه صداهایی که در بیرون از خانه نیز تولید می‌شوند بر این فهرست افزود:

– صدای سیفون یا سیفون‌ها؛

– صدای هواکش یا هواکش‌ها؛

– لرزش پنجره‌ها و شیشه داخل قاب پنجره‌ها؛

– باز و بسته کردن شیرهای آب (اعم از مواردی که واشر سالم یا معیوب است)؛

– صدای موتور یخچال و فریزر؛

– صدای ماشین رختشویی و جارو برقی، به هنگام استفاده؛

– سایر صداهای تولیدشده مقطعی در اثر روشن شدن تلویزیون، رادیو، لوازم صوتی و تلفن؛

– صدای موتورخانه؛

– صدای کولر، پنکه یا فن‌کوئل؛

... (در زمان انجام این پژوهش هنوز موبایل به بازار نیامده بود و تعداد کامپیوتر در خانه‌ها بسیار اندک بود).

سازمان فضایی خانه‌های معاصر اکنون محل تجمع مقداری تخت، میز، مبل، صندلی و ستون هستند. بر حسب امکان، فرش، موکت یا موزائیک بر کف و چراغ و آویزی بر سقف و شومیز و کولری بر سقف و دیوارها، این سازمان را شکل و معنا می‌بخشند. به خاطر بی‌توجهی به جان‌عنصر معماری یعنی دیوار، سقف و کف و رعایت نکردن معیارهای تعریف‌شدگی، قابلیت ترکیب و تشخیص فضا، مصالح ساختمانی و اشیای عملکردی، سازمان فضایی خانه را شکل داده‌اند. ساکنان



فرایند و معیارهای طراحی

مقدمه

بخش اول:

مفاهیم و مصادیق فضایی در خانه‌های تاریخی و معاصر

ادراک فضایی

شبکه فضایی کلان / سازمان فضایی سه بعدی

شیوه های توانمندسازی فضا

تعریف فضا / ترکیب فضا / نمایش فضا / ایستایی فضا / سازگاری فضا

گونه های فضایی

باز / پوشیده / بسته

عناصر و اجزاء تشکیل دهنده فضا

در / پنجره / کف / دیوار / سقف

پویایی فضایی - فعالیتی

عبور کردن - وارد شدن / زندگی با طبیعت / از خلوت تا معاشرت / تنوع عملکردی / ذخیره کردن

حالات فضایی

قلمرو / عظمت و اعجاب / گشایش و دلبازی / هدایت و جهت یابی

بخش دوم:

معیارهای طراحی خانه

معیارهای کلان در مقیاس شهر

قطعه بندی و تفکیک زمین / معیارهای برخاسته از مکان و زمان / نقش مجاورت ها / نقش بام به مثابه فضای باز

معیارهای کلان در مقیاس بنا

معیارهای طراحی خانه ، برخاسته از شیوه زندگی

توانمندسازی فضا

شبکه سه بعدی فضا / تعریف فضا / ترکیب فضا / نمایش فضا

معیارهای طراحی عناصر و اجزای تشکیل دهنده فضا

کف / دیوار / سقف / در

اتود

ورودی / پله / پاسیوها / حیاط‌های فرعی / تراس و بالکن / فضاهای درهم / آشپزخانه / اتاق‌های خواب / سرویس‌های بهداشتی / بام

مقدمه

فصل هفتم، آخرین فصل این کتاب است و هنوز تا شناخت معماری ایران کارهای بسیار باقی مانده است. آنچنان که در طول شش فصل گذشته پرسش‌ها و موضوعات متعددی مطرح شده‌اند که نشان می‌دهند، حوزه‌های فراوانی باقی مانده که نیازمند روشنگری، کنکاش و جستجوگری است.

در این کتاب کوشش شده است تا حاصل پژوهشی که در طی قریب به سی سال متمادی همراه زندگی نگارنده بوده و در طی این سال‌ها بسط یافته و تدقیق شده، تدوین شوند.

در فصل دو تلاش بر آن بود تا فرآیند چندین ساله چگونگی مواجهه نگارنده با پدیده خانه، خانه‌های تاریخی و خانه‌های معاصر، شرح داده شود. فرآیندی که متشکل است از: مشاهده، تلاش برای مشاهده بدون قضاوت، ثبت مشاهده، یادگیری، طرح پرسش و دوباره مشاهده، ثبت، پرسش و ...

این روند همچنان ادامه دارد و هر زمان فهم‌های جدیدی حاصل می‌شود.

حاصل این فرآیند، تا اینجا در ۶ فصل با شما در میان گذاشته شد. در فصل سوم دیدیم که مفهوم خانه چگونه در فضای خانه‌ها و چگونگی سازمان‌یابی فضا در اقصی نقاط جهان و در طول زمان انعکاس یافته و متفکران، پژوهشگران و نویسندگان ایرانی و خارجی، چگونه به این موضوع پرداخته‌اند. در فصل چهارم، چگونگی ارتباط میان شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه در خانه‌های تاریخی و معاصر مطرح شد و دستاوردهای خود را که حاصل از پرسشگری و گفتگو با ساکنان این خانه‌ها بود طرح کردیم و دیدیم که چگونه تفکر ارتباط دهنده به این دو (شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه)، در این دو نوع خانه، که هر دو در یک سرزمین و در فاصله اندک زمانی از یکدیگر ساخته شده‌اند، دگرگون شده است.

در فصل پنجم نمونه‌های گسترده‌ای از خانه‌های تاریخی در شهرهای مختلف کشور را بررسی کردیم و در این بررسی، بر فضا، گونه‌های مختلف آن و چگونگی سازمان‌یافتن فضا در این خانه‌ها متمرکز شدیم و الگوهای فضایی را شناسایی کردیم که ساکنان این سرزمین، آن الگوهای فضایی را بر اساس چگونگی ادراک فضایی خود از سرزمینی که در آن می‌زیسته‌اند، تاریخ آن سرزمین و فرهنگ زندگیشان در طی قرون پدید آورده و بکار بسته‌اند.

در فصل ششم، بر اساس شاخص‌های سنجش توانایی فضاها و جزءفضاها که از بررسی خانه‌های تاریخی به دست آمده بودند به بررسی خانه‌های معاصر پرداخته شد.

اکنون در فصل هفتم تمامی آنچه در شش فصل گذشته مطرح شده‌اند را برای دست‌یافتن به راهبردهای طراحی خانه‌های معاصر در کنار یکدیگر می‌گذاریم. در بخش اول این فصل، مفاهیم و مصادیق حاصل شده از بررسی خانه‌های تاریخی و معاصر را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم و در بخش دوم در پی شناخت حاصل شده از این مقایسه به طرح معیارهای راهبردی طراحی در سه مقیاس خواهیم پرداخت: مقیاس شهر، مقیاس بنا و مقیاس عناصر و اجزاء خانه.

بخش اول

مفاهیم و مصادیق فضایی در خانه‌های تاریخی و معاصر

اولین بخش فصل هفتم اختصاص دارد به ثبت، تعریف و مقایسه مفاهیم و مصادیق حاصل‌شده از بررسی خانه‌های تاریخی با وضعیتی که سازمان فضایی خانه‌های معاصر و مجتمع‌های مسکونی بدان دچار هستند. مجموعه مفاهیم و مصادیق به دست‌آمده از بررسی خانه‌های تاریخی و تطبیق آنها با سازمان فضایی خانه‌های معاصر به صورت یک جدول در چهار ردیف و ۴۸ ستون ارائه شده است. نتایج این جدول، زمینه را برای تدوین راهبردها و معیارهای طراحی و احداث خانه‌های معاصر فراهم می‌کند.

عناوین واقع در ردیف اول و دوم جدول مقایسه‌ای مفاهیم و مصادیق فضایی در خانه‌های تاریخی و معاصر، بیانگر این وضعیت است که سازمان فضایی خانه‌های تاریخی پیش از شکل‌گیری، معیارهایی فراتر از حد و حدود زمینی که در آن قرار دارد و پیرامون بلافضلی را که با آن مجاور است، در نظر می‌گرفته است. آنچه ذیل عنوان ادراک فضایی، شبکه فضایی و سازمان فضایی آمده، نشانگر وجود آگاهی و ضرورت کسب دائمی آگاهی در مقیاس کلان است. آگاهی از سرزمینی که در یک قطعه زمین خرد آن، قرار است خانه‌ای ساخته شود. آگاهی فضایی مقیاس کلان در تعریف و معرفی یک شبکه فضایی انعکاس می‌یابد. شبکه‌ای که محورهای اصلی آن همچون خط‌الرأس‌ها، خط‌القعرها، مسیر آب‌های زیر و روی زمین، جهات تابش خورشید و وزش بادهای، مرزهای همجوار با خرده‌اقلیم‌های پیرامون مانند بیابان، مزرعه، جنگل، جلگه، میزان شیب زمین و مکان‌های استقرار، شخصیت سرزمین را معرفی می‌کنند.

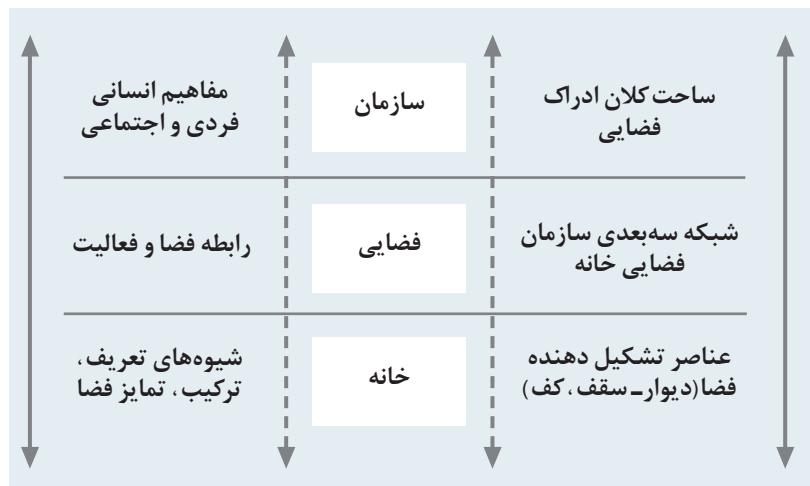
این شبکه گسترده بر سرزمین، در فرایند تجربه‌های طولانی زیستن بطور دائم تصحیح و تکمیل شده‌اند. آگاهی از شبکه فضایی حاصل‌شده از ترکیب محورها و خطوط سرزمینی، پیش‌شرط سازمان‌یابی فضا در خانه‌های تاریخی بوده و ویژگی چنین شبکه‌ای آن است که به موازات افزایش دانش محیطی و رشد کمی و کیفی جامعه، شبکه فضایی کامل‌تر می‌شود و جهات دیگری همچون محورهای آیینی بر آن افزوده می‌شود. این شبکه، بخشی از دانش بومی معماری ایران را شکل می‌داده و به صورت شفاهی در درون سینه معماران، جغرافی‌دانان و محیط‌شناسان سرزمین‌های مختلف کشور حضور داشته، از یک نسل به نسل بعدی منتقل می‌شده و در هر دوره و هر انتقال، راه تکامل می‌پیموده و راهگشای سازمان‌یابی فضا در بناهای مسکونی و غیر مسکونی بوده است. سعی بر این بوده تا ویژگی چندجانبه بودن دانش معماری ایران در «جدول بررسی تطبیقی مفاهیم و مصادیق» منعکس شود.

سازمان فضایی خانه در درون شبکه فضایی سرزمینی جای‌گرفته و به موازات رعایت

اقوام ساکن شده در سرزمین ایران، طی قرن‌ها در درون فضای باز، بسته و پوشیده روزگار گذرانیده و فرهنگ فضای شکل گرفته بر شیوه زندگی مردمان این سرزمین تأثیر گذاشته، به نحوی که همواره بخشی از فعالیت‌های زندگی فردی و اجتماعی درون یکی از انواع این سه‌گونه فضا جریان داشته است. بر اساس جدول مقایسه‌ای آنچه تا این جا در فرایند شکل‌گیری خانه موثر بوده عبارتند از:

- وجود محورها و خطوط کلان سرزمینی و جهات آیینی؛
 - وجود گونه‌های فضایی باز، بسته و پوشیده؛
 - استقرار جزءفضاهای سازمان فضایی خانه بر محورهای زمین و آسمان و در میان لایه‌های فضایی بام و زیرزمین؛
 - رعایت قلمروهای عمومی و خصوصی ساکنان.
- اقدام به سازمان‌دهی فضا برای خانه‌های تاریخی، تمام قطعه زمین را شامل می‌شده و بر اساس نتایج بر شمرده در بالا، تعداد مشخصی جزءفضا در درون محورهای شبکه سه‌بعدی به صورت باز، بسته و پوشیده متعلق به قلمروهای عمومی و خصوصی ساکنان شکل می‌گرفتند.

(تصویر ۷-۱) نمودار تفکر یکپارچه و همه‌جانبه نگر در طراحی سازمان فضایی خانه



شرح چگونگی قرارگیری جزءفضاها در درون شبکه فضایی نامرئی خانه‌های تاریخی در جدول مقایسه‌ای آورده شده است. ویژگی قابل تأمل این فرایند ثبت شده در جدول مقایسه آن است که، فرایند سازمان‌دهی فضا در برگیرنده عوامل سرزمینی مؤثر در مقیاس کلان و خرد، انواع حالت‌های انسانی و انواع فضاهای قابل استفاده بوده و حتی عناصر شکل‌دهنده هر جزءفضا (سقف، کف، دیوار) نیز، در درون سازمان فضایی خانه و بر اساس آنها طراحی شده‌اند.

محورهای شکل‌دهنده شبکه فضایی، مسئولیت حضور ایمن و آسوده ساکنان را بر عهده داشته است. سازمان فضایی خانه، مکان همزیستی مسالمت‌آمیز طبیعت و انسان است. مجموعه آگاهی‌های حاصل شده از سرزمین و جامعه، معیارهای شکل‌دهی بنا در سازمان فضایی هستند. هم‌چنانکه پیدایش و شکل‌گیری ادراک فضایی و شبکه فضایی قرن‌ها به طول می‌انجامد، سازمان فضایی خانه‌ها نیز، در طی قرن‌ها می‌آموزند که چگونه خود را آگاهانه با این معیارها تطبیق دهند و همزمان حضور انسان را گرامی بدارند. تعریف معماری به مثابه «سازمان‌یابی آگاهانه فضا» از میان این فرایند بیرون آمده است. ویژگی عملی و بروز عینی سازمان فضایی سه‌بعدی بودن آن است. سنجش سازمان فضایی و اندازه‌گیری آن با واحدهای سطح، اقدامی است که نتیجه آن به شناخت ناقص از سازمان فضایی منجر می‌شود. واحدهای حجمی (مثلاً متر مکعب) واحدهای سنجش مناسب‌تری برای درک کمی سازمان فضایی خانه‌های تاریخی است.

سازمان فضایی خانه به لفاف و شبکه‌ای نامرئی که تمامی جزءفضاهای یک خانه را در بر می‌گیرد اطلاق می‌شود. ارتباط همه‌جانبه سازمان فضایی خانه با شبکه فضایی کلان، که سرزمین را در بر می‌گیرد و شکل‌گیری سازمان فضایی خانه بر اساس شبکه فضایی کلان، از سازمان فضایی، کل کوچکتری را می‌سازد که در درون یک کل بزرگتر (شبکه کلان فضایی) جای گرفته است. تجمع و شکل‌گیری کل‌های کوچکتر، تعریف‌کننده دربندها (واحدهای همسایگی) و محله‌ها می‌باشند.

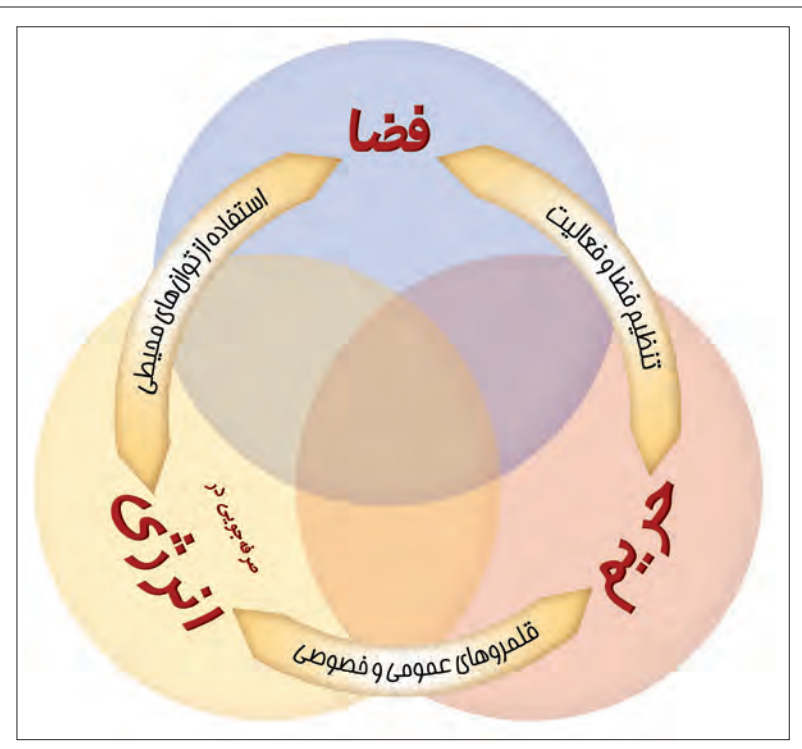
سازمان فضایی هر خانه در درون یک قطعه زمینی که شکلی نامنظم دارد، مستقر می‌شود و محدوده قطعه زمین، همجواری‌ها و همسایگی‌های سازمان فضایی خانه را در محور افق تعریف می‌کند. طبق تعریف پیشنهادی این محور، محور زمین و محور عمود بر این محور، محور آسمان نامگذاری شده‌اند. محور آسمان، حد بالایی سازمان فضایی را تعریف می‌کند. در اکثر شهرهای مطالعه شده بالاترین لایه فضایی سازمان فضایی، بام نام دارد. در پایین‌ترین لایه فضایی سازمان فضایی، یعنی در زیر محور زمین، جزءفضاهایی شکل گرفته‌اند که تا عمق معینی از زمین، در زیر زمین پیش رفته‌اند و کمیت و کیفیت فضایی متفاوتی را ایجاد کرده‌اند و حد پایین سازمان فضایی را تعریف می‌کنند. بدین ترتیب، لفاف فضایی و شبکه نامرئی سه‌بعدی خانه از بالا، پیرامون و پایین توسط بام، دیوارها، بدنه‌های دو رویه و زیرزمین تعریف شده است. بی‌آنکه قرارداد مدون و مصوبی یا حکم لازم‌الاجرای صادر شده باشد، سازمان فضایی تمام خانه‌های تاریخی بررسی شده در شش شهر از سه‌گونه فضا از جنس فضاهای سرباز، فضاهای سرپوشیده و سر بسته شکل گرفته بودند. خانه‌هایی که در نیمه قرن چهاردهم شمسی کمتر از ۲۰۰ و بیشتر از ۸۰ سال عمر دارند.

بررسی‌های گونه‌شناسانه مشخص کردند که در تمامی این‌ها ایرانی پیش از اسلام نیز، سه‌گونه فضای باز، بسته و پوشیده در یک بنا حضور داشته و مجموعه‌های کوچک و بزرگ این‌ها، از آبادی‌های کوچک تا شهرهای بزرگ نیز از ترکیب این سه‌گونه فضا سازمان یافته بودند.

نکته قابل توجه دیگر آن است که، معماری در خانه‌های ایرانی مسئولیت پاسخگویی به ایستائی (سازه) و آسایش (سازگاری) فضا را بر عهده داشته و یکپارچگی ایجادشده درون سازمان فضایی ناشی از هماهنگ بودن شیوه‌های ایستائی و شیوه‌های تأمین حرارت و برودت و رطوبت (آسایش) می‌باشد. همخوانی سازه و سازگاری فضا با سازمان فضایی خانه، محصول قرن‌ها تجربه و زندگی، حضور آگاهانه در فضا و استنتاج از تعامل متعادل شیوه زندگی و سازمان فضایی بوده است. طراحی یکپارچه درون شبکه فضایی و همه‌جانبه سازمان یافتن فضا، به هماهنگ بودن نظام ایستائی و آسایشی با نظام معماری خانه‌های تاریخی منجر شده است. بررسی سازمان فضایی خانه‌های تاریخی نشان داد که معماری به زندگی و محیط طبیعی و مصنوع پیرامون، در تمامی ابعاد آشنا و ناآشنای حضور انسان/انسان‌ها، نظر دارد. فضا در ترکیبی آگاهانه با چگونگی حضور فرد، گروه و طبیعت سرزمین، سازمان می‌یابد. بر این اساس، سازه و سازگاری فضا نیز، در این معماری جزئی جدایی‌ناپذیر از سازمان فضایی آن به حساب می‌آیند.

(تصویر ۷-۲) بنیادهای مفهومی طراحی بنا و اجزای آنها در معماری ایران

طراحی نظام ایستائی فضا و طراحی نظام آسایش ساکنان، در فضا و بهره‌وری از فضاهای بهداشتی و خدماتی، طراحی جزءفضاهای کوچک و بزرگ، جملگی متکی بر شبکه سه‌بعدی نامرئی حاکم بر سازمان فضایی می‌باشد. شبکه‌ای که ابعاد آن در طی قرن‌ها بر اساس ابعاد مرئی و نامرئی اعضای جامعه تبیین شده است. شناخت خانه‌های تاریخی به صورت منفرد و مجتمع، بر اساس سه روش گونه‌شناسی، انسان‌شناسی و نشانه‌شناسی، که در این کتاب نتایج آن طرح و ارائه شدند و در جدول این فصل کنار هم قرار می‌گیرند، نشان از ارتباط متقابل و چندبعدی عناصر تشکیل‌دهنده فضا (سقف، کف و دیوار) و جزءفضاهای تشکیل‌دهنده بنا (اتاق، صفا، مهتابی، ایوان و حیاط) و بناهای همجوار (کوی‌ها و دربندها) دارد. معیارهای سازمان‌یابی فضا در معماری ایران با توجه به شناخت حاصل‌شده چنین حکم می‌کردند که عناصر تشکیل‌دهنده و جزءفضاهای مستقر در سازمان فضایی خرد و کلان، زندگی، طبیعت و محیط را در سازمان فضایی منعکس کنند. گرامیداشت حضور انسان در شهر و بنا توسط معماری ایران بر اساس رعایت سه



معیار صورت می‌گرفت:

اول: رابطه متقابل انسان با فضا؛

دوم: رابطه متقابل انسان با انسان‌ها در فضا؛

سوم: رابطه متقابل انسان و انسان‌ها در فضا با طبیعت.

در معیار اول، فضا به عنوان مصالح اصلی معماری است و تحقق آن مستلزم شبکه‌ای و سه‌بعدی بودن سازمان فضایی خانه می‌باشد. فضا بر اساس شیوه‌های تعریف، ترکیب و تمایز، قابلیت بسط، تداوم و تسلسل را یافته و برای انواع حضور از فرد تا جماعت، از کمیت و کیفیت متناسب برخوردار بوده است. سازه، سازگاری و فضا نیز در رابطه متقابل با یکدیگر و به صورت یکپارچه شکل می‌گرفته‌اند.

در معیار دوم، فضای سازمان یافته در خانه‌های تاریخی حدود حضور انسان/ انسان‌ها را رعایت کرده و قلمروهای فردی و جمعی را در نظر گرفته و حالات گذار از بیرون به درون را بر حسب بخشه‌های متمایز فضایی (سکانس‌ها) شکل داده و طیف گسترده‌ای از فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی را برای حضور فرد، بودن با دیگری، با دیگران و با همگان ارائه می‌کند. سازه و سازگاری فضا در این وضعیت، همراه با شکل‌گیری جزءفضاها شکل می‌گیرد و بخشی از سازمان فضایی خانه می‌شود. از دستاوردهای مهم به کارگیری این معیار در سازمان فضایی خانه و شهر، حریم است که در لایه‌های بینابینی جزءفضاها انعکاس یافته است.

در معیار سوم، حضور انسان بر اساس بهره‌وری آگاهانه و معمارانه از توان‌های خورشید، باد، باران، خاک، گیاه و هوا گرمی داشته می‌شود. معماری ایران با تکیه بر شناخت به دست آمده از خانه‌های تاریخی به بهره‌وری از طبیعت و تحکیم آگاهانه آن به شیوه‌های گوناگون اقدام کرده است.

تمامی آنچه در این جدول فراهم شده است، بر اساس معیارهای فوق، دستمایه طراحی معماران دوران‌های مختلف بوده و هر معمار به فراخور ذوق و میزان دانش و تفسیری که از اوضاع زمانه داشته، صاحب اختیار بوده که تعریف مجددی از تمامی دستاوردهای موجود ارائه نماید.

۱. مراد از رابطه متقابل، عبارتست از وضعیتی که طرفین رابطه، حریم و حرمت یکدیگر را حفظ نموده و بهره‌وری و رضایتمندی دوطرفه، پایداری و دوام رابطه را تضمین می‌کند.

ادراک فضایی

سازمان فضایی سه‌بعدی

- در درون شبکه فضایی شهر (مقیاس کلان)، بناها و خانه‌های تاریخی بر اساس حضور در یک شبکه سه‌بعدی (مقیاس خرد)، شامل محور زمین، محور زیرزمین (طولی و عرضی) و محور آسمان (ارتفاعی) سازمان یافته‌اند؛
- حضور آگاهی اجتماعی بر حسب قلمروهای عمومی و خصوصی شیوه زندگی در درون شبکه فضایی سه‌بعدی، فضاهای مرکزی و لایه‌های پیرامون آن را می‌سازند؛
- در درون قطعه زمین ملکی و بر حسب آگاهی سرزمینی، حضور همزمان و هم‌مکان فضاهای باز، بسته و پوشیده با رعایت نسبت‌های مشخص الزامی است؛

- بناهای خانه‌ها و مجتمع‌های مسکونی، دوبعدی و به صورت نقشه طبقات تصوّر و تصویر و ساخته می‌شوند؛
- فضاهای پوشیده، از سازمان فضایی شهر و بناها حذف شده‌اند. فضای باز و بسته بدون مفصل‌بندی به صورت متوالی قرار گرفته و در تعریف سایر جزء‌فضاها نقش ندارند؛

شبکه فضایی کلان

ادراک فضایی
ادراک فضایی بخشی از وجدان جامعه و شعور عمومی است.

شبکه فضایی کلان
محورها و محدوده‌های سرزمینی، تاریخی، فرهنگی

سازمان فضایی خانه
استقرار یکپارچه عرصه و اعیان، سازه و سازگاری

جزء‌فضاها
اتاق - ایوان - حیاط

عناصر معماری
سقف، کف، دیوار، در، پنجره

- آگاهی فضایی جامعه مشتمل بر جهات و محورهای محیطی و آیینی، جغرافیایی، تاریخی و اسطوره‌ای، چگونگی شکل‌گیری شهر را هدایت می‌کند.
- معیارهای شکل‌دهنده سازمان فضایی خانه تاریخی بر اساس دستاوردهای گذشته ادراک فضایی، شبکه فضایی سرزمینی و آگاهی اجتماعی زمانه تعیین می‌شود؛
- سازمان فضایی خانه، مکان و چگونگی استقرار جزء‌فضاها را تعیین می‌کند و عناصر تشکیل‌دهنده هر جزء‌فضا نیز در تناسب با سازمان فضایی کل و نسبت جزء‌فضا با آن طراحی می‌شوند. ادراک فضایی بر طراحی جزئی‌ترین عناصر خانه تأثیرگذار است؛

- سازمان فضایی خانه‌های معاصر و طراحی مجتمع‌های مسکونی مستقل از ادراک تاریخی فضا و شبکه فضایی سرزمینی شکل می‌گیرد؛
- شبکه خیابان‌کشی‌ها و معابر، هدایت سازمان فضایی شهر را بر عهده گرفته‌اند و سایر لایه‌های آگاهی شکل‌دهنده سازمان فضایی شهر فراموش شده‌اند؛

شیوه‌های توانمندسازی فضا

تعریف فضا

- سه‌گونه فضای متمایز (باز، بسته و پوشیده) در ترکیب با هم، با درجه‌های معلومی از پوشیدگی، اندازه و محل استقرار در سازمان فضایی خانه حضور دارند؛
- به موازات حضور تعریف شده انواع فضاهای باز، بسته و پوشیده، جایی برای فضاهای رها شده در سازمان فضایی خانه باقی نمی‌ماند؛
- هر سه عنصر سقف، کف و دیوار استقلال معنا دارند و از فرم، مضمون و حالت برخوردارند. ترکیب دو و سه عنصر تعریف کننده فضا، فضاهای باز (شامل دیوار و کف)، فضاهای پوشیده (شامل کف و سقف) و فضاهای بسته (شامل کف، دیوار و سقف)، با تنوع بی شمار معرفی می‌کنند؛
- فضاهای همجوار در تعریف یکدیگر مشارکت می‌کنند، به نحوی که هر گونه فضا را گونه دیگر در برمی‌گیرد. فضاهای باز را فضاهای پوشیده و بسته، پیرامون می‌گیرند، فضاهای پوشیده را فضاهای باز و بسته. فضاهای بسته را فضاهای باز و پوشیده در بر می‌گیرند؛

ترکیب فضا

- فضای لایتناهی منبع تغذیه معماری است. معماری خانه‌های تاریخی قسمتی از فضا را برای حضور، تعریف و تنظیم می‌کند و در این فرآیند خصلت پیوسته بودن فضای محصور شده به فضای لایتناهی را حفظ می‌کند. پیوستگی با فضای نامحدود از طریق بسط نوری و چشم‌اندازی و بسط فضایی جزءفضاها به یکدیگر ایجاد می‌شود. این ویژگی در هر سه گونه فضایی باز، بسته و پوشیده در خانه‌های تاریخی وجود دارد؛
- فضاهای باز، اتاق بدون سقف هستند. امکان ترکیب با بالا را دارند؛
- فضای پوشیده اتاق بدون دیوار است و امکان ترکیب با پیرامون را دارد؛
- سقف و دیوارهای فضاهای بسته نیز به نحوی طراحی می‌شوند تا برای فضاهای بسته نیز امکان ترکیب و بسط فضایی، نوری و چشم‌اندازی فراهم شود؛
- با فراهم شدن امکان بسط برای هر یک از سه‌گونه فضا، جزءفضاهای گوناگون خانه در لایه‌های مختلف به یکدیگر متصل می‌شوند و یک کل را شکل می‌دهند؛
- می‌توان از پایین‌ترین لایه خانه حرکت را آغاز کرده و به بالاترین لایه رسید. سازمان فضایی در مقابل این حرکت نه تنها مانعی ایجاد نمی‌کند، بلکه وظیفه هدایت این حرکت را برعهده گرفته است. از زیرزمین به حیاط، از حیاط به صفا، از صفا به بالاخانه، از بالاخانه به مهتابی، از مهتابی به بام و از بام به آسمان؛

- عناصر تشکیل دهنده فضا یعنی سقف، کف و دیوار بدون برخورداری از مضمون و حالت در قلمرو فرم به سطح تبدیل شده‌اند؛
- با تبدیل عناصر تشکیل دهنده فضا (دیوار، سقف و کف) به سطح، درجه توانمندی جزءفضاها به شدت کاهش یافته است؛
- به موازات حذف فضاهای پوشیده از انواع گونه‌های باز، بسته و پوشیده، تقلیل فضای باز از حیاط قابل استفاده به محل توقف اتومبیل صورت گرفته است؛
- دیوارها در تعریف حیاط جلوی خانه‌های معاصر تنها نقش مرز مالکیتی دارند و با عدم رعایت تناسبات و ناهمخوانی میان دیوارها و جبهه ساختمان، تعریف فضا به صورت ناقص صورت گرفته است؛
- بدنه خانه در تعریف معبر نقشی ایفا نمی‌کند؛
- تعریف ناقص و کاهش امکان ترکیب، باعث ایجاد فضاهایی مجزا و درهم شده که هر دو از تعاریف ناقص برخوردارند؛

- هر یک از جزءفضاها و هریک از سازمان‌های فضایی خانه‌ها به صورت منفرد و مستقل از فضاهای پیرامون طراحی شده‌اند؛
- فضاها بدون مفصل‌بندی و حریم‌کنار هم قرار گرفته‌اند؛
- چشم‌انداز، نور و بسط جزءفضاها، در طراحی سازمان فضایی خانه‌های معاصر الزامی نیست؛

شیوه‌های توانمندسازی فضا

ایستایی فضا

- ایمن بودن ساختمان از منظر اجرا و ایستایی مسئولیت معماری است و بر این اساس سازه، معیار شکل‌گیری سازمان فضایی است؛
- ایده‌های طراحی سازه و سازمان فضایی جدا از هم نیست و دوگانه شکل نمی‌گیرد؛
- سازه همساز با شیوه بسط، اتصال و گذار، درون سازمان فضایی شکل می‌گیرد؛
- سازمان فضایی خانه‌های تاریخی به شیوه‌ای جزءفضاهای باز، بسته و پوشیده را تعریف و ترکیب می‌کند که ایستایی مجزا و یکپارچه آن تأمین می‌شود؛

- سازه مستقل از سازمان فضایی شکل می‌گیرد، و مانند یک لایه مجزا بر سازمان فضایی افزوده می‌شود؛

نمایش فضا

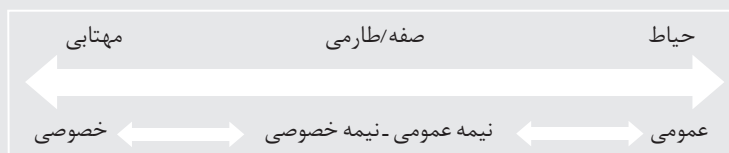
- جزءفضاهای خانه‌های تاریخی از نقطه‌نظر ابعاد، کف، طراحی دیوارها و ارتفاع و سازه سقف متنوع و متعدد هستند و هر یک دارای شخصیت متفاوت می‌باشند؛
- هر جزءفضا در خانه تاریخی دارای لایه‌های گوناگون مضمونی و معنایی است و عناصر معماری (سقف، کف، دیوار) آن‌ها را در خود منعکس کرده و نمایش داده‌اند؛
- شیوه‌های گوناگونی شامل: تمایزهای ارتفاعی، گوناگونی مصالح، رنگ‌ها، نقش‌ها، نورها و چشم‌اندازها، برای نمایش معمارانه مضامین و حالت‌های انسانی به کار گرفته شده‌اند؛
- شیوه‌های نمایش هر جزءفضا، بر حسب موقعیت استقرار، مضمون و حالت آن جزءفضا، متفاوت است. اختیارات معمارانه، معمار هر خانه را مجاز می‌دارد که به رأی و تفسیر، ذوق و طبع خود، نمایش هر فضا را طراحی و اجرا کند؛

- تنوع فضایی در خانه‌های معاصر به خاطر سطح شدن دیوار، سقف و کف، یکسان شدن ارتفاع، خروج چشم‌انداز و چشم‌نوازی از دستور کار سازمان فضایی خانه، بسیار محدود است؛
- نقش تنوع‌بخشی و نمایش متنوع، متمایز و چشم‌نواز فضاها، به اشیا محول شده و تشخیص فضاها به مصالح روکار واکتار شده است؛

گونه های فضایی

باز

- جلوه های گوناگون فضاهای باز در ابعاد، جایگاهشان در سازمان فضایی و مضمون ها و حالت های مختلف وجود دارد؛



- طراحی بدنه های فضاهای باز به شیوه ای است که انواع حیاطها همانند اتاق های بی سقف و سایر فضاهای باز با سه بدنه، حس دربرگرفتنی را ایجاد می کنند؛
- حیاط به عنوان اصلی ترین فضای باز، همزیستی با طبیعت را نمایندگی می کند؛
- مجموعه فعالیت های زندگی درون اتاقها را می توان به حیاط منتقل نمود؛
- بام، فضای باز مورد استفاده خانواده در بالاترین سطح خانه می باشد که مورد استفاده جهت دیدار همسایگان و اهل محل قرار می گیرد و می توان مسافت یک محله را بر روی بام حرکت کرد؛

شیوه های توانمندسازی فضا

سازگاری فضا

- سازمان فضایی خانه های تاریخی با توجه به استفاده از فضاهای باز، پوشیده و بسته و حرکت سیال هوا در داخل تمامی جزءها و ایجاد سایه و استقرار حوض برای تبخیر سطحی و رعایت معیارهای صرفه جویی انرژی، خود پاسخگویی به تأمین آسایش را بر عهده گرفته است؛
- عوامل آسایش زا مانند بادگیر، زیرزمین، سایه انداز، حوض، باغچه به شیوه ای یکپارچه درون سازمان فضایی ادغام شده و جلوه های معمارانه یافته اند؛

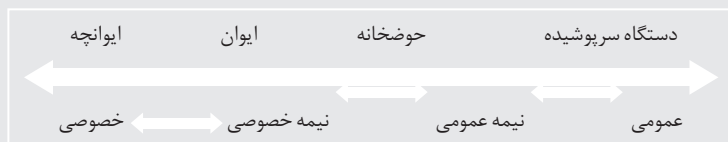
- از انواع فضاهای باز، تنها حیاط در خانه های معاصر با دامنه محدود استفاده باقی مانده است؛
- حیاط خانه های معاصر به دلیل اشراف و ساخته شدن بدون معیار بدنه ها فضایی تعریف شده نیست؛
- بیشتر حیاط های معاصر به مسیر عبور اتومبیل یا توقف آن تبدیل شده است؛
- با حذف و تقلیل نمایندگان طبیعت در حیاط، این فضا مشارکتی در تلطیف هوا و ایجاد چشم انداز برای ساکنان ندارد؛

- مسئولیت و برنامه تأمین آسایش خانه خارج از دستور کار سازمان فضایی خانه های معاصر است؛
- در سازمان فضایی خانه های معاصر پاسخی فضایی برای همساز شدن با طبیعت و دگرگونی های آن وجود ندارد و در مسیری واگرا، تکنولوژی جایگزین پاسخ فضایی شده است؛
- معماری در تعیین چگونگی استقرار بسته های کارخانه ای (دستگاه های حرارت زا و برودت زا) در درون سازمان فضایی خانه نقش ندارد؛
- این دستگاهها همچون زائده ای به بنا الحاق می شود؛

گونه‌های فضایی

پوشیده

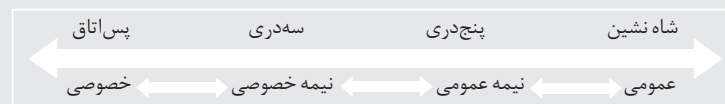
- فضای سرپوشیده یکی از گونه‌های اصلی فضا در معماری ایران است که بیش از دو هزار سال با شیوه‌های زندگی ساکنان ایران زمین عجین شده است. فضای سرپوشیده عمدتاً دارای سقف و کف می‌باشد؛
- از کل قطعه زمین که به سازمان فضایی یک بنا اختصاص دارد، سهم معینی به فضای سرپوشیده اختصاص دارد؛
- انواع فضاهای پوشیده در جایگاه‌های مختلف سازمان فضایی مستقر در یک قطعه ملکی با ابعاد مختلف، مضامین و حالات مختلف وجود دارند؛



- فضاهای پوشیده، هم‌زمان و هم‌مکان، هم حریم بیرون و درون و هم مفصل و محل اتصال فضاهای باز و بسته هستند و از امکان ترکیب با هر دو فضای باز و بسته برخوردارند؛

بسته

- وجدان عمومی جامعه برخوردار از ادراک فضایی، ارزش بیشتری برای فضاهای بسته نسبت به فضاهای باز و پوشیده قائل نیست. هم در شهر (مقیاس کلان) و هم در خانه (مقیاس خرد) ادراک فضایی برای هر سه‌گونه فضا، ارزشی مشابه قائل است؛
- سهم فضای بسته (شامل سقف، کف و دیوار) در یک بنا، متناسب با میزان فضای باز و پوشیده تعیین می‌شود؛
- انواع فضای بسته در جایگاه‌های مختلف سازمان فضایی با ابعاد و مضامین و حالت‌های مختلف وجود دارند؛



- این فضاهای بسته استقلال نسبی داشته و از توان ترکیب با یکدیگر نیز برخوردار می‌باشند؛
- فضاهای بسته دارای مقیاس‌های تعریف شده از کوچک تا بزرگ هستند که همخوان با نیازهای شیوه زندگی است (دو در، سه‌دری، پنج‌دری)؛
- امکان بسط فضاهای بسته به یکدیگر، بسط فضای بسته به باز و پوشیده در نظام طراحی سازمان فضایی خانه‌های تاریخی وجود دارد؛

- سهم فضای سرپوشیده در سازمان فضایی خانه‌های معاصر کم‌رنگ و زمینه حذف کامل آن فراهم شده است؛
- محدود فضاهای سرپوشیده بصورت تراس‌ها و ایوان‌ها در خانه‌های معاصر حضور دارند که به سبب عدم رعایت شیوه‌های توانمندی فضاچندان سودمند و قابل استفاده نمی‌باشند. این فضاها به دلیل برخورداری از اشراف و فقدان چشم‌انداز، تأثیرگذاری بر کیفیت سازمان فضایی خانه‌های معاصر را از دست داده‌اند؛

- سهم فضای بسته به خاطر غلبه مفهوم تملک و فقدان ادراک عمومی بر ضرورت حضور گونه‌های دیگر فضا، بر فضای باز و پوشیده غلبه کرده است؛
- مقیاس معینی برای تعیین ابعاد فضای بسته وجود ندارد؛
- فضاهای بسته در خانه‌های معاصر دو نوع مجزا و درهم هستند. فضاهای مجزا تنها استفاده خصوصی داشته و فضاهای درهم قلمرو عمومی خانواده است؛
- امکان ترکیب فضاهای بسته با یکدیگر بسیار اندک است؛
- گرایش مسلط طراحی، افزایش فضاهای بسته در قالب اتاق‌های خواب در هر ابعادی است؛

عناصر و اجزاء تشکیل دهنده فضا

در

- در همواره با درگاه و حریم همراه بوده است؛
- درها ضمن رعایت اندازه‌های استاندارد (پیمون‌ها)، نقش، جهت بازشوها و میزان شفافیت‌شان بر حسب اینکه متصل کننده کدام دو فضا هستند، (معبّر - خانه، فضای عبور - فضای مکث، فضای بسته - باز، باز-پوشیده، بسته - بسته) طراحی شده‌اند؛
- استقرار چند در میان دو فضای بسته، توان بسط دو فضا جهت ادغام در یکدیگر را افزایش می‌دهد و با تبدیل شدن در به «در - پنجره»، در میانه فضای بسته و باز، در جبهه‌های چشم‌اندازی، توان بسط چشم‌اندازی و فضایی را توأمان افزایش یافته است؛
- عرض درها، مقیاس بزرگی و کوچکی فضاها در سازمان فضایی خانه‌های تاریخی است به نحوی که بزرگی و کوچکی فضاها با تعداد درها سنجیده می‌شود (دودری، سه‌دری، پنج‌دری و ...)

- درها توانایی ایجاد بسط فضایی میان دو فضا را از دست داده‌اند، تنها عملکرد آنان وارد شدن به فضا و خارج شدن از آن است؛
- در اتصال فضاها مجزا (اتاق‌ها) به فضاها درهم، در سرویس‌های بهداشتی، در آشپزخانه (در صورت وجود) همگی شبیه هم هستند؛
- تنوع درهای مختلف به لحاظ نقش و جنس و جهت باز و بسته شدن نامحسوس است؛
- در-پنجره در صورت وجود فضای باز یا پوشیده در کنار فضای بسته وجود دارند. اما به دلیل کم شدن نقش فضاهای باز و پوشیده در خانه‌های معاصر، این نوع کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد؛
- نظام خاصی از نقطه‌نظر اندازه درها در خانه‌های معاصر مشاهده نشد؛

پنجره

- نور و چشم‌انداز، جزء لاینفک سازمان فضایی خانه است و انواع در، پنجره و روزن، تأمین کننده و تعیین کننده چگونگی حضور نور و مشاهده چشم‌انداز هستند؛
- پنجره‌ها، بسط چشم‌اندازی و نوری بین فضاهای بسته و فضاهای باز هستند و قایی طراحی شده برای ارتباط با طبیعت؛
- پنجره‌ها در خانه‌های تاریخی از نظام اندازه‌ای مشخص تبعیت می‌کنند و در پایین‌خانه‌ها و بالاخانه‌ها بر حسب باز شدن به درون خانه یا بیرون خانه در قامت در-پنجره یا پنجره ظاهر می‌شوند؛
- تنظیم کیفیت فضا بر حسب چگونگی ورود نور (رنگ، میزان ورود و جهت آن) از درون پنجره‌ها تنظیم می‌شود؛
- نقش آویزان کردن پرده بر پشت پنجره خانه‌های تاریخی بر حسب اشراف پنجره بر قلمروهای عمومی و خصوصی متفاوت بوده و نیاز به پرده جهت پوشانیدن چشم‌انداز در حداقل خود قرار دارد. با توجه به تنظیم درجه دمای داخل جزء فضاها، قاب درگاه‌های هر پنجره، امکان آویزان کردن پرده‌های موقت را مهیا کرده است؛
- معمولاً پنجره‌ها دولنگه هستند و عرض یک لنگه پنجره، حریم آن پنجره محسوب می‌شود. به نحوی که در پشت پنجره می‌توان نشست و یا اشیا مورد نظر را قرار داد؛

- نقش پنجره در ایجاد بسط چشم‌اندازی میان فضای باز و بسته در خانه‌های معاصر به موازات کم‌رنگ شدن نقش فضای باز و افزایش اشراف، در سطح قایی برای آویزان کردن پرده و گاه تهویه هوا و نور تقلیل پیدا کرده است؛
- نظام خاصی برای اندازه پنجره‌ها درون خانه‌های معاصر وجود ندارد. بعلاوه در نمای شهری نیز پنجره‌ها می‌توانند تمام نمای ساختمان یا بخشی از نمای ساختمان باشند و به همین علت، یکی از عوامل ایجاد ناهماهنگی در نماهای شهر تنوع ابعادی، رنگی، مصالحی پنجره‌ها می‌باشد؛

عناصر و اجزاء تشکیل دهنده فضا

دیوار

- دیوارها متناسب با قرارگیری انواع فضاهای باز، بسته و پوشیده و انواع الگوهای فضایی، از طرح و نقش متفاوت برخوردارند؛
- چگونگی نمایش دیوارها در هر سه فضای باز، بسته و پوشیده، بر حسب میزان دربرگرفتنی تعیین می‌شود؛
- طراحی دیوار در خانه‌های تاریخی بر اساس نقش جداکنندگی آنها صورت نمی‌گیرد. طراحی دیوارها در این خانه‌ها بر اساس نقش تعریف‌کنندگی فضا، ایجاد توان برای اتصال و ترکیب فضاها و افزایش نقش سودمندی و چشم‌اندازی جزءفضاها طراحی می‌شوند؛
- از طریق پر و خالی شدن، نوع بافت، مصالح و تزیینات بر کارایی فضا می‌افزاید و به آن جان می‌بخشد. در فضای باز با تبدیل شدن به سکو و ادامه نقش گیاهان بر روی آن و در فضای بسته، طاقچه‌ها و رف‌ها و تزیینات این نقش را ایفا می‌کنند.
- دیوارها با ایجاد حجم، دو رویه طراحی و ساخته می‌شوند. مثلاً یک رو به فضای خصوصی و یک رو به معبر عمومی. در این حالت دیوار خانه در تعریف فضای بیرون نیز نقش ایفا می‌کند؛

- دیوار در خانه‌های معاصر، از حجم به سطح تقلیل یافته است؛
- دیوارها در همه فضاهای خانه، از ویژگی‌های متمایز برخوردار نیستند؛
- نقش اصلی دیوار در خانه‌های معاصر، جدا کردن است و مشارکت دیوارها در افزایش کارایی فضاها، آراستن آن و فراهم کردن امکان ترکیب جزءفضاها به شدت کاهش یافته است؛

کف

- شیوه زندگی در خانه‌های تاریخی با زیستن و فعالیت‌کردن بر کف همراه بوده است. همین امر توجه به پوشش کف را افزایش داده و کف‌پوش‌های خانه‌های تاریخی (فرش، گلیم، جاجیم و انواع زیراندازها)، بر حسب نظام تجمع ساکنان و چگونگی مکث و عبور آنها طراحی و ساخته می‌شده است؛
- از نظر تقسیمات کف، هر جزءفضا که به طیف عملکردهای عبور یا مکث تعلق داشته به کناره فضا و میانه فضا تقسیم می‌شده است؛
- پوشش کف در فضاهای باز، پوشیده و فضاهای بهداشتی سربسته، توسط مصالح ساختمانی (عمدتاً آجر و بعضاً کاشی) صورت می‌گرفته است؛
- کف در انواع فضا (باز، بسته و پوشیده) یادآور طبیعت و باغ است؛
- کف میان حیاط‌ها معمولاً به حوض و آب اختصاص داشته و لایه پیرامون بلافصل حوض به باغچه / باغچه‌ها؛ آجرچینی بعنوان کف‌پوش حیاط پیرامون باغچه‌ها و راه‌های دسترسی به حوض را شکل می‌داده است؛
- در فضاهای سرپوشیده، تمایز ارتفاعی کف در تعریف فضا موثر است و آجرچینی و کاشیکاری بر غنای آن می‌افزاید؛
- فرش، نشانی از باغ و گل و گیاه در فضای بسته است؛

- گرایش مسلط شیوه زندگی معاصر، فاصله گرفتن از کف می‌باشد و نشستن و خوردن و خوابیدن با فاصله از کف انجام می‌شود. در اکثر موارد و اکثر فضاهای باز و پوشیده، پوشش کف از مصالح ساختمانی است، با تمایز در رنگ و میزان صیقل خوردگی؛
- همچنان کف‌ها در فضای بسته با فرش و یا انواع کفپوش‌ها پوشیده می‌شوند؛
- گرایش‌هایی نیز مبنی بر ایجاد اختلاف سطح در حد یک تا چندپله، برای ایجاد «نوعی تنوع» در خانه‌های معاصر وجود دارد؛

عناصر و اجزاء تشکیل دهنده فضا

سقف

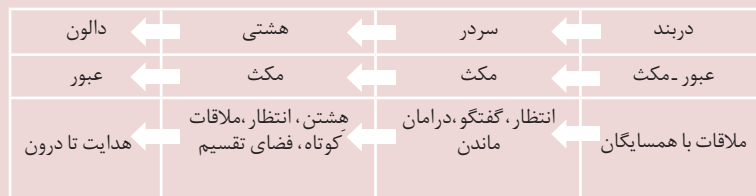
- سقف در خانه‌های تاریخی، نقش سر را در بدن بر عهده دارد. چگونگی هر جزء فضا به میزان بهروری از سقف وابسته است. در نظام معماری این خانه‌ها، فضاها سه‌گونه‌اند: فضای سرباز (بدون سقف)، سرپسته (سقف، کف، دیوار) و سرپوشیده (سقف و کف)؛
- سقف در فضای باز، آسمان است و در فضای بسته این مفهوم به صورت آسمانه انعکاس می‌یابد؛
- ارتفاع‌های گوناگون سقف‌ها، تجربه‌های متنوع فضایی ایجاد می‌کنند. در هر اندازه ارتفاعی، اتصال سقف به دیوار، بخشی از معیارهای طراحی و محلی برای بروز خلاقیت معمار به حساب می‌آید؛
- در فضاهای سرپوشیده، سقف محلی برای تأمین نور و تهویه هوا است و از این طریق در آسایش و تنوع فضا هم ایفای نقش می‌کند؛
- با ارتفاع گرفتن به اندازه یک لایه فضایی، امکان بسط عمودی فضا فراهم می‌شود؛
- سقف بوسیله قابلیت دو رویه بودن خود در طبقه آخر، یعنی سقف/بام به عنوان فضایی باز برای زندگی نقش مهمی ایفا می‌کند؛

- با یکسان شدن ارتفاع، در ایجاد تنوع و تجربه فضایی نقش متمایزی ایفا نمی‌کند؛
- به خاطر بی‌توجهی به نقش بام، از حالت دو رویه خارج شده است؛
- با یکسان شدن ارتفاع، نقش سقف در تأمین نور و ایجاد جریان هوا به شدت کاستی گرفته است؛
- با درک مجدد اهمیت سقف، به جای یافتن روش‌های حقیقی به روش‌های کاذب متوسل شده و تخصص‌کاذبی بر تخصص‌های بنایی جدید افزوده شده است؛

پویایی فضایی - فعالیتی

عبور کردن - وارد شدن

- مفهوم وارد شدن یک عملکرد صرف نیست. از جایی با مختصات فضایی متفاوت به جایی با مختصاتی دیگر رفتن است. مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و ریز فعالیت‌هایی است که معماری خانه‌های تاریخی در نظر داشته و برای آنها پاسخ فضایی ارائه کرده است؛
- توجه معماری به این مضمون از بیرون از قلمرو خانه آغاز می‌شود و تا رسیدن به درون خانه (حیات)، فضاهای متوالی مکث و عبور ایجاد شده است.
- فضایی اختصاصی برای ورود به خانه طراحی شده و مفهوم حریم خصوصی و عمومی در این فضا منعکس شده و مسیرهای متفاوت برای ورود به هریک از این قلمروها از درون این فضا فراهم شده است؛
- چگونگی حضور نور و هوا نیز در درون این مجموعه فضاها با یکدیگر و نسبت به بیرون متفاوت است؛



- فضای ورودی به خانه در حد یک در تقلیل یافته است؛
- در جداکننده معبر از خانه، معمولاً فضایی را برای در امان ماندن از رفت و آمد، از بارش باران و برف و انتظار کشیدن فراهم نمی‌کند؛
- مجموعه فضاهای مشترک میان چند همسایه از ورود به مجتمع مسکونی تا در واحد مسکونی، زنجیره‌ای متوالی از فضاهای تعریف شده با امکان مکث و عبور نیست. اغلب فضاهای عبوری هستند که اجتماع دو و سه نفره را بر نمی‌تابند و کمتر از قدرت هدایت‌کنندگی برخوردارند؛
- حریم در ورودی هر خانه شخصی در مجموعه‌های آپارتمانی از بین رفته و با فضای عبور و فضای ورودی واحد مسکونی همسایه در هم شده است و فضایی برای انتظار بر در و آماده شدن برای ورود به خانه را فراهم نمی‌کند؛
- از داخل خانه نیز حریمی میان درون خانه و درب ورودی وجود ندارد و با باز شدن در، تمام فضاهای داخل در معرض دید قرار می‌گیرند؛

پویایی فضایی - فعالیتی

از خلوت تا معاشرت

- امکان دستیابی به خلوت تا معاشرت با دیگران از تعداد محدود افراد تا برگزاری جشن و مراسم بزرگ در خانه‌های تاریخی امکان‌پذیر است؛
- تنوع مقیاسی انواع جزءفضاهای مکث (دودری، سهدری، پنج‌دری و ...) و همچنین جایگاه آن‌ها در سازمان فضایی از پایین‌خانه تا بالاخانه و از جلوسرا تا عقب‌سرا امکان دستیابی به فضاهایی در قلمروهای گوناگون خصوصی تا عمومی را فراهم می‌آورد. از لایه جلوسرا به لایه عقب‌سرا و از پایین‌خانه به بالاخانه، بر خلوت فضاها افزوده می‌شود
- امکان بسط و ترکیب جزءفضاها با یکدیگر، بر تنوع انواع فضاهایی که در میان طیف قلمرو خصوصی و عمومی قرار می‌گیرند، می‌افزاید و امکان تجمعات بزرگتر را فراهم می‌کند؛
- در حدفاصل جزءفضاهای خانه‌های تاریخی، فضاهای بینابینی به صورت حریم‌های فضایی ایفای نقش می‌کنند و از آنجا که نه یک سطح جداکننده بلکه فضا هستند، هم امکان استقلال فضاها و هم ترکیب آن‌ها با یکدیگر را فراهم می‌کنند؛
- فضاهای پوشیده در حدفاصل فضاها باز و بسته، راهروها و درها به عنوان حریم‌های فضایی در خانه‌های تاریخی عمل می‌کنند؛

زندگی با طبیعت

- در خانه تاریخی، خانه از طبیعت جدا نیست و حضور نمایندگانی از طبیعت در درون سازمان فضایی خانه معیاری الزامی است؛
- سازمان فضایی خانه، از جهات وزش باد و تابش خورشید، نظم فصول، آب و ... برای ایجاد آسایش بهره می‌گیرد و با ارائه تعریفی از عناصر معماری، آنها را، در درون خود ادغام می‌کند. ساکنان خانه می‌آموزند که هم در درون خانه و هم در بیرون خانه از طبیعت محافظت کنند؛
- مفهوم چشم‌انداز و تماشای طبیعت، در قالب پنجره‌ها و در - پنجره‌هایی که طبیعت حیاط را قاب می‌گیرند و همچنین فضاهای باز و پوشیده در اطراف حیاط و در ارتفاع‌های مختلف انعکاس فضایی یافته است؛
- در حیاط و فضای باز، ارتباط نزدیک و حضور در میان طبیعت تجربه می‌شود؛
- در فضاهای سرپوشیده، ارتباط با فاصله و بی‌واسطه با طبیعت تحقق می‌یابد و این فضاها انعکاس مفهوم نظرگاه و چشم‌انداز هستند؛
- ارتباط با طبیعت در فضاهای بسته نیز تداوم می‌یابد. این ارتباط، با فاصله اما آشکار و عیان است. چشم‌انداز اتاق‌های جلوسرا به حیاط، ارتباط با واسطه با طبیعت را فراهم می‌کنند. همچنین قالی‌ها، گلیم‌ها، نقاشی‌ها، گچکاری‌ها و آینه‌کاری‌ها تداوم این ارتباط در فضای بسته هستند؛

- با در نظر گرفتن مجزای جزءفضاها و فراهم نکردن امکان ترکیب فضاها و بسط فضایی، فضاهای خانه‌های معاصر به دو بخش خصوصی (اتاق‌های خواب) و عمومی (فضاهای درهم) تقسیم شده و سازمان فضایی در مقابل انواع معاشرت‌ها انعطاف‌پذیر نیست؛
- اتاق‌ها که نمایندگان خلوت واحدهای مسکونی هستند، مجدداً به بیرون متصل می‌شوند. شلوغی فضاها، تداخل حریم‌ها و آلودگی امکان ایجاد خلوت را از بین می‌برد؛
- حریم‌های عبوری در درون فضاهای مکث قرار گرفته است و موجب اغتشاش آن‌ها شده است؛

- سازمان فضایی خانه نسبت به طبیعت بی‌توجه است. از امکانات آن برای ایجاد آسایش اهل خانه بهره نمی‌برد و رابطه ساخت و ساز در خانه‌های معاصر با طبیعت به مصرف طبیعت و تضعیف‌کننده آن تقلیل یافته است؛
- حضور طبیعت در خانه‌های معاصر، محدود و حضوری حاشیه‌ای است. طبیعت از حیاط در خانه‌های تاریخی به باغچه‌ای کوچک در حاشیه حیاط‌های امروز و یا در فضاهای کوچک و محدود نورگیرها و پاسیوها منتقل شده است. در بسیاری مواقع نیز گیاهان در گلدان‌ها به درون خانه‌ها راه یافته‌اند که در میان انبوه اشیاء درون خانه نقشی فرعی یافته‌اند؛
- مفهوم چشم‌انداز و تماشای طبیعت از دستور کار سازمان فضایی خانه‌های معاصر کنار گذاشته شده است و پنجره‌ها ارتباطی تعریف نشده و بدون نظارت با منظر بیرون را برای ساکنان خانه فراهم می‌آورند؛
- با عدم امکان استفاده از بام‌ها و نبود فضاهای سرباز در سازمان فضایی خانه، ارتباط با آسمان نیز برای ساکنان خانه‌های معاصر وجود ندارد. سقف‌ها نیز یادآور آسمان نیستند؛

پویایی فضایی - فعالیت

نوع عملکردی

- فضاها در خانه‌های تاریخی تک‌عملکردی نیستند و امکان تحقق انواع فعالیت در هر جزء فضا وجود دارد؛
- رابطه فضا، فعالیت متقابل بوده و بطور همزمان در دستور کار طراحی سازمان فضایی قرار می‌گیرد؛
- تحقق فعالیت‌ها در فضا، در دو حوزه مکث و عبور سازماندهی می‌شود. ابعاد و حجم جزء فضاها، با توجه به تعلق آنها به دو قلمرو عمومی و خصوصی برای تحقق انواع فعالیت‌هایی که نیازمند مکث یا عبور هستند، تعیین می‌شود؛
- وجود انواع فضاها باز، بسته و پوشیده که امکان انواع فعالیت‌های همراه با مکث را ایجاد می‌کنند، سبب شده است که تجربه‌های متنوعی از انجام یک فعالیت (همچون غذا خوردن، خوابیدن، ...) در فضاها متنوع در خانه‌های تاریخی شکل بگیرد.
- امکان رخ دادن یک فعالیت به ظاهر ساده که بخشی از رفتار روزمره زندگی است، در فضاها متنوع باعث می‌شود که ابعاد معنایی و حسی آن فعالیت به سطحی بیش از یک رفتار بیولوژیک ارتقا یابد. چرا که حضور در فضاها گوناگون آن فعالیت را با تجربه‌های فضایی مختلف همراه می‌کند که آن تجربه‌ها خود معنا آفرین هستند. هر فعالیت به سبب تحقق در انواع فضاها باز، بسته و پوشیده با انواع تجربه‌های طبیعت، همراه می‌شود؛

ذخیره کردن

- در خانه‌های تاریخی تفکر و ایده فضایی تنخواه گردان وجود دارد. فضاها به موازات بزرگ شدن ابعاد و نیازهای خانواده، امکان بزرگ شدن در خود را تدارک دیده‌اند؛
- الگوی هر جزء فضا، فضاها پشتیبانی‌کننده آن جزء فضا را نیز شامل می‌شود؛
- این فضاها پشتیبانی‌کننده، برای انبار کردن و نگهداری اشیاء و لوازمی هستند که مرتبط با انواع فعالیت‌هایی که در آن جزء فضا رخ می‌دهد، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛
- فضاها پشتیبانی‌کننده همچون انباری، پستو، دولاب و ...، مصادیق فضایی متنوع برای مفهوم «نگهداشتن و انبار کردن» در خانه‌های تاریخی هستند؛
- فضاها پشتیبانی‌کننده بر اساس اینکه در الگوی کدام جزء فضا قرار گرفته‌اند، دارای فرم، ابعاد و محل قرارگیری متفاوت هستند؛
- راهروهایی که فضای حریم هستند نیز بر اساس نوع رابطه با جزء فضاها مجاور قابلیت استفاده به عنوان یک فضای پشتیبانی‌کننده را دارا هستند؛

- سازمان فضایی خانه‌های معاصر، فضاها پشتیبانی‌کننده را به عنوان فضای مکمل جزء فضاها مجزا و درهم در نظر نمی‌گیرد؛
- ساکنان خانه‌های معاصر همچنان خواهان فضاها پشتیبانی‌کننده ادغام‌شده در سازمان فضایی خانه، به صورت کمد‌های دیواری هستند، اما آنچه در بسیاری از خانه‌ها اتفاق می‌افتد، ناهمخوانی و عدم تناسب فضای کمد‌های دیواری با جزء فضاها خانه است؛
- فضاها درهم و آشپزخانه‌ها فاقد فضاها پشتیبانی‌کننده در سازمان فضایی خانه‌های معاصر هستند؛
- اشیاء مانند کمد و بوفه‌ها و ...، خارج از سازمان فضایی، این نقش را بر عهده دارند؛
- اصلی‌ترین پاسخ فضایی برای نیاز به «انبار کردن» در خانه‌های معاصر، انباری‌هایی است که به خارج از محدوده خانه و در قسمت مشاع آپارتمان‌ها منتقل شده‌اند؛
- در صورت عدم وجود این فضاها، پاگرد، راه‌پله‌ها، خرپشته‌ها، ایوان‌ها و بالکن به محلی برای انبار کردن تبدیل می‌شوند؛
- در تعدادی از خانه‌ها و واحدهای مسکونی، حصار پیرامون بالکن‌های کم‌عرض کشیده شده و از آن به عنوان انبار استفاده شده است؛

- با وجودی که خانه در فرهنگ کشور ما هنوز مرکز بسیاری از فعالیت‌های خانوادگی و خویشاوندی است، گرایش حاکم بر برنامه‌ریزی و طراحی خانه‌های معاصر می‌کوشد خانه‌ها را به خوابگاه خانواده تبدیل کند؛
- فضاها عموماً تک‌عملکردی بوده و محدود و ثابت هستند و امکان تحقق فعالیت‌های متنوع در آن‌ها وجود ندارد؛
- اشیاء چگونگی رفتار و فعالیت در هر فضا را تعیین می‌کنند و در اکثر مواقع القاکننده یک شیوه محدود از رفتار هستند؛
- به دلیل همراه نشدن کیفیت‌های فضایی با فعالیت‌های روزمره، این فعالیت‌ها در حد پاسخگویی به نیاز بیولوژیک تقلیل پیدا کرده‌اند؛

حالات فضایی

عظمت و اعجاب

- حس عظمت و اعجاب از طریق شیوه‌های متنوع در خانه‌های تاریخی مصادیق فضایی یافته است. این شیوه‌ها عبارتند از:
 - وجود فضاهای بزرگ و عظیم در کنار فضاهای کوچک؛
 - حضور فضاهای پر نور در کنار فضاهای کم نور و تاریک؛
 - فضاهای بسته و پوشیده مرتفع همزمان با فضاهایی با ارتفاع کمتر؛
 - فضاهای پرآرایش در کنار فضاهای ساده؛
 - ترکیب چند معیار فضایی شامل بزرگی ابعاد، ارتفاع و حجم، چندلایه بودن و شفاف بودن فضا، حضور تعریف‌شده نور طبیعی از سقف و تزئینات در فضاهایی همچون دستگاه سرپوشیده؛
- این شیوه‌ها در انواع خانه‌های کوچک و بزرگ به کار گرفته می‌شود. وجود فضاهایی کوچک و بزرگ و تاریک و روشن در تمامی خانه‌ها، تحقق مفاهیم مورد نظر سازمان فضایی خانه‌های تاریخی را باعث شده‌اند. قرارگیری شاه‌نشین یا پنج‌دردی در هر خانه در مقابل پستو و پس اتاق به ایجاد مفاهیم انسانی واقع در این حدفاصل منجر می‌شده است؛



- تحقق مفاهیم انسانی در فضا از دستور کار سازمان فضایی خانه‌ها و واحدهای مسکونی معاصر بیرون گذاشته شده است؛

قلمرو

- معماری شهر و خانه تاریخی برای قلمروهای گوناگون از شهر تا خانه، مصادیق فضایی دارد؛
- قلمروی خانه‌های تاریخی از محدوده‌ای بیرون از خانه آغاز می‌شود که با مصادیق فضایی دربند، خط آسمان خانه و سردر همراه است؛
- مرز قلمرو درون خانه و بیرون یک خط جداکننده نیست. مجموعه فضاهای متوالی بینابینی (درگاه، هشتی، دالان) تمایز این دو قلمرو از یکدیگر را بیان می‌کنند؛
- در درون خانه وجود فضاهای بینابینی میان جزءفضاها، طیف متنوع قلمرو خصوصی تا عمومی را فراهم می‌کند؛
- چگونگی نمایش هر جزء فضا (تزئینات، ارتفاع سقف و ...) نشانه و بیانگر قلمرویی است که جزءفضا به آن تعلق دارد؛
- نمایش فضایی مفهوم قلمرو به صورت‌ها و جلوه‌های گوناگون باعث افزایش احساس تعلق به این قلمروهای گوناگون در خانه و شهر می‌شوند؛

- قلمروهای گوناگون در شهر و از شهر تا خانه، در یکدیگر تداخل کرده‌اند. در این تداخل، فضاهای بینابینی و مقیاسی از بین رفته‌اند. امکان اتصال یک بزرگراه به یک خانه قابل تصور است. به موازات نادیده گرفته شدن فضاهای بینابینی و حریم‌ها، مصادیق قلمرو در سازمان فضایی شهر و خانه ایجاد نمی‌شود؛
- نادیده انگاشته شدن شبکه فضایی کلان در آگاهی عمومی جامعه به مخدوش شدن خط آسمان شهر و ناپدید شدن نشانه‌های طبیعی منجر شده است؛
- فقدان شبکه فضایی مستخرج از ادراک فضایی کلان و شبکه فضایی هادی سازمان فضایی خانه‌وبنا، مکان‌وشیوه‌استقرار جزءفضاها را بدون رعایت قلمروها، به صورت قوطی‌های همجوار سبب شده است؛
- فضاهای بینابینی که قلمرو شهر را به تدریج به خانه متصل کند از میان رفته‌اند، قلمرو محله، فاقد مصادیق فضایی است؛
- فضاهای بینابینی جداکننده قلمرو بیرون از درون به حد یک سطح جداکننده «در» تقلیل یافته است؛
- عدم تمایز خانه از بیرون، نبود جلوه فضایی برای حد فاصل بیرون و درون و کمبود فضاهای خاص و تعریف‌شده در درون خانه، باعث تقلیل «حس تعلق» و ایجاد «حس تملک» به خانه شده است؛

حالات فضایی

هدایت و جهت‌یابی

- سازمان فضایی خانه، جهت، مسیرهای هدایت و حرکت را پیشنهاد می‌کند؛
- پیش‌بینی حریم‌های عبوری و عدم تداخل آنها در حریم فضاهای دیگر، تشخیص جهت و هدایت‌شدگی را امکان‌پذیر می‌کند. دالان‌ها از جمله مصادیق فضایی این مفهوم در خانه‌های تاریخی می‌باشند؛
- حیاط به عنوان یک مینا در سازمان فضایی خانه برای تشخیص جهت و موقعیت مکانی و هدایت شدن به مقصد مورد نظر ایفای نقش می‌کند؛

گشایش و دلبازی

- حس گشایش و دلبازی، یکی از تجربه‌های بسیار آشنای ساکنان خانه‌های تاریخی است و توصیف احساس خود از خانه را با این واژه‌ها بیان می‌کنند؛
- به خاطر تمایز آشکار بین سه‌گونه فضای باز، بسته و پوشیده از یک طرف و رعایت قلمروهای عمومی و خصوصی در طراحی مقیاس جزءفضاها (تمایز آشکار در ابعاد کف و ارتفاع سقف) از طرف دیگر، احساس گشایش و دلبازی در کنار وجود فضاهایی مانند کنج و پستو، مشخص‌تر بروز می‌کند؛
- تجربه حضور در انواع فضاهای باز، مانند صفا، مهتابی، بام، وجود چشم‌انداز از فضاهای بسته و پوشیده به حیاط، امکان بسط فضایی و مسدود نبودن فضاها و وجود فضاهایی با سقف‌های مرتفع، از جمله مصادیق فضایی مفهوم گشایش و دلبازی هستند؛

- در اغلب خانه‌های معاصر در حد فاصل معبر (خیابان، کوچه) تا در ورود به خانه شخصی مسیرهای هدایت‌کننده عبوری وجود ندارند؛
- چون وارد می‌شویم، رسیده‌ایم به جزءفضاهای درهم‌عیان و اتاق‌های مجزا شده توسط درهایی مشابه، جایی دیگر برای هدایت شدن پیشنهاد نمی‌شود. مقوله هدایت شدن و جهت‌یابی به صورت کمرنگ در دستور کار سازمان فضایی خانه‌های معاصر حضور دارد؛
- در درون خانه مسیرهای عبور و مکث با یکدیگر تداخل پیدا کرده‌اند؛
- درهای جزءفضاهای مجزا در اطراف فضای درهم‌خانه قرار گرفته‌اند و با یکدیگر، تمایز بیان‌کننده جزءفضاهایی که به آن‌ها گشوده می‌شوند، ندارند؛
- هدایت توسط اشیا و عادات صورت می‌گیرد؛

- به دلیل ارتفاع یک اندازه سقف فضاهای داخلی، فقدان چشم‌اندازهای طبیعی و طراحی شده، کاهش استفاده از فضاهای باز برای فعالیت‌های همراه با مکث، بسته بودن جزءفضاها در خود و عدم امکان بسط آنها، تجربه دلبازی برای ساکنان خانه‌های معاصر به ندرت حاصل می‌شود.
- لایه میانی خانه‌های معاصر که بیشتر زمان خانواده در آن سپری می‌شود، فاقد چشم‌انداز و بسط و کیفیت گشایش فضایی است.

معیارهای طراحی خانه

طراحی بناها اعم از مسکونی و غیر مسکونی هنگامی مقبولیت و معقولیت، خود را تثبیت می‌کنند که از معیارهایی برخاسته از توان سرزمین و نیاز جامعه شکل گیرند و با گذشت زمان، همچنان توان پاسخگویی خود را حفظ کنند؛ آنچنان که بناهای متعلق به معماری ایران، با پشتوانه طولانی خود، بر اساس معیارهای برخاسته از متن سرزمین و جامعه ایران ساخته شده و الگوهای فضایی متناسب با زندگی مردمان دوره‌های مختلف را ارائه کرده‌اند. شناخت معماری ایران و آگاهی از چونی و چگونگی آن، بخشی از چارچوب طراحی را برای معماران معاصر فراهم می‌کند، همچنین آگاهی از آن، می‌تواند زمینه ارزیابی ساخت‌وسازها و طراحی واحدهای مسکونی معاصر را نیز فراهم سازد.

قبل از معرفی نمونه‌هایی از معیارهای طراحی خانه‌های معاصر، توجه به سه نکته ضروری است. اول آنکه مقوله **طراحی** تنها به نقشه‌های «پلان»، نما و مقطع خلاصه نمی‌شود و **تمامی جزءفضاها و عناصر خانه‌ها** را نیز شامل می‌شود. دوم آنکه اگر چه، جزءفضاهای متعلق به خانه‌های معاصر و واحدهای مسکونی به توسط **سقف، کف و دیوار** تعریف می‌شوند و شکل می‌گیرند، نمی‌بایست فراموش کنیم که معیار طراحی، **شیوه‌های استفاده از این سه عنصر** را شامل می‌شود. سوم آنکه در فرایند طراحی، **در نظر گرفتن همزمان و هم‌مکان تمامی معیارها در کنار هم**، دارای اهمیت است. توجه همزمان به این معیارها در طراحی خانه‌های معاصر، به صورت متوازی است نه متوالی؛ می‌توان فرایند طراحی را با توجه به اختیار معمارانه از هر جا و از هر عنصر فضایی آغاز کرد، لیکن همواره می‌بایست تمامی معیارهای طراحی را در نظر داشت. **رعایت تمامی معیارها به صورت همزمان و هم‌مکان درون یک شبکه فضایی**، سازمان‌دهی آگاهانه فضای خانه و واحدهای مسکونی را تضمین می‌کند.

معیارهای طراحی در این کتاب در سه مقیاس معرفی می‌شوند:

- معیارهای کلان در مقیاس شهر؛
- معیارهای کلان در مقیاس بنا؛
- طراحی عناصر و اجزاء؛

در قسمت اول در مقام شهرشناس، مخاطب اصلی قوانین شهری و اصول شهرسازی معاصر حاکم بر کشور می‌باشد. با تکیه بر آنچه در اینجا پیشنهاد شده، در بلندمدت باید کلیه قوانین و ضوابط شهرسازی از تفکیک زمین گرفته تا سطح اشغال و نسبت‌های فضایی باز، بسته و پوشیده در هر قطعه زمین، مورد تجدید نظر قرار گیرند. در ساحت معیارهای طراحی مقیاس بنا، معیارهای مرتبط با سازمان فضایی خانه و انواع فضاها را تشکیل‌دهنده آن بیان می‌شوند. همچنین رابطه سازمان فضایی خانه و شیوه زندگی در درون خانه مورد توجه قرار گرفته و ساحت

دیگری از معیارهای طراحی ارائه می‌شود. عناصر اصلی تشکیل دهنده فضا یعنی سقف، کف و دیوارها، در مرحله بعد مورد بررسی قرار می‌گیرند و معیارهایی برای توانمند نمودن فضا از طریق شیوه‌های استفاده از سقف و کف و دیوار ارائه می‌شود. معیارهای طراحی برای اجزای موجود در فضا مانند درها و پنجره‌ها مبتنی بر دستاوردهای حاصل از بررسی تطبیقی خانه‌های تاریخی و معاصر در ساحت دیگری بیان می‌شوند. سپس برای جزءفضاهای مختلف در خانه‌های معاصر، شامل فضای ورودی، فضای پله، پاسیوها، حیاط‌های فرعی، تراس و بالکن، فضاهای درهم، آشپزخانه، اتاق‌های خواب، سرویس‌های بهداشتی و بام چند الگوی فضایی پیشنهاد می‌شود.

(تصویر ۷-۳) دیاگرام چارچوب راهبردی معیارهای طراحی خانه

معیارهای طراحی خانه

۱- در مقیاس شهر

قطعه بندی و تفکیک زمین

مکان و ارتباط آن با زمان

مجاورت‌ها (خط آسمان، خط زمین، ...)

بام به مثابه فضای باز مؤثر

۲- در مقیاس بنا

رابطه متقابل شیوه زندگی با سازمان فضایی

توانمندسازی فضا

شبکه سه بعدی فضا

تعریف فضا

ترکیب فضا

تمایز فضا

سازه و سازگاری فضا

۳- در مقیاس عناصر و اجزاء

کف و رابطه آن با دیوار و سقف

سقف و رابطه آن با دیوار و کف

دیوار و رابطه آن با کف و سقف

در

پنجره

معیارهای کلان در مقیاس شهر

معیارهای پیشنهادی در این کتاب در تعداد انگشت‌شماری از مجتمع‌های مسکونی و خانه‌های معاصر، مورد استفاده قرار گرفته‌اند^۲. لیکن، بخش اعظم بناها و واحدهای مسکونی واقع در شهرهای کشورمان بدون رعایت این معیارها ساخته شده‌اند. با این وجود، چنانچه از امروز به تصحیح معیارهای طراحی و ساخت‌وساز بپردازیم و برای شروع، آنها را در طرح چند بنا به کار گیریم و با پیگیری، در سال‌های آتی بتوانیم معیارهای مورد نظر را برای طراحی و احداث ابنیه و فضاها یک محله به کار بندیم، در درازمدت خواهیم توانست طرح‌ریزی تمامی شهر را براساس معیارهای پیشنهادی مورد تجدید نظر قرار دهیم. برخی از شهرهای بزرگ مانند توکیو هر ۲۰ تا ۲۵ سال تغییر می‌کنند. در تهران، شهری به این گستردگی، می‌توان شاهد بود که چهره شهر در دو دوره، یعنی در فاصله دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ و ۶۰ تا ۸۰ تغییر کرد، اگر از هم‌اکنون چشم‌اندازی برای نیم‌قرن آینده در نظر داشته باشیم و بر اساس آن برنامه و معیار ارائه نماییم، شبکه‌های آسیب‌دیده سازمان فضایی شهرها، دوباره بر اساس محورهای سرزمینی و آیینی ترمیم شده و شکل‌گیری فضا و بنا در شهرها آگاهانه هدایت خواهند شد. هدف نهایی، ترمیم وجدان عمومی، بازگرداندن ادراک فضایی کلان به جامعه و برقراری نظام آگاهانه فضا در شهر است. این هدف، تمامی جزءفضاهای باز، بسته و پوشیده را در بر می‌گیرد و فضاها با رعایت حریم‌های خصوصی و عمومی سازمان خواهند یافت.

قطعه بندی و تفکیک زمین

- در مقیاس کلان برای دست یافتن به سازمان فضایی بهینه به عنوان یک هدف درازمدت، می‌باید شیوه‌های موجود تفکیک زمین از نقطه‌نظر قطعه‌بندی، ابعاد و اندازه و شیوه‌های دسترسی به آنها مورد تجدید نظر قرار گیرند.
- ضوابط شهرسازی مرتبط با استقرار خیابان‌ها و فضاهای شهری معابر سواره و پیاده، حریم واقع در حد فاصل معبر و ابنیه (پیاده‌راه‌ها) و استقرار قطعه‌های تفکیکی نیز، نیازمند تجدید نظر هستند.
- در تفکیک زمین می‌بایست تعادل بارگذاری جمعیتی - فعالیتی، میزان اراضی مشاع و فضاهای عمومی که در خدمت کل جمعیت و فعالیت‌هاست، معلوم باشد و از میزان اراضی که برای فروش به بخش خصوصی یا کاربری خاص برای بهره‌وری اختصاصی در نظر گرفته می‌شود، کسر شود.
- هر قطعه‌ای که قرار است بنایی بر آن احداث شود، بر حسب استقرار بنا از نسبت طولی و عرضی متناسب پیروی کند. تعیین این تناسب‌ها برای بهبود وضع فعلی و آینده، نیازمند پژوهش است.

- ضابطه سطح اشغال هر قطعه زمین به دو فضای باز و بسته به شیوه متعارف می‌باید مورد تجدید نظر قرار گیرد و میزان و مکان فضاهای سرپوشیده نیز معلوم شود.

معیارهای برخاسته از مکان و زمان

- سازمان فضایی هر طرح می‌بایست نمایانگر مصداقی از مکان (Place) باشد. مکان در معنای عام، ترکیبی متشکل از بستر بنا، طبیعت، اقلیم، فرهنگ و تاریخ است که پدیدار شده است. بدین منظور در نظر گرفتن طبیعت مکان، طبیعت زمان و طبیعت زمین در هر پروژه ساختمانی الزامی است. بر این مبنا که طبیعت مکان، مفهومی وسیع‌تر از محدوده اراضی مورد نظر را در بر می‌گیرد و کلیه ویژگی‌های بومی، نشانه‌های تاریخی و همجواری‌ها را شامل می‌شود. طبیعت زمان به برخورداری از چشم‌انداز گذران فصل‌ها، شب و روز، تابش ماه و خورشید و سایر جلوه‌های دوره‌ای طبیعت در سرزمین مورد نظر مربوط می‌شود، و طبیعت زمین نیز به فرم و فضای مربوط به اراضی، پیش از اجرای عملیات ساختمانی مربوط می‌شود.
- ساختن ساختمان در مکان صورت می‌گیرد. ساختمان/ ساختمان‌ها پس از احداث، مکان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در دو حالت کلی ساختمان/ ساختمان‌ها یا بر مکان می‌افزایند یا از آن می‌کاهند. شقّ سومی جز درجات فزاینده‌گی و کاهنده‌گی وجود ندارد. افزودن بر مکان با توجه به احداث ساختمان، عبارتست از به حداقل رسانیدن تغییر در چهره زمین و طبیعت، به حداقل رسانیدن مصرف منابع متعلق به زمین، طبیعت و محیط، هماهنگ بودن با محیط و نشانه‌های تاریخی، همچنین هوشمند مواجه شدن با اقلیم به موازات گرامیداشت حضور انسان/ انسان‌ها و فراهم آوردن شرایط کافی برای تحقق کامل تر فعالیت‌های انسانی درون سازمان فضایی خانه.

نقش مجاورت‌ها

- سازمان فضایی طرح، می‌بایست، همزمان حضور ابنیه و فضاهای مجاور، خط آسمان و خط زمین را مراعات کند. به نحوی که مجموعه پدید آمده از همجواری چند سازمان فضایی (چند بنا) بتوانند هماهنگ و همگرا درون یک شبکه فضایی بزرگتر جای گیرند.
- با توجه به مقوله همزمان متصور شدن ترکیب بناها و فضاها با یکدیگر و با آسمان و زمین، طرح می‌بایست از بیرون دارای یک موجودیت مشخص و خوانا باشد و خود به عنوان چشم‌اندازی مستقل و ادغام شده در کل جلوه‌گر شود. این مقوله وجه دیگری از تحقق مفهوم مکان (Place) است.

۲. به عنوان مثال، خانه‌های طراحی‌شده توسط معمار بهروز بیات در تهران در شمال خیابان فرشته در حد فاصل خیابان‌های ولیعصر و تختی. دو مجتمع آپارتمانی همجوار و خانه‌های طراحی‌شده توسط معمار فریار جواهریان؛ خانه‌های پیرایش و بختیار در تهران - خیابان فرمانیه

نقش بام به مثابه فضای باز

- طراحی بام و خط آسمان همزمان با طراحی پوشش‌های سقف‌ها اعم از مدور، کروی، شیبدار، مخروطی، پله‌ای و سایر اشکال در سطح و لبه بام‌ها می‌بایست نسبت به ابنیه مجاور طراحی شوند.
- مهمترین نقش در تشخیص خط آسمان بر عهده عناصر عمودی مرتفع است. تعیین محل استقرار عناصر مرتفع تنها به روابط درون خانه محدود نیست و این مکان بر حسب چشم‌انداز بیرون نیز تعیین می‌گردد.
- بر حسب موقعیت، هم وجود یک عنصر تعیین‌کننده مرتفع و بسیار مقتدر به عنوان نقطه اوج خط آسمان و هم حضور چند عنصر نیمه مرتفع می‌توانند خط آسمان سازمان فضایی بنا را تعریف کنند. مفهوم بام شهر، می‌بایست در سازمان فضایی معاصر شهر و محله مورد تعریف مجدد قرار گیرد.
- فضای تأسیسات حرارتی - برودتی ساختمان‌ها، می‌باید بخشی از طراحی معماری بناها باشند. به موازات بازپس‌گیری نقش بام‌ها، فضاهای اختصاصی جهت استقرار عناصر تأسیساتی مانند «کولرگاه» ضروریست.
- ادامه دادن بدنه نماها و طراحی دیواره‌هایی برای لبه بام و تبدیل آن به فضایی بدون اشراف، مثبت و مفید برای استفاده ساکنان، می‌تواند علاوه بر ایجاد ویژگی‌های چشم‌اندازی، شرایط استفاده از فضای باز بام را در اختیار ساکنان قرار دهد.
- طراحی سقف‌های سبک برای قسمتی از بام ابنیه هر شهر می‌تواند هم فضای مناسبی جهت استفاده و هم چشم‌انداز شهری هماهنگی جهت مشاهده فراهم آورد.

معیارهای کلان در مقیاس بنا

این دسته از معیارها در مقیاس بنا در دو وجه مورد بررسی قرار می‌گیرند، اول سازمان فضایی و ارتباط متقابل آن با شیوه زندگی خانواده و دوم سازمان فضایی بنا و شیوه‌های توانمندسازی آن. برای بازگرداندن معماری به فضای خانه و واحد مسکونی در چند سال آینده، توجه به معیارهای ارائه شده در این بخش می‌تواند مؤثر باشد.

معیارهای طراحی خانه، برخاسته از شیوه زندگی

اگر خواهان تغییر مؤثر و سازنده در شیوه طراحی و ساخت‌وسازهای مسکونی معاصر هستیم، بازنگری رابطه متقابل سازمان فضایی و شیوه زندگی امری گریزناپذیر است. شیوه زندگی، همه ابعاد زیستن را شامل می‌شود. معاشرت با خانواده و با آشنایان، هم‌سفره شدن با اعضای خانواده و میهمانان، انبار کردن مواد خوراکی، تابستانی - زمستانی کردن لباس‌ها، چیدمان اشیا و کتاب‌ها در قفسه‌ها، استفاده از دیوار برای آویزان کردن عکس، لباس یا نصب قفسه، چگونه عکس‌العمل نشان دادن نسبت به ترمیم خرابی‌های منزل اعم از تأسیساتی و ساختمانی، شیوه گفت‌وگو کردن، میزان مصرف ادویه و ترشی جات، استراحت کردن در میان گروه یا در خلوت، تناوب زمانی شست‌وشو و نظافت رخت، ظروف، تن و بدن، چگونگی ورود به خانه، با کفش یا بدون کفش، آویزان کردن منظم و مرتب لباس‌ها، کیف دستی و سایر ادوات. آرام یا بلند صحبت کردن، مصرف عطر و خوشبوکننده‌ها، عادت به روشنایی زیاد، کم و متوسط، توجه به تأمین حرارت، برودت و رطوبت مطلوب و عادات مربوط به آنها، نوع پوشاک در خانه از نقطه نظر مواجهه با سرما و گرما و از نقطه نظر حضور افراد مختلف، میزان آگاهی بر صرفه‌جویی در مصرف آب و انرژی (برق، گاز و...)، باز و بسته بودن پنجره، باز و بسته بودن پرده‌ها، همواره روشن بودن تلویزیون، ضبط و... نگهداری گل‌وگیاه و حیوانات خانگی و...

اگر به شمردن اقسام فعالیت‌های شیوه زندگی ادامه دهیم، می‌توان فهرست بلندبالایی تهیه کرد و می‌توان اطمینان داشت که این فهرست پایان ندارد، اما هر نکته، حرکت و فعالیتی در شیوه زندگی، یک یا چند ما به ازای فضایی مرتبط دارد. در حالت حداقل، برای انجام هر فعالیت، چگونگی سازمان‌یابی فضا و جزءفضاها، تسهیل‌کننده، تشویق‌کننده یا مخل انجام آن فعالیت به حساب می‌آید. به علاوه، هر جزءفضا و شیوه‌های ترکیب و تداخل جزءفضاها امکان جمع و تحقق چندعملکرد را نیز، ترغیب و تسهیل می‌کنند و زندگی به شیوه دیگری سازمان می‌یابد. در شرایط موجود، عکس‌العمل فضایی معناکردن شیوه زندگی به تعداد معدودی عملکرد، منجر به ایجاد تعدادی اتاق مجزا شده است و وجود اتاق‌های مجزا، از یک طرف گستردگی شیوه زندگی را نادیده گرفته و از طرف دیگر به تجزیه شدن شیوه زندگی کمک کرده است.

نظام طراحی جزءفضاها می‌تواند به جای تجزیه شدن به همگراشدن فعالیت‌های

موجود در شیوه زندگی نظر داشته باشد و در این مسیر به سازمان‌دهی فضا بپردازد، در غیر این صورت همانند گرایش‌هایی که در نیم‌قرن اخیر به وقوع پیوسته سازمان‌دهی فضا را به سمت تجزیه جزءفضاها یا استقلال مجزای جزءفضاها هدایت کرده و به واگرایی فعالیت‌های درون شیوه زندگی منجر می‌شود. انتخاب هر یک از دو نظام و کوشش برای تحقق هر یک از آنها، مسیر طراحی خانه را تغییر می‌دهد. درک همگرایی شیوه زندگی، در نظر گرفتن همزمان و هم‌مکان تمامی ابعاد آن است. زندگی در وجه عینی آن، ترکیبی از بی‌شمار فعالیت‌های متنوع است که انسان‌ها، در طیف متنوعی از فردی، دونفره و چندنفره به آنها می‌پردازند و برای انجام این فعالیت‌ها اشیا گوناگونی را نیز به کار می‌گیرند و در وجه ذهنی، مجموعه‌ای از معناها، اعتقادات، اندیشه‌ها، حالات و عواطف را در بر می‌گیرد.

طراحی براساس همگرایی شیوه زندگی، به معنای در نظر گرفتن تمامی ابعاد برشمرده می‌باشد. خانه می‌باید امکان تحقق طیف متنوع فعالیت‌ها و انواع حضور انسان‌ها از خلوت تا جمع را داشته باشد؛ رابطه انسان و اشیا را سازمان داده و نظام بخشد و همچنین امکان تجربه‌های گوناگون احساسی و عاطفی نیز، از طریق تجربه فضایی در آنها تشویق شود.

به این ترتیب، در خانه‌های معاصر می‌باید حداقل قلمروهای فضایی زیر برای سازماندهی فضایی خانه در نظر گرفته شوند:

– **قلمرو عمومی:** شامل بودن با دیگران (میهمانان و مراجعین) و خانواده. این قلمرو نیازمند فضا یا فضاهایی با حداکثر امکان بسط و ترکیب است؛

– **قلمرو نیمه عمومی:** عرصه مشترک تمامی اعضای خانواده. این فضا با رعایت حداقل حریم نسبت به سایر جزءفضاها، از امکان بسط فضایی نیز می‌باید برخوردار باشد؛

– **قلمرو نیمه خصوصی:** شامل حضور یک، یا دو تا سه نفر از اعضای خانواده. این قلمرو، فضاهایی با رعایت حریم بیشتر و امکان بسط کمتر با سایر فضاها است و عرصه خاص را برای اعضای خانواده فراهم می‌کند؛

– **قلمرو خصوصی:** این قلمرو، فضایی برای خلوت تک‌نفره اعضای خانواده را فراهم می‌کند. فضاییست که از تمام جوانب حریم‌ها را رعایت کرده و بیشترین امکان تحقق «درون» در این فضا میسر است؛

دستیابی به قلمروهای عمومی، ضرورت بسط یافتن و تجمع جزءفضاها را ایجاب می‌کند و تحقق قلمروهای خصوصی و کاملاً خصوصی، استقلال جزءفضاها را طلب می‌کند.

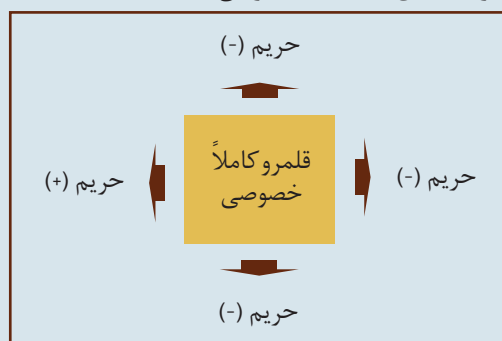
از سویی دیگر در فضاهای خانه، می‌باید امکان تحقق انواع فعالیت‌ها وجود داشته باشد و بنا بر این جزءفضاها باید از انعطاف‌پذیری کافی و فضای مناسب مکث برخوردار باشند.

هشیاری نسبت به ثابت بودن زیربنا یا طیف نسبتاً محدود بزرگ و کوچکی خانه و واحد مسکونی، معمار را وادار به بررسی و انتخاب نظام طراحی می‌کند. پژوهش در

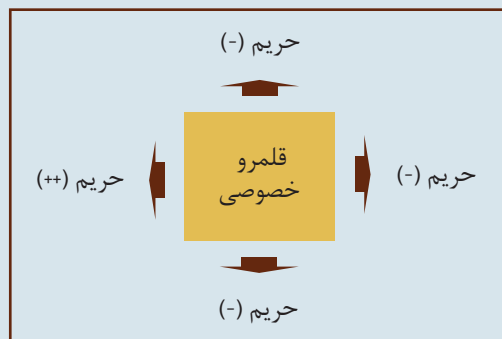
(تصویر ۷-۴) شیوه‌های تعیین قلمروهای فرد و گروه در سازمان فضایی خانه بر اساس استفاده از حریم و فضاهای بینابینی در تعریف فضاهای بسته

حریم (-): انواع دیوار
 حریم (+): راهرو، (فضای ارتباطی)
 حریم (++) : فضای بینابینی با توان بسط

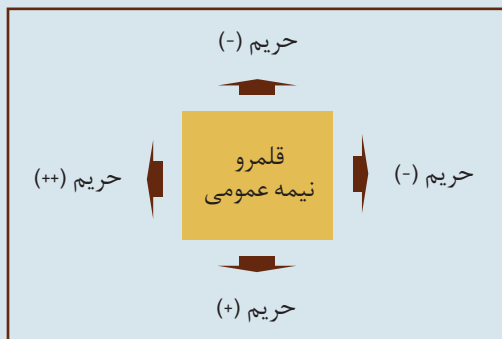
تعریف فضای مکث کاملاً خصوصی



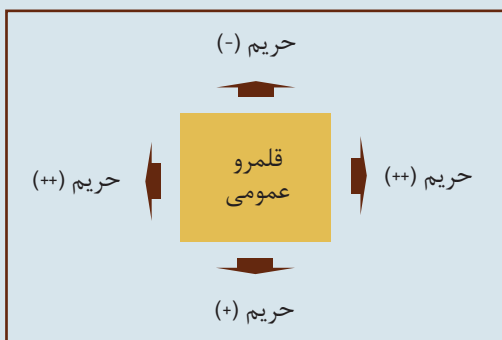
تعریف فضای مکث خصوصی



تعریف فضای مکث نیمه عمومی



فضای مکث عمومی



سازمان‌یابی خانه‌های تاریخی نشان داد که نظام طراحی موجود در این خانه‌ها، برای هر جزء فضای تعریف شده ضمن حفظ استقلال می‌بایست شیوه‌های ترکیب آن را نیز با سایر جزء‌فضاها در نظر گیرد و به کارگیری این شیوه از تعریف و ترکیب فضا به موازات رعایت فضاهای بینابینی (حریم)، امکان تحقق قلمروهای گوناگون و انعطاف‌پذیری فضا برای انجام فعالیت‌های گوناگون را افزایش می‌دهد.

دستیابی به این ویژگی در خانه‌های معاصر، مستلزم اتخاذ شیوه طراحی همگراست یعنی گروهی طراحی کردن جزء‌فضاها و نه طراحی مجزای آن‌ها. اینکه کدام جزء‌فضا، چگونه و تا چه اندازه قابلیت بسط داشته باشد، نیازمند تنظیم سازمان فضایی خانه، مشخص کردن جایگاه قلمروهای گوناگون از خصوصی و عمومی در آن و همچنین طراحی گروهی جزء‌فضاها در سازمان فضایی خانه است. نظام طراحی موجود که محصولش ایجاد جزء‌فضاهای مجزا و واگرا است، به سختی می‌تواند همزمانی و هم‌مکانی تحقق فعالیت‌های گوناگون را در خود تسهیل و ترغیب کند. به منظور طراحی همگرای جزء‌فضاها، معمار می‌باید، مجموعه جزء‌فضاهایی را که می‌توانند فعالیت‌های مشترک را در خود جای دهند، مد نظر قرار داده و این گروه‌فضاها را با یکدیگر به عنوان یک واحد فضایی همگرا برگزیند. به عنوان مثال، ترکیب اتاق‌های خواب با یکدیگر می‌توانند قلمرو نیمه‌خصوصی خانه را ایجاد کند. یعنی طراحی، به شیوه‌ای هر اتاق خواب مجزا را قادر سازد که در صورت نیاز با اتاق خواب مجاور ترکیب شود و شرایط بهره‌وری از یک فضای بزرگتر، در صورت نیاز خانواده فراهم باشد و یا ترکیب نشیمن خصوصی و آشپزخانه، ترکیب نشیمن خصوصی، فضای پذیرایی و آشپزخانه و گروه‌های ترکیبی دیگر می‌توانند فضاهای متنوع‌تر و تواناتری را برای تحقق قلمرو عمومی خانواده تعریف کنند.

علاوه بر این، می‌باید مد نظر داشت که فضا به غیر از آنکه برای فعالیت و حضور افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌بایست به منظور تنظیم رابطه اشیا و زندگی، موارد دیگری همچون انبارکردن و نگهداری اشیا را نیز پذیرا باشد. از این رو، در نظر گرفتن فضاهای تدارکاتی در طراحی هر جزء‌فضا متناسب با نوع فعالیت‌های مرتبط با آن، بخشی از سازمان‌یابی فضایی همگرای آن جزء‌فضا باید باشد.

چنانچه موارد فوق رعایت شود، با توجه به پذیرا بودن چندین عملکرد در یک فضای واحد و تعریف بسط‌یافته قلمروهای عمومی و خصوصی، امکان افزایش بهره‌وری متنوع از فضای محدود مهیا شده و بدون افزایش زیربنا می‌توان به کیفیت بالاتری از سکونت دست یافت.

با اتخاذ معیارهای ذکرشده، می‌بایست در چگونگی سازمان‌یابی فضا متناسب با شیوه زندگی، تجدیدنظر شود. همچنین در این فرآیند ضروریست که چگونگی استفاده از اشیا و سهم آنها در زندگی نیز مورد تجدید نظر قرار گیرد و این هر دو به آموزش و آگاهی‌رسانی دائم نیازمند می‌باشند.

توانمندسازی فضا

بخشی از دانش معماری، دانستن درباره شیوه‌هاییست که در صورت به کارگیری آنها، فضا از میان ترکیب سازه و مصالح بنایی، سلامت، کارآ و پرتوان سازمان می‌یابد و از درجه تأثیرگذاری بیشتری برخوردار می‌شود. محتوای عبارت **توانمندسازی فضا**، علی‌القاعده می‌بایست با آنچه امروز به نام طراحی معماری در دانشکده‌ها تدریس می‌شود یکسان باشد. با توجه به اینکه محتوای آموزشی دانشکده‌های معماری به شیوه‌هایی صریح و روشن، توانمندسازی فضا را به دانشجویان منتقل نمی‌کنند، در این کتاب کوشش شده تا طراحی معماری با توانمندسازی فضا و جزءفضاهای واقع در درون شهر و بنا هم‌راستا باشد. با تکیه بر این نکته که در محتوای عبارت «**طراحی معماری**» در نظام آموزشی معاصر، برای نقش طراح به عنوان فاعل معماری (معمار)، آنقدر اختیار و آزادی قائل شده که بتواند فارغ از دانش گذشته به طراحی بپردازد، اما عبارت توانمندسازی فضا، به دانشی اشاره دارد که با تکیه بر آن، فاعلان معماری موظف می‌شوند خلاقیت خود را در چارچوبی آزمون شده محقق کنند. همان‌گونه که کیفیت عمل بنایی، استحکام و جلوه مصالح را افزون می‌کند یا کاربرد محاسبه‌شده میلگردها، میزان استفاده از سیمان و عمل آوردن، ایستادگی، دوام و جلوه بتن را تعیین می‌کند، توانمندسازی فضا عبارتست از شیوه‌هایی که در اثر به کارگیری آنها، فضا نه تنها در میان انبوه مواد و مصالح گم نمی‌شود، بلکه پذیرایی از فعالیت‌های گوناگون را بهینه و تسهیل کرده و با حالت‌های مشخص که در اثر به کار بستن آن شیوه‌ها در فضا ایجاد می‌شود، ساکنان

و عابران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سازمان‌دهی فضا بر اساس دانش توانمندسازی فضا از میان هرگونه مصالح پایه‌ریزی شده است. این دانش، پایه سازمان‌دهی فضا را به منظور تقویم، تنظیم و تأثیرگذاری فضاها فراهم می‌کند و هر معمار، با تکیه بر نوع شناخت و توان خلاق خود می‌تواند این شیوه‌ها را تفسیر کرده و روایت خود را از آنها ارائه دهد و تا آنجا که از دست، ذهن و توانش بر می‌آید، فضا را هرچه آگاهانه‌تر و تأثیرگذارتر طراحی کند.

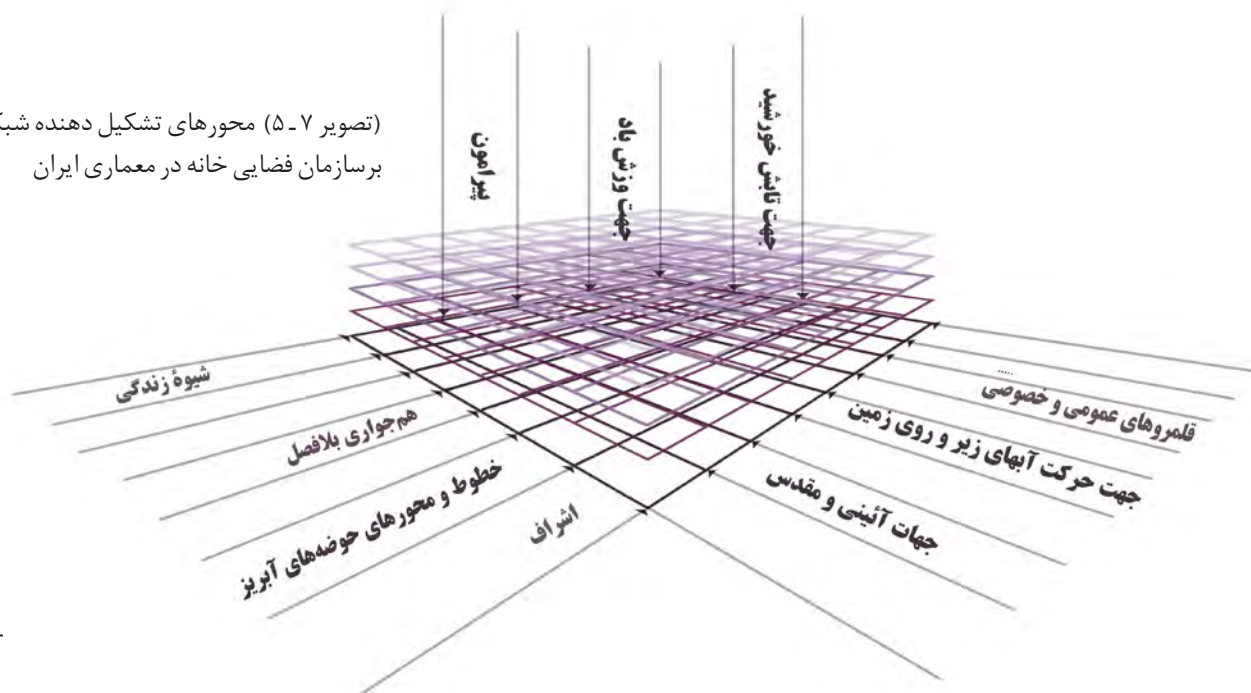
در این جا، تنها نمونه‌هایی از این شیوه‌ها معرفی می‌شوند که در چارچوب این پژوهش و این کتاب مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و به یقین لازم است که در دو زمینه خلاقیت و سازمان‌دهی فضا، پژوهش‌های دیگری پیگیری شود.

شبکه سه‌بعدی فضا

فرایند سازمان‌دهی فضای خانه با در نظر گرفتن یک شبکه فضایی بیرون از خواست معمار و صاحب‌کار آغاز می‌شود و حاصل جهات و محورها در سه مقیاس کلان، میانی (عوامل بیرونی بلافصل) و مقیاس خرد (محورها و جهات درون سازمان فضایی) است.

- برای ایجاد هر بنا باید این شبکه را برای هدایت کلیه جزءفضاها از بالاترین لایه‌ها تا پایین‌ترین لایه‌های فضایی مستقر در سراسر محدوده ملکی زمین در نظر گرفت. شبکه فضایی هر خانه به همراه شبکه فضایی خانه‌های پیرامون از مفصل‌بندی شبکه‌ای بزرگتر، گسترده بر فضای شهر پیروی می‌کنند.

(تصویر ۷-۵) محورهای تشکیل دهنده شبکه کلان و تأثیرگذار بر سازمان فضایی خانه در معماری ایران



(جدول ۲- جهات و محورهای تشکیل دهنده «شبکه فضایی هدایت گر»)

جهت کلان	طبیعی	تابش خورشید
		وزش باد
		چشم انداز
	مصنوع	مسیر آب‌های رو و زیر زمین
دسترسی‌ها و معابر		
محورها و عوامل بیرونی بلافاصل	همجواری‌ها	مسیر عبور تأسیسات زیربنایی
	اشراف	
محورها و جهات درون سازمان فضایی	قلمروهای عمومی و خصوصی	
	انعکاس طبیعت و اقلیم در سازمان فضایی (صرفه‌جویی انرژی)	
	مقیاس و اندازه جزءفضاها	

و سقف است. هر فضا برای اینکه به درجه‌ای از تعریف‌شدگی دست یابد، می‌بایست جداره‌های بالایی، پایینی و پیرامونی‌اش بطور مشخص طراحی شود.

فضای درون احجام هندسی مانند گره، مخروط و مکعب تعریف‌شده‌ترین فضاهای مورد شناسایی دانش معماری محسوب می‌شوند. فضای زیر یک درخت پُر شاخ‌وبرگ نیز فضایی است مطبوع، اما نسبت به فضاهای درون یک مکعب از تعریف‌شدگی کمتری برخوردار است.

استقرار یک تخت در پهنای کویر، فضای بالای تخت را نسبت به فضای موجود در کویر متمایز می‌کند. و اگر پیرامون تخت میله‌هایی قرار داده شوند، فضای روئین تخت در میانه کویر تعیین می‌شود تا جایی که بتوانیم با هر گونه مصالحی، سقفی بر میله‌های پیرامون تخت قرار دهیم. اکنون در میانه کویر فضایی تعریف‌شده وجود دارد که قابل شناسایی از دور، و پذیرای حضور از نزدیک می‌باشد.

• در خانه‌های معاصر به موازات کم‌ارزش شدن نقش حیاط، حیاط خلوت، بام و بالکن، فضاهای باز دیگری همچون نورگیرها و پاسیوها بوجود آمده‌اند که به مثابه یک فضای باز مورد توجه و طراحی قرار نمی‌گیرند. فضاهای باز، شامل کلیه موارد نام برده شده، فضاهای رها شده نیستند. این فضاها به عنوان فضاهای مکث و چشم‌انداز، کارآیی و اثربخشی داشته و می‌بایست در انتخاب ارتفاع متناسب بدنه‌های آنها کمال دقت را مبذول داشت. کوتاه در نظر گرفتن این بدنه‌ها، منجر به کم اثر شدن فضا و از دست رفتن کیفیت فضایی می‌شود و بلندی بیش از اندازه آنها نیز احساس خفگی ایجاد می‌کند. از آنجا که بدنه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تعریف فضای باز برعهده دارند، می‌بایست به طور همزمان، بافت، رنگ، نوع، ترکیب مصالح و دورویه بودن بدنه‌ها در نظر گرفته و طراحی شوند.

• ضرورت وجودی فضاهای سرپوشیده در سازمان فضایی عبارتست از ایجاد حریم و مفصل میان فضاهای باز و بسته و ایجاد مکث توأم با چشم‌انداز. به علاوه فضاهای سرپوشیده با ایجاد سایه و پذیرا بودن انواع فعالیت‌ها، می‌توانند به عنوان بسط فضاهای بسته به کارایی اتاق‌ها بیفزایند. با قبول این ویژگی‌ها، ضروریست به منظور بازیابی نقش فضاهای سرپوشیده در سازمان فضایی خانه‌های معاصر، به موقعیت مکانی و امکان افزایش این نوع فضاها بیشتر توجه شود. در طراحی هر فضای سرپوشیده دو عنصر سقف و کف نقش عمده‌تری دارند و نقش دیوار به منظور فراهم کردن امکانات ترکیب و چشم‌انداز بسیار کاهش می‌یابد. بازگرداندن فضاهای سرپوشیده به سازمان فضایی خانه‌های معاصر، اقدامی ضروری است. شرط تحقق فضاهای سرپوشیده در قدم اول، ارزش قائل شدن برای قیمت این فضاها، همپراز با فضاهای بسته است و در قدم دوم، می‌باید حضور این فضاها را در هر خانه از طریق تدوین و تصویب ضوابط و مقررات اجباری کرد. در شرایط فعلی که فرایند طراحی خانه، در نظر گرفتن فضاهای سرپوشیده را از دستور کار طراحی خانه بیرون گذاشته

• «شبکه فضایی هدایت‌گر»، اندازه و مقیاس جزءفضاها را نیز مشخص می‌کند. روند کوچکتر شدن جزءفضاها و مقبولیت بهتر فروش واحدهای مسکونی که علی‌رغم کوچکی زیربنا، تعداد اتاق بیشتری دارند، همچنان ادامه دارد. اگر در این روند، ضوابط و مقررات هدایت‌گر، جایگزین وضع موجود نشوند و شهرداری چاره‌ای نیندیشد، مشکل بتوان از ادامه عواقب آن جلوگیری نمود. چنانچه شبکه فضایی، هدایت جزءفضاها را به عهده‌گیرد، خانه‌ها با فضاهای بیش از اندازه کوچک و خفه‌کننده ساخته نخواهند شد. برای تعیین مقیاس و اندازه مناسب جزءفضاها، می‌بایست پژوهش دیگری را پیگیری نمود.

• به منظور افزایش توان‌های کمی و کیفی، سازمان فضایی خانه می‌بایست سه گروه فضاهای باز، پوشیده و بسته را در نظر گیرد. هر فضا اعم از باز، بسته یا پوشیده‌بودن، می‌باید از توان تعریف، ترکیب و نمایش برخوردار باشد.

• در مورد مجتمع‌های مسکونی در نظر گرفتن فضای باز مشاع در سازمان فضایی طرح الزامی است. به علاوه، به طور جداگانه هر واحد مسکونی می‌بایست حداقل از یک فضای مؤثر پوشیده یا باز برخوردار باشد. ضرر مادی و معنوی بی‌توجهی به حضور فضاهای باز و پوشیده در سازمان فضایی خانه‌ها و مجتمع‌ها، اکنون در رفتار خشن و بی‌توجه همشهری‌ها و مصرف بسیار بالای انرژی در خانه‌ها ظاهر شده است. این موضوع در سال ۱۳۵۵ در گزارشی که از ایران به بخش مسکن سازمان ملل ارسال شد، تذکر داده شده بود.^۳

تعریف فضا

اگر تعریف فضا و جزءفضا را منوط به معلوم بودن جداره‌های در برگیرنده آن فضا بدانیم، در این صورت تعریف فضا وابسته به چگونگی طراحی سه عنصر کف، دیوار

۳. ر.ک به فصل دو کتاب. گزارش Habitat bill of right

و آن خانه‌ها که از ایوان یا بالکنی مختصر و ناقص برخوردار بوده‌اند، با پوشاندن یا دیوار کشیدن به دور آن، این فضا را به انباری تبدیل کرده‌اند، می‌بایست ضمن اجباری کردن استقرار فضاهای سرپوشیده مانند بالکن و ایوان، طراحی آنها را به نحوی در نظر گرفت که امکان استفاده از این فضاها در شرایط وجود اشراف، از طریق طراحی شیوه‌های افزایش درجه پوشیدگی فراهم باشد.

• در طراحی فضاهای بسته، از آنجا که دیوار تعریف‌کننده فضای بسته، از بیرون نقش تعریف فضاهای باز و پوشیده را بر عهده دارد. توجه به دو رویه بودن این دیوارها ضروری است. همچنین به هنگام طراحی فضاهای بسته، می‌بایست به طور همزمان در درون شبکه فضایی خانه، رابطه آنها با فضاهای باز و پوشیده معلوم باشد.

• در قسمت‌های عمومی و فضاهای اجتماعی خانه، سقف فضاهای بسته می‌بایست از ارتفاع بلندتر برخوردار باشد و قابلیت بسط با جزء فضایی که می‌توانند با این شرایط ارتفاعی ترکیب شوند، برای آنها در نظر گرفته شود.

ترکیب فضا

• در شکل‌گیری سازمان فضایی خانه، هر جزء فضا تعریف می‌شود تا بتواند ترکیب شود. فضا از طریق تعریف شدن موجودیت مشخص پیدا می‌کند و از طریق ترکیب شدن به درجه‌های بالاتری از توانایی دست می‌یابد. بسته به انتخاب طراح و ملزومات طرح، هر «جزء فضا» می‌تواند از جهات ششگانه بسط یابد و با فضاهای همجوار ترکیب شود.

• جزء فضاهای واقع در شش جهت یک جزء فضا واقع در درون شبکه فضایی خانه، در تعریف جزء فضای میانی، همان نقشی را ایفا می‌کنند که سقف، کف و دیوار برای تعریف یک جزء فضا بر عهده دارند. لذا آنها تکه فضاهای جدا جدا نیستند، یک کل تقسیم شده هستند که توسط سقف، کف، دیوار، راهرو و سایر فضاهای بینابینی - حریم‌ها - از استقلال نسبی برخوردار شده‌اند. بدین ترتیب، هر جزء فضا در تعریف جزء فضاهای پیرامونی خود نقش ایفا می‌کنند. جزء فضاها باید به نحوی ترکیب شوند که توان ادغام سازمان فضایی افزایش یابد.

• طراحی وجوه اشتراک و اتصال فضاهای همجوار، مهمترین نقش را در ترکیب فضاها با یکدیگر ایفا می‌کنند.

• ترکیب جزء فضاها بر حسب انواع همجواری‌ها به قرار زیر می‌بایست صورت گیرد:

- ترکیب فضاهای باز و بسته (مانند حیاط و اتاق) از طریق سرپوشیده و دیوار انعطاف پذیر؛

- ترکیب فضاهای بسته و بسته (مانند دو اتاق همجوار) از طریق راهرو و دیوار انعطاف پذیر؛

- ترکیب فضاهای باز و پوشیده همانند ایوان و «چشم‌انداز»، به وسیله قاب‌های

تعریف شده؛

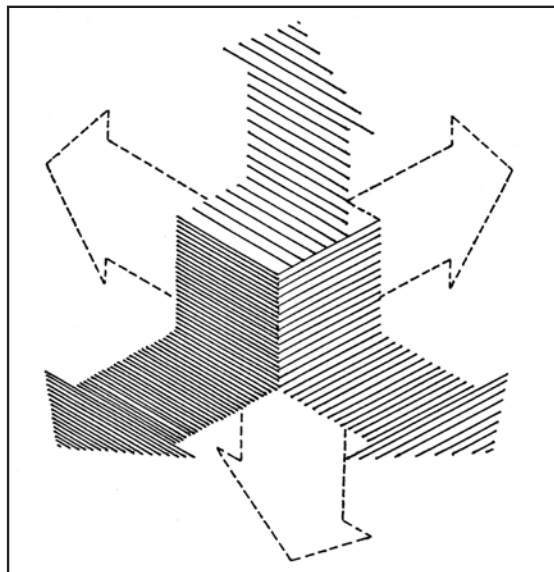
- ترکیب فضاهای پوشیده و بسته (مانند اتاق و ایوان) به وسیله دیوار انعطاف پذیر؛

- ترکیب فضاهای باز با یکدیگر (مانند حیاط و معبر) از طریق دیوار انعطاف پذیر، قاب تعریف شده، فضای سرپوشیده و سردر؛

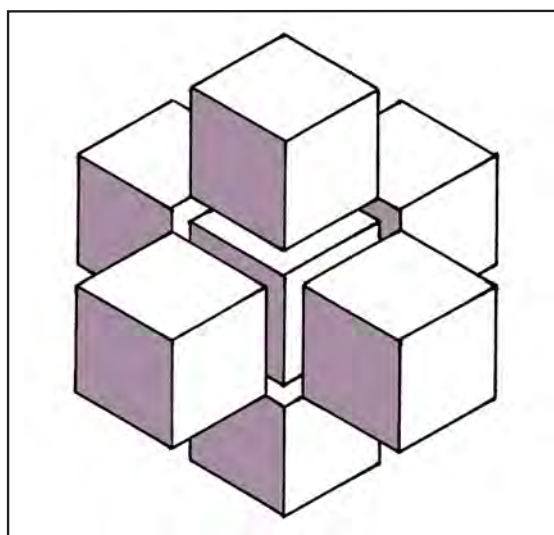
- ترکیب فضاهای پوشیده با یکدیگر (فضای پیلوتی چند مجتمع همجوار) به وسیله قاب‌های تعریف شده و دیوار انعطاف پذیر.

(تصویر ۶-۷)

نمودار توانایی بسط فضایی، نوری و چشم اندازی با توان ترکیب جزء فضاهای خانه‌های تاریخی در شش جهت



(تصویر ۷-۷) نمودار توانایی بسط فضایی و توانایی ترکیب جزء فضا در خانه‌های تاریخی در شش جهت



نمایش فضا

- هر فضا بر اساس شیوه‌های تعریف از توان استقلال و بر اساس شیوه‌های ترکیب از قابلیت ادغام برخوردار می‌شود. این دو شیوه موقعیت فضا را در عین تثبیت، پویا می‌کنند. هر فضا به موازات برخورداری از این دو شیوه توانمندسازی، با برخورداری از شیوه‌های نمایش فضا، ضمن تحکیم ثبات و پویایی، به ساحت فضای غنی شده ارتقاء می‌یابد.
- هر سازمان فضایی به موازات رعایت شیوه‌های تعریف و ترکیب جزءفضاها برای پرهیز از یکسانی و یکنواختی، می‌باید تنوع جزءفضاها را در دستور کار خود قرار دهد. به منظور ایجاد تشخیص در هر جزءفضا، می‌باید سقف، کف و بدنه هر یک از انواع سه‌گانه فضاها از طریق ویژگی‌های شکلی، ابعادی (بزرگی و کوچکی) و نمایشی (نوع، رنگ و ترکیب مصالح یا استفاده از آب، گل و گیاه) متنوع و متمایز شوند.
- این تنوع بر حسب استقرار هر جزءفضا در قلمروهای عمومی و خصوصی، در دوری و نزدیکی به منابع نوری، چشم‌اندازی و ادغام با فضاها هم‌جوار می‌تواند متفاوت باشد.

معیارهای طراحی عناصر و اجزای تشکیل دهنده فضا

- در ادبیات معماری معاصر، هر بنا به دو بخش الگوهای معماری و عناصر معماری تقسیم می‌شود. در اصطلاح معاصر، مراد از عناصر معماری (Elements of Architecture) بطور مشخص ستون، پنجره، در، دیوار، کف، سقف و از این قبیل می‌باشد. عناصر معماری، بخشی از الگوهای فضایی را شامل می‌شوند که در شکل‌دهی، مضمون‌بخشی و ایجاد حالت، نقش ایفا می‌کنند. عناصر معماری، خود فی‌نفسه دارای تشخیص بوده و در ابنیه تاریخی شیوه‌های تشخیص یافتن آنها به نمایش گذاشته شده است. در معماری خانه‌های تاریخی ایران، اگر قرار باشد، از یک الگوی فضایی مانند ایوان یا شاه‌نشین دیوار را جدا کنیم، می‌بایست از چگونگی حضور دیوار در آن الگوی فضایی آگاه شویم. بر اساس شیوه هم‌گرایی طراحی عناصر و جزءفضاها در معماری خانه‌های تاریخی، می‌توان عنوان نمود که جزء جزء تشکیل دهنده تمامی بناها، به عنوان یک الگوی فضایی مورد بهره‌برداری، ارائه و تفسیرهای مشخص معمارانه قرار گرفته‌اند و چه بسیار که برای یک عنصر معماری متعلق به یک دوره یا دوره‌های مختلف، مصداق‌های نمایشی و مفهومی مختلف عرضه شده است. از سنگ فرش کف گرفته تا مشبک دیوار یا سکو و صفاهای بیرون‌زده از کف یا سطوح مختلف با پنجره و درگاه و روزن، همه و همه از تشخیص استقلال برخوردار بوده و در تعریف و تمایز فضا، نقشی بارز داشته‌اند.
- چگونگی طراحی دیوار، سقف و کف و سایر عناصر معماری به چگونگی حضورشان در یک الگوی فضایی وابسته است.
- افزایش توان معمارانه سقف، کف و دیوارها، بخشی از توانمندسازی فضا محسوب می‌شود که می‌بایست آنها را شناخت و بسط داد.
- کاربرد عناصر معماری در ابتدا در تعریف فضا مشخص می‌شود.
- توان معمارانه این عناصر، علاوه بر مشارکت در تعریف، به تشخیص بخشیدن به فضا نیز مربوط است. از این طریق بار معنایی - احساسی فضا نیز افزایش می‌یابد.
- ترکیب آگاهانه اجزای معماری باعث ایجاد ترکیب‌های فضایی متنوع می‌شود. در این راستا طراحی اتصال بدنه‌ها به کف‌ها، اتصال بدنه‌ها به سقف‌ها حائز اهمیت می‌باشد.
- استفاده از توان‌های عناصر معماری حدودمرز ندارد و به میزان تمرین، دانش و درجه خلاقیت معماران وابسته است. با هر چه توانمندتر کردن این عناصر در جه غنا و تأثیرگذاری فضا افزایش می‌یابد و برای این ویژگی حدی نمی‌توان متصور شد.

کف

- طراحی کف در هر جزءفضا اعم از اینکه باز، پوشیده یا بسته باشد، منجر به تقویت توان تعریف، ترکیب و تشخیص فضا می‌شود. طراحی کف با انواع فعالیت‌های مکث و عبور، توقف - گذار، قلمروهای عمومی - خصوصی و احساس‌های تداوم و پیوستگی سروکار دارد؛

- از طریق پیوستگی و امتداد کفها می توان اتصال و مفصل بندی جزء فضاها را تقویت نمود.

- تنوع فضایی از طریق اختلاف ارتفاعی کفها و تشخیص فضایی از طریق نمایش و ترکیب ویژگی های بافتها، رنگها و جنس مصالح در کف، قابل حصول است.

دیوار

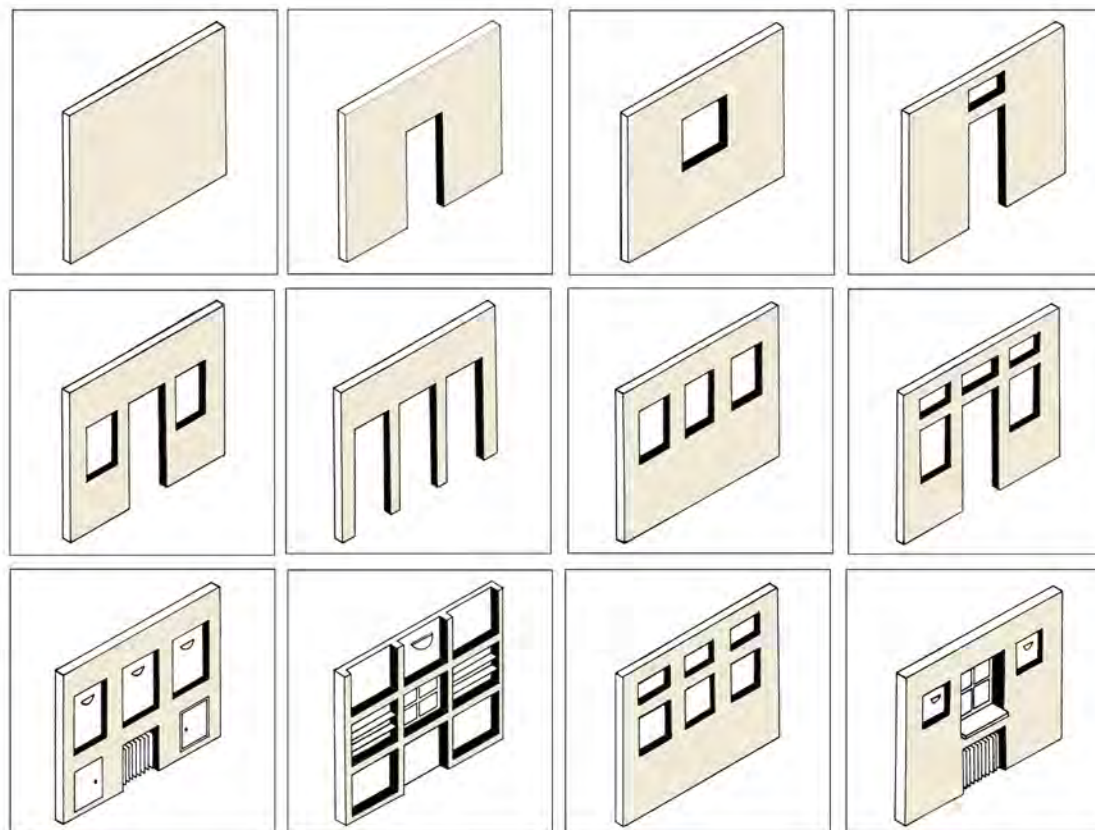
- برای استفاده از دیوارها می باید در مورد هرگونه فضای باز، بسته و پوشیده، دیوار را براساس خصلت دو رویه، با قابلیت تعریف و ترکیب کنندگی آن طراحی نمود.

- توان نهفته در عناصر پوششی، آنست که هم به عنوان بدنه تعریف کننده و هم به عنوان عنصر اتصال دهنده فضاها قابل طراحی هستند. دیوارها، خود در حد فاصل یک قاب عمودی تو خالی تا یک بدنه پر، قابل طراحی هستند. در این حد فاصل، شرایط تعریف و اتصال فضاها پدیدار می شود. اتصال، تداوم و تسلسل فضاها از طریق تعبیه درگاه، در، پنجره و یا قابهای کوچکتر در درون دیوارها، در ایجاد بسط فضایی، بسط چشم اندازی و بسط نوری کاملاً مؤثر است.

- چگونگی اتصال دیوارها با کفها و سقفها با دقت و خلاقیت می باید مورد امعان نظر و طراحی قرار گیرند.

هنگامی که طراحی، اتصال سقف به دیوار را از حالت دو صفحه عمود بر هم خارج می کند و از انواع امکانات اتصال و برقراری ارتباط دیوار با سقف بهره می برد، باعث می شود که فضای محاط شده در درون دیوار و سقف تأثیرگذارتر شود. وابسته به ویژگی طرح اتصال، کیفیت و نمایش فضا متفاوت خواهد بود. در مورد اتصال کف به دیوار نیز هنگامیکه این اتصال از حالت معمولی دو صفحه عمود بر هم خارج و نمایش های دیگر می یابد، حالت و کیفیت فضا را تحت تأثیر قرار می دهد. در وضع موجود سه عنصر تعریف کننده فضا (دیوار، کف و سقف)، به صورت مجزا طراحی و ساخته می شوند. چنین وضعیتی ناشی از شیوه های ساخت متعارف و پذیرش اجتماعی آنها است. حال آن که امکان طراحی یکپارچه و یگانه این سه عنصر نیز وجود دارد. چگونگی پیوستن این سه عنصر به یکدیگر در یک طیف حدفاصل مکعب تا پیوستگی کامل و ایجاد یک فضای کروی امکان پذیر است.

(تصویر ۷-۸) اتود دیوار انعطاف پذیر به منظور افزایش توان تعریف و بسط فضایی، چشم اندازی و نوری جزء فضاهای خانه



سقف

- سقف بر حسب اندازه و مقیاس و محل استقرار نسبت به قلمروهای عمومی و خصوصی نقش‌های متفاوت بر عهده دارد. ضروریست ارتفاع سقف در فضاهای مختلف تنوع داشته باشد و بدین منظور در شرایط استقرار واحدهای مسکونی بر روی یکدیگر، استفاده از راه‌حل‌های طراحی سقف قلمرو عمومی خانه‌ها، با امکان گنجاندن دو جزء فضا در ارتفاع یک فضا توصیه می‌شود.
- برای استفاده از توان سقف‌ها، طراحی می‌باید بر خصلت دو رویه آنها یعنی بام/سقف تکیه کند. هر سقفی که رویه بیرونی آن به بام تبدیل می‌شود، می‌باید در تعریف فضای بام، مشارکت کند. به علاوه می‌باید تعریف خط آسمان نیز در طراحی توأمان سقف/بام و همچنین فضای مستقل طراحی شده برای تأسیسات حرارتی و برودتی در نظر گرفته شود. بخشی از طراحی سقف/بام به چگونگی اتصال آن با دیوار پیرامون بنا وابسته است.

در

- در، فقط یک سطح عمودی نیست. تقلیل در به یک سطح عمودی باعث کاهش کارایی فضا می‌شود. در می‌بایست از سطح به حجم تبدیل شود.
- در ایجاد حجم، رعایت حریم‌های مورد نیاز فعالیت‌های ورود و خروج و مشایعت ضروری است. احترام قائل شدن برای فعالیت‌های ورود و خروج در خانه‌های معاصر جایگزین کردن الگوی «در-سطح» به الگوی «در-فضا» می‌باشد.
- طراحی فضا برای در می‌تواند در ایجاد تسلسل فضایی میان بیرون و درون خانه در جهت تفکیک قلمروهای عمومی تر و خصوصی تر موثر واقع شود.
- در ترکیب دیوار با قامت هر در، در نظر گرفتن حریم پیرامونی ضروریست. زیرا که هم از بیرون و هم از درون، اطراف در می‌تواند از نقطه نظر طراحی مورد استفاده قرار گیرد.
- می‌باید نقش تعریف کننده در، در هر فضا و توان ترکیب کننده آن به هنگام طراحی در نظر گرفته شود. برای طراحی هر در، می‌بایست معیارگذار از یک فضا به فضای دیگر و اتصال یافتن دو فضا مورد نظر قرار گیرد.
- می‌بایست بین دیوارهای مستقر در اطراف یک فضا و درهای مستقر در آن دیوارها، کلیه حریم‌های رفت‌وآمد مرتبط با درها محاسبه شده و در طراحی انعکاس فضایی پیدا کنند. به علاوه شیوه استقرار درها در دیوارها نیز خود می‌باید در طراحی در نظر گرفته شود.

اتود

در این قسمت به اتود چند جزء فضا در یک خانه معاصر با بکارگیری معیارهای ارائه شده برای طراحی آنها می‌پردازیم. فرض بر آنست که در درون یک قطعه زمین در درون محدوده قانونی شهرهای کشور یک مجتمع مسکونی سه یا چهارطبقه ساخته شود.

در طبقه اول فضایی برای طراحی در اختیار است که دو طرف آن از شرق و غرب، به خانه‌ای همجوار محدود است و از دو طرف شمال و جنوب امکان نور و منظره وجود دارد. قرار است طبقه همکف به فضای پیلوتی اختصاص داده شود. در این قسمت به مطالعه فضاهای مورد نیاز در خانه فوق می‌پردازیم.

ورودی

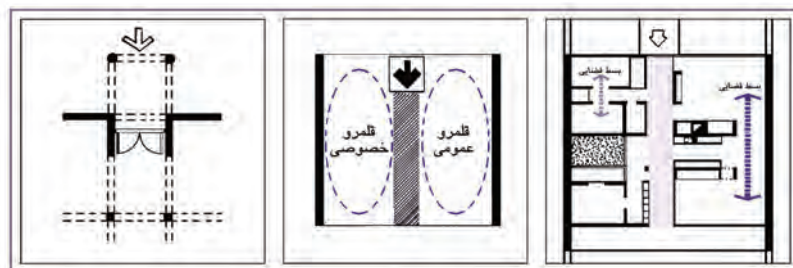
در به عنوان مهمترین عنصر تشکیل دهنده فضای ورودی می‌بایست از بیرون و داخل دارای فضایی مستقل و مشخص برای فعالیت‌های ورود و خروج باشد و این فضا نباید توسط هیچ فضای دیگری مانند پاگرد، پله، پاشنه سایر درها و دیگر محوره‌های عبوری مخدوش شود.

در طراحی فضای ورودی دقت شود بسط چشم‌اندازی این فضا به تمامی درون خانه اشراف نداشته باشد.

- در اینجا، برای ورود از طبقه همکف به طبقه اول مسکونی اتود انجام می‌شود. بررسی استقرار ورودی در کنار، کنج و میان برای طراحی یک یا دو واحد مسکونی موضوع مطالعه می‌باشد. انتخاب هر یک از محل‌های مذکور برای استقرار ورودی بر شیوه طراحی جهت انتخاب فضاهای عبوری-راهروها- و توزیع فضاهای مکث تأثیر می‌گذارد.

_ در اتود شماره ۱: ورودی در میان ضلع شمالی قرار می‌گیرد و بر اساس خواست کارفرما، فضاهای داخلی به سه اتاق خواب و سالن‌های پذیرایی و نهارخوری اختصاص می‌یابد. محور ارتباطی پس از ورود، سازمان فضایی خانه را به دو قلمرو عمومی (شرق) و قلمرو خصوصی (غرب) تقسیم می‌کند. با وجود آنکه چشم‌انداز پس از ورود تا انتهای عمق خانه را باز گذاشته، ولی امکان دید به درون فضاهای زندگی وجود ندارد.

(تصویر ۷-۹) اتود شماره ۱، استقرار ورودی در میان ضلع شمالی



در مرکز خانه قرار دارد و محور ارتباطی در پیرامون فضای نورگیر دسترسی به فضاهای عمومی و خصوصی را امکان پذیر کرده است.

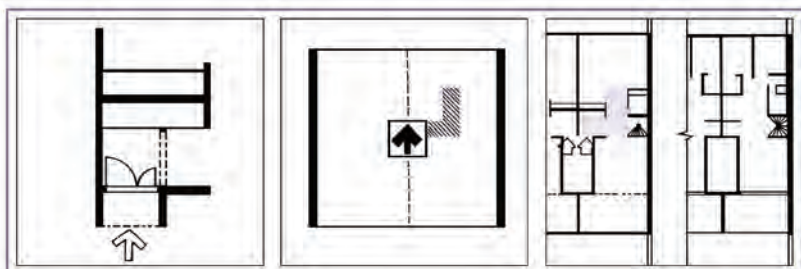
در اتود شماره ۴: ورودی در مرکز قسمت بسته مستقر شده و مسیر ارتباطی پیرامون فضای ورودی قرار دارد. با توجه به جهت ورود و مسیر دسترسی به جزء فضاهای درون خانه در پیرامون ورودی، جزء فضاهای خانه به تدریج آشکار می شوند.

(تصویر ۷-۱۳) اتود شماره ۴، ورودی در مرکز قسمت بسته



در اتود شماره ۵: ورودی در مرکز قسمت بسته قرار دارد و خانه دارای دو طبقه می باشد. در طبقه پایین، فضاهای عمومی و در طبقه دوم، فضاهای خصوصی جای گرفته اند. دیوار روبه روی در ورودی مانع اشراف به فضاهای داخلی در بدو ورود می شود. محور ارتباطی در فاصله ای نزدیک به پله داخلی به طبقه بالا و فضای عمومی قرار گرفته است.

(تصویر ۷-۱۴) اتود شماره ۵، ورودی در مرکز قسمت بسته، خانه دو طبقه



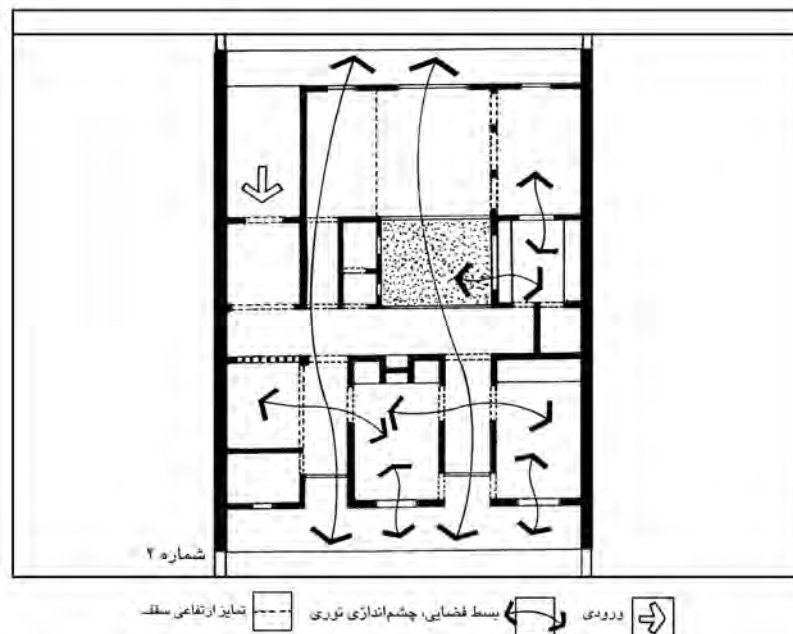
در اتود شماره ۶: ورودی میان ضلع غربی قرار گرفته است. این بار در محور روبروی ورودی، استقرار فضاهای آشپزخانه و نورگیر، سازمان فضایی خانه را به دو قسمت عمومی و خصوصی تقسیم کرده است. محورهای ارتباطی در پیرامون ورودی و در امتداد آن در دو مسیر متفاوت یکی به سمت اتاق های خواب و دیگر به سمت پذیرایی و نهارخوری شکل گرفته است. به این ترتیب، در بدو ورود، چشم اندازی به فضاهای داخلی وجود ندارد.

در اتود شماره ۲: استقرار ورودی در گوشه ضلع شمالی قرار گرفته و محور ارتباطی عمود بر راستای ورودی می باشد. قلمروهای خصوصی در قسمت جنوب و قلمروهای عمومی در قسمت شمال طراحی شده اند.

(تصویر ۷-۱۰) اتود شماره ۲، استقرار ورودی در گوشه ضلع شمالی

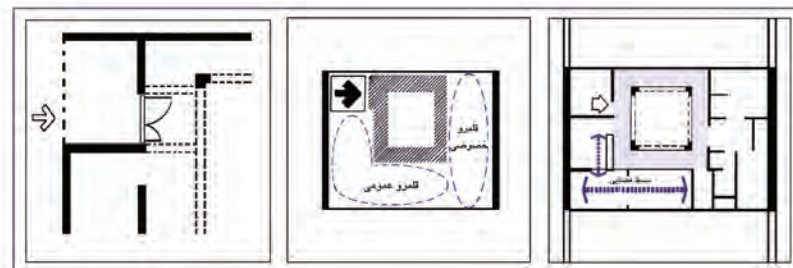


(تصویر ۷-۱۱) اتود شماره ۲، مطالعه بسط فضایی جزء فضاهای



در اتود شماره ۳: ورودی همچنان در گوشه ضلع شمالی قرار دارد. فضای نورگیر

(تصویر ۷-۱۲) اتود شماره ۳، ورودی در کنج ضلع شمالی و غربی با پاسیو در میانه



(تصویر ۷-۱۵) اتود شماره ۶، ورودی در میان ضلع غربی

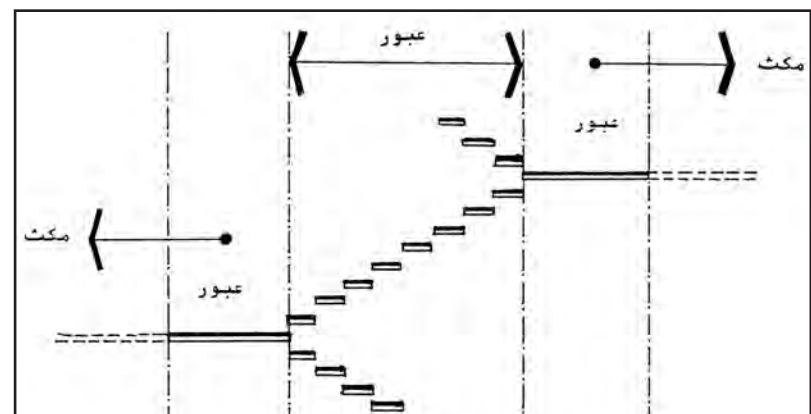


پله

در طراحی پله به عنوان فضای عمومی ساختمان توصیه می‌شود به وسیله تعریف مجدد حریم‌های مورد نیاز و انواع بسط‌های فضایی، چشم‌اندازی و نوری، وضعیت آن از جعبه پله (Stair Box) به فضای پله ارتقا یابد.

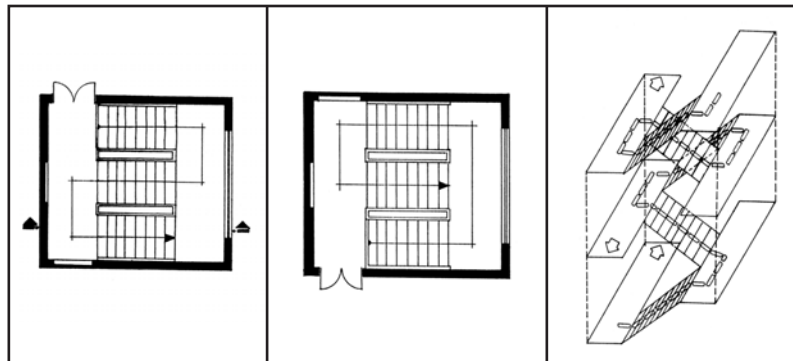
در تعریف فضای پاگرد به عنوان فضایی برای مکث، می‌بایست فضایی مستقل از فضای عبوری در نظر گرفته شود، این فضا می‌بایست دارای بسط فضایی، چشم‌اندازی و نوری باشد. برای زنده کردن پله و تبدیل آن به فضای متحرک و مطبوع، آن بخش از پله که اتصال دو سطح مختلف ارتفاعی را باعث می‌شود نیز، می‌باید از بسط چشم‌اندازی و نوری بهره برد. در این راستا می‌باید جداره‌های تعریف‌کننده پله از سطوح بسته و یکدست به سمت قاب‌های باز تغییر شکل دهند. در طراحی پله می‌توان بر ترکیب فضای پاسیو و نورگیر ساختمان و فضای پله متمرکز شد. این امر باعث گشایش فضایی پله و صرفه‌جویی در فضا می‌شود. پاگرد پله نباید به وسیله حریم‌های فضایی درهای ورودی به خانه‌ها مخدوش شود.

(تصویر ۷-۱۶) در فضای پله - فضاهای مکث به اندازه فضاهای عبور مهم هستند



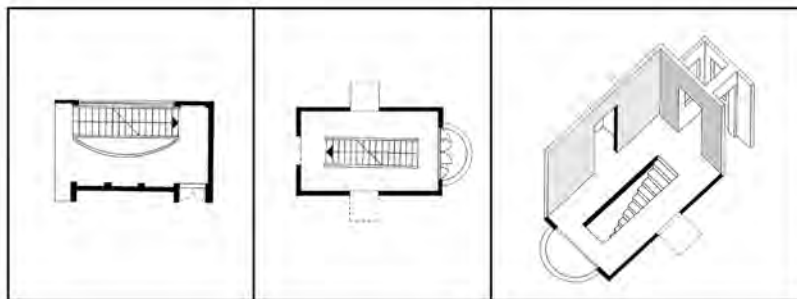
در اتود شماره ۱: یک مسیر پله در جوار مسیر متداول رفت و برگشت، به عنوان پشتیبان به فضای پله اضافه می‌شود، در این حالت مسیر پله عبوری در روبروی ورودی هر خانه بسته می‌شود و این امر فضایی مناسب برای مکث در مقابل هر خانه ایجاد می‌کند.

(تصویر ۷-۱۷) اتود شماره ۱، پله



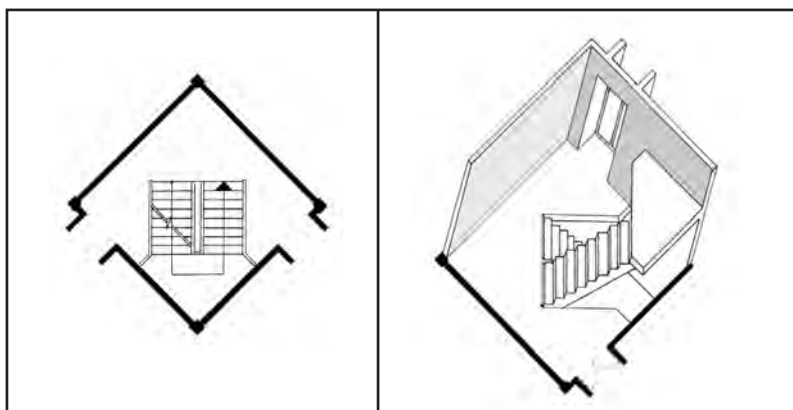
در اتود شماره ۲: پلکان در مرکز و کنار قرار گرفته و فضای مناسبی برای عبور و مکث در طبقات ایجاد نموده است. در این مطالعه برای هر واحد مسکونی در یک طبقه، فضایی مخصوص ورود و خروج به حالت تورفته پیش‌بینی شده است.

(تصویر ۷-۱۸) اتود شماره ۲، پله

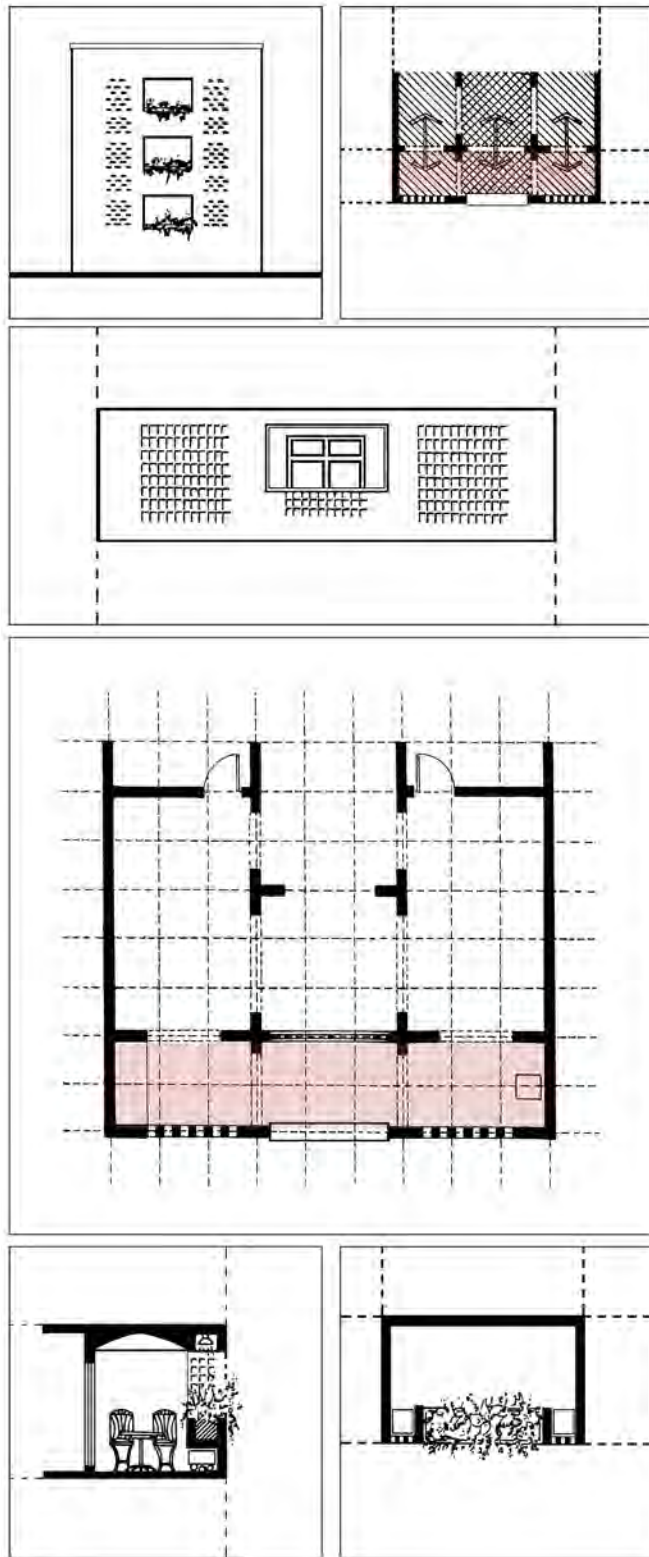


در اتود شماره ۳: پلکان با چرخش ۴۵ درجه‌ای خود باعث ایجاد فضایی مناسب مخصوص مکث و عبور در طبقات شده است. به این ترتیب، فضایی خالی در اطراف پلکان در مقابل هر در ورودی بوجود می‌آید.

(تصویر ۷-۱۹) اتود شماره ۳، پله



(تصویر ۷-۲۰) یک پیشنهاد برای تراس و بالکن در خانه‌های معاصر



پاسیوها

باتوجه به کاربرد پاسیوها در خانه‌های معاصر به عنوان نورگیر و در وضعیت بهتر به عنوان فضای گل‌وگیاه، توصیه می‌شود آنها به حیاط‌های کوچک واقع در میان خانه تبدیل شوند.

مناسب‌تر است در طبقه همکف از طریق ایجاد بسط فضایی و ترکیب با محورهای عبوری، این فضا را از حالت قفس گل‌وگیاه خارج کرد و از نقطه‌نظر عملکردی ارتقا داد. به علاوه در صورت ادامه پاسیوها در طبقات بالاتر از همکف، اطراف آنها در سطح هر طبقه، عبوری کم عرض در نظر گرفته شود.

حیاط‌های فرعی

حیاط‌های فرعی یا حیاط خلوت یا حیاط عقبی را که در شرایط موجود تنها خانه‌های شمالی می‌توانند از وجود آن برخوردار باشند، می‌باید دقیقاً همچون یک حیاط کوچک تعریف نمود.

دیوارهای بلند این فضاها با برخورداری از طاق و طاقچه به عنوان بدنه، حوض و باغچه کوچک بر کف، می‌تواند آنها را از حالت انبارگونه به در آورد. افزایش امکان بهره‌وری از این فضا و تحقق تعداد بیشتری عملکرد در این حیاط‌ها ضروریست. در مجتمع‌های مسکونی به ازای هر پنج طبقه، یک حیاط مشاع در بام یا یک حیاط مشاع در طبقات توصیه می‌شود.

تراس و بالکن

به تراس و بالکن به عنوان فضاهایی مستقل و مفید، باید توجه بیشتری شود. تا آنجا که در شرایط موجود توصیه می‌شود حتی الامکان، برای تمامی جبهه‌های باز خانه‌ها، تراس یا بالکن سرپوشیده در نظر گرفته شود. این فضاها می‌توانند به عنوان بسط فضاهای بسته مورد استفاده قرار گیرند و همچون حریم واقع در حد فاصل بیرون و درون نقش ایفا کنند.

حداقل تعریف‌شدگی برای این فضاها برخوردارشدن از پوشیدگی از سه جبهه غیر از کف می‌باشد. توصیه می‌شود که جبهه چهارم که مشرف به بیرون است به صورت قاب طراحی شود. چراکه:

(۱) درجه پوشیدگی فضای بالکن افزایش می‌یابد؛

(۲) امکان بهره‌برداری ساکنان افزایش می‌یابد؛

(۳) نفوذ آلودگی هوا و آلودگی نوری و صوتی کاهش می‌یابد؛

(۴) تبادل حرارت و برودت و همچنین چشم‌انداز بیرون قابل کنترل‌تر می‌شود؛
نمونه‌ای که در اینجا ارائه شده، برای تمامی جبهه‌های باز خانه، قابل استفاده می‌باشد. برای کاهش اشراف به این فضا می‌توان از دیوارهای مشبک استفاده کرد.

فضاهای درهم

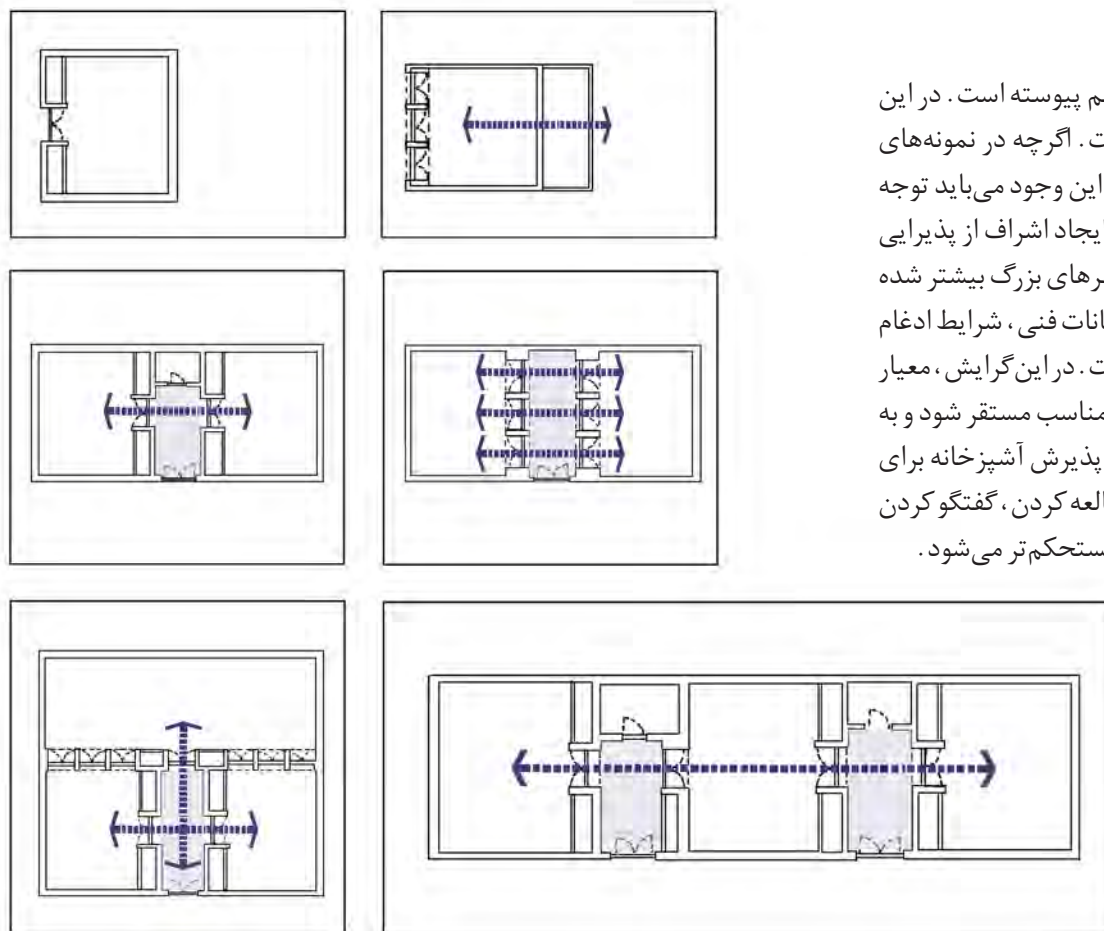
فضاهای درهم بخشی از خانه‌های معاصر هستند که در بدو ورود به تمامی آشکار می‌شوند و معرف سازمان فضایی خانه می‌باشند. الگوی متداول فضاهای درهم در خانه‌های معاصر ترکیبی از جزء فضاهای ورودی، عبوری‌ها، نشیمن، نهارخوری و پذیرایی است.

فضاهای درهم در شرایط موجود می‌باید در هر قسمت از جزء فضاهای از تعریف برخوردار شوند. در این صورت کلیت فضاهای درهم، از انسجام برخوردار خواهد شد. می‌باید از طریق ایجاد تمایز در سقف از نقطه نظر مصالح، نور و ارتفاع، تعریف‌شدگی جزء فضاهای درهم‌شده را افزایش داد. به علاوه با استفاده از عناصر پوششی سبک و جداره‌های نازک، مسیرهای عبور را تعریف، از تداخل با قلمرو فضای مکث ممانعت، و از آشفته‌شدن منظر داخلی فضاهای درهم به خاطر وجود تعدادی در (مربوط به اتاق‌های خواب، آشپزخانه و سرویس‌ها) جلوگیری کرد. چنانچه قسمت‌های مختلف فضاهای درهم به خوبی تعریف شوند، امکان تحقق همزمان عرصه‌های عمومی، مشترک و خصوصی در یک فضا فراهم خواهد شد و کیفیت فضاها افزایش خواهند یافت.

اتاق‌های خواب

اتاق‌های خواب در خانه‌های معاصر خلوت اعضای خانواده را تأمین می‌کنند. با حفظ این ویژگی در شیوه‌های زندگی معاصر، فضاهای خواب می‌باید براساس مشخصات قلمروهای خصوصی و خیلی خصوصی طراحی شوند. یعنی می‌باید حداقل از سه جبهه دارای حریم باشند. از طرف دیگر با توجه به مجتمع‌شدن اتاق‌های خواب در ناحیه فضاهای مجزا، می‌باید امکانات بسط و ترکیب آنها را نیز در طراحی محفوظ داشت. چراکه شیوه‌های زندگی معاصر در ایران ایجاب می‌کند که گاه تمامی توان فضایی خانه برای برگزاری مراسم و جشن‌ها مورد استفاده قرار گیرد و یا به طور همزمان بتوان در درون خانه از عرصه دو قلمرو مختلف و مستقل فضایی استفاده نمود. به همین جهت، توصیه می‌شود که ضمن حفظ حریم برای اتاق‌های خواب بر حسب تعداد و نوع مجتمع‌شدن آنها، امکان بسط فضایی را در جبهه‌های مشترک فراهم نمود.

(تصویر ۷-۲۱) اتود شماره ۱، اتاق



آشپزخانه

آشپزخانه در برخی گرایش‌های متأخر به گروه فضاهای درهم پیوسته است. در این گرایش‌ها، آشپزخانه از زمره فضاهای مجزا خارج شده است. اگرچه در نمونه‌های بررسی شده در این تحقیق کمتر به این مورد برخورد شد، با این وجود می‌باید توجه داشت که این گرایش به باز کردن یک جداره از آشپزخانه و ایجاد اشراف از پذیرایی - نهارخوری به داخل آن از دهه‌های ۷۰ به بعد به ویژه در شهرهای بزرگ بیشتر شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که شیوه زندگی معاصر و امکانات فنی، شرایط ادغام و ترکیب فضایی آشپزخانه را با فضاهای درهم فراهم کرده است. در این گرایش، معیار آنست که آشپزخانه به درستی تعریف شده باشد و در مکان مناسب مستقر شود و به شیوه‌ای مناسب از توان ترکیب برخوردار شود. هرچه توان پذیرش آشپزخانه برای عملکردهایی از قبیل نشستن جمع شدن یا کار کردن و مطالعه کردن، گفتگو کردن و خوردن بیشتر باشد، نقش آشپزخانه در سازمان فضایی مستحکم‌تر می‌شود.

_ اتود شماره ۱: در این مطالعه چندین نحوه ترکیب اتاق‌های کنار هم به وسیله یک فضای میانی نشان داده شده است.

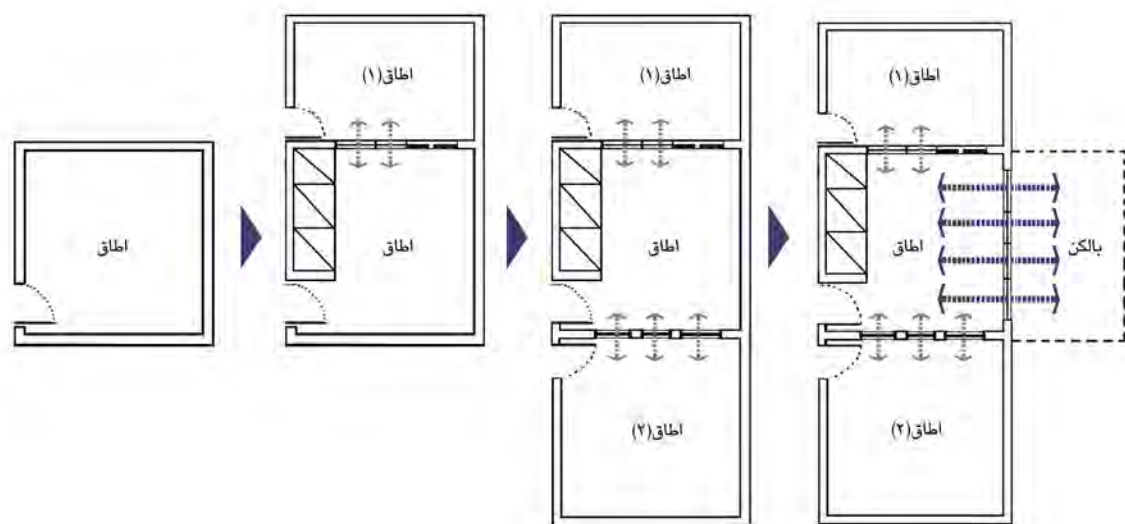
_ اتود شماره ۲: در این مطالعه نحوه ترکیب اتاق با اتاق‌های کناری و ایجاد بسط چشم‌اندازی و نوری در جبهه باز خانه نشان داده شده است.

بام

زنده کردن و بازگرداندن فضای بام در خانه‌های معاصر امری ضروریست. بام‌ها به طور بالقوه از شرایط بسط فضایی، چشم‌اندازی و نوری برخوردارند. بام هر خانه می‌باید در زمینه نیازمندی‌های فضایی شیوه زندگی نقش ایفا کند. به این منظور به عنوان اولین اقدام می‌باید، فضای بام‌ها به عنوان یک فضای باز محفوظ تعریف شوند تا امکان نشستن، گفتگو کردن، خوردن و خوابیدن در آن‌ها فراهم شود و به تدریج شرایط حضور گل‌و گیاه و آب نیز در آن ایجاد شود. دو عنصر پوششی کف و دیوارها می‌باید برای بام نیز ملاک طراحی قرار گیرند. هنگامی که طبقه آخر به اتمام می‌رسد، بنا تمام نمی‌شود. بدنه‌ها می‌بایست ادامه یابند و بام را تعریف کنند. مصالح کف بام نیز می‌باید از توان استفاده بر حسب معیارهای شیوه زندگی برخوردار باشند.

حضور در بام، آگاهی عمومی را نسبت به آلودگی‌های منظر و هوا افزایش داده و شرایط را برای رهایی از این وضعیت در درون هر خانواده و برای مشارکت اعضای آنان فراهم می‌کند.

(تصویر ۷-۲۲) اتود شماره ۲، اتاق



سرویس‌های بهداشتی

در مورد سرویس‌های بهداشتی، برای خانه‌های معاصر ایران که در آنها امکان زندگی یک خانواده دو تا سه نفره وجود دارد، توصیه می‌شود از یکی کردن آنها خودداری شود. یک توالت - دستشویی جدا از حمام، برای زندگی یک خانواده در یک واحد مسکونی هر چقدر کوچک ضروریست. به علاوه توصیه می‌شود که استقلال فضایی توالت از دستشویی، مراعات شود. برای حمام‌ها نیز یک فضای تعریف شده حداقل، به عنوان سرپینه توصیه می‌شود. باید سعی شود که حریم عملکردی اشیاء در سرویس‌ها و ارتباط طبیعی فضای آنها با هوای آزاد حفظ شود.



فهرست پژوهش‌های پیشنهادی

فهرست تصاویر

فهرست جداول

فهرست منابع

فهرست پژوهش‌های پیشنهادی

در هنگام نوشتن کتاب خانه، بارها و بارها دامنه پژوهش به قلمروهایی رسید که این کتاب پاسخگوی آنها نبود و می‌بایست با ارجاع و اشاره‌ای به آن موضوع، از آن عبور می‌کردیم.

این موارد در جای جای کتاب تا آنجا که میسر بود بسط یافت و موضوع به صورت یک عنوان پژوهشی پیشنهاد شد. در این قسمت، آن عنوان‌ها به صورت فهرست‌وار از سراسر کتاب جمع‌آوری شده و به دانشجویان و پژوهشگرانی که خواهان ادامه راه هستند تقدیم می‌گردد، به علاوه درخواست می‌شود که اگر درباره هر کدام از عنوان‌ها، پژوهشی انجام شد، نویسنده را از طریق پست الکترونیکی در جریان قرار دهید.

۱. بررسی معماری خانه‌های ساخته شده حد فاصل سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۴۰؛
۲. تأثیر مشاعیات آپارتمان‌های مسکونی بر شکل‌گیری روحیه تعاون و همکاری همسایگان، (عکس‌العمل‌های اعضای خانواده نسبت به مشاعیات با توجه به سن و جنس آنها)؛
۳. بررسی مفهوم و نقش تنوع در خانه؛
۴. معماران خانه و چگونگی آموزش معماری در قبل از سال ۱۳۰۰ با تکیه بر نقش و حضور معمار در جامعه ایرانی؛
۵. استاندارد کردن ابعاد فضاهای زندگی و خانه؛
۶. بررسی تأثیرات روانشناسانه کوچک کردن فضاهای خانه در ایران؛
۷. تأثیر کالایی شدن زمین و مسکن بر طراحی و اجرای خانه (بررسی تاریخی)؛
۸. چگونگی ارتباط نواحی مسکونی و کاربری‌های غیر مسکونی و بررسی اثرات همجواری آنها بر کیفیت و کمیت محل سکونت؛
۹. بررسی تأثیرات گذار فضایی بی‌واسطه بین خانه و شهر و تأثیر آن بر سلامت خانواده (پیشنهاد تلفیق بند ۸ و ۹ در یک پژوهش)؛
۱۰. ساحت‌های سکونت معاصر: بررسی ارزش‌های جاافتاده در معماری خانه‌های مسکونی از سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۵؛
۱۱. بررسی علل عدم تمایل نسل جوان به سکونت در خانه‌های تاریخی؛
۱۲. مسکن در سیاست‌های تأمین مسکن در ایران، سیاست‌های تأمین مسکن به کدام سو می‌روند؟
۱۳. نقش نور در معماری ایران: چگونگی مواجهه با نور در سازمان فضایی خانه‌های تاریخی؛
۱۴. بررسی ریشه‌های نام‌گذاری فضاها در خانه‌های تاریخی؛
۱۵. آشپزخانه و سیر تحول آن در شهرنشینی معاصر کشور؛
۱۶. چگونگی ادراک فضایی در خانه بر حسب گروه‌های اجتماعی مختلف (زن/مرد،

پیر/جوان، کودک، ...)

۱۷. بررسی سند «Habitat Bill of right»، کتاب ارائه شده از ایران به کنفرانس مسکن در سال ۱۹۷۶؛

۱۸. بررسی سند: ضوابط ساختمان‌سازی ۱۳۲۱ در تهران؛

۱۹. بررسی سند: «شهرسازی در ایران»، از اولین کتب شهرسازی، سرهنگ سعدالدین رشیدی، ۱۳۴۲؛

۲۰. بررسی قوانین نانوشته معماری و شهرسازی ایران با تکیه بر نمونه‌های موجود پیش از سال ۱۳۰۰؛

۲۱. تأثیرپذیری معماران دوره اسلامی ایران از معماری معماران دوره باستان؛

۲۲. چگونگی نقش خلاقیت و چگونگی پرورش آن، بررسی رابطه خلاقیت و معماری؛

۲۳. چگونگی تحقق مفهوم عام و خاص در سازمان فضایی خانه‌های تاریخی؛

۱۴ و ۲۴. ریشه‌شناسی واژگان معماری ایران و تأثیر آن بر معماری معاصر ایران؛

۲۵. بررسی مستند و آماری تأثیرات کاهش نقش فضا بر اثر افزایش نقش اشیا، مبلمان، نور مصنوعی، تأسیسات گرمایشی و سرمایشی بر معماری خانه‌های معاصر؛

۲۶. بررسی رابطه اشياء (مبلمان و ...) و سازمان فضایی خانه؛

۲۷. بررسی تغییرات سازمان فضایی شهرهای ایران از طریق نشانه‌شناسی و خوانش شهر بر اساس عکس‌های هوایی در سال‌های مختلف؛

فهرست تصاویر

فصل اول

- ۹ (تصویر ۱-۱) پلان خانه‌های قدیمی کاشان (۱۳۳۵-۱۳۰۵)
- ۱۲ (تصویر ۲-۱) موقعیت و زوایای تابش خورشید در عرض‌های جغرافیایی شهرهای مورد بررسی
- ۱۳ (تصویر ۳-۱) موقعیت‌های مکانی اقلیمی شهرهای مورد بررسی

فصل دوم

- ۲۰ (تصویر ۱-۲) نمودار طیف نگاه‌های شناخت معماری
- ۲۱ (تصویر ۲-۲) نمودار بسط دائمی چرخه پژوهش به مثابه روش
- ۲۲ (تصویر ۳-۲) دیگرام تأثیرات معنایی، احساسی و عاطفی فضاها و جزءفضاها در خانه‌های تاریخی کاشان
- ۲۴ (تصویر ۴-۲) گذار از شهر به خانه
- ۲۵ (تصویر ۵-۲) دیگرام عوامل شکل‌دهنده به معماری خانه در دو دوره پیش از ۱۳۰۰ و پس از ۱۳۴۰
- ۲۶ (تصویر ۶-۲) نقشه‌ها و تصاویر هوایی شش شهر مورد بررسی
- ۲۹ (تصویر ۷-۲) تغییر سازمان فضایی خانه
- ۳۰ (تصویر ۸-۲) نمودار طیف سکونت خانه‌های معاصر و محدوده مطالعه در این کتاب
- ۳۲ (تصویر ۹-۲) نمودار بهره‌وری از جزءفضاهای باز، بسته و پوشیده در ایام سال در حد فاصل قلمروهای عمومی و خصوصی
- ۳۴ (تصویر ۱۰-۲) تأثیر همگرایی و واگرایی عناصر و اجزاء در چگونگی سازمان فضایی خانه (بنا)
- ۳۶ (تصویر ۱۱-۲) طیف زوایای نگاه به معماری ایران بر اساس آرا و نظرگاه‌های متفکران ایرانی و خارجی
- ۳۷ (تصویر ۱۲-۲) نمودار زوایای نگاه به معماری ایران (بر اساس آرا و نگاه‌های متفکران ایرانی و خارجی)
- ۳۸ (تصویر ۱۳-۲) مشابهت صورت و ساختار فضاها، باز، بسته و پوشیده در یک بنای قاجاری متأخر (خانه صالح در کاشان) با یک بنای پیش از اسلام (عمارت خسرو در قصر شیرین) تصویر بازسازی شده
- ۳۹ (تصویر ۱۴-۲) نمودار قلمرو شناخت معماری و معماری خانه
- ۴۰ (تصویر ۱۵-۲) نمودار واحد الگوی شکل‌گیری معماری خانه‌های تاریخی ایران تا پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی و تغییر آن پس از سال ۱۳۴۰

فصل سوم

- ۵۱ (تصویر ۱-۳) پلان خانه مصری
- ۵۱ (تصویر ۲-۳) خانه یونانی
- ۵۱ (تصویر ۳-۳) پلان خانه رومی
- ۵۶ (تصویر ۴-۳) خانه روستایی مازندران در سده نوزدهم شامل فضاها، باز، پوشیده، بسته، حیاط، ایوان، اتاق)
- ۶۰ (تصویر ۵-۳) جای اهل منزل و میهمانان در فضای اتاق خانه روستایی در گیلان
- ۶۱ (تصویر ۶-۳) سازمان معنایی خانه روستایی در گیلان

فصل چهارم

- ۷۲ (تصویر ۱-۴) فضای بیرونی خانه‌های معاصر
- ۷۳ (تصویر ۲-۴) نمونه‌هایی از حیاط در خانه‌های معاصر
- ۷۴ (تصویر ۳-۴) نمونه‌هایی از ایوان و بالکن در خانه‌های معاصر

۷۵	(تصویر ۴-۴) نمودار نتایج تصویری پرسشگری از خانوارهای ساکن در خانه‌های معاصر
۷۶	(تصویر ۴-۵) فضای خارجی ورودی در خانه‌های معاصر
۷۷	(تصویر ۴-۶) فضای داخلی ورودی در خانه‌های معاصر
۷۸	(تصویر ۴-۷) اتاق در خانه‌های معاصر (فضای تک عملکردی انباشته از مبلمان)
۷۸	(تصویر ۴-۸) فضاهای درهم در خانه‌های معاصر، شامل نشیمن و پذیرایی
۷۸	(تصویر ۴-۹) نمونه‌هایی از نهارخوری در خانه‌های معاصر
۷۹	(تصویر ۴-۱۰) نمونه‌هایی از آشپزخانه در خانه‌های معاصر
۸۴	(تصویر ۴-۱۱) نمونه‌هایی از نقاشی کودکان

فصل پنجم

۹۲	(تصویر ۵-۱) پلان ۸۷ خانه تاریخی مورد بررسی
۹۵	(تصویر ۵-۲) سازمان فضایی خانه عباسیان - کاشان (کا - ۱)
۹۶	(تصویر ۵-۳) نمایش دو محور آسمان و زمین در شبکه نامرئی و استقرار آن بر روی سازمان فضایی، خانه صالح - کاشان (کا - ۴)
۹۷	(تصویر ۵-۴) نمایش شبکه فضایی نامرئی و محل استقرار جزء فضاها - کاشان - نمونه یک خانه تاریخی واقع در محله پنجه‌شاه - دربند عطارها - خانه عطارها (کا - ۲)
۹۸	(تصویر ۵-۵) دیگرام فضاهای باز، پوشیده و بسته
۹۹	(تصویر ۵-۶) فضاهای باز، پوشیده و بسته
۱۰۰	(تصویر ۵-۷) گونه شناسی تعریف انواع الگوهای فضایی باز، بسته و پوشیده
۱۰۲	(تصویر ۵-۸) گونه‌شناسی انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی
۱۰۴	(تصویر ۵-۹) گونه‌شناسی انواع شیوه‌های بسط و گسترش فضا (بسط فضایی، نوری و چشم‌اندازی)
۱۰۵	(تصویر ۵-۱۰) شیراز - شیوه‌های ترکیب فضا به منظور افزایش امکان بسط، تعریف و تنوع فضایی (ش - ۱)
۱۰۵	(تصویر ۵-۱۱) شیراز - تسلسل و تداوم فضا در خانه‌های تاریخی ایران (ش - ۲)
۱۰۶	(تصویر ۵-۱۲) همدان - تنوع بدنه‌های مشرف به حیاط (ه - ۲)
۱۰۶	(تصویر ۵-۱۳) گونه‌شناسی انواع خط آسمان - کاشان
۱۰۷	(تصویر ۵-۱۴) گونه‌شناسی انواع فضاهای چندرو
۱۰۸	(تصویر ۵-۱۵) گونه‌شناسی انواع حضور نور در فضا - کاشان
۱۰۸	(تصویر ۵-۱۶) گونه‌شناسی انواع ارتفاع فضا
۱۰۹	(تصویر ۵-۱۷) گونه‌شناسی انواع دیوار
۱۱۰	(تصویر ۵-۱۸) نقش عناصر معماری (دیوار، سقف، کف) در جان بخشیدن به فضا
۱۱۱	(تصویر ۵-۱۹) گونه‌شناسی انواع بدنه‌های داخلی و خارجی
۱۱۲	(تصویر ۵-۲۰) گونه‌شناسی انواع نقش بدنه‌ها در تعریف گونه‌های فضایی
۱۱۴	(تصویر ۵-۲۱) نقش دیوار در سازمان فضایی خانه‌های تاریخی - کاشان
۱۱۵	(تصویر ۵-۲۲) سقف، کف و دیوار در اتاق خانه ایرانی
۱۱۵	(تصویر ۵-۲۳) شمسه در سقف یکی از فضاهای خانه عامری‌ها - کاشان
۱۱۵	(تصویر ۵-۲۴) درجات پوشیدگی انواع فضاهای باز، خانه طباطبایی (کا - ۸)
۱۱۸	(تصویر ۵-۲۵) حضور هم‌زمان سه‌گونه فضایی باز، پوشیده و بسته

- ۱۲۰ (تصویر ۵-۲۶) دیاگرام انواع فضاهای باز در سطوح ارتفاعی متفاوت
- ۱۲۰ (تصویر ۵-۲۷) انواع فضاهای باز در خانه‌های تاریخی
- ۱۲۲ (تصویر ۵-۲۸) عناصر موجود در حیاط خانه‌های تاریخی کاشان
- ۱۲۳ (تصویر ۵-۲۹) حیاط در خانه‌های کاشان
- ۱۲۴ (تصویر ۵-۳۰) الگوی صفه در خانه‌های تاریخی
- ۱۲۴ (تصویر ۵-۳۱) الگوی پایین-بالا در خانه‌های تاریخی
- ۱۲۴ (تصویر ۵-۳۲) صفه و شارمی در خانه‌های تاریخی
- ۱۲۵ (تصویر ۵-۳۳) گونه شناسی انواع فضاهای عبوری دور حیاط (شارمی)
- ۱۲۵ (تصویر ۵-۳۴) الگوی مهتابی در خانه‌های تاریخی
- ۱۲۶ (تصویر ۵-۳۵) بام، فضایی باز و قابل استفاده در مقیاس خانه، محله و شهر
- ۱۲۷ (تصویر ۵-۳۶) توالی فضایی باز، سرپوشیده و بسته
- ۱۲۷ (تصویر ۵-۳۷) انواع فضاهای سرپوشیده در خانه‌های کاشان
- ۱۲۸ (تصویر ۵-۳۸) سردر، کاشان
- ۱۲۸ (تصویر ۵-۳۹) گونه شناسی انواع ورودی
- ۱۲۹ (تصویر ۵-۴۰) گونه شناسی انواع ایوان
- ۱۲۹ (تصویر ۵-۴۱) الگوی ایوان در خانه‌های تاریخی
- ۱۲۹ (تصویر ۵-۴۲) ایوان در بالاخانه، خانه عباسیان-کاشان
- ۱۳۰ (تصویر ۵-۴۳) الگوی دستگاه سرپوشیده در خانه‌های تاریخی
- ۱۳۰ (تصویر ۵-۴۴) دستگاه سرپوشیده خانه بروجردی‌ها (کا-۱۵)
- ۱۳۰ (تصویر ۵-۴۵) حوضخانه در خانه‌های تاریخی
- ۱۳۱ (تصویر ۵-۴۶) الگوی هشتی در خانه‌های تاریخی
- ۱۳۱ (تصویر ۵-۴۷) فضای ورودی
- ۱۳۲ (تصویر ۵-۴۸) گونه شناسی انواع فضاهای بسته
- ۱۳۳ (تصویر ۵-۴۹) گونه شناسی انواع همجواری فضاهای بسته
- ۱۳۴ (تصویر ۵-۵۰) الگوی زیرزمین در خانه‌های تاریخی
- ۱۳۴ (تصویر ۵-۵۱) الگوی گوشوار در خانه‌های تاریخی
- ۱۳۵ (تصویر ۵-۵۲) الگوی پس‌اتاق در خانه‌های تاریخی
- ۱۳۵ (تصویر ۵-۵۳) الگوی سه‌دری در خانه‌های تاریخی
- ۱۳۵ (تصویر ۵-۵۴) الگوی پنج‌دری در خانه‌های تاریخی
- ۱۳۷ (تصویر ۵-۵۵) انعطاف‌پذیری: امکان ترکیب فضاهای باز، پوشیده و بسته
- ۱۳۷ (تصویر ۵-۵۶) تعریف ترکیب انواع فضاهای باز، پوشیده و بسته در خانه‌های تاریخی
- ۱۳۸ (تصویر ۵-۵۷) قلمرو عمومی و خصوصی در خانه ایرانی - نمونه خانه عطارها (کا-۲) پیش از ۱۳۰۰
- ۱۳۹ (تصویر ۵-۵۸) نمودار مراتب و توالی فضاها در خانه ایرانی

فصل ششم

- ۱۴۶ (تصویر ۶-۱) گونه شناسی انواع جزء‌فضاها در خانه‌های معاصر
- ۱۴۸ (تصویر ۶-۲) گونه شناسی نماهای خانه‌های معاصر
- ۱۵۰ (تصویر ۶-۳) گونه‌شناسی انواع حیاط در خانه‌های معاصر
- ۱۵۱ (تصویر ۶-۴) الگوی متداول در طبقه همکف، حیاط و ایوان خانه‌های جنوبی-رشت
- ۱۵۱ (تصویر ۶-۵) گونه شناسی تراس و بالکن در خانه‌های معاصر (۷۰-۱۳۴۰)
- ۱۵۲ (تصویر ۶-۶) گونه شناسی پله، پاگرد و ورودی در خانه‌های معاصر (۷۰-۱۳۴۰)
- ۱۵۳ (تصویر ۶-۷) گونه شناسی نورگیر (پاسیو) و موقعیت آن در خانه‌های معاصر (۷۰-۱۳۴۰)
- ۱۵۳ (تصویر ۶-۸) کاشان-گونه شناسی فضاهای درهم و ارزشیابی توان تعریف آنها در خانه‌های معاصر (۷۰-۱۳۴۰)
- ۱۵۴ (تصویر ۶-۹) ارزشیابی توان ترکیب و تعریف فضاهای درهم در خانه‌های معاصر
- ۱۵۶ (تصویر ۶-۱۰) گونه شناسی اتاق‌های خواب در خانه‌های معاصر (۱۳۷۰-۱۳۴۰)
- ۱۵۷ (تصویر ۶-۱۱) گونه شناسی آشپزخانه در خانه‌های معاصر
- ۱۵۹ (تصویر ۶-۱۲) روند جابجایی آشپزخانه از کنج مطبخ تا همجواری با ناهار خوری در ایران (۷۰-۱۳۰۰)
- ۱۶۱ (تصویر ۶-۱۳) استقرار دستگاه‌های تأسیساتی، حرارت‌زا و برودت‌زا در همه جا
- ۱۶۱ (تصویر ۶-۱۴) الگوی نوعی سازمان فضایی واحدهای مسکونی سه یا چهار طبقه
- ۱۶۲ (تصویر ۶-۱۵) مشارکت خانه‌های معاصر در تشکیل و تعریف فضای باز عمومی
- ۱۶۳ (تصویر ۶-۱۶) در جلوی اتاق، فضایی کم عرض به یادگار ایوان
- ۱۶۳ (تصویر ۶-۱۷) اشراف به فضای ایوان مانند، امکان حضور و مکث ساکنان را کاهش داده است
- ۱۶۳ (تصویر ۶-۱۸) الگوی نوعی مواجهه با پله، پاگرد و پیش ورودی‌ها در خانه‌های معاصر
- ۱۶۴ (تصویر ۶-۱۹) گونه شناسی در و دیوار در خانه‌های معاصر (۷۰-۱۳۴۰)
- ۱۶۴ (تصویر ۶-۲۰) گونه شناسی نحوه استقرار درها پیرامون فضاهای مجزا (اتاق‌های خواب و سرویس‌ها) و درهم (اتاق‌های نشیمن و پذیرایی و نهار خوری و ورودی)
- ۱۶۴ (تصویر ۶-۲۱) تبدیل شدن فضای باز خصوصی به فضایی برای انبار وسایل-رشت
- ۱۶۴ (تصویر ۶-۲۲) تقلیل فضای باز مرکزی به نورگیری در داخل خانه-کرمان
- ۱۶۴ (تصویر ۶-۲۳) فضای باز تبدیل به فضایی باز در حد فاصل معبر و ساختمان شده است-شیراز
- ۱۶۵ (تصویر ۶-۲۴) الگوی نوعی طراحی واحدهای مسکونی ۳ یا ۴ طبقه، محدودیت‌ها و نقاط ضعف سازمان فضایی واحدها
- ۱۶۶ (تصویر ۶-۲۵) فقدان حریم‌های داخلی و خارجی
- ۱۶۷ (تصویر ۶-۳۶) اهمیت یافتن نقش اشیا در درون جزء‌فضاهای خانه‌های معاصر

فصل هفتم

- ۱۷۳ (تصویر ۷-۱) نمودار تفکر یکپارچه و همه جانبه نگر در طراحی سازمان فضایی خانه
- ۱۷۴ (تصویر ۷-۲) بنیادهای مفهومی طراحی بنا و اجزای آنها در معماری ایران
- ۱۸۹ (تصویر ۷-۳) دیگرام چارچوب راهبردی معیارهای طراحی خانه
- ۱۹۳ (تصویر ۷-۴) شیوه‌های تعیین قلمروهای فرد و گروه در سازمان فضایی خانه بر اساس استفاده از حریم و فضاهای بینابینی در تعریف فضاهای بسته
- ۱۹۴ (تصویر ۷-۵) محورهای تشکیل دهنده شبکه کلان و تأثیرگذار بر سازمان فضایی خانه در معماری ایران

۱۹۶	(تصویر ۶-۷) نمودار توانایی بسط فضایی، نوری و چشم اندازی با توان ترکیب جزءفضاهای خانه های تاریخی در شش جهت
۱۹۶	(تصویر ۷-۷) نمودار توانایی بسط فضایی و توانایی ترکیب جزءفضا در خانه های تاریخی در شش جهت
۱۹۸	(تصویر ۸-۷) اتود دیوار انعطاف پذیر به منظور افزایش توان تعریف و بسط فضایی، چشم اندازی و نوری جزءفضاهای خانه
۱۹۹	(تصویر ۹-۷) اتود شماره ۱، استقرار ورودی در میان ضلع شمالی
۲۰۰	(تصویر ۱۰-۷) اتود شماره ۲، استقرار ورودی در گوشه ضلع شمالی
۲۰۰	(تصویر ۱۱-۷) اتود شماره ۲، مطالعه بسط فضایی جزءفضاها
۲۰۰	(تصویر ۱۲-۷) اتود شماره ۳، ورودی در کنج ضلع شمالی و غربی با پاسیو در میانه
۲۰۰	(تصویر ۱۳-۷) اتود شماره ۴، ورودی در مرکز قسمت بسته
۲۰۰	(تصویر ۱۴-۷) اتود شماره ۵، ورودی در مرکز قسمت بسته، خانه دو طبقه
۲۰۱	(تصویر ۱۵-۷) اتود شماره ۶، ورودی در میان ضلع غربی
۲۰۱	(تصویر ۱۶-۷) در فضای پله - فضاهای مکث به اندازه فضاهای عبور مهم هستند
۲۰۱	(تصویر ۱۷-۷) اتود شماره ۱، پله
۲۰۱	(تصویر ۱۸-۷) اتود شماره ۲، پله
۲۰۱	(تصویر ۱۹-۷) اتود شماره ۳، پله
۲۰۲	(تصویر ۲۰-۷) یک پیشنهاد برای تراس و بالکن در خانه های معاصر
۲۰۳	(تصویر ۲۱-۷) اتود شماره ۱، اتاق
۲۰۴	(تصویر ۲۲-۷) اتود شماره ۲، اتاق

فهرست جداول

فصل اول

۱۲	(جدول ۱-۱) طول و عرض جغرافیایی
۱۲	(جدول ۲-۲) ویژگی های جغرافیایی - اقلیمی
۱۲	(جدول ۳-۳) ویژگی های جمعیتی - اداری

فصل دوم

۴۴	(جدول ۱-۱) روند بررسی معماری خانه های تاریخی و معاصر
----	--

فصل سوم

۵۹	(جدول ۱-۱) واژگان ساخته شده با «خانه»
----	---------------------------------------

فصل پنجم

۱۱۱	(جدول ۱-۱) نقش عناصر معماری در توانمندسازی فضا
-----	--

فصل هفتم

۱۷۶	(جدول ۱-۱) جدول بررسی تطبیقی مفاهیم و مصادیق معماری خانه های تاریخی و معاصر
۱۹۵	(جدول ۲-۲) جهات و محورهای تشکیل دهنده «شبکه فضایی هدایت گر»

فهرست منابع

۱. آتک، آرکولوگ، مهندسین مشاور، ۱۳۷۴، **طراحی در اراضی عباس آباد**؛
۲. آلیاگونولو، آدریانو و...، ۱۳۶۵، **معماری بومی**، ترجمه: علیمحمد سادات افسری، انجمن فرهنگی ایتالیا-تهران، مؤسسه علمی فرهنگی فضا؛
۳. ابوالقاسمی، لطیف، ۱۳۶۶، «**هنجار شکل‌یابی معماری اسلامی ایران**» در: معماری ایران دوره اسلامی، به کوشش محمدیوسف کیانی، انتشارات جهاد دانشگاهی؛
۴. اردلان، نادر، بختیار، لاله، ۱۳۸۰، **حس وحدت. سنت عرفانی در معماری ایرانی**، ترجمه: حمیدشاهرخ، نشر خاک؛
۵. استرلن، هانری، ۱۳۷۷، **اصفهان تصویر بهشت**، مترجم: جمشید ارجمند، نشر و پژوهش فرزانه روز؛
۶. افشار، ایرج، **گنجینه عکس‌های ایران**، نشر فرهنگ ایران؛
۷. برومبزه، کریستین، ۱۳۷۰، **مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان**، ترجمه: علاءالدین گوشه‌گیر، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛
۸. بزرگمهری، زهره، ۱۳۶۰، **هندسه در معماری ایران**، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران؛
۹. بهار، مهرداد، ۱۳۷۲، **تخت جمشید**، عکس از: نصرت‌الله کسرائیان، ترجمه: سودابه دقیقی: ناشر: نصرت‌الله کسرائیان؛
۱۰. بیابانی، غلامحسین، ۱۳۸۶، **جرم و فرهنگ**، مجموعه مقالات، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، پژوهشکده مردم‌شناسی؛
۱۱. پترسون، ساموئل، ۱۹۸۱، «**صندلی و دگرگونی در عهد قاجار**» در مجموعه مقالات: ایران، عصر جدید تقابل تداوم و تغییر، ویراستاران: مایکل بوناین و نیکی کدی؛
۱۲. پوپ، آرتوراپهام، ۱۳۶۳، **معماری ایران**، ترجمه: غلامحسین صدری افشار، انتشارات انزلی؛
۱۳. پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۶۹، **شیوه‌های معماری ایرانی**، تدوین: غلامحسین معماریان، مؤسسه نشر هنر اسلامی وابسته به معاونت امور فرهنگی و اجتماعی و هنری بنیاد مستضعفان و جانبازان؛
۱۴. پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۷۱، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، تدوین: غلامحسین معماریان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت؛
۱۵. توسلی، محمود، ۱۳۶۰، **ساخت شهری و معماری در اقلیم گرم و خشک**، انتشارات گروه شهرسازی و برنامه ریزی - دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران؛
۱۶. توسلی، محمود، بنیادی، ناصر، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، **طراحی فضای شهری**، جلدهای اول و دوم. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری؛
۱۷. حائری، محمدرضا، ۱۳۶۳، «**پویش شهرنشینی در کاشان**» در: حسامیان، فرخ و دیگران، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه؛
۱۸. حائری، محمدرضا، ۱۳۶۹، «**آوای خنیا در گنبد مینا**» در مجموعه مقالات معماری و موسیقی. مؤسسه علمی و فرهنگی فضا، نشر فضا، تهران؛
۱۹. حائری، محمدرضا، ۱۳۶۹، «**خانه‌های ایرانی در مسیر ویرانی**»، متن سخنرانی در فصلنامه معماری و شهرسازی، دوره ششم، شماره ۳۲ و ۳۱، اردیبهشت ۷۵؛
۲۰. دانش‌دوست، یعقوب، ۱۳۶۹، **طبیس شهری که بود**، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، انتشارات سروش؛
۲۱. ذکا، یحیی، ۱۳۶۹. **تهران در تصویر**، جلد اول، پژوهش: یحیی ذکا و محمدحسن سمسار؛
۲۲. رشیدی، سعدالدین، ۱۳۴۳، **شهرسازی و طرح‌ریزی شهر در ایران**، انتشارات اتحادیه، شهرداری‌های ایران؛
۲۳. رفعت‌جاه، فریمنده، ۱۳۸۲، **روند تحولات برنامه‌ریزی مسکن در دو دهه اخیر**، انتشارات چکاد و امیر بهادر؛
۲۴. رف، مایکل، ۱۳۷۳، **نقش برجسته‌ها و نجاران تخت جمشید**، ترجمه: هوشنگ غیائی‌نژاد، سازمان میراث فرهنگی؛
۲۵. سامی، علی، ۱۳۳۹، **پاسارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران**، شیراز، کتابفروشی معرفت؛
۲۶. سفردوست، احمد، ۱۳۸۴، **در جستجوی هویت شهری رشت**، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری؛
۲۷. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۰، **فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران**، دفتر پژوهش‌های فرهنگی؛
۲۸. شایگان، داریوش، ۱۳۵۵، **بتهای ذهنی و خاطره ازلی**، انتشارات امیرکبیر؛
۲۹. شایگان، داریوش، ۱۳۵۶، **آسیا در برابر غرب**، مرکز ایران مطالعه فرهنگ‌ها؛
۳۰. شایگان، داریوش، ۱۳۷۰، «**در جستجوی فضاهای گمشده**»، در فصلنامه ایران‌نامه، تحقیقات ایران‌شناسی، سال نهم، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۰؛
۳۱. شهبازی، شاپور، ۱۳۷۵، **شرح مصور تخت جمشید**، سازمان میراث فرهنگی کشور؛
۳۲. شهری، جعفر، ۱۳۶۹، **تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، زندگی، کسب‌وکار**، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا؛
۳۳. فلامکی، محمد منصور، ۱۳۵۷، **سیری در تجارب مرمت شهری: از ونیز تا شیراز**، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی؛
۳۴. فلامکی، محمد منصور، ۱۳۶۸، **بناها و شهر دامغان**، تهران، نشر فضا؛

۳۵. قزلباش، محمدرضا، ابوالضیاء، فرهاد، ۱۳۶۴، **الفبای کالبد خانه سنتی یزد**، تهران: وزارت برنامه و بودجه؛
۳۶. کخ، هایدماری، ۱۳۸۰، **از زبان داریوش!**، ترجمه: پرویز رجبی، نشر کارنگ؛
۳۷. کریمان، حسین، ۱۳۵۴، **ری باستان**، انتشارات دانشگاه ملی ایران؛
۳۸. کریمی، سمیه، ۱۳۸۶، **«فرهنگ فقر و جرم، شهرک حاشیه‌نشینی گلزار»** در مجموعه مقالات جرم و فرهنگ: صص: ۴۰ و ۴۱؛
۳۹. کسمایی، مرتضی، ۱۳۶۲، **اقلیم و معماری**، انتشارات شرکت خانه‌سازی ایران؛
۴۰. کیانی، محمد یوسف، ۱۳۶۵، **نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران**، انتشارات جهاد دانشگاهی؛
۴۱. کیانی، محمدیوسف، ۱۳۶۶، **معماری ایران، دوره اسلامی**، جلد اول، انتشارات جهاد دانشگاهی؛
۴۲. کیانی، محمدیوسف، ۱۳۶۸، **معماری ایران، دوره اسلامی**، جلد دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی؛
۴۳. کیانی، محمدیوسف، ۱۳۷۰، **شهرهای ایران**، جلد چهارم، انتشارات جهاد دانشگاهی؛
۴۴. کیانی، مصطفی، ۱۳۸۳، **معماری دوره پهلوی اول**، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران؛
۴۵. گالدیری، اوژن، ۱۳۷۰، **مسجد جامع اصفهان**، ترجمه: عبدالله جبل‌عاملی، سازمان میراث فرهنگی اصفهان؛
۴۶. گدار، آندره، ۱۳۴۵، **هنر ایران**، ترجمه: بهروز حبیبی، انتشارات دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی)؛
۴۷. گدار، آندره، گدار، یدا، ۱۳۶۶، **آثار ایران**، ترجمه: ابوالحسن سروقدمقدم، دوره دو جلدی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس، مشهد؛
۴۸. گدار، آندره، ۱۳۶۹، **طاق‌های ایران**، ترجمه: کرامت‌الله، افسر، انتشارات فرهنگسرا؛
۴۹. گروه معماری دوران تحول (دانیل، ویکتور و دیگران)، ۱۳۸۲، **معماری نیکلای مارکوف**، انتشارات دید؛
۵۰. گروه معماری دوران تحول (شافعی، بیژن و دیگران)، ۱۳۸۴، **معماری کریم طاهرزاده بهزاد**، انتشارات دید؛
۵۱. گروه معماری دوران تحول (سروش‌یانی، سهراب و دیگران)، ۱۳۸۷، **معماری وارطان هوانسیان**، انتشارات دید، تهران؛
۵۲. **گنجنامه**، ۱۳۷۷، سازمان میراث فرهنگی کشور؛
۵۳. گیرشمن، ۱۳۵۵، **ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه: دکتر محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛
۵۴. گیرشمن، ۱۳۷۲، **چغازنبیل**، جلد اول، ترجمه: اصغر کریمی، سازمان میراث فرهنگی؛
۵۵. لوکوربوزیه، ۱۳۵۴، **چگونه به مسئله شهرسازی بیندیشیم**، ترجمه: محمدتقی کاتبی، انتشارات امیرکبیر؛
۵۶. مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۶، **شرح زندگانی من**، انتشارات هرمس؛
۵۷. مصطفوی، سیدمحمدتقی، سامی، علی، ۱۳۳۴، **تخت جمشید**، شیراز؛
۵۸. مفید، حسین، رئیس‌زاده، مهناز، ۱۳۸۵، **خاطرات استاد حسین لرزاده**، انتشارات مولی، تهران؛
۵۹. معماریان، غلامحسین، ۱۳۷۲، **آشنایی با معماری مسکونی ایران**، گونه شناسی درونگرا، دانشگاه علم و صنعت ایران؛
۶۰. مهری، فرشاد، ۱۳۶۲، **تاریخ مهندسی در ایران**، بنیاد نیشابور، تهران؛
۶۱. میردامادی، محسن، ۱۳۷۳، **مقدمه‌ای بر راهوندهای شهری در ایران**، کمیته فرهنگی جامعه مشاوران ایران؛
۶۲. نجمی، ناصر، ۲۵۳۶، **دارالخلافة تهران**، انتشارات امیرکبیر؛
۶۳. نصر، سیدحسین، ۱۳۷۰، **«هنر قدسی در فرهنگ ایران»** در مجموعه مقالات جاودانگی هنر، ترجمه: سید محمد آوینی، انتشارات برگ، تهران، صص: ۴۴ و ۴۵؛
۶۴. نصر، طاهره (سها)، ۱۳۸۳، **معماری و شهرسازی شیراز (در دوره پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷)**، انتشارات روزنه کار؛
۶۵. والترز، درک، ۱۳۷۶، **فنگ-شویی**، فرهنگ زندگی و سکونت براساس حکمت چینی، ترجمه: جواد سید اشرف، چاپ اول، نشر آویژه، تهران؛
۶۶. وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۲، **زندگی جدید، کالبد قدیم**، گزیده‌ای از بناهای با ارزش تاریخی، ۳ جلد، عکاس: جاسم غضبانپور، ناشر: وزارت مسکن و شهرسازی؛
۶۷. هیلن‌برند، روبرت، ۱۳۸۳، **معماری اسلامی**، ترجمه: باقر آیت الله زاده شیرازی، انتشارات روزنه؛
۶۸. یازوسکی، هرتمن، ریچارد، آندره، ۱۳۷۵، **مبانی طراحی شهری**، ترجمه: راضیه رضازاده، مصطفی عباس‌زادگان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت؛
69. Abercrombie, Stanley, 1990, **A Philosophy of Interior Design**, Harper & Row Publishers, New York
70. Architecture Education in the Islamic world, Agakhan Award for Architecture, 1986, pp: 88-89
71. Bakhtiar, Laleh, 1976, **Sufi, Expressions of the Mystic Quest**, Thames & Hudson, , pp. 106-112
72. Deilmann, Harald & Bickenbach, Gerhard & Pfeiffer, Herbert, 1977, **Housing Groups, City Suburb Country**, Karl Kramer Verlag, Stuttgart

73. Encyclopedia,1979,**Encyclopedia of Architectural Technology** – McGraw Hill
74. Forty,Adirian, 2004, **Words and Buildings**, ,a vocabulary of modern architecture, Thames & Hudson
75. Frankl, Paul, 1986, **Principles of Architectural History**, M.I.T Press M.A
76. George, Stephen, 1973, **Remodeling Old Houses**, Without Destroying Their Character, Alfred A.Knopf, New York
77. G.L.C y, 1983, an introduction Housing Lay Out, The Architectural Press, London
78. Grabar, Oleg, 1990, **The great Mosque of Isfahan**, N.Y.U
79. **Habitat Bill of right**,1976 , Hamdami foundation, Tehran
80. Hale, Gill, 2001, **The practical Encyclopedia of Feng shui**, Hermes House
81. Hassan, Fathi, 1969, **Architecture for Poor**, The University of Chicago Press, Chicago and London
82. Henri Stierlin, 1971, **Iran of The Master Builders** Edition Sigma,
83. Herdeg, Klaus, 1990, **Formal Structure In Islamic Architecture of Iran And Turkestan**, Rizzoli, N.Y
84. Hillen Brand & John (eds), 1983, **The Role of Tradition in Qajar Religious Architecture, in Qajar Iran**, Edinbururgh,
85. Khalili, Nader, 1990, **Ceramic Houses & Earth Architecture**, Harper& Row Publishers, New York
86. Langdon, Philip, 1987, **American Houses**, Stewart Tabori & Chang, NewYork
87. Lewis, David, 1971, **The Growth of Cities**, Paul Elek, London
88. Manzel, Peter, 1995, **Material World**, a Global Family Portrait, Sierra Club Books, San Francisco
89. **Masterpieces of Iranian Architecture**, 1350, The Ministry of Development & Housing Tehran
90. Moore, Charles, et all, 1974, **The Place of House**, Holt Rinhart winston
91. Norberg Schulz, Christian, 1985, **The Concept of Dwelling**, Electa/Rizzoli, New York
92. Rapoport, Amos, 1969, **House Form and Culture**, prentice Hall
93. Rybczynski, Witold, 1987, **Home**, A Short History and an Idea, penguin Books
94. Rybczynski, Witold, 1989, **The Most Beautiful House In The World**, Viking , U.S.A
95. Salah, Said, 1964, An **Approach to Housing Design for Low Income Groups**, in Cairo, Egypt U.A.R., The Catholic University of America Press, Washington D C
96. Simple, Chic, 1993, **Home**, Thames & Hudson, London
97. Shahbazi, Shapur, 1977, **Perspolise**, Institute of Achaemanid Research Publication
98. Yarashater, Ehsan, **Encyclopedia Iranica**, Volume2, Center for Iranian Studies, Columbia University, New York, pp: 352

89	Chapter Five: Architectural Typology of Historic Houses
90	Introduction
94	Part one: Space Perception
98	Methods of Empowering Spaces
98	- Methods of Defining Space
102	- Methods of Composing Space
106	- Methods of Performing Space
109	- Architectural Elements and Methods of Empowering Space
114	- Methods of Structuring and Adaptability
116	Part Two: Spatial patterns
120	- Patterns of Open Spaces
127	- Patterns of Covered Spaces
132	- Patterns of Closed Spaces
136	Part Three: Criteria of Organizing Space in Historic Houses
141	Chapter Six: Typology of Spatial Organization of Contemporary Houses
142	Introduction
144	Part One: Spatial Organization of Contemporary Houses
145	Spatial Transformation of Space Patterns in Contemporary Houses
150	- Patterns of Open Spaces
151	- Patterns of Covered Spaces
152	- Patterns of Closed Spaces
160	Part Two: Characters of Spatial Organization of Contemporary Houses (A Comparative Study)
161	- Spatial Perception in Contemporary Houses
162	- Situation of Open, Closed, and Covered Spaces in Contemporary Houses
165	- Conception of inside (Daroun), in contemporary Houses
167	- Contemporary Houses and Life Style
169	Chapter Seven: Design Process and Criteria
171	Introduction
172	Part One: Spatial Concepts and Realization of Space in Historic and Contemporary Houses
188	Part Two: Criteria of Designing House
190	- Macro Criteria in Urban Scale
192	- Micro Criteria in Building Scale
192	- Criteria of House Design Emerging From Life Style
194	- Spatial Empowering
197	- Design Criteria of Elements Forming the Space
199	- Etude
	Appendix:
206	Proposing Complementary Research
207	Pictures
211	Tables
212	Preferences

Table of contents

Preface

1	Chapter One: Scope of the Book
5	Part one: Introducing the Research Framework
6	Part Two: Introducing Historic and Contemporary Houses
8	Part Three: Introducing Selected Cities: Population,
10	Administrative, Geographic, and Climate Specification
11	Observations
15	Chapter Two: Routes to Discovery, Methodology of Recognizing Historic and Contemporary Houses
17	Introduction
20	Part one: Perception of Architecture as a Student of Faculty of architecture in (1971-1978)
21	- Cycle Of Research: Observation, Documentation, Study, Learning, and Questioning
22	Getting to know?
24	Observing the change between “Yesterday” and Today
26	Changes in the City Materialized Outside the House
29	- Changing the Spatial Organization of Cities
30	- Different Levels of Contemporary Dwelling
32	Changes Inside Houses
35	Part Two: From Field Research to Library Study
38	Studying Architecture of House (Methodological Approach)
47	Chapter Three: Literature of House
48	Introduction
50	Part One: Transformation of Houses in Time and Place
53	- Industrialization and Transformation of Spatial Organization of Houses in Europe
53	- Transformation of Spatial Organization of Houses in Contemporary Iran
55	Part Two: House in Persian Literature
59	- House in Lexicon
60	- Spatial Division of House and Customs of Dwelling
61	- Role of Objects in Houses
61	- “House” in Persian Literature
62	- Historical Characters of Iranian Architect
63	Chapter Four: Life Style and Spatial Organization of Historic and Contemporary Houses
65	Introduction
66	Part one: Interviewing with Residents of Historic Houses
71	Part one: Interviewing with Residents of Contemporary Houses
73	- Conclusions Derived From Our Survey
81	Part Three: Interviewing with the Youth
82	- Five Proposed Topics
83	- Questions
86	Part Four: House and Life Style
88	- Life Style and Contemporary Houses

Authors Note

This book studies the subject of House in Iran before 1920 and after 1960.

In the period from 1960 to the publication of this book (2009) deep economic, social, and cultural changes have taken place as Iranian cities have greatly expanded. Before 1920 a major portion of the country's resources and capitals, both natural and manufactured (architecture and urban heritage of Iran), were spent in developing the contemporary cities. Subsequently a great number of buildings, especially houses built before 1920, were torn down for the sake of "development, progress and flourish." The parcels of land on which the so-called contemporary houses were built thus incurred high commercial and service values, and changed the indigenous face of the cities. The generations born in the 1980s, 1990's, and since then have been increasingly removed from life in Iranian indigenous houses and cities. They have little or no experience of living in such houses and city environment. Having been cut off from the past and finding it very hard to find suitable dwelling, due to artificially created price hikes, have created disorientation on the one hand and deep dissatisfaction of the quality of life on the other hand among the residents of houses in contemporary Iranian cities. Recognizing and acknowledging the reasons of such discontentment make it possible to intelligently address the problem.

This book is a step toward a novel recognition of the specificities of indigenous architecture of Iranian houses in order to suggest new grounds for resurrecting contemporary architecture of Iranian house. It pays attention to recognizing the general discontent of residents of contemporary houses from the point of view of architecture of houses in cities in Iran. It argues that it would be possible to combine talent and knowledge to fulfill the desire and need of the present generation who seek real changes in the existing housing situation.

Steps have been taken to recognize the specificities of architecture of Iran and many more steps remain to be taken to exploring more innovative and culturally appropriate ways. What the author has in mind, with respect to contemporary architecture of Iran, is resurrecting the indigenous knowledge and the organization of space based on the day-to-day needs and necessities of the present.

In doing so, it is hoped to benefit the environmental needs of this diverse land through using the indigenous architectural knowledge and that of the modern world. Knowledge of the past forms an essential part of our cultural heritage, providing us with national capital necessary for provisions for realizing the goals mentioned above. Culture, has been defined as rooted in the past, and Iranians enjoy a long history with rich culture and civilization. It is thus essential for our young generation to know their architectural heritage and culture.

In this book we explore the following questions:

1. How do we recognize the indigenous architecture of Iran? (Chapter 2)
2. How and on what criteria was the spatial organization formed in Iranian houses? (chapter 4&5)
3. How is the spatial organization organized in contemporary houses and what are the factors guiding it? (chapter 6)
4. Does the architecture of Iran have the capacity of contemporization, with the possibility to finding guidelines to design houses based on indigenous architecture of Iran? (chapter 7)

House in **Culture & Nature** of Iran

**A Study of Architecture of Historic and Contemporary Houses
to Compile the Process of House Design**

Mohammad Reza Haeri